



جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای

(نشریه علمی)

سال نوزدهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۳۶

- ۱. تحلیل بر آسیب‌پذیری بافت‌های تاریخی - فرهنگی بازارهای سنتی در شهرهای ابرقی - اسلامی (نمونه موردی: بازار شهر اصفهان) علی زنگی‌آبادی، سارا میرزایی
- ۲۵. عوامل مؤثر در تقویت فضاهای عمومی در روستاهای استان لرستان زهرا شریفی‌نیا، سمیه حق نظری
- ۵۳. شناسایی عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری شهری با رویکرد مدل‌سازی ساختاری - تفسیری ISM (نمونه موردی: شهر ایلام) فاطمه پیری، سعید ملکی، زهرا عابدی
- ۸۹. سازگاری و هویت مکانی مهاجران: روابط و تعدیل‌گرها (مطالعه موردی: مهاجران ساکن شهر اصفهان) رعنا شیخ بیگلر، زهرا سلطانی
- ۱۱۹. تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه اقتصادی در روستاهای مرزی غرب ایران (مطالعه موردی: شهرستان مریوان) سیدهادی طیب‌نیا، رضا خسروبیگی، بزرگ‌لویس
- ۱۴۵. تحلیل اثرات توانمندی اجتماعی بر بهبود مشارکت سیاسی زنان روستایی (مطالعه موردی: شهرستان تبریز) وکیل حیدری ساریان
- ۱۷۷. فراتحلیل کیفی روش و نتایج پژوهش‌های مرتبط با بازارچه‌های مرزی در ایران محسن جان‌پرور، ساجد بهرامی جاف، ریحانه صالح‌آبادی، دریا ملازندان
- ۲۰۵. تحلیل رقابت‌پذیری شاخص‌های بهداشتی - درمانی استان‌های کشور با استفاده از تکنیک مایاک رباب حسین‌زاده
- ۲۳۵. تحلیل سناریوهای مؤثر بر تحولات پذیرش مؤلفه‌های شهر شاد (مطالعه موردی: شهر ارومیه) حسن حکمت‌نیا، میر نجف موسوی، محمد رسولی، شرازه سعیدپور
- ۲۳۴. تحلیلی بر اقدامات مرزی و ارائه الگوی مناسب برای جلوگیری از قاچاق مواد مخدر (مورد مطالعه: استان سیستان و بلوچستان) امین هنرجو، حجت مهکویی، مهدی مؤمنی، امیر گندمکار
- ۲۹۴. تحلیل نابرابری فضایی سکونتگاه‌های رسمی و غیررسمی محلات منطقه دو شهر تهران احمد پوراحمد، حسین حاتمی‌نژاد، شهرام چرخان
- ۳۲۱. تدوین و تبیین الگوی گردشگری کارآفرینی در پاندمی کووید ۱۹ (مورد مطالعه: استان‌های آذربایجان شرقی و غربی) مسلم سلیمان‌پور، محمدتقی امینی، یزدان شیرمحمدی، علی شاه نظری

ISSN: ۲۰۰۸-۱۳۹۱

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای

سال نوزدهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۳۶



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای

(نشریه علمی)

سال نوزدهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۳۶

صاحب امتیاز: دانشگاه فردوسی مشهد

مدیر مسئول: دکتر محمد رحیم رهنما

سرمدیر: دکتر حمید شایان

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

محمدعلی احمدیان - دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد (دکترای جغرافیای شهری و ناحیه‌ای)
 عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری - استاد دانشگاه تربیت مدرس (دکترای جغرافیا و برنامه ریزی روستایی)
 سیدرضا حسین‌زاده - دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جغرافیای طبیعی - ژئومورفولوژی)
 کریم حسین‌زاده دلیر - استاد دانشگاه تبریز (دکترای جغرافیای شهری)
 محمدرحیم رهنما - استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
 محمدجعفر زمردیان - دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جغرافیای طبیعی - ژئومورفولوژی)
 حمید شایان - استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جغرافیای روستایی)
 حسن کامران - دانشیار دانشگاه تهران (دکترای جغرافیای سیاسی)
 عزت‌الله مافی - دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جغرافیای شهری)
 سیدحسن مطیعی لنگرودی - استاد دانشگاه تهران (دکترای جغرافیای روستایی)
 سعدالله ولایتی - استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای زمین‌شناسی)

مقالات نمودار آرای نویسندگان است و به ترتیب وصول و تصویب درج می‌شود.

مدیر داخلی: دکتر رضا دوستان ویراستار ادبی متن مقالات: فاطمه سیدی فرخند ادیت و سرچ منابع به لحاظ apa: دکتر سیده مریم فضائلی

مترجم انگلیسی: مرکز ویراستاری انگلیسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی ویراستار این شماره: عبدالله نوروزی

کارشناس اجرایی دفتر مجله: زهرا بنی‌اسد حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: الهه تجویدی شماره‌گان: ۳۰ نسخه

نشانی: مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، کد پستی ۹۱۷۹۴۸۸۳، شماره: ۸۷۹۴۱۴۴ (۰۵۱۱)

بها: داخل کشور: ۲۰۰۰۰ ریال (تک‌شماره) خارج کشور: ۲۵ دلار (آمریکا-سالانه)، ۲۰ دلار (سایر کشورها-سالانه)

نشانی اینترنتی: E-mail: JRD@Ferdowsi.um.ac.ir http://jgrd.um.ac.ir/

شماره‌ی پروانه: ۱۳۴/۲۷- این مجله در نشست کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور مورخ ۱۳۴۱/۸، رتبه علمی- پژوهشی دریافت نموده است.

بر اساس مصوبه وزارت عتف از سال ۱۳۹۸، کلیه نشریات دارای درجه "علمی- پژوهشی" به "نشریه" علمی "تغییر نام یافتند.

این مجله در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

- پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)
- پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)
- پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شرایط تدوین مقاله

به منظور ایجاد تسهیل در روند داوری و چاپ مقالات، از کلیه ی پژوهشگران که مایل به چاپ مقالات علمی خود در این نشریه اند، خواهشمند است به نکات زیر توجه نمایند در غیر این صورت مقاله به نویسنده عودت داده خواهد شد:

۱. دریافت مقاله صرفاً از طریق سامانه مجله (<https://jgrd.um.ac.ir>) خواهد بود و مجله از پذیرش مقالات دستی یا پستی معذور خواهد بود.

۲. مقاله ارسالی نباید قبلاً در هیچ یک از نشریات داخلی یا خارجی چاپ شده باشد. هیئت تحریریه مجله، انتظار دارد نویسندگان محترم تا زمانی که جواب پذیرش از نشریه نرسیده است، مقاله خود را به مجله دیگری برای چاپ ارسال نمایند.

۳. مقالات فارسی با قلم لوتوس نازک ۱۳ و مقالات انگلیسی با قلم نازک Times New Roman 11 با نرم افزار Word تحت Windows XP تهیه شود. مقالات روی کاغذ A4 (با حاشیه از بالا ۵/۵ و پایین ۵/۵ و راست ۴ و چپ ۴ سانتی متر) تایپ شده و فواصل بین خطوط به صورت single باشد.

۴. حجم مقاله نباید حداکثر بیست و پنج صفحه چاپی به قطع نشریه بیشتر شود (با احتساب فضای مورد نیاز برای جداول، اشکال، خلاصه، نتایج و فهرست منابع).

۵. برای مقالات فارسی، عنوان مقاله با در نظر گرفتن فواصل بین کلمات نباید از ۶۰ حرف بیشتر شود و با قلم لوتوس سیاه ۱۳ تایپ شود.

۶. مشخصات مقاله: نام نویسنده(گان) مقاله با قلم B لوتوس سیاه ۱۰، عنوان علمی یا شغلی او نیز با قلم B لوتوس سیاه ۱۰ و آدرس الکترونیکی نویسنده با قلم Times New Roman 9 باید در زیر عنوان مقاله به صورت وسط چین ذکر شود. ضمناً شماره تلفن تماس و ایمیل نویسنده مسئول مکاتبات در پاورقی آورده شود.

* لازم به ذکر است که بعد از ارسال مقاله به مجله امکان تغییر و یا جابجایی نویسندگان وجود نخواهد داشت.

۷. برای مقالات انگلیسی، عنوان با قلم Times New Roman 12، نام نویسنده مقاله با قلم سیاه Times New Roman 10، عنوان علمی یا شغلی او با قلم Times New Roman 10 در زیر عنوان مقاله ذکر شود.

۸. چکیده مقاله برای مقالات فارسی با قلم B لوتوس نازک ۱۲ و برای مقالات انگلیسی با قلم نازک Times New Roman 12 به صورت تک ستونی صرفاً در یک پاراگراف ارائه شود.

۹. اشکال و نمودارهای مقاله حتماً اصل بوده و دارای کیفیت مطلوب باشد. فایل اصلی اشکال (تحت PDF، Word، Excel) و با دقت 600 dpi ارائه گردد. اندازه قلم‌ها به ویژه در مورد منحنی ها (legend) به گونه‌ای انتخاب شوند که پس از کوچک شدن مقیاس شکل برای چاپ نیز خوانا باشند (زیرنویس اشکال، B لوتوس سیاه ۱۲).

۱۰. در متن مقاله به شماره عکس‌ها، جداول و نمودارها اشاره شود و محل تقریبی آنها مشخص گردد.

در تنظیم جداول، منحنی‌ها، اشکال و تصاویر، رعایت نکات زیر الزامی است:

الف- اطلاعات جداول نباید به صورت منحنی و یا به شکل دیگر در مقاله تکرار شوند. شماره و عنوان در بالای جدول ذکر گردد.

ب- هر ستون جدول باید دارای عنوان و واحد مربوط به خود باشد، چنانچه تمام ارقام جدول دارای واحد یکسان باشند، می توان واحد را در عنوان جدول ذکر نمود.

ج- توضیحات اضافی عنوان و متن جدول، به صورت زیرنویس ارائه گردد. نتایج بررسی های آماری، باید به یکی از روش های علمی در جدول منعکس شود و در هر صفحه نباید بیش از دو جدول آورده شود.

د- شکل های هر مقاله شامل منحنی، نمودار، عکس و نقشه بوده و همه به طور یکسان به عنوان شکل شماره گذاری می شوند. شکل ها باید بصورت رنگی یا سیاه و سفید و با کیفیت مناسب و مطلوب تهیه شود و شماره و عنوان آنها در بالا بیاید. عکس ها باید واضح، مطالب آنها خوانا و دارای مقیاس باشند. ذکر مأخذ عکس ها یا شکل هایی که از منابع دیگر اقتباس شده اند الزامی است.

۱۱. معادل انگلیسی واژه های مهم در داخل متن با شماره گذاری مستقیم برای هر صفحه، در پاورقی آورده شود.

۱۲. ساختار مقاله شامل عناصر زیر است:

۱-۱۲. **صفحه عنوان:** در صفحه شناسنامه باید عنوان مقاله، نام و نام خانوادگی نویسنده (گان) درجه علمی، نشانی دقیق شامل: (کد پستی، تلفن، دورنگار و پست الکترونیکی، محل انجام پژوهش، مسئول مقاله و تاریخ ارسال) درج شود. نویسنده مسئول باید با علامت ستاره مشخص شود.

۲-۱۲. **چکیده:** شامل چکیده فارسی و انگلیسی مقاله و واژگان کلیدی (سه تا شش کلمه) است. حتی الامکان چکیده مقاله از ۳۰۰ کلمه بیشتر نباشد و بیانگر طرح مسأله، روش تحقیق، ابزار جمع آوری داده ها، تکنیک به کار رفته، یافته ها و نتیجه گیری باشد. چکیده انگلیسی و فارسی در مطابقت کامل با یکدیگر تهیه شود.

۳-۱۲. **مقدمه:** که در بر گیرنده طرح مسأله، اهمیت و ضرورت، اهداف، سوابق تحقیق می باشد.

۴-۱۲. **مواد و روش ها:** که در بر گیرنده محدوده و قلمرو پژوهش، روش تحقیق و مراحل آن (روش تحقیق، جامعه آماری، روش نمونه گیری، حجم نمونه و روش تعیین آن، ابزار گردآوری داده ها و اعتبارسنجی آنها)، سؤال ها و فرضیه ها، معرفی متغیرها و شاخص ها کاربرد روش ها و تکنیک ها می باشد.

۵-۱۲. **مفاهیم، دیدگاه ها و مبانی نظری:** که در بر گیرنده تعاریف و مفاهیم، دیدگاه ها و مبانی نظری، و ... می باشد.

۶-۱۲. **یافته ها:** ارائه نتایج دقیق یافته های مهم با رعایت اصول علمی و با استفاده از جداول و نمودارهای لازم.

۷-۱۲. **بحث و نتیجه گیری:** متضمن آثار و اهمیت یافته های پژوهش و یافته های پژوهش های مشابه دیگر، با تأکید بر مغایرت ها و علل آن، توضیح قابلیت تعمیم پذیری و کاربرد علمی یافته ها و ارائه رهنمودهای لازم برای ادامه پژوهش در ارتباط با موضوع، نتیجه گیری و توصیه ها و پیشنهادهای احتمالی.

۸-۱۲. **تشکر و قدردانی:** قبل از منابع مورد استفاده ارائه شده و از ذکر افراد (شامل: دکتر، مهندس و...) خودداری شود.

۱۳. **نحوه ارجاعات:** منابع و مأخذ باید به صورت درون متنی و همچنین در پایان مقاله ذکر شود. دقت شود که ارجاعات داخل متن به لحاظ تعداد و محتوی منابع همخوانی داشته باشد.

۱-۱۳. ارجاعات در متن مقاله باید به شیوه داخل پرانتز (APA) باشد، به گونه ای که ابتدا نام مؤلف یا مؤلفان، سال انتشار و صفحه ذکر شود. شایان ذکر است که ارجاع به کارهای چاپ شده به همان زبان اصلی (فارسی یا انگلیسی) باشد. به عنوان نمونه: (ولایتی، ۱۳۸۷: ۵۰) یا (Woods, 2005: 8) و این حالت برای دو نویسنده نیز صادق می باشد اما برای ارجاعاتی که

بیش از دو نویسنده دارند نام خانوادگی نفر اول آمده و از واژه همکاران به جای سایر نویسندگان استفاده شود؛ به عنوان نمونه برای منابع فارسی (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۱) برای منابع لاتین نیز (Gilbert et al, 1994:76)

۲-۱۳. در پایان مقاله، منابع مورد استفاده در متن مقاله، به ترتیب الفبایی نام خانوادگی نویسنده، به شرح زیر آورده شود:

نمونه فارسی:

۱. نام خانوادگی، نام نویسنده یا نویسندگان (سال انتشار)؛ عنوان کتاب (به صورت ایتالیک باشد)؛ شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار، نام ناشر. نحوه درج در فهرست منابع و مأخذ به ترتیب حروف الفبا خواهد بود.

مثال برای کتاب: توسلی، محمود (۱۳۸۶)؛ اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران؛ مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، جلد اول، چاپ چهارم، تهران.

۲. مثال برای نشریه: نام خانوادگی، نام نویسنده یا نویسندگان (سال انتشار)؛ عنوان مقاله؛ نام نشریه (به صورت ایتالیک باشد)، دوره، محل انتشار.

مثال برای مقاله: سرور، رحیم (۱۳۸۳)؛ استفاده از AHP در مکانیابی جغرافیایی (مطالعه موردی: مکانیابی جهت توسعه آتی شهر میاندوآب)؛ مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۹، صص ۱۹-۳۸.

۱۴. نقل قول‌ها - مستقیم و غیر مستقیم - نقل به مضمون و مطالب استنتاج شده از منابع و مأخذ، با حروف نازک و استفاده از نشانه‌گذاری‌های مرسوم، مشخص شود و نام صاحبان آثار، تاریخ، و شماره صفحات منابع و مأخذ، بلافاصله در میان پرانتز نوشته شود.

۱۵. مقالات برگرفته از رساله و پایان‌نامه دانشجویان با نام دانشجو، استاد راهنما و مشاوران و با مسئولیت استاد راهنما انتشار می‌یابد.

۱۶. چنانچه مخارج تحقیق یا تهیه مقاله توسط مؤسسه‌ای تأمین مالی شده باشد، باید نام مؤسسه در صفحه اول درج شود.

۱۷. شیوه ارزشیابی مقالات: مقالات ارسالی که شرایط پذیرش از جنبه‌های نوآوری در حوزه نظریه و روش‌شناختی کاربردی، شرایط لازم را احراز نمایند، برای داوران خبره در آن موضوع ارسال می‌شوند. داوران محترم، جدای از ارزشیابی کیفی مقالات، راهبردهای سازنده‌ای پیشنهاد می‌کنند. پیشنهادهای داوران محترم به طور کامل، اما بدون نام و نشان داور، برای نویسنده مقاله ارسال خواهد شد.

۱۸. فایل‌های ضروری برای ارسال از طریق سامانه عبارتند از:

الف) فایل مربوط به مشخصات کامل نویسندگان (شناسنامه مقاله) متناسب با بند ۶ شرایط تدوین مقاله به صورت word در یک صفحه

ب) فایل اصلی مقاله: یک نسخه word و pdf از متن اصلی مقاله بدون اسامی و مشخصات نویسندگان و بدون چکیده انگلیسی.

ج) فایل مربوط به چکیده مقاله: یک نسخه word از چکیده مبسوط انگلیسی به همراه متن فارسی آن بر اساس بنده

۲-۱۲ تنظیم و ارسال گردد

۱۹. مجله حق رد یا قبول و نیز ویراستاری مقالات را برای خود محفوظ می‌دارد و مقالات مسترد نمی‌شود. اصل مقالات رد یا انصراف داده شده پس از سه ماه از مجموعه ی بایگانی مجله خارج شده و مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای هیچ مسئولیتی در این ارتباط نخواهد داشت.

۲۰. مسئولیت ارائه صحیح مطالب مقاله بر عهده نویسندگان است. از این‌رو، نسخه‌ای از مقاله آماده چاپ برای انجام آخرین تصحیحات احتمالی به نشانی الکترونیکی نویسنده مسئول ارسال خواهد شد. چنانچه ظرف مدت یک هفته پاسخی از سوی نویسندگان دریافت نگردد به معنای انصراف قلمداد شده و به شماره‌های آتی موکول خواهد شد و چنانچه پاسخی دوباره دریافت نشود مقاله از اولویت چاپ در مجله خارج می‌شود.

آدرس پستی: مشهد، میدان آزادی، پردیس دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دفتر مجله جغرافیا و توسعه

ناحیه‌ای - کد پستی ۹۱۷۷۹۴۸۸۳ و نمابر: ۰۵۱۳۸۸۰۷۰۶۰ تلفن: ۰۵۱۳۸۸۰۶۷۳۴

پست الکترونیکی E-mail:jrd@Ferdowsi.um.ac.ir

داوران این شماره به ترتیب حروف الفبا

دکتر سیروس احمدی نوحدانی (استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس)
دکتر روح اله اسدی (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر امیر اشنویی نوش آبادی (استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه لرستان)
دکتر علی اکبر تقی لو (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه ارومیه)
دکتر علی اکبر تقی پور (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه دامغان)
دکتر محسن جان پرور (استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر مهدی جوانشیری (دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر محمد حجی پور (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه بیرجند)
دکتر امیررضا خاوریان گرمسیر (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه اصفهان)
دکتر فروغ خزاعی نژاد (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه کوثر بجنورد)
دکتر امین دهقانی (استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه جیرفت)
دکتر ابراهیم رومینا (دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس)
دکتر احمد رومیانی (دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر سعید زنگنه شهرکی (دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تهران)
دکتر حمدالله سجاسی قیداری (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر طاهره صادقلو (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر شیرین صباغی آبکوه (دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر فروزان طاهری (دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر یونس غلامی (استادیار گروه جغرافیا و اکوتوریسم دانشگاه کاشان)
دکتر مریم قاسمی (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر مجید گودرزی (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهیدچمران اهواز)
دکتر رضا مختاری ملک آبادی (دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه پیام نور تهران)



- ۱..... ■ تحلیلی بر آسیب‌پذیری بافت‌های تاریخی - فرهنگی بازارهای سنتی در شهرهای ایرانی-اسلامی (نمونه موردی: بازار شهر اصفهان)
- علی زنگی‌آبادی، سارا میرزایی
- ۲۵..... ■ عوامل مؤثر در تقویت فضاهای عمومی در روستاهای استان لرستان
- زهره شریفی نیا، سمیه حق نظری
- ۵۳..... ■ شناسایی عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری شهری با رویکرد مدل‌سازی ساختاری - تفسیری ISM (نمونه موردی: شهر ایلام)
- فاطمه پیری، سعید ملکی، زهرا عابدی
- ۸۹..... ■ سازگاری و هویت مکانی مهاجران: روابط و تعدیل‌گرها (مطالعه موردی: مهاجران ساکن شهر اصفهان)
- رعنا شیخ بیگلر، زهرا سلطانی
- ۱۱۹..... ■ تحلیل عوامل مؤثر بر تنوع‌بخشی اقتصادی در روستاهای مرزی غرب ایران (مطالعه موردی: شهرستان مریوان)
- سیدهادی طیب‌نیا، رضا خسروبیگی بزرجلویی
- ۱۴۵..... ■ تحلیل اثرات توانمندی اجتماعی بر بهبود مشارکت سیاسی زنان روستایی (مطالعه موردی: شهرستان تبریز)
- وکیل حیدری ساریان
- ۱۷۷..... ■ فراتحلیل کیفی روش و نتایج پژوهش‌های مرتبط با بازارچه‌های مرزی در ایران
- محسن جان‌پرور، ساجد بهرامی جاف، ریحانه صالح‌آبادی، دریا مازندرانی
- ۲۰۵..... ■ تحلیل رقابت‌پذیری شاخص‌های بهداشتی - درمانی استان‌های کشور با استفاده از تکنیک ماباک
- رباب حسین‌زاده
- ۲۳۵..... ■ تحلیل سناریوهای مؤثر بر تحقق‌پذیری مؤلفه‌های شهر شاد (مطالعه موردی: شهر ارومیه)
- حسن حکمت‌نیا، میر نجف موسوی، محمد رسولی، شراره سعیدپور
- ۲۶۳..... ■ تحلیلی بر اقدامات مرزی و ارائه الگوی مناسب برای جلوگیری از قاچاق مواد مخدر (مورد مطالعه: استان سیستان و بلوچستان)
- امین هنرجو، حجت مهکویی، مهدی مؤمنی، امیر گندمکار
- ۲۹۳..... ■ تحلیل نابرابری فضایی سکونتگاه‌های رسمی و غیررسمی محلات منطقه دو شهر تهران
- احمد پوراحمد، حسین حاتمی‌نژاد، شهرام چرخان
- ۳۲۱..... ■ تدوین و تبیین الگوی گردشگری کارآفرینی در پاندمی کووید ۱۹ (مورد مطالعه: استان‌های آذربایجان شرقی و غربی)
- مسلم سلیمان‌پور، محمدتقی امینی، یزدان شیرمحمدی، علی شاه نظری



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

doi : <https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2021.48924.0>

مقاله پژوهشی - مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال نوزدهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۳۶

تحلیلی بر آسیب‌پذیری بافت‌های تاریخی - فرهنگی بازارهای سنتی در شهرهای ایرانی - اسلامی (نمونه موردی: بازار شهر اصفهان)

علی زنگی‌آبادی (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، نویسنده مسئول)

a.zangiabadi@geo.ui.ac.ir

سارا میرزایی (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران)^۱

saramirzaei2020@gmail.com

صص ۲۳ - ۱

چکیده

هدف اصلی از این پژوهش، ارزیابی آسیب‌پذیری بافت تاریخی - فرهنگی بازار شهر اصفهان و محدوده پیرامون آن در مواقع بروز بحران می‌باشد. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی و پیمایشی است. قلمرو پژوهش از بازارچه حسن‌آباد در جنوب شرق میدان امام تا بازار مجاور مسجد جامع در شمال غربی این محدوده از شهر اصفهان است. این محدوده در ادبیات برنامه‌ریزی شهری اصفهان به‌عنوان محور فرهنگی شهر شناخته می‌شود. داده‌های موجود با برداشت میدانی واحد به واحد حجره‌های تجاری و تمام عناصر تاریخی و نیز منابع کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شد. سپس با اجرای داده‌ها بر روی نقشه‌های مبنای شهرداری اصفهان و استفاده از شش شاخص فرسودگی، قدمت، تراکم جمعیت، تراکم ساختمانی، تعداد طبقات و ریزدانگی بافت در تعیین میزان آسیب‌پذیری محدوده مورد مطالعه، وضعیت محدوده

۱ مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده دوم، با عنوان «مدیریت بحران و پدافند غیر عامل در محور تاریخی - فرهنگی بازارهای سنتی (نمونه موردی: بازار شهر اصفهان)»، می‌باشد.

از نظر میزان آسیب‌پذیری در محیط Arc GIS و با استفاده از الحاقیه Spatial Analyst، مشخص شد. یافته‌های تحقیق نشان داد قدمت حدود ۷۰ درصد از بناهای پیرامون بازار بیش از ۳۰ سال است. این قدمت در مورد بازار اصفهان به بیش از ۳۰۰ سال می‌رسد. کیفیت کالبدی این عرصه نیز نامناسب است. بافت بازار ریزدانه است و این ویژگی، آسیب‌پذیری را افزایش می‌دهد. شبکه دسترسی در محدوده بازار کارایی لازم را ندارد و به دلیل کم‌بودن عرض معابر و تراکم بیش از حد انسان، وسایل نقلیه و کالا، در مواقع بحران، آسیب‌پذیری بازار به شدت افزایش می‌یابد و امداد را با مشکل جدی مواجه می‌سازد. موارد فوق در صورت بروز بحران به معضلات امنیتی نیز دامن می‌زند. براساس یافته‌های پژوهش و نقشه آسیب‌پذیری بازار مشخص شد، بافت بازار و محدوده اطراف آن در مواقع بروز بحران آسیب‌پذیری بالایی دارد و مهم‌ترین عامل تشدیدکننده آسیب‌پذیری بازار، کیفیت و قدمت ابنیه و شبکه دسترسی ناکارآمد است.

کلیدواژه‌ها: اصفهان، آسیب‌پذیری، بازارهای سنتی، بافت‌های تاریخی - فرهنگی، مدیریت بحران.

۱. مقدمه

امروزه موضوع بافت‌های تاریخی از نگاه فرهنگی، هنری و تاریخی مطلق فراتر رفته و اهمیت تداوم آن به مثابه یک جریان زندگی مداوم مطرح شده است. صرف‌نظر از عامل زمان به عنوان مهم‌ترین عامل فرسایش طبیعی، یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که بافت تاریخی در ایران با آن روبرو است، بحران زلزله و پیامدهای ویرانگر ناشی از آن است (ابویی و دانایی-نیا، ۱۳۹۰، ص. ۵۴). برخی از وجوه تمایز بافت تاریخی در قیاس با دیگر بخش‌های شهر در مواقع بروز بحران را می‌توان چنین برشمرد: ۱. در صورت وقوع زلزله، بافت جدید قابلیت جابجایی دارد، اما بافت تاریخی بنابر مقتضیات تاریخی و فرهنگی قابل جابجایی نیست و در صورت اجبار به چنین امری، ارزش‌های مکانی آن تحت الشعاع قرار گرفته و اصالت خود را از دست می‌دهد. ۲. خدمات‌رسانی به بافت تاریخی نیازمند اتخاذ تدابیر خاصی است. این تدابیر از فناوری ابزاری تا مدیریت منابع را در بر می‌گیرد. ۳. جریان بازگشت به زندگی در

بافت تاریخی عبارت است از تقویت روحیه اجتماعی مردم و بازتولید فرهنگی ارزش‌های از دست رفته، اما در بافت جدید اصلاح چنین جریان‌های پایداری به دلیل غریبه بودن ساکنین و قلت چنین قرابت‌هایی، گاهی فراموش می‌شود. ۴. مقیاس تخریب و حجم چالش‌ها در بافت تاریخی و بافت جدید قابل مقایسه نیست. به‌طور مثال، پس از وقوع هر زلزله در بافت تاریخی، به دلیل آنکه سازه بیشتر ساختمان‌ها به‌ویژه در پهنه‌های مرکزی ایران خشتی است، امکان وضوح دید تا ساعت‌ها وجود ندارد و علیرغم حیاتی بودن امداد و نجات در ساعات اولیه بحران، عملاً امدادرسانی با مشکلات خاصی روبرو می‌شود (همان: ۵۴).

در ریخت‌شناسی تاریخی ایران، بازار جزئی لاینفک است که هسته و محور اصلی شهر را تشکیل می‌دهد و استخوان‌بندی و گسترش شهر را هدایت می‌نموده است (شفقی، ۱۳۸۰، ص. ۲۲). بازار در مطالعات شهری ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سیستم‌های اجتماعی و فضایی در شهرهای ایرانی و اسلامی، در نظر گرفته می‌شود (مسعودی نژاد، ۲۰۰۵، ص. ۱۸۷). بازار اصفهان نیز یکی از بزرگ‌ترین و جالب‌ترین بازارهای شهرهای ایران و حتی جهان اسلام به‌شمار می‌رود (شفقی، ۱۳۸۰، ص. ۲۲). باتوجه به اینکه شهر اصفهان و حومه در تقسیمات ساختاری زمین‌ساختی ایران در زون سندج - سیرجان قرار گرفته و همواره احتمال وقوع زلزله در این زون وجود دارد، باید پذیرفت که با وجود زلزله‌خیزبودن این شهر و در نظر گرفتن کیفیت ساختمان‌ها به‌خصوص در بافت‌های کهن و اُرگانیک و نیز سایر ویژگی‌ها از قبیل شبکه دسترسی و ساختمان‌ها و نابسامانی‌های کالبدی، وقوع یک زلزله بزرگ، آتش‌سوزی و یا سایر بلایای طبیعی بسیار مصیبت بار خواهد بود (عزیزپور، زنگی‌آبادی و اسماعیلیان، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۹).

مقاوم‌سازی بازارهای تاریخی شهرهای ایران، برای حفظ ارزش‌های ملی و ثروت‌های فرهنگی-تاریخی و افزایش ضریب ایمنی آن‌ها در مقابل بلایای طبیعی به‌ویژه زلزله و تأمین امنیت اجتماعی از ضروریات شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری امروز ایران محسوب می‌شود. متأسفانه در بسیاری از موارد، شاهد مرمت و بازسازی بناهای تاریخی هستیم بی‌آنکه مطالعات آسیب‌شناسی صورت گرفته باشد، لکن با در نظر گرفتن این امر که تنها راه‌حل خروج از بسیاری از معضلات بازارهای سنتی، بررسی همه‌جانبه آن و شناخت مشکلات موجود و پدافند

غیرعامل پیش از هرگونه بحران است، می‌توان این مسئله را «فرصتی» ارزشمند نیز قلمداد کرد، فرصتی که در صورت اعمال سیاست‌های صحیح شهری می‌تواند تحولی اساسی در جهت توسعه پایدار شهری به‌همراه داشته باشد (میرزایی، ۱۳۹۲، ص. ۱). پیشگیری از وقایعی همچون پلاسکوی تهران در بازار اصفهان به دلیل ارزش تاریخی آن بسیار جدی‌تر است؛ لذا به دلیل اهمیت موضوع، در این پژوهش به مطالعه وضعیت آسیب‌پذیری بازار اصفهان پرداخته شده است.

فرضیه پژوهش عبارت است از: بازار سنتی اصفهان و محدوده اطراف آن در مواقع بروز بحران، آسیب‌پذیری بالایی دارد. سؤال پژوهش عبارت است از: کدام پهنه‌ها در مواقع بروز بحران از آسیب‌پذیری بالایی دارد؟ هدف اصلی از پژوهش حاضر، ارزیابی آسیب‌پذیری محدوده بازار شهر اصفهان و پیرامون آن و میزان مقاومت آن‌ها در مواقع بروز بحران می‌باشد. اهداف فرعی این پژوهش نیز عبارتند از: تحلیل کالبدی محور تاریخی - فرهنگی بازار اصفهان، تعیین پهنه‌های با احتمال ضریب بالا و بررسی وضعیت آسیب‌پذیری آثار و بناها در مواقع بروز بحران، ارائه راهکارهایی مؤثر در جهت کاهش خسارات ناشی از بحران‌ها با رویکرد پدافند غیرعامل.

۲. پیشینه تحقیق

پژوهش‌هایی در زمینه تحلیل آسیب‌پذیری بافت‌های قدیمی شهری صورت گرفته، اما در زمینه آسیب‌پذیری بازارهای شهری و به‌ویژه بازار سنتی شهر اصفهان پژوهشی جامع انجام نشده است؛ لذا در این قسمت به برخی پژوهش‌های صورت گرفته اشاره می‌شود.

جدول ۱- بررسی پیشینه پژوهش

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶

نام نویسنده	موضوع	نتایج
غفوری و آشتیانی (۱۹۹۹)	عملیات نجات و بازسازی در ایران درمواقع بروز بحران	به بررسی وضعیت لرزه‌خیزی ایران، وضعیت موجود سیستم مدیریت بحران در کشور، چگونگی عملیات امداد و نجات، ساخت سکونتگاه‌های موقت، بازسازی مناطق آسیب‌دیده، تجربیات بازسازی حوادث اخیر و در نهایت استراتژی عملیات بازسازی مناطق زلزله‌زده با نمونه موردی

نام نویسنده	موضوع	نتایج
		(بجنورد) پرداخته است.
گل و آرون ^۱ (۲۰۱۰)	ارزیابی آسیب‌پذیری سیستم تخلیه گرنده بازار استانبول	آسیب‌پذیری تخلیه بازار بزرگ استانبول مورد بررسی قرار گرفته و در این زمینه پیشنهادهایی در زمینه تخلیه اضطراری مناسب در بازار استانبول ارائه شده است.
فلاحی و ارژنگی (۲۰۱۲)	بازیابی بازار تاریخی بعد از زلزله بم در سال ۲۰۰۳	با فقدان برنامه کسب‌وکار در بم مشکلاتی ازجمله نداشتن آگاهی و اطلاعات کافی بازاریان در رابطه با مدیریت بحران و پدافند غیرعامل در بازار و بازسازی بازار، نبود سازمان حمایت‌کننده در بازسازی بازار، نبود مشارکت و همکاری کافی بازاریان در بازسازی و... در بازسازی بازار بم شناسایی شد.
حسینی زاده و مدیری (۲۰۱۴)	ارزیابی آسیب‌پذیری انسانی و شناخت روش‌های کاهش آن در مقابل زلزله در بازار سنتی تبریز	به بررسی عوامل مؤثر بر آسیب‌پذیری در بازارهای سنتی از جنبه انسانی و فیزیکی ازجمله میزان آسیب‌پذیری فیزیکی، عرض گذرهای داخل بازار، تراکم جمعیت، وجود فضاهای باز در بازار و... پرداخته شده و در نهایت با استفاده از روش منطق فازی، نقشه آسیب‌پذیری بازار تبریز تهیه شده است.
ترکیان ولشانی، مدنی، کریمی آذری و حسینی (۲۰۱۵)	تأثیر عوامل فیزیکی بر احساس امنیت مردم در بازار سنتی اصفهان	عوامل فیزیکی بررسی شده شامل عرض گذرها، ساختار مشابه مغازه‌ها، وجود اصناف در هر راسته، ساختار مشابه مغازه‌ها و... است. نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد که عواملی مانند شکل سقف و ساختار ظاهری مغازه‌ها بیشترین تأثیر و ارتفاع سقف کمترین تأثیر را در احساس امنیت دارند.
زنگی‌آبادی و تبریزی (۱۳۸۵)	بررسی زلزله تهران و ارزیابی فضایی آسیب‌پذیری مناطق شهری	منطقه ۱۲ آسیب‌پذیرترین منطقه شهر تهران می‌باشد. مناطق ۱۱، ۱۶، ۱۴ و ۲۰ به ترتیب در رده‌های بعدی قرار می‌گیرند. از طرف دیگر منطقه ۲۲ از لحاظ شاخص آسیب‌پذیری مقاوم‌ترین منطقه شهر بوده و مناطق ۲، ۸، ۴، ۵ و ۲۱ به ترتیب بعد از آن قرار خواهند گرفت.
آقا طاهر، دلاور و کمالیان (۱۳۸۵)	وزن‌دهی عوامل مؤثر در آسیب‌پذیری لرزه‌ای شهر تهران	فرضیه دنبال‌شده در این تحقیق عبارت است از در نظر گرفتن ساختار شهری به صورت یک سیستم و تصویرسازی عوامل مؤثر در آسیب‌پذیری ناشی از وقوع زمین‌لرزه در قالب روابط سیستم مزبور و به دنبال آن تحلیل آسیب‌پذیری این سیستم به ازای چند سناریوی زمین‌لرزه است.
صنّعی (۱۳۸۶)	تحلیل فضایی آسیب‌پذیری شهری و مدیریت بحران بخش مرکزی شهر تهران	متغیرهای مؤثر در میزان آسیب‌پذیری در دو منطقه ۱۱ و ۱۲ محاسبه شده است. نتیجه حاصل این است که تراکم زیاد بافت-های تجاری و فرسودگی بافت در این دو منطقه میزان آسیب‌پذیری را به شدت افزایش داده و محدوده‌های نزدیک به بازار را به طور جدی‌تری به مخاطره می-داند.

نام نویسنده	موضوع	نتایج
		اندازد.
حبیبی، پوراحمد، مشکینی، عسگری و نظری عدلی (۱۳۸۷)	تعیین عوامل سازه‌ای- ساختمانی مؤثر در آسیب‌پذیری بافت کهن شهری زنجان	بخش اعظمی از بافت کهن شهر زنجان در مقابل زلزله ناپایدار است. عوامل مؤثر بر آسیب‌پذیری محلات را می‌توان در عدم نوسازی واحدهای ساختمانی، بافت ارگانیک و شبکه گذرگاهی تودرتو، فقر اقتصادی ساکنین، طرح‌های تیپ جامع و تفصیلی توسعه شهری، ضوابط ساخت و- سازه‌ای غیرمجاز، عدم توجه به آیین‌نامه ۲۸۰۰، عدم نظارت کافی بر ساخت‌وساز و... جستجو نمود.
قائدرحمتی (۱۳۸۷)	تحلیل فضایی آسیب‌پذیری مساکن شهری در برابر خطر زلزله (شهر اصفهان)	با استفاده از ۴۰ شاخص به تحلیل وضعیت مساکن شهر در رابطه با آسیب‌پذیری لرزه‌ای پرداخته شده است. بر اساس تحلیل صورت گرفته، مناطق ۷، ۳ و ۱، به ترتیب آسیب‌پذیرترین مناطق شهر می‌باشند.
منزوی، سلیمانی، تولایی و چاووشی (۱۳۸۹)	بررسی آسیب‌پذیری بافت‌های فرسوده منطقه ۱۲ شهر تهران در برابر زلزله	با در نظر گرفتن «نظام‌های آسیب‌زا» و «نظام‌های تأثیرپذیر» در درون سیستم شهری، متغیرهای فاصله کاربری‌ها از فضاهای باز، دسترسی به محدوده آسیب‌پذیر، سال احداث بنا و نوع مصالح ساختمان‌ها، به ترتیب بیشترین تأثیر را در آسیب‌پذیری منطقه ۱۲ از زلزله دارند.
دانایی‌نیا (۱۳۹۳)	ارتقاء ایمنی گذرها و کانون‌های دسترسی بافت‌های تاریخی در برابر زلزله با رویکرد مشارکت مردمی	تکیه بر چهار ظرفیت انسانی، زمانی، مکانی و وقف در بسترسازی مشارکت مردم در ارتقاء ایمنی گذرها اثرگذار است و چنانچه «رهبران محلی»، «معماران بومی»، «طراحان» و «کمیته مردمی» از طریق برنامه‌ریزی مشارکتی، سیستم مدیریت محله را بر عهده گیرند، ارتقاء ایمنی گذرها و کانون‌های دسترسی در محله سلطان امیر احمد کاشان محقق خواهد شد.
ثبوتی و علوی (۱۳۹۵)	الزامات اولیه کاهش آسیب‌پذیری زلزله و خطر آتش‌سوزی در بازارهای تاریخی	در این پژوهش بازار تاریخی زنجان به عنوان نمونه مورد مطالعه قرار گرفته که با استناد بر چهارچوب‌ها نظری مدیریت بحران و ارزیابی سریع مشاهده‌ای لرزه‌ای و نیز با استفاده از چک لیست ارزیابی خطر آتش- سوزی انجام شده است.

همان‌گونه در مبحث روش تحقیق آمده و براساس پژوهش‌های مورد مطالعه، این پژوهش از حیث شیوه انجام کار، تکنیک و شاخص‌ها با مطالعات فوق متفاوت بوده و نتایج متفاوتی را به همراه داشته و به‌ویژه اینکه پژوهشی در مورد بررسی وضعیت آسیب‌پذیری بازار اصفهان صورت نگرفته است.

۳. روش شناسی تحقیق

۳.۱. روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و پیمایشی است. برای گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای، استفاده از اسناد و نقشه‌های موجود و شیوه پیمایش میدانی جهت جمع‌آوری اطلاعات واحد به واحد کاربری‌های بازار سنتی اصفهان استفاده شده است. این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار Arc GIS به تحلیل شاخص‌های مورد بررسی پرداخته است.

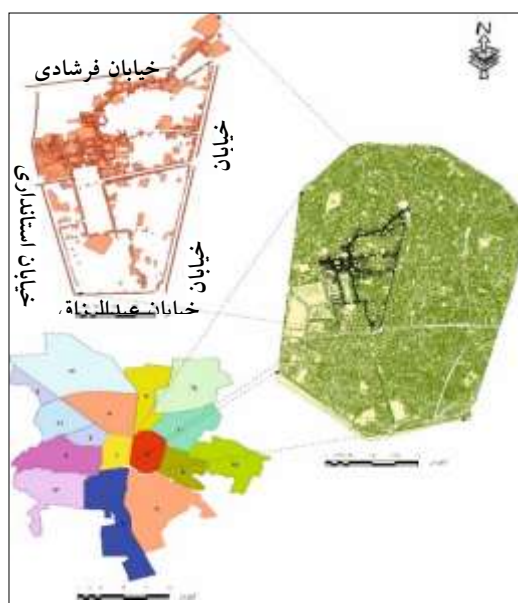
با بررسی شش شاخص برای بناها و واحدهای تجاری موجود در محدوده، شامل: ۱- قدمت، ۲- کیفیت بنا، ۳- تراکم جمعیت، ۴- تراکم ساختمانی، ۵- طبقات ساختمانی و ۶- ریزدانگی بافت، میزان آسیب‌پذیری بافت فرهنگی - تاریخی بازار سنتی شهر اصفهان به صورت ترکیبی، مشخص گردیده است. با به‌کارگیری شاخص‌های فوق و یکپارچه‌نمودن این شاخص‌ها برای بناها و واحدهای تجاری موجود در محدوده بازار به‌عنوان عوامل مؤثر در آسیب‌پذیری، در محیط Arc GIS، با استفاده از الحاقیه تحلیلگر فضایی^۱ و تکنیک همپوشانی^۲ با ترکیب و همپوشانی نماگرهای شش‌گانه، نقشه نهایی آسیب‌پذیری بازار و پیرامون آن به صورت پهنه‌های همگن به دست آمد. مراحل انجام کار در محیط GIS به شرح زیر می‌باشد:

۱. ابتدا عملیات Conversion tools / to Raster انجام شد، پس از خروجی مجزای شش نقشه مربوط به نماگرها، داده‌های برداری^۳ - که مقادیر گسسته دارند - به داده‌های شبکه سلولی^۴ - با مقادیر پیوسته - تبدیل شده است.
۲. سپس توسط Spatial Analyst / Overlay همپوشانی لایه‌های فوق صورت گرفت. در این مرحله وزندهی لایه‌ها براساس اهمیت هر لایه با سناریوی شرایط بروز بحران انجام شده و با استفاده از تکنیک تحلیل فازی، همپوشانی نقشه آسیب‌پذیری محدوده بازار تولید شده است.

1. Spatial Analyst
2. Overlay
3. Vector
4. Raster

۲.۳. محدوده مورد مطالعه

بازار اصفهان در مرکز شهر و در منطقه ۳ قرار دارد. شهر اصفهان به دلیل میادین و بازارهایی که در قرن ۱۱ و ۱۷ در این شهر ساخته شده، مشهور است (اثری^۱، ماهش^۲ و اثری، ۲۰۱۲، ص. ۱۹۷۲). با انتخاب اصفهان به عنوان پایتخت در زمان حکومت صفوی، بازار اصفهان که در پیرامون میدان کهنه و در محدوده‌ای معین قرار داشت، توسعه یافت. علیرغم اینکه بازار در بافت کهن رشدی ارگانیک داشت، در این زمان (دوران صفویه) به یکباره مورد طراحی و ساخت قرار گرفت (پورجعفر، ۱۳۹۰، ص. ۸). بازار اصفهان شامل دو قسمت است: بخش قدیمی که از میدان قدیم مجاور مسجد جامع شروع می‌شود و بخش جدید که از میدان نقش جهان شروع می‌شود و به بخش قدیمی متصل می‌شود (مهدی پور و رشیدی‌نیا، ۲۰۱۳، ص. ۱۴). بازار بزرگ اصفهان و ساختمان‌های اطراف آن یکی از جاذبه‌های اصلی گردشگری ایران است (مجتهدزاده، ۲۰۱۲، ص. ۴۸۶).



شکل ۱- نقشه موقعیت محدوده بازار اصفهان

مأخذ: شهرداری اصفهان، بازتولید: نگارندگان، ۱۳۹۶

1. Assari
2. Mahesh

مجموعه تاریخی بازار اصفهان در امتداد محور بازار حسن آباد در جنوب شرق میدان امام (نقش جهان) تا مسجد جامع کشیده شده که محدوده مورد مطالعه در این پژوهش است. این بازار از نظر وسعت، ویژگی‌های معماری و رونق اقتصادی، از مهم‌ترین بازارهای تاریخی ایران محسوب می‌شود. بخش اصلی بازار از آثار دوره صفوی-به‌ویژه زمان شاه‌عباس اول- است که در دوره‌های بعدی با تغییرات و تعمیراتی گسترش یافته است. با این حال، قدمت بازار اصفهان به سده‌های نخستین اسلامی باز می‌گردد که در دوره‌های بعدی نیز از رونق و اهمیت زیادی برخوردار بوده است (ملازاده، ۱۳۷۹، ص. ۵۸).

۴. مبانی نظری تحقیق

۴.۱. ایمنی شهری

از نظر برنامه‌ریزی شهری، ایمنی شهری می‌تواند شامل کلیه تمهیدات و اقداماتی باشد که در قالب برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت باعث حفظ جان و مال ساکنان شهرها شود.

اینگونه برنامه‌ها می‌تواند به صورت برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری، منطقه‌بندی شهری، مقاوم‌سازی و بهسازی لرزه‌ای بافت‌های فرسوده و ... را با اهداف ایمنی شهری شامل شود (زنگی‌آبادی، ۱۳۸۷، ص. ۶۴).

۴.۲. آسیب‌پذیری شهری

آسیب‌پذیری شهری در مقابل حوادث طبیعی مانند زمین‌لرزه، تابعی از رفتارهای انسانی می‌باشد که نشانگر درجه تأثیرپذیری یا قابلیت ایستادگی واحدهای اقتصادی، اجتماعی و دارایی‌های فیزیکی شهری در مقابل خطر طبیعی می‌باشد (راشد و ویکز^۱، ۲۰۰۳، ص. ۵۴۷). به عبارت دیگر، میزان خسارت و صدمات ناشی از عوامل و پدیده‌های بالقوه و یا بالفعل خسارت‌زا نسبت به نیروی انسانی، تجهیزات و تأسیسات با شدت صفر تا صد درصد را آسیب‌پذیری گویند (اسکندری، ۱۳۹۰، ص. ۱۵).

۴.۳. عوامل مؤثر بر آسیب‌پذیری شهری

عوامل مؤثر بر آسیب‌پذیری شهری عبارتند از: ۱. آسیب‌پذیری ناشی از عوامل و عوارض طبیعی (زمین‌ساخت): گسل فعال، آتش‌فشان، بهمن، سونامی، طوفان و...؛ ۲. آسیب‌پذیری ناشی از عوامل انسان‌ساخت (شهرسازی): افزایش تراکم در مناطق آسیب‌پذیر: تراکم جمعیت به دنبال خود تراکم ساختمانی بالا و کمبود فضاهای باز در زمان ازدحام، مختل شدن شرایط امداد رسانی و... را در پی خواهد داشت (ملکی، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۰). نقصان در شبکه ارتباطی: شبکه‌های ارتباطی یک شهر را می‌توان از مهم‌ترین ویژگی‌های آن دانست که بازتاب کالبدی مفهوم نیاز به دسترسی می‌باشند (زبردست، ۱۳۸۴، ص. ۸). همچنین پس از وقوع بحران حفظ دسترسی و جریان آمد و شد در معابر شهری باعث نجات و تداوم حیات انسانی می‌گردد. توسعه در مناطق نامناسب و در معرض خطر: در مناطق شهری به دلیل ضعف برنامه‌ریزی، طراحی نامناسب ساختمان‌ها، بی‌دقتی در اجرای صحیح پروژه‌ها، بی‌توجهی به تعمیر و نگهداری و اسکان در اراضی در معرض خطر به صورت عوامل مهمی در بروز حوادث درآمده‌اند (رضوانیان، ۱۳۸۱، ص. ۳۲). همجواری و ساخت‌وساز در جوار کاربری‌های حساس و حیاتی شهر در یک منطقه و محدوده به خصوص در شهرها. بافت و شکل نامناسب شهر: لازمه شناخت بافت شهری به عنوان یک سیستم، شناسایی سازمان فضایی شهر مورد مطالعه و اینکه کدام سازمان این مجموعه را شکل داده است، می‌باشد. واکنش هر نوع بافت شهری در هنگام وقوع سانحه درجات متفاوتی را از نقطه نظر آسیب‌پذیری داشته و سپس در مراحل بعد از وقوع بحران در قابلیت‌های گریز و پناه‌گیری ساکنین، در امکانات کمک‌رسانی، در چگونگی پاک‌سازی و بازسازی و حتی اسکان موقت، دخالت مستقیم دارد (ملکی، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۰).

۴.۴. نقش برنامه‌ریزی شهری در کاهش آسیب‌پذیری شهرها

آسیب‌ها و صدمات بحران‌های طبیعی به شهرها به طور مستقیم و غیرمستقیم به وضعیت نامطلوب برنامه‌ریزی و طراحی شهری آن‌ها مربوط می‌شود. برنامه‌ریزی در هریک از مراحل مدیریت بحران از جایگاه ویژه برخوردار است. چنانکه از تعریف برنامه‌ریزی شهری برمی‌آید، این علم می‌تواند در حیطه‌های متفاوت از آمادگی تا پاسخ، بازسازی و کاهش اثرات به کار

آید. در میان تمام سطوح برنامه‌ریزی کالبدی، سطح میانی، یعنی شهرسازی کارآمدترین سطح برای کاهش آسیب‌پذیری شهر در برابر بلایای طبیعی می‌باشند (محمدی سوادکوهی، ۱۳۹۰، ص. ۱۵).

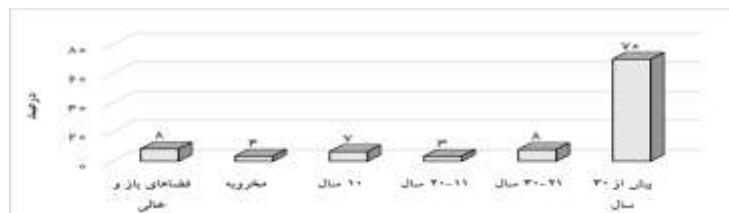
۵. یافته‌های تحقیق

۵.۱. پراکنش بافت‌های فرسوده

در محدوده مورد مطالعه بافت‌های فرسوده بسیار زیادی بین بافت‌های تاریخی و بافت‌های نوسازی شده به چشم می‌خورد. بر اساس شاخص‌های تعیین‌شده از سوی سازمان نوسازی و بهسازی حد فاصل بین خیابان‌های عبدالرزاق، هاتف، حافظ، میدان امام، سپاه و خیابان مسجد حکیم بیش از شصت درصد بافت‌ها فرسوده و نیازمند بازسازی و بهسازی اساسی می‌باشد. در جنوب میدان امام (فضاهای پیرامون مسجد امام)، نیز بیش از ۸۰ درصد بافت، بافت فرسوده تاریخی به‌شمار می‌آید. این بافت‌ها در نقشه (۳)، با رنگ زرد، معرف مخاطرات محیطی جدی‌تر در این محدوده‌ها می‌باشد. بازسازی غیراصولی، ناهمگن و نسنجیده در طول نیم قرن گذشته در شهر اصفهان، به‌ویژه در بخش مرکزی وضعیت را از آنچه هست پیچیده‌تر نموده و برنامه‌ریزی جامع در این محدوده را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد.

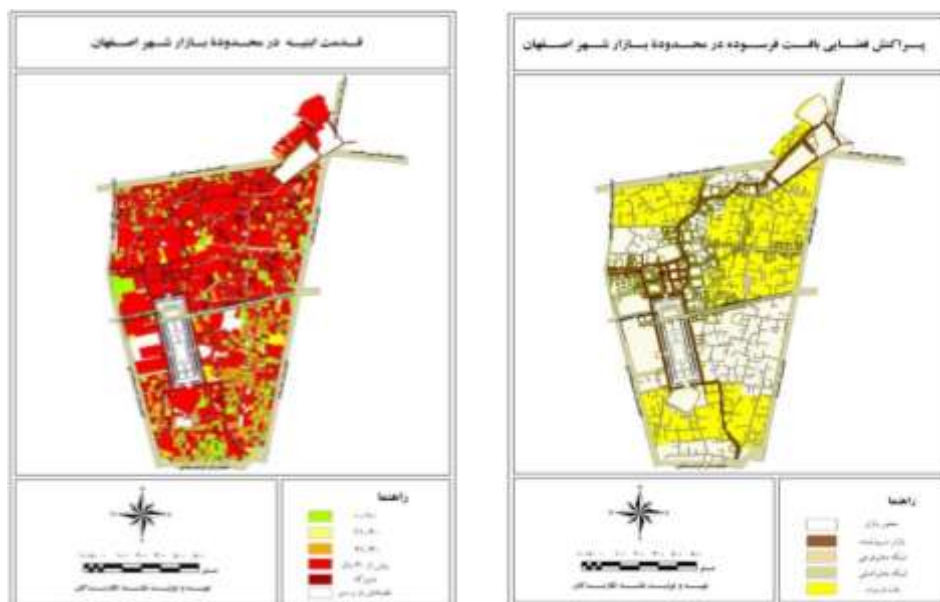
۵.۲. پراکنش بافت‌های پیرامون بازار بر اساس قدمت

در بررسی شاخص "عمر سازه‌های" شهری به‌ویژه سازه‌های مسکونی و تجاری، از نظر قدمت، می‌توان به شاخص عمر بنا به‌عنوان یکی از شاخص‌های مؤثر در برنامه‌ریزی مدیریت بحران نگاه کرد.



شکل ۲- قدمت ابنیه در بازار اصفهان

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶



شکل ۳- پراکنش فضایی بافت فرسوده

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶

شکل ۴- قدمت ابنیه

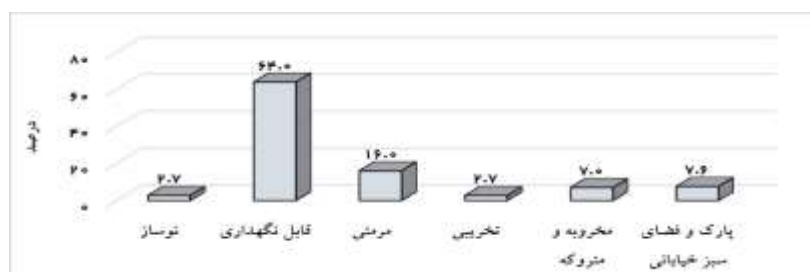
مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶

بر اساس نقشه شماره (۴)، نیمه شمالی محدوده بسیار قدیمی تر بوده و شمال خیابان‌های حافظ و سپاه تا خیابان عبدالرزاق، از قدمت بسیار بیشتری برخوردار می‌باشند. تنها کاربری‌های تجاری اطراف میدان امام علی (ع)، با احیاء این میدان نوسازی شده است. در نیمه جنوبی، در مجموع، فرسودگی کمتری به چشم می‌خورد و لکه‌های با عمر زیر ۱۰ سال تقریباً نیمی از محدوده جنوب خیابان حافظ و سپاه تا خیابان فرشادی را به خود اختصاص می‌دهد؛ به گونه‌ای که در شمال خیابان فرشادی، محدوده بیشتری مورد بازسازی و نوسازی قرار گرفته است.

۳.۵. پراکنش بافت‌های پیرامون بازار بر اساس کیفیت

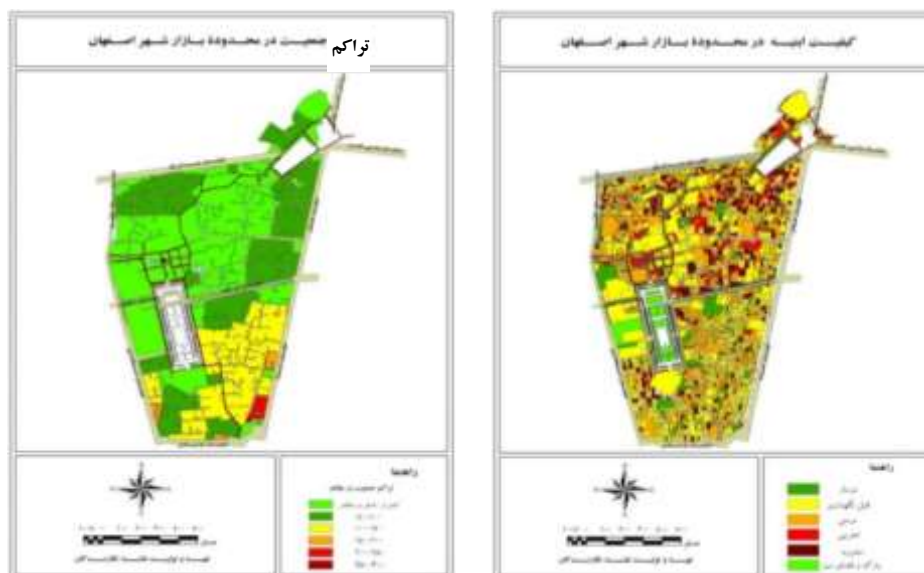
بر اساس نقشه (۶) و اطلاعات نمایش داده شده، بیشترین حجم فضای نوساز مربوط به کاربری‌های تجاری و در برخی موارد مسکونی و بیشتر متمرکز در نیمه جنوبی محدوده است. در حال حاضر، بیش از ۱۵ درصد واحدهای مسکونی و تجاری قدیمی با عملیات مرمتی به چرخه استفاده برگشته و مورد استفاده قرار می‌گیرند. کاربری‌های مخروبه و متروکه بیشتر به

وسیله مهاجرین افغانی و کارگران روستایی مورد تصرف و بهره‌برداری قرار گرفته‌اند. این امر (اسکان مهاجرین در داخل بافت)، یکی از چالش‌های اساسی در حفظ، نگهداری و احیاء بافت‌های قدیمی پیرامون بازار است. در این محدوده از بافت‌های فرسوده، مسکنی وجود دارد که در هر مترمربع آن یک کارگر مهاجر زندگی می‌کند و تراکم بسیار غیراصولی را بر این بافت‌های فرسوده تحمیل می‌نماید. این مسکن، از نظر ایمنی فاقد هرگونه امنیت فیزیکی بوده و خطر به طور جدی در کمین ساکنان فقیر این واحدهاست.



شکل ۵- کیفیت ابنیه

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶



شکل ۷- تراکم جمعیت

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶

شکل ۶- کیفیت ابنیه

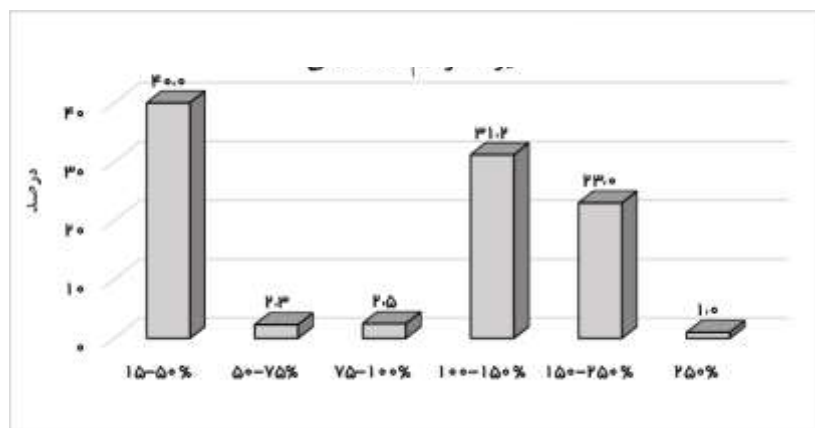
مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶

۵. ۴. پراکنش بافت‌های بازار و پیرامون آن بر اساس تراکم جمعیت

در مجموع، محدوده مورد مطالعه در مقایسه با بسیاری از مناطق شهری به دلایل عدیده از تراکم بالایی برخوردار نیست. هرچند به صورت لکه‌ای تراکمی غیرمعمول از مهاجران روستایی و ساکنان افغانی در برخی مساکن فرسوده به چشم می‌خورد، در کل، این محدوده از شهر به لحاظ وجود کاربری‌های تجاری از تراکم چندانی برخوردار نیست. به طوری که در فضاهای پیرامون بازار (شمال و شمال غرب میدان امام)، کمتر از ۵۰ نفر در هکتار زندگی می‌کنند. در بلوک‌های شمال و شمال شرق این محدوده به‌ویژه در غرب خیابان هاتف (در نیمه شمالی محدوده مورد مطالعه)، از تراکمی بین ۵۰-۱۰۰ نفر برخوردار است. در نیمه جنوبی محدوده و به‌ویژه در جنوب شرقی میدان امام تا خیابان‌های نشاط و فرشادی در جنوب محدوده، تراکم افزایش یافته و به ۱۵۰-۱۰۰ نفر در هکتار می‌رسد. بیشترین تراکم مربوط به گوشه جنوب شرق، نزدیک تقاطع نشاط - فرشادی و هشت‌بهشت است. روند کلی پراکنش مکانی جمعیت از شمال به جنوب و از غرب به شرق، افزایشی است.

۵. ۵. پراکنش بافت‌های پیرامون بازار بر اساس تراکم ساختمانی

الگوی کلی پراکنش نقشه تراکم ساختمانی، نشان از تضاد شدید بلوک‌های پیرامون بازار دارد. به نحوی که در فضاهای به هم متصل، تراکم در بعضی از محدوده‌ها بین ۱۵ تا ۵۰ درصد و در بعضی از بلوک‌ها گاهی از ۱۵۰ تا ۲۵۰ درصد و حتی تا ۴۲۰ درصد افزایش را نشان می‌دهد. قله این تراکم مربوط به فاصله نزدیکی در گوشه شمال شرقی میدان و کمترین تراکم ساختمانی مربوط به محدوده "اچ" (شکل H)، در نیمه شمالی میدان امام می‌باشد. روند کلی محدوده‌های پرتراکم عمدتاً در نیمه شمالی، به صورت چند هسته‌ای و به صورت خطی در جنوب میدان امام می‌باشد. بیشترین تراکم در محدوده مورد مطالعه، بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ درصد در نیمه شرقی محدوده مورد مطالعه است. در مجموع، روند کلی در محدوده از غرب به شرق، کاهشی است.

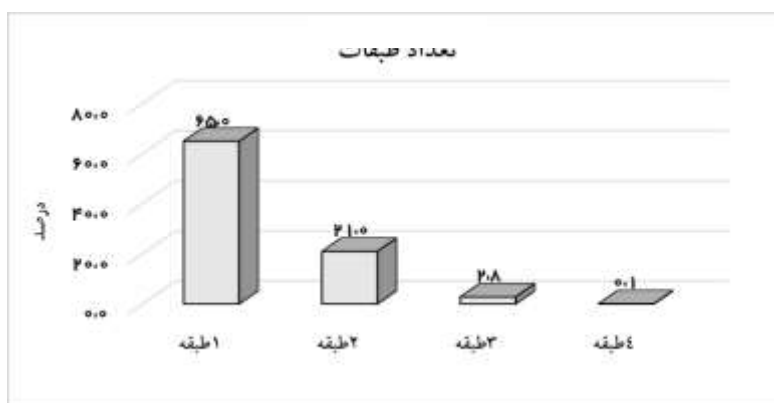


شکل ۸ - درصد تراکم ساختمانی

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶

۶.۵. پراکنش بافت‌های پیرامون بازار بر اساس تعداد طبقات

در تحلیل الگوی پراکنش ساختمان‌ها، بیشترین تعداد طبقات مربوط به یک طبقه بوده که عمدتاً در یک چهارم گوشه جنوب شرقی محدوده تمرکز پیدا کرده و به صورت پراکنده ساختمان‌های محدودی نیز دو و بعضاً سه طبقه مشاهده می‌شود. ساختمان پنج طبقه در محدوده مورد مطالعه وجود ندارد و تنها عمارت عالی‌قاپو واقع در میدان امام شش طبقه است.



شکل ۹ - درصد ابنیه بر اساس تعداد طبقات

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶



شکل ۱۰- تراکم ساختمانی

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶

شکل ۱۱- طبقات ساختمانی

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶

بر اساس اطلاعات نقشه، بیشترین واحدهای متروکه (عمدتاً یک طبقه)، در حریم دو طرف بازار در نیمه شمالی محدوده مورد مطالعه متمرکز شده و ساختمان‌های چهارطبقه و بیشتر به دلیل واقع شدن در محدوده بازار و میدان امام (حریم میراث فرهنگی)، تنها در سه محدوده زیر دیده می‌شود: ۱. ساختمان تاریخی کاخ عالی‌قاپو (۶ طبقه)؛ ۲. محدوده ساختمان‌های نوسازی شده اداره دارایی (که خلاف ضوابط ساخته شده‌اند و نوساز هستند)؛ ۳. بخشی از محدوده حوزه علمیه واقع در جنوب خیابان حافظ (شرق میدان امام).

۵.۷. پراکنش بافت‌های پیرامون بازار بر اساس ریزدانی

ابعاد زمین‌ها و عرصه مالکیت زمین در بافت‌های فرسوده یکی از شاخص‌های مورد مطالعه این پژوهش به شمار می‌آید. یکی از مشکلات اساسی بافت‌های فرسوده، ابعاد کوچک اراضی و مالکیت مشاع آنهاست که در طول زمان به قطعات کوچک‌تری نیز تبدیل شده و مشکلات مربوط به حفظ، نگهداری و بازسازی این قطعات را مضاعف نموده است. در

بررسی‌های میدانی به‌عمل‌آمده، بعضی از واحدهای مسکونی ۱۲۰ متری به‌ویژه در نیمه شمالی محدوده بیش از ۵۰ نفر، مالک داشته و به‌صورت مشاع بین چندنسل سرگردان مانده و به‌همین دلیل امکان خرید و فروش نداشته و بازسازی نیز نشده و تبدیل به مخروبه و زاغه‌ای برای مهاجرین شده‌اند.



شکل ۱۲- پراکنش فضایی اندازه اراضی و املاک

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶

بعضی از این واحدهای مسکونی نیمی از مالکینشان به شهرهای دیگر و حتی خارج از کشور مهاجرت کرده یا مجهول‌الهویه می‌باشند.

امر مالکیت مشاع، امروزه به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها و مشکلات فراراه بازسازی و احیاء بافت‌های فرسوده به شمار می‌آید و همین امر، امکان تجمیع قطعات را نیز سلب کرده و مشکلات را دوچندان می‌سازد.

درحالی‌که، در بسیاری از کشورهای که با این مشکل روبرو نیستند، توسعه میان‌افزا به‌عنوان یکی از راهکارهای اصلی باززنده‌سازی و افزایش کیفیت زندگی در بافت‌های مرکز شهرهای قدیمی است. مطابق نقشه (۱۲)، هسته مرکزی شمال میدان امام (نیمه شمال‌غربی محدوده مورد مطالعه)، بافت نسبتاً درشت‌دانه‌ای داشته و نیمه شرقی و جنوبی محدوده که با

رنگ زرد مشخص شده است، بافت متوسطی داشته و بیشترین ریزدانگی مربوط به بخش مرکزی بازار واقع در شمال میدان امام است.

۵.۸ تحلیل ترکیبی و تلفیقی عوامل آسیب‌پذیری محدوده بازار

این نقشه، از تلفیق نقشه‌های شش‌گانه قبلی، پس از عملیات وزن‌دهی و هم‌پوشانی فازی به‌دست‌آمده است. در تفسیر بصری آن می‌توان گفت: آسیب‌پذیرترین محدوده‌های بازار، به محدوده‌های شمال‌غرب میدان نقش‌جهان، حد فاصل خیابان هاتف، حافظ و عبدالرزاق و محور بازار بزرگ اصفهان محدود شده که عمدتاً در انتهای کوچه مشیرخیچال متمرکز گردیده است. در جنوب‌شرق میدان و دو طرف بازارچه حسن‌آباد نیز کمابیش آسیب‌پذیری بالایی مشاهده می‌گردد.



شکل ۱۳- تحلیل آسیب‌پذیری محدوده مورد مطالعه

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶

جز بخش‌های محدودی از شمال میدان نقش جهان و غرب میدان که عمدتاً بافت‌های تجاری، اداری با ارزش تاریخی را شامل می‌شوند، سایر پهنه‌های محور وضعیت مطلوبی نداشته و آسیب‌پذیری بالایی دارند.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بافت‌های تاریخی کلان‌شهرهای ایران همچون اصفهان به لحاظ تمرکز جاذبه‌های گردشگری از یک‌سو و خدمات شهری از سوی دیگر و قرارگرفتن در مرکز مؤثر شبکه ارتباطی شهر اصفهان از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بوده و به‌عنوان قلب شهر جایگاه مهم‌ترین عنصر شهری (بازار سنتی) نقش ایفا می‌کند. هرگونه مطالعه‌ای در این خصوص می‌تواند به توسعه پایدار شهری و روان‌سازی زیست انسانی در این محدوده کمک نماید.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد در محدوده مورد مطالعه، بافت‌های فرسوده زیادی بین بافت‌های تاریخی و بافت‌های نوسازی شده به چشم می‌خورد. بخش‌هایی از بازار بزرگ، محدوده اطراف مسجد جامع و بازارچه حسن‌آباد جزء بافت فرسوده محسوب می‌شوند که با توجه به سرپوشیده بودن آن‌ها، اهمیت توجه به این قسمت‌ها دوچندان می‌شود. مسئله فرسودگی زیاد بافت بازار و پیرامون آن به‌ویژه بناهای تاریخی، برنامه‌ریزی شهری را با چالشی جدی مواجه می‌سازد و باید تدابیری اصولی برای حل این بحران اندیشید. از نظر قدمت ابنیه، بیشتر ساختمان‌های موجود در محور بازار سنتی و در محدوده اطراف آن دارای قدمت بیش از ۳۰ سال می‌باشد؛ لذا این خود عاملی در افزایش آسیب‌پذیری کالبدی بازار محسوب می‌شود. از نظر تراکم ساختمانی، در این محدوده از شهر تراکم ساختمانی نسبتاً پایین است. محدوده مورد مطالعه در مقایسه با بسیاری از مناطق شهری از تراکم جمعیتی بالایی برخوردار نیست. در ایام نوروز و اواخر تابستان با توجه به مراجعه خریداران به بازار تراکم جمعیتی بسیار بالا است. مقولاتی همچون مدیریت تخلیه اضطراری جمعیت و امدادسانی در حوادثی همچون آتش‌سوزی از اهمیت ویژه‌ای در این زمان‌ها برخوردار است. از نظر طبقات ساختمانی، بیش از ۶۵ درصد از کل کاربری‌های محدوده یک طبقه می‌باشند. بنابراین این شاخص تهدید جدی محسوب نمی‌شود.

آسیب‌پذیرترین محدوده‌های بازار اصفهان، به محدوده‌های شمال‌غرب میدان نقش جهان حدفاصل خیابان هاتف، حافظ و عبدالرزاق و محور بازار بزرگ اصفهان محدود شده که عمدتاً در انتهای کوچه مشیرخیچال متمرکز گردیده است. در جنوب‌شرق میدان امام و دو طرف بازارچه حسن‌آباد نیز کمابیش آسیب‌پذیری بالایی مشاهده می‌گردد. جز بخش‌های محدودی از شمال و غرب میدان نقش جهان که عمدتاً بافت‌های تجاری - اداری با ارزش تاریخی را شامل می‌شوند، سایر پهنه‌های محور از وضعیت مطلوبی برخوردار نیستند و آسیب‌پذیری نسبتاً بالایی دارند.

در تحلیل فرضیه پژوهش، نتیجه نهایی به‌دست آمده عبارت است از اینکه بافت بازار در مواقع بروز بحران آسیب‌پذیری بالایی دارد و مهم‌ترین عامل تشدیدکننده آسیب‌پذیری بازار، کیفیت، قدمت ابنیه و شبکه دسترسی ناکارآمد است. بنابراین فرضیه پژوهش تأیید می‌شود.

اهم پیشنهادهای مستخرج از این پژوهش عبارتند از:

- احیاء و بازسازی ساختمان‌های مخروبه و متروکه بازار و اطراف آن؛
- مرمت و باززنده سازی بناهای تاریخی و مذهبی موجود در بازار؛
- افزایش مقاومت سازه‌ای مغازه‌ها و سایر بناهای موجود در بازار؛
- ایجاد فضاهای باز و سبز در محدوده بازار؛
- ایجاد پارکینگ در خیابان‌های اصلی نزدیک به بازار جهت جلوگیری از پارک کردن خودروها در حاشیه خیابان؛
- جلوگیری از تردد وسایل نقلیه موتوری در بازارهای سرپوشیده؛
- ایجاد و توسعه شبکه‌های پیاده‌راهی و دوچرخه‌سواری در فضاهای پیرامون بازار؛
- استفاده از سراها، کاروان‌سراها و مراکز مذهبی به‌عنوان کاربری‌های مفید در زمان بحران؛
- طراحی و ایمن‌سازی مبلمان بازار متناسب با شرایط بحران؛
- تبدیل فضاهای فرسوده به فضاهای باز شهری در محوطه‌های پیرامون بازار به - منظور استفاده از این فضاها در مواقع بحران.

توجه به راهکارهای فوق می‌تواند زمینه را برای توسعه پایدار سکونت و گردشگری در بافت‌های تاریخی فراهم نموده و ضمانت ابقای حیات در این بافت‌ها را فراهم نماید.

کتاب‌نامه

۱. ابویی، ر.، و دانایی‌نیا، ا. (۱۳۹۰). نقش مشارکت مردمی در کاهش خسارات ناشی از زلزله در بافت‌های تاریخی. *نشریه مرمت و معماری ایران (مرمت آثار و بافت‌های تاریخی فرهنگی)*، ۲، ۵۳-۶۲.
۲. اسکندری، ح. (۱۳۹۰). *دانش‌تنی‌های پدافند غیرعامل. سازمان پدافند غیرعامل کشور* (چاپ چهارم). تهران: انتشارات بوستان حمید.
۳. آقا طاهر، ر.، دلاور، م. ر.، و کمالیان، ن. (۱۳۸۵). وزن‌دهی فاکتورهای مؤثر در آسیب‌پذیری لرزه‌ای شهر تهران. *نشریه دانشکده فنی دانشگاه تهران*، ۴۰ (۸)، ۱۰۴۴-۱۰۳۳.
۴. پورجعفر، م.، و پورجعفر، ع. (۱۳۹۰). نقش سرمایه اجتماعی در وضعیت اقتصادی بازارهای سنتی در ایران. *مدیریت شهری*، ۹، ۲۲۱-۲۰۳.
۵. ثبوتی، ه.، و علوی، پ. (۱۳۹۵). الزامات اولیه کاهش آسیب‌پذیری زلزله و خطر آتش سوزی در بازارهای تاریخی، مطالعه موردی: بازار تاریخی زنجان. *سومین کنفرانس ملی مدیریت بحران و HSE در شرایط های حیاتی، صنایع و مدیریت شهری*، اردیبهشت ۱۳۹۵، تهران.
۶. حبیبی، ک.، پوراحمد، ا.، شکینی، ا.، عسگری، ع.، و نظری عدلی، س. (۱۳۸۷). تعیین عوامل سازه‌ای / ساختمانی مؤثر در آسیب‌پذیری بافت کهن شهری زنجان با استفاده از Fuzzy Logic & GIS. *نشریه هنرهای زیبا*، ۳۳، ۳۶-۲۷.
۷. دانایی نیا، ا. (۱۳۹۳). *ارتقاء ایمنی گذرها و کانون‌های دسترسی بافت‌های تاریخی در برابر زلزله با رویکرد مشارکت مردمی مطالعه موردی: محله سلطان امیر احمد کاشان* (رساله دکتری رشته مرمت و احیاء بناها و بافت‌های تاریخی). دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.
۸. رضوانیان، م. ت. (۱۳۸۱). *برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری* (چاپ اول). تهران: انتشارات منشی.
۹. زبردست، ا.، و محمدی، ع. (۱۳۸۴). مکان‌یابی مراکز امدادرسانی در شرایط وقوع زلزله با استفاده از GIS و روش ارزیابی چندمعیاری AHP. *نشریه هنرهای زیبا*، ۲۱، ۱۶-۵.
۱۰. زنگی‌آبادی، ع.، تبریزی، ن. (۱۳۸۵). زلزله تهران و ارزیابی فضایی آسیب‌پذیری مناطق شهری. *پژوهش‌های جغرافیایی*، ۳۱ (۵۶)، ۱۱۵-۱۳۰.

۱۱. زنگی‌آبادی، ع.، محمدی، ج.، صفایی، ه.، و قائدرحمتی، ص. (۱۳۸۷). تحلیل شاخص‌های آسیب‌پذیری مسکن شهری در برابر زلزله (نمونه موردی: مسکن شهر اصفهان). *فصل‌نامه جغرافیا و توسعه*، ۱۲ (۶)، ۷۹-۶۱.
۱۲. شفق، س. (۱۳۸۰). تحلیل فضایی - کالبدی بازار اصفهان. *تحقیقات جغرافیایی*، ۲۰ (۱۶)، ۵۰-۲۲.
۱۳. صنیعی، ر. (۱۳۸۶). *تحلیل فضایی آسیب‌پذیری و مدیریت بحران زلزله در بخش مرکزی تهران (مناطق ۱۱ و ۱۲) با استفاده از GIS* (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری). دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
۱۴. عزیزپور، م.، زنگی‌آبادی، ع.، و اسماعیلیان، ز. (۱۳۹۰). اولویت‌بندی عوامل مؤثر در مدیریت بحران شهری در برابر بلایای طبیعی (مطالعه موردی: سازمان‌های مرتبط با بحران شهر اصفهان). *مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، ۲۲ (۳)، ۱۲۴-۱۰۷.
۱۵. قائدرحمتی، ص. (۱۳۸۷). *تحلیل فضایی آسیب‌پذیری مسکن شهری در برابر زلزله (نمونه موردی: شهر اصفهان)* (رسالة دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری). دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
۱۶. محمدی سوادکوهی، خ. (۱۳۹۰). *بررسی وضعیت واحدهای مسکونی شهرسازی به‌منظور برنامه‌ریزی و مدیریت بحران* (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری). دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
۱۷. مختاریان، ع. (۱۳۸۶). *آسیب‌پذیری کالبدی بناهای باارزش تاریخی. نشریه شهرداری‌ها*، ۸ (۸۲)، ۹۸-۱۰۱.
۱۸. ملازاده، ک.، و محمدی، م. (۱۳۷۹). *بناهای عام‌المنفعه، دایره‌المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی* (چاپ اول). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، مؤسسه انتشارات سوره.
۱۹. ملکی، ک.، برند کام، ف. (۱۳۹۱). دفاع و امنیت شهری از منظر پدافند غیرعامل و خلق فضاهای دفاع‌پذیر بر پایه شهر امن (از گذشته تا به امروز). *فصل‌نامه سپهر*، ۲۱ (۸۱)، ۹۱-۱۰۳.
۲۰. منزوی، م.، سلیمانی، م.، تولایی، س.، و چاووشی، ا. (۱۳۸۹). *آسیب‌پذیری بافت‌های فرسوده بخش مرکزی شهر تهران در برابر زلزله (مطالعه موردی: منطقه ۱۲)*. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۱۳، ۱-۱۸.
۲۱. میرزایی، س. (۱۳۹۲). *مدیریت بحران و پدافند غیرعامل در محور فرهنگی-تاریخی بازار (مطالعه موردی: بازار شهر اصفهان)* (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری). دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

22. Assari, A., Mahesh, T. M., & Assari, E. (2012). Conservation of historic urban core in traditional Islamic culture: Case study of Isfahan city. *Indian Journal of Science and Technology*, 5(1), 1970-1976.
23. Fallahi, R., & Solmaz A. (2012). Historical Bazaar recovery after 2003 Bam earthquake. *International Journal of Disaster Recovery and Busoness Continuity*, 3, 13-20.
24. Ghafory – Ashtiany, M. (1999). Rescue operation and reconstructions in Iran. *Disaster Prevention and Management*, 8(1), 5-20.
25. Gul, Y., & Arun, G. (2010). Istanbul grand bazaar evacuation system vulnerability assessment. *Advanced Materials Research*, 133-134, 611-616.
26. Hosseininezhad, Zh., & Modiri E. (2014). Human vulnerabilities assessment and recognition of its reduction methods against earthquake in crowded places by using fuzzy logic method (Case study: the old bazaar of Tabriz - Iran), *International Geoinformatics Research and Development Journal*, 5(1), 1-15.
27. Masoudi Nejad, R. (2005). social bazaar and commercial bazaar: comparative study of spatial role of iranian bazaar in the historical cities in different socio-economical context. *5th International Space Syntax Symposium*, University College, London.
28. Mehdipour, A., & Rashidi Nia, H. (2013). Persian bazaar and its impact on evolution of historic urban cores- the case of Isfahan, *A Multidisciplinary Journal of Global Macro Trends*, 2(5), 12-17.
29. Mojtahedzadeh, M. (2012). Geometry at work: Re-reading the Persian bazaar. *International Conference on Architecture & Urban Design*, Tirana.
30. Pourjafar, M. R., Samani, Gh., Pourjafar, A., & Hoorshenas, R. (2012). Archi-cultural Parallel of Persian and Turkish bazaar along the Silk Road case studies: Rey, Tabriz and Istanbul bazaar. *2nd International Conference*, Mukogawa Women's Univ., Nishinomiya, Japan.
31. Rashed, K., & weeks, J. (2003). Assessing vulnerability to earthquake hazards through spatial multicriteria analysis of urban areas, *International Journal of Geographic Information Science*, 17(6),
32. Torkyan Velashania, Sh., Madania, I., Karimi Azerib. A. R., & Hosseini, S. B. (2015). Effect of physical factors on the sense of security of the people in Isfahan's traditional bazaar. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 201, 165-174.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

doi : <https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2021.50694.0>

مقاله پژوهشی - مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال نوزدهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۳۶

عوامل مؤثر در تقویت فضاهای عمومی در روستاهای استان لرستان

زهره شریفی نیا (گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی گردشگری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران،

نویسنده مسئول)

sharifinia@iausari.ac.ir

سمیه حق نظری (کارشناس ارشد توسعه روستایی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران)

somayeh.hagh.n@gmail.com

صص ۵۱ - ۲۵

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری تقویت فضاهای عمومی در روستاهای استان لرستان است و به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال کلیدی است که کدام عوامل در تقویت فضاهای عمومی بیش‌ترین نقش را داشته است. نوع تحقیق کاربردی و روش مورد استفاده، توصیفی-تحلیلی است و برای گردآوری داده از روش‌های اسنادی و میدانی استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون آماری توصیفی (میانگین، انحراف معیار و واریانس) و استنباطی (تحلیل عاملی و تحلیل واریانس) بهره گرفته شده است. یافته‌های تحلیل عاملی نشان داد که هفت عامل با مجموع ۵۵/۲۷۴ درصد واریانس روابط بین شاخص‌ها را تبیین می‌کند و بیشترین سهم را عامل اول با ۱۰/۵۳۱ درصد واریانس و کمترین سهم را عامل هفتم با ۶/۱۷۸ درصد تبیین می‌کند. همچنین، تحلیل آزمون واریانس نشان داد که تفاوت معناداری بین عامل‌های مورد نظر در سطح آلفا کمتر از ۰/۰۵ وجود دارد. نتایج این تحقیق نشان داد که هفت عامل تنوع جاذبه‌ها و کیفیت بصری، تعامل و ارتباطات، اجتماعی-فرهنگی، آموزشی-بهداشتی، تجهیزات، اقتصادی و تفریحی به ترتیب

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۲ تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۰۹/۲۶

بیشترین اهمیت را به خود اختصاص داده‌اند. بنابراین، توجه به فضاهای عمومی می‌تواند در راستای تقویت اجتماعات انسانی به کار گرفته شود و زمینه را برای بهبود فعالیت‌ها، سرزندگی و حیات مدنی در جوامع روستایی فراهم کند. کلیدواژه‌ها: فضاهای عمومی، عوامل مؤثر، روستاهای استان لرستان.

۱. مقدمه

روستاها از یک‌سو، به واسطه کارکرد اساسی خود، تأمین‌کننده بسیاری از نیازهای فردی و جمعی جامعه روستایی هستند و از سوی دیگر، از خصیصه پویایی و تغییرات دائمی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و کالبدی- فضایی برخوردارند. چنین فعالیت‌هایی نیازمند فضاهایی است که افراد را به تفکر واداشته و گرد هم جمع کند تا بتوانند از طریق «گفتگو و روابط چهره به چهره» به همبستگی اجتماعی دست یابند (علی‌الحسابی و نگارش، ۱۳۸۹، ص. ۳۱). و سازمان فضایی مناسب را جهت پاسخ‌گویی به نیازهای انسانی تحقق ببخشند (رومیانی، صادقلو و صناعی مقدم، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۷). همچنین، زندگی عمومی مردم در فضاهای عمومی در مجموعه‌ای پیچیده از اشکال و کارکردها رخ می‌دهد. بر این اساس، این فضاها باید حاوی رفتارها، کاربری‌ها و فعالیت‌های متنوعی مانند خرید، پیاده‌روی، مکالمه، استفاده از امکانات برای سرگرمی، استراحت یا حتی گذراندن وقت به‌عنوان فعالیت‌های روزمره و همچنین جشن‌ها و رویدادهای دوره‌ای باشند (جلال‌الدینی و اوکتای^۱، ۲۰۱۲، ص. ۶۶۵). بنابراین امروزه فضای روستایی، به‌عنوان فضایی با ویژگی تنوع فرهنگی و سنتی و تعامل با محیط طبیعی و انسانی چه در گذشته و چه در حال حاضر، توجه بسیاری از صاحب‌نظران را به خود جلب کرده است (یونگ و ریو^۲، ۲۰۱۵، ص. ۱۱۲۱۳). این تعامل با ترکیب عوامل طبیعی و فرهنگی از جمله مهارت‌ها، دانش و فن‌آوری ادغام شده است و تنوعی گسترده‌ای از خدمات اکوسیستم و سیستم‌های اجتماعی و فرهنگی را به وجود آورده است (سونگ^۳، ۲۰۰۵، ص. ۳۴۶؛ هارتل، فیچر، کامپنو، مایلکو، هانس پاچ و فازی^۴، ۲۰۱۴، ص. ۱۲۳۹). این مجموعه

1. Jalaladdini & Oktay

2. Jung and Ryu

3. Seong

4. Hartel, Fischer, Câmpăanu, Milcu, Hanspach & Fazey

تعاملات بلندمدت فرهنگی و اجتماعی زمینه یک چشم‌انداز قوی در هویت یک مکان را به دنبال داشته است (یونگ و ریو، ۲۰۱۵، ص. ۱۱۲۳۹). با این حال، در طول چند دهه گذشته، نگرانی در مورد ناپدید شدن مناظر سنتی و ظهور مناظر جدید، تبدیل به یک مسئله جدی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه شده است و سبب تغییرات گسترده و چشمگیر مناظر فرهنگی سنتی از جمله گونه‌ها، زیستگاه‌ها و تغییرات هویت چشم‌انداز شده است (اسکدلی وبرگر^۱، ۲۰۰۹، ص. ۴۷۹؛ موس و ویجرمان^۲، ۱۹۹۰، ص. ۲۸۹). تغییرات در مناظر روستایی به طور مستقیم با معیشت و جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زندگی مردم محلی و در نهایت حفظ طبیعت، مرتبط هستند. بیشتر سکونتگاه‌های روستایی با توجه به خصوصیت‌ها و کلیه عوامل درونی و برونی خود نظیر مکان طبیعی، فضای جغرافیایی، باورهای مردم و ارزش‌های بومی که در تعامل با هم هستند، در کنار بعضی ویژگی‌های مشترک، جلوه‌های منحصر به فرد و منظر خاص خود را دارند (احمدی، ۱۳۹۱، ص. ۶). پس مشاهده تغییرات در فضاها و معماری روستایی، در پی دگرگونی هنجارهای اجتماعی، امری طبیعی است که متعاقب آن تحولاتی به وجود آمده است. از آنجا که تمدن به یکباره به وقوع نپیوسته و ظهور آن تدریجی است، فضاهای زیستی، محل تجلی حیات مدنی است و نیازمند تداوم این حیات نیز خواهد بود؛ لذا برای تحقق این تداوم نیازمند به سازماندهی اجتماعی امری ضروری به نظر می‌رسد (ساردوئی، ۱۳۹۳، ص. ۱۱۸).

منطقه مورد مطالعه این پژوهش، روستاهای استان لرستان است که دارای فضاهای تفریحی مانند (طبیعت بکر و کوهستانی، آب و هوای مناسب)، فضاهای ارتباطی (تحکیم روابط همسایگی بین افراد، روابط صمیمی بین خانواده)، فضاهای فرهنگی و اجتماعی (مانند آداب و سنن قدیمی، گردهمایی ملی، مذهبی و سخنرانی)، فضاهای مشارکتی (همدلی و مشارکت در مراسم عروسی و عزاداری‌ها) فضاهای خدماتی (بهداشتی و ورزشی) و غیره است و باعث شده است که زمینه بررسی این پژوهش را فراهم کند. بنابراین، هدف از این پژوهش بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری و تقویت فضاهای عمومی در روستاهای استان لرستان است و به

1. Stockdale and Barker
2. Meeus and Wijermans

دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال کلیدی می‌باشد که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تقویت فضاهای عمومی روستایی کدامند.

۲. پیشینه تحقیق

در خصوص فضای عمومی در مناطق روستایی تحقیقات خیلی کمی صورت گرفته است، و بیشتر آن‌ها بر نقش فضاهای عمومی تأکید کرده‌اند، اما در این پژوهش، محقق به بررسی عوامل مؤثر در تقویت فضاهای عمومی پرداخته است و از این حیث کار جدید و نویی می‌باشد.

در همین رابطه، جوهان گل^۱ (۲۰۰۳)، در پژوهش خود، حمایت از فعالیت‌های اجتماعی را یکی از ملزومات دستیابی به فضاهای عمومی موفق دانسته و بهترین فرصت برای تعامل در یک فعالیت می‌داند. مطالعه دیگر در این زمینه مربوط به تحقیق ون راجا^۲ (۱۹۸۳) است که با هدف شناخت عوامل مؤثر در جلب مردم به فضاهای عمومی صورت گرفته و نتایج آن به شرح ۱- نحوه ارزیابی عموم از مکان، ۲- ویژگی‌های کالبدی، ۳- مفید و مؤثر بودن، ۴- نحوه دسترسی و ۵- ویژگی‌های اجتماعی نشان داده شده است (حاتمی و ذاکر حقیقی، ۱۳۹۷، ص. ۸۲). جلال‌الدینی و اوکتای (۲۰۱۲)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که ویژگی‌های فیزیکی و اجتماعی زمینه نشاط و شادی را برای مردم فراهم کرده است. محققانی چون اسماعیل و سعید^۳، ۲۰۱۵، بولیور داپونته، رودریگز و سانچز^۴، ۲۰۱۱؛ فرانسیس، جلیز کورتی، ود، کنویمان^۵، ۲۰۱۲؛ نوستن، ساله و وحید^۶، ۲۰۱۴؛ یون و سرینیواسان^۷، ۲۰۱۵، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که فضاهای روستایی، به‌عنوان عرصه‌های اقتصادی، محیطی و تعاملات اجتماعی محسوب می‌شوند. در این فضاها، مردم محلی می‌توانند خارج از دیگر عرصه‌های خصوصی با دیگران سهیم شده و در آن فعالیت کنند. این فضاها با توجه به خاصیت عمومی

1. Johan Gehl

2. Ven Raja

3. Ismail & Said

4. Bolívar, Daponte, Rodríguez & SánchezJ

5. Francis, Giles-Corti, Wood & Knuiman

6. Nasution, Shalleh & Wahid

7. Yoon & Srinivasan

و اجتماعی که دارند، می‌توانند به ساخت و تولید مناسبات اجتماعی کمک کرده و باعث افزایش کیفیت سرزندگی در مناطق روستایی شوند که تا حدودی با پژوهش حاضر هم‌سویی خاصی دارد. از این رو، بحث عملکرد فضاهای عمومی در جهت ارتقاء توسعه سرزندگی مردمی محلی در برنامه‌های توسعه روستایی اهمیت بسیاری دارد که باید مسئولان و مردم به آن توجه ویژه‌ای داشته باشند. آنچه که بیش از همه در حضور و تعامل افراد در فضاهای عمومی نقش دارد، ایجاد و تقویت کارکرد این فضاهاست که می‌تواند به ایجاد فرصت‌های مشارکت، توانمندسازی، شبکه‌های اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و غیره بینجامد و زمینه را برای افزایش کیفیت سرزندگی مردم محلی فراهم کرد. بنابراین، گام اساسی در زمینه تدوین برنامه‌های کارآمد و منطبق بر واقعیت‌ها و دستیابی به هدف بهبود کیفیت سرزندگی، شناخت و آگاهی لازم و کافی از توان‌ها و امکانات هر منطقه جغرافیایی است. عنابستانی و احمدزاده (۱۳۹۱)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که ارتباط معنی‌داری بین جمعیت، فاصله روستا از مرکز دهستان و عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی با ضریب $0/466$ و $0/6697$ وجود دارد، اما براساس آزمون آماری کراسکال والیس رابطه معنی‌داری بین نوع راه ارتباطی و موقعیت روستا با عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در منطقه مورد مطالعه وجود ندارد. احمدی و همکاران (۱۳۹۱)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که در این نواحی، علاوه بر عوامل درونی شامل تغییر موقعیت کارکردی، تغییر در الگوهای بهره‌برداری از فضا، عوامل زیست محیطی، گرایش‌های مذهبی، میزان انسجام، رفاه‌طلبی و تجملات، تغییر سبک زندگی، تغییر منابع تولید، اشتغال، تغییر ارزش زمین و مسکن، عوامل بیرونی در دو قالب مجاورت شهری و ابعاد ملی و فراملی شامل مولفه‌های توسعه گردشگری و خانه‌های دوم، مهاجرت از شهر به روستا و بالعکس، توسعه و خزش شهری، فناوری اطلاعات و ارتباطات تلفن، و سیاست‌های و برنامه‌های کلان ملی، تکنولوژی و مکانیزه‌شدن تأثیرگذار می‌باشد. عزیزپور و شمسی (۱۳۹۳)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که عوامل طبیعی به‌ویژه توپوگرافی، منابع آب و شیب در موقعیت استقرار سکونتگاه‌های روستایی تأثیر داشته است. این وضعیت سبب گردیده تا سازمان فضایی محدوده مورد مطالعه از ساختار سلسله‌مراتبی دو سطحی برخوردار گردد. ضمناً مبتنی بر این نتایج پیشنهاد گردید تا سازمان فضایی محدوده از سه

حوزه روستایی به مرکزیت روستاهای افجه، کندعلیا و بوجان و یک مجموعه روستایی با مرکزیت شهر لواسان تشکیل گردد. عینالی و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که معیارهای زیباشناختی، معنایی - ادراکی و عملکردی - فعالیتی هر کدام به ترتیب با میزان ۲/۵۲، ۱/۷۹ و ۰/۶۹ بالاترین رتبه را به خود اختصاص داده‌اند. یافته‌های تحلیل عاملی نشان داد که عامل اول، یعنی تصویر ادراکی بیشترین سهم و عامل ششم، یعنی تعاملات اجتماعی کمترین سهم در تبیین کل متغیرها را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین، بررسی مدل برازش رگرسیونی نشان‌دهنده تأثیر مثبت فاکتورهای مؤثر فضاهای عمومی در ارتقای افزایش کیفیت سرزندگی روستائیان به میزان ۰/۷۲۳ می‌باشد که این خود نشان از رابطه معنادار و مثبت بودن نقش عوامل فضاهای عمومی در ارتقاء کیفیت سرزندگی روستائیان در بین روستاهای محدوده مورد مطالعه می‌باشد.

رومیانی و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که شاخص‌های آسایش، لذت و محافظت هر کدام به ترتیب با مقدار ۷/۲۶، ۴/۹۰ و ۳/۷۸ بیشترین اولویت‌ها رو به خود اختصاص داده‌اند. آزمون رگرسیون نشان داد که بیشترین میزان همبستگی بین شاخص‌های سرزندگی زیست‌محیطی و سرزندگی اجتماعی با میزان ۰/۳۸۲ و ۰/۲۷۵ می‌باشد و این شاخص‌ها نیز تأثیر مثبتی بر روی بقیه شاخص‌های تحقیق داشته است.

۳. روش‌شناسی تحقیق

۳.۱. روش تحقیق

این پژوهش در راستای بررسی عوامل مؤثر در تقویت فضاهای عمومی در مناطق روستایی می‌باشد؛ لذا نوع تحقیق، کاربردی و از نظر ماهیت و روش توصیفی - تحلیلی است. در انجام تحقیق، ابتدا اطلاعات موجود در مورد موضوع و منطقه از کتب، اسناد، مجلات، نقشه پایه، آمارنامه‌ها جمع‌آوری شد و سپس داده‌های مورد نیاز از طریق مطالعات میدانی شامل مشاهده، پرسش‌نامه، مشخصات فردی و ویژگی‌های مردم محلی مد نظر قرار گرفت. بنابراین، به منظور بررسی عوامل مؤثر در تقویت فضاهای عمومی در مناطق روستایی از سه معیار زیباشناختی، معنایی - ادراکی و عملکردی - فعالیتی، به شرح شکل (۱) و جدول (۴) استفاده

شد و سپس پرسش‌نامه‌ها مطابق با طیف لیکرت (۱= خیلی کم، ۵ = خیلی زیاد) طراحی و ارزیابی شدند.

جهت سنجش روایی، پرسش‌نامه ابتدا در اختیار متخصصان قرار گرفت و روایی ابزار تحقیق سنجیده شد و شاخص‌ها و گویه‌های نهایی استخراج گردید. پرسش‌نامه تدوین‌شده در این مرحله در منطقه مورد مطالعه مورد پیش‌آزمون قرار گرفت و پس از تأیید اعتماد یا پایایی طبق جدول (۱)، پرسش‌نامه جهت انجام مراحل میدانی تحقیق تدوین نهایی گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات از روش‌های آماری توصیفی (میانگین، انحراف معیار و واریانس) و استنباطی (تحلیل واریانس و تحلیل عاملی) بهره گرفته شد.

جدول ۱- مقدار آلفای کرونباخ مشاهده شده

مأخذ: نگارنده با استفاده از دسترسی به اطلاعات، ۱۳۹۸

عنوان	تعداد گویه‌ها	مقدار آلفای کرونباخ
زیباشناختی	۸	۰/۵۶۸
معنایی - ادراکی	۷	۰/۵۵۷
عملکردی - ادراکی	۱۲	۰/۶۸۰

جامعه آماری این تحقیق، ۳۹ روستا در استان لرستان است که از طریق فرمول کوکران با خطای ۰/۰۷ درصد، ۱۹۵ پرسش‌نامه بدست آمد و بین مردم محلی به صورت تصادفی توزیع شد. از دلایل انتخاب این روستاها می‌توان به همکاری بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان لرستان اشاره کرد که داده‌های حاصل از پرسش‌نامه‌هایی که مردم روستا در هنگام بازدید مشاوران تکمیل کرده بودند را در اختیار این تحقیق قرار داد.

جدول ۲- جمعیت روستاها و تعداد پرسش‌نامه

مأخذ: مرکز آمار، ۱۳۹۵

شهرستان	بخش	دهستان	روستا	جمعیت	تعداد پرسش‌نامه
الیگودرز	مرکزی	پاچه لک شرقی	ده نصیر	۸۳۵	۴,۴۸
		خمه	خمه بالا	۶۴۶	۳,۴۷

شهرستان	بخش	دهستان	روستا	جمعیت	تعداد پرسشنامه
	بربرود غربی	بربرود غربی	شاهپورآباد	۱۵۲۲	۸,۱۷
	بشارت	یشکوه ذلقی	خاک بیه	۴۰۴	۲,۱۷
بروجرد	اشترینان	برده سره	دهریز	۱۴۷۹	۷,۹۴
		گودرزی	برکت آباد	۱۰۲۱	۵,۴۸
	مرکزی	شیروان	الک آباد	۵۶۶	۳,۰۴
		والانجرد	بیچون پایین	۷۶۶	۴,۱۱
	بیرانوند	بیرانوند جنوبی	سراب الیاس	۵۰۷	۲,۷۲
	بیرانوند	بیرانوند شمالی	داربلوط پایین	۶۵۱	۳,۴۹
خرم آباد	زاغه	زاغه	باده	۵۴۸	۲,۹۴
		قاید رحمت	کله جوب	۸۴۹	۴,۵۶
	مرکزی	ازنا	سردارآباد	۸۳۲	۴,۴۷
		رباط	قلعه سنگی	۱۳۵۳	۷,۲۶
	مرکزی	کاکاوند	هزارخانی	۷۳۸	۳,۹۶
		میریگ جنوبی	میرزا آباد	۸۵۱	۴,۵۷
دلفان	مرکزی	میریگ شمالی	شهن آباد	۱۴۵۰	۷,۷۸
		چالانچولان	زرگران بالا	۷۷۶	۴,۱۷
	سیلاخور	سیلاخور	کاغه	۹۵۳	۵,۱۲
دورود	مرکزی	حشمت آباد	ترشاب	۱۱۶۱	۶,۲۳
	طهران	طهران شرقی	دم روستان	۱۱۱۳	۵,۹۷
	کوهنانی	کوهنانی	شورابه بهرام بیگ	۸۴۰	۴,۵۱
کوهدشت	مرکزی	گل کل	اشتره گل گل	۱۰۴۷	۵,۶۲
		گل گل	اکبرآباد	۱۶۴۱	۸,۸۱
	جایلق	جایلق شرقی	مرزبان	۹۸۶	۵,۲۹
ازنا	مرکزی	سیلابخور شرقی	کلکله	۱۱۱۱	۵,۹۶
	مرکزی	ملاوی	وره زرد	۹۴۵	۵,۰۷
	معمولان	افرینه	سرنجه زیودار	۵۶۵	۳,۰۳
پلدختر	فیروزآباد	فیروزآباد	تملیه	۱۱۱۴	۵,۹۸
		فیروزآباد	شیخ آباد زنگیوند	۱۰۵۸	۵,۶۸
	مرکزی	یوسف وند	در تنگ پایین	۸۴۶	۴,۵۴
دوره	چگنی	دوره	سراب ناوه کش	۹۸۳	۵,۲۸

شهرستان	بخش	دهستان	روستا	جمعیت	تعداد پرسشنامه
		دوره	سراب چگه	۸۰۱	۴,۳۰
	شاهیوند	شاهیوند	ملک آباد سماق	۷۰۳	۳,۷۷
	ویسیان	ویسیان	سبزوار	۷۰۳	۳,۷۷
رومشگان	سوری	سوری	اسداباد	۷۸۱	۴,۱۹
		رومیانی	پادروندپایین	۸۱۱	۴,۳۵
	مرکزی	رومشگان	لالوند	۸۹۸	۴,۸۲
		بازوند	بازوندی	۱۴۷۴	۷,۹۱
جمع کل	۲۸	۳۹	۳۹	۳۶۳۲۸	۱۹۵

۳.۲. منطقه مورد مطالعه

استان لرستان یکی از استان‌های غربی ایران است. این استان ۲۸۳۰۸ کیلومتر مربع مساحت دارد. خرم‌آباد مرکز استان و بروجرد دومین شهر بزرگ آن است. لرستان سرزمینی کوهستانی است و غیر از چند دشت محدود، سراسر آن را کوه‌های زاگرس پوشانده است. اشترانکوه با ۴۰۵۰ متر ارتفاع بلندترین نقطه استان است و پست‌ترین نقطه آن در جنوبی‌ترین ناحیه استان واقع شده و حدود ۵۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. براساس یافته‌های باستان‌شناسی این منطقه یکی از نخستین سکونتگاه‌های قدیمی بشر است و مفرغ لرستان از شهرت باستان شناسی زیادی برخوردار است. این استان از ۱۱ شهرستان، ۳۱ بخش، ۲۵ شهر و ۸۷ دهستان تشکیل شده است. بنابر سرشماری سال ۱۳۹۵، جمعیت استان ۱۷۶۰۶۴۹ نفر بوده است. جمعیت روستایی در این استان برابر با ۶۲۳۸۹۶ نفر و نرخ رشد جمعیت روستایی برابر (۱/۶۳-) است.

۴. مبانی نظری

توسعه و ایجاد فضاهای عمومی مطلوب علاوه بر تأمین رفاه و آسایش مردم، نقش مؤثری در حفاظت محیط و توسعه پایدار از طریق سلسله مراتب طرح‌های مختلف و در نظر گرفتن نیازها و امکانات واقعی و مشارکت نیروهای مؤثر در تحقق آن ایفا می‌کند. براین اساس، این فرایند مستلزم رعایت جامع‌نگری، انعطاف‌پذیری و به کار گرفتن شاخص‌ها و معیارهای کمی

و کیفی در پیش‌بینی و اولویت‌سنجی اراضی مورد نیاز و نحوه توزیع و ترکیب آن‌ها میان کاربری مختلف است (ایزدی، محمدی، طاهری، و شرخانی، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۸). بنابراین، توجه به بحث‌های فضاهای عمومی و اهمیت آن از دیدگاه‌های مختلف مطرح شده است. در این رابطه برخی از محققان حوزه شهرشناسی چون ویلیام^۱ اعتقاد دارند که خیابان‌های خوب، پیاده‌روها، پارک‌ها و دیگر فضاهای عمومی در آگاهی و رشد مدنیت در جوامع نقش بسزایی ایفا می‌کنند (کارمونا^۲، ۲۰۰۳، ص. ۲۳). لذا بسیاری از مفسران در خصوص اینکه چگونه فضا بر مردم، احساسات و رفتار ایشان اثر می‌گذرد، بحث کرده‌اند. این مباحث برآمده از مفهوم فضا، در یک تقسیم‌بندی کلی، در سه بخش قابل دسته‌بندی است: ۱- خصوصیات فیزیکی فضا، ۲- فعالیت‌هایی که در فضا رخ می‌دهد، ۳- معنای فضا. بنابراین کارمونا (۲۰۰۳) این سه بخش را با عناوین ابعاد «ریخت‌شناختی»^۳، «اجتماعی و عملکردی»^۴ و «ادراکی»^۵ معرفی می‌کند. رالف (۱۳۷۴) این سه بخش را «بستر فیزیکی»^۶، «فعالیت» و «معنا» می‌داند که در ساخت «هویت مکان» مؤثرند. طبق ادعای رالف، ارتباط بین مردم و مکان از طریق وجود مفهومی با عنوان «حس مکان»^۷ رخ می‌دهد. راپاپورت^۸ (۱۹۹۹)، اجزاء شکل‌گیری محیط را شامل سه بخش «ساخت فضا»^۹، «ساخت تعاملات»^{۱۰} و «ساخت معنا»^{۱۱} می‌داند (ماجدی، رضایی و منصوری، ۱۳۹۳، ص. ۴۵). لیپتون^{۱۲}، فضاهای عمومی را با عنوان «اتاق زندگی بیرونی» و «مرکز تفریح و فراغت بیرون از خانه» تعریف می‌کند. فضای عمومی مکانی برای بیان تنوع، تولید یک فرآیند داد و ستد و آموزش تحمل و شکیبایی است (سیرون و مازا^{۱۳}، ۲۰۰۹، ص.

1. William
2. Carmona
3. Morphological Dimension
4. Social and Functional Dimension
5. Perceptual Dimension
6. Physical Settings
7. Sense of Place
8. Rapoport
9. Organization of Space
10. Organization of Communication
11. Organization of Meaning
12. lipton
13. Citron & Mazza

۳). مامفورد^۱ به همبستگی اجتماعی و ارتباطات متقابل چهره به چهره، تحریک فکر و اندیشه و اهمیت زیباشناختی فضاها تأکید دارد و ارتباطات یک‌جانبه و خودمحوری‌های سودجویانه را نفی می‌کند (شارع‌پور، ۱۳۸۹، ص. ۱۹۵). بر این اساس، با توجه بیش از حد به فضاهای خصوصی مخالف است؛ زیرا در آن صورت ارزش‌های اجتماعی نادیده گرفته می‌شود و نهایتاً انسان هرچه بیشتر از گذشته منزوی شده و زندگی جمعی در فضاها کمرنگ می‌شود (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص. ۷۸). یوهان گل^۲ (۲۰۰۳)، نشان داد که چگونه کیفیت محیطی فضاهای عمومی بر میزان و نحوه استفاده مردم از آن‌ها اثرگذار است. طبق نظرات گل، فعالیت در فضاهای عمومی ذیل سه بخش قابل شناسایی است: فعالیت‌های ضروری، اختیاری و اجتماعی. زمانی که فضا از کیفیات پایینی برخوردار باشد، تنها فعالیت‌های ضروری است که در آن‌ها رخ می‌دهند. با ارتقای کیفیت فضا، ضمن رخداد فعالیت‌های ضروری، طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های اختیاری و اجتماعی نیز امکان وقوع می‌یابند و مردم به انجام آن‌ها تمایل پیدا می‌کنند (جوهان گل، ۲۰۰۳، ص. ۶۵۸).

بنابراین فضای عمومی یا جمعی به جز جوانب فیزیکی و کالبدی، نوعی فضای ادراکی و نمادین است که با خصلتی نظام‌مند و ماهیتی مرکب با فضای اجتماعی و فرهنگ جامعه پیوندی ناگسستنی داشته و نسبت فرهنگی و اجتماعی جامعه در ادراک آن مؤثر است و حاصل میراث تاریخی و فرهنگی یک جامعه است (یزدانی و لواسانی، ۱۳۸۹، ص. ۴۲). با توجه به اطلاعات جدول (۱) می‌توان به تعریف فضاهای عمومی و سنجش کارکردها و ویژگی‌های کلیدی این فضاها اشاره کرد.

1. Mumford

2. Johan Gehl

جدول ۳ - روش‌های مهم در تعاریف و سنجش فضاهای عمومی

مأخذ: رومیانی، صادقلو و صناعی مقدم، ۱۳۹۸

محقق	تعاریف	خصیصه‌های کلیدی رویکرد	شاخص‌های کلیدی	کارکردها اصلی
کار و همکاران (۱۹۹۲)	فضای عمومی همچون «زمین مشترک» در نظر گرفته می‌شود که مردم فعالیت‌های آیینی و کارکردی یک اجتماع را به هم پیوند می‌دهد، خواه در روال عادی زندگی روزانه، یا در فستیوال‌های دوره‌ای باشد.	پیوندی برای فعالیت‌های آیینی و کارکردی یک اجتماع به‌عنوان یک فضای مشترک و عمومی	پاسخ‌گو، دموکراتیک و معنادار	آسیب‌رسان (ارتباط و تعامل)
زوکین (۱۹۹۵) ^۲	فضاهای عمومی، فضاهای هستند که پیوسته مرزها و نشانه‌های جامعه انسانی را هدف گفت و گو قرار می‌دهند. فضایی عمومی ابزاری برای تنظیم چشم‌انداز زندگی اجتماعی مردم است.	- کلیدی برای بحث و گفت و گو جامعه انسانی - کلیدی برای تحمل تفاوت ها و فرصت‌هایی برای ورود به زندگی اجتماعی کامل - کلیدی برای فضای مبادله‌ای - کلیدی برای بهبود چشم انداز زندگی اجتماعی	مشارکت مدنی، هویت شناسی، تبادل ارتباط و اطلاعات	
استنلی و میشل (۲۰۰۸) ^۳	فضاهای عمومی تجلی تلاش‌های بشری است که مصنوعات جهان اجتماعی در محدوده این محیط طراحی شده، انطباق یافته، گفت و گو و تفسیر می‌شود. فضاهای عمومی، عرصه‌های مهمی برای گفتمان عمومی و بیان ناخشنودی‌ها به حساب می‌آیند	- کلیدی برای گفت و گوی عمومی و تفسیر آن‌ها - کلیدی برای صلح و انسان دوستی	تعاون و همکاری، ایجاد شبکه‌های اجتماعی و نهادی	
گل (۲۰۰۳)	فضایی است که شامل فعالیت‌ها، حوادث، الهام و تحریک‌ها است و کیفیت فضاهای عمومی را بالاتر می‌برد. فضایی است که علی‌رغم تفاوت‌ها، به عنوان مکان جلسات، بازار و فضای ترافیک عمل کرده است.	- کلیدی برای تنوع‌بخشی به فعالیت‌ها - کلیدی برای هم‌اندیشی و باز کردن تفاوت‌ها	مشارکت اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی	مکان‌ها

1. Car et all

2. Zukin

3. Stachley & Michelle

کارکردها اصلی	شاخص‌های کلیدی	خصیصه‌های کلیدی رویکرد	تعاریف	محقق
	عدالت اجتماعی، دموکراتیک و معنادار	- کلیدی برای دسترسی به فضای همگانی - نگرش دولتی برای دسترسی همگانی - کلیدی برای دسترسی به فرصتی محیطی	فضای عمومی شامل همه مناطق می‌شود که برای اعضای عمومی در یک جامعه (در اصل و نه لزوماً در عمل) باز و در دسترس است. مکان عمومی به عنوان مکان (یا فضایی) تعریف می‌شود که مقامات دولتی آن را ایجاد کرده‌اند و از آن نگهداری می‌کنند و برای استفاده همه مردم در دسترس است	اورم و نیل (۲۰۱۰)
کارمونا (۲۰۰۸)	عدالت اجتماعی، مشارکت مدنی، تعاون و همکاری، قدرت بخشیدن مردم	- کلیدی برای عدالت اجتماعی در شهر و روستا - کلیدی برای مراعات حقوق دیگران - کلیدی برای مشارکت مدنی اعضا - کلیدی برای دسترسی همگانی	فضای عمومی (تعریف وسیع و گسترده) مرتبط با همه بخش‌های محیط ساخته شده و طبیعی، عمومی و خصوصی، داخلی و خارجی، شهری و روستایی است، جایی که عموم آزادند، مانند همه خیابان‌ها، میدان‌ها و دیگر حقوق‌گذر، دارای استفاده غالب مسکونی، تجاری یا اجتماعی / مدنی است. فضای عمومی (تعریف محدود شده)، مرتبط با آن بخش از محیط طبیعی و ساخته شده است که دسترسی عموم به آن آزاد است. چنین فضایی شامل همه خیابان‌ها، میدان‌ها و دیگر حقوق‌گذر، خواه دارای استفاده غالب مسکونی، تجاری یا اجتماعی / مدنی باشد و نیز فضاهای باز و پارک ها و فضاهای عمومی / خصوصی که دسترسی عموم به آن‌ها بدون محدودیت است	

عملکرد اصلی فضاهای عمومی، فراهم‌سازی و بسترسازی حضور مردم می‌باشد؛ لذا ابعاد اجتماعی و فرهنگی آن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در این خصوص، موضوعاتی چون بسترسازی شرایط مطلوب فرهنگی - اجتماعی، سرزندگی و حیات اجتماعی که ابعاد کیفی

روابط جمعی را رقم می‌زند، از مهم‌ترین وظایف برنامه‌ریزان و طراحان است (رفعیان و خدائی، ۱۳۸۸، ص. ۲۲۸).

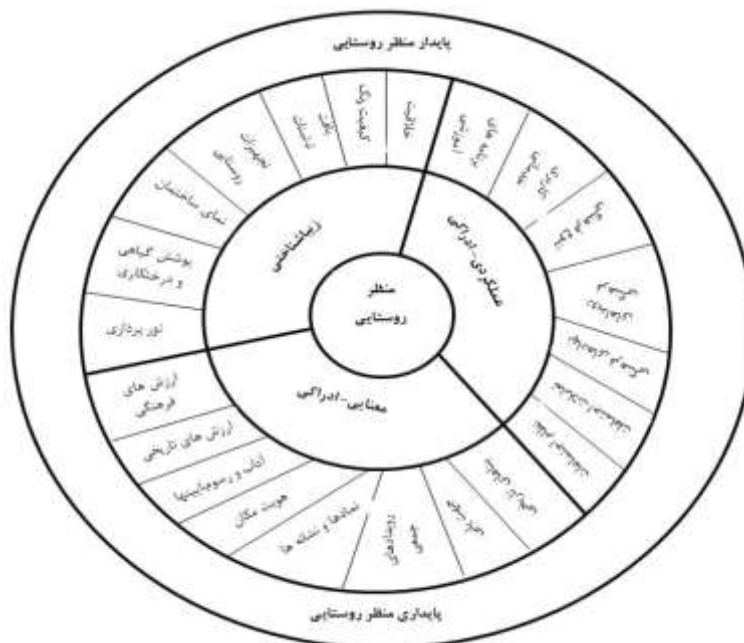
با توجه نکات اشاره‌شده در بالا می‌توان اظهار کرد که آسایش بصری و محیطی از مؤلفه‌های مهم و اساسی محیط‌های روستایی امن محسوب می‌شوند. به عنوان مثال، کاربرد مناسب رنگ در طراحی مبلمان روستایی، یکی از راهکارهای مطلوب در مناسب‌سازی سیما و منظر روستا با حفظ هویت کالبدی روستا است و تأثیر بسزایی در ادراک محیط دارد. به طوری که بین افراد ۱۶ تا ۳۵ سال، رنگ‌ها در بهترین و دقیق‌ترین وضع خود درک می‌شوند. خردسالان و سالخوردگان مهارت کمتری در تفکیک و تشخیص رنگ‌ها دارند و برای سنین بالای ۵۵ سال، سرعت تفکیک رنگ‌ها رو به وخامت می‌گذارد. از طرفی، بیشتر سکونتگاه‌ها و جامعه انسانی آن‌ها از جمله سکونتگاه‌های روستایی، با توجه به خصوصیت‌ها و کلیه عوامل درونی و برونی خود نظیر مکان طبیعی، فضای جغرافیایی، باورهای مردم و ارزش‌های بومی که در تعامل با هم هستند، در کنار بعضی ویژگی‌های مشترک، جلوه‌های منحصر به فرد و منظر خاص خود را دارند (تقوی، ۱۳۹۸، ص. ۲۰). در مجموع، کلیه عوامل و ساختارهای طبیعی و انسان در شکل‌گیری منظر روستایی دخالت دارند. سکونتگاه‌ها و مکان‌های عمومی، میدین و شبکه معابر به عنوان جریان ارتباطی، مناظر طبیعی، مزارع، باغ‌ها و مراتع در کنار هم به عنوان یک مجموعه واحد، مناظر روستایی را شکل داده‌اند. تمامی این عناصر، مانند اجزاء یک سیستم سبب پویایی چرخه زیستی و تداوم حیات در روستا می‌شوند. بنابراین، روستا تنها چند واحد مسکونی و تعدادی فضاها یا خرد و کلان جمعی در کنار وسعتی از کشتزارها و باغات نیست، بلکه نوع تعامل و رفتارهای انسان‌ها در یک محیط با یکدیگر و محیط طبیعی اطرافشان است که دریافت مفهوم و واقعیت یک آبادی به نام روستا را رقم می‌زند (عینالی، بوزجمهری، نظری شیخی، دهبانژاد، و رومیانی، ۱۳۹۶، ص. ۶۲۴).

روستاها می‌توانند به عنوان چشم‌اندازهای مشارکتی در نظر گرفته شوند و منعکس‌کننده فرهنگ، عقاید و ارزش‌های جامعه باشند و از سوی دیگر، می‌توانند بستر مشترکی ایجاد کنند که مردم فعالیت‌های کارکردی و مراسمی را که پیونددهنده اعضای جامعه است در آن انجام

دهند (رفیعی و شریفی، ۱۳۸۴، ص. ۳). فضاهای عمومی باید زمینه امکان ارتباطات اجتماعی در جهت رفع نیازها و تعالی کیفیت روابط را فراهم کنند. توجه به موقعیت فضای عمومی در گرو حضور تمامی گروه‌های سنی و جنسی متفاوت است و حال آنکه نیازها و خواسته‌های گروه‌های مختلف از یک فضا، گاه می‌تواند بسته به ویژگی‌های آن‌ها متفاوت باشد. در این میان، شناخت و انتظارت مردم از فضاهای عمومی به‌عنوان بخش مهمی از کیفیت زندگی مردم در نظر گرفته می‌شود. بر این اساس، با رجوع به تصویر ذهنی و توصیف مردم، در خصوص فضاهای عمومی، مردم انتظار دارند فضای عمومی و نیازهای آن‌ها با محیط طبیعی، اجتماعی و فرهنگی و الگوهای رفتاری و ادراکی مردم سازگار باشد. از نظر مردم، فضاهای عمومی خوب در سازگاری با جایگاه طبیعی و متمایز هر مکان و ظرفیت و محدودیت‌های آن، گذران اوقات فراغت مطلوب را از طریق تأمین آسایش اقلیمی، محیطی متجانس و جذاب فراهم می‌سازد که ضمن ایجاد تعادل اکولوژیکی و صرفه‌جویی، سرزندگی و طراوت، تجربه آب و هوا را هم سبب می‌شود. با بررسی و واکاوی مؤلفه‌های ویژگی‌هایی که از طرف پژوهشگران نقل کرده‌اند می‌توان فضای عمومی موفق را فضایی دانست که از مؤلفه‌هایی، مانند دسترسی، کالبدی مناسب، منظر، تنوع فعالیت، جامعه، امنیت، تعامل اجتماعی، اجتماع-پذیری، آسایش و راحتی در حد متناسبی برخوردار باشد، وجود این عوامل در کنار یکدیگر می‌تواند یک فضای عمومی را موفق یا ناموفق سازد (لیپتون^۱، ۲۰۰۳، ص. ۴۳۲؛ اولدنبورگ^۲، ۱۹۹۹، ص. ۹۸).

1. Lipton

2. Oldenburg



شکل ۱- شاخص و مؤلفه‌های منظر روستایی

مأخذ: رومیانی، صادق‌لو و صناعی مقدم، ۱۳۹۸

براساس شکل (۱)، مؤلفه‌های فضاهاى عمومى در سکونتگاه‌هاى روستائى را مى‌توان از طريق شاخص‌هاى، مانند توجه به فضاهاى زندگى (مسکن، حياط، کوچه‌ها و ...)، فضاهاى فعاليتى (محل نگهدارى دام، انبارها، پارکينگ و ...)، فضاهاى تفريحى (پارک، فضاهاى سبز و ...) و فعاليت‌هاى اجتماعى (محل برگزارى مراسم‌هاى عمومى و ..) مورد توجه و ارزشيابى قرار داد. مؤلفه‌هاى «معنايى» با دريافت ادارک شناختى و ترجيحات محيطى افراد روستائى در فضاهاى سکونتگاهى سروکار دارد. به عبارت ديگر، القاي احساس مثبت زندگى و سرزندۀ بودن روستا به عنوان حد نهايى معنا مى‌باشد که بايد ساکنان روستائى به آن دست پيدا کنند تا به واسطۀ آن سطح شاخص‌هاى مانند حس تعلق، احساس هويت و شادکامى و اميد در آن افزايش يابد. بنابراين، فضاهاى عمومى علاوه بر اثرات عينى بايد بتواند به لحاظ معنايى در جذابيت محيطى براى روستاييان نيز اثرگذارى مثبت داشته باشند. مؤلفه‌هاى زيباشناختى ناشى از فضاهاى عمومى بر جنبه‌هاى کالبدى تأکيد مى‌کند؛ زيرا انتظار مى‌رود توسعۀ فضاهاى

عمومی و ایجاد تغییرات متناسب با شرایط بومی و محیطی روستاییان، قدرت پذیرندگی محیط‌های روستایی را در بین ساکنان روستا افزایش دهد. این مؤلفه از طریق ارزیابی شاخص‌هایی مانند بهبود تجهیزات روستایی، پوشش‌های گیاهی و درختکاری، نورپردازی و کیفیت رنگ قابل بررسی می‌باشد. در مؤلفه‌های معنایی - ادراکی ناشی از فضاهای عمومی، می‌توان به مؤلفه‌های کاربری‌های خدماتی، برنامه‌های آموزشی، تعاملات اجتماعی و نهادهای فرهنگی و غیره اشاره کرد.

با توجه به مؤلفه‌های ذکرشده، ضرورت عملکرد فضاهای عمومی در مناطق روستایی مطابق جدول ۴ بیان شده است.

جدول ۴- شرح فعالیت و ضرورت عملکرد فضاهای عمومی در مناطق روستایی

ماخذ: نگارنده با استفاده از منابع قابل دسترس، ۱۳۹۸

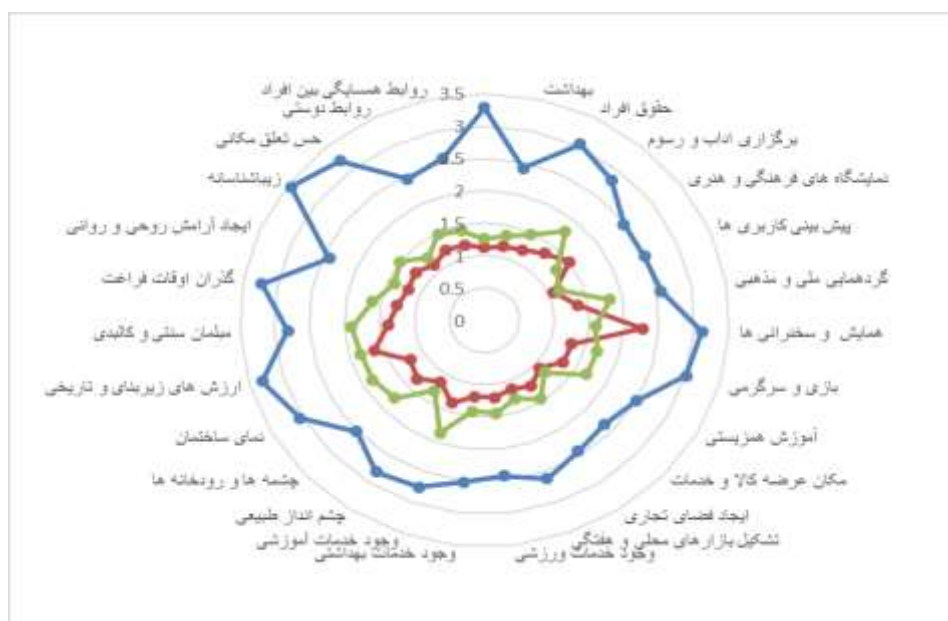
نوع فعالیت	شرح فعالیت	ضرورت عملکرد
بهداشتی	- تأمین‌کننده بهداشت جان و روان مردم توجه به حقوق افراد خاص (معلولین و سالمندان)	- گسترش بیماری‌های روحی و روانی در جامعه
فرهنگی	- زمینه‌سازی برای برگزاری آداب و رسوم روستا - برپایی نمایشگاه‌های فرهنگی و هنری - پیش‌بینی کاربری‌های فرهنگی و خدماتی	- احیا و زنده نگه‌داشتن مراسم محلی - محلی برای تبادلات فرهنگی افراد و قومیت‌های مختلف ساکن در محیط
اجتماعی	- گردهمایی‌های ملی و مذهبی - سخنرانی و همایش‌های منطقه‌ای - تأثیر بازی و سرگرمی بر جسم و ذهن کودکان - آموزش هم‌زیستی در کنار هم‌نوعان و هم‌سالان محلی برای تبادل اطلاعات	- ایجاد محیطی صمیمی و صحنه‌ای برای حضور افراد در بطن جامعه - مشکلات ناشی از عدم جامعه‌پذیری افراد - ضرورت کالاهای مصرفی روستاییان
اقتصادی	- ایجاد فضاهای تجاری و رونق کسب و کار در روستا - تشکیل بازارهای هفتگی و فصلی - مکان مناسب و پررونق برای عرضه کالاهای مایحتاج روزانه روستاییان	- معرفی و فروش محصولات روستاییان - زمینه‌سازی برای صدور محصولات اعم از کشاورزی و صنایع دستی و غیره - تأمین کالاهای مصرفی روستاییان - کاهش سفر به شهرها
تجهیزات	- وجود خدمات ورزشی - وجود خدمات بهداشتی - وجود خدمات آموزشی	- ضرورت نیازهای اولیه زیستی روستاییان

نوع فعالیت	شرح فعالیت	ضرورت عملکرد
تنوع جاذبه‌ها	- چشم‌انداز طبیعی بکر و کوهستانی - وجود چشمه‌ها و رودخانه‌ها	- حفظ پوشش‌های گیاهی - حفظ اقامتگاه‌های بوم گردی
کیفیت بصری محیط	- نقش و نمای ساختمان متناسب بر محیط - تبلور ارزش‌های زیربنای فرهنگی و تاریخی - مبللمان سنتی و کالبدی روستا	- بهبود سیما و منظر روستا
تفریحی	- گذران اوقات فراغت برای اقشار مختلف اجتماعی - رفع خستگی و ایجاد آرامش روحی و روانی	- کوچک شدن نسبی مساحت و عرصه
هویت مکان	- ویژگی‌های زیبایی‌شناسانه هم علت و هم معلول هویت - حس تعلق مکانی	- وجود عنصر هویت‌بخش در بافت روستا
تعاملات	- استمرار روابط دوستی مردم - تحکیم روابط همسایگی بین افراد ساکن در روستا - پایه‌ریزی روابط صمیمی و همیشگی بین خانواده‌ها	- کم رنگ شدن صله رحم و دید و بازدیدها به علت مشغله‌های کاری

۵. یافته‌های تحقیق

به منظور بررسی عوامل مؤثر در تقویت فضاهای عمومی در روستاهای مورد مطالعه، از ۱۹۵ پرسش‌نامه استفاده شد. یافته‌های توصیفی نشان داد که ۹۸/۲ درصد پاسخ‌گویان مرد و ۱/۲ درصد زن بوده‌اند. همچنین، گروه‌های ۳۰ تا ۳۹ سال با میزان ۴۴/۴، بیشترین درصد را داشته‌اند. از لحاظ تحصیلات، ۳۹/۲ درصد لیسانس بودند و ۵۱/۴ درصد آنان متأهل و ۴۸/۱ درصد مجرد بوده‌اند. به منظور بررسی عوامل مؤثر، از آزمون تحلیل عاملی و تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است. سپس به دسته‌بندی شاخص‌ها پرداخته شد. هر کدام از این شاخص‌ها دارای متغیرهایی هستند که در شکل (۲) به آن‌ها اشاره شده است. در نهایت برای اینکه مشخص شود کدام متغیر بیشترین تأثیر را در تقویت فضاهای عمومی داشته است، از میانگین، انحراف معیار و واریانس استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که گذراندن اوقات فراغت و چشم‌اندازهای طبیعی هر کدام با میزان (۱/۹۰) و (۱/۸۵) بیشترین واریانس‌ها را بین متغیرها به خود اختصاص داده‌اند که از دلایل آن می‌توان به طبیعت بکر با فضاهای مناسب اقلیمی در

روستاهای مورد مطالعه اشاره کرد. بنابراین، می‌توان بیان کرد که دیدگاه مردم محلی نسبت به موضوع مطرح‌شده در این پژوهش از لحاظ فضاهای عمومی دارای اهمیت می‌باشد.



شکل ۲- عوامل مؤثر در تقویت فضاهای عمومی

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

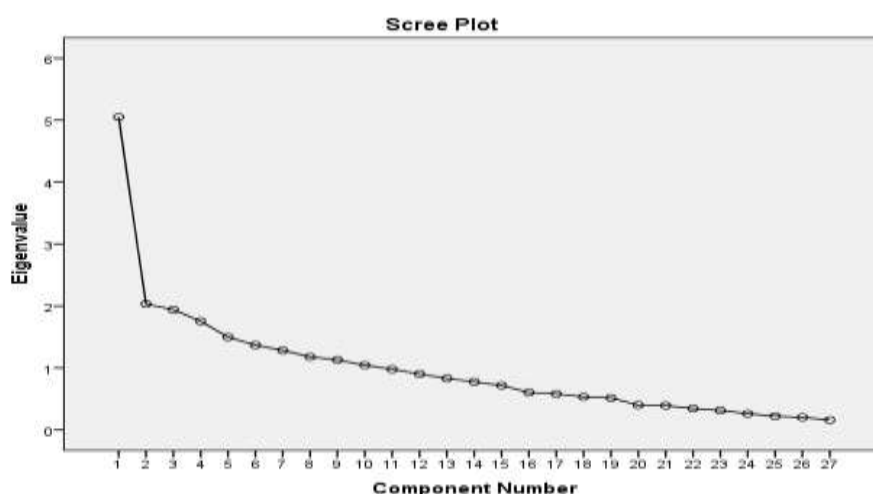
با توجه به پژوهش نظری و برداشت‌های میدانی، ۲۷ عامل استخراج شد. بر اساس نتایج، مقدار KMO، معادل ۰/۶۰۳ بوده و با توجه به حداقل و حداکثر مقدار آزمون، در سطح قابل قبولی است. مقدار محاسبه‌شده برای آزمون بارتلت نیز در سطح P کمتر از ۰/۰۰۰ معنادار بوده است. پس داده‌های مورد بررسی از تناسب قابل قبولی برای اجرای تحلیل عاملی برخوردارند.

جدول ۵- آزمون بارتلت در سطح معناداری

مأخذ: یافته‌های تحقیق و محاسبات نگارنده، ۱۳۹۸

مجموع مورد تحلیل	دیدگاه‌ها	مقدار KMO	مقدار	سطح معنی
عوامل مؤثر در تقویت فضاهای عمومی	مردم محلی	۰/۶۰۳	۱۳۷۹/۲۹۱	۰/۰۰۰

نتایج مدل تحلیل عاملی نشان می‌دهد از میان ۲۷ متغیر، فقط هفت عامل دارای مقادیر ویژه بزرگ‌تر از یک است. بنابراین، بیشینه تعداد عامل‌های اصلی می‌تواند هفت باشد. این هفت عامل پس از چرخش، در مجموع توانسته‌اند ۵۵/۲۷۴ درصد واریانس را تبیین کنند که بیشترین سهم را عامل اول با ۱۰/۵۳۱ درصد دارد و کمترین سهم را عامل هفتم با ۶/۱۷۸ درصد به خود اختصاص داده است. از این رو، از میان عواملی که بیشترین نقش را در تقویت فضاهای عمومی در ناحیه مورد مطالعه داشته‌اند، فقط هفت عامل اهمیت بیشتری دارد. از آن جا که درصد واریانس قابل قبول برای قابل اتکا بودن تحلیل عاملی ۵۰ درصد است، با توجه به مقدار به دست آمده از خروجی دوم (۵۵/۲۷۴) می‌توان بیان کرد که نتایج تحلیل عاملی قابل تعمیم و اتکاست و نیز به واسطه آن می‌توان از مناسب بودن متغیرهای انتخاب‌شده برای تحلیل عاملی اطمینان یافت.



شکل ۳- نمودار مقدار ویژه عامل‌ها

مأخذ: محاسبات نگارنده، ۱۳۹۸

در پژوهش حاضر، برای چرخش عاملی از روش ریماکس استفاده شده است. بعد از مرحله چرخش، متغیرهایی که مربوط به هر عامل هستند، به صورت ستونی مشخص شدند. پس از پردازش متغیرهای مؤثر در تقویت فضاهای عمومی نسبت به نام‌گذاری عوامل اقدام

گردید. حال با توجه به اینکه داده‌ها از درجه تناسب خوبی برخوردارند، می‌توان از این هفت عامل در تجزیه و تحلیل نهایی و بررسی متغیرها نسبت به عوامل استفاده و دیگر عوامل را حذف کرد. ضرایب همبستگی بین متغیرها و عوامل (بارهای عاملی) در جدول (۶) ارائه شده است.

نتایج نهایی مدل تحلیل عاملی نشان می‌دهد متغیرهایی که بیشترین بار عاملی را روی عامل نخست دارند، عبارتند از: چشم‌انداز طبیعی بکر و کوهستانی، وجود چشمه‌ها و رودخانه‌ها، نقش و نمای ساختمان متناسب بر محیط، تبلور ارزش‌های زیربنای فرهنگی و تاریخی و مبللمان سنتی و کالبدی روستا که نام عامل، تنوع جاذبه‌ها و کیفیت بصری گذاشته شده است. مقدار ویژه این عامل $2/84$ و مقدار واریانس آن $10/531$ می‌باشد. متغیرهای که دارای بیشترین همبستگی با عامل دوم هستند عبارتند از: استمرار روابط دوستی مردم، تحکیم روابط همسایگی بین افراد ساکن در روستا و پایه‌ریزی روابط صمیمی. مقدار ویژه این عامل، $2/673$ و مقدار واریانس آن $9/900$ می‌باشد. متغیرهایی که دارای بار عاملی روی عامل سوم هستند، شامل زمینه‌سازی برای برگزاری آداب و رسوم روستا، برپایی نمایشگاه‌های فرهنگی و هنری، پیش‌بینی کاربری‌های فرهنگی و خدماتی، گردهمایی‌های ملی و مذهبی و سخنرانی و همایش‌های منطقه‌ای است که با هم عامل اجتماعی و فرهنگی را تشکیل می‌دهند. مقدار ویژه این عامل $2/431$ و مقدار واریانس آن $9/004$ است.

متغیرهای که بیشترین همبستگی با عامل چهارم را دارند، عبارتند از: تأثیر بازی و سرگرمی بر جسم و ذهن کودکان، آموزش هم‌زیستی در کنار هم‌نوعان و هم‌سالان محلی برای تبادل اطلاعات و توجه به حقوق افراد خاص (معلولین و سالمندان) و تأمین‌کننده بهداشت جان و روان مردم که عامل آموزشی - بهداشتی نام دارد و مقدار ویژه این عامل $1/805$ و مقدار واریانس آن $6/685$ است. متغیرهایی که بیشترین همبستگی را با عامل پنجم دارند، شامل وجود خدمات ورزشی، خدمات بهداشتی و خدمات آموزشی است که عامل تجهیزات نام گذاری شده است. مقدار ویژه این عامل $1/758$ است و $6/513$ درصد واریانس بین متغیرها را تبیین می‌کند.

همچنین متغیرهای جای مناسب و پررونق برای عرضه کالاها و مایحتاج روزانه روستاییان، ایجاد فضاهای تجاری و رونق کسب و کار در روستا و تشکیل بازارهای هفتگی و فصلی با عنوان عامل اقتصادی نام‌گذاری شده است. مقدار ویژه این عامل ۱/۷۴۵ و مقدار واریانس آن ۶/۴۶۴ است. در نهایت، متغیر گذران اوقات فراغت برای اقشار مختلف اجتماعی و رفع خستگی و ایجاد آرامش روحی و روانی عامل هفتم را تشکیل می‌دهد که عامل تفریحی برای آن نام‌گذاری شده است، مقدار ویژه این عامل ۱/۶۶۸ و مقدار واریانس ۶/۱۷۸ است. با توجه به تمرکز متغیرها در هر عامل و نیز مقادیر بارهای عاملی هر متغیر می‌توان به میزان اهمیت آن‌ها در تقویت فضای عمومی پی برد. از آنجایی که عامل اول و پنجم دارای ماهیت زیباشناختی و عامل های دوم و هفتم دارای ماهیت معنایی - ادراکی و عامل سه، چهار و ششم دارای ماهیت عملکردی - ادراکی است می‌توان بیان کرد که این عوامل نقش مؤثری در تقویت فضاهای عمومی در مناطق روستاهای استان لرستان داشته است.

جدول ۶- ماتریس عاملی چرخش‌یافته بر اساس روش چرخشی واریماکس

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

عامل‌ها	متغیرها	بار عاملی
تنوع جاذبه‌ها و کیفیت بصری	چشم‌انداز طبیعی بکر و کوهستانی	۰/۶۱۲
	وجود چشمه‌ها و رودخانه‌ها	۰/۵۹۸
	نقش و نمای ساختمان متناسب بر محیط	۰/۵۵۴
	تبلور ارزش‌های زیربنای فرهنگی و تاریخی	۰/۵۶۱
	مبلمان سنتی و کالبدی روستا	۰/۵۶۱
تعامل و ارتباطات	استمرار روابط دوستی مردم	۰/۵۷۵
	تحکیم روابط همسایگی بین افراد ساکن در روستا	۰/۵۶۴
	پایه‌ریزی روابط صمیمی و همیشگی بین خانواده‌ها	۰/۶۲۴
اجتماعی - فرهنگی	زمینه‌سازی برای برگزاری آداب و رسوم روستا	۰/۵۶۱
	برپای نمایشگاه‌های فرهنگی و هنری	۰/۶۲۳
	پیش‌بینی کاربری‌های فرهنگی و خدماتی	۰/۵۱۲
	گردهمایی‌های ملی و مذهبی	۰/۶۷۸
	سخنرانی و همایش‌های منطقه‌ای	۰/۵۰۷
آموزشی - بهداشتی	تأثیر بازی و سرگرمی بر جسم و ذهن کودکان	۰/۷۵۹

عامل‌ها	متغیرها	بار عاملی
	آموزش هم‌زیستی در کنار هم‌نوعان و هم‌سالان محلی برای تبادل اطلاعات	۰/۵۸۰
	توجه به حقوق افراد خاص (معلولین و سالمندان)	۰/۶۳۰
	تأمین‌کننده بهداشت جان و روان مردم	۰/۳۵۳
تجهیزات	وجود خدمات ورزشی	۰/۸۳۸
	وجود خدمات بهداشتی	۰/۵۵۶
	وجود خدمات آموزشی	۰/۵۶۷
اقتصادی	جای مناسب و پررونق برای عرضه کالاهای و مایحتاج روزانه روستاییان	۰/۵۰۹
	ایجاد فضاهای تجاری و رونق کسب و کار در روستا	۰/۶۸۴
	تشکیل بازارهای هفتگی و فصلی	۰/۶۲۸
تفریحی	گذران اوقات فراغت برای اقشار مختلف اجتماعی	۰/۷۰۹
	رفع خستگی و ایجاد آرامش روحی و روانی	۰/۵۴۲

برای بررسی تفاوت بین عامل به دست آمده از مدل تحلیل عاملی، از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه، استفاده شده است. نتایج گویای این است که با توجه به اینکه میزان Sig به دست آمده کوچک‌تر از آلفا ۰/۰۵ است، می‌توان استدلال کرد که بین سه عامل نهایی که در یکدیگر ادغام شده‌اند، تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه نشان می‌دهند عوامل مؤثر بر تقویت فضاهای عمومی تأثیرگذار بوده است.

جدول ۷- آزمون تحلیل واریانس یک طرفه

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

عامل‌ها		Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
عملکردی- ادراکی	Between Groups	۲۱/۳۶۷	۳۸	۰/۵۶۲	۱/۹۶۸	۰/۰۰۳
	Within Groups	۳۶/۸۶۵	۱۲۹	۰/۲۸۶		
	Total	۵۸/۲۳۱	۱۶۷			
زیباشناختی	Between Groups	۳۲/۷۶۱	۳۸	۰/۸۶۲	۲/۰۸۸	۰/۰۰۱
	Within Groups	۵۴/۰۹۸	۱۳۱	۰/۴۱۳		
	Total	۸۶/۸۵۹	۱۶۹			

عامل‌ها		Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
ادراکی - معنایی	Between Groups	۲۷/۶۴۲	۳۸	۰/۷۲۷	۲/۰۶۰	۰/۰۰۱
	Within Groups	۴۶/۲۶۰	۱۳۱	۰/۳۵۳		
	Total	۷۳/۹۰۲	۱۶۹			

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

براساس مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته در تحقیق، می‌توان بیان کرد که توسعه و ایجاد فضاهای عمومی مطلوب علاوه بر تأمین رفاه و آسایش مردم، نقش مؤثری در حفظ محیط و توسعه پایدار از طریق سلسله مراتب طرح‌های مختلف و در نظر گرفتن نیازها و امکانات واقعی و مشارکت نیروهای مؤثر در تحقق آن ایفا می‌کند. بر این اساس، این فرایند مستلزم رعایت جامع‌نگری، انعطاف‌پذیری و به کار گرفتن شاخص‌ها و معیارهای کمی و کیفی در پیش‌بینی و اولویت‌سنجی عمودی و افقی و نحوه توزیع و ترکیب آن‌ها است؛ لذا این تحقیق به دنبال شناسایی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در تقویت فضاهای عمومی در روستاهای مورد مطالعه استان لرستان است. هفت عامل تنوع جاذبه‌ها و کیفیت بصری، تعامل و ارتباطات، اجتماعی- فرهنگی، آموزشی و بهداشتی، تجهیزات، اقتصادی و تفریحی هر کدام به ترتیب بیشترین نقش را در تقویت فضاهای عمومی به دنبال داشته است. همچنین، نتایج تحلیل‌ها نشان داد از دیدگاه مردم محلی تفاوت معناداری بین عوامل مورد نظر در سطح آلفا کمتر از ۰/۰۵ وجود دارد. در همین زمینه تحقیقات انجام‌شده نیز موید این مطلب است به طوری که رومیانی و همکاران (۱۳۹۸)، در مطالعه‌ای که درصدد شناسایی نگرش و انتظارات روستاییان از فضاهای عمومی در کیفیت سرزندگی بودند، به این نتیجه دست یافتند که شاخص‌های آسایش، لذت و محافظت هر کدام به ترتیب ۷/۲۶، ۴/۹۰ و ۳/۷۸ بیشترین اولویت‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین، عزیزپور و شمسی (۱۳۹۳)، در پژوهش خود معتقدند که عوامل طبیعی به‌ویژه توپوگرافی، منابع آب و شیب سبب گردیده تا سازمان فضایی دهستان لواسان کوچک از ساختار سلسله مراتبی دو سطحی برخوردار گردد. گل (۲۰۰۳) در پژوهش خود، حمایت از فعالیت‌های اجتماعی را یکی از ملزومات دستیابی به فضاهای عمومی موفق

دانسته است؛ لذا این تحقیقات با پژوهش حاضر تا حدودی هم‌خوانی دارند. پس این پژوهش با در نظر گرفتن شاخص‌هایی که به نوعی معرف عملکرد موفق فضاهای عمومی بوده‌اند، این نتیجه را در بردارد که در برنامه‌ریزی‌ها برای دستیابی به محیط‌های مناسب‌تر باید به تمامی فضاهای کاربردی برای انسان‌ها توجه داشت. هرچند فضاهای عمومی در سطح مناطق روستایی دارای فضاهای متنوع و گسترده‌ای از جمله فضاهای اجتماعی و فرهنگی هستند که خیلی کم دستخوش تغییرات شده‌اند و هنوز هم صمیمیت و احساسات در آن نمایان است؛ لذا لازم است که برای بهبود این فضاها، زمینه برای انجام تعاملات اجتماعی در پی انجام فعالیت جمعی از قبیل دیدار و گفت‌وگوها، تعامل و مشارکت، فراهم آوردن خدمات آموزشی، بهداشتی، ایجاد بازارهای هفتگی و فصلی، تنوع بازارهای محلی و خدمات ورزشی و غیره که به آن اشاره شده، فراهم شود و فضاهای مذکور به فضای فعالیت، سرزندگی و حیات مدنی تبدیل شوند.

کتاب‌نامه

۱. ایزدی، م.، محمدی، ج.، طاهری، ز.، و شرخانی، ح. (۱۳۹۵). واکاوی مطلوبیت فضاهای عمومی شهری از دیدگاه زنان؛ مطالعه موردی: منطقه ۴ شهر اصفهان. *جغرافیا و توسعه*، ۴۲، ۱۴۴-۱۲۷.
۲. پاکزاد، ج.ش. (۱۳۸۵). *مبانی نظری و فرایند طراحی شهری*. تهران: انتشارات شهیدی.
۳. پورمحمدی، م. ر.، طورانی، ع.، و حسینلو، م. (۱۳۹۲). توسعه یکپارچه نواحی روستایی و شهری، رویکردی فضایی و استراتژیک در نظام برنامه‌ریزی سکونتگاهی. *اندیشه جغرافیایی*، ۷ (۱۴)، ۳۶-۹.
۴. حاتمی، ی.، و ذاکری حقیقی، ک. (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر در انتخاب فضای عمومی توسط شهروندان؛ مطالعه موردی: پیاده‌راه بوعلی سینا و اکباتان شهر همدان. *مطالعات محیطی هنر*، ۲۳ (۶)، ۸۱-۹۴.
۵. رفیعیان، م.، و خدائی، ز. (۱۳۸۸). بررسی شاخص‌ها و معیارهای مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری. *فصل‌نامه راهبرد*، ۱۸ (۵۳)، ۲۴۸-۲۲۸.

۶. رومیانی، ا.، صادقلو، ط.، و صناعی مقدم، س. (۱۳۹۸). تحلیل نگرش و انتظارات روستاییان از فضاهای عمومی در راستای ارتقای کیفیت سرزندگی؛ مطالعه موردی: دهستان دهدشت غربی- شهرستان کهگیلویه. *نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی*، ۲۳ (۶۸)، ۱۵۵-۱۳۳.
۷. رهنمایی، م.ت.، و اشرفی، ی. (۱۳۸۶). فضاهای عمومی شهر و نقش آن در شکل‌گیری جامعه مدنی از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری. *جغرافیا*، ۵ (۱۴ و ۱۵)، ۴۴-۲۳.
۸. ساردوئی، م. (۱۳۹۳). تبارشناسی رویکردهای تبیین جایگاه فضاهای باز عمومی در سکونتگاه‌های روستایی. *مدیریت شهری*، ۳۷، ۱۲۶-۱۰۳.
۹. سعیدی، ع. (۱۳۸۹). محیط، فضا و توسعه، بحثی در صورت توسعه یکپارچه روستا شهری، *فصل‌نامه مسکن و محیط*، ۲۹ (۳۱)، ۱۲-۳.
۱۰. شارع‌پور، م. (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی شهری*. تهران: انتشارات سمت.
۱۱. عزیزپور، ف.، و شمسی، ر. (۱۳۹۳). نقش عوامل محیطی در سازمان فضایی سکونتگاه‌های روستایی؛ مطالعه موردی: دهستان لواسان کوچک. *فصل‌نامه اطلاعات جغرافیایی سپهر*، ۲۳ (۸۹)، ۱۱۲-۱۰۶.
۱۲. علی‌الحسابی، م.، و نگارش، ن. (۱۳۸۹). تجلی فضای جمعی در سکونتگاه‌های روستایی. *مسکن و محیط روستا*، ۲۹ (۱۳۲)، ۳۸-۲۹.
۱۳. عنابستانی، ع.، ا.، و احمدزاده، س. (۱۳۹۱). بررسی ارتباط بین ویژگی‌های مکانی- فضایی و عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در سطح جامعه روستایی؛ مطالعه موردی: دهستان درزآب، شهرستان مشهد. *جغرافیا و مطالعات محیطی*، ۱ (۲)، ۱۱۲-۹۵.
۱۴. عینالی، ج.، بوزجمهری، خ.، نظری شیخی، م.، دهبانزاد، ا.، و رومیانی، ا. (۱۳۹۶). تحلیل نقش فضاهای عمومی در ارتقای کیفیت سرزندگی روستاییان؛ مطالعه موردی: روستاهای شهرستان الشتر. *مجله برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۲ (۳)، ۶۳۹-۶۱۹.
۱۵. ماجدی، ح.، رضایی، م.م.، و منصوری، ه. (۱۳۹۳). شناخت عملکرد شناختی فضاهای عمومی از نظر هویت؛ مطالعه موردی: نازی‌آباد و محله مهران تهران. *فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۴، ۶۱-۳۹.

16. Bolívar, J., Daponte, A., Rodríguez, M., & Sánchez, J. J. (2010). The influence of individual, social and physical environment factors on physical activity in the adult population in Andalusia, Spain. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 7(1), 60-77.

17. Francis, J., Giles-Corti, B., Wood, L., & Knuiman, M. (2012). Creating sense of community: The role of public space. *Journal of Environmental Psychology*, 32(4), 401-409.
18. Hartel, T., Fischer, J., Câmpeanu, C., Milcu, A.I., Hanspach, J., & Fazey, I. (2014). The importance of ecosystem services for rural inhabitants in a changing cultural landscape in Romania. *Ecology and Society*, 19(2), 42-50.
19. Ismail, W.A.W., & Said, I. (2015). Integrating the community in urban design and planning of public spaces: A review in Malaysian cities. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 168, 357-364.
20. Jalaladdini, S., & Oktay, D. (2012). Urban public spaces and vitality: a socio-spatial analysis in the streets of Cypriot towns. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 35, 664-674.
21. Jung, H.J., & Ryu, H.J. (2015). Sustaining a Korean traditional rural landscape in the context of cultural landscape. *Sustainability Open Access*, 7(8), 11213-11239.
22. Kurniawati, W. (2012). Public space for marginal people. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 36, 476-484.
23. Lipton, S. (2003). The value of public space: How high-quality parks and public spaces create economic. *Social and Environmental Value*, 4(54), 446-456.
24. Meeus, J. H. A., Wijermans, M. P., & Vroom, M. J. (1990). Agricultural landscapes in Europe and their transformation. *Landscape and Urban Planning*, 18(3-4), 289-352.
25. Nasution, A. D., Shalleh, A., & Wahid, J. (2014). Livable public open space for citizen's quality of life in Medan, Indonesia. *Journal of Engineering, Management & Applied Sciences & Technologies*, 5(2), 131-142.
26. Oldenburg, R. (1999). *The great good place: Cafes, coffee shops, bookstores, bars, hair salons, and other hangouts at the heart of a community*. Whashington: Marlowe & Company.
27. Seong, J. (2005). *A study on rural landscape management and policy directions*. Seoul, Korea: Korea Rural Economic Institute
28. Stockdale, A., & Barker, A. (2009). Sustainability and the multifunctional landscape: An assessment of approaches to planning and management in the Cairngorms National Park. *Land Use Policy*, 26, 479-492.
29. Yoon, H., & Srinivasan, S. (2015). Are they well situated? spatial analysis of privately owned public space, Manhattan, New York city. *Urban Affairs Review*, 51(3), 358-380.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

doi : <https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2021.48827.0>

مقاله پژوهشی - موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال نوزدهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۳۶

شناسایی عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری شهری با رویکرد مدل‌سازی ساختاری -

تفسیری ISM (نمونه موردی: شهر ایلام)

فاطمه پیری (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران، نویسنده

مسئول)

fatemepiri607@yahoo.com

سعید ملکی (استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران)

saeedmale@gmail.com

زهره عابدی (کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران)

zahraabedi_87@yahoo.com

صص ۸۷ - ۵۳

چکیده

رشد سریع و شتاب‌زده شهرها، تغییرات بنیادینی در زندگی ساکنان بر جای گذاشته است و مسائل و مشکلات موجود در شهرها نشانگر عدم تحقق مشخصه‌های پایداری در آنهاست. بنابراین، شاخص زیست‌پذیری برای مطالعه آن‌ها بسیار حیاتی و مهم است. هدف اصلی پژوهش حاضر، شناسایی و سطح‌بندی عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری شهر ایلام با استفاده از تکنیک مدل‌سازی ساختاری - تفسیری است. تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و گردآوری داده‌ها توصیفی از نوع پیمایش است و ابزار گردآوری اطلاعات در آن پرسش‌نامه است. با مرور ادبیات و تحلیل محتوایی و نظرخواهی از نخبگان، ۱۶ مورد از شاخص‌های مؤثر بر زیست‌پذیری شهر ایلام شناسایی و سپس روابط درونی بین آن‌ها، با استفاده از روش ISM، بررسی شده و نوع متغیرها با توجه به اثرگذاری و اثرپذیری بر سایر متغیرها

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۱ تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۲/۰۷

مشخص شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که زیست‌پذیری شهر ایلام در هر سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در حد متوسط و پایین ارزیابی شده است. همچنین، نتایج بیانگر این است که شهر ایلام براساس عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری به شش سطح طبقه‌بندی شده است و پنج عامل توزیع عادلانه امکانات و خدمات زیرساختی، مسکن مناسب، داشتن شغل و درآمد مناسب، میزان تأمین مصرف کالا و خدمات، کیفیت مناسب معابر و خیابان‌ها به ترتیب با میزان قدرت نفوذ ۱۵، ۱۵، ۱۴، ۱۴، ۱۴ با بیشترین تأثیر، محرک و برانگیزاننده زیست‌پذیری در شهر ایلام به شمار می‌روند. در نتیجه، هرگونه برنامه و اقدام برای سرآغاز و ارتقای زیست‌پذیری شهر ایلام باید به نقش کلیدی و پایه‌ای این عوامل توجه کند. بر این اساس، نخستین ابعاد کلی مؤثر بر زیست‌پذیر کردن شهر ایلام ابعاد اقتصادی و در مراحل بعدی ابعاد زیست‌محیطی و اجتماعی است. همچنین، براساس تحلیل MICMAC هیچ‌یک از توانمندسازها در گروه خودمختار قرار نگرفته‌اند و این نشان‌دهنده اهمیت همه توانمندسازها در زیست‌پذیری شهر ایلام است.

کلیدواژه‌ها: زیست‌پذیری شهری، مدل ساختاری تفسیری، کیفیت زندگی، شهر ایلام.

۱. مقدمه

در جهان امروز، شهرها به مکان اصلی سکونت و فعالیت و شهرنشینی به شیوه برتر زندگی تبدیل شده است. شهرنشینی به‌عنوان پدیده‌ای که در اثر تداخل جنبه‌های مختلف و ضروری زندگی مدرن، از عوامل مهم تأثیرگذار بر سلامت فردی - اجتماعی شهروندان و مظهر شبکه‌ای از روابط پیچیده اجتماعی شده است، بستر و شکل‌دهنده بسیاری از چالش‌های اساسی در زندگی شهروندان نیز است (بازوندی و شهبازی، ۱۳۹۳، ص. ۴). انتقادات وارده از سوی محققان شهری و اجتماعات انسانی، جین جاکوبز و اپلارد (۱۹۸۷)، را بر آن داشت تا بر مفهوم زیست‌پذیری به‌عنوان یکی از رویکردهای دستیابی به محیط شهری قابل زیست و با کیفیت تأکید کنند. هدف اصلی آن‌ها بهبود کیفیت فضاهای شهری با مقیاس انسانی در شهرهای مدرن بود (حاجی‌پور، ۱۳۹۶، ص. ۵). امروزه زیست‌پذیری، نقشی اساسی در حیات و رشد شهرها و کیفیت زندگی شهروندان دارد. اهمیت این موضوع زمانی روشن‌تر می‌شود

که توجه کنیم بخش‌های زیادی از جمعیت ایران در شهرها زندگی می‌کنند (شماعی، تابعی، و حمیدی، ۱۳۹۴، ص. ۷۸۴). زیست‌پذیری در معنای اصلی و کلی خود به مفهوم دستیابی به قابلیت زندگی است و در واقع همان دستیابی به کیفیت برنامه‌ریزی شهری خوب یا مکان پایدار است. همچنین، زیست‌پذیری زیرمجموعه‌ای از پایداری است که مستقیماً بر ابعاد فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و روانی زندگی مردم تأثیر می‌گذارد و در برگیرنده مجموعه‌ای از ویژگی‌های اکتسابی مثبت است که آن را به مکانی مطلوب، مناسب و جذاب برای زندگی، کار و بازدید همه مردم تبدیل می‌کند. زیست‌پذیری از طرفی نیز به معنای کیفیت زندگی، استانداردهای زندگی یا خوشبختی عمومی جمعیتی که در یک مکان مثل شهر زندگی می‌کنند، تعریف می‌شود (خزایی‌نژاد، ۱۳۹۵، ص. ۳۸). زیست‌پذیری به عنوان یک مفهوم پیچیده و چندبعدی و کیفی با توجه به بستر و زمینه‌های که در آن تعریف می‌شود می‌تواند بسیار گسترده و یا محدود باشد (بندرآباد، ۱۳۹۰، ص. ۳). با توجه به اینکه زیست‌پذیری مفهومی پیچیده و چندبعدی است و الگوهای آن از یک منطقه به منطقه دیگر کاملاً متفاوت است، تاکنون یک مدل فراگیر از ابعاد کلی زیست‌پذیری شهرها و ارتباط بین آن‌ها ارائه نشده است. دستیابی به مدل مناسب زیست‌پذیری شهرها با توجه به کارکرد و نقش شهرها مستلزم شناسایی و اولویت‌بندی عوامل اهمیت معیارها براساس روش‌های علمی است. این مقاله می‌کوشد براساس نمونه ایلام ابعاد زیست‌پذیری را در قالب یک مدل تحلیلی T ترکیبی و جامع نوین از جمله مدل‌سازی ساختاری-تفسیری^۱ مورد سنجش قرار دهد. از این رو، هدف اصلی مقاله شناسایی و سطح‌بندی عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری شهر ایلام با استفاده از تکنیک مدل‌سازی ساختاری-تفسیری است. خروجی این تحقیق کمک می‌کند مدیران و برنامه‌ریزان شهری تصویری روشن و کمی از بخش زیست‌پذیری شهر ایلام داشته باشند. در این پژوهش برای شناسایی عوامل مؤثر در مسیر ارتقاء و افزایش زیست‌پذیری شهر ایلام از مرور تحقیقات پیشین و از نظرات خبرگان و کارشناسان استفاده شده است. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل تأثیرگذار و تأثیرپذیر در زیست‌پذیری شهر ایلام، روابط متقابل (اثرگذاری) بین این عوامل و سطح‌بندی عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری شهر ایلام انجام می‌شود.

1. Interpretive Structural Modeling

۲. پیشینه پژوهش

واژه شهرهای زیست‌پذیر برای اولین بار در سال ۱۹۷۰ توسط سازمان ملی هنرها^۱ به منظور دستیابی به ایده‌های برنامه‌ریزی شهری مدنظر آنان و به دنبال آن توسط سایر مراکز و سازمان‌های تحقیقاتی نظیر سازمان حفاظت محیطی^۲، که مطالعات گسترده‌ای در خصوص زیست‌پذیرترین شهرهای آمریکا انجام داده است، به کار گرفته شد. در اروپا مطالعات مرتبط با ارائه تعریف در خصوص شهر زیست‌پذیر حداقل به سال ۱۹۷۵ باز می‌گردد. شاید بتوان عنوان نمود اولین مفهوم زیست‌پذیری تحت عنوان «خیابان‌های زیست‌پذیر» توسط دانلد ایلارد^۳ به سال ۱۹۸۱ ارائه شد. بستر حضور و گسترش ایده زیست‌پذیری را می‌توان کشور آمریکا دانست (ساسانپور، تولایی و جعفرآبادی، ۱۳۹۳، ص. ۱۳۴). تاکنون در مورد زیست‌پذیری شهری بررسی‌هایی در سطح جهانی و داخلی صورت گرفته است که در زیر به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره شده است.

جدول ۱- تحقیقات انجام‌شده در زمینه زیست‌پذیری

مأخذ: مطالعات نگارندگان، ۱۳۹۶

نویسنده	عنوان	نتایج
مک کرا ^۴ (۲۰۱۲)	اثرات انسجام شهری بر زیست‌پذیری شهری: مقایسه حومه‌ای داخلی و خارجی شهر بریسیان ^۵ در استرالیا	زیست‌پذیری در دو حومه در برخی موارد مشابه و در برخی موارد متفاوت است. بنابراین، توجه به شرایط محلی هر حومه نقش مهمی در برنامه‌ریزی دارد.
سایتلوآنگاه (۲۰۱۴)	الگوی فضایی زیست‌پذیری شهری در منطقه هیمالیا (مطالعه موردی: شهر ایزول)	محل‌های مرکزی در مقایسه با محل‌های حاشیه‌ای و پیرامونی آن زیست‌پذیرتر هستند. همچنین نشان می‌دهد که بین ابعاد ذهنی و عینی زیست‌پذیری رابطه معناداری وجود ندارد.

1. National Arts Organization
2. Environmental Protection Organization
3. Donald Illard
4. Mccrea
5. Saitluanga

نویسنده	عنوان	نتایج
بدلند و همکاران ^۱ (۲۰۱۴)	زیست‌پذیری شهری: درس-هایی از استرالیا برای کشف شاخص اندازه‌گیری سلامت اجتماعی	یازده حوزه کلی در ارتباط با سلامت اجتماعی و رفاه مشخص شد و ارتباط آن با سلامت و رفاه تأیید شد که شامل: جرم و امنیت، آموزش، شغل و درآمد، سلامت و خدمات اجتماعی، مسکن، تفریح و فرهنگ، غذای محلی و دیگر کالاها، محیط طبیعی، فضای باز عمومی، حمل و نقل و انسجام اجتماعی و دموکراسی محلی بودند.
زین و همکاران ^۲ (۲۰۱۸)	بررسی وضعیت رضایتمندی شهروندان از زیست‌پذیری شهری در شهرهای منتخب چین	رضایت از کل ابعاد مربوط به زیست‌پذیری در سطح شهرهای چین متوسط است. همچنین، رضایتمندی نسبی از کل ابعاد مربوط به زیست‌پذیری در سطح شهرهای چین متوسط است و رضایتمندی نسبی از فاکتورهای دسترسی به امکانات عمومی، محیط طبیعی جذاب، محیط اجتماعی-فرهنگی و نارضایتی به فاکتورهای ایمنی شهری، بهداشت محیطی و حمل و نقل وجود دارد.
لودا و همکاران ^۳ (۲۰۱۹)	مقایسه تطبیقی شاخص‌های زیست‌پذیری مناطق شهری تهران با هدف تحلیل ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست-محیطی	تهران از نظر زیست‌پذیری شرایط مطلوبی دارد. همچنین بالاترین نمره برای منطقه ۵ و پایین‌ترین نمره برای منطقه ۹ است.
ساسانپور و همکاران (۱۳۹۳)	سنجش و ارزیابی زیست-پذیری شهری با استفاده از آزمون‌های آماری در مناطق بیست‌ودوگانه شهر تهران	مناطق ۱ و ۳ شهر تهران از بیشترین میزان زیست‌پذیری نسبت به دیگر مناطق برخوردار است. استانداردهای زندگی که بیانگر قابلیت زندگی بهتر و با کیفیت‌تری است در مناطق ۱ و ۳ کلان‌شهر تهران وضعیت مطلوب‌تری دارد. در مقابل منطقه ۲۰ که استانداردهای زندگی در آن حداقل است قابلیت زندگی غیرقابل قبولی را برای ساکنانش به همراه دارد.
شاهیوندی و همکاران (۱۳۹۴)	ویژگی‌های کالبدی و اثرگذاری آن بر سرزندگی و زیست‌پذیری محله‌های قدیم شهری (نمونه موردی محله)	شاخص‌های کالبدی روی سرزندگی اقتصادی و فرهنگی اثرگذار بوده، ولی ارتباط معناداری بین شاخص‌های کالبدی با سرزندگی اجتماعی و زیست محیطی در محله پادشاه وجود ندارد. سرزندگی اقتصادی، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر

1. Badland and et al

2. Zhan & et all

3. Loda

نویسنده	عنوان	نتایج
رشیدی و همکاران (۱۳۹۵)	تحلیل فضایی منطقه کلان-شهری تبریز با رویکرد زیست‌پذیری	دلبستگی ساکنان و دلیل اقامت آن‌ها در این محله است. زیست‌پذیری منطقه کلان‌شهری تبریز با میانگین ۲/۸۶ و آماره $t = ۴/۷۵$ در حد متوسط قرار دارد و در نهایت آماره T تمامی ابعاد زیست‌پذیری منطقه کلان‌شهری تبریز در حد قابل قبول است، همچنین در تمامی نقاط محدوده مطالعاتی، شرایط زیست‌پذیری یکسان نیست و بین نواحی منطقه کلان‌شهری تبریز از نظر شاخص زیست‌پذیری تفاوت‌های معناداری وجود دارد. اختلاف زیست‌پذیری در منطقه کلان‌شهری تبریز در شاخص اقتصادی بیش از سایر شاخص‌هاست.
حاتمی نژاد و همکاران (۱۳۹۷)	تحلیل فضایی زیست‌پذیری کالبدی کلان شهر اهواز	در کل، مناطق هفتگانه این شهر از حیث سطح زیست‌پذیری کالبدی در شاخص‌های کیفیت مسکن، زیرساخت، تحرک شهری و شکل شهری متفاوت است، به طوری که به لحاظ سطح مطلوبیت زیست‌پذیری کالبدی تنها مناطق ۱ و ۲ در سطح مطلوبیت کامل و مناطق ۶، ۸ و ۴ نامطلوب‌ترین مناطق زیست‌پذیری کالبدی می‌باشند.
نصیری هنده خاله (۱۳۹۸)	مدل معادلات ساختاری اثر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر زیست‌پذیری کانون‌های کوچک شهری استان البرز	بین سرمایه اجتماعی و زیست‌پذیری شهرها ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد، اما شدت وضعیت این رابطه درباره همه کانون‌های کوچک شهری یکسان نیست. نتایج معادلات ساختاری نیز ارتباط میان سرمایه اجتماعی و زیست‌پذیری را تأیید کرده است.
قربانی (۱۳۹۹)	تحلیل اعتبارسنجی ابعاد زیست‌پذیری جامعه محلی (منطقه مورد مطالعه: شهرستان قلعه گنج، استان کرمان)	شاخص‌های نیکویی برازش عالی و مدل تحقیق، اندازه‌گیری ابعاد زیست‌پذیری را با داده‌های مشاهده شده، تأیید نمود. همچنین، عامل "یوستگی و تعلق مکانی" به عنوان قوی‌ترین شاخص زیست‌پذیری شناسایی شد. بر این اساس، فرهنگ پیوستگی و تعلق مکانی عامل زیربنایی و حتی پایه و اساس سایر بسترهای ضروری زیست‌پذیری است.

۳. روش‌شناسی

برای انجام این پژوهش از روش مدل‌سازی ساختاری - تفسیری استفاده شده است. این روش یک فرایند یادگیری تعاملی است که در آن مجموعه‌ای از عناصر مختلف و بهم مرتبط

در یک مدل نظام‌مند جامع ساختاردهی می‌شوند. این روششناسی به ایجاد و جهت دادن به روابط پیچیده میان عناصر یک سیستم کمک می‌نماید (فیسال، بانوت، و شانکار^۱، ۲۰۰۶، ص. ۵). پژوهش پیش رو، از نظر هدف یک مطالعه توسعه‌ای از نوع کاربردی و از نظر ماهیت و روش از نوع توصیفی - تحلیلی می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی انجام می‌گیرد. جامعه آماری تحقیق را خبرگان دانشگاهی صاحب‌نظر در حوزه برنامه‌ریزی شهری تشکیل می‌دهند. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری قضاوتی استفاده شده و ابزار جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه و پرسش‌نامه است. روایی صوری پرسش‌نامه نیز مورد تأیید خبرگان قرار گرفت. پس از بررسی جامع مبانی نظری و ادبیات موضوع، با استفاده از روش دلفی و نظر خبرگان، عوامل اثرگذار بر زیست‌پذیری شهر ایلام شناسایی و سپس این عوامل در ادامه با استفاده از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری، سطح‌بندی شدند. روش - دلفی و نیز روش مدل‌سازی تفسیری ساختاری-ایجاب می‌کند که اطلاعات از خبرگان و متخصصان دریافت و تحلیل شود. یکی از اصلی‌ترین منطق‌های این روش آن می‌باشد که همواره عناصری که در یک سیستم اثرگذاری بیشتری بر سایر عناصر دارند از اهمیت بالاتری برخوردارند. مدلی که با استفاده از این متدولوژی بدست می‌آید، ساختاری از یک مسئله یا موضوع پیچیده، یک سیستم یا حوزه مطالعاتی را نشان می‌دهد که الگویی به دقت طراحی شده می‌باشد در نتیجه، می‌توانیم بگوییم که مدل‌سازی ساختاری تفسیری نه تنها بینشی را در خصوص روابط میان عناصر مختلف یک سیستم فراهم می‌نماید، بلکه ساختاری را مبتنی بر اهمیت و یا تأثیرگذاری عناصر برهم فراهم می‌نماید و نمایشی تصویری به نمایش می‌گذارد.

جدول ۲- کاربردهای ISM در تحقیقات پیشین

مأخذ: مطالعات نگارندگان، ۱۳۹۶

منبع	هدف	رویکرد
واتسون ^۱ (۱۹۷۸)	توسعه کاربرد ISM در حوزه تصمیم‌گیری گروهی جهت ارزیابی تکنولوژی‌های مختلف	ISM
راوی و شانکر ^۲ (۲۰۰۵)	تجزیه و تحلیل روابط میان موانع اجرای لجستیک معکوس	ISM
وانگ و همکاران ^۳ (۲۰۰۸)	تجزیه و تحلیل تعاملات میان موانع صرفه‌جویی انرژی در چین	ISM
دابیبت و گویندان ^۴ (۲۰۱۱)	تحلیل روابط میان محرک‌های تأثیرگذار بر اجرای مدیریت زنجیره تأمین سبز با استفاده از ISM	ISM
پارسبیان و همکاران ^۵ (۲۰۱۲)	انتخاب تأمین‌کننده در صنعت قطعه‌سازی اتومبیل	ISM
گویندان و همکاران ^۶ (۲۰۱۲)	شناسایی و تحلیل روابط داخلی شاخص‌های انتخاب مهیاکننده شخص ثالث لجستیک معکوس با استفاده از ISM	ISM
ماتیازگان و همکاران ^۷ (۲۰۱۳)	تجزیه و تحلیل موانع اجرای مدیریت زنجیره تأمین سبز با استفاده از رویکرد ISM	ISM
علی اکبری و اکبری (۱۳۹۵)	مدل‌سازی - ساختاری تفسیری عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری کلان شهر تهران	ISM
ساسان پور و همکاران (۱۳۹۳)	قابلیت زیست‌پذیری شهرها در راستای توسعه پایدار شهری (کلان شهر تهران)	EXCEL, GIS, SPSS

برای انتخاب تیم دلفی و تیم ISM چون هدف تعمیم نتایج مطرح نبوده از روش نمونه-گیری هدفمند استفاده شده است معیارهای انتخاب خبرگان تسلط نظری، تجربه عملی، تمایل و توانایی مشارکت در پژوهش و دسترسی است. نکته قابل توجه در تعیین تعداد خبرگان، کسب اطمینان از جامعیت دیدگاه‌های مختلف در پژوهش است. تعداد خبرگان شرکت کننده در ISM مقالات بررسی شده معمولاً بین ۲۰-۱۴ نفر انتخاب شده است (لاو، جاسمین، و

1. Watson
2. Ravi & Shankar
3. Wang et al.
4. Diabat & Govindan
5. Parthiban et al.
6. Govindan & et al
7. Mathiyazhagan & et al.

احمد^۱، ۲۰۱۰؛ فیسال، بانوت و شانکار^۲، ۲۰۱۰؛ رامش، بانوت و شانکار^۳، ۲۰۱۰). با در نظر گرفتن معیارهای یادشده در نهایت ۲۵ تن از خبرگان و متخصصان شهری در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی انتخاب شدند. در این تحقیق برای سنجش روایی ابزار اندازه‌گیری از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. آلفای کرونباخ به دست آمده در این تحقیق به میزان ۰/۷۸۶ بوده که نشان می‌دهد ضریب پایایی در سطح قابل قبولی است.

وضعیت جامعه‌شناختی پاسخ‌گویان

- در بررسی مربوط به سن پاسخ‌گویان، بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۴۶ تا ۵۵ سال است.
- در بررسی وضعیت تحصیلات پاسخ‌گویان مشخص گردید که بیشترین فراوانی مربوط به افراد با مدرک تحصیلی دکتری با تعداد ۱۱ نفر می‌باشد.
- در بررسی وضعیت فعالیت پاسخ‌گویان، بیشتر فراوانی مربوط به افراد با سابقه فعالیت ۱۵ سال به بالا با تعداد ۱۱ نفر می‌باشد.

جدول ۳- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه آماری مورد مطالعه

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۶

متغیر	بعد	فراوانی
سن	۲۵-۳۵ سال	۴
	۳۶-۴۵ سال	۷
	۴۶-۵۵ سال	۹
	۵۵ سال به بالا	۵
سابقه فعالیت	۱-۵ سال	۴
	۵-۱۰ سال	۴
	۱۰-۱۵	۸
	۱۵ سال به بالا	۹
تحصیلات	فوق دیپلم	۲

1. Lau, Jasmine, & Ahmad
2. Faisal, Banwet, & Shankar
3. Ramesh, Banwet, & Shankar

متغیر	بعد	فراوانی
	لیسانس	۵
	فوق لیسانس	۷
	دکتری	۱۱

برای انتخاب ابعاد و شاخص‌های پژوهش، پژوهش‌های مرتبط با موضوع با استفاده از جستجوی نظام‌مند در پایگاه داده بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ انتخاب شدند. در مرحله بعد به منظور حذف پژوهش‌هایی که محقق به نتایج آن‌ها اطمینانی نداشت، کیفیت مطالعات ارزیابی شد. با توجه به گستردگی متغیرها و شاخص‌های زیست‌پذیری براساس ادبیات پژوهش در موضوع ذکرشده، شاخص‌های پرتکرار در نظریات در دو بعد عینی و ذهنی در قلمروهای مختلف شناسایی و اشتراک گرفته خواهد شد و سنجش سطح کیفیت زیست‌پذیری براساس شاخص‌های استخراجی خواهد بود. بر این اساس ابعاد و عوامل مؤثرتر و منطبق‌تر برای شهر ایلام، شناسایی و توسط خبرگان و متخصصان، با استفاده از روش دلفی ارزیابی و نهایی شده است. عوامل مؤثر حاصل از ادبیات پس از اعمال نقطه نظرات متخصصان در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴- ابعاد و شاخص‌های زیست‌پذیری شهر ایلام

مأخذ: مطالعات نگارندگان، ۱۳۹۶

ابعاد	شاخص‌ها	مأخذ
اقتصادی	داشتن شغل و درآمد مناسب و کافی	اوموتا ^۱ (۱۹۹۸)/ لائو، جاسمین، و احمد ^۲ (۲۰۱۰)
	مسکن مناسب	اوموتا(۱۹۹۸)/ ویسر، ون دام، و هویمیجر ^۳ (۲۰۰۵)
	میزان تأمین مصرف کالا و خدمات	گوغ ^۴ (۲۰۱۵)، / وولکوک ^۵ (۲۰۰۹).
	میزان تأمین مصرف انرژی	فلوریدا ^۶ (۲۰۰۲)، / گو و همکاران ^۷ (۲۰۱۲)

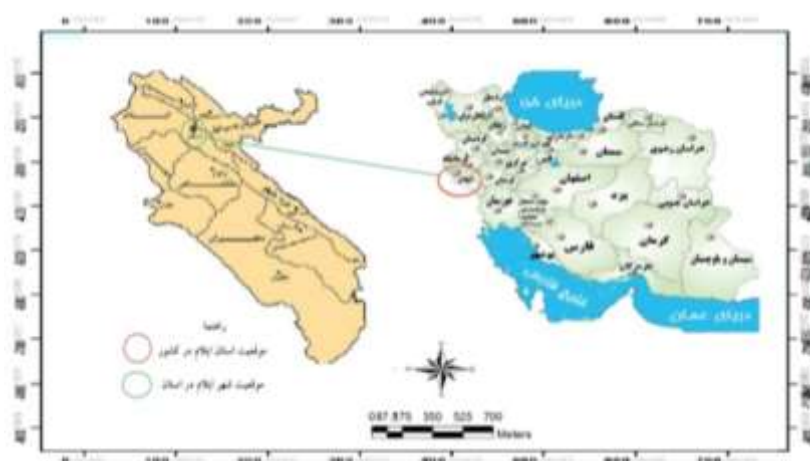
1. Omuta
2. Lau, Jasmine, & Ahmad
3. Visser, van Dam, & Hooimeijer
4. Gough
5. Woolcoc
6. Florida
7. Go et al

ابعاد	شاخص‌ها	مأخذ
	کیفیت شبکه آب، برق، گاز، تلفن، پست و اینترنت	بالساس ^۱ (۲۰۰۴)، / مؤسسه معماران امریکا ^۲ (۲۰۰۵)
	توزیع عادلانه امکانات خدمات زیرساختی	بریتنه ^۳ (۲۰۰۹)، / شهرداری ونکوور ^۴ (۲۰۰۴)
	تعلق به مکان (منطقه، محله و شهر)	مؤسسه معماران امریکا (۲۰۰۵)، / مؤسسه سیاست حمل و نقل ویکتوریا ^۵ (۲۰۰۹)
اجتماعی	امیدواری به بهبود شرایط زندگی	رستمعلی زاده و سالیانی ^۶ (۲۰۱۱)
	افزایش امنیت فردی و اجتماعی	اوموتا (۱۹۹۸) / بالساس (۲۰۰۴) / مؤسسه سیاست حمل و نقل ویکتوریا (۲۰۰۹)
	توسعه آموزش عمومی	بریتنه (۲۰۰۹)، / شهرداری ونکوور (۲۰۰۴)
زیست-محیطی	کیفیت فضای سبز شهر	ویلر ^۷ (۲۰۰۱) / مؤسسه معماران امریکا (۲۰۰۵)
	کاهش آلودگی	مؤسسه معماران امریکا (۲۰۰۵) / مؤسسه سیاست حمل و نقل ویکتوریا (۲۰۰۹)
	افزایش بهداشت عمومی	برکس ^۸ (۲۰۰۶) / آشتو ^۹ (۲۰۱۰)
	کیفیت فضاهای فراغت، تفریحی و ورزشی	ونزر و سسکین ^{۱۰} (۲۰۱۱)
	کیفیت مناسب معابر و خیابان‌ها	بدلند ^{۱۱} (۲۰۱۶) / دولت آلبرتا ^{۱۲} (۲۰۱۱)
	کیفیت زیبایی طبیعی و ایجاد چشم‌انداز خوب شهری	هولت-جنسن ^{۱۳} (۲۰۰۱) / بالساس (۲۰۰۴) / ویلر (۲۰۰۱)

1. Balsas
2. American Institute of Architects
3. Brittne
4. Vancouver Municipality
5. Victoria Transportation Policy Institute
6. Rostamalizadeh & Saliani
7. Wheeler
8. Berkes
9. Aashto
10. Vanzerr & Seskin
11. Badland
12. Alberta Government
13. Holt-Jensen

۴. شناخت محدوده مورد مطالعه

شهر ایلام، مرکز استان ایلام از نظر موقع جغرافیایی در ۴۶ درجه و ۲۶ دقیقه طول شرقی و ۳۳ درجه و ۳۸ دقیقه عرض شمالی واقع شده است و از نظر موقعیت در غرب و جنوب غربی کشور قرار دارد. این شهر در دامنه جنوبی کبیرکوه از سلسله جبال زاگرس واقع شده است. شهر ایلام از شمال، شرق و جنوب شرقی به شهرستان‌های ایوان و شیروان چرداول و دره شهر، از جنوب و جنوب غربی به شهرستان مهران و از غرب به استان دیاله عراق محدود است. در سال ۱۳۹۰، مساحت شهر ایلام برابر ۱۷۰۱/۴۲ هکتار بوده که به ۴ منطقه، ۱۴ ناحیه و ۳۸ محله شهری تقسیم شده است. همچنین، دارای جمعیتی برابر با ۱۷۲۲۱۳ نفر در قالب ۴۲۶۱۶ خانوار است.



شکل ۱- موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶

۵. مبانی نظری

۵.۱. مفهوم زیست‌پذیری

مفهوم زیست‌پذیری برای افراد گوناگون معانی متفاوتی دارد؛ چراکه شهرگرایی و جهانی شدن به تشکیل جمعیت‌های بسیار متمایز در شهرهای جدید منجر شده و همانطور که نیازها و

خواسته‌های آنان ظاهر می‌شود، ارائه تعاریف قابل قبول و کاربردی برای زیست‌پذیری چالش-برانگیز می‌شود و شامل نماگرهای قابل اندازه‌گیری بسیار متنوعی است که معمولاً تراکم، حمل و نقل، امنیت و پایداری اجزای ثابت آن را تشکیل می‌دهند (ساسان‌پور، تولایی، و جعفرآبادی، ۱۳۹۳، ص. ۱۳۲). در نهایت به‌عنوان نتیجه‌گیری از تعاریف آن می‌توان گفت که زیست‌پذیری به سیستم شهری سالم، امن، با دسترسی مناسب اطلاق می‌شود که کیفیت بالای زندگی و محیطی جذاب برای شهروندان به ارمغان می‌آورد و اصول اساسی این مفهوم شامل دسترسی، برابری و مشارکت است که مفاهیم مربوط به زیست‌پذیری بر مبنای آن شکل می‌گیرند و پارامترها و ویژگی‌های رفاه فیزیکی و اجتماعی را برای تقویت و حفظ یک منظر وجودی انسان به صورت پربار و پرمعنا فراهم آورده و یکپارچه می‌سازند (ساسان‌پور، علیزاده، و اعرابی مقدم، ۱۳۹۷، ص. ۴). زیست‌پذیری در معنای اصلی و کلی خود به مفهوم دستیابی به قابلیت زندگی است و در واقع همان دستیابی به کیفیت برنامه‌ریزی شهری خوب یا مکان پایدار است. همچنین، زیست‌پذیری زیرمجموعه‌ای از پایداری است که مستقیماً بر ابعاد فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و روانی زندگی مردم تأثیر می‌گذارد و در برگیرنده مجموعه‌ای از ویژگی‌های اکتسابی مثبت است که آن را به مکانی مطلوب، مناسب و جذاب برای زندگی، کار و بازدید همه مردم تبدیل می‌کند (محمودی پاشایی، ۱۳۹۷، ص. ۱۸).

۵.۲. شهر زیست‌پذیر

زیست‌پذیری راجع به فضاهای شهری دلپذیر و مطبوعی است که غنای فرهنگی خاصی عرضه می‌کنند. اصول کلیدی که به این امر عینیت می‌بخشد عبارتند از: عدالت، کرامت، دسترسی، خوش‌مشربی، مشارکت و اختیار (تایمر و سیموآ^۱، ۲۰۰۶، ص. ۲). در زیست‌پذیر شدن یک مکان نخست عوامل عینی تأثیرگذار هستند، اما در نهایت تصمیم‌گیری با توجه میزان رضایتمندی ساکنان از شاخص‌های عینی زیست‌پذیری در چارچوب ذهن صورت می‌گیرد؛ بنابراین زیست‌پذیری مفهومی چندبعدی است که گاه با مفاهیم کیفیت زندگی، رفاه و

1. timmer & seymoa

رضایتمندی از شرایط زندگی هم‌پوشانی‌های بسیاری دارد و جنبه‌های گوناگونی نظیر مسائل مادی و غیرمادی را در برمی‌گیرد (وی و چیو^۱، ۲۰۱۸، ص. ۱۱۲).

۵.۳. ابعاد زیست‌پذیری

زیست‌پذیری به سه بعد وابسته به هم تقسیم می‌شود: اقتصاد، اجتماع و محیط زیست. اقتصاد تأمین‌کننده مشاغل و درآمد بوده و برای سلامتی مردم حیاتی است و همین‌طور برای تأمین نیازهای سطوح بالاتر مانند آموزش، بهداشت و تفریحات. هم‌زمان باید استفاده اقتصاد از منابع موجود در محیط زیست به نحوی باشد که اطمینان از وجود منابع کافی برای نسل‌های حال و آینده وجود داشته باشد، اما بهزیستی اجتماعی وابسته به عدالت است. توزیع اجتماعی و فضایی منابع اقتصادی و زیست محیطی به نفع عادلانه، همچنین سیستم‌های حکومتی که همه شهروندان را محسوب مینماید. آزادی فردی و فرصت‌های برابر از اجزای مهم تشکیل‌دهنده بهزیستی اجتماعی هستند. محیط زیست، زیرساختی است که تأمین‌کننده منابع طبیعی، ظرفیت دفع زباله و ارتباط بین انسان و محیط طبیعی است. اگر کارکرد هر یک از این سه با اختلال مواجه گردد، سکونتگاه‌های انسانی می‌توانند به سرعت دچار اضمحلال شده و در نتیجه کاهش جمعیت، فقر، تضاد اجتماعی و بالا رفتن میزان مسائل بهداشتی، زیست محیطی از عواقب آن خواهد بود (خراسانی و رضوانی، ۱۳۹۳، ص. ۳۵). در زیست‌پذیری هدف از ارائه، شرایط پیاده‌روی لذت‌بخش‌تر، کمک به رفاه شخصی، بهبود ارزش املاک، بهبود امنیت شخصی، ارتقای سلامتی عابران و ساکنان، فضاها و عمومی سرزنده‌تر و کمک به حس مکان است (شاهچراغی، ۱۳۹۰، ص. ۴۹). با وجود این، کیفیت زندگی در هر مکان در مرکز توجه این مفهوم قرار دارد و شامل نماگرهای قابل اندازه‌گیری بسیار متنوعی است که معمولاً تراکم، حمل و نقل، امنیت و پایداری، اجزای ثابت آن را تشکیل می‌دهند (لبی و هشیم^۲، ۲۰۱۰، ص. ۳۴).

1. Wei & Chiu

2. Leby & Hashim

بانک جهانی در سال ۲۰۰۴ در گزارش «محیط زیست و زیست‌ساخت‌های شهری» به سوی شهر زیست‌پذیر، اهداف زیست‌محیطی زیر را برای رسیدن به شهر زیست‌پذیر اعلام کرده است (سانگ، ۲۰۱۱، ص. ۲).

- حفاظت و بهبود سلامت محیطی در نواحی شهری
 - حفاظت از کیفیت آب، خاک و هوا در نواحی شهری در مقابل آلودگی و فرسایش
 - حداقل‌سازی تأثیر شهر بر منابع طبیعی در مقیاس‌های منطقه‌ای و جهانی
 - حفاظت از تأثیر شهر بر مخاطرات طبیعی و گرم شدن زمین
- برای رسیدن به این اهداف باید پنج بُعد آب و بهداشت، توسعه شهری، محیط زیست، انرژی و حمل و نقل در نظر گرفته شود. درک رویکرد زیست‌پذیری می‌تواند نحوه پخشایش امکانات و خدمات با بررسی تطبیقی شاخص‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و کالبدی در مناطق مختلف نسبت به یکدیگر را روشن سازد (رشیدی ابراهیم حصاری، موحد، تولایی و موسوی، ۱۳۹۵، ص. ۱۵۷).

۵. ۴. قلمرو و رویکردهای زیست‌پذیری

زیست‌پذیری معمولاً با سه قلمرو اصلی مشخص می‌شود: کیفیت محیطی، تسهیلات محلی و بهزیستی فردی (لنارد، ۱۹۹۵)، همچنین مسکن، اشتغال، تفریحات، نظافت و امنیت، قلمروهای زیست‌پذیری در مطالعه هاولی و همکاران است (هاولی، اسکات، و ردمن‌دب^۲، ۲۰۰۹، ص. ۸۵۵). عوامل مؤثر در زیست‌پذیری عبارت است از: سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های موجود حمل و نقل عمومی، بهبود امنیت حمل و نقل، افزایش تعداد نقاط دارای دسترسی به حمل و نقل عمومی و توسعه سلامت از طریق فراهم آوردن شرایط حرکت پیاده و دوچرخه، حفاظت از محیط زیست، حفاظت از موجودی‌های تاریخی و فرهنگی (مگوایر، مک‌کارتی، و کانبی^۳، ۲۰۰۶، ص. ۴۵).

1. Song

2. Howley, Scott, & Redmond

3. Maguire, McCarty, & Canby

رویکردهای زیست‌پذیری را با توجه به دوره زمانی می‌توان در سه بخش به شرح ذیل عنوان کرد:

رویکرد تجربی: این رویکرد به تعریف یک مکان خوب از طریق به کارگیری تحقیقات تجربی تکیه دارد.

رویکرد ادراک‌های فردی و مطالعات بهزیستی ذهنی: این رویکرد بر رضایت و ارجحیت افراد تأکید دارد.

رویکرد کیفیت زندگی (رویکرد معیارهای اجتماعی برای کیفیت زندگی): محققانی که به بهبود زیست‌پذیری در مکان تمایل دارند، رویکردهای مکان‌محور را با ارزیابی کیفیت زندگی تلفیق می‌کنند (باجونید، عباس، و نواوی^۱، ۲۰۱۱، ص. ۴۸).

۶. بحث و یافته‌ها

۱.۶. شناسایی ابعاد و شاخص‌های زیست‌پذیری

شناسایی و تعیین معیارهای تصمیم‌گیری در این تحقیق، نخست، شاخص‌ها به‌عنوان عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری شهرها براساس ادبیات پژوهش و مصاحبه‌های تخصصی انتخاب شدند. براساس مدل تحقیق، گام بعدی شناسایی الگوی روابط علی میان آنهاست. جهت انعکاس روابط درونی میان معیارهای اصلی از دیدگاه خبرگان استفاده شده است. در این تکنیک متخصصان قادرند با تسلط بیشتری به بیان نظرات خود در رابطه با اثرات (جهت و شدت اثرات) میان عوامل بپردازند. ماتریس حاصل (ماتریس ارتباطات داخلی)، هم رابطه علی و معلولی بین عوامل را نشان می‌دهد و هم اثرپذیری و اثرگذاری متغیرها را نمایش می‌دهد. در این مطالعه پس از شناسایی ابعاد و شاخ‌های مطالعه، روابط بین ابعاد و شاخص‌های شناسایی شده با استفاده از رابطه مفهومی منجر به تحلیل شده است.

۲.۶. ماتریس خود تعاملی ساختاری (SSIM)

پس از شناسایی ابعاد و شاخص‌های زیست‌پذیری شهری این عوامل در ماتریس خود تعاملی ساختاری (SSIM) وارد شده است. به این منظور پرسش‌نامه‌ای طراحی شد. در این جدول ۱۶ فاکتور انتخاب شده است. در این مرحله متغیرها از نظر پاسخ‌دهندگان دو به دو با هم بررسی می‌شوند و پاسخ‌دهنده با استفاده از نمادهای ذیل به تعیین روابط متغیرها می‌پردازد:

$V =$ متغیر I بر تحقق متغیر J کمک می‌کند.

$A =$ متغیر J بر تحقق متغیر I کمک می‌کند.

$X =$ متغیر I و J هر دو به تحقق هم کمک می‌کنند.

$O =$ متغیر I و J با یکدیگر ارتباط ندارند.

مدل‌سازی ساختاری- تفسیری پیشنهاد می‌کند که از نظرات خبرگان براساس تکنیک‌های مختلف مدیریتی از جمله توفان فکری، گروه اسمی و غیره در توسعه روابط محتوایی میان متغیرها استفاده شود. بنابراین، ماتریس خودتعاملی با استفاده از چهار حالت روابط مفهومی فوق و توسط ۲۰ نفر از خبرگان و متخصصان تشکیل شده است. اطلاعات حاصل براساس متد مدل‌سازی ساختاری تفسیری جمع‌بندی و ماتریس خود - تعاملی ساختاری نهایی تشکیل شده است.

جدول ۵- ماتریس خودتعاملی ساختاری (ISSM) شاخص‌های زیست‌پذیری

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

I \ J	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9	C10	C11	C12	C13	C14	C15	C16
داشتن شغل و درآمد مناسب (C1)	-	V	V	V	A	A	V	V	A	A	O	O	X	V	X	X
مسکن مناسب (C2)		-	X	O	V	O	V	V	V	V	O	X	V	X	X	V
میزان تأمین			-	O	V	A	X	V	A	V	O	X	V	X	O	X

I J	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9	C10	C11	C12	C13	C14	C15	C16
	مصرف کالا و خدمات (C3)															
میزان تأمین مصرف انرژی (C4)				-	V	A	V	V	V	V	X	O	X	X	O	X
کیفیت شبکه آب، برق، گاز، تلفن، پست و اینترنت (C5)					-	O	V	V	O	X	O	V	X	X	X	O
توزیع عادلانه امکانات و خدمات زیرساختی (C6)						-	V	V	O	X	X	V	X	X	X	V
تعلق به مکان (منطقه، محله و شهر) (C7)							-	V	V	X	X	V	O	V	V	X
امیدواری به بهبود شرایط زندگی (C8)								-	V	X	X	X	A	V	A	A
افزایش امنیت فردی و اجتماعی (C9)									-	V	X	X	A	V	V	O
توسعه آموزش عمومی (C10)										-	V	V	V	V	X	V
کیفیت فضای سبز شهر											-	V	V	V	X	V

C16	C15	C14	C13	C12	C11	C10	C9	C8	C7	C6	C5	C4	C3	C2	C1	I
																(C11)
V	X	V	A	-												کاهش آلودگی (C12) ()
X	X	V	-													افزایش بهداشت عمومی (C13) ()
V	X	-														کیفیت فضاهای فراغتی، تفریحی و ورزشی (C14)
X	-															کیفیت مناسب معايير و خیابان ها (C15)
-																کیفیت زیبایی طبیعی و ایجاد چشم انداز خوب شهری (C16)

۳.۶. تشکیل ماتریس دریافتی (ماتریس دسترسی اولیه^۲)

ماتریس دسترسی اولیه از تبدیل ماتریس SSIM به صورت یک ماتریس دو دویی (دوارزشی) درمی‌آید. برای استخراج ماتریس دسترسی باید در هر سطر عدد یک جایگزین علامت های V و X و عدد صفر جایگزین علامت های A و O در ماتریس

1. Reachability matrix
2. Initial reachability matrix

دسترسی اولیه شود. سپس روابط ثانویه بین بعد/ شاخص‌ها کنترل شده است. رابطه ثانویه به-گونه‌ای است که اگر بعد J منجر به بعد I شود و بعد K را منجر شود، بعد J منجر به بعد K خواهد شد. به ماتریس تبدیل شده در اصطلاح ماتریس دریافتی اولیه می‌گویند که در آن نمادهای A, V, O, X به وسیله اعداد (۰ و ۱) جایگزین شده‌اند. اگر فرض شود که $\S(i, j)$ معادل مؤلفه (i, j) ام ماتریس SSIM بوده و $\R(i, j)$ معادل مؤلفه $\S(i, j)$ ام ماتریس دریافتی باشد، جایگزینی براساس قوانین زیر صورت می‌گیرد:

۱. اگر $\S(i, j) = V$ آنگاه $\R(i, j) = ۱$ و $\R(j, i) = ۰$
۲. اگر $\S(i, j) = A$ آنگاه $\R(i, j) = ۰$ و $\R(j, i) = ۱$
۳. اگر $\S(i, j) = X$ آنگاه $\R(i, j) = ۱$ و $\R(j, i) = ۱$
۴. اگر $\S(i, j) = O$ آنگاه $\R(i, j) = ۰$ و $\R(j, i) = ۰$

با اعمال قوانین بالا در جایگزینی‌ها به ماتریس دریافتی اولیه می‌رسیم که در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۶- ماتریس دسترسی اولیه

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
۱	-	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۲	۰	-	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۱	۱
۳	۰	۱	-	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۱	۱
۴	۰	۰	۰	-	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۱	۱
۵	۱	۰	۰	۰	-	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۱	۱
۶	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۷	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۸	۰	۰	۰	۰	۰	۱	-	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۹	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	-	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۰	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	-	۰	۱	۱	۱	۱	۱
۱۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	-	۰	۱	۱	۱	۱
۱۲	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	-	۰	۱	۱

$\begin{matrix} i \\ j \end{matrix}$	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9	C10	C11	C12	C13	C14	C15	C16
C13	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۱	-	۱	۱	۱
C14	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	-	۱	۱
C15	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	-	۱
C16	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۱	-

۶.۴. ماتریس دسترسی نهایی

ماتریس دریافتی نهایی با اعمال روابط تعدی موجود در بین متغیرها و انتقال‌پذیری در روابط متغیرها تشکیل می‌شود. بدین صورت که اگر (i, j) با هم در ارتباط باشند و نیز k و j با هم رابطه داشته باشند؛ آنگاه (i, k) با هم در ارتباط هستند (آذر و بیات، ۱۳۸۷؛ راوی و شانکار، ۲۰۰۴). به این ترتیب می‌توان فاز بعدی از مراحل اجرای متدولوژی ISM را به انجام رساند. نتیجه استفاده از روابط متعدی بین متغیرها در جدول ۶ قابل رؤیت است. همچنین، نیروهای محرک هر متغیر و میزان وابستگی هر متغیر نیز نشان داده شده است. نیروی محرکه هر متغیر عبارت است از تعداد نهایی متغیرهای (شامل خودش) که می‌تواند در ایجاد آنها نقش داشته باشد. میزان وابستگی عبارت است از تعداد نهایی متغیرهایی که باعث ایجاد متغیر مذکور می‌شوند.

جدول ۷- ماتریس دسترسی نهایی (اصلاح شده)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

$\begin{matrix} i \\ j \end{matrix}$	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9	C10	C11	C12	C13	C14	C15	C16	قدرت نفوذ
C1	۱	۱*	۱	۱	۱*	۱*	۱	۱	۱*	۱*	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱۴
C2	۱*	۱	۱	۰	۱	۱*	۱	۱	۱	۱	۱*	۱	۱	۱	۱	۱	۱۵
C3	۱*	۱	۱	۱*	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱*	۱	۱	۱	۱*	۱	۱۴

	۹	۱۴	۶	۱۳	۱۱	۱۳	۱۳	۱۲	۹	۱۲	۱۵	۱۲	۱۳	۱۲	۱۵	۱۲	۱۳	قدرت نفوذ
۱۴	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱*	۰	۱*	۱	۰	۱	۱*	۱	۰	۱	C16
۱۶	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱*	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱*	C15
۱۵	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	C14
۱۵	۱	۱	۰	۱	۱*	۱	۱	۱*	۱*	۱*	۱	۱*	۱	۱*	۱	۱	۱	C13
۱۳	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	C12
۱۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱*	۱	۰	۱	C11
۱۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	C10
۱۱	۱*	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱*	۰	۰	۱*	۱	۰	۱	C9
۱۳	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	C8
۱۱	۱	۰	۰	۱*	۰	۱	۱*	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	C7
۱۱	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱*	۰	۱*	۱	۰	۱	۱*	۱	۱*	۱*	C6
۱۱	۱*	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱*	۰	۱*	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱	C5
۹	۰	۱*	۰	۱	۱	۱*	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۱*	۰	۱	۰	۱	C4
۱۱	۱	۱*	۰	۰	۱	۱*	۰	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۰	۱	C3
۱۱	۱*	۱	۱	۱*	۱	۱*	۱*	۰	۰	۰	۱*	۱*	۰	۱*	۱*	۱*	۰	C2
۱۳	۱	۱	۰	۱	۱*	۰	۱	۱	۱*	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	C1
میزان وابستگی	C16	C15	C14	C13	C12	C11	C10	C9	C8	C7	C6	C5	C4	C3	C2	C1	j	I

در جدول ۶، قدرت نفوذ (میزان تأثیری که هر یک از عوامل بر سایر عوامل دارند) ۱۶ شاخص شناسایی شده در حوزه زیست‌پذیری شهر ایلام آمده است. نتایج بیانگر این است که پنج عامل توزیع عادلانه امکانات و خدمات زیرساختی، مسکن مناسب، داشتن شغل و درآمد مناسب، میزان تأمین مصرف کالا و خدمات، کیفیت مناسب معابر و خیابان‌ها به ترتیب با میزان قدرت نفوذ ۱۵، ۱۵، ۱۴، ۱۴، ۱۴ بیشترین تأثیر و کیفیت فضاهای فراغتی، تفریحی و ورزشی، کیفیت زیبایی طبیعی و ایجاد چشم‌انداز خوب شهری و امیدواری به بهبود شرایط زندگی به ترتیب با میزان تأثیر ۶، ۹، ۹ کمترین تأثیر را دارند. بر این اساس، نخستین ابعاد کلی مؤثر زیست‌پذیر کردن شهر ایلام ابعاد اقتصادی و در مراحل بعدی ابعاد زیست محیطی و اجتماعی است.

۵.۶. سطح‌بندی عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری شهر ایلام

ماتریس دسترسی نهایی باید به سطوح مختلف دسته‌بندی شود. پس از تعیین مجموعه دست‌یابی و مجموعه پیش‌نیاز برای هر عنصر و تعیین مجموعه مشترک، سطح‌بندی متغیرها انجام می‌شود. مجموعه دستیابی برای هر عنصر، مجموعه‌ای است که در آن سطرها ماتریس دست‌یابی نهایی به صورت ۱ ظاهر شده باشند و مجموعه پیش‌نیاز، مجموعه‌ای است که در آن ستون‌ها به صورت ۱ ظاهر شده باشند. با به دست آوردن اشتراک این دو مجموعه، مجموعه مشترک به دست خواهد آمد. به طوری که این متغیرها در ایجاد هیچ متغیر دیگری مؤثر نیستند. آن متغیرها پس از شناسایی بالاترین سطح از فهرست سایر متغیرها کنار گذاشته می‌شود. این تکرارها تا مشخص شدن سطح همه متغیرها ادامه می‌یابد. عناصری که در آن‌ها مجموعه مشترک با مجموعه دستیابی یکسان است، سطح اول اولویت را به خود اختصاص می‌دهند. با حذف این عناصر و تکرار این مرحله برای سایر عناصر، سطح تمام عناصر تعیین می‌شود. در این پژوهش سطوح شش‌گانه متغیرها بدست آمده که نتیجه نهایی آن‌ها در جدول ۸ جمع‌بندی شده است.

جدول ۸- سطح‌بندی عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری

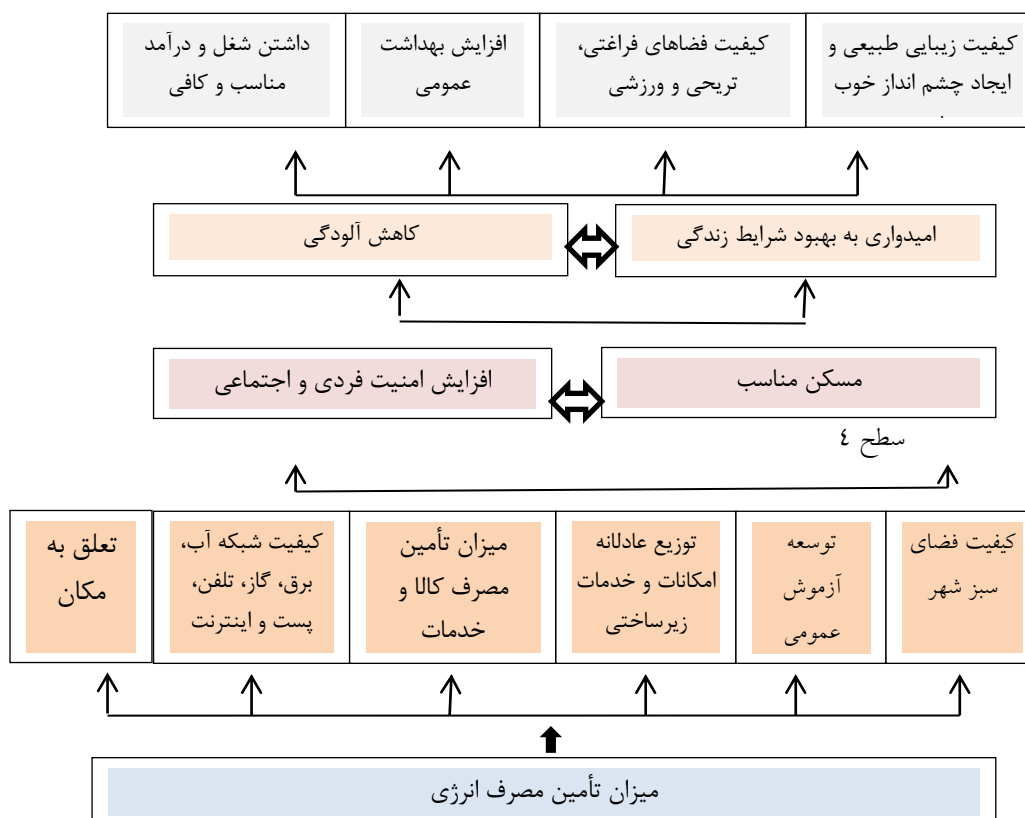
مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

R	عوامل	مجموعه دست‌یابی	مجموعه پیش‌نیاز	مجموعه مشترک	سطح
C1	داشتن شغل و درآمد مناسب و کافی	-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱ -۱۴-۱۳-۱۰-۹-۸ ۱۶-۱۵	-۹-۸-۷-۶-۵-۳-۲-۱ ۱۶-۱۵-۱۳-۱۲-۱۰	-۷-۶-۵-۳-۲-۱ -۱۵-۱۳-۱۰-۹-۸ ۱۶	۲
C2	مسکن مناسب	-۷-۶-۵-۳-۲-۱ -۱۲-۱۱-۱۰-۹-۸ ۱۶-۱۵-۱۴-۱۳	-۱۲-۱۱-۶-۵-۳-۲-۱ ۱۶-۱۵-۱۴-۱۳	-۶-۵-۳-۲-۱ -۱۴-۱۳-۱۲-۱۱ ۱۶-۱۵	۴
C3	میزان تأمین مصرف کالا و خدمات	-۸-۷-۵-۴-۳-۲-۱ -۱۳-۱۲-۱۱-۱۰ ۱۶-۱۵-۱۴	-۹-۷-۶-۴-۳-۲-۱ ۱۶-۱۵-۱۲-۱۱	-۷-۴-۳-۲-۱ ۱۶-۱۵-۱۲-۱۱	۵
C4	میزان تأمین مصرف انرژی	-۷-۶-۵-۴-۳-۱ -۱۳-۱۲-۱۰-۹-۸ ۱۶-۱۵-۱۴	-۱۲-۱۰-۶-۴-۳-۱ -۱۵-۱۳-۱۱	-۱۰-۶-۴-۳-۱ ۱۵-۱۳-۱۲	۶
C5	کیفیت شبکه آب، برق، گاز، تلفن، پست و اینترنت	-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱ -۱۳-۱۲-۱۱-۱۰ ۱۵-۱۴	-۱۰-۹-۵-۴-۳-۲-۱ ۱۶-۱۵-۱۴-۱۳	-۱۳-۱۰-۵-۲-۱ ۱۵-۱۴	۵
C6	توزیع عادلانه امکانات و خدمات زیرساختی	-۷-۶-۴-۳-۲-۱ -۱۲-۱۱-۱۰-۹-۸ ۱۶-۱۵-۱۴-۱۳	-۱۰-۹-۶-۴-۵-۲-۱ ۱۶-۱۵-۱۴-۱۳	-۹-۶-۴-۲-۱ -۱۵-۱۴-۱۳-۱۰ ۱۶	۵
C7	تعلق به مکان (منطقه، محله و شهر)	-۱۰-۹-۸-۷-۳-۱ -۱۴-۱۳-۱۲-۱۱ ۱۶-۱۵	-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱ ۱۶-۱۳-۱۱-۱۰	-۱۱-۱۰-۷-۳-۱ ۱۶-۱۳	۵
C8	امیدواری به بهبود شرایط زندگی	-۱۱-۱۰-۹-۸-۱ ۱۶-۱۵-۱۴-۱۳-۱۲	-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱ -۱۵-۱۳-۱۲-۱۱-۱۰	-۱۱-۱۰-۸-۱ -۱۵-۱۳-۱۲	۳
C9	افزایش امنیت فردی و اجتماعی	-۱۰-۹-۶-۵-۳-۱ -۱۴-۱۳-۱۲-۱۱ ۱۶-۱۵	-۹-۸-۷-۶-۴-۲-۱ ۱۶-۱۳-۱۲-۱۱	-۱۲-۱۱-۹-۶-۱ ۱۶-۱۴-۱۳	۴
C10	توسعه آموزش عمومی	-۸-۷-۶-۵-۴-۱ -۱۳-۱۲-۱۱-۱۰	-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱ ۱۵-۱۰-۹-۸	-۸-۷-۶-۵-۴-۱ -۱۵-۱۰	۵

R	عوامل	مجموعه دست یابی	مجموعه پیش نیاز	مجموعه مشترک	سطح
		۱۶-۱۵-۱۴			
C11	کیفیت فضای سبز شهر	-۹-۸-۷-۶-۴-۳-۲ -۱۴-۱۳-۱۲-۱۱ ۱۶-۱۵	-۹-۸-۷-۶-۵-۳-۲ -۱۵-۱۱-۱۰	-۹-۸-۷-۶-۳-۲ -۱۵-۱۱	۵
C12	کاهش آلودگی	-۹-۸-۴-۳-۲-۱ ۱۶-۱۵-۱۴-۱۳-۱۲	-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲ ۱۵-۱۳-۱۲-۱۱-۱۰	-۱۲-۹-۸-۴-۳-۲ ۱۵-۱۳	۳
C13	افزایش بهداشت عمومی	-۷-۶-۵-۴-۲-۱ -۱۴-۱۳-۱۲-۹-۸ ۱۶-۱۵	-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱ -۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۹-۸ ۱۶-۱۵	-۷-۶-۵-۴-۲-۱ -۱۳-۱۲-۹-۸ ۱۶-۱۵	۲
C14	کیفیت فضاهای فراغتی، تفریحی و ورزشی	-۱۵-۱۴-۶-۵-۲ ۱۶	-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱ -۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۹-۸ ۱۵-۱۴	۱۵-۱۴-۶-۵-۲	۲
C15	کیفیت مناسب معابر و خیابان ها	-۶-۵-۴-۳-۲-۱ -۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۸ ۱۶-۱۵-۱۴	-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱ -۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۹-۸ ۱۶-۱۵-۱۴	-۶-۵-۴-۳-۲-۱ -۱۲-۱۱-۱۰-۸ ۱۶-۱۵-۱۴-۱۳	۱
C16	کیفیت زیبایی طبیعی و ایجاد چشم‌انداز خوب شهری	-۹-۷-۵-۳-۲-۱ ۱۶-۱۵-۱۳	-۹-۷-۶-۴-۳-۲-۱ -۱۴-۱۳-۱۲-۱۱-۱۰ ۱۶-۱۵	-۱۳-۹-۷-۳-۲-۱ ۱۶-۱۵	۲

شهر ایلام براساس جدول ۸ عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری به شش سطح طبقه‌بندی شده است. در گراف ISM روابط متقابل و تأثیرگذاری بین معیارها و ارتباط معیارهای سطوح مختلف نمایان است که موجب درک بهتر فضای تصمیم‌گیری می‌شود. در این بخش، شش عامل میزان تأمین مصرف انرژی، کیفیت شبکه آب، برق، گاز، تلفن، پست و اینترنت، توزیع عادلانه امکانات و خدمات زیرساختی، توسعه آموزش عمومی، میزان تأمین مصرف کالا و خدمات، تعلق به مکان (منطقه، محله و شهر)، در پایین‌ترین سطح قرار گرفته‌اند که مانند سنگ زیربنایی مدل عمل می‌کنند، در نتیجه ارتقاء سطح زیست‌پذیری شهر ایلام باید از این متغیرها آغاز شود و به سایر متغیرها تعمیم یابد. مسکن مناسب، افزایش امنیت فردی و اجتماعی، امیدواری به بهبود شرایط زندگی، کاهش آلودگی، افزایش بهداشت عمومی، کیفیت

فضاهای فراغتی، تفریحی و ورزشی، کیفیت زیبایی طبیعی و ایجاد چشم‌انداز خوب شهری و کیفیت مناسب معابر و خیابان‌ها به ترتیب در سطوح بعدی قرار دارند.



شکل ۲- مدل توسعه عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری شهر ایلام

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

۶.۶. تحلیل MICMAC

تجزیه و تحلیل قدرت نفوذ - وابستگی (روش میک مک^۱): در این مرحله با استفاده از روش MICMAC نوع متغیرها با توجه به اثرگذاری و اثرپذیری بر سایر متغیرها مشخص شده است و پس از تعیین قدرت نفوذ یا اثرگذاری و قدرت وابستگی عوامل می‌توان تمامی

1. MICMAC

عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری شهر ایلام را در یکی از خوشه‌های چهارگانه روش ماتریس اثر متغیرها طبقه‌بندی کرد. نخستین گروه شامل متغیرهای مستقل (خودمختار) می‌شود که قدرت نفوذ و وابستگی ضعیفی دارند. این متغیرها تا حدودی از سایر متغیرها مجزا است و ارتباطات کمی دارند. گروه دوم، متغیرهای وابسته که از قدرت نفوذ ضعیف، ولی وابستگی بالایی دارند. گروه سوم، متغیرهای پیوندی که قدرت نفوذ و وابستگی بالایی دارد. در واقع هرگونه عملی بر این شاخص متغیرها سبب تغییر سایر شاخص‌ها می‌شود. گروه چهارم، متغیرهای مستقل (کلیدی) را دربرمی‌گیرد. این متغیرها دارای قدرت نفوذ بالا و وابستگی پایینی است. براساس جدول ۹، هیچ یک از توانمندسازها در گروه خود مختار قرار نگرفته‌اند و این نشان‌دهنده اهمیت همه توانمندسازها در زیست‌پذیری شهر ایلام است. متغیرهای امیدواری به بهبود شرایط زندگی، کیفیت فضاهای فراغت، تفریحی و ورزشی و کیفیت زیبایی طبیعی و ایجاد چشم‌انداز خوب شهری بیشتر تحت تأثیر سایر عوامل بوده و از منظر سیستمی جزء عناصر اثرپذیر و وابسته است. به عبارت دیگر، برای ایجاد این متغیر عوامل زیادی دخالت دارند و خود آن‌ها کمتر می‌توانند زمینه‌ساز متغیرهای دیگر شوند. متغیرهای میزان تأمین مصرف انرژی و کیفیت فضای سبز شهری جزء متغیرهای کلیدی برای توسعه زیست‌پذیری شهر ایلام به شمار می‌روند. این متغیرها تأثیر بسیاری بر تحقق و ارتقاء زیست‌پذیری شهر ایلام داشته و قدرت نفوذ بالا و وابستگی پایینی دارند. اصولاً متغیرهایی که قدرت نفوذ بالایی دارند به اصطلاح متغیرهای کلیدی خوانده می‌شوند. این متغیرها در یکی از دو گروه متغیرهای مستقل یا پیوند جای می‌گیرند. همانطور که در جدول ۹ مشخص است، یازده توانمندساز که در گروه متصل قرار گرفته‌اند، همه از شدت نفوذ و وابستگی بالایی برخوردارند و هرگونه تغییر در هریک از این توانمندسازها موجب تغییر در سایر توانمندسازها می‌شود. این توانمندسازها شامل داشتن شغل و درآمد مناسب و کافی، میزان تأمین مصرف کالا و خدمات، مسکن مناسب، کیفیت شبکه آب، برق، گاز، تلفن، پست و اینترنت، تعلق به مکان (منطقه، محله و شهر)، افزایش امنیت فردی و اجتماعی، توزیع عادلانه امکانات و خدمات زیرساختی، توسعه آموزش عمومی، کاهش آلودگی، افزایش بهداشت عمومی و کیفیت مناسب معابر و خیابان‌ها می‌شود. هرگونه عملی بر این متغیر سبب تغییر سایر متغیرها می‌شود. قدرت نفوذ و میزان

وابستگی هریک از عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری شهر ایلام در جدول ۹ و ۱۰ نشان داده شده است.

جدول ۹- درجه قدرت هدایت و وابستگی متغیرها

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

متغیر	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9	C10	C11	C12	C13	C14	C15	C16
قدرت نفوذ	۱۴	۱۵	۱۴	۱۲	۱۲	۱۵	۱۲	۹	۱۲	۱۲	۱۲	۱۱	۱۲	۳	۱۴	۹
میزان وابستگی	۱۲	۱۱	۱۱	۹	۱۱	۱۱	۱۱	۱۲	۱۱	۱۱	۱۰	۱۲	۱۵	۱۵	۱۶	۱۴

جدول ۱۰- سطح‌بندی عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری شهر ایلام با استفاده از روش MICMAC قدرت وابستگی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

۱۶																
۱۵																
۱۴																
۱۳																
۱۲																
۱۱																
۱۰																
۹																
۸																
۷																

قدرت نفوذ

و تأثیر ۱۵، ۱۴، ۱۴، ۱۴ محرک زیست‌پذیری شهر ایلام هستند. همانگونه که در تحلیل نتایج هریک از ابعاد اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی حاصل شد، زیست‌پذیری شاخص اقتصادی بیشتر از دو شاخص دیگر است و به لحاظ اجتماعی کمترین زیست‌پذیری در شهر ایلام وجود دارد. که این یافته با یافته‌های تحقیق ساسان‌پور، تولایی، و جعفرآبادی (۱۳۹۳)، اکیری و علی اکبری (۱۳۹۵)، خراسانی و رجایی (۱۳۹۳)، که بیشتر ارزش زیست‌پذیری را در ابعاد اقتصادی به دست آورده‌اند کاملاً سازگار است و هم‌سویی دارد. شهر ایلام براساس عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری به شش سطح طبقه‌بندی شده است. که بخش شش عامل میزان تأمین مصرف انرژی، کیفیت شبکه آب، برق، گاز، تلفن، پست و اینترنت، توزیع عادلانه امکانات و خدمات زیرساختی، توسعه آموزش عمومی، میزان تأمین مصرف کالا و خدمات، تعلق به مکان (منطقه، محله و شهر)، در پایین‌ترین سطح قرار گرفته‌اند که مانند سنگ زیربنایی مدل عمل می‌کنند، در نتیجه ارتقاء سطح زیست‌پذیری شهر ایلام باید از این متغیرها آغاز شود و به سایر متغیرها تعمیم یابد. مسکن مناسب، افزایش امنیت فردی و اجتماعی، امیدواری به بهبود شرایط زندگی، کاهش آلودگی، افزایش بهداشت عمومی، کیفیت فضاهای فراغت، تفریحی و ورزشی، کیفیت زیبایی طبیعی و ایجاد چشم‌انداز خوب شهری و کیفیت مناسب معابر و خیابان‌ها به ترتیب در سطوح بعدی قرار دارند. این پژوهش با تکیه بر تحلیل MICMAC نشان می‌دهد که هیچ یک از توانمندسازها در گروه خودمختار قرار نگرفته‌اند و این نشان‌دهنده اهمیت همه توانمندسازها در زیست‌پذیری شهر ایلام است. متغیرهای امیدواری به بهبود شرایط زندگی، کیفیت فضاهای فراغت، تفریحی و ورزشی و کیفیت زیبایی طبیعی و ایجاد چشم‌انداز خوب شهری بیشتر تحت تأثیر سایر عوامل بوده و از منظر سیستمی جزء عناصر اثرپذیر و وابسته است. به عبارت دیگر، برای ایجاد این متغیر عوامل زیادی دخالت دارند و خود آن‌ها کمتر می‌توانند زمینه‌ساز متغیرهای دیگر شوند. متغیرهای میزان تأمین مصرف انرژی و کیفیت فضای سبز شهری جزء متغیرهای کلیدی برای توسعه زیست‌پذیری شهر ایلام به شمار می‌روند. این متغیرها تأثیر بسیاری بر تحقق و ارتقای زیست‌پذیری شهر ایلام داشته و قدرت نفوذ بالا و وابستگی پایینی دارند. اصولاً متغیرهایی که قدرت نفوذ بالایی دارند به اصطلاح متغیرهای کلیدی خوانده می‌شوند. این متغیرها در یکی از دو گروه متغیرهای

مستقل یا پیوند جای می‌گیرند و در نهایت همان‌طور که در تحلیل نتایج مشخص شد، یازده توانمندساز که در گروه متصل (پیوندی) قرار گرفته اند، همه از شدت نفوذ و وابستگی بالایی برخوردارند و هرگونه تغییر در هر یک از این توانمندسازها موجب تغییر در سایر توانمندسازها می‌شود. این توانمندسازها شامل: داشتن شغل و درآمد مناسب و کافی، میزان تأمین مصرف کالا و خدمات، مسکن مناسب، کیفیت شبکه آب، برق، گاز، تلفن، پست و اینترنت، تعلق به مکان (منطقه، محله و شهر)، افزایش امنیت فردی و اجتماعی، توزیع عادلانه امکانات و خدمات زیرساختی، توسعه آموزش عمومی، کاهش آلودگی، افزایش بهداشت عمومی و کیفیت مناسب معابر و خیابان‌ها، هرگونه عملی بر این متغیر سبب تغییر سایر متغیرها می‌شود. نتایج یادشده با نتیجه پژوهش شاهپوندی، قلعه نوی، و علیپور اصفهانی (۱۳۹۲)، علی اکبری و و اکبری (۱۳۹۵)، سازگار است که عوامل مسکن مناسب، سرزندگی اقتصادی، ارتقای شاخص‌های کالبدی، توزیع عادلانه امکانات و خدمات زیرساختی و شاخص‌های کمی اجتماعی، مانند کتابخانه‌ها، مراکز آموزشی، بهداشتی درمانی را جزء عوامل کلیدی معرفی کرده‌اند. در تحقیق اموتا (۱۹۹۸) نیز شاخص‌های اقتصادی، نقش کلیدی و تعیین‌کننده در زیست‌پذیری محله‌های شهر بنین داشته است که با نتایج این تحقیق هم‌خوانی دارد. نتایج برنامه‌ریزی منطقه کلان‌شهری ونکوور (۲۰۰۵)، که به‌عنوان پیشرو در بررسی و ارزیابی زیست‌پذیری در جهان شناخته می‌شود اصول مبنایی و ریشه‌ای زیست‌پذیری در سکونتگاه‌های انسانی را توزیع عادلانه امکانات و خدمات، امکان دسترسی به زیرساخت‌ها (حمل و نقل، ارتباطات، آب و بهداشت)، برابری و مشارکت مردم دانسته است که با عوامل کلیدی این پژوهش هم‌سویی دارد. با توجه به ابعاد و شاخص‌های شناسایی شده و تجزیه تحلیل به عمل آمده برای روی این عوامل پیشنهاد می‌شود که:

- بالا بردن کیفیت ساخت‌ها و تجهیزات آموزشی.
- سرمایه‌گذاری در بخش‌های خصوصی و عمومی جهت اشتغال‌زایی و توجه جدی به نیازهای اساسی و زیربنایی مثل مسکن.

- توزیع عادلانه امکانات و خدمات زیرساختی و حمایت از جوامع موجود (از طریق ایجاد هویت محله‌ای، حس تعلق به مکان، تعاملات اجتماعی شهروندان، امنیت).
- تأمین پوشش گیاهی مورد نیاز و کاشت درختان و گیاهان در فضاهای جمعی و نیز معابر و گذرگاه‌های محله‌ای، در صدر قرار دارد. ایجاد فضای سبز مردم را تشویق به پیاده‌روی کرده، ارزش اراضی را افزایش داده و لذا موجبات ارتقای سرزندگی اقتصادی و اجتماعی را فراهم می‌نماید.

کتاب‌نامه

۱. بازوندی، ف.، و شهبازی، م. (۱۳۹۳). نقش کیفیت سرزندگی در ایجاد تصویر ذهنی شهروندان و میزان بهره‌گیری از فضای شهری (مورد مطالعه: پیاده راه خیابان سپهسالار تهران). *دو فصل‌نامه پژوهش‌های منظر شهر*، ۱(۱)، ۴۳-۳۳.
۲. بندر آباد، ع.، و ماجدی، ح. (۱۳۹۳). معیارهای جهانی و بومی شهر زیست‌پذیر. *نشریه هویت شهر*، ۱۷(۸)، ۷۶-۶۵.
۳. بندرآباد، ع. (۱۳۹۰). *شهر زیست‌پذیر از مبانی تا مبنا*. تهران: انتشارات آذرخش.
۴. حاتمی نژاد، ح.، مدانلو جویباری، م.، و اخوان حیدری، ک. (۱۳۹۷). تحلیل فضایی زیست‌پذیری کالبدی کلان‌شهر اهواز. *نشریه علمی - پژوهشی برنامه‌ریزی توسعه کالبدی*، ۴(۱)، ۲۳-۱۱.
۵. حاجی‌پور، ن. (۱۳۹۶). تحلیل تطبیقی شاخص‌های منتخب زیست‌پذیری شهری در کلان‌شهر اهواز (مطالعه موردی: محلات گلستان، کیانپارس، سپیدار) (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری). دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
۶. خراسانی، م. ا.، و رضوانی، م. ر. (۱۳۹۳). تحلیل ارتباط زیست‌پذیری روستاهای پیرامون شهری با برخورداری خدماتی (مطالعه موردی: شهرستان ورامین). *نشریه برنامه‌ریزی فضایی*، ۳(۳)، ۱۵-۱.
۷. خزایی نژاد، ف. (۱۳۹۵). زیست‌پذیری شهری: مفهوم، اصول ابعاد و شاخص‌ها. *فصل‌نامه پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری*، ۴(۱)، ۵۰-۲۷.

۸. رشیدی ابراهیم حصاری، ا.، موحد، ع.، تولایی، س.، و موسوی، م. ن. (۱۳۹۵) تحلیلی فضایی منطقه کلان‌شهری تبریز با رویکرد زیست‌پذیری. *فصل‌نامه فضایی جغرافیایی*، ۱۶ (۵۴)، ۱۷۶-۱۵۵.
۹. ساسان‌پور، ف.، تولایی، س.، و جعفری آبادی، ح. (۱۳۹۳). قابلیت زیست‌پذیری شهرها در راستای توسعه پایدار شهری (مورد مطالعه: کلان شهر تهران). *فصل‌نامه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران*، ۱۲ (۴۲)، ۱۵۷-۱۳۰.
۱۰. ساسان‌پور، ف.، عزیزاده، س.، و اعرابی مقدم، ح. (۱۳۹۷). قابلیت‌سنجی زیست‌پذیری مناطق شهری ارومیه با مدل RALSPI. *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۱۸ (۴۸)، ۲۵۸-۲۴۲.
۱۱. شاهچراغی، آ.، و بندرآباد، ع. (۱۳۹۰). *شهر زیست‌پذیر از مبانی تا معانی*. تهران: نشر آذرخش.
۱۲. شاهپوندی، ا.، قلعه‌نوعی، م.، و علی‌پور اصفهانی، م. (۱۳۹۴). بررسی ویژگی‌های کالبدی و اثرگذاری آن بر سرزندگی و زیست‌پذیری محله‌های قدیم شهری (نمونه موردی محله سنبلستان اصفهان). *دوفصل‌نامه مرمت و معماری ایران*، ۵ (۹)، ۲۶-۱۳.
۱۳. شماعی، علی.، تابعی، نادر.، و حمیدی، م.، س. (۱۳۹۳). بکارگیری روش تحلیل تصمیم‌گیری چند متغیره (الکتر) در رتبه‌بندی مناطق شهر اهواز. *فصل‌نامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، ۱۸ (۱)، ۵۲-۲۵.
۱۴. علی اکبری، ا.، و اکبری، م. (۱۳۹۳). مدل‌سازی ساختاری - تفسیری عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری کلان‌شهر تهران. *فصل‌نامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، ۲۱ (۱)، ۳۱-۱.
۱۵. قربانی، م. (۱۳۹۹). تحلیل اعتبارسنجی ابعاد زیست‌پذیری جامعه محلی (منطقه مورد مطالعه: شهرستان قلعه گنج، استان کرمان). *مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، ۵۲-۵۱ (۲)، ۲۴۵-۱۶۱.
۱۶. محمودی پاشایی، ث. (۱۳۹۷). سنجش رتبه زیست‌پذیری بافت فرسوده در مقایسه با بافت میانی و جدید در شهر ارومیه (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، گرایش نوسازی و بهسازی). دانشگاه پیام نور، مرکز ارومیه، ایران.
۱۷. نصیری هنده خاله، ا. (۱۳۹۸). مدل معادلات ساختاری اثر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر زیست‌پذیری کانون‌های کوچک شهری استان البرز. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۵۱ (۳)، ۷۳۰-۷۱۵.

18. Badland, H., Whitzman, L., & Aye, B. H. (2014). Urban liveability: Emerging Lesson from Australian for exploring the potential for indicators to measure the social determinants of health. *Social Science and Medicine*, (111), 64-73.
19. Bajunid, A. F. I., Abbas, M. Y., & Nawawi, A. H. (2011). Tessellation planning: China: An institutional interpretation. *Cities*, 83(1), 108-117.
20. Faisal, M., Banwet, D. K., & Shankar, R. (2006). Supply chain risk mitigation: Modelling the enablers. *Business Process Management*, 12(4), 535-552.
21. Florida, R. (2002). *The rise of the creative class*. NY: Basic Books/ Perseus Books.
22. Howley, P. & Scott, M., & Redmond, D. (2009). Sustainability versus liveability: An investigation of neighbourhood satisfaction. *Journal of Environmental Planning and Management*, 52(6), 847-864.
23. Inglehart, R. (1990). *Culture shift in advanced industrial society*. Princeton NJ: Princeton University Press.
24. Lau, L., & Hashim, A. H. (2010). Liveability dimensions and attributes: Their relative importance in the eyes of neighborhood residents. *Journal of Construction in Developing Countries*, 15(1), 67-91.
25. Maguire, M., McCarty, K., & Canby, A. (2006). From the margins to mainstream: A guide to transportation opportunities in your community.
26. Mccrea, R., & Walters, P. (2012). Impacts of urban consolidation on urban liveability: Comparing an inner and outer suburb in Brisbane, Australia. *Housing: Theory & Society*, 29(2), 190.
27. Omuta, G. E. D. (1998). The quality of urban life and the perception of livability: A case study of neighbourhoods in Benin City, Nigeria. *Social Indicators Research*, 20(4), 417-440.
28. Ramesh, A., Banwet, D. K., & Shankar, R. (2010). Modeling the barriers of supply chain collaboration. *Journal of Modelling in Management*, 5(2), 176-193.
29. Saitluanga, B. L. (2014). Spatial pattern of urban livability in Himalayan Region: A case of Aizawl City, India. *Social Indicators Research*, 117(2), 541-559.
30. Shabanzadeh Namini, R., Loda, M., Meshkini, A., & Roknedineftekhari, A. (2019). Comparative evaluation of livability indicators of the metropolitan Tehran's districts. *International Journal of Urban Sustainable Development*, 11(1), 48-67.
31. Song, Y. (2011). A livable city study in china; using structural equation models (Unpublished master's thesis). Uppsala University.
32. Timmer, V., & Seymoar, N. K. (2006). The World urban forum 2006: Vancouver working group discussion paper: The resilient city. Retrieved from https://www.academia.edu/6665145/THE_WORLD_URBAN_FORUM_2006_Vancouver_Working_Group_Discussion_Paper_The_Resilient-City
33. Visser, P., Van Dam, F., & Hooimeijer, P. (2005). The influence of neighbourhood characteristics on geographical differences in house prices in the

- Netherlands. Paper Presented at *the European Network for Housing Research (ENHR) International Housing Conference*, 29 June–3 July, Reykjavik, Iceland.
34. Wei, Z., & Chiu, R. L. H. (2018). Livability of subsidized housing estates in marketized socialist China: An institutional interpretation. *Cities*, 83, 108-117.
35. Zhan, D., Kwan, M. P., Zhang, W., Fan, J., Yu, J., & Dang, Y. (2018). Assessment and determinants of satisfaction with urban livability in China. *Cities*, 79, 92–101.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 : <https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2021.67210.0>

مقاله پژوهشی - مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال نوزدهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۳۶

سازگاری و هویت مکانی مهاجران: روابط و تعدیل‌گرها

(مطالعه موردی: مهاجران ساکن شهر اصفهان)

رنا شیخ بیگلو (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران، نویسنده مسئول)

r_shaykh@shirazu.ac.ir

زهره سلطانی (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران)

z.soltani@scu.ac.ir

صص ۸۹ - ۱۱۸

چکیده

مهاجرت با هر قصد و هدفی که انجام شود، یک فرایند است و مستلزم گذراندن مراحل خاصی است که سازگاری با محیط و جامعه مقصد، یکی از مهم‌ترین این مراحل است. در فرایند سازگاری، الگوهای رفتاری مهاجران دستخوش تغییراتی می‌شود و جنبه‌های مهمی از هویت شخصی آن‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرد. تبیین میزان و نحوه سازگاری مهاجران با شرایط محیط جدید می‌تواند در توضیح بسیاری از پدیده‌های مرتبط با مهاجرت مؤثر واقع شود. نظر به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر با مطالعه نمونه‌ای متشکل از ۳۸۵ نفر از مهاجرانی که از سایر سکونتگاه‌های شهری و روستایی سراسر ایران به قصد اقامت دائم وارد کلان‌شهر اصفهان شده‌اند و با تحلیل داده‌های گردآوری شده از طریق پرسش‌نامه، به بررسی اثر ابعاد مختلف سازگاری بر هویت مکانی پرداخته و اثر تعدیل‌گری برخی متغیرها را آزمون نموده است. تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری مختلف و بهره‌گیری از نرم‌افزار

تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۸

SPSS و افزونه Process صورت گرفته است. نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای نشان داد مقدار میانگین متغیر هویت مکانی و ابعاد سه‌گانه سازگاری شامل سازگاری روانی، اجتماعی و محیطی بالاتر از حد متوسط می‌باشد ($p\text{-value} < 0.001$). یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون نیز نشان داد سازگاری بر هویت مکانی اثر مثبت و معناداری دارد، به طوری که حدود ۵۲ درصد از واریانس هویت مکانی، توسط واریانس سازگاری روانی، محیطی و اجتماعی تبیین می‌شود. بر اساس نتایج، متغیرهای تحصیلات و مدت اقامت در رابطه بین سازگاری محیطی و هویت مکانی مهاجران به عنوان تعدیل‌گر نقش ایفا می‌کنند. این در حالی است که نقش تعدیل‌گری متغیرهای جنس، سن و مبدأ استانی مهاجرت در رابطه میان ابعاد مختلف سازگاری و هویت مکانی مهاجران تأیید نشد.

کلیدواژه‌ها: مهاجرت، سازگاری، هویت مکانی، کلان‌شهر اصفهان.

۱. مقدمه

افراد به دلایل متعددی از مکانی به مکان دیگر مهاجرت می‌کنند که در بسیاری موارد، هدف و دلیل اصلی این تغییر مکان، بهبود شرایط زندگی یا رهایی از فقر و محرومیت است. صرف نظر از نوع انگیزه و هدف، مهاجرت مستلزم گذراندن مراحل خاصی است و در نتیجه، یک فرایند است (ویروپاکشا، کومار و نیرمالا^۱، ۲۰۱۴، ص. ۲۳۳). مهاجران از لحظه ورود به جامعه میزبان، باید مکانی برای خود فراهم نمایند. آن‌ها باید در تدارک خانه، شغل، درآمد، مدرسه برای فرزندان و غیره بوده و به مراکز درمانی دسترسی داشته باشند. به علاوه، باید مکانی برای تعاملات اجتماعی و برقراری ارتباط با سایر افراد و گروه‌های جامعه بیابند. آن‌ها همچنین باید با نهادهای جامعه میزبان آشنا شوند. جامعه میزبان نیز باید مهاجران را به عنوان بازیگران سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بشناسد و بپذیرد. فرض بر این است که همه این موارد به صورت یک فرایند دو طرفه عمل می‌کنند که طی آن، مهاجران سازگار می‌شوند و تغییر می‌کنند، البته جامعه میزبان نیز بی‌تأثیر نخواهد ماند. در واقع، یک تعامل بین مهاجران و جامعه

1. Virupaksha, Kumar & Nirmala

پذیرای آن‌ها وجود دارد که ویژگی‌ها و واکنش‌های جامعه به تازه‌واردان، تعیین‌کننده جهت و نتایج زمانی فرایند سازگاری و ادغام است (پنینکس^۱، ۲۰۱۹، ص. ۵).

مهاجرت به معنی سازگاری با زمینه‌های جدید است که مستلزم ادغام هویت‌ها و سیستم‌های اجتماعی و فرهنگی در آن زمینه می‌باشد. مهاجرت و تماس‌های بین فرهنگی ناشی از آن می‌تواند چالش‌هایی برای هویت‌های اجتماعی و جامعه به همراه داشته باشد که این مسئله، در بهزیستی و احساس هویت بازتاب می‌یابد (سون^۲، ۲۰۰۲، ص. ۲۰۶). در بسیاری از موارد، مهاجران با محیط‌هایی مواجه می‌شوند که از نظر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای با محیط زندگی قبلی آنان دارد، به طوری که در جهت سازگاری، ناگزیر به پذیرش تغییرات زیادی در رفتار، کردار و گفتار خود می‌شوند. گاه در فرایند سازگار شدن با محیط جدید، مشکلات زیادی برای مهاجران حادث می‌شود که یکی از پیامدهای آن ایجاد استرس و فشارهای روانی است (ایمان و مرادی، ۱۳۸۸، ص. ۱۴۹). در واقع، مسائلی نظیر عدم آمادگی، مشکلات در سازگاری با محیط جدید، پیچیدگی سیستم محلی، مشکلات زبان، تفاوت‌های فرهنگی و تجربیات نامطلوب باعث تشویش خاطر مهاجران می‌گردد که بر بهزیستی و سلامت روانی جمعیت مهاجر اثر منفی می‌گذارد (ویروپاکشا، کومار و نیرمالا، ۲۰۱۴، ص. ۲۳۳). به‌ویژه در کلان‌شهرها با ملیت‌ها و قومیت‌های گوناگون، مسئله سازگاری با تغییرات قابل توجهی در رفتارهای فردی و اجتماعی مهاجران همراه است که گاهی رنج و مشقت زیادی به آنان تحمیل می‌کند. در این فرایند سازگاری، الگوهای رفتاری مهاجران دستخوش تغییراتی می‌شود که بر جنبه‌های مهمی از هویت شخصی و فرهنگی آن‌ها اثر می‌گذارد. اگرچه مهاجران خود را با برخی از معیارهای جامعه میزبان سازگاری می‌دهند، همچنان نوعی احساس معلق بودن می‌کنند، به طوری که میان پیوندهای عمیق و ناخودآگاه به فرهنگ بومی خود و نگرش جدیدی که حس می‌کنند برای تحقق اهدافشان به آن نیازمندند، سر در گم هستند (جمالی، ۱۳۸۱، ص. ۷۶).

1. Penninx

2. Sonn

اگرچه سازگاری مهاجران یک تجربه چالش برانگیز است، در عین حال برای بسیاری از افراد و گروه‌ها می‌تواند امیدی برای داشتن آینده بهتر و برخورداری از ایمنی و امنیت بیشتر باشد. فرایند سازگاری مهاجران همیشه به صورت واکنش‌های منفی نیست، بسیاری از افراد و گروه‌های مهاجر سیستم‌های اجتماعی و فرهنگی مبدأ خود را با مکان و فرهنگ جدید تطبیق می‌دهند. این فرایند سازگاری، منجر به ایجاد انسجام هویتی و حس اجتماع می‌شود که اثر مهمی بر بهزیستی روانی و اجتماعی دارد (سون، ۲۰۰۲، ص. ۲۰۵). در واقع، سازگاری با جامعه مقصد فرایندی است که به موجب آن، مهاجران با امکانات مادی و الگوهای فرهنگی، مذهبی و اجتماعی جامعه مقصد آشنا می‌شوند. آشنایی با این الگوها و امکانات جدید می‌تواند تغییرات ایده‌آلی را ایجاد کند. بنابراین، می‌توان انتظار داشت مهاجران نسبت به بهره‌مندی از امکانات و تسهیلات موجود در جامعه مقصد اشتیاق زیادی داشته باشند و همچنین به ارزش‌های این جامعه متعهدتر شوند (ویلیامز، تورنتون و یانگ-دمارکو^۱، ۲۰۱۴، ص. ۸۰۰). از یک منظر می‌توان سازگاری مهاجران را به عنوان یک فرایند ساخت اجتماع تعبیر نمود که گفتگو و یکپارچگی سیستم‌های فرهنگی و هویتی شکل گرفته در یک زمینه را با یک زمینه جدید امکان‌پذیر می‌سازد و به توسعه پیوندها با مکان جدید منجر می‌شود (سون، ۲۰۰۲، ص. ۲۰۵). مهاجران سعی می‌کنند با جامعه سکونتگاه خود در تعامل باشند و فراتر از آن، یک حس هویتی جدیدی را ایجاد کنند. شناسایی شدن با سکونتگاه جدید می‌تواند پیامدهای مثبت رفاهی، آموزشی و اقتصادی برای مهاجران داشته باشد (کاردناس و ورکویتن^۲، ۲۰۱۹، ص. ۱). در پژوهش‌های پیشین در زمینه مهاجرت، عمدتاً بر مسائل اقتصادی و فرهنگی تأکید شده است و مسائلی نظیر سازگاری روان‌شناختی و عوامل مؤثر بر آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است (طالبی و امیری مجد، ۱۳۹۸، صص. ۲۶-۲۷). از طرفی، هویت مکانی مهاجران نیز از جمله موضوعات مهمی است که در مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در حوزه مهاجرت، تا حد زیادی مغفول واقع شده است. با توجه به این که از چند دهه قبل، کلان‌شهرهای کشور، مقصد اصلی بسیاری از حرکت‌های مهاجرتی از روستاها و شهرهای کوچک بوده‌اند و سهم

1. Williams, Thornton & Young-DeMarco

2. Cárdenas & Verkuyten

جمعیت مهاجر از کل جمعیت این شهرها همواره رو به افزایش بوده است، مطالعه و تدقیق در خصوص اثرات متقابل جمعیت مهاجر و محیط فیزیکی و اجتماعی سکونتگاه مقصد ضروری می‌نماید. نظر به اهمیت موضوع و همچنین به منظور پر کردن خلأ تحقیقاتی مذکور در حوزه مهاجرت، پژوهش حاضر به بررسی ابعاد مختلف سازگاری و هویت مکانی مهاجران ساکن در کلان‌شهر اصفهان پرداخته است. شهر اصفهان با جمعیتی قریب به ۲ میلیون نفر (بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵) سومین شهر پرجمعیت کشور و یکی از مقصدهای مهم مهاجران داخلی در سطح کشور محسوب می‌شود. با توجه به سهم بالای جمعیت مهاجر در ترکیب جمعیتی این شهر، شناخت و تدقیق پیرامون نحوه و کیفیت سازگاری مهاجران و همچنین هویت مکانی آن‌ها حائز اهمیت فراوانی است که می‌تواند در اثربخشی برنامه‌ریزی‌های مکانی و اجتماعی آتی شهر مفید واقع شود.

۲. پیشینه تحقیق

تاکنون مطالعات مختلفی پیرامون سازگاری مهاجران در مقصد مهاجرت در سطوح ملی و بین‌المللی انجام شده است که هر یک با رویکرد خاص خود به تشریح موضوع پرداخته‌اند. در زمینه هویت مکانی نیز مطالعات مختلفی انجام شده است که البته تعداد معدودی از آن‌ها به بررسی هویت مکانی مهاجران پرداخته‌اند. در این میان، شمار بسیار اندکی از پژوهش‌ها به تبیین رابطه سازگاری مهاجران و هویت مکانی آن‌ها پرداخته‌اند، به طوری که بیشتر پژوهش‌های منتشرشده در این ارتباط، بر یکی از دو موضوع مذکور متمرکز شده‌اند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد.

جمالی (۱۳۸۱)، فرایند سازگاری مهاجران با محیط‌های جدید - به ویژه محیط‌های گسترده شهری که به هر دلیل به عنوان مقصدهای مهاجرتی انتخاب شده‌اند - را در مقیاس بین‌المللی و ملی بررسی نموده و مراحل مختلف مهاجرت به شهر تا تحکیم مواضع اجتماعی و اقتصادی مهاجران را تبیین کرده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد فرایند سازگاری در اغلب موارد اگر نه غیر ممکن، بسیار مشکل و پیچیده است و از فرهنگی به فرهنگ دیگر و از مکانی به مکان دیگر و به اقتضای شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مناطق فرق می‌کند.

ربانی و پالیزدان (۱۳۸۳)، در مطالعه‌ای پیرامون عوامل اجتماعی مؤثر در فرهنگ‌پذیری مهاجران شهر فیروزآباد دریافتند متغیرهای جنس، سن، میزان تحصیلات، نوع شغل، میزان درآمد و مدت زمان اقامت مهاجران در مقصد تأثیر بسزایی در فرهنگ‌پذیری آن‌ها دارد؛ درحالی‌که قومیت، محل سکونت قبلی و بُعد مسافت تأثیر معناداری بر فرهنگ‌پذیری مهاجران ندارد. حقیقتیان، غضنفری و تقوایی^۱ (۱۳۸۷)، به بررسی عوامل مؤثر بر سازگاری فرهنگی مهاجران به شهر قائمیه پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داده است سازگاری فرهنگی مهاجران در حد متوسط بوده و متغیرهای سن، تحصیلات، مدت اقامت و درآمد رابطه مثبت و معنی‌داری با سازگاری فرهنگی دارند. در حالی که فاصله محل تولد مهاجر از قائمیه دارای رابطه منفی و معنی‌دار با سازگاری فرهنگی می‌باشد. ایمان و مرادی (۱۳۸۸)، رابطه بین راهبردهای فرهنگ‌پذیری و سلامت روانی مهاجران ساکن در شهر کرمانشاه را بررسی نموده‌اند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، بین راهبردهای فرهنگ‌پذیری و فرهنگ‌پذیری در مقصد و مدت اقامت با سلامت روانی مهاجران رابطه معنی‌داری وجود دارد. ضمن آن که متغیرهای راهبردهای فرهنگ‌پذیری و فرهنگ‌پذیری در مقصد، تحصیلات، وضعیت مسکن، وضعیت تأهل و منزلت شغلی در مجموع ۶۷ درصد تغییرات سلامت روانی مهاجران را تبیین می‌کنند. طالبی و امیری مجد (۱۳۹۸)، در مطالعه‌ای پیرامون سازگاری روان‌شناختی نوجوانان مهاجر ساکن در شهر اونتاریو کانادا دریافتند که مهارت‌های مقابله‌ای و فاصله اجتماعی با میانجی‌گری سازگاری اجتماعی- فرهنگی، با سازگاری روان‌شناختی نوجوانان مهاجر رابطه مثبت دارد و مهارت مقابله‌ای مسئله‌مدار و فاصله اجتماعی، با در نظر گرفتن میزان سازگاری اجتماعی- فرهنگی مهاجران می‌تواند میزان سازگاری روان‌شناختی را در نوجوانان مهاجر پیش‌بینی کند. بدین ترتیب که نوجوانانی که از مهارت‌های مقابله‌ای بیشتری برخوردارند، سازگاری اجتماعی- فرهنگی بیشتری در کشور مقصد خواهند داشت. بخش دیگری از نتایج این مطالعه حاکی از همبستگی مثبت و معنادار سازگاری اجتماعی- فرهنگی و سازگاری روانی است. ویلیامز، تورنتون و یانگ-دمارکو (۲۰۱۴)، با مطالعه گروهی از مهاجران نپالی ساکن در خلیج فارس، به بررسی ارزش‌ها و باورهای مهاجران و چگونگی تغییر آن‌ها

1. Haghighatian, Ghazanfari & Taghavi

پرداخته‌اند. نمونه مورد مطالعه در این پژوهش بیشتر شامل افراد مادی‌گرا، خانواده‌محور با تقیدات مذهبی کمتر بوده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که از نظر سازگاری، مهاجران مذهبی‌تر می‌شوند، کمتر به ارزش‌های تاریخی نیالی متوسل می‌شوند و نگرش آن‌ها نسبت به خانواده به صورت‌های مختلف تغییر می‌کند. گوریوا، کویو و تاراروخینا^۱ (۲۰۲۰)، در یک پژوهش پیرامون مهاجران بین‌المللی مقیم در کشور روسیه، با مطالعه ۹۸ نفر از مهاجران ۱۹ تا ۴۲ ساله دریافتند که بین مهاجران با زمینه‌های قومی مختلف، تفاوت معناداری از نظر تعاملات اجتماعی در مقصد مهاجرت، فرهنگ‌پذیری، سطح اضطراب و رضایتمندی وجود دارد.

۳. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر، از نوع کاربردی و توصیفی-تحلیلی است که به مطالعه ابعاد مختلف سازگاری مهاجران در سکونتگاه مقصد شامل سازگاری روانی، سازگاری اجتماعی و سازگاری محیطی پرداخته و اثر انواع سازگاری را بر هویت مکانی مهاجران تبیین نموده است. ضمن آنکه نقش تعدیل‌گری متغیرهای جنس، سن، مدت اقامت، سطح تحصیلات و مبدأ مهاجرت مهاجران در رابطه میان ابعاد سه‌گانه سازگاری و هویت مکانی نیز بررسی گردیده است. جامعه آماری تحقیق، مهاجران هجده‌ساله و بزرگتر ساکن شهر اصفهان است که از سایر سکونتگاه‌های شهری و روستایی سراسر ایران به قصد اقامت دائم به این شهر مهاجرت نموده‌اند. با توجه به نامعلوم بودن حجم جامعه آماری، حجم نمونه آماری تحقیق بر اساس روش کوکران محاسبه گردید که با فرض میزان خطای ۰/۰۵ و مقادیر p و q برابر با ۰/۵، حجم نمونه ۳۸۴ نفر می‌باشد. به منظور اطمینان بیشتر، برای ۴۰۰ نفر پرسش‌نامه تکمیل شد که از بین آن‌ها پرسش‌نامه ۳۸۵ نفر قابل استفاده بود.

داده‌های مورد نیاز تحقیق عمدتاً از طریق پرسش‌نامه و در دی‌ماه ۱۳۹۸ گردآوری شده است. سؤالات پرسش‌نامه در دو بخش تنظیم گردید؛ بخش اول سؤالاتی در خصوص ویژگی‌های عمومی پاسخ‌گویان شامل سن، جنس، بُعد خانوار، سطح تحصیلات، مدت زمان اقامت

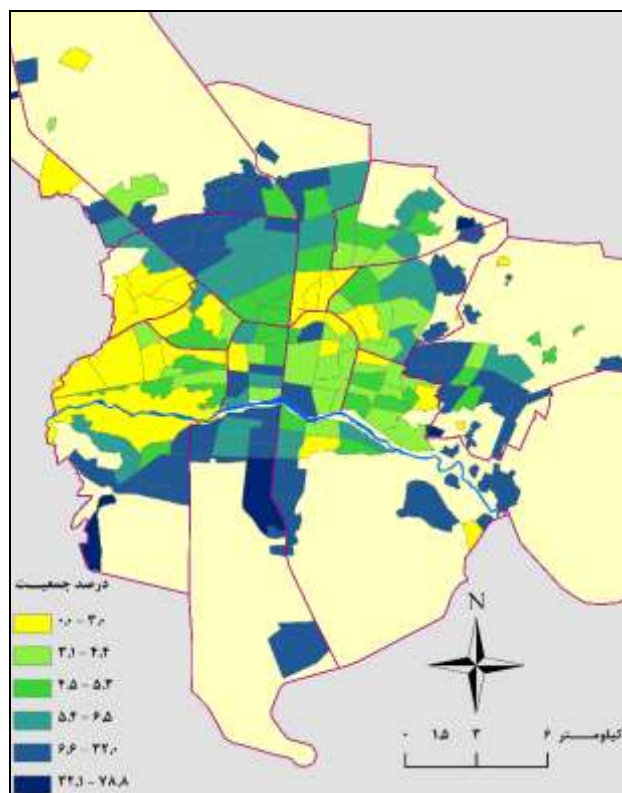
1. Gurieva, Kõiv & Tararukhina

در شهر اصفهان و سکونتگاه مبدأ مهاجرت می‌باشد. بخش دوم پرسش‌نامه شامل مجموعه‌ای از سؤالات در خصوص سازگاری روانی، اجتماعی و محیطی مهاجران در مقصد مهاجرت (شهر اصفهان) و هویت مکانی آن‌ها می‌باشد. کلیه سؤالات به صورت پنج‌گزینه‌ای در قالب طیف لیکرت - طیفی از گزینه‌های کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم - تنظیم شده است. تعداد پانزده سؤال به بررسی سازگاری مهاجران در ابعاد روانی، اجتماعی و محیطی به شرح زیر اختصاص داده شد. سازگاری روانی شامل پنج متغیر: احساس خوب از زندگی در این شهر، احساس آرامش خاطر، افزایش اعتماد به نفس، احساس انزوا و تنهایی (متغیر معکوس)، احساس مورد احترام بودن؛ سازگاری اجتماعی شامل پنج متغیر: سازگاری با مردم شهر، احساس راحتی و صمیمیت با مردم شهر، برقراری ارتباطات خوب اجتماعی، حفظ باورها و ارزش‌های فرهنگی خود بدون بروز تنش‌های اجتماعی، سازگاری و همزیستی مسالمت‌آمیز افراد با قومیت‌ها و فرهنگ‌های متفاوت؛ سازگاری محیطی شامل پنج متغیر: سازگاری با زندگی در محله مسکونی جدید، سازگار بودن فضاهای شهری با روحیات فرد، سازگاری با زندگی در این کلان‌شهر، سازگار شدن با انجام و کار و فعالیت در این شهر، تمایل به مشارکت برای ارتقاء کیفیت محیط می‌شود. چهار سؤال نیز به بررسی هویت مکانی مهاجران اختصاص داده شد که عبارتند از: هویت خود را وابسته به این شهر دانستن، احساس ریشه داشتن در این شهر، خود را اهل اصفهان دانستن و شهر اصفهان را بخشی از وجود خود دانستن. پس از حصول اطمینان از روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه و تأیید پایایی آن، اقدام به تکمیل پرسش‌نامه به تعداد مورد نیاز شد. قابل ذکر است ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۰۸ و قابل قبول می‌باشد.

تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری مختلف و بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۵ صورت گرفته است. بدین ترتیب که با استفاده از آمار توصیفی و آزمون تی تک‌نمونه‌ای^۱، مشخصات عمومی پاسخ‌گویان و وضعیت کلی متغیرهای مورد مطالعه تبیین گردید. به منظور بررسی اثر سازگاری روانی، محیطی و اجتماعی مهاجران بر هویت مکانی از روش تحلیل رگرسیون استفاده شد. در نهایت، نقش تعدیل‌گری متغیرهای جنس، سن، مدت اقامت، سطح

1. One-sample T-test

تحصیلات و مبدأ مکانی مهاجران در رابطه میان سازگاری و هویت مکانی، با بهره‌گیری از افزونه Process نسخه 3.5 ارائه شده توسط هایس^۱ مورد بررسی قرار گرفت. شایان ذکر است چولگی و کشیدگی متغیرهای مورد مطالعه در بازه (۲ و -۲) قرار دارد. حوزه‌های جغرافیایی عمده سکونت مهاجران در شهر اصفهان در شکل ۱ نمایش داده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، سهم مهاجران در ترکیب جمعیت مناطق شرقی، شمال‌غربی و جنوب غربی شهر بیش از سایر مناطق می‌باشد.



شکل ۱- توزیع جغرافیایی جمعیت مهاجر در شهر اصفهان

مأخذ: شهرداری اصفهان، ۱۳۹۴

1. Hayes

۴. مبانی نظری تحقیق

۴.۱. مهاجرت

مهاجرت، یکی از واکنش‌های بالقوه افراد و خانوارها در رابطه با محیط‌های حساس و آسیب‌پذیر و یا در مواقع تغییر شرایط محیطی است (مک‌لمن و هانتز^۱، ۲۰۱۰، ص. ۴۵۱). مدل‌های جاذبه و دافعه مهاجرت نشان می‌دهند که افراد از مناطق در حال رکود اقتصادی و شرایط نامناسب گذران زندگی و معیشت، دفع شده و جذب مناطق مرفه می‌شوند (رستمعلی-زاده، ۱۳۹۶، ص. ۱۵۰) به طور سنتی، مهاجران از مناطق روستایی به مناطق شهری مهاجرت می‌کنند و در این فرایند مجبور می‌شوند با شرایط زندگی شهری سازگار شوند (گلدلاست و ریچموند^۲، ۱۹۷۴، ص. ۱۹۹). مهاجرت به عنوان یکی از عوامل مهم در توزیع مجدد جمعیت، نقش مهمی در شهرنشینی شتابان جمعیت جهان، تعادل بین جمعیت و منابع و فشار جمعیت بر محیط طبیعی ایفا می‌کند (فاوست^۳، ۱۹۸۵، ص. ۵). در واقع، فرایند مهاجرت، انواع مختلف مکان‌ها در مقیاس‌های مختلف جغرافیایی را تحت شرایط خاص اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تلفیق می‌کند (کیان، ژو و لیو^۴، ۲۰۱۱، ص. ۱۷۲). می‌توان گفت مهاجرت یک پدیده اجتماعی و جزئی از جامعه است. مهاجرت همچنین به عنوان فرایند سازگاری افراد با محیط جدید تلقی می‌شود که شامل تصمیم‌گیری، آماده‌سازی، طی کردن مراحل، جابجایی فیزیکی به یک منطقه جغرافیایی دیگر، سازگاری با فرهنگ محلی و پیوستن به سیستم محلی است. طی کردن این فرایند، اثرات مشخصی بر کل زندگی افراد دارد (ویروپاکشا، کومار و نیرمالا، ۲۰۱۴، ص. ۲۳۳).

به نظر می‌رسد تطابق و سازگاری با محیط‌های جدید شهری به‌ویژه در شهرهای بزرگ، در فرایندهای بسیار طولانی و در نسل‌های متعدد بعدی مهاجران امکان‌پذیر خواهد بود و آنچه در کوتاه مدت حاصل می‌شود، رعایت برخی از اصول و قوانین محلی است که برای مهاجر در آغاز زندگی در محیط جدید الزامی می‌نماید. در واقع، تغییرات اساسی در فرهنگ و آداب

-
1. McLeman & Hunter
 2. Goldlust & Richmond
 3. Fawcett
 4. Qian, Zhu & Liu

و رسوم و باورهای مهاجر و وابستگی کامل به فرهنگ و پذیرش قطعی عناصر اجتماعی و فرهنگی جامعه مهاجرپذیر امری غیر ممکن به نظر می‌رسد. مهاجران ضمن آنکه ویژگی‌های فرهنگی خود را محافظت می‌کنند، پاره‌ای از آداب و رسوم مقصد مهاجرت به ویژه بخشی را که برای تثبیت وضع زندگی در محیط‌های جدید لازم است، کسب می‌نمایند و به تناسب شدت وابستگی به مبدأ مهاجرت، ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی و اعتقادی خود را به نسل‌های بعدی منتقل می‌کنند (جمالی، ۱۳۸۱، صص. ۷۸-۷۹). با این وجود، برخی ویژگی‌ها و شرایط مهاجران در دوران قبل از مهاجرت، در سازگاری بعدی مهاجران در محیط جدید تأثیر می‌گذارد. یکی از مهم‌ترین این ویژگی‌ها در جوامع پیشرفته صنعتی، سطح تحصیلات و آموزش فنی مهاجران است. این مهارت‌ها غالباً در دوران قبل از مهاجرت آموخته شده‌اند، ولیکن در برخی موارد، مانند فرزندان خانوارهای مهاجر، ممکن است بعد از مهاجرت نیز کسب شوند. به نظر می‌رسد سایر عوامل جمعیت‌شناختی مانند جنس، سن، سن در زمان مهاجرت، وضعیت تأهل و بعد خانوار نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در تجربه دوران پس از مهاجرت داشته باشند (گلدلاست و ریچموند، ۱۹۷۴، ص. ۱۹۹).

بیشتر مطالعات مهاجرت با رویکرد کلان اقتصادی یا اجتماعی - جمعیت‌شناختی انجام شده است که به مهاجرت به عنوان یک پدیده کلی نگریسته‌اند. یک دیدگاه مکمل نیز در روان‌شناسی مهاجرت اتخاذ شده که تمرکز مفهومی آن در سطح خرد است. روان‌شناسی مهاجرت، مطالعه رفتارهای جمعیت در ارتباط با تحرک فضایی است. مطالعات در این زمینه اغلب به ارتباطات ذهنی رفتارهای مهاجرتی مانند نگرش‌ها، ارزش‌ها، ادراکات و اهداف مهاجرت پرداخته‌اند (فاوست، ۱۹۸۵، ص. ۵). در ادبیات روان‌شناسی اجتماعی، مدل‌های مختلفی از سازگاری با شرایط محیط جدید اجتماعی-فرهنگی مطرح می‌شود که به بررسی موضوعات مختلف پیرامون ویژگی‌های روانی و اجتماعی مهاجران مانند سازگاری روانی مهاجران و هویت قومی آن‌ها می‌پردازد (گوریوا، کویو و تاراروخینا، ۲۰۲۰، ص. ۱). دامنه روان‌شناسی مهاجرت را می‌توان با طرح دو سؤال تعریف نمود: چه عواملی در مهاجرت‌های اختیاری افراد مؤثرند؟ و عوامل محیطی مرتبط با تغییر مکان چه پیامدهایی برای افراد به همراه دارند؟ سؤال نخست به ساختارهای انگیزشی و الگوهای تصمیم‌گیری در روان‌شناسی مهاجرت می‌پردازد و

سؤال دوم به مدل‌های تطبیق، فرهنگ‌پذیری و سازگاری مربوط می‌شود که موضوعاتی از قبیل استرس محیطی، سلامت ذهنی و روانی را مطرح می‌کند (فاوست، ۱۹۸۵، ص. ۵).

۴.۲. سازگاری مهاجران

در تحقیقات و مطالعات مهاجرت، از مفاهیم مختلفی برای بیان فرایندهای مرتبط با پیامدهای مهاجرت استفاده کرده‌اند، مفاهیمی نظیر جذب^۱، تطبیق^۲، مدارا^۳، و سازگاری^۴ (هامبرگر^۵، ۲۰۰۹، ص. ۲). در این میان، نخستین تلاش منسجم برای تبیین فرایند سازگاری مهاجران توسط اندیشمندان مکتب شیکاگو صورت گرفته است که نتیجه آن، تبیین و تشریح فرایند سازگاری مهاجران در سه مرحله به شرح زیر بوده است: (۱) مرحله رقابت و تضاد: پس از اسکان مهاجران در محیط جدید، بین مهاجران و ساکنان بومی بر سر شغل، درآمد و سایر امکانات زندگی رقابت ایجاد می‌شود؛ زیرا ساکنان بومی، مهاجران را به مثابه عامل تهدید و رقیب خود تلقی می‌نمایند. (۲) مرحله همراهی یا توافق: در این مرحله افراد مهاجر برای غلبه بر مشکلاتشان، برخی هنجارها و رفتارهای خود را تغییر می‌دهند و سعی می‌کنند رفتارشان با رفتار افراد بومی هم‌خوانی بیشتری داشته باشد؛ جامعه میزبان نیز تا حد زیادی ترس و واهمه خود نسبت به افراد مهاجر را از دست می‌دهد. (۳) مرحله هم‌رنگی یا همانندی: زمانی است که افراد مهاجر با پذیرش راه و رسم و ارزش‌های فرهنگ جامعه میزبان، خود را شبیه اعضای بومی آن جامعه می‌کنند و در واقع در آن حل می‌شوند (حقیقتیان، غضنفری و تقوایی، ۱۳۸۷، ص. ۶۷).

پنداشته شدن و پذیرفته شدن فرد به عنوان عضوی از یک گروه بستگی به میزان مطابقت وی با هنجارهای گروه مربوطه دارد. بنابراین، افراد در جستجوی عواملی هستند که مطابقت آن‌ها را با هنجارهای گروه تأیید کند (کاردناس و ورکویتن، ۲۰۱۹، صص. ۳-۲). تحلیل‌های محققان در مورد ادغام اجتماعی و اقتصادی مهاجران، بسته به دیدگاه‌های آن‌ها در مورد

1. Absorption
2. Accommodation
3. Toleration
4. Adaptation
5. Hamberger

ماهیت ادغام، میزان ادغام و جامعه‌ای که مهاجران در آن ادغام می‌شوند، متفاوت است. دیدگاه‌های فرهنگ‌گرایانه بر جذب و ادغام نسبی مهاجران در جریان اصلی فرهنگی و زبانی تأکید می‌کنند و دیدگاه‌های ساختارگرایانه بر جایگاه تازه‌واردان در سلسله مراتب اجتماعی-اقتصادی جامعه میزبان تأکید دارند و بر موضوعاتی نظیر پیشرفت شغلی، آموزش، فقر و غیره متمرکز می‌شوند. این دو نوع رایج ادغام، الزاماً پیامدهای یکسانی ندارند. به عنوان مثال، فردی که کاملاً در جریان اصلی فرهنگی و زبانی جامعه ادغام شده است، باز هم ممکن است نتایج ضعیفی را در بازار کار و تحصیلات تجربه کند. در مقابل، ممکن است فردی به لحاظ فرهنگی با جامعه هماهنگ نباشد، اما از نظر اقتصادی و شغلی عملکرد خوبی داشته باشد (پورتس و ریواس^۱، ۲۰۱۱، صص. ۲۲۲-۲۲۱). نظریات کارکردگرایی نیز بر تعادل اجتماعی، سازگاری و همانندی افراد مهاجر تأکید دارند و بیان می‌کنند که با گذشت زمان به تدریج فرایند سازگاری و تطابق با فرهنگ میزبان نمود می‌یابد (ربانی و پالیزدان، ۱۳۸۳، ص. ۶۴). در واقع، رفتارهای مهاجران با گذشت زمان در یک مقصد تغییر می‌کند و هر چقدر مدت زمان اقامت مهاجران در یک مقصد بیشتر باشد، آن‌ها با شرایط محیط جدید، بیشتر سازگار می‌شوند (ویلیامز، تورنتون و یانگ-دمارکو، ۲۰۱۴، ص. ۸۰۰).

در فرایند سازگاری، سن افراد مهاجر متغیر مهمی محسوب می‌شود؛ زیرا افرادی که در سنین جوانی مهاجرت می‌نمایند، به دلیل اینکه در انتخاب نقش‌های اجتماعی خویش آزادی بیشتری دارند و از نظر شخصیتی انعطاف‌پذیرترند و از طرفی به دلیل این که عمر باقی‌مانده طولانی‌تری در پیش دارند، سرمایه‌گذاری در آموزش مهارت‌های جدید برای آن‌ها سودمند می‌باشد و از این رو، انگیزه بیشتری برای سازگاری با محیط جدید دارند. سطح تحصیلات افراد عامل مهم دیگری در فرایند سازگاری مهاجران است. بدین ترتیب که افرادی که تحصیلات بیشتری دارند، از یک طرف به دلیل این که در کسب فرصت‌های شغلی از امکانات و اختیار بیشتری برخوردارند و از طرف دیگر، به دلیل اینکه در فرایند کسب تحصیلات، ارزش‌های عام یک جامعه را بیشتر درونی می‌کنند و در تحلیل مسائل و حل مشکلات،

توانمند می‌شوند، توانایی بالاتری در سازگاری با محیط‌های گوناگون دارند (حقیقتیان، غضنفری و تقوایی، ۱۳۸۷، صص. ۶۸-۶۷).

بری^۱ معتقد است افراد و گروه‌ها در جامعه جدید بر اساس دو کیفیت متمایز به سازگاری می‌رسند: (۱) سازگاری روان‌شناختی (رفاه فردی)؛ (۲) سازگاری اجتماعی- فرهنگی یا قابلیت اجتماعی. سازگاری روان‌شناختی به موضوعاتی مانند عزت نفس، رضایت از زندگی و نبود مشکلات روان‌شناختی نظیر نبود غم یا نگرانی‌های مکرر مربوط می‌شود (برومندزاده و نویخت، ۱۳۹۳، صص. ۷۷-۷۹). در واقع، سازگاری روان‌شناختی فرایند پیچیده‌ای است که هدف آن کنار آمدن با تغییرات گسترده در محیط جدید است. سازگاری اجتماعی- فرهنگی نیز در ارتباط با مهارت‌های اجتماعی و یادگیری فرهنگی مطرح می‌شود و بر مهارت‌هایی تمرکز می‌کند که برای مواجهه با موقعیت‌های اجتماعی روزمره در یک فرهنگ جدید مورد نیاز است. به نظر برخی محققان، سازگاری اجتماعی- فرهنگی مقدم بر سازگاری روان‌شناختی است (طالبی و امیری مجد، ۱۳۹۸، صص. ۳۷-۲۳).

۴.۳. هویت مکانی

هویت مکان، به‌عنوان مؤلفه‌ای از هویت شخصی تعریف شده است، فرایندی که از طریق آن و به واسطه تعامل با مکان‌ها، افراد خودشان را از نظر تعلق به یک مکان خاص توصیف می‌کنند (هرناندز، هیدالگو، سالازار-لاپلاس و هس^۲، ۲۰۰۷، ص. ۳۱۰). به عبارت دیگر، هویت مکانی، آن ابعادی از وجود است که هویت شخصی فرد را در ارتباط با محیط فیزیکی به وسیله الگوی پیچیده‌ای از آرمان‌ها، اعتقادات، ترجیحات، احساسات، ارزش‌ها، اهداف، و تمایلات و مهارت‌های رفتاری مرتبط با این محیط تعریف می‌کند (پروشانسکی^۳، ۱۹۷۸، ص. ۱۵۵). برخی محققان مانند پروشانسکی، فابیان و کامیناف^۴ (۱۹۸۳) نظریه هویت را در حوزه روان‌شناسی محیطی گسترش داده‌اند و هویت مکانی را به‌عنوان اجتماعی شدن دنیای فیزیکی افراد مطرح نموده و این طور توضیح داده‌اند که هویت تنها به تمایز قائل شدن بین خود و

1. Berry

2. Hernández, Hidalgo, Salazar-Laplace & Hess

3. Proshansky

4. Proshansky, Fabian & Kaminoff

سایر افراد محدود نمی شود، بلکه نه با اهمیت کمتر، به اشیا و پدیده ها، و بسیاری از مکان ها و فضاها نیز گسترش می یابد (ص ۵۷). در واقع، هویت مکان به اجتماعی شدن افراد در ارتباط با فضاهای فیزیکی مربوط می شود. هویت های فردی بر اساس ویژگی های مکان تعریف می شوند؛ زیرا مکان ها باعث ایجاد تمایز، تداوم، عزت نفس و خودکارآمدی می شوند. هویت مکان بر وجود یک حس دلالت دارد که باعث می شود «مکان» به صورت بخشی از «هویت من» یا به صورت انتزاعی تر، بخشی از «من» پنداشته شود (کیان، ژو و لیو، ۲۰۱۱، ص. ۱۷۱).

هویت مکانی مفهومی است که به روابط مردم و مکان ها اشاره دارد. واژه «هویت» به دو موضوع اشاره دارد: همانندی (پیوستگی) و تمایز (منحصر به فرد بودن)؛ بنابراین، عبارت «هویت مکانی» هر دو جنبه را در بر می گیرد. در واقع، هنگامی که مفهوم هویت در ارتباط با مکان به کار می رود، روی هم رفته ممکن است دو معنی متفاوت را القا کند. در یک معنی، هویت معطوف به مکان است و به معنای مجموعه ای از ویژگی های مکان است که بر تمایز و پیوستگی مکان دلالت دارند. خصلت منحصر به فرد بودن یک مکان نیز به هویت مکان اشاره دارد. هویت مکانی در رویکرد روان شناسان، به عنوان یک ویژگی شخص پنداشته می شود، نه مکان (لویکا^۱، ۲۰۰۸، ص. ۲۱۱). به طور خلاصه، منظور از هویت مکانی شیوه ای است که یک مکان، هویت شخص یا مردم را آشکار می کند (شمس الدین و اوجانگ^۲، ۲۰۰۸، ص. ۴۰۰). در واقع، هویت مکانی، به آن ابعادی از وجود فرد - مانند مجموعه ای از احساسات درباره محیط فیزیکی و ارتباطات نمادین با مکان - اشاره دارد که مشخص می کنند ما چه کسی هستیم (ریموند، براون و وبر^۳، ۲۰۱۰، ص. ۴۲۳). هویت مکان از طریق یک آشنایی عمیق با محیط، یک ادراک جسمانی، احساساتی و خودآگاهی درونی و اجتماعی ایجاد می شود که عمدتاً ناشی از عادت افراد به محیط فیزیکی پیرامون آن هاست (چاو و هیلی^۴، ۲۰۰۸، ص. ۳۶۳). هویت مهاجران توسط شرایط سیاسی و اقتصادی خاصی شکل می گیرد که تحت آن اعتقادات و رفتارهای خاص به عنوان نشانگرهای مرزی عمل می کنند. هنگامی که مرزها

1. Lewicka

2. Shamsuddin & Ujang

3. Raymond, Brown & Weber

4. Chow & Healey

گسترش می‌یابند و نشانگرها تغییر می‌کنند، آن‌ها باید هویت خود را بازسازی کرده و جای خود را در جامعه بزرگتر باز یابند (لیو^۱، ۲۰۱۵، ص. ۲۸).

۵. یافته‌های تحقیق

نمونه مورد مطالعه شامل ۱۸۶ نفر زن (۴۸/۳ درصد) و ۱۹۹ نفر مرد (۵۱/۷ درصد) با میانگین سنی ۳۶ سال می‌باشد. حداقل و حداکثر سن پاسخ‌گویان به ترتیب ۱۸ و ۶۴ سال بوده است. کمترین مدت اقامت پاسخ‌گویان در شهر اصفهان یک سال، بیشترین مدت اقامت ۳۷ سال و میانگین مدت اقامت نیز حدود ۹ سال بوده است. بررسی ترکیب پاسخ‌گویان از نظر مبدأ مهاجرت نشان داد که ۳۷/۹ درصد افراد از سایر سکونتگاه‌های داخل استان اصفهان به شهر اصفهان مهاجرت نموده‌اند؛ مبدأ مهاجرت ۳۰/۱ درصد افراد استان‌های هم‌جوار استان اصفهان بوده و مابقی (۳۱/۹ درصد) نیز از سایر استان‌های کشور به این شهر مهاجرت نموده‌اند. بیش از ۷۰ درصد پاسخ‌گویان متأهل بوده‌اند. میانگین بعد خانوار مهاجران ۳/۹ می‌باشد. سطح تحصیلات ۷۶ درصد از پاسخ‌گویان، دیپلم و پایین‌تر بوده و حدود ۲۴ درصد تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند.

میانگین متغیرهای سه‌گانه سازگاری مهاجران شامل سازگاری روانی، اجتماعی و محیطی به ترتیب برابر با ۳/۷۳، ۳/۸۸ و ۳/۹۱ می‌باشد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت در نمونه مورد مطالعه، میزان سازگاری محیطی مهاجران از سازگاری اجتماعی و روانی آن‌ها بیشتر بوده است، هرچند که تفاوت قابل ملاحظه‌ای در مقادیر مذکور وجود ندارد. بیشترین انحراف معیار متغیرها مربوط به سازگاری محیطی با مقدار ۰/۷۳ می‌باشد. انحراف معیار متغیرهای سازگاری روانی و اجتماعی نیز به ترتیب ۰/۶۹ و ۰/۶۷ بوده است. متغیر هویت مکانی نیز دارای مقدار میانگین ۳/۱۷ و انحراف معیار ۰/۹۰ می‌باشد. نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای در سطح اطمینان ۹۵ درصد حاکی از تفاوت معنادار مقادیر میانگین متغیرهای سه‌گانه سازگاری و همچنین هویت مکانی با مقدار متوسط می‌باشد ($p\text{-value} < 0.001$)؛ به عبارتی، این طور استنباط

1. Liu

می گردد که در جامعه آماری، میزان سازگاری و هویت مکانی مهاجران از حد متوسط بالاتر است.

۵.۱. اثر سازگاری روانی، محیطی و اجتماعی مهاجران بر هویت مکانی

نتایج بهره گیری از روش تحلیل رگرسیون چندگانه هویت مکانی (متغیر وابسته) و متغیرهای سه گانه سازگاری مهاجران شامل سازگاری روانی، اجتماعی و محیطی (متغیرهای مستقل) نشان داد که بر اساس ضریب رگرسیونی محاسبه شده ($R=0.720$)، سازگاری مهاجران در ابعاد ذکر شده قابلیت تبیین و پیش بینی هویت مکانی را دارا می باشد. ضریب تعیین مربوطه نیز حاکی از آن است که $51/8$ درصد واریانس هویت مکانی توسط واریانس سازگاری روانی، محیطی و اجتماعی تبیین می شود ($R^2=0.518$). قابل ذکر است ضریب تعیین تعدیل شده برابر با $0/514$ و خطای استاندارد برآورد برابر با $0/630$ می باشد (جدول ۱).

جدول ۱- خلاصه مدل رگرسیون سازگاری و هویت مکانی مهاجران

مأخذ: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۹

مدل	ضریب رگرسیون	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
۱	۰/۷۲۰	۰/۵۱۸	۰/۵۱۴	۰/۶۳۰

بررسی معناداری آزمون در سطح اطمینان ۹۵ درصد نیز نشان می دهد که اثر ابعاد سه گانه سازگاری مهاجران بر هویت مکانی معنادار است ($p\text{-value} < 0.001$). ضرایب اثر متغیرهای سازگاری بر هویت مکانی در جدول ۲ ارائه شده است. بررسی ضرایب استاندارد متغیرها نشان می دهد که در نمونه آماری، سازگاری روانی با ضریب بتای استاندارد $0/413$ بیشترین تأثیر را بر هویت مکانی مهاجران دارد و اثر متغیرهای سازگاری اجتماعی و محیطی تقریباً برابر است. با توجه به این که سطح معناداری آزمون در سطح اطمینان ۹۵ درصد، برای ضریب اثر هر یک از متغیرهای مستقل کمتر از $0/05$ می باشد، نتایج به دست آمده معنادار تلقی می گردد. بنابراین، می توان گفت سازگاری مهاجران در هر یک از ابعاد روانی، اجتماعی و محیطی اثر مثبت و معناداری بر هویت مکانی آنها دارد.

جدول ۲- ضرایب اثر متغیرهای سازگاری بر هویت مکانی در تحلیل رگرسیون

مأخذ: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۹

مدل	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	t	سطح معناداری	فاصل اطمینان ضرایب بتای استاندارد	
	B	Std. Error	Beta			کران بالا	کران پایین
۱	-۰/۶۸۱	۰/۱۹۸		-۳/۴۴۷	۰/۰۰۱	-۰/۰۷۰	۰/۰۷۰
	۰/۵۴۳	۰/۰۸۴	۰/۴۱۳	۶/۴۸۳	<۰/۰۰۱	۰/۲۸۸	۰/۵۳۹
	۰/۲۴۴	۰/۰۷۶	۰/۱۸۲	۳/۲۰۶	۰/۰۰۱	۰/۰۷۰	۰/۲۹۳
	۰/۲۲۴	۰/۰۸۳	۰/۱۸۲	۲/۷۰۱	۰/۰۰۷	۰/۰۴۹	۰/۳۱۴

پس از مشخص نمودن وضعیت معناداری اثر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته و به منظور بررسی تفاوت معنادار ضرایب اثر متغیرهای سازگاری بر هویت مکانی، فاصله اطمینان ضرایب بتای استاندارد هر یک از متغیرها بدین شرح محاسبه گردید: سازگاری روانی [0.288]، سازگاری اجتماعی [0.293, 0.070]، سازگاری محیطی [0.314, 0.049]. با توجه به هم‌پوشانی ضرایب مذکور، تفاوت شدت اثر متغیرهای سازگاری روانی، اجتماعی و محیطی مهاجران بر هویت مکانی آن‌ها به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. به هر حال صرف نظر از مسئله تفاوت شدت اثر متغیرها، نتایج تحلیل رگرسیون انجام‌شده در خصوص اثر مثبت و معنادار سازگاری مهاجران بر هویت مکانی حائز اهمیت است.

۲.۵. بررسی نقش تعدیل‌گری متغیر جنس در رابطه میان سازگاری و هویت مکانی مهاجران

نتایج بررسی نقش تعدیل‌گری جنس پاسخ‌گویان در رابطه میان سازگاری مهاجران و هویت مکانی آن‌ها در جدول ۳ ارائه شده است. ضریب رگرسیون اثر ترکیبی متغیرهای سازگاری روانی، جنس، و تعامل جنس و سازگاری روانی برابر با ۰/۶۹۷ و ضریب تعیین مربوطه ۰/۴۸۶ می‌باشد. با توجه به P-value به دست آمده که کوچکتر از ۰/۰۰۱ می‌باشد، اثر ترکیبی سه متغیر مذکور در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار تلقی می‌گردد. ضریب رگرسیون اثر ترکیبی متغیرهای سازگاری اجتماعی، جنس و تعامل جنس و سازگاری اجتماعی ۰/۶۲۴ و ضریب تعیین مربوطه ۰/۳۸۹ می‌باشد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، معنادار است (P-value).

0.001 <). اثر ترکیبی متغیرهای سازگاری محیطی، جنس و تعامل جنس و سازگاری محیطی نیز نتایج مشابهی را نشان می دهد؛ بدین ترتیب که ضریب رگرسیون محاسبه شده برابر با ۰/۶۵۸ و ضریب تعیین ۰/۴۳۳ می باشد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، معنادار است (P-value < 0.001).

جدول ۳- اثر ترکیبی متغیر جنس و ابعاد مختلف سازگاری بر هویت مکانی

مأخذ: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۹

پارامتر	R	R-sq	MSE	F	df1	df2	p
اثر ترکیبی P و G و PG	۰/۶۹۷	۰/۴۸۶	۰/۴۲۳	۱۲۰/۲۰۱	۳	۳۸۱	<۰/۰۰۱
اثر ترکیبی S و G و SG	۰/۶۲۴	۰/۳۸۹	۰/۵۰۴	۸۰/۸۱۷	۳	۳۸۱	<۰/۰۰۱
اثر ترکیبی E و G و EG	۰/۶۵۸	۰/۴۳۳	۰/۴۶۸	۹۶/۸۲۳	۳	۳۸۱	<۰/۰۰۱
P: سازگاری روانی؛ S: سازگاری اجتماعی؛ E: سازگاری محیطی؛ G: جنس؛ PG: تعامل جنس و سازگاری روانی؛ SG: تعامل جنس و سازگاری اجتماعی؛ EG: تعامل جنس و سازگاری محیطی							

با وجود آنکه معنادار بودن اثر ترکیبی متغیرهای سازگاری (در ابعاد سه گانه)، جنس، و تعامل جنس و ابعاد مختلف سازگاری تأیید گردید، ولیکن اثر متغیر تعاملی جنس و ابعاد سه گانه سازگاری معنادار نمی باشد. ضریب اثر متغیر تعاملی جنس و سازگاری روانی برابر با ۰/۰۱۳- است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نمی باشد (P-value=0.890). ضریب اثر متغیر تعاملی جنس و سازگاری اجتماعی برابر با ۰/۲۰۰ می باشد؛ با توجه به اینکه P-value مربوطه برابر با ۰/۰۶۴ و بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد، اثر مذکور معنادار تلقی نمی گردد. ضریب اثر متغیر تعاملی جنس و سازگاری محیطی نیز برابر با ۰/۰۶۳ محاسبه گردید که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نمی باشد (P-value=0.508). معنادار نبودن اثر متغیرهای تعاملی «جنس و سازگاری روانی»، «جنس و سازگاری اجتماعی» و «جنس و سازگاری محیطی» به معنای رد تعدیل گر بودن متغیر جنس در رابطه میان ابعاد مختلف سازگاری مهاجران و هویت مکانی آنهاست.

۳.۵. بررسی نقش تعدیل‌گری متغیر سن در رابطه میان سازگاری و هویت مکانی مهاجران

سن پاسخ‌گویان به عنوان یکی دیگر از متغیرهایی که احتمال داده می‌شد در رابطه میان سازگاری و هویت مکانی مهاجران به عنوان متغیر تعدیل‌گر عمل کند، مورد مطالعه قرار گرفت. در این راستا، نقش تعدیل‌گری سن برای هر یک از ابعاد سازگاری به طور جداگانه بررسی شد که نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است. اثر ترکیبی متغیرهای سازگاری روانی، سن، و تعامل سن و سازگاری روانی دارای ضریب رگرسیون $0/699$ و ضریب تعیین $0/488$ در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است ($P\text{-value} < 0.001$). اثر ترکیبی متغیرهای سازگاری اجتماعی، سن، و تعامل سن و سازگاری اجتماعی نیز با توجه به ضریب رگرسیون $0/631$ ، ضریب تعیین $0/398$ به لحاظ آماری معنادار تلقی می‌گردد ($P\text{-value} < 0.001$). به طور مشابه، اثر ترکیبی متغیرهای سازگاری محیطی، سن و تعامل سن و سازگاری محیطی نیز معنادار می‌باشد (ضریب رگرسیون $0/669$ ، ضریب تعیین $0/448$ و سطح معنی‌داری $< 0/001$).

جدول ۴- اثر ترکیبی متغیر سن و ابعاد مختلف سازگاری بر هویت مکانی

مأخذ: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۹

پارامتر	R	R-sq	MSE	F	df1	df2	p
اثر ترکیبی P و A و PA	$0/699$	$0/488$	$0/422$	$121/227$	۳	۳۸۱	$< 0/001$
اثر ترکیبی S و A و SA	$0/631$	$0/398$	$0/496$	$83/959$	۳	۳۸۱	$< 0/001$
اثر ترکیبی E و A و EA	$0/669$	$0/448$	$0/455$	$102/932$	۳	۳۸۱	$< 0/001$
P: سازگاری روانی؛ S: سازگاری اجتماعی؛ E: سازگاری محیطی؛ A: سن؛ PA: تعامل سن و سازگاری روانی؛ SA: تعامل سن و سازگاری اجتماعی؛ EA: تعامل سن و سازگاری محیطی							

هر چند نتایج حاکی از معنادار بودن اثر ترکیبی متغیرهای سازگاری (روانی، اجتماعی و محیطی)، سن، و تعامل سن و سازگاری می‌باشد، به منظور آزمون نقش تعدیل‌گری متغیر سن در رابطه میان سازگاری و هویت مکانی مهاجران، معناداری اثر متغیر تعاملی سن و ابعاد سازگاری بررسی شد. ضریب اثر متغیر تعاملی سن و سازگاری روانی $0/002$ با سطح معنی‌داری $0/691$ حاکی از عدم تأیید نقش تعدیل‌گری سن در رابطه میان سازگاری روانی و هویت مکانی است. ضریب اثر متغیر تعاملی سن و سازگاری اجتماعی نزدیک به صفر می‌-

پس از بررسی معناداری اثر ترکیبی ابعاد مختلف سازگاری و تحصیلات پاسخ‌گویان بر هویت مکانی، به منظور آزمون نقش تعدیل‌گری متغیر تحصیلات در رابطه میان سازگاری و هویت مکانی مهاجران، معناداری اثر متغیر تعاملی تحصیلات و ابعاد سازگاری بررسی شد. ضریب اثر هر سه متغیر تعاملی «تحصیلات و سازگاری روانی»، «تحصیلات و سازگاری اجتماعی» و «تحصیلات و سازگاری محیطی» حدود $0/002$ می‌باشد که در بین آن‌ها تنها اثر متغیر تعاملی تحصیلات و سازگاری محیطی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار می‌باشد. بنابراین، بر اساس یافته‌های به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت متغیر تحصیلات در رابطه بین سازگاری محیطی و هویت مکانی مهاجران به عنوان تعدیل‌گر نقش ایفا می‌کند، در حالی که نقش تعدیل‌گری آن در رابطه میان سازگاری روانی و هویت مکانی، و همچنین در رابطه بین سازگاری اجتماعی و هویت مکانی تأیید نمی‌شود.

۵.۵. بررسی نقش تعدیل‌گری متغیر مدت اقامت در رابطه میان سازگاری و هویت مکانی مهاجران

نقش تعدیل‌گری متغیر مدت اقامت مهاجران در سکونتگاه مقصد در رابطه میان ابعاد مختلف سازگاری و هویت مکانی مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس نتایج به دست آمده (جدول ۶)، اثر ترکیبی مجموعه متغیرهای سازگاری روانی، مدت اقامت، و تعامل مدت اقامت و سازگاری روانی دارای ضریب رگرسیون $0/693$ و ضریب تعیین $0/481$ می‌باشد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است ($P\text{-value} < 0.001$). ضریب رگرسیون اثر ترکیبی متغیرهای سازگاری روانی، مدت اقامت، و تعامل مدت اقامت و سازگاری اجتماعی برابر با $0/625$ و ضریب تعیین مربوطه $0/391$ محاسبه گردید که سطح معنی‌داری آن $0/000$ می‌باشد. در نتیجه، اثر مذکور به لحاظ آماری معنادار تلقی می‌گردد. به طور مشابه اثر ترکیبی متغیرهای سازگاری روانی، مدت اقامت، و تعامل مدت اقامت و سازگاری محیطی با ضریب رگرسیون $0/663$ و ضریب تعیین $0/440$ نیز معنادار ارزیابی شد.

جدول ۶- اثر ترکیبی متغیر مدت اقامت و ابعاد مختلف سازگاری بر هویت مکانی

مأخذ: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۹

پارامتر	R	R-sq	MSE	F	df1	df2	p
اثر ترکیبی P و L و PL	۰/۶۹۳	۰/۴۸۱	۰/۴۲۸	۱۱۷/۵۴۴	۳	۳۸۱	<۰/۰۰۱
اثر ترکیبی S و L و SL	۰/۶۲۵	۰/۳۹۱	۰/۵۰۲	۸۱/۵۱۱	۳	۳۸۱	<۰/۰۰۱
اثر ترکیبی E و L و EL	۰/۶۶۳	۰/۴۴۰	۰/۴۶۲	۹۹/۵۹۹	۳	۳۸۱	<۰/۰۰۱
P: سازگاری روانی؛ S: سازگاری اجتماعی؛ E: سازگاری محیطی؛ L: مدت اقامت؛ PL: تعامل مدت اقامت و سازگاری روانی؛ SL: تعامل مدت اقامت و سازگاری اجتماعی؛ EL: تعامل مدت اقامت و سازگاری محیطی.							

همان‌طور که ذکر گردید، یافته‌های پژوهش حاکی از معنادار بودن اثر ترکیبی ابعاد مختلف سازگاری و مدت اقامت پاسخ‌گویان بر هویت مکانی مهاجران می‌باشد. ولیکن، پذیرش نقش تعدیل‌گری مدت اقامت، منوط به معناداری اثر متغیر تعاملی مدت اقامت و ابعاد مختلف سازگاری است. ضریب اثر متغیر تعاملی مدت اقامت و سازگاری روانی $0/0001$ - می‌باشد که این اثر به لحاظ آماری معنادار نیست ($P\text{-value}=0.949$). متغیر تعاملی مدت اقامت و سازگاری اجتماعی دارای ضریب اثر $0/0004$ - و سطح معنی‌داری $0/719$ است که بر این اساس، اثر مذکور نیز معنادار نمی‌باشد. در این میان، تنها اثر متغیر تعاملی مدت اقامت و سازگاری محیطی با ضریب منفی و ناچیز $0/002$ - در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار تلقی می‌گردد ($P\text{-value}=0.041$).

۵.۶. بررسی نقش تعدیل‌گری متغیر مبدأ مهاجرت در رابطه میان سازگاری و هویت مکانی مهاجران

مبدأ استانی مهاجرت مهاجران به‌عنوان یکی دیگر از متغیرهای احتمالی با نقش تعدیل‌گری در رابطه بین سازگاری و هویت مکانی مهاجران مورد مطالعه قرار گرفت. بدین منظور پاسخ-گویان بر اساس مبدأ استانی آن‌ها به دو گروه مهاجران درون استانی و مهاجران بین استانی طبقه‌بندی شدند. نتایج ارائه‌شده در جدول ۷ نشان می‌دهد که اثر ترکیبی هر سه مجموعه متغیرهای «سازگاری روانی، مبدأ مهاجرت، و تعامل مبدأ مهاجرت و سازگاری روانی»، «سازگاری اجتماعی، مبدأ مهاجرت، و تعامل مبدأ مهاجرت و سازگاری اجتماعی» و «سازگاری محیطی، مبدأ مهاجرت، و تعامل مبدأ مهاجرت و سازگاری محیطی» در سطح

اطمینان ۹۵ درصد معنادار است ($P\text{-value} < 0.001$). در این میان، بیشترین ضریب تعیین مربوط به اثر ترکیبی سازگاری روانی، مبدأ مهاجرت، و تعامل مبدأ مهاجرت و سازگاری روانی و برابر با ۰/۴۸۲ می‌باشد.

جدول ۷- اثر ترکیبی متغیر مبدأ مهاجرت و ابعاد مختلف سازگاری بر هویت مکانی

مأخذ: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۹

پارامتر	R	R-sq	MSE	F	df1	df2	p
اثر ترکیبی P و O و PO	۰/۶۹۵	۰/۴۸۲	۰/۴۲۷	۱۱۸/۳۵۳	۳	۳۸۱	<۰/۰۰۱
اثر ترکیبی S و O و SO	۰/۶۱۸	۰/۳۸۲	۰/۵۰۹	۷۸/۵۷۰	۳	۳۸۱	<۰/۰۰۱
اثر ترکیبی E و O و EO	۰/۶۵۶	۰/۴۳۱	۰/۴۶۹	۹۶/۰۶۵	۳	۳۸۱	<۰/۰۰۱
P: سازگاری روانی؛ S: سازگاری اجتماعی؛ E: سازگاری محیطی؛ O: مبدأ مهاجرت؛ PO: تعامل مبدأ مهاجرت و سازگاری روانی؛ SO: تعامل مبدأ مهاجرت و سازگاری اجتماعی؛ EO: تعامل مبدأ مهاجرت و سازگاری محیطی.							

به منظور تشخیص نقش تعدیل‌گری مبدأ مهاجرت در رابطه بین سازگاری و هویت مکانی، معناداری اثر متغیر تعاملی مبدأ مهاجرت و ابعاد سه‌گانه سازگاری مهاجران بررسی شد. ضریب اثر متغیر تعاملی مبدأ مهاجرت و سازگاری روانی برابر با ۰/۱۳۹- می‌باشد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نمی‌باشد ($P\text{-value}=0.180$). متغیر تعاملی مبدأ مهاجرت و سازگاری اجتماعی نیز با ضریب اثر ۰/۰۲۳- و سطح معنی‌داری ۰/۸۳۹ فاقد نقش تعدیل‌گری است. متغیر تعاملی مبدأ مهاجرت و سازگاری محیطی دارای ضریب اثر ۰/۰۰۹- می‌باشد که آن هم به لحاظ آماری معنادار تلقی نمی‌گردد ($P\text{-value}=0.931$). بر این اساس، مبدأ استانی مهاجرت مهاجران را نمی‌توان به عنوان تعدیل‌گر در رابطه سازگاری و هویت مکانی محسوب نمود.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر با مطالعه نمونه‌ای متشکل از ۳۸۵ نفر، به بررسی ابعاد مختلف سازگاری مهاجران ساکن در شهر اصفهان و هویت مکانی آن‌ها پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مقدار میانگین متغیرهای سه‌گانه سازگاری مهاجران شامل سازگاری روانی، اجتماعی و

محیطی بالاتر از حد متوسط بوده که در این میان، سازگاری محیطی نسبت به دو بعد دیگر سازگاری، وضعیت مطلوب‌تری داشته است. هویت مکانی پاسخ‌گویان نیز بالاتر از حد متوسط، ولیکن پایین‌تر از هر سه بعد سازگاری بوده است. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه هویت مکانی (متغیر وابسته) و متغیرهای سه‌گانه سازگاری مهاجران شامل سازگاری روانی، اجتماعی و محیطی (متغیرهای مستقل) نشان داد سازگاری مهاجران در ابعاد ذکرشده قابلیت تبیین و پیش‌بینی هویت مکانی را دارا می‌باشد. به طوری که حدود ۵۲ درصد از واریانس هویت مکانی مهاجران توسط واریانس سازگاری روانی، محیطی و اجتماعی تبیین می‌شود. بررسی ضرایب استاندارد متغیرها نشان می‌دهد که در نمونه آماری سازگاری روانی بیشترین تأثیر را بر هویت مکانی مهاجران دارد و اثر متغیرهای سازگاری اجتماعی و محیطی تقریباً برابر است. ولیکن، تفاوت شدت اثر متغیرهای سازگاری روانی، اجتماعی و محیطی مهاجران بر هویت مکانی به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. به هر حال صرف نظر از مسئله تفاوت شدت اثر متغیرها، نتایج تحلیل رگرسیون انجام‌شده در خصوص اثر مثبت و معنادار سازگاری مهاجران بر هویت مکانی حائز اهمیت است.

پس از تبیین اثر سازگاری مهاجران بر هویت مکانی، نقش تعدیل‌گری متغیرهای جنس، سن، تحصیلات، مدت اقامت و مبدأ مهاجرت در رابطه بین ابعاد مختلف سازگاری و هویت مکانی بررسی شد. نتایج نشان داد که ضریب رگرسیون اثر ترکیبی هر گروه از متغیرهای زیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است: «متغیرهای سه‌گانه سازگاری، جنس، و تعامل جنس و سازگاری»، «متغیرهای سه‌گانه سازگاری، سن، و تعامل سن و سازگاری»، «متغیرهای سه‌گانه سازگاری، تحصیلات، و تعامل تحصیلات و سازگاری»، «متغیرهای سه‌گانه سازگاری، مدت اقامت، و تعامل مدت اقامت و سازگاری»، و «متغیرهای سه‌گانه سازگاری، مبدأ مهاجرت، و تعامل مبدأ مهاجرت و سازگاری». هرچند نتایج حاکی از معنادار بودن اثر ترکیبی متغیرهای سازگاری (روانی، اجتماعی و محیطی)، متغیرهای مورد آزمون نقش تعدیل‌گری و تعامل آن‌ها می‌باشد، ولیکن به منظور آزمون نقش تعدیل‌گری متغیرهای جنس، سن، تحصیلات، مدت اقامت و مبدأ مهاجرت در رابطه میان سازگاری و هویت مکانی مهاجران، معناداری اثر متغیر تعاملی هر یک از پنج متغیر مذکور و ابعاد سازگاری به طور جداگانه بررسی شد که نتایج آن

بدین شرح می‌باشد: نقش تعدیل‌گری متغیرهای جنس، سن و مبدأ استانی مهاجرت در رابطه میان ابعاد مختلف سازگاری و هویت مکانی مهاجران تأیید نشد، درحالی‌که متغیرهای تحصیلات و مدت اقامت در رابطه بین سازگاری محیطی و هویت مکانی مهاجران به‌عنوان تعدیل‌گر نقش ایفا می‌کنند.

با توجه به اینکه در مطالعات و تحقیقات پیشین تاکنون رابطه بین سازگاری و هویت مکانی مهاجران مورد مطالعه قرار نگرفته و طبیعتاً نقش تعدیل‌گری متغیرهای مختلف در این رابطه نیز بررسی نشده است، امکان مقایسه نتایج حاصل از مطالعات در مناطق مختلف وجود ندارد. عمده مطالعات مرتبط با موضوع حاضر، به بررسی اثر متغیرهایی نظیر مدت اقامت، سن، تحصیلات و غیره بر سازگاری مهاجران محدود می‌شود. به اعتقاد بسیاری از محققان، پس از سال‌ها زندگی در یک مکان، آشنایی موجب پذیرش و حتی دلبستگی می‌شود (تیلور، گاتفردسون و بروور^۱، ۱۹۸۴). این در حالی است که نتایج مطالعه بوگاک^۲ (۲۰۰۹) در خصوص جابجایی غیر ارادی مهاجران قبرس ترک از جنوب به بخش شمالی جزیره قبرس، نشان داد که مهاجران ساکن شده در شهر پافوس حتی پس از گذشت ۳۴ سال با محیط سکونت جدید خود سازگار نشده بودند. گلدلاست و ریچموند (۱۹۷۴) نیز در مطالعه‌ای پیرامون سازگاری مهاجران در کشور کانادا دریافتند که متغیرهای سن، سن در زمان مهاجرت، مدت اقامت در سکونتگاه مقصد و سطح تحصیلات اثر مهمی بر ماهیت سازگاری مهاجران دارد. در خصوص اثر سواد و تحصیلات مهاجران بر سازگاری، ابریشمی، برخورداری و قباشی (۱۳۹۷) نیز اظهار داشته‌اند افراد باسوادتر موقعیت‌های شغلی را که در دیگر مناطق وجود دارد، راحت‌تر شناسایی می‌کنند و نحوه برخورد آن‌ها با موقعیت‌های جدید متفاوت خواهد بود. به عبارتی، مهاجرانی که سطح تحصیلات بالاتری دارند، هم در شناسایی مقصد مناسب برای مهاجرت و هم در فرایند سازگاری با محیط جدید، توانایی بیشتری دارند.

سازگاری مهاجران و احساس هویت مکانی آن‌ها نسبت به جامعه مقصد از دو جنبه حائز اهمیت است. از یک طرف، سازگاری مهاجران می‌تواند در بهبود کیفیت زندگی و احساس

1. Taylor, Gottfredson & Brower

2. Boğaç

رضایتمندی آنان تأثیر داشته باشد؛ ضمن آن که احساس هویت مکانی نسبت به سکونتگاه فعلی، آن‌ها را در تعامل مثبت و سازنده‌تری با محیط قرار می‌دهد. از طرف دیگر، سازگاری مهاجران برای جامعه مقصد نیز حائز اهمیت فراوانی است. بدین ترتیب که هرچه مهاجران بتوانند با شرایط محیط و جامعه جدید، بهتر و بیشتر سازگار شوند، مشکلات محیطی و تنش‌های اجتماعی کمتری متأثر از ورود مهاجران روی خواهد داد. همچنین با توسعه و قوی‌تر شدن حس هویت مکانی مهاجران، پیوندهای احساسی و تعلق خاطر آن‌ها نسبت به محیط و جامعه افزایش خواهد یافت که در نتیجه آن، مهاجران نسبت به وضعیت محیط بی تفاوت نخواهند بود و احتمالاً انگیزه‌های بیشتری برای تلاش و مشارکت فعال و مؤثر در جهت بهبود کیفیت محیط خواهند داشت. قابل ذکر است که هرچند به دلیل پیامدهای قابل توجه مهاجران بر جوامع مقصد، بحث پیرامون سازگاری، هویت مکانی و به طور کلی موضوعات مرتبط با وضعیت مهاجران در سکونتگاه‌های میزبان، از جنبه‌های مختلف حائز اهمیت فراوان است، ولیکن به موازات پرداختن به موضوعات مذکور، لازم است همواره مسئله اصلی مطرح در باب مهاجرت‌های روستا- شهری به‌ویژه مهاجرت به مقصد شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها یعنی لزوم بهبود برخورداری و توسعه جوامع کوچک مورد توجه خاصی قرار گیرد. به طوری که از یک طرف، جوامع روستایی و شهرهای کوچک با برخوردی از امکانات و خدمات، از توسعه مطلوب بهره‌مند گردند و در نتیجه، از میزان مهاجرت فرستی آن‌ها تا حد قابل ملاحظه‌ای کاسته شود و از طرف دیگر، در جوامعی که در گذشته با نرخ مهاجرت‌پذیری بالایی روبرو بوده‌اند و در حال حاضر ترکیب متنوعی از جمعیت را در خود دارند، سازگاری و هویت مکانی مهاجران بتواند به‌عنوان عاملی در جهت کاهش میزان مشکلات محیطی و اجتماعی عمل کند.

کتاب‌نامه

۱. ابریشمی، ح.، برخورداری، س.، و قباشی، ع. (۱۳۹۷). تأثیر مهاجرت از روستا به شهر بر نابرابری درآمدی: مورد مطالعه مناطق روستایی ایران. فصل‌نامه مدل‌سازی اقتصادسنجی، ۳(۳)، ۶۲-۳۹.
۲. ایمان، م. ت.، و مرادی، گ. م. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین راهبردهای فرهنگ‌پذیری و سلامت روانی در میان مهاجران: نمونه‌موردی مطالعه شهر کرمانشاه. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۰(۳۳)، ۱۴۷-۱۷۰.

۳. برومندزاده، م. ر.، و نوبخت، ر. (۱۳۹۳). مروری بر نظریات جدید مطرح شده در حوزه مهاجرت. *دوفصل‌نامه جمعیت*، ۲۱ (۸۹، ۹۰)، ۷۳-۹۰.
۴. جمالی، ف. (۱۳۸۱). مهاجرت، شهرها و سازگاری مهاجران. *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز*، ۴۵ (۱۸۲)، ۸۱-۶۱.
۵. ربانی، ر.، و پالیزدان، ا. (۱۳۸۳). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر در فرهنگ‌پذیری مهاجران شهر فیروزآباد، *پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی*، ۴ (۱۴)، ۶۵-۴۱.
۶. رستمعلی‌زاده، و. ا. (۱۳۹۶). جاذبه و دافعه روستایی و تأثیر آن بر ماندگاری یا تمایل به مهاجرت در میان جوانان روستایی شهرستان‌های هشت‌رود و اسکو. *مجله توسعه محلی (روستایی-شهری)*، ۹ (۱)، ۱۷۰-۱۴۵.
۷. شهرداری اصفهان. (۱۳۹۴). *اطلس کلان‌شهر اصفهان، شهرداری اصفهان. معاونت برنامه‌ریزی، پژوهش و فناوری اطلاعات شهرداری اصفهان*.
۸. طالبی، ل.، و امیری مجد، م. (۱۳۹۸). پیش‌بینی سازگاری روان‌شناختی نوجوانان مهاجر بر اساس مهارت‌های مقابله‌ای، فاصله اجتماعی و سازگاری اجتماعی- فرهنگی. *دوفصل‌نامه روان‌شناسی فرهنگی*، ۳ (۱)، ۴۰-۲۳.

9. Boğaç, C. (2009). Place attachment in a foreign settlement. *Journal of Environmental Psychology*, 29(2), 267-278.
10. Cárdenas, D., & Verkuyten, M. (2019). Immigrants' behavioral participation and its relation with national identification: Perceived closeness to the prototype as a psychological mechanism. *Self and Identity*, 19(6), 1-19.
11. Chow, K., & Healey, M. (2008). Place attachment and place identity: First-year undergraduates making the transition from home to university. *Journal of Environmental Psychology*, 28(4), 362-372.
12. Fawcett, J. T. (1985). Migration psychology: New behavioral models. *Population and Environment*, 8(1-2), 5-14.
13. Goldlust, J., & Richmond, A. H. (1974). A multivariate model of immigrant adaptation. *International Migration Review*, 8(2), 193-225.
14. Gurieva, S., Kõiv, K., & Tararukhina, O. (2020). Migration and Adaptation as Indicators of Social Mobility Migrants. *Behavioral Sciences*, 10(1), 2-12.
15. Haghighatian, M., Ghazanfari, A., & Taghavi, S. A. (2008) Investigating the factors affecting the cultural adaptation of immigrants of Ghaemiyeh city. *Semi-Annually Journal of Social Sciences and Humanities of Shiraz University*, 27(54), 63-79.

16. Hamberger, A. (2009). Thematic articles–identity, integration, and citizenship. *Journal of Identity and Migration Studies*, 3(2), 2-21.
17. Hernández, B., Hidalgo, M. C., Salazar-Laplace, M. E., & Hess, S. (2007). Place attachment and place identity in natives and non-natives. *Journal of Environmental Psychology*, 27(4), 310-319.
18. Lewicka, M. (2008). Place attachment, place identity, and place memory: Restoring the forgotten city past. *Journal of Environmental Psychology*, 28(3), 209-231.
19. Liu, S. (2015). Searching for a sense of place: Identity negotiation of Chinese immigrants. *International Journal of Intercultural Relations*, 46, 26-35.
20. McLeman, R. A., & Hunter, L. M. (2010). Migration in the context of vulnerability and adaptation to climate change: insights from analogues. *Wiley Interdisciplinary Reviews: Climate Change*, 1(3), 450-461.
21. Penninx, R. (2019). Problems of and solutions for the study of immigrant integration. *Comparative Migration Studies*, 7(1), 1-11.
22. Portes, A., & Rivas, A. (2011). The adaptation of migrant children. *The Future of Children*, 219-246.
23. Proshansky, H. M. (1978). The city and self-identity. *Environment and Behavior*, 10(2), 147-169.
24. Proshansky, H. M., Fabian, A. K., & Kaminoff, R. (1983). Place identity: Physical world socialization of the self. *Journal of Environmental Psychology*, 3, 57-83.
25. Qian, J., Zhu, H., & Liu, Y. (2011). Investigating urban migrants' sense of place through a multi-scalar perspective. *Journal of Environmental Psychology*, 31(2), 170-183.
26. Raymond, C. M., Brown, G., & Weber, D. (2010). The measurement of place attachment: Personal, community, and environmental connections. *Journal of Environmental Psychology*, 30(4), 422-434.
27. Shamsuddin, S., & Ujang, N. (2008). Making places: The role of attachment in creating the sense of place for traditional streets in Malaysia. *Habitat International*, 32(3), 399-409.
28. Sonn, C. C. (2002). Immigrant adaptation: Understanding the process through sense of community. In *Psychological sense of community: Research, applications, & implications* (pp. 141-160). New York: Kluwer Academic/Plenum Publishers.
29. Taylor, R. B., Gottfredson, S. D., & Brower, S. (1984). Block crime and fear: defensible space, local social ties, and territorial functioning. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 21, 303-331.
30. Tuan, Y. (1974). *Topophilia*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall, Inc.
31. Virupaksha, H., Kumar, A., & Nirmala, B. P. (2014). Migration and mental health: An interface. *Journal of Natural Science, Biology, and Medicine*, 5(2), 233-239.

32. Williams, N. E., Thornton, A., & Young-DeMarco, L. C. (2014). Migrant values and beliefs: How are they different and how do they change? *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 40(5), 796-813.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

doi : <https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2021.49028.0>

مقاله پژوهشی - مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال نوزدهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۳۶

تحلیل عوامل مؤثر بر تنوع بخشی اقتصادی در روستاهای مرزی غرب ایران (مطالعه موردی: شهرستان مریوان)

سیدهادی طبینیا (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران، نویسنده
مسئول)

tayebnia@gep.usb.ac.ir

رضا خسروبیگی بزجلویی (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران)
r.khosrobeigi@hus.ac.ir

صص ۱۴۴ - ۱۱۹

چکیده

امروزه نتایج بررسی‌ها حاکی از این است که بیشتر پروژه‌ها و فعالیت‌های بانک جهانی که در راستای تنوع بخشی اقتصادی در نواحی روستایی کشورهای جهان سوم انجام داده است، در جهت متنوع سازی درآمدهای غیرزراعی بوده است؛ چراکه فعالیت‌های زراعی به علت محدودیت گسترش و نیز آسیب پذیری محیط طبیعی در صورت فشار به آن و عدم تطابق چنین شرایطی با اصول توسعه پایدار، توان زیادی در جهت تنوع بخشی ندارند. هدف از این تحقیق، بررسی عوامل مؤثر بر تنوع بخشی فعالیت‌های اقتصادی در روستاهای مرزی است و روستاهای مرزی شهرستان مریوان به عنوان نمونه موردی انتخاب شده است. این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و روش انجام آن توصیفی-تحلیلی است. در این تحقیق، جامعه آماری، روستاهای شهرستان مریوان می باشد. روستاهای واقع در فاصله ۱۰ کیلومتری از مرز بین المللی عراق با

توجه تأثیرپذیری بالای آن‌ها از مرز، به عنوان نمونه در نظر گرفته شد که بر اساس فرمول $n=18$ ، ۱۸ روستا به عنوان روستاهای نمونه از طریق نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده از میان آن‌ها انتخاب شد. جهت تعیین تعداد خانوارهای نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که براساس آن، پرسش‌نامه در میان خانوارهای روستاهای نمونه توزیع شد. به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل اطلاعات، از نمودارهای توصیفی و آزمون‌های تی استیودنت، فریدمن استفاده شد. عوامل مؤثر در متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی، در چهار دسته اقتصادی، اجتماعی، طبیعی و موقعیت مرزی طبقه‌بندی شد. میانگین رتبه برای عوامل فوق به ترتیب برابر با ۲/۱۱، ۲/۰۷، ۳/۰۳ و ۲/۷۹ بدست آمد. عوامل اجتماعی، اقتصادی، توان‌های محیطی و موقعیت مرزی در متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی منطقه تأثیر داشته که از بین آن‌ها، توان‌های محیطی و موقعیت مرزی بیش از سایر عوامل (عوامل اقتصادی و اجتماعی) در متنوع‌سازی اقتصاد روستایی منطقه نقش دارند.

کلیدواژه‌ها: توسعه پایدار روستایی، اقتصاد روستایی، تنوع‌بخشی، مرز، مریوان.

۱. مقدمه

در رویکرد معیشت پایدار، بر متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی روستاها بسیار تأکید می‌شود (چاتدیما^۱، ۲۰۱۰، ص. ۲ و دی داف ای دی، ۲۰۰۸، ص. ۲) تنوع بخشیدن به معیشت روستاییان به عنوان فرایندی تعریف شده است که خانوار روستایی دارای گزینه‌های مختلفی از فعالیت‌های اقتصادی و درآمدی، جهت بهبود کیفیت زندگی هستند. متنوع بودن فعالیت‌های اقتصادی روستا با رفع مانع اصلی توسعه روستایی؛ یعنی فقر، منجر به پایداری نظام روستایی می‌شود؛ چراکه انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری بیشتر روستاییان را در مواجهه با روندهای ناگهانی و فشارهای اقتصادی، اجتماعی و طبیعی به همراه دارد. به طور کلی تنوع‌بخشیدن به اقتصاد روستایی، زمینه‌ها و امکان‌های بیشتری را جهت تغییر شرایط ناپایدار و در حال زوال با شرایط پایدار و افزایش فرصت‌ها فراهم می‌آورد (الیس^۲، ۱۹۹۹، ص. ۴).

1. Chandima & DFID

2. Ellis

تنوع بخشیدن به اقتصاد روستاها در واقع حرکت در مسیر اصل اساسی رویکرد توسعه انسانی است؛ چراکه به افزایش و آزادی قدرت انتخاب روستاییان و توانمندی آنها ختم می‌شود (مورس^۱، ۲۰۱۳، ص ۲۴۰). بینگتن^۲ (۲۰۱۰)، معتقد است که دلیل اصلی اینکه وضعیت معیشتی روستاییان در سطح نازلی است، عدم توانایی آنها در دفاع و حفظ دارایی‌هایشان در برابر بحران‌ها است و این امر مستلزم تدارک و ایجاد منابع جدید امرار معاش است (کراگ^۳، ۲۰۱۳، ص ۶). متنوع‌سازی اقتصاد روستایی و منافع حاصل از آن، زمینه‌ساز جلب مشارکت و مسئولیت‌پذیری مردم محلی در ارتباط با حفاظت از محیط زیست و مشارکت‌های سیاسی، اجتماعی در کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌شود و بدین ترتیب، در کنار رفع فقر اقتصادی، فقر فرهنگی هم از بین می‌رود (وارن^۴، ۲۰۰۲، ص ۲، نقل از محمدی و شهبازی، ۱۳۹۹، ص ۱۴۸). گرچه پیشینه سیاست‌های متنوع‌سازی اقتصاد روستایی به لحاظ اسنادی به برنامه ششم قبل از انقلاب بر می‌گردد، لیکن آثار سیاست‌های مذکور را می‌توان در برنامه‌های اول و دوم پس از انقلاب ردیابی نمود، به نحوی که افزایش نسبی درآمد روستاییان با توجه به متنوع‌سازی اقتصادی در مناطق روستایی با تأکید بر توسعه بخش‌های غیرکشاورزی را یکی از برنامه‌های مهم خود قرار داده است (کریم‌زاده، ولایی و منافی آذر، ۱۳۹۵، ص ۱۳۰). روستاهای کشور به علت اتکای شدید بر کشاورزی و درآمدهای حاصل از آن و نداشتن منابع اشتغالی و درآمدی غیر از کشاورزی، دارای اقتصاد ضعیف و آسیب‌پذیری هستند. بخش کشاورزی به علت محدودیت و غیرقابل افزایش بودن مقدار زمین‌ها، امکان افزایش درآمدی چندانی ندارد و لذا جست‌وجو جهت پیدا کردن منابع درآمدی دیگر با توجه به توان‌ها و موانع هر منطقه از کشور، جهت تنوع‌بخشی اقتصادی به اقتصاد روستایی برای افزایش توان نگه‌داشت جمعیت روستا و به عبارتی پایداری جمعیت روستایی، ضروری به نظر می‌رسد (عنابستانی، طیب‌نیا، شایان و رضوانی، ۱۳۹۳، ص ۸۸).

-
1. Morse
 2. Bingten
 3. Krug
 4. Warren

یکی از مناطق مرزی کشور که از دیرباز با محرومیت‌های زیادی روبرو بوده است، شهرستان مریوان است. به علت مرزی بودن این شهرستان، روستاهای مرزی آن تاکنون تأثیرات مختلفی را از مرز پذیرفته‌اند. این تأثیرات در انواع مختلفی (اقتصادی، سیاسی و...) بوده است. در این مناطق به علت رشد جمعیت و افزایش روزمره نیروی جوان روستایی، روز به روز بر میزان بیکاران روستایی افزوده شده و از طرف دیگر به علت افزایش بار تکفل، میزان درآمدهای روستاییان محدوده مورد نظر در فعالیت‌ها، بسیار پایین است؛ لذا روستاییان قرار گرفته در این محدوده، از موقعیت سکونتگاه‌های خود براساس وضعیت و مشکلات موجود، استفاده عقلایی کرده و به فعالیت در قاقاق پرداخته‌اند. تنها سیاست دولت نیز در این میان، صرفاً انسداد فیزیکی مرز و ایجاد تهدیدات مختلف مالی و جانی برای این روستاییان فقیر و عدم داشتن شغل و درآمد کافی بوده است؛ لذا جستجو برای یافتن راهکارهای جایگزین برای اشتغال و درآمد روستاییان این محدوده در جهت پایداری جمعیت و نگه‌داشت جمعیت باقی مانده، به شدت ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا رویکرد متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصاد روستایی به عنوان راهکاری مفید که بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی از جمله بانک جهانی و اغلب نظریه‌پردازان توسعه در راستای کاهش اثرات این ساختار و در چارچوب الگوی توسعه پایدار بر آن تأکید دارند، در جهت جایگزینی با فعالیت قاقاق کالا که به شدت کاهش یافته و نیز فعال نمودن دیگر بخش‌های اقتصادی در روستاهای این منطقه پیشنهاد می‌شود. این رویکرد یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های ارائه‌شده در جهت کاهش اثرات منفی ناشی از ناپایداری در ابعاد مختلف محیطی، اقتصادی و اجتماعی بر فضاهای روستایی و در چارچوب الگوی توسعه پایدار است. با توجه به تأثیرات منفی قاقاق بر اقتصاد روستاهای مرزی این شهرستان و نیز بر کل کشور و نیز با توجه به عدم تنوع در فعالیت‌های اقتصادی ساکنان روستایی این شهرستان، در جهت کاهش قاقاق و ارائه جایگزینی برای آن و در کنار آن، برای افزایش درآمد و اشتغال ساکنان روستایی این منطقه، راهبرد متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی جهت رفع یا تعدیل این مشکلات ارائه شده است؛ لذا هدف این تحقیق، شناسایی و تحلیل مهم‌ترین عوامل مؤثر در متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی در روستاهای مرزی شهرستان مریوان است.

۲. پیشینه تحقیق

بررسی‌ها حاکی از این است که بیشتر پروژه‌ها و فعالیت‌های بانک جهانی که در راستای متنوع سازی در کشورهای جهان سوم انجام داده است، در جهت متنوع سازی درآمد‌های غیرزراعی بوده است؛ چرا که فعالیت‌های زراعی به علت محدودیت گسترش و نیز آسیب پذیری محیط طبیعی در صورت فشار به آن و عدم تطابق چنین شرایطی با اصول توسعه پایدار، توان زیادی در جهت متنوع سازی ندارند.

امینی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهش خود با عنوان «ارزیابی تأثیر موقعیت مرزی بر پایداری توسعه در نواحی روستایی، مورد مطالعه: مناطق روستایی بخش مرزی بَم پشت از توابع شهرستان سراوان» به این نتیجه رسیدند که سطح توسعه یافتگی ۸۴ درصد از روستاهای مورد مطالعه متوسط و کمتر بوده و اقتصاد مرزی با وجود نقش پررنگی که در معیشت خانوارهای جامعه مورد مطالعه داشته، تأثیری در توسعه روستاها نداشته است. به علاوه، انجام فعالیت‌های اقتصادی مرزی رابطه معنی دار معکوسی با امنیت مبادله و دسترس پذیری داشته است. نجفی کانی (۱۳۹۸)، در پژوهش خود با عنوان «چالش‌ها و تنگناهای توسعه اقتصادی در نواحی روستایی، مورد: روستاهای بخش داشلی برون شهرستان گنبدکاووس»، نقاط ضعف و چالش‌های توسعه اقتصادی در روستاهای مرزی منطقه مورد مطالعه را در چهار دسته (عامل) طبقه بندی کرده است. مهم ترین چالش توسعه اقتصادی روستاهای مرزی را به ترتیب چالش‌های زیست محیطی، نهادی، اجتماعی و زیرساختی تحلیل کرده که مجموعاً ۸۴/۳۵ درصد از واریانس کل را تبیین می کند. بهار، یوسفی و حمزه زاده (۱۳۹۸)، در مقاله خود با عنوان «نقش متنوع سازی فعالیت‌های اقتصادی در توسعه پایدار روستایی، نمونه موردی: روستای خانقاه مهاباد» به این نتیجه رسیده اند که با وجود فضاهای تجاری و تنوع آن‌ها در روستای خانقاه، می تواند در اقتصاد روستایی تنوع ایجاد کرده و به کلیدی برای پایداری روستای خانقاه تبدیل گردد. تقدیسی، کرمشاهی و شایان (۱۳۹۷)، در پژوهش خود با عنوان «ارزیابی رویکرد متنوع سازی فعالیت‌های اقتصادی در دستیابی به توسعه پایدار روستایی مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان دره شهر» به این نتیجه رسیدند که متنوع سازی فعالیت‌های اقتصادی در نواحی روستایی می تواند پایداری سکونتگاه‌ها و در نتیجه توسعه پایدار روستایی را تقویت کند. توکلی، احمدی و فاضل نیا (۱۳۹۵)، در پژوهش خود با عنوان

«تحلیل عوامل مؤثر بر معیشت روستایی (بررسی موردی: روستاهای شهرستان سردشت)»، نشان دادند که بین عوامل جغرافیایی همانند شیب زمین، دسترسی سطح آموزشی، نزدیکی به نوار مرزی و الگوی معیشت روستاییان مرزی منطقه رابطه معناداری وجود دارد که الگوی معیشتی خاصی را برای روستاهای منطقه ایجاد کرده است. فعالیت بازارچه‌های مرزی همچنین باعث ایجاد اشتغال مستقیم و غیرمستقیم (حمل و نقل بار و مسافر، عملیات بارگیری و ...) مرزنشینان گردیده که سهم اشتغال غیرمستقیم به مراتب بیشتر از اشتغال مستقیم می‌باشد. کریم زاده، ولایی و منافی آذر (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «نقش تنوع‌بخشی به فعالیت‌ها در پایداری اقتصاد روستایی (مطالعه موردی: دهستان مرحمت آباد میانی، شهرستان میاندوآب)» به این نتیجه رسیده‌اند که تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی موجب افزایش فرصت‌های شغلی، زمینه‌های اشتغال، انگیزه جهت بهبود وضعیت کار و افزایش سرمایه‌گذاری و کاهش مهاجرت‌های روستایی گردیده است. سجاسی قیداری، صادقلو و شکوری فرد (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «سنجش سطح دارایی‌های معیشتی در مناطق روستایی با رویکرد معیشت پایدار (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان تایباد)» نتیجه گرفتند که سهم دارایی‌های اجتماعی در مقایسه با سایر دارایی‌ها در بین روستاهای مورد مطالعه بیشتر است. دارایی‌های انسانی نیز در رتبه آخر قرار گرفته تا نشانی بر مهاجرت نیروی فعال انسانی روستا باشد. مهم‌ترین پیشنهاد پژوهش نیز متنوع‌سازی اقتصاد روستاهایی است که دارای سطح دارایی‌های اندک بوده و همچنین تلاش در زمینه بکارگیری این دارایی‌ها و حفظ آن‌ها می‌باشد. کریمی و دهکردی (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «بهره‌برداری از مراتع و لزوم متنوع‌سازی معیشت روستایی (مطالعه موردی: شهرستان ماهشان)» به این نتیجه رسیده‌اند که باغداری، زنبورداری، پرورش زنبور عسل و آبی‌پروری از طریق آموزش و ترویج روستاییان، راهکارهای جایگزین و یا مکمل فعالیت‌های دامپروری برای ارتقای سطح دارایی‌ها و معیشت روستاییان منطقه مورد مطالعه می‌باشد و رهیافت این امر نیز کاهش فشار بر منابع طبیعی و جلوگیری از هدر رفت سرمایه‌های معیشتی و طبیعی است. شهرکی و شریف زاده (۱۳۹۳)، در پژوهشی به ارزیابی جایگاه آبی‌پروری در معیشت پایدار روستاییان شهرستان زاهدان پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که کشاورزی چندکارکردی و متنوع مبتنی بر آبی‌پروری، موجب پایداری و افزایش دارایی‌های اجتماعی، انسانی و مادی

معیشتی کشاورزان آبی‌پرور در مقایسه با سایر کشاورزان شده است و در واقع تنوع بخشیدن به فعالیت‌های کشاورزی، بهبود سطح معیشت روستاییان را به دنبال داشته است.

پیراس، بوتنارنکو، ماسوتی و ویتواری^۱ (۲۰۲۱)، در پژوهش خود با عنوان «خرده مالکان پس از شوروی بین کارآفرینی در کشاورزی و تنوع بخشی، راهبردهای معیشتی در روستاهای مولداوی» به این نتیجه رسیدند که دو دسته دهقانان و کشاورزان کارآفرین در دو دهه اخیر تمایل به تنوع بخشی به فعالیت‌هایشان در خارج از مزرعه دارند (دهقانان) و کشاورزی را به یک تجارت تمام وقت مناسب تبدیل کرده‌اند (کشاورزان کارآفرین). ممون، علی و خلیل^۲ (۲۰۲۰)، در مقاله خود با عنوان «عوامل تعیین کننده تنوع بخشی به درآمد در روستاهای مستعد سیل پاکستان» به این نتیجه رسیدند که خانوارهایی که تعداد اعضای نسبتاً بالاتری از درآمد دارند و آن‌هایی که تحت سرپرستی اعضای مرد یا تحصیل کرده قرار دارند، به احتمال زیاد دارای درآمد متنوع‌تری هستند. همچنین، در خانواده‌هایی که تحت سرپرستی اعضای پسر تحصیل کرده و اعضای مسن تحصیل کرده قرار دارند، تنوع بیشتری نسبت به خانواده‌های تحصیل نکرده وجود دارد. آبیام، داگونگا و اهی‌کپور^۳ (۲۰۲۰)، در پژوهش خود با عنوان «متنوع سازی درآمدی در فعالیت‌های غیرزراعی روستایی: پیامدهای آن بر رفاه کشاورزان خرده مالک و بکارگیری فناوری‌های کشاورزی در غنا» به این نتیجه رسیدند که تنوع درآمد در مزرعه، احتمال بکارگیری فناوری - Zai (فناوری کشاورزی) را افزایش می‌دهد و به سود قابل توجه رفاه خانگی کمک می‌کند. بنابراین، آن‌ها پیشنهاد می‌کنند که فعالیت‌های خدمات ترویج کشاورزی و سازمان‌های مستقر در کشاورزی (FBO) افزایش یابد؛ زیرا آن‌ها باعث تنوع درآمد غیرکشاورزی می‌شوند، در نتیجه سرمایه‌گذاری در فناوری‌های افزایش بهره‌وری (Zai) و رفاه خانوارها افزایش می‌یابد. نگوین^۴ (۲۰۱۷)، در پژوهشی با عنوان «تجزیه و تحلیل اقتصاد متنوع سازی محصولات در روستاهای ویتنام» با استفاده از یک تابع فاصله ورودی، به این نتیجه رسید که بازده کمی افزایش یافته در مقیاس در تولید محصولات متعدد ویتنام مشهود است. علاوه بر این، افزایش تولید برنج باعث کاهش استفاده کم از نهاده‌ها برای تولید سایر محصولات می‌شود. مکمل خروجی قابل توجهی بین

1. Piras, Botnarenco, Masotti, Vittuari

2. Memon, Ali, Khalil

3. Abbeam, Dagunga, Ehiakpor

4. Negvin

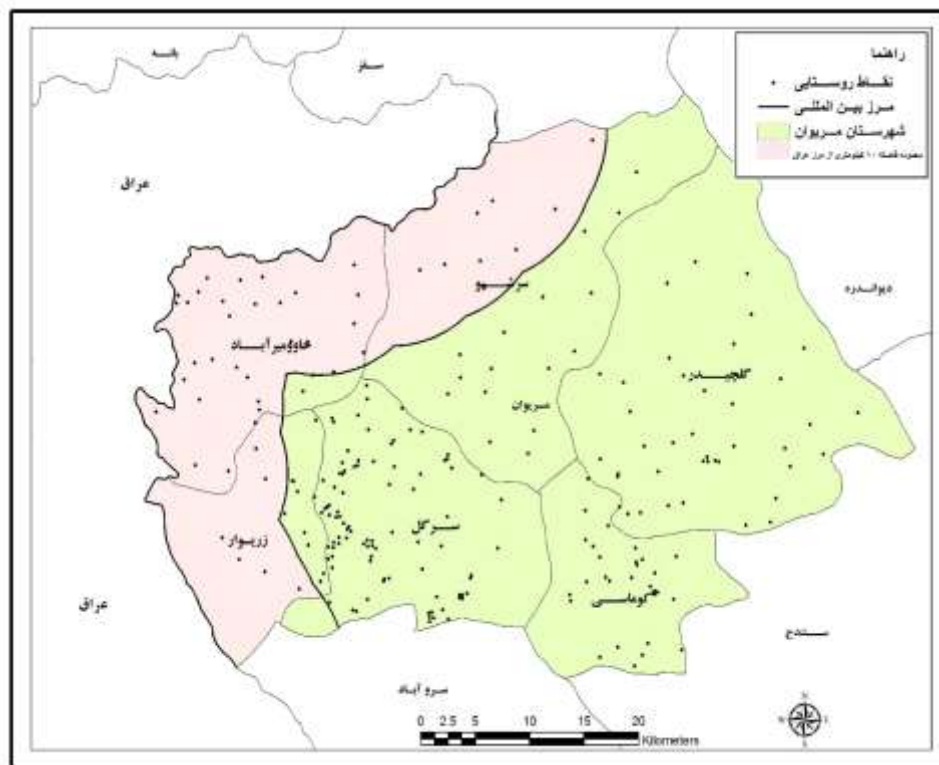
تولید برنج و سایر محصولات یافت می‌شود (تأثیر تنوع در کشت). دموگر، فونیر و یانگ^۱ (۲۰۱۰)، در تحقیقی با عنوان «تصمیمات خانوارهای روستایی در راستای تنوع بخشی درآمدی: شواهدی از یک شهرستان در شمال چین»، دسترسی به زمین، سرمایه، جنسیت و سن را از عوامل اصلی تصمیم‌گیری ساکنان روستایی برای متنوع‌سازی درآمدهایشان در این منطقه می‌دانند.

۳. روش‌شناسی تحقیق

۳.۱. روش تحقیق

این تحقیق براساس هدف، از نوع تحقیقات کاربردی و روش انجام آن توصیفی - تحلیلی است. هدف از این تحقیق، شناسایی و تحلیل مهم‌ترین عوامل مؤثر در تنوع فعالیت‌های اقتصادی در روستاهای مرزی شهرستان مریوان است. جامعه آماری این تحقیق، روستاهای شهرستان مریوان می‌باشد که با توجه به بررسی‌های میدانی در منطقه مورد مطالعه و مراجعه به مرزهای کشور عراق و نیز مطالعات قبلی نگارنده مبنی بر میزان تأثیرات مرز و تأثیرات قاچاق بر روستاهای شهرستان مریوان و همچنین با توجه به یکدست نبودن دهستان‌های شهرستان مریوان از نظر رابطه با مرز و یکسان نبودن تأثیرپذیری آن‌ها از مرز، مشخص شد که میزان این تأثیرات در روستاهای قرار گرفته در فاصله ۱۰ کیلومتری مرز عراق، چشمگیر بوده و به نوعی از این فاصله به بعد با توجه به افزایش فاصله و کاهش دسترسی روستاییان به مرز، تأثیرات مرز بسیار کم می‌شود؛ لذا از میان روستاهای شهرستان، روستاهای واقع شده در فاصله ۱۰ کیلومتری از مرز بین‌المللی عراق، به‌عنوان نمونه در نظر گرفته شد. این محدوده دارای ۷۰ روستای مسکونی و جمعیت آن نیز ۵۶۳۹ خانوار و ۲۶۵۵۱ نفر است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). شکل شماره ۱، نمایانگر موقعیت روستاهای قرار گرفته در فاصله ۱۰ کیلومتری از مرز می‌باشد.

1. Demurger, Fournier and Yang



شکل ۱- نقشه موقعیت روستاهای قرارگرفته در فاصله ۱۰ کیلومتری از مرز عراق در شهرستان

مریوان

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

تعداد روستاهای قرارگرفته در فاصله ۱۰ کیلومتری از مرز بین‌المللی عراق، شامل ۴۶ روستای مسکونی است. جمعیت کل این روستاها، ۳۵۴۵ خانوار و ۱۶۷۲۱ نفر می‌باشد. پس از مشخص کردن روستاهای قرار گرفته در فاصله ۱۰ کیلومتری از مرز (۴۶ روستا)، نمونه-گیری از میان این روستاها شروع می‌شود. با توجه به محاسبات در فرمول n° ، و با ضریب دقت ۰/۱۸ از بین ۴۶ روستا، ۱۸ روستا به‌عنوان نمونه انتخاب

$$n = \frac{n^\circ}{1 + \frac{n^\circ}{N}} \quad \text{شدند.} \quad (۱)$$

با مشخص شدن حجم نمونه، ۱۸ روستای نمونه از جامعه کل (۴۶ آبادی) انتخاب شد. پس از تعیین حجم نمونه، آبادی‌های نمونه به طور تصادفی و با روش قرعه‌کشی انتخاب شدند. جهت روایی پرسش‌نامه‌ها از نظرات کارشناسان مرتبط استفاده شد و با توجه به نظرات آن‌ها، اصلاحات لازم در پرسش‌نامه‌ها صورت گرفت. همچنین، جهت پایایی پرسش‌نامه، ابتدا ۳۵ پرسش‌نامه به صورت پیش‌آزمون میان نمونه‌ها در روستاهای مورد مطالعه توزیع و تکمیل شد. در نهایت پس از انجام اصلاحات لازم، عدد ۰,۷۶ برای آزمون آلفای کرونباخ بدست آمد. براساس فرمول کوکران تعداد نمونه‌ها، ۳۱۲ بدست آمد. بر این اساس، ابتدا تعداد خانوارهای هر روستا مشخص شد و سپس تعداد نمونه‌ها بین هر یک از روستاهای نمونه با توجه به تعداد خانوار آن‌ها توزیع شد. البته در روستاهایی که تعداد نمونه‌ها بسیار کمتر بود، جهت افزایش میزان اطمینان و دقت تحقیق، تعداد نمونه‌ها به ۳۳۴ خانوار افزایش داده شد. در نهایت برای تمام روستاهای نمونه، تعداد نمونه‌ها محاسبه و در جدول ۱ ارائه شد. به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل اطلاعات، از آزمون‌های استیودنت، فریدمن و از نرم‌افزار SPSS و Excel، در راستای پاسخ‌گویی به سؤال تحقیق استفاده شده است.

جدول ۱- روستاهای نمونه، تعداد نمونه‌ها از هر روستا و نمونه کل

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶

ردیف	روستا	تعداد خانوار و درصد	تعداد نمونه	نمونه اصلاح شده
۱	قامیشله	۴۳ (۲,۷ درصد)	۸	۱۰
۲	محمده	۴۲ (۲,۶ درصد)	۸	۱۰
۳	بناوچله	۴۳ (۲,۷ درصد)	۸	۱۰
۴	میرآباد	۶۰ (۳,۷ درصد)	۱۱	۱۱
۵	کانه سفید	۵۳ (۳,۴ درصد)	۱۱	۱۱
۶	گویله	۴۱ (۲,۵ درصد)	۸	۱۰
۷	هانه شیخان	۲۲ (۱,۴ درصد)	۷	۱۰
۸	خاوی	۸۲ (۵,۱ درصد)	۱۶	۱۶
۹	خانم کن	۴۲ (۲,۶ درصد)	۸	۱۰
۱۰	بابوه	۳۷ (۲,۴ درصد)	۸	۱۰
۱۱	دره واران	۷۰ (۴,۳ درصد)	۱۳	۱۳
۱۲	برده رشه	۱۹۸ (۱۲,۴ درصد)	۳۸	۳۸
۱۳	بیلو	۱۲۰ (۷,۵ درصد)	۲۳	۲۳
۱۴	احمدآباد	۸ (۰,۵ درصد)	۱,۵	۵
۱۵	خانم شیخان	۷ (۰,۵ درصد)	۱,۵	۵

ردیف	روستا	تعداد خانوار و درصد	تعداد نمونه	نمونه اصلاح شده
۱۶	سیاناو	۱۶۱ (۱۰ درصد)	۳۱	۳۱
۱۷	ساوچی	۲۷۳ (۱۷ درصد)	۵۳	۵۳
۱۸	سردوش	۳۰۰ (۱۸٫۷ درصد)	۵۸	۵۸
جمع	۱۸ روستا	۱۶۰۲	۳۱۲	۳۳۴

۴. مبانی نظری تحقیق

رویکرد متنوع سازی یکی از رویکردهای توسعه پایدار روستایی است که یکی از مهم ترین استراتژی های ارائه شده در جهت کاهش اثرات منفی ناشی از ناپایداری در ابعاد مختلف محیطی، اقتصادی و اجتماعی بر فضاهای روستایی و در چارچوب الگوی توسعه پایدار است. در این نظریه برای پایداری سازی اقتصاد روستایی و توسعه پایدار، وجود تنوع، یکی از ضروریات جوامع مختلف قلمداد شده و رعایت این اصل، ثبات و پایداری ساختارهای اقتصادی را تسهیل خواهد نمود (عنابستانی، طبینیا، شایان و رضوانی، ۱۳۹۳، ص. ۹۳).

تأثیرات متنوع سازی فعالیت های اقتصاد روستایی در دستیابی به توسعه پایدار در سه بعد زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی است. در بعد زیست محیطی معمولاً گفته می شود که افراد فقیر، مهم ترین علت تخریب زیست محیطی هستند؛ زیرا این افراد در موقعیت استفاده از منابع طبیعی به شکل پایدار نیستند؛ زیرا عوامل اجتماعی، اقتصادی و دموگرافی در این نواحی، فقرا را به سمت منابع محیط زیستی سوق می دهد که موجب تخریب بیشتر می شود (مادولو^۱، ۲۰۰۳، ص. ۱۱۲). عقیده بر این است که فقر روستایی موجب تخریب محیط زیست از سوی فقرا می شود و تخریب محیط نیز مجدداً منجر به آسیب پذیری بیشتر فقرای روستایی و فقیرتر شدن آنان خواهد شد؛ زیرا اکوسیستم های تخریب شده و کیفیت های ضعیف منابع طبیعی، مانع اجرای استراتژی های معیشتی ارزشمند می شوند (هنجسدیجک، ۲۰۰۷، ص. ۱۱۵). لذا تخریب محیط زیست ممکن است منجر به تشدید فقر شود که دور باطل فقر با فرایند تله فقر را تکمیل می کند و فقرا به عنوان افرادی که دارای افق های زمانی کوتاهی هستند، منافع آتی ناشی از حفاظت را فدای ضرورت معیشت و اجتناب خود از گرسنگی در زمان حال خواهند نمود (فروزانی و کشاورز، ۱۳۸۸، ص. ۵). برای، داویس، جانوسکی، لائو و

1. Madulu

پیرس سوابق این استراتژی را برای کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه بررسی نموده و با اشاره به اینکه خانوارهای روستایی در کشورهای توسعه‌یافته، ۳۵-۳۰ درصد کل درآمد خود را از منابع خارج از مزرعه تأمین می‌کنند، رابطه مثبتی میان تنوع فعالیت‌ها با سطوح بالاتر درآمد خانوارهای روستایی، بهره‌وری بالاتر در فعالیت‌های کشاورزی، درآمد، سطح آموزش، کیفیت دسترسی به زیرساخت‌ها و خدمات، خدمات سازمانی، فرصت‌های ایجادشده توسط سیاست‌های محلی، منطقه‌ای و ملی و دسترسی به اعتبارات و خدمات مالی یافته‌اند (برایت، داویس، جانوسکی، لائو و پیرس^۱، ۲۰۰۰، ص. ۲۳).

فعالیت‌های متنوع می‌توانند پایداری فرایند توسعه در مناطق روستایی را از طرق مختلفی تحت تأثیر قرار دهند. اول آنکه این فعالیت‌ها، تقاضا برای زمین کشاورزی و فشار بر روی زمین را در مناطق فقیر کاهش می‌دهند. در نتیجه چنین فعالیت‌هایی می‌توانند در گسستن چرخه معیوب فقر، بهره‌برداری بیش از حد از زمین و تخریب اکولوژیکی نقش مؤثری داشته باشند. دوم آنکه درآمدهای حاصل از این بخش‌ها می‌توانند به طور چشمگیری درآمد کل خانوار روستایی را افزایش دهند و به تبع آن ظرفیت سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های کشاورزی را بالا ببرند. همچنین، اینگونه درآمدها موجب تعدیل بی‌ثباتی درآمدی روستاییان می‌شود و به آن‌ها توانایی اقتباس برخی تکنولوژی‌های کشاورزی مفید، توأم با ریسک را می‌دهد. سوم آنکه اینگونه درآمدها اغلب یک منبع برای پس‌انداز است که نقش مهمی را در امنیت غذایی ایفا می‌کند. خانوارهای روستایی که به درآمدشان از طریق شرکت در فعالیت‌های غیر کشاورزی تنوع می‌بخشند، معمولاً توانایی بیشتری برای غلبه بر شوک‌های منفی پیدا می‌کنند (ازکیاویمانی، ۱۳۸۷، ص. ۳۶۷ نقل از یاسوری و جوان، ۱۳۹۴، صص. ۲۳ و ۲۴). با این توضیحات می‌توان گفت که رویکرد متنوع‌سازی با تنوع‌بخشی به اقتصاد روستایی در نواحی مرزی، ضمن به بالفعل رساندن قابلیت‌ها و توان‌های این مناطق، موجب افزایش درآمد، اشتغال، حفظ محیط زیست، تقویت تاب‌آوری اجتماعی و در نهایت توسعه پایدار روستایی در نواحی روستایی مرزی خواهد شد؛ لذا در این تحقیق، رویکرد متنوع‌سازی به عنوان رویکرد پیشنهادی برای نواحی روستایی مرزی مطرح شده است.

1. Bright, Davis, Janowski, Low & Pearce

۵. یافته‌های تحقیق

۵.۱. ویژگی‌های پاسخ‌گویان

از میان ۳۳۴ پاسخ‌گو، ۳۱۷ نفر مرد و ۱۷ نفر نیز زن هستند؛ لذا بیشتر پاسخ‌دهندگان، (۹۴/۹ درصد) مرد هستند. همچنین کمترین سن پاسخ‌دهندگان برابر با ۱۹ سال و بیشترین آن برابر با ۸۳ سال و متوسط سن پاسخ‌دهندگان برابر با ۴۱/۱۱ سال می‌باشد. سطح سواد بیشتر پاسخ‌دهندگان (۳۶/۸ درصد) مقطع راهنمایی می‌باشد و کمترین میزان را تحصیلات دانشگاهی با ۰,۳ درصد تشکیل می‌دهد. همچنین، عدم تنوع در اشتغال و اقتصاد ساکنان این منطقه با توجه به جدول شماره ۲، کاملاً مشهود است.

جدول ۲- تعداد و درصد پاسخ‌دهندگان به تفکیک شغل

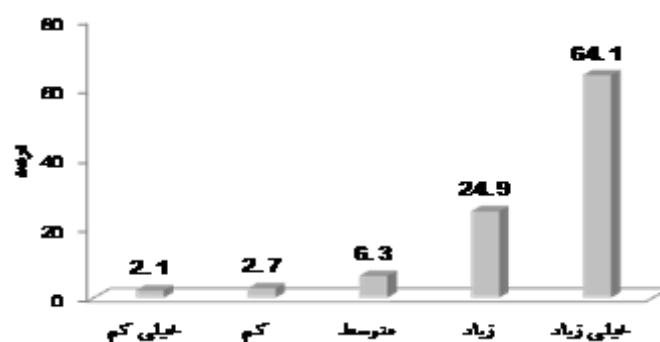
مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

شغل	فراوانی	درصد فراوانی
کشاورزی	۲۷۴	۰/۸۲
خدماتی	۴۴	۱۳/۲
قاچاق	۱۵	۴/۵
بیکار	۱	۰/۳
مجموع	۳۳۴	۰/۱۰۰

۵.۲. میزان وابستگی به فعالیت‌های تجاری غیررسمی (قاچاق)

با توجه به فاصله نزدیک روستاهای نمونه از مرز بین‌المللی و کردستان عراق، قاچاق کالا از زمان‌های گذشته تاکنون به اشکال و روش‌های مختلف، در این منطقه رواج داشته است و موجب بروز تأثیرات مختلفی بر زندگی و معیشت ساکنان آن شده است. یکی از مهم‌ترین تأثیرات قاچاق بر زندگی این مردم، افزایش درآمد، ایجاد اشتغال و کاهش بیکاری و نیز وابستگی آنان به این فعالیت بوده است. هم‌اکنون که مرز بسته شده است، موجب کاهش شدید قاچاق کالا و به تبع آن، ایجاد تأثیرات مختلفی بر زندگی آن‌ها شده است. پاسخ‌گویان در مورد میزان وابستگی به قاچاق در زمانی که مرز بسته نشده بود و این فعالیت رواج داشت، نظرات مختلفی را ابراز نموده‌اند که در شکل شماره ۳ آمده است. بیشتر پاسخ‌گویان (۶۴/۱)

درصد) در گذشته، زمانی که مرز بسته نبود، میزان بسیار زیادی از درآمدشان وابسته به فعالیت قاچاق کالا بوده است و این نشان‌دهنده تأثیرات مهم این فعالیت بر زندگی و معیشت آنان در گذشته بوده که امروز به علت انسداد مرز و بدون ارائه جایگزین، به شدت مورد تهدید قرار گرفته است؛ لذا لزوم متنوع‌سازی فعالیت‌های آنان جهت جایگزینی با این فعالیت و افزایش اشتغال و درآمد آنان به شدت ضرورت دارد.



شکل ۲- میزان وابستگی به فعالیت‌های تجاری غیررسمی (قاچاق) در زمانی که مرز بسته نبود

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

۳.۵. عوامل مؤثر در متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی در روستاها

عوامل مؤثر در متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی منطقه با توجه به مطالعات اکتشافی در منطقه، نظر کارشناسان و مردم محلی و شاخص‌های تحقیق در چهار دسته اقتصادی، اجتماعی، طبیعی و موقعیت مرزی طبقه‌بندی شد که در نهایت برای روستاها، یک طبقه‌بندی از نظر میزان توان‌های تنوع‌بخشی در روستاهای نمونه براساس نظرات پاسخ‌گویان ارائه شد. میانگین هر یک از عوامل فوق به تفکیک روستا و نیز به طور کل آمده است که در جدول شماره ۳ آمده است.

جدول ۳- میانگین عوامل مؤثر در متنوع سازی به تفکیک هریک از عوامل در روستاها و در کل

مأخذ: یافته های تحقیق، ۱۳۹۹

روستاها	عوامل		
	طبیعی	موقعیت مرزی	اقتصادی اجتماعی
برده رشه	۳,۹۴	۴,۳۹	۳,۸۱
محمده	۳,۲۵	۴	۳,۶
خاو	۳,۶	۴,۰۶	۳,۳۱
هانه شیخان	۳,۲۲	۳,۸	۳,۶
میرآباد	۳,۴۳	۴,۱۸	۳,۱۲
بناوچله	۳,۹۵	۳,۶	۳,۶۳
خانم کن	۳,۵	۳,۸	۳,۶۷
دره وران	۳,۷۱	۳,۵۴	۳,۶۹
بیلو	۳,۶۴	۳,۹۶	۳,۷
ساوجی	۳,۸۴	۳,۸۷	۳,۶۲
کانی سفید	۳,۹۲	۳,۹۱	۳,۵۵
سردوش	۳,۸۸	۳,۹۵	۳,۶۶
بایوه	۴,۲۱	۵	۳
خانم شیخان	۴,۳۴	۴,۸	۳,۴
سیانوا	۳,۸۸	۴,۸۱	۳,۲۷
احمدآباد	۴,۳۲	۴,۸	۳,۴
گویله	۳,۹	۳,۶	۳,۵۳
قامیشله	۳,۶۷	۳,۶	۳,۶
میانگین مجموع	۳,۷۹	۴,۰۹	۳,۵۱

براساس جدول ۳، روستاها با توجه به توان هایشان در زمینه های مختلف، میانگین های مختلفی را در عوامل مؤثر در متنوع سازی فعالیت های اقتصادی کسب کرده اند. مثلاً در عامل موقعیت مرزی، روستاهایی میانگین های بالاتر را به خود اختصاص داده اند (مانند روستای بایوه، خانم شیخان و سیانوا) که در فاصله نزدیکتری از مرز قرار دارند و عکس این موضوع در روستاهای با فاصله بیشتر از مرز، صادق است. همچنین، با توجه به مرزی بودن کلیه روستاهای مورد نظر، مشاهده می شود که میانگین هیچکدام از ۳,۵ پایین تر نیست که این

موضوع، درجه اهمیت این عامل را نشان می‌دهد. همچنین، با توجه به یکدست بودن روستاها از نظر طبیعی، مشاهده می‌شود میانگین هیچکدام از روستاها (به جز یک روستا)، در عوامل طبیعی کمتر از ۳,۵ نبوده و مشابه هم می‌باشند که این نیز تأیید اهمیت بالای این عوامل در متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی در روستاهای مورد مطالعه است. عوامل اجتماعی و اقتصادی در رتبه‌های بعدی میزان تأثیر در متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی این روستاها، قرار می‌گیرند. به علاوه، میانگین کلی در عوامل طبیعی ۳,۷۹، در موقعیت مرزی ۴,۰۹، در عوامل اقتصادی ۳,۵۱ و عوامل اجتماعی ۳,۵۲ است. بر این اساس، به ترتیب عامل موقعیت مرزی و عوامل طبیعی بیشترین میانگین را دارد که نشان‌دهنده بالا بودن توان‌های منطقه به‌ویژه در دو عامل ذکر شده نسبت به دیگر عوامل است.

در ادامه به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود که عوامل موجود (توان‌های محیطی، موقعیت مرزی، عوامل اقتصادی و اجتماعی)، در جهت متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی به چه میزان مؤثرند. برای این کار شاخص میانگین برای عوامل بیان‌شده محاسبه می‌گردد و در مرحله اول با میانه نظری ۳ مقایسه می‌شود و هدف از انجام این کار این است که مشخص شود نمره کدام امکانات از متوسط بیشتر است و در مرحله دوم شاخص میانگین محاسبه‌شده با میانه نظری ۴ مقایسه می‌گردد تا مشخص شود نمره کدام عوامل بیشتر است. با انجام این روند شاخص‌های برتر شناسایی می‌شوند که در هر یک از گروه‌های مربوط به خود شامل توان‌های محیطی، موقعیت مرزی، عوامل اقتصادی و اجتماعی، قرار می‌گیرند. برای این منظور از آزمون تی استیودنت استفاده می‌شود که در آن به مقایسه میانگین با عدد ثابت پرداخته می‌شود. فرضیه آزمون به صورت زیر می‌باشد.

$$H_0: \mu = 3$$

$$H_1: \mu > 3$$

که در آن، میانگین امکانات موجود در روستا می‌باشد.

بنابراین در صورتی که فرضیه صفر (H_0) رد شود، به این مفهوم است که توان‌های مطرح شده در روستا جهت متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی تأثیری متوسط به بالا دارد. لازم به ذکر است در صورتی فرضیه صفر رد می‌شود که هم‌زمان دو شرط زیر برقرار باشد:

$$\frac{\text{sig}}{2} < 0.05 \quad \& \quad t > 0 \quad (۳)$$

نتایج آزمون تی استویدنت برای امکانات متنوع سازی فعالیت های اقتصادی در جدول شماره ۴، نشان داده شده است.

جدول ۴- نتایج آزمون تی استویدنت برای توان های (قابلیت ها) تنوع بخشی فعالیت های اقتصادی

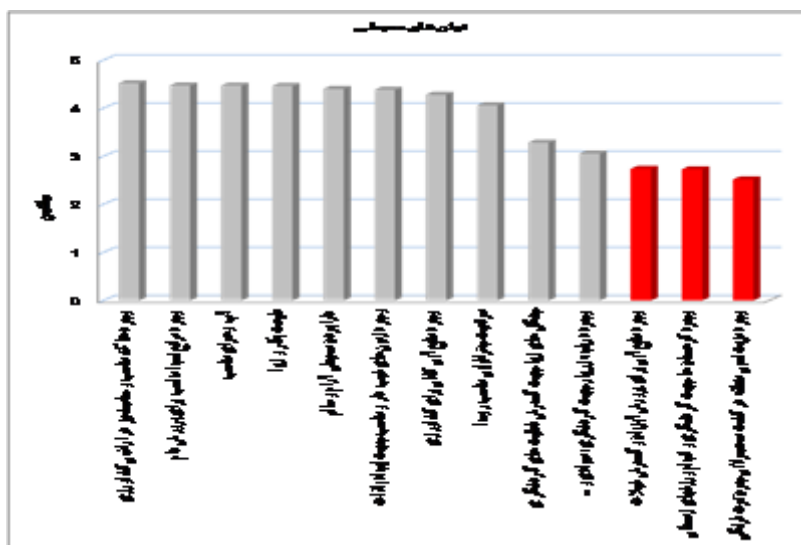
مأخذ: یافته های تحقیق، ۱۳۹۹

عوامل	توان (قابلیت)	میانگین	انحراف استاندارد	سطح معنی داری (Sig)	آماره t
طبیعی	طبیعت بکر و زیبا	۴/۴۶	۰/۶۶	۰/۰۰۰	۴۰/۵
	آب و هوای مناسب	۴/۴۷	۰/۶۳	۰/۰۰۰	۴۲/۸
	دارا بودن محیطی آرام و سالم	۴/۴۰	۰/۷۲	۰/۰۰۰	۳۵/۴
	جنگل های زیبا جهت گسترش فعالیت های گردشگری	۳/۲۸	۱/۱۴	۰/۰۰۰	۴/۵
	وجود منابع آبی کافی برای کشاورزی	۴/۲۸	۰/۷۰	۰/۰۰۰	۳۳/۶
	وجود منابع آبی برای پرورش آبزیان و گسترش شیلات	۲/۷۴	۱/۲۱	۰/۰۰۰	-۳/۹
	وجود کوهستان ها جهت گردشگری و انجام ورزش های زمستانی	۲/۷۳	۰/۹۹	۰/۰۰۰	-۵/۰
	وجود دریاچه زریبار جهت گردشگری، صیادی و ...	۳/۰۶	۱/۵۷	۰/۵۰۹	۰/۷
	وجود مراتع نسبتا مناسب برای پرورش دام	۴/۴۷	۰/۶۸	۰/۰۰۰	۳۹/۴
	وجود خاک مناسب و حاصلخیز در اراضی کشاورزی	۴/۵۲	۰/۷۰	۰/۰۰۰	۳۹/۸
	وجود زمین های شیب دار و مناسب جهت ایجاد و گسترش باغات	۴/۳۸	۰/۷۳	۰/۰۰۰	۳۴/۷
	وجود مزیت نسبی منطقه در کشت محصولات چوبی	۲/۵۲	۱/۱۶	۰/۰۰۰	-۷/۵
	موقعیت جغرافیایی مناسب روستا	۴/۰۶	۰/۷۴	۰/۰۰۰	۲۶/۳
اجتماعی	وجود نیروی کار جوان و فعال	۳/۶۶	۰/۷۹	۰/۰۰۰	۱۵/۳
	دسترسی به نیروهای متخصص و با تجربه در مریوان	۲/۹۳	۰/۸۹	۰/۱۲۳	-۱/۵

عوامل	توان (قابلیت)	میانگین	انحراف استاندارد	سطح معنی داری (Sig)	آماره t
	مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی روستا (دامداری و ...)	۴/۵۳	۰/۸۴	۰/۰۰۰	۳۳/۲
	وجود آداب و رسوم و فرهنگ محلی در منطقه جهت گردشگری	۳/۱۱	۱/۰۶	۰/۰۵	۱/۹
اقتصادی	وجود زیرساخت‌های مناسب در روستا جهت فعالیتهای اقتصادی	۳/۶۹	۰/۵۰	۰/۰۰۰	۲۵/۳
	دسترسی آسان به شهر مریوان و بازارهای آن	۳/۵۶	۰/۵۹	۰/۰۰۰	۱۷/۵
	وجود حجم مناسب محصولات باغی و دارای قابلیت تبدیل	۳/۴۳	۰/۵۵	۰/۰۰۰	۱۴/۴
موقعیت مرزی	نزدیکی به بازارهای مناسب (عراق) جهت عرضه محصولات کشاورزی	۴/۰۸	۰/۷۰	۰/۰۰۰	۲۸/۱
	دسترسی به مرز و بازارچه مرزی جهت صادرات محصولات تولیدی	۳/۴۴	۱/۱۰	۰/۰۰۰	۷/۳

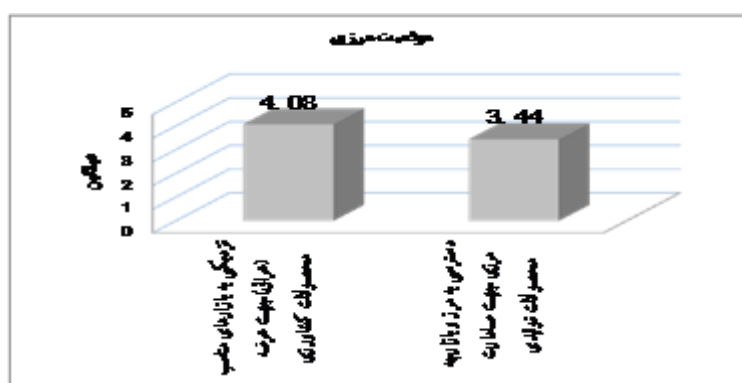
با توجه به جدول ۴، نمره اکثر امکانات موجود به جز "وجود منابع آبی برای پرورش آبزیان و گسترش شیلات"، "وجود کوهستان‌ها جهت گردشگری و انجام ورزش‌های زمستانی"، "وجود مزیت نسبی منطقه در کشت محصولاتی چون توت فرنگی" و "دسترسی به نیروهای متخصص و با تجربه در مریوان"، از متوسط بیشتر است و در همه آن‌ها میانگین محاسبه شده از میانه نظری ۳ بیشتر بوده و همچنین سطح معنی داری آزمون (sig)، از ۰/۰۵ کمتر و مقدار آماره t عددی بزرگتر از صفر می باشد. بنابراین، با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه صفر رد می شود و از نظر آماری می توان گفت که میانگین اکثر امکانات موجود (به جز "وجود منابع آبی برای پرورش آبزیان و گسترش شیلات"، "وجود کوهستان‌ها جهت گردشگری و انجام ورزش‌های زمستانی"، "وجود مزیت نسبی منطقه در کشت محصولاتی چون توت فرنگی" و "دسترسی به نیروهای متخصص و با تجربه در مریوان (با سطح معناداری بالای ۰,۰۵)") در روستا جهت متنوع سازی فعالیتهای اقتصادی، تأثیری متوسط به بالا دارد. همچنین، سطح معنی داری آزمون (sig) در گویه‌های "وجود دریاچه زیربار جهت

گردشگری، صیادی" و "دسترسی به نیروهای متخصص و باتجربه در مریوان از ۰/۰۵ بیشتر شده است و به عبارت دیگر معنادار نیستند. نمودار مربوط به میانگین بدست آمده برای هر یک از عوامل مربوط به آن‌ها در شکل‌های ۳، ۴، ۵ و ۶ مشاهده می‌شود. مواردی که با رنگ قرمز مشخص شده میانگین کمتر از ۳ دارند.



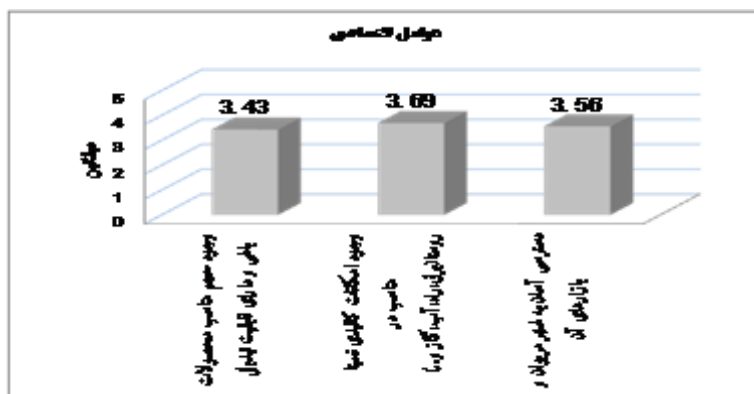
شکل ۳- مقایسه میانگین توان‌های محیطی منطقه

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹



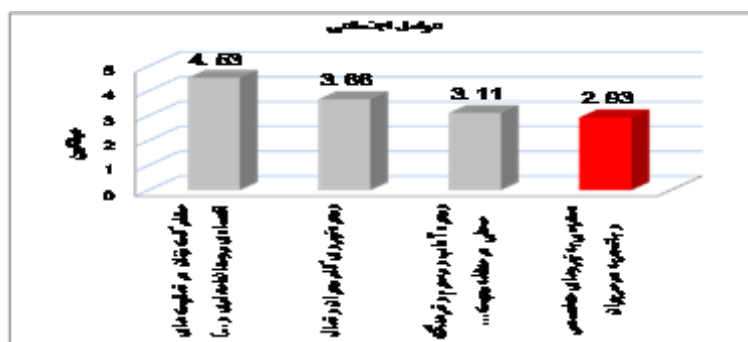
شکل ۴- مقایسه میانگین موقعیت مرزی منطقه

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹



شکل ۵- مقایسه میانگین توان‌های اقتصادی منطقه

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹



شکل ۶- مقایسه میانگین توان‌های اجتماعی منطقه

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

با انجام مراحل فوق، شاخص‌های برتر و مؤثر در هر یک از عوامل طبیعی (توان‌های محیطی)، موقعیت مرزی، عوامل اقتصادی و اجتماعی در متنوع‌سازی اقتصاد روستایی مشخص گردید. در ادامه با استفاده از آزمون رتبه‌بندی فریدمن به بررسی رتبه اهمیت در هر یک از عوامل طبیعی، موقعیت مرزی، عوامل اقتصادی و اجتماعی در متنوع‌سازی اقتصاد روستایی پرداخته می‌شود. فرضیه آزمون رتبه‌بندی فریدمن با توجه به فرضیه مورد آزمون در این پژوهش به صورت زیر می‌باشد.

H0: نمی توان بین عوامل مؤثر در متنوع سازی اقتصاد روستایی منطقه اولویت بندی انجام داد.

H1: می توان بین عوامل مؤثر در متنوع سازی اقتصاد روستایی منطقه اولویت بندی انجام داد.

لازم به ذکر است که منظور از عوامل مؤثر، عوامل طبیعی (توان های محیطی)، موقعیت مرزی، عوامل اقتصادی و اجتماعی می باشد. رد فرضیه صفر (H_0) به این مفهوم است که می توان بین عوامل مؤثر در متنوع سازی اقتصاد روستایی منطقه اولویت بندی انجام داد. پس از رد فرضیه صفر جهت اولویت بندی عوامل مؤثر در متنوع سازی اقتصاد روستایی از مقادیر مربوط به میانگین رتبه ها استفاده خواهد شد. نتایج آزمون در جداول شماره ۵ و ۶ نشان داده شده است.

جدول ۵- نتایج آزمون رتبه بندی فریدمن

مأخذ: یافته های تحقیق، ۱۳۹۹

آماره خی دو	سطح معنی داری (sig)
۱۵۰/۴۷	۰/۰۰۰

بر اساس جدول ۵، مقدار آماره خی دو برابر با ۱۵۰/۴۷ می باشد و سطح معنی داری آزمون برابر با ۰/۰۰۰ است که از ۰/۰۱ کمتر می باشد. بنابراین، با اطمینان ۹۹ درصد فرضیه H_0 رد می شود. به عبارت دیگر، می توان بین عوامل مؤثر در متنوع سازی اقتصاد روستایی منطقه اولویت بندی انجام داد. به منظور اولویت بندی عوامل مؤثر در متنوع سازی اقتصاد روستایی از مقادیر مربوط به میانگین رتبه ها در جدول شماره ۶، استفاده می شود.

جدول ۶- میانگین رتبه عوامل مؤثر در متنوع سازی اقتصاد روستایی

مأخذ: یافته های تحقیق، ۱۳۹۹

عوامل مؤثر در متنوع سازی اقتصاد روستایی	میانگین رتبه
موقعیت مرزی	۳/۰۳
توان های محیطی	۲/۷۹
عوامل اقتصادی	۲/۱۱
عوامل اجتماعی	۲/۰۷

مطابق جدول ۶، میانگین رتبه برای عوامل "موقعیت مرزی" و "توان‌های محیطی" به ترتیب برابر با ۳/۰۳ و ۲/۷۹ می‌باشد که از سایر عوامل در متنوع‌سازی اقتصاد روستایی منطقه، بیشتر است. بنابراین، می‌توان گفت توان‌های محیطی و موقعیت مرزی، بیش از سایر عوامل (عوامل اقتصادی و اجتماعی) در متنوع‌سازی اقتصاد روستایی منطقه نقش دارند و فرضیه تحقیق تأیید می‌شود.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

اصولاً فعالیت اکثر روستاییان کشور، کشاورزی است. عدم وجود تنوع در فعالیت‌ها، یکی از ویژگی‌های این ساختار اقتصادی است. عدم وجود تنوع در فعالیت‌های اقتصادی روستاییان را می‌توان یکی از عوامل بسیار مؤثر در وجود بیکاری فزاینده، کمبود درآمد، مهاجرت روستاییان به شهرها، پایین بودن میزان تولید، عدم استفاده بهینه از منابع و مشکلات دیگر دانست که در نهایت موجبات ناپایداری روستاها را فراهم می‌کند. روستاهای مرزی شهرستان مریوان، با توجه به قرارگیری در نزدیکی مرز بین المللی عراق، دارای ویژگی‌های خاصی است که با دیگر نقاط روستایی متفاوت است. فعالیت‌های اقتصادی این روستاها همچنان سستی باقیمانده و تنوع چندانی در آن‌ها مشاهده نمی‌شود. از گذشته تاکنون نیز با توجه به مرزی بودن این منطقه، ساکنان روستایی آن به شکل‌های مختلف به فعالیت قاچاق کالا مشغول بوده و از این طریق به کسب درآمد پرداخته‌اند. طی سال‌های اخیر، با توجه به تشدید کنترل مرزها در کشور و انسداد فیزیکی مرز این منطقه، میزان قاچاق کالا به شدت پایین آمده و پیامدهایی مانند بیکاری و کاهش شدید درآمدهای ساکنان روستایی این منطقه را به دنبال داشته است. با توجه به اینکه جایگزینی برای این فعالیت غیرمجاز تعریف نشده است، باعث ضعیف‌تر شدن اقتصاد روستاییان شده است. این ساختار ضعیف اقتصادی موجب شده است که روستاییان این منطقه با مشکلات عدیده‌ای مواجه شوند که در نهایت می‌تواند موجب کاهش جمعیت این روستاها و تخلیه بسیاری از روستاهای این منطقه مرزی شود. به طور معمول، تخلیه نواحی مرزی از جمعیت، ناامنی را به دنبال داشته که اثرات آن حتی در سطح ملی نیز قابل مشاهد خواهد بود؛ لذا با توجه به بروز این مسائل، راهبرد متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی به‌عنوان راهبردی مناسب که بسیاری از اندیشمندان و سازمان‌های بین‌المللی از جمله بانک جهانی بر آن تأکید می‌کنند، جهت تغییر این ساختار اقتصادی و

حرکت به سمت توسعه پایدار اقتصادی در روستاهای این منطقه پیشنهاد می شود. نتایج تحقیق حاکی نشان می دهد:

- شغل اکثر پاسخ گویان، کشاورزی است که این نشان دهنده غلبه بخش کشاورزی در اشتغال و اقتصاد این منطقه و پایین آمدن شدید فعالیت قاجاق تحت تاثیر انسداد مرز است.

- مشخص شد که تنوع بخشی به فعالیت های اقتصادی در روستاهای منطقه، موجب افزایش فرصت های شغلی شده و در صورت ادامه این روند، موجب بهبود اشتغال روستایی خواهد شد.

- در نهایت، عوامل مؤثر در متنوع سازی فعالیت های اقتصادی، در چهار دسته اقتصادی، اجتماعی، طبیعی و موقعیت مرزی طبقه بندی شد که در نهایت برای روستاها، یک طبقه بندی از نظر عوامل مؤثر در متنوع سازی در روستاهای نمونه براساس نظرات پاسخ گویان ارائه شد. میانگین رتبه برای عوامل "موقعیت مرزی" و "توان های محیط" به ترتیب برابر با ۳/۰۳ و ۲/۷۹ بدست آمد که از سایر عوامل در متنوع سازی اقتصاد روستایی منطقه، بیشتر است. بنابراین، می توان گفت توان های محیطی و موقعیت مرزی، بیش از سایر عوامل (عوامل اقتصادی و اجتماعی) در متنوع سازی اقتصاد روستایی منطقه نقش دارند؛ لذا لزوم توجه به این عوامل و برنامه ریزی برای آنها و نیز توجه بیش از پیش به این منطقه با توجه به اهمیت مناطق مرزی و لزوم حفظ جمعیت این مناطق جهت افزایش امنیت منطقه و کشور، به شدت ضروری به نظر می رسد. نتایج تحقیق با تحقیق پیراس، بوتنارنکو، ماسوتی و ویتواری (۲۰۲۱) که اشاره کرده اند که کشاورزان تمایل به متنوع سازی فعالیت هایشان در خارج از مزرعه دارند، هم خوانی دارد؛ چرا که در منطقه مورد مطالعه نیز روستاییان با کاهش درآمد کشاورزی، به فعالیت های اقتصادی شان، تنوع داده اند. همچنین، با توجه به اینکه تنوع بخشی در فعالیت های اقتصادی در منطقه باعث افزایش فرصت های شغلی شد، با نتایج تحقیق کریم زاده، ولایی و منافعی آذر (۱۳۹۵) که اشاره کرده اند تنوع بخشی به فعالیت های اقتصادی موجب افزایش فرصت های شغلی شده است، هم خوانی دارد. در ادامه پیشنهاد های لازم می شود:

۱- بهبود راه های ارتباطی منطقه به ویژه راه مرز بین المللی باشماق جهت صادرات محصولات.

۲- ارائه آموزش های فنی و حرفه ای، ترویجی، غیرزراعی و ... به روستاییان برای ایجاد تنوع در فعالیت های اقتصادی و بهره گیری از روش های نوین.

۳. گسترش فعالیت‌های گردشگری و ایجاد زیرساخت‌های مناسب برای آن به‌ویژه در زمینه طبیعت گردی و گردشگری فرهنگی.

۴- توجه بیشتر دولت در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه و اختصاص بودجه جداگانه به مناطق مرزی.

۵- ارائه تسهیلات و وام‌های مختلف به روستاییان این منطقه جهت تنوع‌بخشی به فعالیت‌هایشان.

۶- ایجاد و تقویت تشکلهای تعاونی در این روستاها با توجه به عدم حضور این تشکلهای آنها.

۷- توجه به گسترش فعالیت‌های صنایع دستی (مانند گیوه بافی) در روستاهای منطقه.

کتاب‌نامه

۱. امینی، ع.، دهانی، م.، و فیضی، ش. (۱۴۰۰). ارزیابی تأثیر موقعیت مرزی بر پایداری توسعه در نواحی روستایی (مورد مطالعه: مناطق روستایی بخش مرزی بَم پشت از توابع شهرستان سراوان). *جغرافیا و توسعه*، ۶۲، ۲۹۴-۲۷۱.
۲. بانک جهانی. (۱۳۸۴). *راهنمای توسعه روستایی، رویکرد نوین بانک جهانی*. تهران: مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
۳. بهار، آ.، یوسفی، ع. ا.، و حمزه‌زاده، ن. (۱۳۹۸). نقش متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی در توسعه پایدار روستایی، نمونه موردی: روستای خانقاه مهاباد. *ششمین کنفرانس بین‌المللی مهندسی عمران، معماری و محیط زیست*، ۲۹ خرداد ۱۳۹۸. استکهلم، سوئد.
۴. تقدیسی، ا.، کرشاهی، س.، و شایان، م. (۱۳۹۷). رویکرد متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی در دستیابی به توسعه پایدار روستایی، مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان دره‌شهر. *جغرافیا و روابط انسانی*، ۱(۲)، ۶۲۲-۶۰۸.
۵. توکلی، م.، احمدی، ش.، و فاضل‌نیا، غ. (۱۳۹۵). تحلیل عوامل مؤثر بر معیشت روستایی (بررسی موردی: روستاهای شهرستان سردشت). *جغرافیا و برنامه‌ریزی*، ۲۰(۵۸)، ۸۱-۶۳.
۶. جوان، ج.، شایان، ح.، نوغانی، م.، و قاسمی، م. (۱۳۹۰). *پایدارسازی جمعیتی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان مشهد- باتاکید بر رویکرد متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی*. *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، ۹(۱)، ۱۴۴-۱۲۶.

۷. سجاسی قیداری، ح.ا.، صادقلو، ط.، و شکوری فرد، ا. (۱۳۹۵). سنجش سطح دارایی های معیشتی در مناطق روستایی با رویکرد معیشت پایدار (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان تایباد). پژوهش و برنامه ریزی روستایی، ۵(۱)، ۱۹۷-۲۱۶.
۸. شهرکی، م.، و شریف زاده، م. (۱۳۹۳). ارزیابی جایگاه آبریز پروری در معیشت پایدار کشاورزان شهرستان زاهدان. پژوهش های روستایی، ۶(۱)، ۹۷-۱۱۶.
۹. عنابستانی، ع.ا.، طیب نیا، س.ه.، شایان، ح.، و رضوانی، م. ر. (۱۳۹۳). فصل نامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۳(۴)، ۸۷-۱۱۱.
۱۰. کریم زاده، ح.، ولایی، م.، و منافی آذر، ر. (۱۳۹۵). نقش تنوع بخشی به فعالیت ها در پایداری اقتصاد روستایی (مطالعه موردی: دهستان مرحمت آباد میانی، شهرستان میاندوآب). مجله آمایش جغرافیایی فضا، ۶، ۱۲۹-۱۴۱.
۱۱. کریمی، ک.، و دهکردی، ا. (۱۳۹۴). بهره برداری از مراتع و لزوم متنوع سازی معیشت خانوارهای روستایی (مطالعه موردی: شهرستان ماهنشان). پژوهش های روستایی، ۶(۲)، ۳۶۸-۳۴۳.
۱۲. محمدی، س.، و شهبازی، س. (۱۳۹۹). نقش تنوع فعالیت های اقتصادی در کیفیت زندگی مهاجران بازگشته به روستاها، مورد: روستاهای غرب شهرستان مریوان. فصل نامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۹(۳)، ۱۶۴-۱۴۱.
۱۳. مرکز آمار ایران. (۱۳۸۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵. بازیابی از www.amar.org.ir
۱۴. نجفی کانی، ع.ا. (۱۳۹۸). چالش ها و تگناهای توسعه اقتصادی در نواحی روستایی (مورد: روستاهای بخش داشلی برون شهرستان گنبدکاووس). اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۸(۳)، ۱۵۱-۱۶۸.
۱۵. یاسوری، م.، و جوان، ف. (۱۳۹۴). تحلیل محدودیت های تنوع بخشی اقتصاد روستایی (مورد: دهستان اشکور علیا). فصل نامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۴(۳)، ۳۷-۱۹.

16. Abbeam, G., Dagunga, G., & Ehiakpor, D. S. (2020). Rural non-farm income diversification: implications on smallholder farmers' welfare and agricultural technology adoption in Ghana. *Journal of Heliyon*, 6(11), 1-11.
17. Asian Development Bank. (2011). *can skill diversification improve welfare in rural areas? Evidence from the rural skills development project in Bhutan*. Natalie Chun and Makiko Watanabe, No. 260, ADB Economics Working Paper Series.

18. Bright, H., Davis, J., Janowski, M., Low, A., & Pearce, D. (2000). *Rural non-farm livelihoods in Central and Eastern Europe and Central Asia and the reform process: A literature review*. Retrieved from <http://www.nri.org/rnfe/index.html>
19. Brower, C. (2004). *Sustainable development: Exploring the contradictions*, New York: Methuen.
20. Démurger, S., Fournier, M., & Yang, W (2010). Rural households' decisions towards income diversification: Evidence from a Township in northern China. *China Economic Review*, 21, 32-44.
21. Ersado, L. (2006). *Income diversification in Zimbabwe: Welfare implications from urban and rural areas*. World Bank policy research working paper 3964.
22. Memon, M., Ali, M., & Khalil, S. (2020). Determinants of income diversification in flood - prone rural Pakistan. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 50, 1-8.
23. Mosley, A. (2002). Sustainable development: Differing perspectives of ecologists' and economics and relevance to LDCs. *World Development*, 16(3), 373-384.
24. Nguyen, H. Q. (2017). Analyzing the economies of crop diversification in rural Vietnam using an input distance function. *Agricultural Systems*, 153, 148-156.
25. Piras, S., Botnarenco, S., Masotti, M., & Vittuari, M. (2021). Post-Soviet smallholders between entrepreneurial farming and diversification: Livelihood pathways in rural Moldova. *Journal of Rural Studies*, 82, 315-327.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

doi : <https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2021.50462.0>

مقاله پژوهشی - مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال نوزدهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۳۶

تحلیل اثرات توانمندی اجتماعی بر بهبود مشارکت سیاسی زنان روستایی (مطالعه موردی: شهرستان تبریز)

وکیل حیدری ساریان (استاد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، گروه جغرافیا، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران)

vheidari56@gmail.com

صص ۱۷۵ - ۱۴۵

چکیده

توانمندسازی زنان مطلقاً پدیده جدیدی نیست. در طول تاریخ بشریت در تمامی کشورهای جهان به دلایل متعددی بحث توانمندسازی زنان مطرح بوده است. چیزی که امروزه توانمندسازی زنان را از گذشته متمایز می‌سازد، تغییر و جابه‌جایی از تمرکز بر توسعه و ارتقای رفاه اجتماعی زنان به تمرکز بر توانمندسازی آنان بر بهبود مشارکت سیاسی از منظر سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در عصر حاضر است. هدف این مقاله تبیین اثرات توانمندسازی اجتماعی بر بهبود مشارکت سیاسی زنان روستایی شهرستان تبریز است. این تحقیق از نوع کاربردی و به روش تحلیلی-تبیینی است که با استفاده از روش پیمایش انجام شده است. در این تحقیق روش گردآوری داده‌ها برای پاسخ‌گویی به سؤالات تحقیق، به دو صورت (اسنادی) و پیمایشی (داده‌های اولیه) و ابزار مورد استفاده در روش پیمایشی پرسش‌نامه بوده است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، شامل کل زنان روستایی بالای ۱۵ سال ساکن در مناطق روستایی شهرستان تبریز می‌باشد ($N=31204$) که از این بین تعداد ۳۸۰ نفر با استفاده از فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده

به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. روایی صوری پرسش نامه توسط پانل متخصصان مورد تأیید قرار گرفت. مطالعه راهنما در منطقه مشابه جامعه آماری با تعداد ۳۰ پرسش نامه صورت گرفت و با داده‌های کسب شده و استفاده از فرمول ویژه کرونباخ آلفا در نرم افزار SPSS، پایایی بخش‌های مختلف پرسش نامه تحقیق ۰/۷۸ الی ۰/۸۹ بدست آمد. نتایج تحقیق نشان داد که به جز متغیرهای تعاون اجتماعی و تعامل اجتماعی، بین تمامی متغیرهای توانمندسازی اجتماعی (مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، رضایتمندی اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش مندی اجتماعی) با بهبود مشارکت سیاسی زنان روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد. در کل، با مددگیری از یافته‌های تحقیق می‌توان با ارتقای مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، رضایتمندی و مسئولیت‌پذیری زمینه مشارکت سیاسی زنان روستاییان روستایی را بهبود بخشید تا آنان به عاملیت و آمریت فردی در تعیین سرنوشت اجتماعی خودشان پی برده و به تداوم آن همت بگذارند.

کلیدواژه‌ها: مشارکت، مشارکت سیاسی، توانمندسازی اجتماعی، توسعه اجتماعی، توسعه روستایی، شهرستان تبریز.

۱. مقدمه

پایگاه زنان، در جامعه ایران در چند دهه اخیر تحولاتی را تجربه کرده است. انبوه زنان که غالباً در جامعه ایران در حاشیه مناسبات اجتماعی و سیاسی نگه داشته شده بودند، با افزایش سطح سواد و گسترش آموزش عالی به ارتقای توانمندی‌های خود دست یافته‌اند و هم‌اکنون طالب سهم بیش‌تری از مدیریت سیاسی جامعه‌اند.

گفتنی است انگیزه محقق در پرداختن به این تحقیق به این خاطر است که نیمی از جمعیت ساکن در مناطق روستایی را زنان تشکیل می‌دهند و باید به نسبت جمعیت خود در سیاست حضور داشته باشند و از این رو تقویت مشارکت سیاسی زنان روستایی یک موضوع سرنوشت‌ساز برای توسعه اجتماعی مناطق روستایی است، هرچه روی‌آوری به آن کندتر و شکل ایجاد آن ناقص‌تر باشد، تاریخ توسعه مناطق روستایی و متعاقب آن توسعه ملی به تأخیر

می‌افتد و با تقویت مشارکت سیاسی زنان روستایی است که زمینه‌های توسعه پایدار روستایی شکل می‌گیرد و مطالعات متعدد گویای این واقعیت است که زنان روستایی صرف نظر از فضای اجتماعی و فرهنگی که در آن به سر می‌برند، مشکلات مشترک زیادی اعم از اعتماد به نفس پایین، تلقی منفی از خود و سایر عوامل روان‌شناختی دارند که از شرایط مناطق روستایی که در آن زندگی می‌کنند، ناشی می‌شوند و بخشی از مشکلات زنان در زمینه مشارکت سیاسی را تشکیل می‌دهد. از این رو، برای غلبه بر این مشکلات ساختاری، نهادی، اجتماعی، روان-شناختی و غیره، فرآیند توانمندی اجتماعی نقش مهمی در بهبود مشارکت سیاسی زنان روستایی بازی می‌کند (حیدری ساریان، ۱۳۹۷، ص. ۲۴۱). توانمندسازی اجتماعی زنان روستایی، تلاشی برای ارتقای سطح اجتماعی و فرهنگی آنان است؛ زیرا از طریق این نوع توانمندسازی، زنان روستایی از موقعیتی که در آن در تصمیم‌گیری‌ها بی‌تأثیر بوده‌اند، به موقعیتی می‌رسند که در آن به طور فعال در تصمیمات سیاسی نقش دارند و بر خروجی آن تأثیر می‌گذارند. افزون بر این، توانمندسازی اجتماعی، بستر کسب مهارت‌های لازم به منظور دستیابی به خواسته‌ها و نیازهای درونی زنان روستایی را فراهم می‌سازد، به طوری که آن‌ها بر شرم بی‌مورد خود فائق آیند، کردار و گفتارشان حاکی از اعتماد به نفس و اطمینان خاطر باشد، قادر به ارزیابی صحیح و شناخت واقعی خویش باشند، به استعدادها و محدودیت‌های درونی خویش آگاه باشند، قدرت رویارویی با دشواری‌ها را داشته باشند و از توانایی و قابلیت لازم در راستای نیل به مشارکت سیاسی بهره‌مند گردند. البته نباید این نکته فراموش شود که به طور متقابل مداخله زنان روستایی در عرصه و سپهر سیاسی و نیز تقویت نقش آنان در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها به مثابه ابزار مهمی است که به بهبود استانداردهای عملکرد سیاسی ختم می‌شود.

بر همین اساس، شناسایی عوامل و عناصر توانمندسازی اجتماعی از پیش شرط‌های اساسی در جهت برنامه‌ریزی برای بهبود مشارکت سیاسی زنان روستایی به شمار می‌رود و نقش بالایی در برنامه‌ریزی راهبردی دولت‌ها در مناطق روستایی خواهد داشت. با توجه به موارد اشاره‌شده، هدف اساسی این مطالعه با توجه به نیاز مناطق روستایی در جهت بهبود مشارکت سیاسی، بررسی اثرات توانمندسازی اجتماعی بر بهبود مشارکت سیاسی در بین زنان روستایی

شهرستان تبریز می‌باشد. همچنین بررسی‌ها و مطالعات میدانی نگارندگان در مناطق روستایی شهرستان تبریز حاکی از این واقعیت است که وضعیت مشارکت سیاسی زنان با وجود اقدامات انجام‌شده در این شهرستان هنوز در سطح پایینی قرار دارد که به نظر می‌رسد که بخش زیادی از این مشکل ناشی از پایین بودن توانمندی‌های اجتماعی زنان روستایی شهرستان تبریز است؛ زیرا این امکان وجود دارد که با توانمندسازی اجتماعی زنان روستایی از طریق تقویت مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، رضایتمندی اجتماعی، تعاون اجتماعی، تعامل اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش‌مندی اجتماعی بتوان به بهبود مشارکت سیاسی آنان در مناطق روستایی شهرستان تبریز مساعدت نمود (حیدری ساربان، ۱۳۶۹، ص. ۱۵۹). و از آن جایی یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار توانمندسازی اجتماعی بر مشارکت سیاسی زنان روستایی اعتماد اجتماعی می‌باشد باید گفت که اعتماد متقابل به همدیگر سبب می‌شود که زنان روستایی شهرستان تبریز در فعالیت‌های مختلف و به مناسبات متعدد دور هم جمع شوند، ذخیره دانایی، دانش، اطلاعات، معرفت‌اندوزی و حتی فضائل اخلاقی و توانمندی‌های روانی خود را به اشتراک بگذارند، از یکدیگر یاد بگیرند، تحت تأثیر القات مثبت همدیگر قرار بگیرند و توانمندی‌های فردی، اجتماعی، روان‌شناختی، اقتصادی، مدیریتی و نهادی خودشان را ارتقا بخشند. واضح است که این امر زمینه مشارکت آنان را بالا برده و به توسعه پایدار روستایی مدد می‌رساند. همچنین از زاویه تأثیر مشارکت اجتماعی بر توانمندسازی اجتماعی زنان روستایی این نکته حایز اهمیت است که مشارکت اجتماعی زنان روستایی شهرستان تبریز به مشارکت سیاسی آنان ختم می‌شود و دلیل آن در این نکته نهفته است که مشارکت اجتماعی در عرصه اقتصاد، محیط زیست و فعالیت‌های مدنی و سایر فعالیت‌ها به بهبود مشارکت سیاسی ختم می‌شود؛ زیرا مشارکت در عرصه‌های دیگر، نخست، زنان روستایی را به این مهم رهنمون می‌شود که مشارکت آنان چه میزان در هدایت توسعه روستایی از منظر عاملیت و آمریت فردی تأثیرگذار است و از آن مهم‌تر اینکه، جهت تسهیل و تسریع این روند باید به‌عنوان کنش‌گران و فعالان سیاسی وارد عرصه بشوند و اینکه، حداقل در انتخابات مجلس، ریاست جمهوری و شورای‌های اسلامی روستا که تأثیر تعیین‌کننده‌ای در تعیین سرنوشت خودشان دارد وارد عرصه شوند و توسعه روستایی را محقق

سازند (حیدری ساربان، ۱۳۹۸، ص. ۱۱۵). مضاف بر این، از دیگر مؤلفه‌های تأثیرگذار توانمندسازی اجتماعی در بهبود مشارکت سیاسی زنان روستایی مؤلفه انسجام اجتماعی می‌باشد؛ به این دلیل که اگر پیوندهای موجود بین زنان روستایی و سرشیم و ملاط اجتماعی آنان پایین باشد و اگر گسیختگی اجتماعی در سطح بالایی قرار داشته باشد و اگر زنان روستایی متمیزه شوند و مانند مولکول‌های هوا در عین مجاورت با همدیگر هیچ‌گونه تماس و ارتباطی با همدیگر نداشته باشند، طبیعی است که در این وضعیت میزان مشارکت سیاسی زنان روستایی شهرستان تبریز به پایین‌ترین حد خود تنزل می‌کند؛ یعنی زنان روستایی شهرستان تبریز زمانی به مشارکت سیاسی می‌اندیشند که این اندیشه را در ذهن پیوراندند که سرشت و سرنوشت مشترک دارند و همگی در یک کشتی نشسته‌اند و هیچ‌کس قایق زاپاس جهت نجات خود در مواقع بحرانی ندارد و اگر این کشتی روزی غرق شود همگان غرق می‌شوند نه یک فرد و یا یک جمع خاصی و اگر این احساس نباشد دیگر مشارکت سیاسی بیش‌تر به یک افسانه می‌ماند تا یک واقعیت (حیدری ساربان، ۱۳۹۸، ص. ۹۸). علاوه بر این، از دیگر مؤلفه‌های تأثیرگذار توانمندسازی اجتماعی در بهبود مشارکت سیاسی زنان روستایی مؤلفه رضایتمندی می‌باشد. در این خصوص ذکر این نکته حیاتی است که مشارکت سیاسی زمانی از قوه به فعل درمی‌آید که میزان رضایتمندی زنان روستایی شهرستان تبریز بالا باشد. به سخن دیگر، آنان خوش‌بین و امیدوار باشند و تاب‌آوری آنان در حد قابل قبولی باشد آنان از آزادی بیان و بنان برخوردار باشند و چنین نپندارند که با آنان به‌عنوان شهروند درجه دو و یا سه برخورد می‌شود، فعالیت‌های اجتماعی آنان با موانعی روبرو نشود، دچار تبعیض جنسیتی نباشند و نظام پدرسالاری تنها نظام در مناسبات اجتماعی نباشد. در کل، اگر زنان روستایی شهرستان تبریز از حقوق مساوی در عرصه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، مدیریتی برخوردار باشند میزان رضایتمندی آنان بالا رفته و متعاقب آن میزان مشارکت سیاسی آن نیز بالا می‌رود؛ چون به عاملیت و آمریت خودشان پی می‌برند و تأثیرگذاری خود را در جامعه روستایی درک کرده و به دنبال آن احساس رضایتمندی بالایی نصیب آن‌ها می‌شود. در این راستا سؤال اصلی این پژوهش بدین گونه مطرح می‌شود که آیا بین توانمندسازی

اجتماعی و بهبود مشارکت سیاسی زنان در مناطق روستایی شهرستان تبریز رابطه معنی‌داری وجود دارد؟

۲. پیشینه پژوهش

تاکنون مطالعات چندی در خصوص مشارکت سیاسی با تکیه بر عوامل اجتماعی مترتب بر آن صورت گرفته که در ذیل به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود.

نتایج مطالعات نجات و همکاران، در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی» بیان‌گر تأثیر مستقیم و معنادار سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (حمایت اجتماعی، حمایت مدنی و مشارکت مدنی) بر مشارکت سیاسی می‌باشد (نجات و همکاران، ۱۳۹۳، صص. ۱۷۸-۱۷۶). نتایج مطالعات مرادی و همکاران، در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با مشارکت سیاسی جوانان» نشان داد که پنج متغیر اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، گرایش مذهبی و عضویت در نهادها و تحصیلات در بهبود مشارکت سیاسی جوانان تأثیرگذار است (مرادی و همکاران، صص. ۳۳-۳۰). چابکی، در پژوهش خود با عنوان «مشارکت سیاسی و جنسیت» دریافت که زنان نسبت به مردان علاقه کمتری به فعالیت‌های سیاسی دارند (چابکی، ۱۳۸۳، صص. ۱۱۰-۱۰۹). نتایج تحقیق دارابی، با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان در استان همدان» حاکی از این واقعیت است که بین مشارکت سیاسی زنان و متغیرهای سرمایه اجتماعی، موقعیت طبقاتی، وسایل ارتباط جمعی، تجربه مشارکت سیاسی و اثربخشی سیاسی رابطه وجود دارد (دارابی، ۱۳۹۴، صص. ۸۴-۵۷). نتایج مطالعات هاشمی، در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان» نشان داد که وضعیت تاهل، اعتماد سیاسی، خانواده سیاسی، میزان تقید مذهبی و تمایل به کسب قدرت و مقام در مشارکت سیاسی زنان مؤثر است (هاشمی، ۱۳۹۴، صص. ۱۰۱-۸۷). نتایج مطالعات معتضدرداد و سپهوند، در تحقیقی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی» گویای این واقعیت است که همبستگی معناداری بین متغیرهای اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، رسانه‌های جمعی و جنسیت با متغیر مشارکت سیاسی دارد (معتضدرداد و سپهوند، ۱۳۹۲، صص. ۶۷-۶۵). نتایج

مطالعات احمدی و رضایی، در مقاله‌ای با عنوان «رابطه رفاه اجتماعی با مشارکت سیاسی معلمان» نشان داد که رفاه اجتماعی تأثیری مستقیم و معنادار بر مشارکت سیاسی دارد (احمدی و رضایی، ۱۳۹۴، صص. ۲۳۴-۲۳۲). حیدری ساریان، در تحقیقی با عنوان «عوامل بهبود مشارکت سیاسی از دیدگاه روستاییان» دریافت که مهم‌ترین عوامل بهبود مشارکت سیاسی از دیدگاه روستاییان در منطقه مورد مطالعه شامل چهار مؤلفه (بهبود زیست سیاسی و یادگیری اجتماعی، بهبود زیست اجتماعی و شبکه‌سازی، شکوفایی اقتصادی و اعتمادسازی، بهبود زیست محیطی و تقویت انگیزش) است (حیدری ساریان، ۱۳۹۶، ص. ۱۵۹). نتایج مطالعات مولاین محمد، در تحقیقی با عنوان «تصمیم‌گیری و مشارکت سیاسی زنان در سومالی»، نشان داد که زنان در فرآیند رهبری، تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در کشور سومالی نقش چندانی ایفا نمی‌کنند (مولاین محمد^۱، ۲۰۱۸، ص. ۵). بامان و همکاران، در یافته‌های خود به این نتیجه رسیدند که رضایتمندی و احساس حق تعیین سرنوشت عامل مهمی در بهبود مشارکت سیاسی زنان روستایی محسوب می‌شود. به این دلیل که احساس حق تعیین سرنوشت توسط زنان روستایی به عنوان کاتالیزور عمل کرده و آنان را به مشارکت در فعالیت‌های سیاسی سوق می‌دهد (بامان^۲ و همکاران، ۲۰۱۴، صص. ۹۰۲-۹۰۱). به زعم الیاس^۳، بین تقویت اعتماد اجتماعی و تعامل اجتماعی زنان روستایی با بهبود مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد (الیاس^۴، ۲۰۱۴، ص. ۵۲۹). به عقیده آگباباجوبی^۵، ارزش‌مندی اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی از متغیرهای تأثیرگذار در بهبود مشارکت سیاسی زنان روستایی محسوب می‌شود (آگباباجوبی^۶، ۲۰۱۵، صص. ۷۷-۸۰). از منظر پیرینی^۷، بهبود مشارکت سیاسی زنان روستایی تابعی از تقویت رضایتمندی اجتماعی، تعاون اجتماعی و انسجام اجتماعی می‌باشد (پیرینی^۸ و همکاران، ۲۰۱۳، صص. ۹۹-۱۰۱). مطابق یافته‌های پترسون^۹ و همکاران، بین توانمندسازی اجتماعی و بهبود مشارکت سیاسی زنان روستایی رابطه وجود دارد (پترسون^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۵، ص.

1. Molin Mohamed

2. Baman

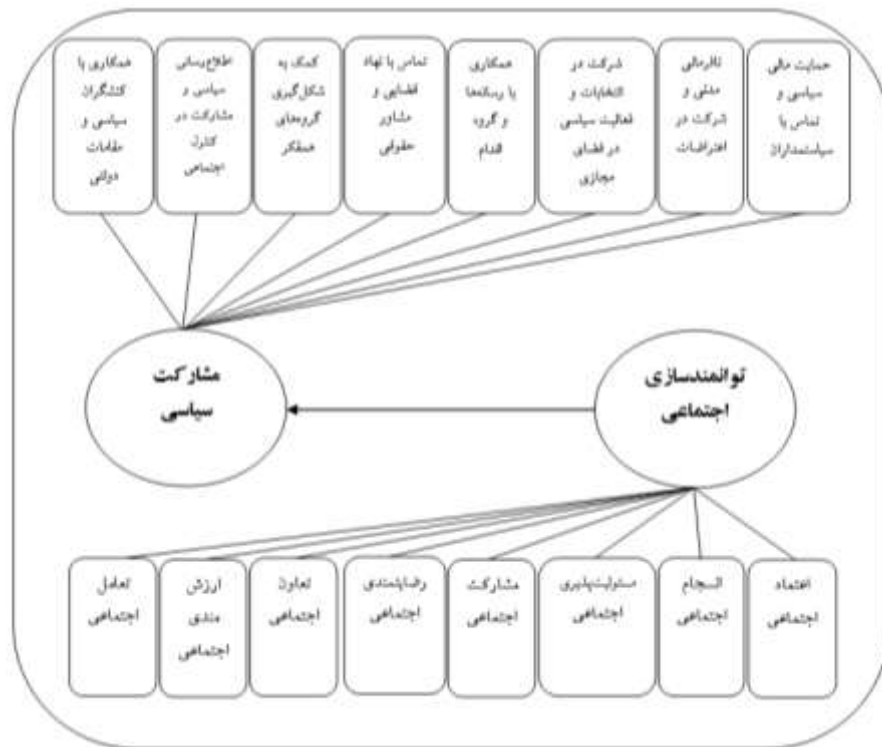
3. Elias

4. Agbabajobi

5. Pirini

6. Peterson

۲۹۰). در نهایت، اکسو و همکاران، در مطالعات خود دریافتند که زنان روستایی با ارتقای توانمندی‌های اجتماعی به واسطه تقویت شاخص‌های رضایتمندی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، تعاون اجتماعی و تعامل اجتماعی در فعالیت‌های سیاسی بیش‌تر مشارکت کرده و متعاقب آن به توسعه پایدار مناطق روستایی شتاب بیش‌تری می‌بخشند (اکسو^۱ و همکاران، ۲۰۱۴، صص. ۵۶۵-۵۶۲). بررسی و واکاوی مطالعات انجام‌شده در خصوص تحقیق حاضر نشان می‌دهد که در مطالعات انجام‌شده بیش‌تر به توصیف و اندکی به تبیین مبادرت شده است و تجویز کلاً به بوتۀ فراموشی سپرده شده است، این در حالی است که در تحقیق حاضر به هر سه مقولۀ توصیف، تبیین و تجویز مبادرت شده است. از همه مهم‌تر اینکه در سطح کشور اصلاً ارتباط بین دو متغیر توانمندسازی اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان روستایی مطالعه و بررسی نشده است. از این‌رو، این تحقیق دارای نقاط قوتی است که می‌تواند بستر و زمینه مطالعات بعدی را هموار سازد تا محققان و پژوهش‌گران به دلیل اهمیت مشارکت سیاسی زنان به آن مبادرت ورزیده و مکانیزم توانمندسازی را در نیل به آن در اولویت قرار دهند. در خاتمه، با توجه به مرور ادبیات و پیش‌نگاشته‌های موضوع، مدل مفهومی پژوهش در شکل (۱)، به نمایش درآمده است.



شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق

مأخذ: نگارنده، ۱۳۹۷

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر، با هدف کلی «تبیین اثرات توانمندسازی اجتماعی بر بهبود مشارکت سیاسی زنان روستایی شهرستان تبریز»، در سال ۱۳۹۶ صورت گرفته است. همچنین، تحقیق حاضر، از نوع کاربردی و به روش تحلیلی و تبیینی بوده و به روش جمع آوری اطلاعات بر اساس مطالعه اسنادی، کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی انجام شده است. جهت جمع آوری اطلاعات، از طریق پرسش نامه به زنان بالای ۱۵ سال ساکن در مناطق روستایی شهرستان تبریز که جامعه آماری تحقیق را شامل می شود، مراجعه شد که در این بین، تعداد کل زنان روستایی بالای ۱۵ سال شهرستان تبریز (۳۱۲۰۴) نفر برآورد شد. علاوه بر این، جهت تعیین حجم

نمونه زنان ساکن در مناطق روستایی شهرستان تبریز از فرمول کوکران^۱ استفاده شد و در نهایت، حجم نمونه تعداد روستاییان (۳۸۰) نفر تعیین شد. داده‌های خام برای اندازه‌گیری شاخص‌ها از طریق مصاحبه، مشاهده، پرسش‌نامه و اسناد و مدارک گردآوری گردید. همچنین از طریق ابزار پرسش‌نامه، مؤلفه‌های توانمندسازی اجتماعی به کمک ۵۸ سؤال بسته مورد سنجش قرار گرفت و برای امتیازدهی آن از طیف پنج قسمتی لیکرت استفاده گردید. در مرحله امتیازدهی، از آنجا که دسته‌ای از پرسش‌ها در جهت منفی مطرح شده‌اند، با استفاده از نرم‌افزار SPSS، کدگذاری مجدد برای این دسته از پرسش‌ها انجام شد. بنابراین، امتیاز پاسخ‌ها در پرسش‌ها جهت مثبت به صورت: ۱- کاملاً موافقم، ۲- موافقم، ۳- نظری ندارم، ۴- مخالفم، ۵- کاملاً مخالفم و در مورد پرسش‌های منفی عکس این حالت صادق می‌باشد. همان‌طوری که به نوعی گفته شد ابزار اندازه‌گیری، پرسش‌نامه محقق‌ساخته می‌باشد. روایی صوری پرسش‌نامه توسط پانل متخصصان مورد تأیید قرار گرفت. مطالعه راهنما در منطقه مشابه جامعه آماری با تعداد ۳۰ پرسش‌نامه صورت گرفت و با داده‌های کسب‌شده و استفاده از فرمول ویژه کرونباخ آلفا در نرم‌افزار SPSS، پایایی^۳ بخش‌های مختلف پرسش‌نامه تحقیق ۰/۷۸ الی ۰/۸۹ بدست آمد. متغیرهای مستقل این تحقیق، شامل مؤلفه‌های توانمندسازی اجتماعی (اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و ارزش‌مندی اجتماعی) و متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) می‌باشد. در تعیین توانمندسازی اجتماعی، فضای مفهوم تبیین‌کننده به شرحی که در ادامه می‌آید در قالب جدول (۱)، از طریق گویه‌های مناسب عملیاتی شده‌اند.

$$n = \frac{\frac{t^2 \cdot p \cdot q}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 \cdot p \cdot q}{d^2} - 1 \right)} \quad n = \frac{\frac{(1.96)^2 \times 0.5 \times 0.5}{(0.05)^2}}{1 + \frac{1}{31204} \left(\frac{(1.96)^2 \times 0.5 \times 0.5}{(0.05)^2} - 1 \right)} = 379.500$$

- 1.
2. Pilot study
3. Reliability

جدول ۱- مؤلفه‌ها و گویه‌های تحقیق

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

مؤلفه‌های توانمندسازی اجتماعی	گویه‌ها	منابع
مشارکت اجتماعی	مهارت برقراری روابط انسانی، کمک به زنان روستایی در ساخت مسکن، تمایل به مشارکت در دوره‌های آموزشی، میزان شرکت در انتخابات شوراها، اسلامی روستا، مشارکت در طرح‌های عمرانی روستا، مشورت با دیگران موقع اتخاذ تصمیمات مهم، احساس رضایت و خشنودی نسبت به انجام کار گروهی، تمایل به عضویت در تعاونی‌های تولید روستایی و تمایل به همکاری با دهیار روستا.	امینی، (۱۳۹۱) اسماعیلی، (۱۳۹۱)؛ آگباجوبی (۲۰۱۳)
اعتماد اجتماعی	پول قرض دادن به همسایگان، قبول نمودن ضمانت مالی دیگران، حاضر به برقراری ارتباط با تازه واردان به روستا، اعتماد به مسئولان دولتی، تمایل به فروش محصولات خود به نهادهای دولتی، اعتماد به اعضای شورای اسلامی، تمایل به انجام کار گروهی، بیان ایده‌ها و نظرات در جمع، نگرانی از قبول نشدن نظرات در جمع، تمایل به پذیرش مسئولیت‌های جدید، اطمینان در تصمیم‌گیری‌های فردی، میزان تفاهم جمعی و داشتن نگرش مثبت.	جعفری‌نیا، (۱۳۹۱) دارابی، (۱۳۹۴)؛ لوکا (۲۰۱۴)
انسجام اجتماعی	داشتن رابطه‌ی حسنه با همسایگان، توافق داشتن بر روی تمام موضوعات مشترک مورد بحث با همسایگان، صادق بودن همسایگان با فرد، حاضر به قبول مسئولیت به جای دیگران، اهل دعوا و منازعه نبودن، رضایت از همکاری اهالی روستا، میزان صمیمیت در بین اهالی، میزان مراجعه به ریش سفیدان در موقع بروز مشکل، اختلاف عقاید در بین اهالی و تمایل به حضور در مکان‌های عمومی.	حیدری ساریان، (۱۳۹۶)؛ پرنی و همکاران (۲۰۱۳)
رضایتمندی اجتماعی	داشتن سلامت روحی و روانی، وضعیت مسکن، بازاریابی و بازاریاسانی به موقع محصولات، سهولت دسترسی به منابع اعتباری، میزان استفاده از منابع اطلاعاتی، توجه به بهداشت عمومی و آموزش زنان روستایی، وجود تأمین‌های اجتماعی، رضایت از خدمات دهیاری، رضایت از خدمات مرکز بهداشت روستایی، رضایت از بیمه تأمین اجتماعی و رضایت از دسترسی به خدمات عمومی نهادهای دولتی.	مرادی و همکاران (۱۳۸۹)؛ اکسو (۲۰۱۴)
تعاون اجتماعی	میزان شرکت در جلسات برگزار شده از طرف شرکت تعاونی، مشارکت در برنامه‌های عمرانی مربوط به روستا، میزان تمایل به هم‌فکری و مشارکت جهت رفع مشارکت روستا، میزان دعوت از زنان روستا جهت	معتضد راد و سپهوند (۱۳۹۲)؛ کاسمو (۲۰۱۳)

مؤلفه‌های توانمندسازی اجتماعی	گویه‌ها	منابع
	شرکت در فعالیت‌های جمعی، میزان تمایل در خصوص گسترش فعالیت‌های شرکت تعاونی و میزان مشارکت در حفظ و زیباسازی.	
تعامل اجتماعی	رفت و آمد داشتن با سایرین، علاقه به مسافرت‌های دسته‌جمعی، تعامل با دیگر اهالی روستا، میزان تعامل با شورا و دهیاری، تعامل با نهادهای دولتی و میزان حضور در مسجد.	نجات و همکاران (۱۳۹۳)؛ اوگبگو (۲۰۱۴)
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	مداخله سیاسی و مدنی زنان روستایی در فرآیند مدیریت روستایی، تعامل سازنده با نهادها و سازمان‌های درگیر در توسعه مناطق روستایی، مشارکت در طراحی یک مدل جامع ایمنی با مسئولان امر، احساس وظیفه و احساس مسئولیت در قبال دیگر ساکنان روستا و احساس وظیفه در قبال محیط زیست.	حیدری ساربان (۱۳۹۶)؛ نپال (۲۰۱۱)
ارزش‌مندی اجتماعی	ریسک‌پذیری، احساس ارزشمندی در قبال خانواده، احساس ارزشمندی در قبال همسایگان و دوستان و برخورداری از اعتماد به نفس کافی از منظر دیگران.	حیدری ساربان (۱۳۹۶)؛ چکراپورتی (۲۰۱۸)

در نهایت، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آمار توصیفی (فراوانی و درصد) و آمار استنباطی شامل ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است و کلیه محاسبات آماری این پژوهش، به وسیله نرم‌افزار SPSS انجام گرفته است. در خاتمه، در پژوهش حاضر فرضیه‌های زیر مورد آزمون قرار گرفته است.

- بین توانمندسازی اجتماعی و بهبود مشارکت سیاسی زنان روستایی رابطه وجود دارد.
- بین مشارکت اجتماعی و بهبود مشارکت سیاسی زنان روستایی رابطه وجود دارد.
- بین انسجام اجتماعی و بهبود مشارکت سیاسی زنان روستایی رابطه وجود دارد.
- بین رضایتمندی اجتماعی و بهبود مشارکت سیاسی زنان روستایی رابطه وجود دارد.
- بین تعاون اجتماعی و بهبود مشارکت سیاسی زنان روستایی رابطه وجود دارد.
- بین تعامل اجتماعی و بهبود مشارکت سیاسی زنان روستایی رابطه وجود دارد.
- بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و بهبود مشارکت سیاسی زنان روستایی رابطه وجود دارد.

- بین ارزشمندی اجتماعی و بهبود مشارکت سیاسی زنان روستایی رابطه وجود دارد.

۴. مبانی نظری

مشارکت سیاسی، پدیده‌ای پیچیده و دارای ابعاد متعدد است که ارتباط میان جامعه مدنی و جامعه سیاسی را عملی می‌سازد و تاکنون تعاریف متعددی از مشارکت سیاسی به عمل آمده است. به باور راش^۱، مشارکت سیاسی به فرآیندی گفته می‌شود که در آن قدرت سیاسی میان افراد و گروه‌های فعال و خواهان مشارکت سیاسی از حق انتخاب شدن، تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری، ارزیابی، اعتراض، انتقاد، اظهارنظر، انتخاب کردن و رای دادن بهره‌مند باشند (نجات و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۱۷۶). به عقیده آلن دوبنوا^۲، مشارکت سیاسی قالبی سیاسی است که در آن هر شهروند حق دارد به خصوص از طریق حکام و امکان اظهار موافقت و مخالفت با آن‌ها در امور عامه شرکت جوید (پناهی و عالی‌زاده، ۱۳۸۴، صص. ۹۱-۹۰) به عقیده فکوهی، مشارکت سیاسی مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و اعمال شهروندان برای اعمال نفوذ بر حکومت یا حمایت از نظام سیاسی است (مولایی‌نژاد، ۱۳۸۵، صص. ۸۰-۷۹). هلسیوم^۳، مشارکت سیاسی را شرکت کردن یا درگیر شدن فرد در فعالیت‌های سیاسی می‌داند و رأی دادن در انتخابات را نمونه بارز مشارکت سیاسی می‌داند (پترسون و همکاران، ۲۰۱۵، ص. ۲۹۰). به باور واینر^۴، مشارکت سیاسی هر عمل داوطلبانه موفق و یا ناموفق، سازمان‌یافته و یا سازمان‌نیافته، دوره‌ای یا مستمر، شامل روش‌های مشروع و یا نامشروع برای اثرگذاری در زمینه انتخاب رهبران، سیاست‌ها و اداره عمومی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی است (امینی، ۱۳۹۱، صص. ۴۲-۴۱).

بررسی متون علوم سیاسی گویای این واقعیت است که رویکردهای مختلفی در تبیین مفهوم مشارکت سیاسی دخالت دارد که عبارتند از: رویکرد انتخاب عمومی، رویکرد روانی-سیاسی، رویکرد جامعه‌شناختی. مطابق رویکرد انتخاب عمومی، به زعم داونز، انگیزش

1. Rash
2. Allen Debonva
3. Helsioum
4. Vainez

اقتصادی عامل مشارکت سیاسی است. وی یک فرد محاسبه‌گر عقلانی را پیش می‌کشد تا می‌کوشد هزینه را به حداقل و منافع را به حداکثر برساند (احمدی و رضایی، ۱۳۹۴، صص. ۲۳۶-۲۳۹). در خصوص رویکرد روانی-سیاسی باید گفت که به عقیده رابرت دال، زمانی افراد به مشارکت در فعالیت‌های سیاسی برانگیخته می‌شوند که احساس اثرگذاری در تعیین سرنوشت خودشان را لمس کنند در غیر این صورت و به عبارتی در صورت بی‌تأثیر بودن فعالیت آنان اقدام به مشارکت در فعالیت‌های سیاسی نمی‌کنند (پیرینی و همکاران، صص. ۱۰۲-۱۰۱). مطابق رویکرد جامعه‌شناختی در تبیین مشارکت سیاسی میلبراث^۱ بر دو مجموعه از عوامل مرتبط با مشارکت فردی در امور سیاسی تأکید می‌کند: وضعیت اقتصادی-اجتماعی و مرکزیت اجتماعی. در هر دو مجموعه، مشارکت سیاسی چونان امری عقلانی و معطوف به هدف نشان داده شده است. افرادی که سیاست‌ها و برنامه‌های حکومت را مرتبط با علایق و منافع خود می‌دانند و به علاوه معتقدند که اعمال خودشان، به طور انفرادی یا جمعی، می‌تواند بر تصمیمات حکومت اثر بگذارد، تلاش خواهند کرد چنین اثری بگذارند (وانگ^۲، ۲۰۰۴، ص. ۳۹). و نیز، لیپست^۳ از جمله نظریه‌پردازانی است که متغیرهای بیرونی را برای تبیین مشارکت سیاسی نسبت به متغیرهای درونی ترجیح می‌دهد او بیش‌تر به دنبال شناخت عواملی است که خارج از فرد و شخصیت او قرار داشته و به‌عنوان عوامل اجتماعی شناخته می‌شوند (جعفری‌نیا، ۱۳۹۱، صص. ۱۲۶-۱۲۸). و نیز در قالب رویکردهای مزبور، نظریات متعددی از سوی اندیشمندان و متفکران حوزه علوم سیاسی در تبیین مشارکت سیاسی ارائه شده است که از آن بین مطابق نظریه شایستگی، افراد با منبع کنترل داخلی انگیزه بالایی برای شرکت در فرآیند سیاسی دارند؛ زیرا اینگونه افراد بر این باورند که می‌توانند سیستم‌های سیاسی را مانند سیستم‌های دیگر اطراف خود، با تلاش و فعالیت خویش متأثر سازند. این افراد احساس درماندگی نمی‌کنند و معتقدند که می‌توانند زندگی خود را کنترل کنند و چون نظام سیاسی می‌تواند بر زندگی و سرنوشت آن‌ها تأثیر بگذارد، بنابراین، آن‌ها نیز باید به

1. Milberath

2. Wang

3. Lipset

بهترین وجه آن را تحت تأثیر قرار بدهند (لوین^۱، ۲۰۰۵، ص. ۳۴). براساس نظریهٔ نوسازی سیاسی، جوامع بر پایهٔ دو قطب سنتی و مدرن مشخص می‌شوند و هر چه به قطب مدرن نزدیک‌تر شوند اشکال جدید زندگی اجتماعی و از جمله مشارکت سیاسی و اجتماعی گسترش می‌یابد. بنابراین، شهرنشینی، صنعتی‌شدن، گسترش رسانه‌های گروهی و افزایش تحصیلات منجر به افزایش سطح تحصیلات می‌شود و ساکنان مناطق شهری به علت برخورداری بیش‌تر از جلوه‌های مدرن زندگی، مشارکت بیش‌تری در حیات سیاسی و اجتماعی خود دارند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴، ص. ۲۹). لوین در تبیین مشارکت سیاسی نظریهٔ بی‌قدرتی را پیش می‌کشد و در این خصوص چنین استدلال می‌کند که مطابق نظریهٔ بی‌قدرتی سیاسی، فرد بر این اعتقاد است که عمل او بر تعیین سیر وقایع سیاسی تأثیری ندارد و دلیل باور فرد به این خاطر است که جامعه به وسیلهٔ گروه کوچکی از افراد قدرتمند اداره می‌شود که صرف نظر از هر نوع فعالیت یا عمل او همچنان قدرت خود را حفظ می‌کند و فرد در چنین حالتی کل فرآیند سیاسی را توطئه‌ای مخفیانه که هدف آن بهره‌برداری از مردم و بازی کردن با آنهاست می‌داند (هاشمی، ۱۳۹۴، صص. ۹۳-۹۲). و به زعم سیمن^۲ بی‌قدرتی نوعی بیگانگی است که در آن فرد احساس می‌کند در وضعیت‌های اجتماعی که در آنها کنش متقابل دارد نمی‌تواند تأثیرگذار و از قدرت کافی برای مهار پیامد رویدادهای سیاسی و اقتصادی برخوردار نیست (اسماعیلی، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۹). کلمن^۳ نظریهٔ اعتماد به دولت را در تبیین مشارکت سیاسی مطرح می‌کند و چنین استدلال می‌کند که اعتماد تسهیل‌کنندهٔ مبادلات در فضای اجتماعی است و هزینهٔ مذاکرات و مبادلات اجتماعی را به حداقل می‌رساند و برای حل مسائل مربوط به نظم اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و یا به زعم پاتنام، سرمایهٔ اجتماعی بر قابلیت جامعه برای ایجاد انواع انجمن‌های داوطلبانه دلالت دارد که افراد را به همکاری با یکدیگر و در نتیجه حفظ تکرارگرای دموکراتیک تشویق می‌کند (توسلی، ۱۳۸۴، صص. ۱۰۶-۱۰۵). در تحقیق حاضر تلاش شده است با استعانت از دو نظریهٔ «اعتماد اجتماعی» کلمن و «سرمایهٔ اجتماعی» پوتنام به تبیین مسئلهٔ تحقیق پرداخته شود و از آنجایی

1. Levine

2. Simen

3. Coleman

که توانمندسازی زنان توسط عده‌ای از صاحب‌نظران به مثابه تحول درونی افراد به واسطه تقویت اعتماد به نفس، خودتعیینی، شایستگی، اثرگذاری و معنی‌داری تعریف می‌شود و توانمندسازی زنان از منظر اجتماعی با تقویت مشارکت اجتماعی، تعامل اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، انسجام اجتماعی و غیره، از منظر اقتصادی با تقویت کارآفرینی، ابتکار، خلاقیت، شناسایی زنجیره‌های تولید، داشتن توانایی بازاریابی، مثبت‌اندیشی و قطعیت در کار، از منظر رفتاری با تقویت مهارت برقراری روابط انسانی، توانایی حل مشکل، توانایی استقامت در برابر ناملایمات و از منظر محیطی با حفظ محیط زیست و توانایی به حداقل رساندن آسیب‌های ناشی از بلایای طبیعی و غیره ارتباط دارد، به تحقق توسعه مساعدت می‌کند.

واکاوی اسناد و مدارک گویای این واقعیت است که عوامل متعددی در بهبود مشارکت سیاسی دخالت دارد که از آن بین، گیدنز در نظریه ساختاربندی خود در نیل به فهم مشارکت سیاسی بر قوانین و منابع در اختیار کنش‌گران در کنش متقابل تأکید می‌کند (ناز^۱ و همکاران، ۲۰۱۵، صص. ۱۶۷-۱۶۵). مطالعات کمپل^۲، گویای این واقعیت است که بین میزان کارآیی سیاسی، میزان تحصیلات، وضعیت پایگاه اقتصادی-اجتماعی، درآمد و شغل و بهبود مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد (لوکا^۳، ۲۰۱۴، صص. ۲۶-۲۵). از نظر لرنر^۴ مشارکت سیاسی به متغیرهایی از قبیل سواد، شهرنشینی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی، تشکلهای جمعی و غیره بستگی دارد (بشیریه، ۱۳۸۱، ص. ۱۲۹). هانتینگتون^۵، عامل اساسی در بهبود مشارکت سیاسی را تحرک اجتماعی می‌داند که بر اثر گسترش ارتباطات، تحصیلات، شهرنشینی و ارتقای وضعیت اقتصادی به وجود می‌آید (هانتینگتون، ۱۳۷۵، ص. ۱۴۲). فرجام سخن اینکه، توانمندسازی به واسطه ارتقای دانش، مهارت و تغییر نگرش زنان روستایی می‌تواند به بهبود مشارکت سیاسی آنان ختم شود. به این دلیل که به چرایی مشارکت سیاسی و اهمیت و ضرورت آن در سایه ارتقای ظرفیت‌های شناختی و ذخیره دانایی شهروندان روستایی اعم از مردان و زنان می‌توان پی برد. به این معنی که زنان روستایی به عاملیت و آمریت فردی در

1. Naz

2. Campell

3. Luka

4. Lerner

5. Huntington

تعیین سرنوشت خودشان پی می‌برند و در یک فرآیند و بازه زمانی یاد می‌گیرند و به عبارتی به این نتیجه می‌رسند که تاریخ را منافع می‌سازد؛ یعنی احزاب، گروه‌ها، تشکله‌ها، تصمیم‌گیران، تصمیم‌سازان، دولتمردان و رهبران جامعه در هر اوضاع و احوالی به منافع خود می‌اندیشند و به‌ویژه در کشور ما که نهاد و سیستم درست نشده است و مدیریت مبتنی بر فرد است نه سیستم؛ یعنی فرد سیستم را مدیریت می‌کند. در این وضعیت می‌فهمند که برای بهبود زندگی باید خودشان آستین بالا بزنند و مثلاً از انتخاب نخبگان ابزاری^۱ تصادفی که هزینه سنگینی را بر کشور تحمیل می‌کند اجتناب ورزند و به انتخاب نخبگان ابزاری آموزش‌دیده، جهان‌دیده، به لحاظ روحی و روانی و معرفتی و اخلاقی ورزیده، پاک‌دست، دارای شخصیت مستقل، متکی به یک جهان‌بینی واحد، دارای ریشه شهری و مدنی، به لحاظ فکری تکامل‌یافته، مقید به زندگی فیلسوفانه، اعتقاد به نیروهای باوراننده و انگیزاننده و نه وادارنده و به عبارتی پیشه کردن استدلال باوری در حیات فردی و اجتماعی خود، مقدس شمردن کار و فعالیت، مسئولیت‌پذیر، تقدم داشتن مصلحت بر خوشایند و غیره جهت تصمیم‌گیری و متعاقب آن هدایت کشتی رشد، پیشرفت، ترقی و توسعه کشور به ساحل امن اهتمام ورزند و نباید این نکته را نادیده گرفت که افراد توانمند دچار ورشکستگی فکری و افلیج ذهنی نیستند؛ یعنی این توانایی را پیدا می‌کنند که مشارکت سازنده‌ای در حیات اجتماعی و سیاسی خود بازی کنند و با مشارکت در فعالیت‌های سیاسی به توسعه پایدار روستایی مبادرت بورزند؛ یعنی هم به‌عنوان فعال سیاسی می‌توانند این رسالت را بر دوش بگیرند و هم به‌عنوان کنشگر سیاسی. علاوه بر این، این توانایی را پیدا می‌کنند که بر هر پدیده اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و غیره در مناطق روستایی از زاویه اقتصاد سیاسی بنگرند و پشت پرده‌ها را درک کنند و بدانند چه اتفاقات و وقایعی رخ می‌دهد و متوجه شوند چرا برخی تصمیمات گرفته می‌شود و این تصمیمات چه اثرات نیکو و بدی در حیات فردی و اجتماعی آن‌ها خواهد داشت و چگونه می‌شود با اثرات سو این تصمیمات مقابله کرد و لذا در این رهگذر است که اهمیت توانمندسازی اجتماعی در بهبود مشارکت سیاسی زنان روستایی رخ عیان می‌کند که باید مطابق تئوری‌های تبیین‌کننده فوق به تناسب اوضاع و احوال و قلمرو زمانی و مکانی کشور در

۱. نخبگان ابزاری، نخبگانی‌اند که در جامعه قدرت سیاسی و اقتصادی دارند.

سطح ملی و منطقه‌ای و محلی چارچوبی را جهت تبیین ارتباط دو متغیر ترسیم کرد و از سه زاویه توصیف، تبیین و تجویز متغیرهای تحقیق به داستان نگاه کرد و برای به سرانجام نیکو رسیدن این گزاره پیشنهادهایی را تجویز کرد.

۵. معرفی منطقه مورد مطالعه

شهرستان تبریز یکی از شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی است که در مرکز این استان واقع شده است. مرکز این شهرستان، شهر تبریز است که مرکز اداری و سیاسی استان است. جمعیت شهرستان تبریز بالغ بر ۳۷۷۳۰۳۳ نفر است. شهرستان تبریز طبق آخرین تقسیمات کشوری از ۲ بخش، ۴ شهر، ۶ دهستان و ۶۷ روستا تشکیل شده است که از این تعداد، ۳۶۲۳۰۹۶ نفر در مناطق شهری و تعداد ۱۴۹۹۳۶ نفر در نواحی روستایی ساکن هستند.

۶. یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

ویژگی‌های نمونه فردی مورد مطالعه

یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که نمونه آماری مورد مطالعه برحسب گروه سنی، در محدوده سنی ۱۵ الی ۷۴ سال قرار دارند. همان طوری که جدول (۲) نشان می‌دهد بیش‌ترین تعداد نمونه در گروه سنی ۳۱ الی ۴۰ سال قرار دارند.

جدول ۲- توزیع فراوانی روستاییان مورد مطالعه بر حسب گروه سنی، وضعیت تأهل و تعداد اعضای خانوار

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

گروه سنی	فراوانی	درصد
۲۰ سال و کمتر	۸۸	۲۳/۱۵
۲۱-۳۰	۸۵	۲۲/۳۶
۳۱-۴۰	۱۱۰	۲۸/۹۴
۴۱ سال و بالاتر	۹۷	۲۵/۵۲
جمع	۳۸۰	۱۰۰٪

مطابق جدول (۳)، بررسی وضعیت تأهل نیز نشان داد ۵۰/۲۶ درصد (۱۹۱ نفر) متأهل و ۴۹/۷۳ درصد (۱۸۹ نفر) در تحقیق حاضر مجرد هستند.

جدول ۳- توزیع فراوانی روستاییان مورد مطالعه بر وضعیت تأهل

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

وضعیت تاهل	فراوانی	درصد
مجرد	۱۸۹	۴۹/۷۳
متاهل	۱۹۱	۵۰/۲۶
جمع	۳۸۰	٪۱۰۰

مطابق جدول (۴)، بررسی تعداد اعضای خانوار نیز مشخص کرد محدوده سنی ۷ الی ۹ با ۳۶/۸۴ درصد در بالاترین رده و محدوده سنی بالای ۱۰ با ۱۱/۵۷ درصد در پایین ترین رده قرار دارند.

جدول ۴- توزیع فراوانی روستاییان مورد مطالعه بر حسب تعداد اعضای خانوار

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

محدوده سنی	تعداد اعضای خانوار	درصد
۰-۳	۶۶	۱۷/۳۶
۴-۶	۱۳۰	۳۴/۲۱
۷-۹	۱۴۰	۳۶/۸۴
بالای ۱۰	۴۴	۱۱/۵۷
جمع	۳۸۰	٪۱۰۰

همان‌طور که جدول (۵) نشان می‌دهد از میان ۳۸۰ نفر نمونه آماری مورد مطالعه، ۷۹ نفر بی‌سوادند (۲۰/۷۸ درصد)، ۱۵ درصد با آموزش نهضت سوادآموزی، توانایی خواندن و نوشتن دارند. ۸۲ نفر (۲۱/۵۷ درصد) در مقطع ابتدایی، ۶۲ نفر (۱۶/۳۱ درصد) در مقطع راهنمایی و ۶۱ نفر (۱۶/۰۵ درصد) در مقطع متوسطه تحصیل کرده‌اند، ۳۹ نفر (۱۰/۲۶

درصد) نیز مدرک دیپلم و بالاتر دارند. با توجه به این اطلاعات، می‌توان گفت ۵۷/۳۵ درصد از نمونه آماری مورد مطالعه، تحصیلات قابل توجهی ندارند و بی‌سواد و کم‌سواد هستند.

جدول ۵- وضعیت تحصیلات نمونه مورد مطالعه

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

ردیف	سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
۱	بی‌سواد	۷۹	۲۰/۷۸
۲	خواندن و نوشتن	۵۷	۱۵٪
۳	ابتدایی	۸۲	۲۱/۵۷
۴	راهنمایی	۶۲	۱۶/۳۱
۵	متوسطه	۶۱	۱۶/۰۵
۶	دیپلم و بالاتر	۳۹	۱۰/۲۶
۷	جمع کل	۳۸۰	۱۰۰٪

نتایج حاصل از یافته‌های توصیفی تحقیق در جدول (۶) نشان می‌دهد وضعیت مشارکت اجتماعی ۴۲/۵۹ درصد پاسخ‌گویان در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۳۸/۱۲ درصد در سطح خیلی کم و کم برآورد گردید. در مورد متغیر اعتماد اجتماعی، وضعیت ۴۶/۶ درصد از پاسخ‌گویان در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۴۲/۲۶ درصد در سطح کم و خیلی کم برآورد گردید. در مورد متغیر انسجام اجتماعی، بیش‌ترین فراوانی با (۲۷/۴۰ درصد) در سطح خیلی زیاد و کم‌ترین فراوانی با (۱۳/۵ درصد) در سطح خیلی کم ارزیابی شدند. در مورد متغیر رضایتمندی اجتماعی، وضعیت ۵۴/۴۷ درصد از پاسخ‌گویان در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۲۳/۳۴ درصد در سطح کم و خیلی کم برآورد گردید. در مورد متغیر تعاون اجتماعی، بیش‌ترین فراوانی با (۳۰/۴۳ درصد) در سطح زیاد کم‌ترین فراوانی با (۱۰/۵۵ درصد) در سطح متوسط ارزیابی شدند. در مورد متغیر تعامل اجتماعی، بیش‌ترین فراوانی با (۳۰/۹۴ درصد) در سطح زیاد و کم‌ترین فراوانی با (۱۴/۱۱ درصد) در سطح خیلی زیاد ارزیابی شدند. در مورد متغیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی، بیش‌ترین فراوانی با (۳۸/۸۶ درصد) در سطح زیاد و کم‌ترین فراوانی با (۹/۱۴ درصد) در سطح کم ارزیابی شدند. در خاتمه، در مورد متغیر ارزش‌مندی

اجتماعی بیشترین فراوانی با (۳۹/۴۲ درصد) در سطح زیاد و کمترین فراوانی با (۶/۵۶ درصد) در سطح کم ارزیابی شدند.

جدول ۶- درصد فراوانی، میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های پایداری اقتصادی

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

ردیف	متغیر	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار
۱	مشارکت اجتماعی	۲۱/۴۲	۱۶/۷	۱۹/۲۹	۲۲/۴۸	۲۰/۱۱	۱۱/۲۲	۴/۳۲
۲	اعتماد اجتماعی	۱۴/۱۳	۲۸/۱۳	۱۱/۱۴	۱۵/۱۲	۳۱/۴۸	۷/۳۵	۱/۶۷
۳	انسجام اجتماعی	۱۳/۵	۱۷/۱۰	۲۶/۳۳	۱۵/۶۷	۲۷/۴۰	۸/۰۸	۶/۰۲
۴	رضایتمندی اجتماعی	۶	۱۷/۴۳	۲۲/۱۰	۲۸/۲۱	۲۶/۲۶	۴/۸۸	۱/۰۹
۵	تعاون اجتماعی	۲۸/۲۴	۱۹/۴۹	۱۰/۵۵	۳۰/۴۳	۱۱/۲۹	۳/۳۵	۵/۳۲
۶	تعامل اجتماعی	۲۱/۳۶	۱۹/۱۲	۱۴/۴۷	۳۰/۹۴	۱۴/۱۱	۲/۸۷	۱۲/۲۴
۷	مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۱۲/۲۸	۹/۱۴	۱۱/۰۸	۳۸/۸۶	۲۸/۶۴	۴/۹۹	۲/۳۲
۸	ارزش‌مندی اجتماعی	۲۱/۲۷	۶/۵۶	۸/۰۸	۳۹/۴۲	۲۴/۶۷	۶/۸۸	۳/۴۹

ب) یافته‌های استنباطی

همبستگی بین مؤلفه‌های پژوهش مبنی بر تبیین رابطه توانمندسازی اجتماعی و بهبود مشارکت سیاسی با توجه به اطلاعات مندرج در جدول (۷)، نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که رابطه بین متغیرهای مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش‌مندی اجتماعی در سطح ۱ درصد خطا مثبت شده است و رابطه بین متغیرهای انسجام اجتماعی و رضایتمندی اجتماعی با متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) در سطح ۵ درصد خطا مثبت شده است و ضمن اینکه بین متغیرهای تعاون اجتماعی و تعامل اجتماعی با متغیر وابسته رابطه معنی‌داری مشاهده نشده است.

جدول ۷- نتایج ضریب همبستگی جهت تعیین رابطه بین دو متغیر توانمندسازی اجتماعی و مشارکت

سیاسی

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

ردیف	متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقدار (r)	مقدار (p)
توانمندی سازی اجتماعی	مشارکت اجتماعی	مشارکت سیاسی	۰/۴۳۵	۰/۰۰۰
	اعتماد اجتماعی	مشارکت سیاسی	۰/۳۹۶	۰/۰۰۰
	انسجام اجتماعی	مشارکت سیاسی	۰/۳۵۶	۰/۰۲
	رضایتمندی اجتماعی	مشارکت سیاسی	۰/۲۸۹	۰/۰۴
	تعاون اجتماعی	مشارکت سیاسی	۰/۰۶۸	۰/۰۸
	تعامل اجتماعی	مشارکت سیاسی	۰/۰۶۸	۰/۱۱۴
	مسئولیت‌پذیری اجتماعی	مشارکت سیاسی	۰/۲۹۸	۰/۰۰۰
	ارزش‌مندی اجتماعی	مشارکت سیاسی	۰/۲۵۷	۰/۰۰۰

مطابق جدول (۷)، در خصوص وجود رابطه معنی‌دار بین توانمندسازی اجتماعی و مشارکت اجتماعی باید گفت که قدرت سیاسی فقط از طریق مشارکت اجتماعی، به صورت مسالمت‌آمیز دست به دست می‌گردد و به عقیده راش، میزان توسعه سیاسی یک کشور بستگی مستقیم به مؤلفه مشارکت اجتماعی دارد و در خصوص ارتباط بین تعامل اجتماعی و تعاون اجتماعی با مشارکت سیاسی ذکر این نکته در خور تعمق است که تعامل اجتماعی و تعاون اجتماعی زمانی اثربخشی خود را در تقویت مشارکت سیاسی نشان می‌دهد که جامعه مدنی شکل بگیرد و شبکه‌های جامعه مدنی، یکی از اجزای ضروری سرمایه اجتماعی می‌باشند و هرچه این شبکه‌ها متراکم‌تر باشند، احتمال همکاری شهروندان شهری و روستایی در جهت منافع متقابل از منظر مشارکت سیاسی بیش‌تر است. شبکه‌های مشارکت مدنی ارتباطات را تسهیل می‌کنند و جریان اطلاعات را در مورد قابل اعتماد بودن افراد بهبود می‌بخشند. شبکه‌های مشارکت مدنی، تجسم موفقیت‌پیشینان در همکاری هستند که می‌توانند به‌عنوان چارچوب فرهنگی شفاف برای همکاری آینده عمل نمایند. به این خاطر است که الکسیس دو توکویل بر این اعتقاد است که ایجاد سازمان‌ها و انجمن‌های اجتماعی و مردمی مهم‌ترین وظیفه اجتماعی و سیاسی تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان کشورها می‌باشد.

نتایج رگرسیون چندمتغیره

در این روش، بر اساس بتای استاندارد بدست آمده، متغیرهای مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، رضایتمندی اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش‌مندی اجتماعی به ترتیب به عنوان متغیرهایی بودند که بیش‌ترین سهم را در میزان تغییرات متغیر وابسته داشتند. لذا این متغیرها در مدل نهایی باقی مانده و بقیه متغیرها از معادله حذف شدند. نتایج نشان می‌دهد این متغیرهای پیش‌بین ۰/۲۱ درصد ($R^2 = 0.21$) از میزان واریانس متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) را پیش‌بینی می‌کنند. ضریب تعیین بیان‌گر این است که متغیرهای دیگری نیز بر بهبود مشارکت سیاسی تأثیرگذار بوده‌اند که در مطالعه حاضر بررسی نشده است. نتایج تحلیل واریانس یک طرفه نیز معنی‌دار بودن رگرسیون و رابطه خطی بین متغیرها را در گام نهایی نشان می‌دهد. جدول (۸) و (۹)، اطلاعات مربوط به این تجزیه و تحلیل را نشان می‌دهند. به منظور برآورد معادله تخمین، با توجه به اطلاعات بدست آمده و معنی‌دار بودن مدل نهایی رگرسیون چندمتغیره در این پژوهش، با معادله درج‌شده در پاورقی^۱ می‌توان میزان توانمندسازی اجتماعی زنان را با بهبود مشارکت سیاسی در منطقه مورد مطالعه تخمین زد.

جدول ۸- ضرایب رگرسیون چندمرحله‌ای برای تبیین توانمندسازی اجتماعی و مشارکت سیاسی

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

گام	نام متغیر	ضریب رگرسیون	ضریب تعیین R^2	ضریب تعیین تعدیل شده	مقدار (F)	مقدار (p)
۱	مشارکت اجتماعی	۰/۲۵۰	۰/۰۶۳	۰/۰۵۸	۱۲/۲۲	۰/۰۰۰
۲	اعتماد اجتماعی	۰/۳۲۶	۰/۱۰۶	۰/۰۹۹	۱۳/۵۱	۰/۰۰۰
۳	انسجام اجتماعی	۰/۳۷۴	۰/۱۴۰	۰/۱۲۹	۱۲/۲۶	۰/۰۰۰
۴	رضایتمندی اجتماعی	۰/۴۰۱	۰/۱۶۱	۰/۱۴۶	۱۰/۸۰	۰/۰۰۰
۵	مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۰/۴۳۸	۰/۱۹۲	۰/۱۷۴	۱۰/۶۴	۰/۰۰۰
۶	ارزش‌مندی اجتماعی	۰/۴۵۸	۰/۲۱۰	۰/۱۸۹	۹/۸۷	۰/۰۰۰

$$1. y = 3.71 + 0.127(X_1) + 0.141(X_2) + 0.158(X_3) + 0.201(X_4) + 0.271(X_5) + 0.113(X_6)$$

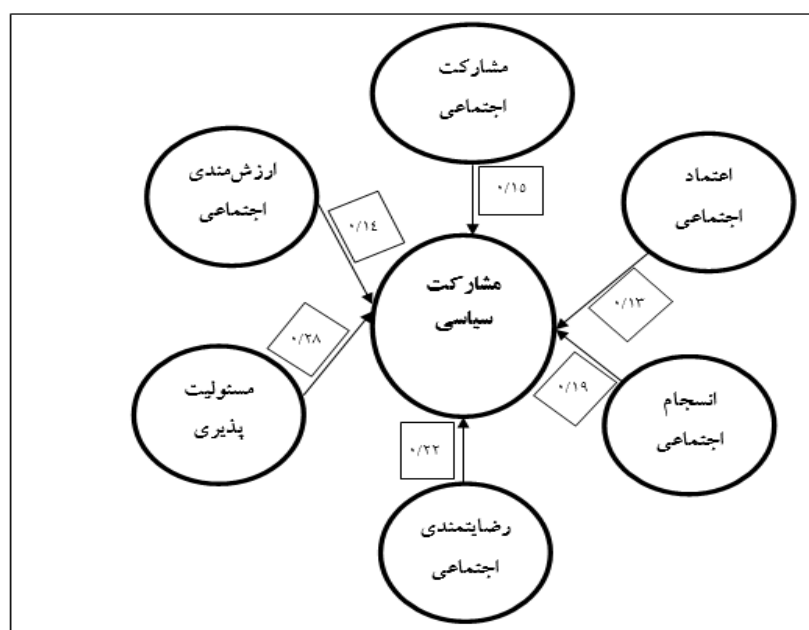
جدول ۹- ضرایب متغیرهای واردشده در معادله رگرسیون نهایی برای تبیین رابطه توانمندسازی اجتماعی و مشارکت سیاسی

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

متغیرهای پیش‌بین	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	مقدار (p)
	ضریب ورود	خطای معیار	بتا (β)	
عدد ثابت (عرض از مبدا)	۳/۷۱	۰/۲۸۹	-----	۰/۰۰۰
مشارکت اجتماعی (X1)	۰/۱۲۷	۰/۰۶۱	۰/۱۵۷	۰/۰۳۹
اعتماد اجتماعی (X2)	۰/۱۴۱	۰/۰۶۷	۰/۱۳۹	۰/۰۳۶
انسجام اجتماعی (X3)	۰/۱۵۸	۰/۰۵۲	۰/۱۹۰	۰/۰۰۳
رضایتمندی اجتماعی (X4)	۰/۲۰۱	۰/۰۵۸	۰/۲۲۶	۰/۰۰۱
مسئولیت‌پذیری اجتماعی (X5)	۰/۲۷۱	۰/۰۷۷	۰/۲۸۷	۰/۰۰۱
ارزش‌مندی اجتماعی (X6)	۰/۱۱۳	۰/۰۵۰	۰/۱۴۷	۰/۰۲۶

مطابق جدول (۹)، در خصوص وجود رابطه معنی‌دار بین اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی باید گفت که از نظر پاتنام، همکاری داوطلبانه در جامعه‌ای که سرمایه اجتماعی عظیمی را در شکل هنجارهای عمل متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی به ارث برد اند، بهتر صورت می‌گیرد. افزون بر این، بنا به استدلال فوکویاما، کلمن، لین و پاتنام، اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، نه تنها عادت همکاری و ذهنیت و بیداری ذهنی در عرصه و موضوعات عمومی را در اعضای خود القای می‌نماید، بلکه مهارت و ورزیدگی عملی و الزام به سهم شدن و مشارکت در حیات عمومی و سیاسی را به تدریج به آن‌ها و عادت‌های رفتاریشان تزریق می‌کند. علاوه بر این، پیرامون تأثیر رضایتمندی اجتماعی بر بهبود مشارکت سیاسی باید گفت که جلب مشارکت سیاسی زنان در عرصه‌ای خالی از رضایتمندی تحقق نمی‌پذیرد، بلکه نیازمند پندار مثبت آنان از شرایط اجتماعی و سیاسی جاری است تا آن را به تجربه مشارکت تبدیل کند. در این خصوص، به زعم هانتینگتون، افزایش رضایتمندی سیاسی در بین آحاد جامعه به‌ویژه زنان عامل مهمی در افزایش مشارکت سیاسی و اجتماعی در جامعه است و نیز به باور رابرت دال، هر چه میزان

رضایت‌مندی سیاسی در میان مردم بیش‌تر باشد به همان اندازه مشارکت آنان در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی بیش‌تر خواهد بود. در نهایت اطلاعات مندرج در شکل (۲)، نشان می‌دهد بر اساس نتایج حاصل از ضریب بتا، سهم و نقش متغیر «مسئولیت‌پذیری اجتماعی» در تبیین متغیر وابسته «مشارکت سیاسی» بیش‌تر از سایر متغیرها است و متغیرهای رضایت‌مندی اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی به ترتیب در اولویت‌های بعدی قرار گرفتند.



شکل ۲- اهمیت نسبی متغیرهای مستقل در تبیین بهبود مشارکت سیاسی

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

مطابق شکل (۲)، در خصوص اثرات انسجام اجتماعی بر بهبود مشارکت سیاسی زنان، هانتیگتون بر این باور است که میزان انسجام اجتماعی جوامع در حال توسعه در گسترش مشارکت سیاسی زنان مؤثر است. و نیز در مناطق روستایی شهرستان اردبیل که به طور غالب سنتی است و شدت انگاره‌های جامعه مدرن در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری در سطح پایینی قرار دارد انسجام اجتماعی تأثیر زیادی بر بهبود مشارکت سیاسی زنان روستایی

دارد. علاوه بر این، میلبراث و گوئل در تبیین مشارکت سیاسی از هفت عامل نام برده‌اند که مسئولیت‌پذیری اجتماعی یکی از آن‌ها می‌باشد و استدلال آن‌ها بر این مبنا شکل گرفته است، افرادی که در قبال سرنوشت خود و جامعه خود احساس مسئولیت می‌کنند به مشارکت در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در جامعه کشیده می‌شوند تا عاملیت فردی خود را در مقابل ساختاری که تار و پود خود را به تمامی عرصه‌های جامعه گسترانده است نشان دهند و متعاقب آن سعی خود را به کار خواهند گرفت تا در اصلاح ساختار نقشی هر چند اندک ایفای نمایند.

۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

همان‌طور که مطرح گردید در نوشتار حاضر به تبیین رابطه بین توانمندسازی اجتماعی بر بهبود مشارکت سیاسی پرداخته شده است و همان‌طوری که نتایج یافته‌های توصیفی نشان داد که از بین میانگین متغیرهای توانمندسازی اجتماعی، متغیر مشارکت اجتماعی با میانگین (۱۱/۲۲) در رتبه اول و متغیر تعامل اجتماعی با میانگین (۲/۸۷) در رتبه آخر قرار دارد و افزون بر این، تحلیل‌های آمار استنباطی نشان داد توانمندسازی اجتماعی بر بهبود مشارکت سیاسی زنان روستایی شهرستان تبریز تأثیرگذار بوده است. همان‌طوری که نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که رابطه بین متغیرهای مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزشمندی اجتماعی در سطح ۱ درصد خطا مثبت شده است و رابطه بین متغیرهای انسجام اجتماعی و رضایتمندی اجتماعی با متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) در سطح ۵ درصد خطا مثبت شده است و ضمن اینکه بین متغیرهای تعاون اجتماعی و تعامل اجتماعی با متغیر وابسته رابطه معنی‌داری مشاهده نشده است. این تحقیق با نتایج تحقیقات اسماعیلی (۱۳۹۰)، دارابی (۱۳۹۴)، حیدری ساربان (۱۳۹۶)، لوین (۲۰۰۵) و لوکا (۲۰۱۴) هم‌خوانی دارد. از طرف دیگر، نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که از بین مؤلفه‌های تحقیق، ۶ مؤلفه توسط نرم‌افزار SPSS در معادله باقی ماندند و این ۶ مؤلفه توانستند ۲۱ درصد از تغییرات را تبیین نمایند که این تحقیق با نتایج تحقیقات هاشمی (۱۳۹۴)، ناز و همکاران (۲۰۱۵) و پترسون و همکاران (۲۰۱۵)، هم‌خوانی دارد و نتایج تحقیق نشان داد که

توانمندسازی اجتماعی از مهم‌ترین ارکان بهبود مشارکت سیاسی از طریق تقویت متغیرهای مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، رضایتمندی اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزشمندی اجتماعی است. پس با استعانت از یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان گفت که شکل‌گیری کار گروهی، پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی، تفاهم جمعی و مهارت برقراری روابط انسانی به بهبود وضعیت مشارکت سیاسی در مناطق روستایی کمک می‌کند و نیز تحکیم بنیان‌های مناسبات اجتماعی، شکوفایی اجتماعی، ارتقای تبادل تجربه پنهان بین روستاییان، تقویت سرمایه اجتماعی و تقویت پیوندهای اجتماعی به بهبود مشارکت سیاسی روستاییان در مناطق روستایی ختم می‌شود.

در خاتمه با استناد به نتایج تحقیق، شایسته است اقداماتی مبنی بر تقویت زمینه‌های مشارکت سیاسی زنان به خصوص در بعد غیررسمی صورت گیرد و در نیل به این مهم توانمندسازی اجتماعی زنان روستایی به واسطه تقویت مؤلفه‌های مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، رضایتمندی اجتماعی، تعاون اجتماعی، تعامل اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزشمندی اجتماعی در سرلوحه اقدامات برنامه‌ریزان توسعه روستایی قرار گیرد. باید جامعه مدنی و کنشگران سیاسی میزان آگاهی زنان روستایی را پیرامون مشارکت سیاسی افزایش داده و آن‌ها را تحریک و تشویق کنند تا به اهمیت مشارکت سیاسی، افزایش اعتماد به نفس، تقویت عزت نفس، حکمروایی و تجارب سیاسی در اثرگذاری بر سرنوشت خودشان پی ببرند. باید سازوکاری تدبیر شود تا مردان نیاز زنان روستایی به قدرت سیاسی را درک کرده و نگاه خودشان را نسبت به زنان عوض کرده و از آنان حمایت جدی به عمل آورند. همچنین، باید ریش سفیدان روستایی آستین بالا زده و نگرانی‌های زنان را در تأثیرگذاری بر حیات سیاسی خود به رسمیت شناخته و به تصمیم‌گیری‌های آنان احترام بگذارند. مضاف بر این، جامعه محلی باید نیاز به وحدت و انسجام اهداف مشترک را درک کرده و بر روی این نکته اجماع داشته باشند که زنان روستایی به هیچ وجه نمی‌خواهند تافته جدا بافته از جامعه روستایی باشند و بر عکس در هر موقعیتی سعی می‌کنند با تأثیرگذاری سازنده بر خط مشی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها به توسعه پایدار روستایی مساعدت نمایند و نیز، باید به آستانه آگاهی زنان روستایی رسانده شود که بدون

سخت‌کوشی و کار مستمر و مداوم در نیل به آزادی و استقلال مالی و تبدیل شدن به قدرت اقتصادی دامنه آزادی بسیار محدودی در حیات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خود خواهند داشت. همچنین، بر دولت و سایر ذی‌نفعان درگیر بایسته و شایسته است که به اصلاح نهادی تن داده و عضویت زنان روستایی را در سازمان‌های مردم‌نهاد مهیا کرده و به بهبود مشارکت آنان در سپهر سیاسی جامعه روستایی یاری رسانند. در کل، سازمان‌های جامعه مدنی باید تغییر و تحولات اجتماعی را به منظور حساس کردن آحاد جامعه روستایی پیرامون ورود زنان روستایی به عرصه سیاست بر عهده بگیرند. افزون بر این، در راستای توانمندسازی اجتماعی زنان روستایی در نیل به مشارکت سیاسی باید گسترش سازمان‌ها و انجمن‌های داوطلبانه و غیردولتی از اولویت‌های سیاست‌گذاران توسعه روستایی باشد تا از این رهگذار زنان روستایی انگیزه یافته و جوامع روستایی به سمت پویایی بیش‌تر گام بردارد و نیز لازم است برای تسهیل و تسریع فرآیند توانمندسازی زنان روستایی در بهبود مشارکت سیاسی آنان دولت با اقدام مداخله‌ای خود برنامه‌های آموزشی جامع و مستمری را برای زنان روستایی ترتیب دهد تا ظرفیت‌های شناختی زنان روستایی ارتقا یافته و با مشارکت سیاسی در تعیین سرنوشت خود گام‌های اساسی برداشته و به توسعه پایدار مناطق روستایی مدد برسانند. افزون بر این، با افزایش سطح آگاهی زنان روستایی از مسائلی مانند توانایی‌های و حقوق خود در جامعه و دستیابی آنان به فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی می‌توان از راه برنامه‌ها و دوره‌های آموزشی، زمینه مشارکت سیاسی آنان در برنامه‌ها و فعالیت‌های در حال انجام در مناطق روستایی را بهبود بخشید. در این ارتباط، پیشنهاد می‌شود متولیان توسعه روستایی با ایجاد مکان‌های فرهنگی و آموزشی و همچنین، توجیه خانواده‌های روستایی، جهت ادامه تحصیل زنان و دختران در مناطق روستایی اقدام‌های لازم را انجام دهند.

کتاب‌نامه

۱. احمدی، ا. و رضایی، ح. (۱۳۹۴). رابطه رفاه اجتماعی با مشارکت سیاسی معلمان (مطالعه موردی: معلمان شهر مریوان). فصل‌نامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۳(۴)، ۲۶۶-۲۳۱.

۲. احمدی، ح. (۱۳۸۹). مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان و عوامل مؤثر بر آن. *فصل‌نامه جامعه‌شناسی ایران*، ۲(۴)، ۱-۲۶.
۳. ازکیا، م. و غلامرضا، غ. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی توسعه* (چاپ دوم). تهران: انتشارات کیهان.
۴. اسماعیلی، ع. (۱۳۹۰). نقش عوامل اجتماعی بر مشارکت سیاسی در شهرستان گنبد گاووس. *فصل‌نامه مطالعات سیاسی*، ۱۳(۱۴)، ۱۴۴-۱۲۷.
۵. امینی، ع. ا. (۱۳۹۱). اثر فرهنگ سیاسی بر مشارکت سیاسی زنان و دانشجویان. *فصل‌نامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ۳(۲۸)، ۵۴-۳۲.
۶. بشریه، ح. (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی سیاسی* (چاپ سوم). تهران: نشر نی.
۷. بشیریه، ح. (۱۳۸۱). *بررسی موانع توسعه سیاسی در ایران* (چاپ سوم). تهران: انتشارات گام نو.
۸. پناهی، م. ح. و اسماعیل، ع. (۱۳۸۴). تأثیر وسایل ارتباط جمعی بر مشارکت سیاسی شهروندان تهران. *فصل‌نامه علوم اجتماعی*، ۲۹(۲۸)، ۱۳۱-۸۹.
۹. توسلی، غ. (۱۳۸۴). کامیابی و ناکامی توسعه سیاسی. *مجله ایران فردا*، ۲(۷)، ۱۱۹-۱۰۱.
۱۰. جعفری نیا، غ. (۱۳۹۱). عوامل محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان. *پژوهش‌نامه علوم سیاسی*، ۱(۱۰)، ۱۲۸-۱۲۶.
۱۱. حیدری ساریان، و. (۱۳۹۶). عوامل بهبود مشارکت سیاسی از دیدگاه روستاییان، مطالعه موردی: شهرستان اردبیل، *فصل‌نامه جغرافیا و آمایش شهری و منطقه‌ای*، ۶(۲)، ۱۵۸-۱۳۹.
۱۲. حیدری ساریان، و. (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان روستایی (موردشناسی: نواحی روستایی شهرستان اردبیل). *فصل‌نامه جغرافیا و آمایش شهری و منطقه‌ای*، ۹(۳۰)، ۱۳۶-۱۱۳.
۱۳. حیدری ساریان، و. (۱۳۹۷). *سرمایه اجتماعی به‌مثابه توسعه روستایی*. اردبیل: انتشارات دانشگاه محقق اردبیلی.
۱۴. حیدری ساریان، و. (۱۳۹۷). نقش سرمایه اجتماعی در توانمندسازی زنان روستایی شهرستان مشگین‌شهر، (مطالعه موردی: بخش مرکزی)، *فصل‌نامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۸(۳)، ۲۵۳-۲۳۹.
۱۵. دارابی، م. (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان در استان همدان (مطالعه موردی: شهر نهاوند). *فصل‌نامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، ۵(۱۷)، ۸۴-۵۷.

۱۶. سبکتگین‌ریزی، ق.، روهنده، م.، بساطیان، س. م.، و جعفری، ا. (۱۳۹۵). رضایتمندی و مشارکت سیاسی - اجتماعی، مطالعه موردی: شهروندان شهر کرج. *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳(۶۳)، ۹۷-۱۱۶.

۱۷. سیف‌زاده، ح. (۱۳۸۸). *نوسازی، توسعه و دگرگونی سیاسی* (چاپ دوم). تهران: نشر قومس.

۱۸. علی‌حسینی، ع.، امام‌جمعه‌زاده، س. ج.، و پورنجبر، م. (۱۳۹۳). بررسی رابطه جامعه‌پذیری و مشارکت سیاسی زنان. *پژوهش‌نامه زنان*، ۱(۵)، ۱۸۵-۱۶۱.

۱۹. کی، ا. (۱۳۸۳). مشارکت سیاسی و جنسیت: بررسی مقایسه مشارکت سیاسی دانشجویان دختر و پسر در تهران. *فصل‌نامه علمی-پژوهشی علوم انسانی الزهرا (س)*، ۴۵(۱۲)، ۱۲۸-۱۰۸.

۲۰. گیدنز، آ. (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی* (م. صبور، مترجم). تهران: نشر نی.

۲۱. مرادی، گ.، صفاریان، م.، و آذرگون، ز. (۱۳۸۹). بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی مرتبط با مشارکت سیاسی جوانان: مطالعه موردی شهر ساری. *فصل‌نامه پژوهش اجتماعی*، ۲(۴)، ۴۱-۲۷.

۲۲. معتضد راد، آ. ا.، و سپهوند، ا. (۱۳۹۲). بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: دبیران متوسطه شهرستان خرم‌آباد). *فصل‌نامه مطالعات سیاسی*، ۵(۱۹)، ۶۳-۹۲.

۲۳. نجات، ج.، عبدالحی چندانق، ح.، و حبیب‌الله، ز. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی، مطالعه موردی: جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال استان بوشهر. *فصل‌نامه ورزش و جوانان*، ۶(۶)، ۱۸۳-۱۷۱.

۲۴. هاشمی، س. ا. (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان (مطالعه موردی: زنان ۱۸ تا ۳۹ سال شهرستان لامرد). *فصل‌نامه علمی-پژوهشی زن و جامعه*، ۱(۶)، ۸۷-۱۰۱.

۲۵. هانتینگتون، س. (۱۳۷۵). *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی* (م. محسن‌ثلاثی، مترجم) (چاپ دوم). تهران: نشر علم.

26. Agbalajobi, D. T. (2013). Women participation and the political process in Nigeria: problems and prospects. *African Journal of Political Science and International Relations*, 4(2), 75-82.
27. Baman, L., and Esther, D., Rohini, P., & Topalova, P (2014). *Political reservation and substantive representation: Evidence from Indian Village Councils*. Mimeo. Washington DC: World Bank.
28. Chakraborty, Sh. (2018). Women empowemrnt: A study of political participation of women in Surat. *International Journal of Development Research*, 7(2), 1-6.

29. Elias, J. (2014). The gender politics of economic competitiveness in Malaysia's transition to a knowledge economy. *Pacific Review*, 24(5), 529–552.
30. Kasomo, D. (2013). Factors affecting women participation in electoral politics in Africa, *International Journal of Psychology and Behavioral Sciences*, 2(3), 57-63.
31. Levine, J. (2005). *The social logic of politics: personal networks as contexts for political behavior*. Philadelphia: Temple University Press.
32. Luka, R. C. (2014). Women and political participation in Nigeria: The imperatives of empowerment. *Journal of Social Sciences and Public Policy*, 2(3), 24-37.
33. Molin Mohamed, A. (2018). *Women political participation and descion making Somali*. Research report presented to hope university graduate school in partial fulfillment of award for a bachelor degree of public adminstartion, Mogadishu-Smolia.
34. Naz, A., Ibrahim, F., & Ahmad, W. (2015). Socio-cultrual impediments to women political empowerment pakhtun society. *Academic Research International*, 3(1), 163-173.
35. Nepal, R. S. (2011). *Women's political participation, empowerment and inclusions in Nepal: Survey Report, and Strategic Action Plan, 2011*. Bhaktapur: Renaissance Society Nepal.
36. Ogbogu, C. O. (2014). The role of women in politics and in the sustenance of democracy in Nigeria. *International Journal of Business and Social Science*, 8(9), 182-191.
37. Patel, V. (2011). *Discourse on women and empowerment*. New Delhi: The Women Press.
38. Peterson, N. A., Lowe, J. B., Hughey, J., Reid, R. J., Zimmerman, M. A., & Speer, P. W. (2015). Measuring the intrapersonal component of psychological empowerment: Confirmatory factor analysis of the socio-political control scale. *American Journal of Community Psychology*, 3(8), 287-297.
39. Pirini, C., Keyes, C., Joshanloo, M., Rostami, R., & Nosratabadi M. (2013). Social participation, sense of community and social well-being: A study on American, Italian and Iranian university students. *Social Indicators Research*, 8(9), 97-112.
40. Wangc, T. (2004). *Political Participation and Voting*. Retrieved from <http://www.unc.edu/- Wangc/ Class %205.doc>
41. Waring, M. (2011). *Womens political particiapation*. The Institute of Public Policy, Auckland Universiy of Technology. Retrieved from <https:// www. brookings.edu/blog/up-front/2019/09/04/womens-political-participation-and-development>
42. Xu, Q., Perkins, D. D., & Chow, J. C. (2014). Neighboring, and social capital as predictors of local political participation in China. *American Journal of Community Psychology*, 4(5), 259-271.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2021.68121.1002>

مقاله پژوهشی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال نوزدهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۳۶

فرا تحلیل کیفی روش و نتایج پژوهش‌های مرتبط با بازارچه‌های مرزی در ایران

محسن جان‌پرور (استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

janparvar@um.ac.ir

ساجد بهرامی جاف (دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

bahramijaf93@gmail.com

ریحانه صالح‌آبادی (دانش‌آموخته دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)

reyhane.salehabadi@gmail.com

دریا مازندرانی (دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

darya.mazandarani@mail.um.ac.ir

صص ۲۰۳ - ۱۷۷

چکیده

مناطق مرزی در مقایسه با مناطق مرکزی کشورها از انزوای جغرافیایی، دوری از قطب‌های رشد اقتصادی، صنعتی، قرارگرفتن در حاشیه و همچنین توسعه‌نیافتگی در ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی رنج می‌برند. دولت‌ها برای کاهش این نقاط ضعف به دنبال احداث بازارچه مرزی برآمده‌اند. بازارچه مرزی به دلیل تماس این مناطق با محیط خارجی سبب گسترش مبادلات و پیوندهای فضایی در دو سوی مرزها و کاهش آسیب‌پذیری و تهدیدات مختلف در این مناطق شده است؛ بنابراین توجه به بازارچه مرزی از سوی صاحب‌نظران علوم مختلف از اهمیت وافر برخوردار شده است. به‌گونه‌ای که تحقیقات گسترده‌ای در این زمینه برای بررسی ویژگی‌ها و ابعاد این بازارچه‌ها صورت گرفته است. این مقاله با رویکرد فرا تحلیل به بررسی مقالات و پایان‌نامه‌های منتشرشده به زبان فارسی تا سال ۱۳۹۸ پرداخته

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۳ تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۴/۲۷

است. فراتحلیل به عنوان روشی برای تجمیع نتایج پژوهش‌های پراکنده در دستیابی به دیدگاهی نوین برای گسترش دانش بشری مورد استفاده قرار می‌گیرد. ازاین‌رو، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد عوامل گردشگری، توسعه اقتصادی - اجتماعی، اقتصادی - کالبدی، سیاسی - امنیتی، توسعه پایدار منطقه‌ای، استفاده از شاخص‌های ترکیبی، نقطه قوت پژوهش‌های مورد بررسی است و عدم توجه به توسعه‌یافتگی مناطق، توجه وافر به بعد امنیتی مناطق مرزی و در روش تحقیق عدم انعکاس روایی و بایایی ابزار مورد سنجش، از نقاط ضعف پژوهش‌ها محسوب می‌گردد. از سویی دیگر، تمامی تحقیقات تنها به صورت نظری به موضوع پرداخته‌اند و تاکنون دیدگاه کاربردی از سوی صاحب‌نظران برای تقویت بازارچه مرزی در سطح ملی ارائه نگردیده است.

کلیدواژه‌ها: بازارچه مرزی، فراتحلیل، مقالات فارسی، پایان‌نامه‌های فارسی.

۱. مقدمه

جمهوری اسلامی ایران دارای ۱۵ کشور همسایه می‌باشد و ازاین‌رو دارای مرزهای مشترک طولانی با همسایگان است. از میان ۳۱ استان کشور، ۱۶ استان جزء استان‌های مرزی محسوب می‌گردند که در حدود ۴۵ درصد از جمعیت کل کشور را به خود اختصاص داده‌اند (افراسیابی، ۱۳۹۶، ص. ۳۳۴). ازاین‌رو، دغدغه بسیاری از صاحب‌نظران علوم مختلف و سیاستمداران توجه به نواحی مرزی و حل معضلات و مشکلات ساکنان این مناطق شده است. بر همین اساس، این امر از اهمیت وافر برخوردار است تا مناطق محروم و دورافتاده بتوانند از حقوق توسعه‌یافتگی بهره‌مند گردند (طالب و عنبری، ۱۳۸۷، ص. ۲۲۶). ویژگی‌های این مناطق مانند دوری از مرکز، انزوای جغرافیایی، ناپایداری سکونتگاهی، تمایز فرهنگی، تهدیدات خارجی، تعاملات مرزی سبب شده است تا توجه به این مناطق افزایش یابد (محمدی‌یگانه و مهدی‌زاده و چراغی، ۱۳۹۱، ص. ۸۰). بنابراین، یکی از راهکارهای دولت برای رسیدن به حق توسعه و پیشرفت نواحی مرزی، احداث بازارچه‌های مرزی بوده است تا بتواند اقتصاد نواحی را پویا سازد و سبب گسترش تبادلات مرزی و در نتیجه بهبود معیشت مردم گردد؛ زیرا بازارچه‌های مرزی دارای پتانسیل بالایی برای افزایش مبادلات رسمی،

شکوفایی بازارهای بین منطقه‌ای، تثبیت قیمت‌ها، افزایش سود تجاری، افزایش اشتغال‌زایی و در نهایت رفاه اجتماعی و گسترش امنیت منطقه‌ای و توسعه پایدار در مناطق مرزی هستند (کامران، ۱۳۸۸، ص. ۹). در دهه‌های اخیر، در تحقیقات توسعه‌ای اعم از تحقیقات اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیک به مناطق مرزی و تأثیرات مرزی توجه بسیاری صورت گرفته است (نیبوهر^۱، ۲۰۰۵، ص. ۷۱). چگونگی کارکرد و نقش مرزها عاملی کلیدی در توسعه مناطق مرزی به شمار می‌روند. مرزها هم می‌توانند مانعی در برابر توسعه یکپارچه نواحی مرزی باشد و هم به عنوان پلی ارتباطی زمینه تعاملات و پیوند دو طرف مرز را فراهم کنند (چن^۲، ۲۰۰۶، ص. ۲۵). به طور کلی، مرزها به عنوان عامل جدایی میان فرهنگ‌ها، زبان و دولت‌ها شناخته می‌شوند. در قرن ۱۶ و ۱۷ ایده مرزهای طبیعی بر تمام جنبه‌های مفهوم مرز تسلط داشت. مرزها دلیلی برای افزایش همبستگی میان جغرافیای سیاسی و جغرافیای فیزیکی به عنوان فضای سیاسی ایده آل هستند (تروبیست^۳، ۲۰۱۰، ص. ۱۰). بنابراین، محققان علوم مختلف به صورت‌های گوناگون در غالب مقالات علمی - پژوهشی، همایشی و پایان‌نامه به نقش بازارچه‌های مرزی در امنیت و توسعه، توسعه پایدار منطقه‌ای، توسعه کالبدی - اقتصادی، توسعه اقتصادی - اجتماعی، گسترش هویت فرهنگی و غیره پرداخته‌اند. مطالعات مرتبط با بازارچه‌های مرزی زمینه‌ساز شناسایی نواحی مسئله‌دار، اولویت‌های ایجاد بازارچه‌های مرزی، شناسایی قانون‌ها بحران‌زا و عوامل مرتبط با احداث این بازارچه‌ها در کشور می‌گردد که می‌تواند ابزاری مناسب برای سیاست‌مداران و محققان شهری باشد و در راستای تدوین و تنظیم سیاست‌های مرتبط مفید باشد؛ بنابراین در راستای رسیدن به این هدف از روش فراتحلیل کیفی استفاده شده است. برخلاف علوم طبیعی که مبانی مطالعاتی صریحی دارند، مطالعاتی از این دست، از مفاهیم انتزاعی و در حال تحول شکل یافته‌اند. در واقع در روش فراتحلیل این امکان وجود دارد تا جمع‌بندی مشخصی از مطالعات صورت گیرد (شفیعی، ۱۳۹۱، ص. ۲۲). این پژوهش با هدف دسته‌بندی و شناسایی یافته‌های تحقیق‌های انجام شده در ارتباط با بازارچه‌های مرزی به بررسی ۷۹ مقاله همایشی، علمی - پژوهشی و پایان‌نامه پرداخته است. براین اساس، پس از

1. Neibuhr

2. Chen

3. Troebst

شناسایی مقالات و پایان‌نامه‌هایی که در طی سال‌های اخیر مستقیماً به موضوع پرداخته‌اند، از مبانی روش‌شناسی، ابزارهای تحلیل، نتایج و سایر موارد اشاره‌شده در آن‌ها در این تحقیق استفاده شده است.

۲. روش تحقیق

هدف از پژوهش حاضر، ترسیم سیمای مرتبط با بازارچه‌های مرزی بود. به‌منظور نیل به این هدف، از روش فراتحلیل کیفی استفاده شد. هدف از فراتحلیل کیفی، ارائه تصویری جامع و تفسیری از داده‌ها و پژوهش‌هایی است که تاکنون به موضوع خاصی پرداخته‌اند. فراتحلیل کیفی درصدد است تا با یکپارچه کردن و ترکیب نظریه‌ها، روش‌ها و یافته‌های پژوهش‌های انجام‌گرفته، عناصر اساسی آن پژوهش‌ها را کشف کرده و نتایج و جهت‌گیری کلی آن‌ها را در قالب جدیدی مفهوم‌سازی کند و در نهایت، به تفسیر و تبیین آن عناصر و یافته‌ها بپردازد. آنچه بر اهمیت و کاربرد این روش تحقیق افزوده، نقش آن در ترکیب و یکپارچه‌سازی پژوهش‌هایی است که به‌صورت انفرادی و پراکنده انجام گرفته است. فراتحلیل می‌تواند به‌روشنی خلأها، مشکلات و نواقص پژوهش‌ها و مطالعات انجام‌شده را نشان دهد.

در مجموع، دو گونه فراتحلیل وجود دارد: الف) فراتحلیل کمی که با استفاده از تکنیک‌های آماری پیچیده، درصدد یکپارچه کردن نظریه‌ها و نتایج تمامی پژوهش‌ها و همچنین شناسایی متغیرهای مزاحم و مداخله‌گر است. ب) فراتحلیل کیفی که نه‌تنها نظریه‌ها، روش‌ها و نتایج پژوهش‌های مختلف را یکپارچه می‌کند، بلکه تفسیر ژرفی از موضوع مورد بررسی ارائه می‌دهد. البته، در فراتحلیل‌های کیفی نیز از آمار استفاده می‌شود، اما هدف از آن مشخص کردن فراوانی‌ها، درصد فراوانی‌ها و ترسیم نمودارهای میله‌ای و دایره‌ای برای نمایش نتایج است. مزیت فراتحلیل کیفی به فراتحلیل کمی آن است که در فراتحلیل کیفی، نقش تفسیر برجسته‌تر بوده و پژوهشگر صرفاً به توصیف آماری و کمی داده‌های پژوهش نمی‌پردازد، بلکه تلاش دارد تا با توجه به زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که موضوع پژوهش در آن شکل گرفته است، پژوهش‌های انجام‌شده را تفسیر و تحلیل کند. با این اوصاف و برای ارائه تصویری جامع و شفاف از پژوهش‌های بازارچه مرزی، از فراتحلیل کیفی استفاده شد.

در تحقیق حاضر با رویکرد فراتحلیل، به بررسی پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه بازارچه مرزی پرداخته شده است. برخی از این منابع از طریق مراجعه مکرر و حضوری به کتابخانه‌ها و مراکز اسناد و برخی دیگر نیز از طریق جست‌وجوی اینترنتی یافت شدند. پس از مراجعه به تمامی پایگاه‌های اطلاعاتی نشریات علمی کشور و همچنین جست‌وجوی آزاد در اینترنت، تعداد ۷۹ پژوهش تجربی در قالب پایان‌نامه، مقاله علمی-پژوهشی و مقاله همایشی به دست آمد. آنچه در مقاله حاضر مورد بررسی و واکاوی قرار گرفت، ساختار و محتوای این ۷۹ پژوهش بود که در ادامه به این موارد پرداخته شده است.

۳. مبانی نظری و چهارچوب تحقیق

۳.۱. بازارچه مرزی

مرز از جمله مفاهیمی می‌باشد که در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، تجاری، فرهنگی و جغرافیایی کاربردهای متفاوتی دارد. مرز می‌تواند به دو مفهوم عینی مانند مرزهای رسمی کشورها و یا ذهنی مانند مرزهای عقیدتی و یا در مفهوم باز، بسته و یا قوی مطرح گردد (عبده‌زاده، ۱۳۹۴، ص. ۴۳). مرز دارای کارکردهای مختلفی است که یکی از مهم‌ترین کارکردهای آن توجه به نقش مبادلاتی مرز بین ساکنان دو منطقه مرزی است. در واقع، در جهان امروز تجارت و گسترش مبادلات تجاری به‌عنوان محرک رشد و توسعه کشورها معرفی شده است؛ زیرا کشوری که از سیستم‌های باز خارجی در عرصه بین‌المللی برخوردار است کمتر به فقر مبتلا شده و این موضوع سبب رونق تجارت خارجی و کاهش نابرابری‌های موجود در جامعه می‌شود (اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۲، ص. ۳۰). همکاری‌های بین‌مرزی و گسترش ارتباطات در دو سوی مرز موجب می‌شود مناطق تجاری در طرف مرز در یک بازار ادغام شوند. گسترش بازارها منجر به رشد مراکز اقتصادی جدید در شهرهای مناطق مرزی می‌گردد (نیبوهر و استایلر^۱، ۲۰۰۲، ص. ۸). ایجاد بازارچه مرزی را می‌توان در راستای گسترش همکاری‌های منطقه‌ای تلقی کرده و به‌عنوان بخشی از یک راه‌حل اقتصادی برای کاهش بحران‌های منطقه‌ای، ایجادکننده ثبات در مناطق مرزی و گسترش فعالیت‌های تولیدی و

1. Nibuher&Stiller

تجاری محسوب کرد و به این طریق می‌توان رفاه حاصل از تجارت را در نواحی که از محرومیت مضاعف نسبت به سایر نقاط کشور برخوردارند فراهم نمود (رومینا و پورعزیزی و بایزی، ۱۳۹۷، ص. ۱۰۵۰). این بازارچه‌ها می‌توانند باعث توسعه مناطق مرزی به‌ویژه مناطق شهری شوند که عبارتند از: ساخت‌وساز جاده‌ای، شبکه حمل‌ونقل، راه‌آهن، بهبود کیفیت مسکن، افزایش زیرساخت‌های شهر و همچنین احساس امنیت شغلی در بازارچه مرز و افزایش همکاری‌های بین دو منطقه مرزی (دوبلر^۱، ۲۰۱۴، ص. ۱۱۲). عامل مهم در توسعه بازارچه‌های مرزی، توانایی این بازارچه‌ها در صادرات و واردات کالا است؛ بنابراین بازارچه‌های مرزی نقش ترکیب دو استراتژی فضایی فراملی و ملی را به‌صورت همگرا دارند (والتر^۲، ۲۰۱۴، ص. ۵۶). از این‌رو، کشورهای درحال توسعه برای گسترش تجارت خارجی به مبادلات مرزی با همسایگان روی آورده‌اند؛ بنابراین توجه به این نوع سیاست سبب شده است تا در مناطق مرزی، بازارچه‌های مرزی احداث شده و این امر با تحول و پویایی در عرصه تجارت خارجی مواجه شده است (ا. آی. سی. یو^۳، ۲۰۰۵، ص. ۳). از جمله اهداف بازارچه‌های مرزی، امکان برقراری ارتباط سالم و مستمر تجاری با کشورهای همسایه، ایجاد رونق اقتصادی، بالابردن ضریب امنیتی مرزهای کشور، شکوفایی استعداد محلی و ایجاد مشاغل مولد می‌باشد (زرقانی، ۱۳۹۲، ص. ۶۶۳). در تعریف بازارچه مرزی می‌توان بیان نمود که بازارچه مرزی محوطه‌ای محصور واقع در نقطه صفر مرزی و در مجاورت گمرک می‌باشد که مجاز به انجام تشریفات مرتبط با ترخیص کالا یا امضای تفاهم‌نامه‌های منعقدشده بین کشور ایران و همسایگان است (کهنه‌پوشی، ۱۳۹۱، ص. ۹). این نوع بازارچه‌ها به دو دسته کلی قابل تفکیک هستند: ۱- بازارچه‌های مرزی مصوب تجاری اقتصادی که توسط هیئت وزیران احداث شده‌اند، ۲- بازارچه‌های امنیتی ویژه، برای احداث این نوع بازارچه‌ها شورای عالی امنیتی ملی رأی صادر می‌نماید که می‌توان به بازارچه مرزی ایران و عراق و افغانستان اشاره نمود (طیبنیا، ۱۳۹۵، ص. ۱۴۹). بازارچه‌های مرزی اگر همراه با برنامه‌ریزی و مدیریت نظام‌مند باشد، می‌تواند باعث پیشرفت مناطق مرزنشین شود و فرصت‌های شغلی را برای آنان فراهم کند

-
1. Dobler
 2. Walther
 3. OICU

(اسپیدل^۱، ۲۰۱۱، ص. ۱). اندازه بازارچه‌های مرزی و فاصله نزدیک شهرهای مرزی به شهرهای بزرگ نیز از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تجارت بین مرزی و گسترش توسعه اقتصادی و منطقه‌ای است (توپالولو و پتراکوس^۲، ۲۰۰۶، ص. ۳۰). بنابراین، می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که ایجاد بازارچه‌های مرزی موجب تبادلات فضایی مناطق مرزی بین کشورها و ارتقاء جایگاه این مناطق در سطح ملی می‌شود. به دنبال امضای پروتکلی با مقامات کشور ترکیه در نیمه دوم دهه ۱۳۶۰، اولین بازارچه مرزی در ایران با اهداف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و... در محل ساری سو بازرگان در سال ۱۳۶۷ تأسیس شد، ولی این بازارچه به دلایل مختلفی به‌ویژه ایرادهای قانونی که گمرک به نحوه عملکرد بازارچه و همچنین اهداف تأسیس آن گرفت، در اواخر سال ۱۳۶۸ تعطیل شد. دور دوم فعالیت بازارچه‌های مرزی از سال ۱۳۶۹ تا سال ۱۳۷۳ و به دنبال مذاکره‌های استاندار آذربایجان غربی و استاندار وان ترکیه و با تأسیس بازارچه مرزی رازی (خوی) و سرو (ارومیه) آغاز شد. به دنبال آن اقداماتی جهت احداث بازارچه‌های مرزی در چند استان کشور انجام گرفت (پاشالو، ۱۳۹۳، ص. ۹۸).

۲.۳. پارادایم‌های غالب در ارتباط با بازارچه مرزی

۱. ۲.۳. تحلیل مفهوم استنباطی مرز از دیدگاه نظریه قطب رشد

نظریه قطب رشد توسط فرانسوا پرو در سال ۱۹۵۵ ارائه گردید. طبق این نظریه، توسعه را باید از یک آغاز نمود که شعاع آن بعد از توسعه قطب، به‌صورت خودکار به اطراف پراکنده گردد (سعیدی، ۱۳۹۶، ص. ۹۳). در حقیقت، نظریه قطب رشد با قبول پدیده عدم تعادل منطقه‌ای بین قطب رشد و نواحی دور از قطب، آن را لازمه توسعه کشورها یا مناطق بزرگ می‌داند. این نظریه بر دو پایه اصلی استوار می‌باشد: یکی اثرات تمرکز و دیگری انتشار. این نظریه بیان می‌دارد که رشد هم‌زمان در همه‌جا اتفاق نمی‌افتد، بلکه در نقاط یا قطب‌هایی ما با فرایند رشد مواجه هستیم که از قدرت جاذبه بالایی نیز برخوردار هستند. این نقاط، توسعه را در کانال‌هایی منتشر می‌کنند که کل اقتصاد منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در کشورهای در حال توسعه، راهبرد قطب رشد عمدتاً با سه هدف مورد استفاده قرار گرفته است: اول،

1. Speidell

2. Topalolou&Petrakos

مدرنیزه کردن نواحی عقب‌مانده و با اقتصاد منزوی، دوم، ایجاد مراکز شهری در مناطقی که منابع طبیعی قابل بهره‌برداری داشتند و سوم، در مواردی که مشکل رشد فزاینده در متروپل ملی به وجود آمده است. این رویکرد در موارد فوق توسط کشورهای مختلف جهان سوم در دهه ۱۹۵۰ مورد استفاده قرار گرفت (کلانتری، ۱۳۸۰، ص. ۷۵). در واقع، این راهبرد به دلایل مختلف زیر، به‌عنوان ابزار سیاست‌گذاری مورد استقبال کشورهای مختلف قرار گرفته است: (۱) به دلیل شکل‌گیری تراکم اقتصادی در این قطب‌ها، به‌عنوان راهی بسیار کارآمد و با بهره‌وری بالا برای رشد و توسعه محسوب می‌گردند، (۲) تمرکز سرمایه در مناطق رشد، سبب کاهش هزینه‌های عمومی می‌شود و خدمات را در سطح منطقه وسیع‌تری عرضه می‌نماید، (۳) آثار انتشار و پخش توسعه از این مناطق به مناطق مجاور، سبب حل و فصل بسیاری از مشکلات مناطق کمتر توسعه‌یافته و محروم می‌شود. گرچه می‌توان توجه نمود که یکی از رسالت‌های مهم قطب رشد، یکپارچه و هماهنگ نمودن جمعیت شهری با مناطق داخلی آن می‌باشد، اما قطب‌های رشد، به‌صورت کلی سبب نابودی اقتصاد روستایی می‌شوند و مشکلات فراهم نمودن غذا را برای قطب رشد ایجاد می‌نمایند. همچنین، قطب‌های رشد با جریان‌های مهاجرتی از حومه شهرها روبرو می‌شوند و بدین صورت، عدم وجود نیروی کار در بخش‌های مرتبط با امور کشاورزی، دریایی، محلی و نیروی اضافه‌کار را در مراکز رشد به وجود می‌آورد (عنبری، ۱۳۹۰، ص ۸۹). بنابراین، میردال^۱، هاریسن^۲، دویر^۳، دان فورد^۴ و میسرا^۵ اعتقاد دارند این تئوری نتوانسته است نابرابری و عقب‌ماندگی بین مناطق مختلف را کاهش داده و یا نابود سازد، بلکه باعث افزایش نابرابری و بی‌عدالتی فضایی در کشورهای درحال توسعه شده است. میسر در دهه ۸۰ میلادی بیان می‌کند که هر عنصر دارای نقش خاصی در ساختار جامعه است و معتقد است که الگوی مراکز رشد به‌عنوان راهبردی مناسب برای کشورهای درحال توسعه می‌تواند به کار گرفته شود. در واقع وی تغییر ساختار اقتدارگرا و قدرت سیاسی جامعه را به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین مشکلات پیش روی توسعه در نظر

-
1. Myrdal
 2. Harrison
 3. Dwyer
 4. Down Fored
 5. Misra

دارد. نظریه پرداز دیگر "سالیما عمر" می‌باشد که بیان می‌دارد توسعه صرفاً از مشارکت مردم و از روندی پایین به بالا برخوردار است. وی بیان می‌کند توسعه به‌عنوان فرایند قلمداد می‌شود نه یک رهیافت تکه‌تکه شده، جزئی و مجزا نسبت به موضوعات و مسائل توسعه اجتماعی میان‌بخشی، میان منطقه‌ای و میان‌رشته‌ای. وی برای فراهم آوردن عدالت اجتماعی بیشتر اصلاحات ساختی و نهادی را در نظر می‌گیرد که اساساً توجیه‌کننده بازار آزاد محسوب می‌شود. این نظریه به‌صورت کلی دارای کارکرد اقتصادی است که می‌تواند از طریق دستیابی به صرفه‌های تجمع کاهش هزینه‌های ناشی از عواملی که نسبت به بنگاه خارجی، ولی نسبت به فضای قطبی داخلی‌اند را افزایش داد. براین اساس، تجمع زیرساخت‌ها و فعالیت‌های مولد در یک منطقه به گسترش آن‌ها در سایر ابعاد اهمیت بیشتری دارد (زیاری، ۱۳۹۰، ص. ۴).

۲.۲.۳. تحلیل مفهوم استنباطی مرز از دیدگاه نظریه کریستالر

این نظریه برای نخستین بار توسط جغرافی‌دان آلمانی، والتر کریستالر^۱، در کتابی با عنوان *مکان‌های مرکزی در بخش جنوبی آلمان* در سال ۱۹۳۳ ارائه گردید. سپس این نظریه توسط لوش^۲ توسعه پیدا کرد و پس از او بری و گارسون^۳ با تأکید بر تأمین خرده‌فروشی‌ها و خدمات برای مصرف‌کنندگان در مرکز مکان مرکزی، گسترش بیشتری به آن دادند (آسایش، ۱۳۸۴، ص. ۴). این نظریه یکی از نظریه‌های مکان‌یابی مربوط به اندازه و توزیع مکان‌های مرکزی از نظر استقرار در چارچوب یک سیستم می‌باشد. این نظریه، در واقع پوششی است برای توزیع مکان‌یابی یک واحد و اینکه چگونه واحدها در ارتباط با دیگری استقرار پیدا می‌کنند. در نظریه کریستالر، مکان‌های مرکزی، بر اساس در نظر گرفتن یک دشت یکنواخت با جمعیت ثابت و قدرت خرید یکسان است. حرکت در دشت، یکنواخت و در جهات مختلف بوده و هزینه حمل‌ونقل به‌صورت طولی تغییر می‌یابد و عمل مصرف‌کنندگان به‌صورت عقلایی، در راستای حداقل کردن هزینه‌های حمل‌ونقل به‌وسیله خرید از نزدیک‌ترین محل ارائه کالا و خدمات مورد توجه می‌باشد. بنابراین، اساس نظریه مکان مرکزی کریستالر بدین

1. Walter Crystal

2. Lush

3. Barry & Gharson

ترتیب است که مجموعه‌ای از کاربران که مکان‌های معلومی داشته باشند، مکان تسهیل (مرکز خدمات، کارخانه، انبار و...) را به گونه‌ای تعیین می‌نمایند که با توجه به مکان جدید، هزینه کل سفر دارای کمترین میزان باشد (مظفری، ۱۳۹۰، ص. ۶۷). در نهایت می‌توان بیان نمود، سکونتگاه‌ها به توجه به اندازه، از کارکردها و نقش‌های ویژه‌ای برخوردار هستند. چنین کارکردهایی در سلسله‌مراتب سکونتگاهی، ترکیب‌های مشخصی پیدا می‌کنند. بدین صورت، تمام مراکز با هر مرتبه‌ای که دارند، با مراکز هم‌مرتبه و نیز با مراکز بزرگ‌تر در حوزه مشترکی از کارکردهای یکسان، برای کسب بازار نواحی پیرامونی خود به رقابت می‌پردازند (سرایی، ۱۳۹۱، ص. ۵۸).

۳.۲.۳. تحلیل مفهوم استنباطی مرز از دیدگاه نظریه مرکز-پیرامون

نظریه مرکز - پیرامون برای تبیین نحوه پراکنش فضایی فعالیت‌های انسانی بر مبنای توزیع ناهمگون قدرت به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ارائه شده است. اساس این مدل بر نظریه وابستگی و ویژه نظریات درباره توسعه‌نیافتگی کشورهای امریکای لاتین با تأکید بر ابعاد فضایی رابطه مرکز با پیرامون استوار می‌باشد. دمی‌تاون^۱ بیان نمود در مقیاس کلان جهانی، در این مدل کشورهای صنعتی به‌عنوان مرکز و کشورهای غیرصنعتی به‌عنوان حاشیه یا پیرامون قلمداد شده‌اند. سازوکارهای حاکم بر نوع روابط و مناسبات جاری بین این دو دسته کشورها، ریشه‌های اصلی توسعه‌نیافتگی در نظر گرفته شده‌اند. مطابق این مدل در مقیاس خرد، دو جزء اصلی نظام سکونتگاهی عبارتند از: مرکز، به‌مثابه کانون قدرت و سلطه و پیرامون، به‌مثابه جزء وابسته به کانون مرکزی. اینگونه وابستگی در نتیجه نابرابری بین مرکز و پیرامون در مبادله کالاهای تولیدی، تمرکز قدرت اقتصادی، نوآوری، رشد اقتصادی و فعالیت تولیدی پدیدار می‌گردد. مدل مرکز - پیرامون در بسیاری از منابع با نام جان فریدمن^۲ همراه است. فریدمن (۱۹۶۶)، این مدل از روابط را با تأکید بر جنبه‌های فضایی و به‌عنوان دومین مرحله از مراحل چهارگانه توسعه اقتصادی - فضایی معرفی کرد. در نظر فریدمن، مرکز به‌مثابه کانون قدرت، هدایت و سلطه، محل تجمع و تمرکز آراء و اندیشه‌ها، پیشرفت علمی و فناوری، سرمایه و

1. Demi Town

2. John Friedman

نیز کانون توسعه به شمار می‌آید و در مقابل، پیرامون، به مثابه فراهم‌آورنده منابع تأمین نیازهای مرکز، جایگاهی کاملاً وابسته دارد (سعیدی، ۱۳۹۲، ص. ۱۸). از سویی دیگر، وی چنین استدلال می‌کند که سازمان فضایی هر اقتصاد ملی در جریان حرکت خود از یک حالت پیش‌صنعتی به حالت بلوغ تغییر و تحول می‌یابد و در این مورد است که روند توسعه آغاز می‌گردد. دنیس راندینلی^۱ بیان می‌کند که اگر کشورهای در حال توسعه به دنبال رشد و توسعه در قلمرو گسترده‌ای هستند باید از الگوی پراکندگی در سرمایه‌گذاری بهره‌گیرند (زبردست، ۱۳۹۵، ص. ۱۴۵).

۳.۲. ۴. تحلیل مفهوم استنباطی مرز از دیدگاه نظریه برگشت تمرکز

نظریه برگشت تمرکز اولین بار در سال ۱۹۷۷ توسط ریچاردسون^۲ مطرح شد. تعریف برگشت تمرکز به این شرح است، وقتی که روند قطب‌گرایی فضایی در اقتصاد ملی به یک فرایند پخشایش فضایی از منطقه مرکزی به سایر مناطق سیستم تبدیل شود. برگشت تمرکز وقتی اتفاق می‌افتد که تمرکززدایی از مرکز به سایر مناطق و نه به حاشیه منطقه مرکزی و شهرک‌های اقماری آن منجر شود (داداش پور، ۱۳۹۷، ص. ۱۹۷). بنابراین، تمرکززدایی از نخست شهر به شهرهای اقماری آن شامل «برگشت تمرکز» نمی‌شود. «برگشت تمرکز» در کشورهای توسعه‌یافته قبل از دهه ۱۹۷۰ اتفاق افتاده است. یک شاخص برای برگشت تمرکز افزایش نرخ رشد شهرهای ثانویه نسبت به نخست شهر است. حسن برگشت تمرکز در این است که مداخله فضایی در جهت PR باید به موقع صورت پذیرد؛ یعنی قبل از اینکه پدیده PR خودبه‌خود اتفاق بیفتد باید اقداماتی جهت تمرکززدایی صورت پذیرد؛ یعنی اگر بعد از این اقدامات صورت پذیرد ممکن است دیگر لازم نباشد. اگر زودتر اقدام شود، هزینه آن به مراتب بیشتر خواهد بود. در نظر گرفتن اثرات بازگشت و اثرات نشر و برگشت تمرکز منجر به توزیع موزون خواهد شد، وقتی که چند شهر بزرگ به جای نخست شهر وجود داشته باشند؛ تقویت شهرهای بزرگ در خارج از منطقه مرکزی نیز می‌تواند در «برگشت تمرکز» مفید واقع شود (لطیفی، ۱۳۸۸، ص. ۱۰۵). در این باره می‌توان بیان نمود که ریچاردسون اعتقاد دارد در این

1. Dennis Randinley

2. Richardson

فرایند شهرهای ثانویه در یک منطقه در مقایسه با شهر اصلی به رشد سریع‌تری دست می‌یابند. به عبارتی دیگر، در روند جدید گسترش کلان‌شهری، اکثریت رشد به تعدادی از شهرها و شهرک‌ها در داخل یک منطقه کلان‌شهری وسیع‌تر، اما در فاصله‌های متفاوت از مرکز شهر اصلی انتقال یافته است. این روند به مرور زمان عدم تمرکز را به دنبال دارد (زبردست، ۱۳۸۸، ص. ۱۰۹).

۳.۲.۵. تحلیل مفهوم استنباطی مرز از دیدگاه نظری جونز و وایلد

فیلیپ جونز و ترور وایلد تحقیقات میدانی وسیعی در مناطق مرزی آلمان شرقی و آلمان غربی در سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ بلافاصله پس از اتحاد مجدد میان دو قسمت آلمان شرقی و غربی انجام داده‌اند. نتایج این تحقیقات، در سال ۱۹۹۴ طی مقاله‌ای در *مجله مطالعات منطقه‌ای*^۱ منتشر شد. در این مقاله تحقیقی، تغییرات فضایی - ساختاری شرایط توسعه در دو سوی مرز پیشین میان دو آلمان پیش‌وپس از برداشتن آن مرز سیاسی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. جونز و وایلد^۲ بر اساس نظریه‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای و نظریه‌های نایلز و هانسن^۳ در رابطه با مناطق مرزی، مطالعاتی موردی در چند منطقه واقع در دو سوی مرز سیاسی پیشین میان دو آلمان انجام دادند و خصوصیات برای این مناطق استخراج و تدوین کردند. این خصوصیات بدین شرح بیان می‌گردد: مناطق مرزی همیشه به‌عنوان منطقه حاشیه‌ای و توسعه‌نیافته باقی می‌ماند، حتی در کشور پیشرفته‌تری، مانند آلمان غربی گرچه حاشیه بودن می‌تواند معلول شرایط جغرافیایی این مناطق باشد، اما پدیده مرزی بودن، بسیاری از امکانات و فعالیت‌های آن منطقه را مضمحل می‌سازد (امیرزاده، ۱۳۹۶، ص. ۶۹). برقراری مرز میان دو کشور، تداوم و پیوستگی فضایی که به طور اصولی فضاها را توسعه دو کشور را به یکدیگر پیوند می‌دهد را از هم می‌گسلد و هر دو منطقه واقع در دو سوی مرز، به دلیل قطع پیوستگی فضایی، حاشیه‌ای می‌شوند. مناطقی که قبل از برقراری مرز، از نظر فضایی و فعالیت به همدیگر متصل بوده‌اند، از همدیگر جدا و حاشیه‌ای می‌شوند. علت عقب‌ماندگی این نواحی

1. Studies Regional

2. Jones & Wild

3. Niels and Hansen

مرزی نیز حاشیه‌ای شدن آن‌ها است (عندلیب، ۱۳۸۸، ص. ۶۲). اصولی برای توسعه مناطق مرزی ارائه شد: ضرورت درک پیچیدگی، گستردگی و تنوع متغیرها و تأثیرات آن‌ها در مناطق مرزی، لزوم تأمین شرایط و زیرساخت‌های توسعه مناطق مرزی، ضرورت خروج از انزوا و گسترش ارتباطات با داخل و خارج، لزوم پیوستگی مناطق مرزی با مرکز؛ لزوم حمایت و پشتیبانی‌های ویژه از این مناطق جهت خروج از محدودیت و دستیابی به توسعه (مختاری هشی، ۱۳۹۳، ص. ۲۴۳).

۳.۲.۶. تحلیل مفهوم استنباطی مرز از دیدگاه نظریه روان‌شناسی اجتماعی

لایمگربو^۱ بحث عوامل روان‌شناسی اجتماعی را در مطالعات جغرافیایی مرزها مطرح نمود. وی اعتقاد دارد که مرزها همانند موجودات انسانی و ساختارهای اجتماعی که تحت تأثیر ادراک و نگرش انسانی نسبت به فضا هستند. وی با کمک نوشته‌های ملز و رومز^۲ در زمینه روان‌شناسی نظام فضایی صدفی شکلی را ارائه نموده است. در این نظام فضایی، انسان‌ها از طریق فعالیت‌های فضایی و واقعی تعریف می‌شوند و مناطق مرزی به عنوان مناطقی که دارای گرایش‌های مرکزگرایز است مورد بررسی قرار می‌گیرند (موسوی، ۱۳۸۸، ص. ۳۷). تحقیقات روملی و مینگی^۳ در مورد ویژگی‌های جغرافیای مناطق مرزی در سال ۱۹۹۱ نشان‌دهنده تفاوت‌های سیاسی، فرهنگی، قومی - اجتماعی و تأثیرات آن‌ها بر مناطق مرزی متمرکز بوده است. نگرش اجتماعی به مرز و مناطق مرزی موجب افزوده شدن وجه ادراکی، وجه تأثیرگذاری و وجه ذهنی - روانی به مرزها می‌شود، برای مثال فاصله بین منطقه A و B الزاماً برابر با فاصله ادراکی به این معنا است که افراد عموماً برداشتی ادراکی از واقعیت و حقیقت موجود را دارا هستند و چنین برداشتی از واقعیت حاصل تجربه و دانش است که در انسان‌ها مشترک نمی‌باشد. فاصله ذهنی در این رویکرد به بررسی ارزیابی تفاوت تلقی‌ها و خصوصیات گوناگون دو کشور می‌پردازد و فاصله ذهنی بسیار شبیه به مفهوم فاصله در رویکرد همکاری بین مرزی است؛ زیرا هر دو با خصوصیات متفاوت اقتصادی، فرهنگی و

1. Lymegeerbo

2. Mells & Rumes

3. Rumley & Minghi

اجتماعی روبرو هستند. فاصله ذهنی آشکارا بر ادراک، ارزیابی و سنجش تفاوت‌های میان دو کشور تأکید دارد (قنبری، ۱۳۹۶، ص. ۲۸).

۴. یافته‌های تحقیق

۴.۱. یافته‌های فراتحلیل

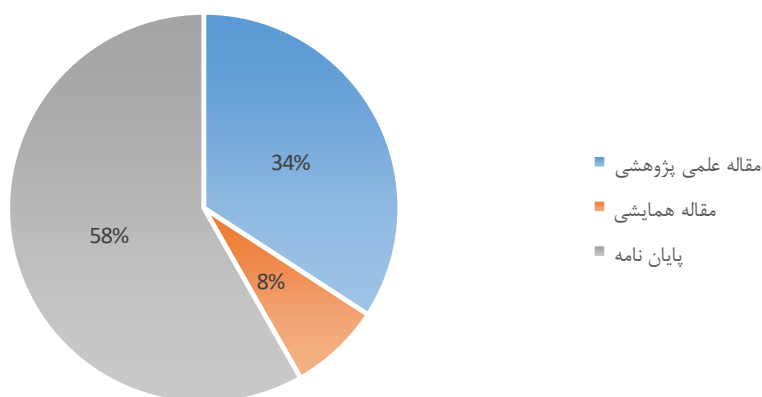
۴.۱.۱. قالب مقالات

تحقیقات انجام‌شده در بازه زمانی ۱۳۸۴-۱۳۹۸ نشان‌دهنده این موضوع است که ۳۴,۱۷ درصد از تحقیقات، مقالات علمی - پژوهشی هستند. در این بین، ۷,۵۹ درصد را مقالات همایشی و ۵۸,۲۲ درصد را پایان‌نامه‌ها به خود اختصاص داده‌اند؛ بنابراین پایان‌نامه‌ها با اختصاص بالاترین درصد بیشترین قالب مقالات را داشته‌اند.

جدول ۱- قالب مقالات بررسی‌شده

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

نوع اثر	فراوانی	درصد
مقاله علمی-پژوهشی	۲۷	۳۴,۱۷
مقاله همایشی	۶	۷,۵۹
پایان‌نامه	۴۶	۵۸,۲۲



شکل ۱- نمودار دایره‌ای قالب مقالات

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

۴. ۱. ۲. بازه زمانی

معیار بازه زمانی، تاریخ انتشار و نه تاریخ انجام پژوهش بوده است. توزیع مقالات منتشرشده با مضمون بازارچه مرزی از سال ۱۳۹۲ به بعد دارای رشد بالایی بوده است.

جدول ۲- بازه زمانی چاپ مقالات بررسی شده

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

سال	فراوانی	درصد
۱۳۸۴	۱	۱,۲۶
۱۳۸۷	۱	۱,۲۶
۱۳۸۸	۲	۲,۵۳
۱۳۸۹	۱	۱,۲۶
۱۳۹۰	۵	۶,۳۲
۱۳۹۱	۵	۶,۳۲
۱۳۹۲	۱۱	۱۳,۹۲
۱۳۹۳	۵	۶,۳۲
۱۳۹۴	۱۱	۱۳,۹۲
۱۳۹۵	۸	۱۰,۱۲
۱۳۹۶	۱۳	۱۶,۴۵
۱۳۹۷	۱۵	۱۸,۹۸
۱۳۹۸	۱	۱,۲۶



شکل ۲- نمودار بازه زمانی مقالات بررسی شده

مأخذ: یافته‌های نگارندگان، ۱۳۹۹

۴. ۱. ۳. سن‌شناسی پژوهشگران

۵۷,۶ درصد پژوهشگران هیأت علمی دانشگاه‌ها و ۴۲,۳۹ درصد دانشجویان بوده‌اند؛ بنابراین اعضای هیأت علمی بیشترین سهم را در تولید تحقیقات مرتبط با بازارچه مرزی داشته‌اند.

جدول ۳- نوع پژوهشگران مقالات بررسی شده

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

نوع پژوهشگر	تعداد	فراوانی
هیأت علمی	۱۲۵	۵۷,۶
دانشجویان	۹۲	۴۲,۴

۴. ۱. ۴. جنسیت پژوهشگران

۸۳,۴۱ درصد از پژوهشگران مرد هستند و در حدود ۱۶,۵۸ درصد را زنان تشکیل می‌دهند.

جدول ۴- جنسیت پژوهشگران مقالات بررسی شده

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

جنسیت پژوهشگر	فراوانی	درصد
مرد	۱۸۱	۸۳,۴۱
زن	۳۶	۱۶,۵۸

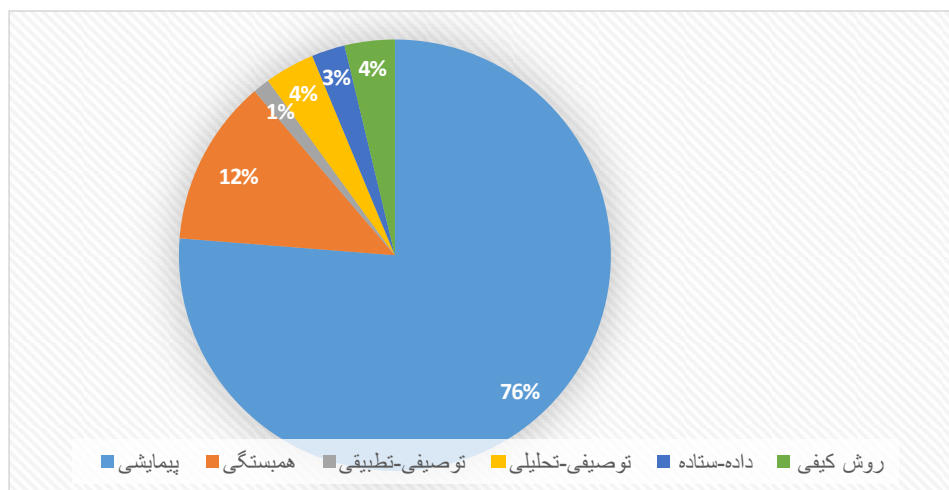
۴. ۱. ۵. روش پژوهش

به لحاظ روش استفاده‌شده در مقالات ۷۷,۲۱ درصد روش به‌صورت کمی و ۳,۷۹ درصد به‌صورت کیفی بوده است. روش‌های استفاده‌شده در این تحقیقات عبارتند از: پرسش‌نامه، مصاحبه عمیق، نیمه‌ساختاریافته، اسنادی، تحلیل ثانویه، تکنیک‌های آماری، داده ستانده.

جدول ۵- روش پژوهش مقالات بررسی شده

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

روش تحقیق	تعداد	درصد
پیمایشی	۶۱	۷۷,۲۱
همبستگی	۱۰	۱۲,۶۵
توصیفی - تطبیقی	۱	۱,۲۶
توصیفی - تحلیلی	۳	۳,۷۹
داده - ستانده	۲	۲,۵۳
روش کیفی	۳	۳,۷۹



شکل ۳- نمودار دایره‌ای نوع روش تحقیق مقالات بررسی شده

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

۶.۱.۴. جزئیات روش تحقیق تحقیقات

بررسی روش تحقیق مقالات و پایان‌نامه‌ها نشان می‌دهد که روش پرسش‌نامه با ۷۹,۷۴ درصد دارای بیشترین فراوانی می‌باشد و اغلب تحقیقات از این روش بهره گرفته‌اند.

جدول ۶- جزئیات روش تحقیق مقالات بررسی شده

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

درصد	فراوانی	جزئیات روش تحقیق
۶,۳۲	۵	کاربردی
۱,۲۶	۱	محض
۲,۵۳	۲	توصیفی
۵,۰۶	۴	تبیینی
۷۹,۷۴	۶۳	پرسش‌نامه
۲,۵۳	۲	اسناد و مدارک
۱,۲۶	۱	AHP
۱,۲۶	۱	ANP

۴. ۱. ۷. خصوصیات نمونه‌گیری

بیشترین حجم نمونه مقالات و پایان‌نامه‌ها به تعداد ۲۰۰-۱۰۰ به میزان ۵۴,۴۳ درصد می-

باشد.

جدول ۷- خصوصیات نمونه‌گیری مقالات بررسی شده

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

درصد	فراوانی	نمونه‌گیری
۱۱,۳۹	۹	نامشخص بودن نمونه‌گیری
۶,۳۲	۵	تعداد نمونه ۵-۹
۶,۳۲	۵	۵۰-۱۰۰
۵۴,۴۳	۴۳	۱۰۱-۲۰۰
۱۶,۴۵	۱۳	۲۰۱-۳۰۰
۳,۷۹	۳	۳۰۱-۴۰۰
۰	۰	۴۰۱-۵۰۰
۱,۲۶	۱	۵۰۱-۶۰۰

۴. ۱. ۸. رویکرد نظری

نظریات استفاده شده در تحقیقات طیف وسیعی از اطلاعات را در برداشته است، اما آنچه در این تحقیقات برجسته بود به صورت زیر نمایش داده می شود.

جدول ۸- رویکردهای نظری موجود در مقالات بررسی شده

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

رویکردهای نظری پژوهش	فراوانی	درصد
نظریه قطب رشد	۷	۸,۸۶
نظریه مرکز-پیرامون	۳۸	۴۸,۱
نظریه کریستالر	۱۵	۱۸,۹۸
نظریه برگشت تمرکز	۱۵	۱۸,۹۸
روانشناسی اجتماعی	۱	۱,۲۶
دیدگاه نظری جونز و وایلد	۳	۳,۷۹

۴. ۱. ۹. تمرکز موضوعی آثار

با بررسی تحقیقات انجام شده می توان مشاهده نمود که تمرکز پژوهش‌ها بر اثرات اقتصادی - اجتماعی بازارچه مرزی بر نواحی مرزی با ۴۸,۱ درصد می باشد. عوامل هویتی - فرهنگی نیز با ۱,۲۶ درصد کمترین تمرکز را به خود اختصاص داده است.

جدول ۹- تمرکز موضوعی مقالات بررسی شده

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

کانون پژوهش	فراوانی	درصد
توجه به عامل گردشگری و بازارچه‌های مرزی	۷	۸,۸۶
توجه به اثرات اقتصادی - اجتماعی بازارچه مرزی	۳۸	۴۸,۱
توجه به توسعه پایدار منطقه‌ای و بازارچه مرزی	۱۵	۱۸,۹۸
توجه به اثرات سیاسی - فضایی بازارچه مرزی	۱۵	۱۸,۹۸
توجه به اثرات کالبدی - اقتصادی بازارچه مرزی	۳	۳,۷۹

۴. ۱. ۱۰. متغیرهای مستقل آثار

اگر بازارچه مرزی را به عنوان متغیر وابسته Y در نظر بگیریم متغیرهای مستقل X دخیل در آن قابل تقسیم‌بندی به عوامل امنیتی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی هستند.

جدول ۱۰- متغیرهای مستقل مقالات بررسی شده

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

اقتصادی (X_1)
توسعه صادرات غیرنفتی، کاهش میزان مبادلات غیررسمی اشتغال پایدار، افزایش سپرده‌های بانکی، افزایش قیمت زمین و مسکن، حل بحران‌های مالی، بهبود شاخص‌های اقتصادی منطقه، افزایش واحدهای تولیدی، افزایش قدرت خرید مردم، افزایش سرمایه‌گذاری، فراهم‌سازی مواد داخلی مورد نیاز اشتغال کاذب، افزایش رقابت‌های بازاری، صدور تولیدات کشاورزی و دامی با قیمت‌های مناسب به کشورهای هم‌جوار، افزایش تنوع مشاغل، افزایش درآمد ملی، درآمدزایی، اشتغال‌زایی، تسهیل در امور خدماتی، کثرت مبادلات مرزی، رونق تجارت، پذیرش بیشتر گلوگاه‌ها برای پذیرش مسافر دوطرفه، توسعه صادرات، گردشگران، مرادات پولی، استفاده از دانش فنی طرفین، کیفیت بالای کالاهای خارجی نسبت به داخلی، تثبیت قیمت، کاهش مراحل ترخیص کالا، ثبات قیمت اقتصادی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، معافیت پرداخت حقوق و گمرک، تغییر شیوه‌های سنتی تجارت، افزایش درآمد دهیاری‌ها، افزایش شرکت‌های فعال در امر صادرات و واردات، افزایش اشتغال زنان، توان راه‌اندازی مشاغل، توزیع منافع به صورت متصفانه، برگزاری نشست‌های همکاری بین بازارچه‌ای در سطوح داخلی و خارجی، لغو روادید
سیاسی (X_2)
تمرکززدایی، همگرایی بیشتر مردم با مرکز، گسترش همکاری‌های منطقه‌ای، پایان انزواگرایی، استفاده بهینه از مزیت‌های مناطق مرزی، تسهیل حفاظت از مرزها توسط دولت
اجتماعی (X_3)
تقویت روابط اجتماعی، افزایش رفاه اجتماعی، پیشگیری از مهاجرت، بهبود کیفیت امکانات رفاهی، تجمل‌گرایی، مصرف‌گرایی، کاهش فقر، افزایش رضایت شغلی، افزایش اعتمادسازی جوامع مرزی، افزایش شأن اجتماعی، شیوه هزینه کرد درآمد حاصل از بازارچه، افزایش اطلاع از شیوه‌های تجارت، نقش روستاییان در اداره بازارچه، برقراری عدالت اجتماعی، افزایش تحرک شغلی ساکنان مرزی، افزایش سطح تحصیلات، امکان تهیه مواد و وسایل بهداشتی، مصرف هفتگی مواد پروتئینی، رضایت از وضعیت تغذیه، توان تأمین و پرداخت هزینه‌های بهداشت و درمان، ترجیح دادن سرمایه‌گذاری و راه‌اندازی کسب‌وکار در روستا نسبت به شهر، رضایت از موقعیت اجتماعی، کاهش میزان جرم‌های فردی، امنیت شغلی، همبستگی اجتماعی، افزایش کیفیت بصری، افزایش تمایل کمک مالی به یکدیگر، کاهش آلودگی محیط، اجتناب از اعتیاد به مواد مخدر
کالبدی (X_4)
توسعه پایدار، بهبود کیفیت راه‌های ارتباطی، گسترش فیزیکی شهرها، تغییرات کاربری اراضی، افزایش جذابیت شهر،

افزایش فضای گذران فراغت
فرهنگی (X ₅)
تقویت فرهنگ، گسترش تعاملات فرهنگی، انتقال آداب و رسوم، حفظ هویت، انسجام فرهنگی
امنیتی (X ₆)
مبارزه با پدیده قاچاق، رفت و آمد غیرقانونی، امنیت مرزی، کاهش شورش و ناامنی، کاهش فضای ترسناک

۴. ۱. ۱۱. نتایج به دست آمده

یافته‌هایی که از این تحقیقات نیز به دست آمده‌اند، قابل تأمل است. تحقیقات انجام شده به نتایج مختلفی دست یافته‌اند که در ادامه نمایش داده شده است.

جدول ۱۱- نتایج مقالات بررسی شده

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

درصد	فراوانی	نتایج تحقیقات
۷,۵۹	۶	مدیریت قوی و سرمایه‌گذاری در صنعت توریسم
۵۰,۶۳	۴۰	ساماندهی و مبادله یکپارچه مبادلات و بهبود وضعیت اجتماعی ساکنان مرزی از طریق اشتغال‌زایی
۲۶,۵۸	۲۱	توسعه پایدار فضایی - کالبدی مناطق مرزی در راستای جلوگیری از مهاجرت آنان
۱۰,۱۲	۸	بعد سیاسی - فضایی مناطق مرزی
۱,۲۶	۱	مشارکت اجتماعی، ارتباط فرهنگی و تعلق مکانی
۳,۷۹	۳	تأمین امنیت منطقه‌ای بازارچه مرزی

همان‌گونه که مشاهده می‌شود توجه به ساماندهی و مبادلات یکپارچه مرزی و بهبود وضعیت ساکنان مرزی از بیشترین اهمیت برخوردار بوده است که بسیاری از تحقیقات مورد مطالعه در نتایج خود به این عامل توجهی وافر داشته‌اند.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

کمبود پژوهش‌های مرتبط با بازارچه مرزی در حیطه توجه به امر توسعه مهم‌ترین نیاز تحقیق در این حوزه محسوب می‌گردد؛ زیرا بسیاری از پژوهش‌ها به موضوع اقتصادی - اجتماعی و تأثیرات آن بر مناطق مرزی توجه نموده‌اند، درحالی‌که به روند توسعه و نقش آن

توجهی نشده است. توجه بیش از حد محققان به تحقیقات بازارچه مرزی باعث استخراج مدل‌های تحلیلی غیربومی و دستیابی به نتایج معیوب شده است؛ زیرا تمامی محققان تنها به یک بعد از نقش بازارچه‌های مرزی توجه نموده‌اند، درحالی‌که بازارچه مرزی دارای تأثیرات بی‌شماری در مناطق مرزی است که نیاز است تا در غالب یک مدل مفهومی جامع به این موضوع پرداخته شود. توسعه آگاهی از مبانی مورد بررسی در بازارچه مرزی و استفاده از مدل‌های تحقیق نیازی از کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است. برای ساخت مدل‌های تحقیق پیش از مرور پژوهش‌های انجام‌شده و استفاده از چارچوب تحقیقی تکراری، باید به شناسایی گونه‌ها و الگوهای مرتبط با بازارچه مرزی توجه گردد تا شرایط ساخت الگوهای جدید و مناسب فراهم گردد.

تحقیقات مرور شده در این پژوهش نشان داد که محققان بر اساس نظرات و دیدگاه فردی مسیرهای مختلفی را برای ایجاد یک طرح تحقیقاتی به کار برده‌اند و این تفاوت در تحقیقات سبب شده است تا این مقالات و پایان‌نامه‌ها از مرکزیت قابل تحلیل رویه‌ای قابل اتکا و روش‌شناسانه برخوردار نباشند. از سویی دیگر، بررسی مدل‌های نظری نشان داد اغلب تحقیقات یک مسیر یکنواخت را نیز طی نموده‌اند که این موضوع در مقالات پایان‌نامه‌های مرتبط با تأثیرات اقتصادی - اجتماعی بازارچه‌های مرزی به‌خوبی قابل مشاهده است که نشان‌دهنده تکراری بودن موضوعات است و تنها تفاوت در نوع نمونه مورد بررسی بوده است که نقطه ضعف اکثر مقالات و پایان‌نامه‌ها محسوب می‌گردد. البته در این بین، خلاقیت‌هایی در زمینه به‌کاربردن مدل‌های چندسطحی و استفاده از شاخص‌های جامع نیز به‌صورت محدود دیده می‌شود، اما جمع‌بندی روش‌ها و نتایج نشان‌دهنده تکرار موضوعات بوده است.

چارچوب تحلیلی نتیجه محقق از مطالعات نظری و نتیجه تجربی به‌دست‌آمده است. این موضوعی است که به‌وسیله مدل تحلیلی مقدور می‌شود. بیش از ۷۰ درصد مطالعات بررسی‌شده وضعیت شفافیت از نظر چارچوب تحلیل داشتند و سطح کیفیت ظاهری این مقالات به‌خوبی نشان می‌دهد. به اعتقاد برخی از محققان ساخت مدل بازارچه مرزی و تأثیرات آن بر مناطق مرزی از مهم‌ترین الزامات برای جمع‌آوری داده‌های غنی محسوب می‌گردد. این تحقیق

نشان داد که سه بعد اقتصادی، اجتماعی و توسعه پایدار در بیش از ۷۰ درصد مقالات مورد توجه محققان قرار گرفته است و نگاه تک‌بعدی در این مطالعات جریان دارد.

مرسوم است که در مقالات علمی، همواره فرضیه‌ها و پرسش‌های تحقیق ارائه گردد. نتایج پژوهش نشان داد که این موضوع در مقالات چندان مورد توجه قرار نگرفته است. این مسئله با عدم آگاهی خواننده نسبت به مسیر تحلیل‌های آماری همراه بوده است.

محدودیت منابع مالی و زمانی محققان، یکی از عوامل تأثیرگذار برای انتخاب نمونه آماری و تقلیل تعداد نمونه‌ها بوده است. این عمل سبب شده است تا محققان بتوانند بر تعدادی نمونه به‌عنوان نماینده جامعه تمرکز نمایند و از کیفی شدن نتایج اطمینان پیدا نمایند. نتایج این تحقیق نشان داد که نزدیک به ۷۰ درصد تحقیقات فاقد استدلالی واضح و آشکار برای چرایی انتخاب تعداد و حجم نمونه مورد مطالعه بوده‌اند. هرچند به‌صورت قطع در کارهای پژوهشی کمتر این عدم توجه قابل مشاهده و بررسی است. البته باید به این نکته نیز توجه نمود که انتخاب نمونه زیاد و کم، هر دو برای تحقیق و نتایج آن تهدید محسوب می‌گردند و باعث ازدست‌رفتن نتایج با اهمیت می‌شود؛ بنابراین انتخاب حجم نمونه، یکی از مهم‌ترین عوامل کیفیت مقالات و پایان‌نامه‌ها محسوب می‌شود که وابسته به جامعه تحقیق و نیازهای پژوهش است. محققان مختلف، دارا بودن حداقل ۳۰ و حداکثر ۵۰۰ نمونه را در پژوهش‌های میدانی توصیه نموده‌اند. بررسی تحقیقات میدانی این مقاله نشان داد که انتخاب حجم نمونه در وضعیت قابل قبولی قرار دارد.

به‌عنوان نتیجه می‌توان بیان نمود که تحقیق حاضر بر اساس روش فرا تحلیل صورت گرفته است، و به دنبال بررسی روش‌شناسی و نتایج تحقیقات فارسی به زبان فارسی در مقالات علمی - پژوهشی، غیرعلمی - پژوهشی و پایان‌نامه بوده است. این تحقیق نشان می‌دهد که بازارچه مرزی بیشتر توسط محققان به‌صورت کمی و از طریق تحلیل‌های آماری مورد بررسی قرار گرفته‌اند و بیشتر بر مبنای نظریات توسعه منطقه‌ای چون مرکز - پیرامون، قطب رشد، کریستالر و ... بوده است، در حالی که بحث بازارچه مرزی باید بر اساس نظریات و دیدگاه‌های مرتبط با مدیریت و کنترل مرز چون بلیک، سافر، هاوس و ... بررسی شوند. به نظر می‌رسد استفاده از روش‌های کیفی مسیر ساخت پژوهش‌های جدید و متفاوتی را برای محققان

در آینده فراهم خواهد آورد. ضعف عمومی تحقیقات تک‌بعدی موضوعات، تکیه وافر بر بعد اقتصادی - اجتماعی بازارچه مرزی می‌باشد، درحالی‌که سایر ابعاد و تقویت آنان نیز می‌تواند در تحقیقات موردتوجه قرار گیرد. از سویی دیگر، اندیشه بیشتر در مبانی جامعه‌شناختی بازارچه مرزی برای استخراج مدل‌های بهتر توصیه می‌گردد. تحقیقات نشان داد که میان پژوهشگران توجه خیلی خوبی به تمایز میان شاخص‌های عینی و ذهنی وجود ندارد که این امر در نتایج به‌خوبی قابل مشاهده می‌باشد. به نظر می‌رسد فقدان تحقیقی که تمامی شاخص‌های موردنظر در ارتباط با بازارچه مرزی را در خود جای دهد به‌خوبی احساس می‌گردد. یکی از مهم‌ترین بخش‌های مطالعات فراتحلیل استفاده از نتایج آماری تحقیقات و جمع‌بندی نتایج به شکلی جامع و پایدار است. سختی برقراری ارتباط با نگارندگان مقالات برای دریافت داده‌های منتشرشده، عدم هم‌خوانی روش‌های به کار گرفته شده و نبود قابلیت ادغام و یکپارچه‌سازی نتایج، مشکلات اصلی انجام فراتحلیل است؛ بنابراین توصیه می‌شود مجلات علمی - پژوهشی یا متولیان مؤثر، استانداردهایی را به‌صورت تشویقی یا اجباری برای پژوهشگران مطرح نمایند تا تجميع نتایج مطالعات آتی مقدور گردد.

کتاب‌نامه

۱. اسماعیل‌زاده، خ. (۱۳۹۲). *ارزیابی اثرات ایجاد بازارچه‌های مرزی بر توسعه اقتصادی روستاهای پیرامون آن‌ها، نمونه مورد مطالعه: دهستان ننور، شهرستان بانه* (پایان‌نامه منتشرنشده کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی). دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.
۲. افراسیابی، ع. (۱۳۹۶). تحلیل و بررسی چالش‌های بازارچه‌های مرزی در ایران (مطالعه موردی بازارچه‌های مرزی استان بوشهر). *فصل‌نامه علمی - پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، ۱(۱۰)، ۳۵۳-۳۳۳.
۳. امیرزاده، ر.، امانی، م.، و خجسته، م. (۱۳۹۶). نقش عوامل محیطی در امنیت و توسعه پایدار مرزها (مطالعه موردی: مرز شیروان با ترکمنستان در استان خراسان شمالی). *فصل‌نامه دانش انتظامی خراسان شمالی دفتر تحقیقات کاربردی فا. ا. خراسان شمالی*، ۱۶(۴)، ۷۶-۶۱.
۴. آسایش، ح.، و کوچکی‌نژاد، ف. (۱۳۸۴). سازماندهی فضایی روستاها از دیدگاه جغرافیای کاربردی (مطالعه موردی: شهرستان صومعه‌سرا). *فصل‌نامه جغرافیایی سرزمین*، ۶(۲)، ۱-۱۲.

۵. پاشالو، ا.، زهدی، م.، دل‌شاد زاده ج.، و پاشالو، ا. (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی آثار بازارچه‌های مرزی در توسعه نواحی مرزی بازارچه‌های مرزی رازی و سرو. فصل‌نامه علمی-ترویجی دانشکده علوم و فنون مرز، ۹(۳)، ۹۰-۱۲۰.
۶. داداش‌پور، ه.، و آراسته، م. (۱۳۹۷). تحلیل روابط فضایی میان بندرهای جنوبی ایران و شهرهای پس کرانه منطقه‌ای: آمایش سرزمین، ۲(۱۰)، ۱۹۳-۲۲۳.
۷. رومینا، ا.، پورعزیزی، ع.، و بایزی، ط. (۱۳۹۷). تأثیر مبادلات اقتصادی در توسعه شهرهای مرزی (مطالعه موردی شهر پیرانشهر). مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴(۵۰)، ۱۰۶۵-۱۰۴۹.
۸. زبردست، ا.، و حاجی‌پور، خ. (۱۳۸۸). تبیین فرایند شکل‌گیری، تکوین و دگرگونی مناطق کلان‌شهری. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۶۹(۴۱)، ۱۲۱-۱۰۵.
۹. زبردست، ا.، و رحمانی، ج. (۱۳۹۵). تحلیل الگوی سطح‌بندی نظام شهری استان زنجان و ارائه الگوی بهینه نظام شهری. فصل‌نامه علمی - پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۱(۷)، ۱۶۱-۱۴۳.
۱۰. زرقانی، ه.، اعظمی، ه.، و علمدار، ا. (۱۳۹۲). بررسی و تحلیل بازتاب‌های سیاسی فضایی بازارچه‌های مرزی (نمونه موردی بازارچه‌های مرزی استان خراسان جنوبی با تأکید بر بازارچه مرزی ماهیرود). همایش ملی خراسان جنوبی، نظم و امنیت. اردیبهشت، دانشگاه بیرجند.
۱۱. زیاری، ک.، سرخ‌کمال، ک.، زنجیری، م.، و کرمی، م. (۱۳۹۰). نگرشی تحلیلی بر نظریه قطب رشد در توسعه منطقه‌ای، مطالعه موردی: استان خراسان رضوی. فصل‌نامه آمایش محیط، ۱۷(۵)، ۲۴-۱.
۱۲. سرایی، م. ح.، و پورمحمد، ا. (۱۳۹۱). ارزیابی کنش متقابل حوزه‌های نفوذ شهری در شبکه شهری استان آذربایجان شرقی (با استفاده از مدل جاذبه و روش تحلیل جریان‌ها). فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی، ۲، ۷۶-۵۷.
۱۳. سعیدی، ع. (۱۳۹۱). مفاهیم بنیادین در برنامه‌ریزی کالبدی - فضایی (بخش دوم). برنامه‌ریزی کالبدی - فضایی، ۳(۱)، ۲۴-۱۱.
۱۴. سعیدی، ع.، اسماعیل‌زاده، خ.، و عبدالله‌پور، ج. (۱۳۸۸). بررسی جامعه‌شناختی اقتصادی بازارچه‌های مرزی (مطالعه موردی: بازارچه‌های مرزی سردشت و پیرانشهر). فصل‌نامه علوم اجتماعی، ۱۲(۴۵)، ۱۳۳-۹۳.
۱۵. شفیعی، س.، شفیعی، م. ع.، و کاظمیان، غ. (۱۳۹۱). فرا تحلیل روش و نتایج پژوهش‌های کیفیت زندگی شهری در ایران. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲(۲۴)، ۴۰-۲۱.

۱۶. طالب، م.، و عنبری، م. (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی روستایی ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران* (چاپ دوم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۷. طیب‌نیا، ه.، و منوچهری، س. (۱۳۹۵). نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه اجتماعی و اقتصادی نواحی روستایی مورد: روستاهای بخش خاو و میرآباد شهرستان مریوان. *فصل‌نامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۱(۵)، ۱۷۲-۱۴۷.
۱۸. عبده‌زاده، س.، و فتح‌اللهی، س. (۱۳۹۴). بازارچه‌های مرزی و احساس امنیت اقتصادی - اجتماعی روستائیان مرزنشین، *مورد مطالعه: بازارچه‌ها و روستاهای مرزی شهرستان. فصل‌نامه علمی-پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی*، ۴۳(۶)، ۶۶-۳۷.
۱۹. عنبری، م.، و ملاکی، ا. (۱۳۹۰). بررسی آثار اجتماعی قطب‌های رشد صنعتی بر توسعه پایدار محلی (مطالعه موردی قطب رشد صنعتی عسلویه). *فصل‌نامه توسعه روستایی*، ۲(۳)، ۸۷-۱۰۶.
۲۰. عندلیب، ع.، مطوف، ش. (۱۳۸۸). توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران. *فصل‌نامه باغ نظر*، ۷(۱۲)، ۷۶-۵۷.
۲۱. قنبری، ا.، تقی‌زاده، ا.، و احمدپور، ا. (۱۳۹۶). بررسی نقش بازارچه‌های مرزی باشماق در توسعه شهرستان مریوان (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد دانشکده برنامه‌ریزی و علوم محیطی گروه پژوهش‌های جغرافیایی). دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
۲۲. کامران، ح.، محمدپور، ع.، و جعفری، ف. (۱۳۸۷). تحلیل کارکرد بازارچه مرزی باجگیران. *نشریه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران*، ۱۹-۱۸(۶)، ۲۵-۷.
۲۳. کلانتری، خ. (۱۳۸۰). *برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای تئوری و تکنیک‌ها*. تهران: انتشارات خوش‌بین.
۲۴. کهنه پوشی، ه.، و جلالیان، ح. (۱۳۹۲). تأثیر قاچاق کالا بر اقتصاد روستاهای مرزی (نمونه موردی: بخش خاو و میرآباد - مریوان). *جغرافیا و توسعه*، ۳۲(۱۱)، ۷۵-۶۲.
۲۵. لطیفی، غ. (۱۳۸۸). نگاهی اجمالی به تعدادی از تئوری‌های مکانی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای. *فصل‌نامه علوم اجتماعی*، ۲۰(۴)، ۱۰۹-۱۰۴.
۲۶. محمدی یگانه، ب.، مهدی‌زاده، ع.، مهدی‌زاده، ع.، و چراغی، م. (۱۳۹۱). ارزیابی اثرات اقتصادی بازارچه مرزی مهران بر توسعه نواحی روستایی (مطالعه موردی دهستان محسن‌آباد). *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۲۵(۱۲)، ۷۹-۶۹.
۲۷. مختاری هشی، ح.، مؤمنی، م.، و باقری، م. (۱۳۹۳). تدوین راهبردهای آمایش مناطق مرزی (مطالعه موردی: مرزهای شرقی کشور). *فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی*، ۳(۲۹)، ۲۵۴-۲۳۷.

۲۸. مظفری، غ.، و دوستی، م. (۱۳۹۰). ارزیابی و مکان‌گزینی پارک‌های درون‌شهری منطقه ۱ یزد با استفاده از روش بولین و روش دلفی در سیستم اطلاعات جغرافیایی. فصل‌نامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴(۴۴)، ۷۸-۶۵.

۲۹. موسوی، م. ن. (۱۳۸۸). تحلیل کارکرد مرز بر ساختار فضایی شهرهای مرزی، نمونه موردی استان آذربایجان غربی (رساله دکتری منتشر نشده رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری). دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

30. Chen, X. (2006). Beyond the reach of globalization: China's border regions and cities in transition. In F. Wu (Ed.), *Globalization and the Chinese city* (pp. 21-46). London: Routledge.
31. Dobler, G. (2014). Borderland actors: A typology and a conceptual framework. Paper presented at the *Association of Borderlands Studies (ABS) World Conference*, June 9, Joensuu.
32. Nebuhr, A. (2005). *The impact of EU enlargement on European border regions*. Discussion Paper, No. 330, Hamburg Institute of International Economics (HWWA), Hambur
33. Niebuhr, A., & Stiller, S (2002). *Integration effects in border regions: A survey of economic theory and empirical studies*. HWWA Discussion Paper, Hamburg Institute of International Economics.
34. OICU. (2005). *Report on cross border activities of market intermediaries in emerging markets*. Report on cross-border activities of market intermediaries in emerging markets. Emerging markets committee of the international organization of securities commission.
35. Speidell, L. (2011). *Frontier market equity investing: finding the winners of the future*. The Research Foundation of CFA Institute, Frontier Market Asset Management.
36. Topaloglou, L., & Petrakos, C (2006). The new economic geography of The Northern Greek Border regions. Paper Presented at the *46th congress of the European Regional Science Association*, 26-28 August, Volos.
37. Troebst, S. (2010). Border theories in early modern Europe. *Eingeordnet Unter*, 6(13), 3-12.
38. Walther, O. (2014). Borders, cross-border cooperation and freedom of movement in the Sahara-Sahel. In L. Bossard (Ed.), *An atlas of the sahara-sahel: Geography, economics and insecurity*. Paris: Organisation for Economic Growth and Development.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2021.68212.1004>

مقاله کاربردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال نوزدهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۳۶

تحلیل رقابت‌پذیری شاخص‌های بهداشتی - درمانی استان‌های کشور با استفاده از تکنیک ماباک

رباب حسین‌زاده (استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)

r.hos@pnu.ac.ir

صص ۲۳۴ - ۲۰۵

چکیده

با توجه به اهمیت روزافزون سلامت بشر و دسترسی عادلانه و متناسب آن‌ها به شاخص‌های بهداشتی و درمانی، سنجش رقابت‌پذیری بهداشتی و درمانی در سطح ملی می‌تواند در شناسایی سطوح برخورداری استان‌ها به‌ویژه در شرایط اپیدمی‌ها و بحران‌های بهداشتی، در تخصیص سریع کمبودها به استان‌ها و برنامه‌ریزی برای توسعه آتی آن‌ها بسیار مؤثر باشد. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و هدف‌گذاری کاربردی، ۳۱ استان کشور را از لحاظ شاخص‌های رقابت‌پذیری بهداشتی و درمانی مورد بررسی قرار می‌دهد. ۳۶ شاخص در قالب ۲ مؤلفه اصلی (نیروی انسانی و زیرساخت‌ها) با استفاده از داده‌های مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۷ گردآوری گردیده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از مدل‌های آنتروپی شانون تعمیم‌یافته، تحلیل ماباک (MABAC) و روش خودهمبستگی فضایی موران جهانی (Moran's I)، رگرسیون وزن جغرافیایی در محیط نرم‌افزار Arc GIS 10.3 استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد از نظر رقابت‌پذیری بهداشتی - درمانی، استان تهران با توجه به مرکزیت کشور و برخورداری از امکانات و زیرساخت‌های کلان با میزان امتیاز ماباک (۰/۶۲۱) و اختلاف فاحش با سایر

استان‌ها در جایگاه اول و خراسان رضوی و فارس با امتیاز (۰/۳۴۶) و (۰/۲۸۱) در جایگاه‌های دوم و سوم قرار گرفتند. همچنین شاخص موران در نیروی انسانی و شاخص نهادی کمتر از یک است که نشان از الگوی غالب توزیع شاخص‌ها به صورت تصادفی است. در تحلیل تأثیر جمعیت بر کل شاخص‌های بهداشتی و درمانی با استفاده از رگرسیون وزن جغرافیایی نیز می‌توان دریافت که استان‌های فارس، خراسان رضوی، مازندران و خوزستان بیشترین تأثیرپذیری را از جمعیت داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: رقابت‌پذیری، بهداشت و درمان، تحلیل ماباک، شاخص موران، استان‌های ایران.

۱. مقدمه

با افزایش روزافزون جهانی شدن در دنیا، برخی از دولت‌ها متوجه شده‌اند که بدون تقویت رقابت بین شهرها، امکان رقابت در جهان برای اغلب کشورها مشکل است. به همین دلیل در سالیان اخیر، افزایش رقابت در سطح شهرها مورد توجه بیشتری قرار گرفته است و اعتقاد بر این است که افزایش رقابت‌پذیری شهری به شدت با رقابت‌پذیری ملی کشورها مرتبط است (وون، کیم، و او، ۲۰۱۲، ص. ۱۷۷). در شاخص‌های برنامه توسعه سازمان ملل، از مؤلفه سلامتی (امنیت بهداشتی) به عنوان یکی از وجوه اصلی ارزیابی ماهیت سیاست‌های اجرایی و برنامه‌ریزی و همچنین یکی از ابزارهای سنجش جایگاه کشورها در روند توسعه و پیشرفت بحث شده است (قاسمی، ۱۳۸۵، ص. ۲۶۱). و وقتی از رشد و توسعه یک کشور یا منطقه صحبت می‌شود، شکل‌گیری مفهوم رقابت‌پذیری از جمله مباحثی است که بررسی می‌شود (سانفی و زه، ۲۰۱۲، ص. ۲). برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌های لازم برای توسعه متوازن در سطح ملی بسیار مهم است. با وجود این، درحالی‌که منابع و ثروت در حال افزایش است، اغلب از این مسئله غفلت می‌شود (کاراچچ، آونی، و امیدفراتا، ۲۰۱۹، ص. ۱۳۵). امروزه با توجه به سیر صعودی آلودگی‌ها، بیماری‌ها و ناهنجاری‌های مرتبط با

1. Kwon, Kim and Oh

2. Sanfey&zeh

3. Karakoça, Avni and Ümit Firata

شه‌رنشینی، مسائل بهداشتی و درمانی در زمره مهم‌ترین خدماتی است که باید متناسب با جمعیت شهرها مورد توجه دولت و مسئولان واقع شود (حاتمی‌نژاد، مهدیان، و مهدی، ۱۳۹۱، ص. ۷۶). از یک‌سو دسترسی مناسب به خدمات بهداشتی درمانی نقش - مهمی در ارتقای سلامت، امنیت و آرامش خاطر جامعه داشته و از سویی دیگر، شاخصی مهم در جهت تحقق عدالت اجتماعی به شمار می‌آید (امیرفخریان و رهنما، ۱۳۹۷، ص. ۲). کاهش هزینه‌ها، افزایش کیفیت و دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و درعین‌حال حفظ عدالت در برخورداری از خدمات از اهداف اصلی توسعه در بخش بهداشت و درمان است (کراس^۱، ۲۰۱۸، ص. ۶). در قانون اساسی کشورمان در بند ۱۲، اصل سوم و اصل چهل و سوم به تأمین خدمات بهداشتی - درمانی اشاره کرده و آن را جزء وظایف دولت به شمار آورده است (شجاعیان و رحیم‌پور، ۱۳۹۷، ص. ۱۱۲). طبق گزارش شاخص رقابت‌پذیری جهانی^۲ (GCI) در سال ۲۰۱۹، رتبه ایران در حوزه سلامت در بین ۱۴۱ کشور مورد مطالعه، با مقدار ۸۰/۴، برابر ۷۲ است (مجمع جهانی اقتصاد^۳، ۲۰۱۹، ص. ۲۸۸) و می‌توان گفت در جایگاه نسبتاً خوبی قرار دارد، اما علیرغم رشد چشمگیر شاخص‌های سلامت در سطح میانگین ملی، نابرابری در بین گروه‌های اجتماعی و مناطق جغرافیایی به‌شدت وجود دارد (امیرفخریان و رهنما، ۱۳۹۷، ص. ۲) و توزیع ناعادلانه ثروت و حقوق اجتماعی نابرابر مانع از آن شده که اکثریت مردم بتوانند از امکانات بهداشتی - درمانی متناسب با نیازهای خود بهره‌جویند (غضنفرپور، ۱۳۹۲، ص. ۲).

بخش بهداشت و درمان در اکثر کشورها سهمی بزرگ در اقتصاد آن کشور دارد و بین عملکرد این بخش با وضعیت اقتصادی هر کشور، ارتباطی عمیق مشاهده می‌شود. در واقع عملکرد بخش بهداشت و درمان به شرایط کلی اقتصاد وابسته است و برعکس وضعیت سلامت مردم جامعه و سیستم‌های درمانی و سلامت بر رونق اقتصادی یا رکود آن تأثیر می‌گذارد. توجه به این ارتباط برای دولت‌هایی که قصد دارند به توسعه پایدار اقتصادی دست پیدا کنند، ضروری است.

1. Crose

2. Global Competitiveness Report

3. the World Economic Forum

در حال حاضر اهمیت و مفهوم رقابت‌پذیری به‌خصوص در بخش بهداشت و درمان، آن-چنان‌که شایسته بوده، در کشورمان ایران مورد توجه قرار نگرفته است. اهمیت این امر زمانی آشکار می‌شود که شرایط غیرمترقبه‌ای همچون پاندمی و اپیدمی نه‌تنها ایران بلکه همه کشورهای جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. چنین بحران‌هایی اهمیت مطالعات بخش بهداشت و درمان، توزیع زیرساخت‌ها و نیروی انسانی و نارسایی‌های موجود در بین مناطق را بیش از پیش آشکار نموده و می‌تواند در تخصیص منابع و مدیریت بحران کمک مؤثری داشته باشد. بیماری کرونا و توجه بیش از پیش به بحث زیرساخت‌ها و خدمات درمانی مجالی فراهم نمود تا این پژوهش به بحث رقابت‌پذیری بهداشتی - درمانی استان‌های کشور بپردازد. هدف مقاله حاضر، سنجش رقابت‌پذیری بهداشتی - درمانی در استان‌های کشور است. در این راستا تا حد امکان از آخرین آمار موجود در پایگاه مرکز آمار ایران (۱۳۹۷) استفاده شده است تا رقابت‌پذیری ۳۱ استان کشور را از بعد نیروی انسانی و شاخص‌های نهادی یا زیرساخت‌ها و شاخص تلفیقی نشان دهد و ضمن شناسایی نابرابری‌های موجود و تلاش جهت شناسایی ابعاد آن‌ها، با توجه به ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های موجود در استان‌های کشور، راه‌گشایی برای افزایش توان‌های رقابتی و رفع موانع دستیابی به حداکثر بهره‌وری در آن‌ها گردد. شناخت نابرابری‌ها، توان رقابت‌پذیری و ضرورت درک پویایی‌ها و مزایای رقابتی هریک از استان‌ها می‌تواند برنامه‌ریزی برای عدم تعادل‌ها را کاهش داده و با مدنظر قرار دادن پتانسیل‌های هر یک از مناطق زمینه توسعه آن‌ها را فراهم نماید. بنابراین نتایج پژوهش حاضر می‌تواند جهت برنامه‌ریزی‌های آتی آمایش ملی مورد استفاده قرار گیرد.

۲. پیشینه تحقیق

ترابی، نجارزاده، شکریانی، جلیلیان (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «بررسی عدالت فضایی در شاخص‌های بهداشتی-درمانی در شهرستان‌های استان گلستان» به شناسایی الگوی توزیع فضایی امکانات و تسهیلات بهداشتی - درمانی در شهرستان‌های استان گلستان پرداختند که نتایج بیانگر توزیع فضایی نابرابر شهرستان‌های استان گلستان از نظر میزان توسعه بهداشتی -

درمانی است. گرگان بالاترین و گمیشان پایین‌ترین سطح توسعه بهداشتی - درمانی را دارد. فاصله با مرکز استان یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر نابرابری فضایی است.

غضنفرپور، موسی زاده و خداداد (۱۳۹۹)، در پژوهشی به سنجش و سطح‌بندی توسعه یافتگی شهرستان‌های استان همدان از لحاظ شاخص‌های بهداشت و درمانی با استفاده از تاپسیس فازی (FTOPSIS) و Arc GIS پرداختند و یافته‌های تحقیق حاکی از آن بود که پراکنش شاخص‌های بهداشتی درمانی در پهنه استان همدان به صورت قطبی و ناموزون است و رابطه‌ای منطقی بین سطح جمعیت و سطح توسعه بهداشتی درمانی برقرار نیست، به گونه‌ای که شهر همدان مرکز سیاسی اداری استان برخوردارترین شهر بوده و بقیه شهرستان‌های استان در شرایط متوسط بالا و پایین و محروم قرار دارند.

ابراهیمی، مختاری، حیدری (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان اصفهان از نظر شاخص‌های بهداشتی - درمانی با رویکرد توسعه پایدار» به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین عامل در توزیع نابرابر خدمات بهداشتی و درمانی، سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی است که منجر به تمرکز فعالیت‌ها و خدمات در شهرستان‌های این استان شده است.

نظم‌فر، عشقی و علوی (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان «بررسی نابرابری‌های توسعه در استان‌های کشور در راستای تحقق توسعه پایدار» به سطح‌بندی ۳۱ استان کشور با توجه به ۹۳ شاخص توسعه پرداختند. نتایج تحلیلی با تکنیک ویکور نشان می‌دهد که در بخش شاخص‌های بهداشت، استان تهران با کمترین میزان ویکور در جایگاه نخست و بعد از آن استان‌های خراسان رضوی، فارس و اصفهان در رتبه‌های دوم تا چهارم و استان زنجان با بیشترین امتیاز ($Q_i=1$) در جایگاه آخر قرار گرفته‌اند و الگوی پراکنش شاخص‌ها نیز به صورت تصادفی است.

یزدانی و منتظر (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان «بررسی شاخص‌های بهداشتی و درمانی استان‌ها و مناطق ده‌گانه کشور ایران» با استفاده از ۲۰ شاخص بهداشتی و درمانی و تکنیک تاپسیس به این نتیجه رسیدند که استان‌های گیلان، سمنان و یزد به ترتیب در رتبه‌های نخست

و استان‌های سیستان و بلوچستان، خوزستان و کرمانشاه به ترتیب در رتبه‌های آخر توسعه‌یافتگی از نظر شاخص‌های بهداشتی و درمانی قرار دارند.

بهرامی و نوری (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان «تحلیل ادراکی از شاخص‌های توسعه خدمات بهداشتی - درمانی در استان کردستان» از ۳۴ متغیر در سه شاخص (خدمات بهداشت روستایی، نهادی، نیروی انسانی متخصص) و تحلیل تاپسیس خطی استفاده نمودند. نتایج نشان می‌دهد که شاخص‌های بهداشت و درمانی اولاً از یک نظام منطقی در توزیع فضایی برخوردار نیستند. دوم توزیع فضایی خدمات بهداشتی و درمانی در سطح شهرستان‌های استان کردستان در حد نامطلوبی قرار دارند. سوم اینکه برنامه‌ریزی‌های بهداشتی در سطح منطقه‌ای برگرفته از نیازسنجی‌های فضاهای جغرافیایی شکل نگرفته است.

تقوایی و شاهپوندی (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «پراکنش خدمات بهداشتی و درمانی در شهرستان‌های ایران» با استفاده از ۳۶ شاخص و تکنیک گراناها به این نتیجه رسیدند که اختلافات زیادی بین شهرستان‌های ایران از نظر میزان برخورداری از شاخص‌های بهداشتی و درمانی وجود دارد. شهرستان تهران بسیار برخوردار، تعداد معدودی از شهرستان‌های بزرگ برخوردار و تا حدودی برخوردار، سایر شهرستان‌ها که حدود ۹۰ درصد از آن‌ها را شامل می‌شوند به صورت محروم می‌باشند.

سپهردوست (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «نقش دولت در توزیع امکانات بهداشتی و درمانی در استان همدان» با استفاده از تاکسونومی عددی به سطح‌بندی استان‌ها از منظر شاخص‌های بهداشتی و درمانی پرداخت و با این نتیجه رسیدند که استان‌های خراسان، فارس، کرمان، قزوین و آذربایجان غربی در سطح توسعه‌یافته قرار دارند.

صفایی (۲۰۰۷)، در مقاله‌ای تحت عنوان «نابرابری درآمدی و سلامت در استان‌های کانادا» با استفاده از پرونده‌های سلامت ملی جمعیت کانادا برای برآورد نابرابری‌های بهداشتی مرتبط با درآمد در ده استان کانادا استفاده نمود و به این نتیجه رسید که نابرابری‌های بهداشتی به نفع درآمد بالاتر در همه استان‌ها وجود دارد و نابرابری‌های بهداشتی اندازه‌گیری شده در استان‌های مختلف با رتبه‌ها مداوم تغییرات قابل توجهی را نشان می‌دهد.

کرنگ و یانگ^۱ (۲۰۱۱)، در پژوهشی با عنوان «برابری تخصیص منابع مراقبت سلامت در نظام بیمه ملی تایوان» نشان دادند که به دلیل پراکندگی جغرافیایی، بیشتر منابع به شمال تایلند اختصاص پیدا کرده و توزیع آن وضعیت نامتعادلی پیدا کرده است.

استفان، پوپا و اکتاویان^۲ (۲۰۱۶)، در پژوهشی با عنوان «به سمت الگویی از رقابت پایدار سازمان‌های بهداشتی - درمانی»، از توزیع پرسش‌نامه در بین ۲۹۱ نفر اطلاعات خود را گردآوری کرده و برای تحلیل اطلاعات از تکنیک تحلیل عاملی استفاده نمودند. تجزیه و تحلیل عاملی اکتشافی چهار عامل / ابعاد رقابت پایدار سازمان‌های بهداشتی را (ابعاد اقتصادی، ابعاد کیفیت، بعد اجتماعی و بعد استراتژیک) نشان می‌دهد. ازجمله نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نیز سهم فرآیندهای مدیریتی در افزایش ابعاد رقابت پایدار سازمان‌های بهداشتی است.

گوش و دیندا^۳ (۲۰۱۷)، در پژوهشی با عنوان «زیرساخت‌های سلامت و توسعه اقتصادی در هند» جنبه‌های مختلف تأسیسات خدمات درمانی و زیرساخت‌های درمانی موجود در ایالت‌های مختلف هند را بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند که پیامدهای عمده سلامتی مانند امید به زندگی در بدو تولد و میزان مرگ‌ومیر نوزادان به زیرساخت‌های بهداشتی درمانی مانند بیمارستان، تختخواب و کارکنان آموزش‌دیده بستگی دارد. جز چند ایالت مانند بیهار، جارکند، مادیا پرادش، اوتار پرادش. هند پیشرفت قابل‌توجهی در زمینه تأمین زیرساخت‌های بهداشتی و دستیابی به خدمات درمانی به جمعیت انبوه داشته است. با این حال، ایالت‌های کمتر توسعه‌یافته مانند اوتار پرادش و بیهار برای بهبود زیرساخت‌های بهداشتی و توزیع امکانات درمانی نیاز به توجه بیشتری دارند.

پرچینانو، مونلیب، روتند^۴ (۲۰۲۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان «رویکردی چندبعدی برای شناسایی سرزمین‌های خوب از منظر بهداشت و محیط‌زیست» به بررسی روابط بین کیفیت محیط و شاخص‌های سلامت می‌پردازد که توسط مؤسسه ملی آمار (ایستات) در استان‌های

1. Kreng and Yang

2. Stefan, Popa, and Octavian Dobrin

3. Ghosh and Dinda

4. Perchinunnoa, Mongellib, and Rotond

ایتالیا مشخص شده و داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری چند متغیره (کاملاً فازی و نسبی) و روش‌های طبقه‌بندی ارضی (SaTScan) تحلیل و سپس با تلفیق اطلاعات گوناگون، توزیع مکانی قلمروها را بر اساس شاخص‌های سلامت محیط و بهداشت مشخص نمودند. نوآوری پژوهش حاضر در استفاده از تکنیک‌های جدید و آمار به روز است. چنین پژوهشی در سطح ملی و در شرایط اپیدمیک کنونی جهت شناخت زیرساخت‌های بخش بهداشت و درمان و همچنین نیروی انسانی از ضروریات است که عوامل مؤثر بر این بخش و کمبودهای موجود شناسایی و اقدامات لازم جهت رفع هر چه سریع‌تر آن‌ها فراهم آید.

۳. روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نظر روش تحقیق بر اساس هدف از نوع کاربردی و از نظر روش جمع‌آوری داده‌ها و ماهیت از نوع توصیفی - تحلیلی محسوب می‌گردد. قلمرو جغرافیایی این تحقیق، ۳۱ استان کشور است. اطلاعات موردنیاز به روش کتابخانه‌ای و اسنادی در قالب ۳۶ شاخص از سال‌نامه آماری کشور در سال ۱۳۹۷ استخراج گردیده است (جدول شماره ۱). برای تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده از مدل‌های آنتروپی شانون تعمیم‌یافته، تکنیک تصمیم‌گیری چند شاخصه ماباک (MABAC)، برای بررسی رابطه جمعیت و رقابت‌پذیری بهداشتی - درمانی استان‌های کشور از رگرسیون وزن جغرافیایی و برای شناسایی الگوی توزیع شاخص‌های رقابت‌پذیری از آماره موران در محیط نرم‌افزار Arc Gis 10.3 استفاده شده است.

جدول ۱- شاخص‌های مورد استفاده در پژوهش

مأخذ: مطالعات نگارندگان، ۱۳۹۹

شاخص	مؤلفه	معیار
X_1 : تعداد پزشک، X_2 : تعداد پیراپزشک، X_3 : تعداد پزشک عمومی، X_4 : تعداد دندان‌پزشک، X_5 : تعداد دکتر آزمایشگاه، X_6 : تعداد دکتر داروساز، X_7 : تعداد پزشک متخصص، X_8 : تعداد فوق تخصص، X_9 : تعداد دکتری تخصصی، X_{10} : تعداد پرستار حرفه‌ای، X_{11} : تعداد پرستار کاردان، X_{12} : تعداد کارشناس اتاق عمل، X_{13} : تعداد کاردان / کارشناس بیهوشی، X_{14} : تعداد بهیار، X_{15} : تعداد بهورز، X_{16} : تعداد ماما (شاخص‌ها به ازای هر صد هزار نفر جمعیت می‌باشد)	نیروی انسانی	بهداشتی - درمانی

شاخص	مؤلفه	معیار
X_{17} : تعداد بیمارستان X_{18} : تعداد بیمارستان های خصوصی، X_{19} : تعداد تخت، X_{20} : تعداد تخت ICU X_{21} : تعداد تخت CCU، X_{22} : تعداد تخت مراقبت کودکان NICU، X_{23} : تعداد مراکز مراقبت اولیه بهداشتی، X_{24} : تعداد مراکز جامع سلامت شهری، X_{25} : تعداد مراکز جامع سلامت روستایی، X_{26} : تعداد پایگاه سلامت روستایی، X_{27} : تعداد خانه های بهداشت، X_{28} : مراکز تسهیلات زایمانی، X_{29} : تعداد آزمایشگاه تشخیص پزشکی، X_{30} : تعداد آزمایشگاه تشخیص ژنتیک، X_{31} : تعداد مراکز توان بخشی، X_{32} : تعداد مراکز پزشکی هسته ای، X_{33} : تعداد داروخانه ها، X_{34} : تعداد درمانگاه های عمومی، X_{35} : تعداد پایگاه های اورژانس شهری، X_{36} : تعداد پایگاه های اورژانس جاده ای (شاخص ها به ازای هر صد هزار نفر جمعیت می باشد).	زیرساخت ها	

روش ماباک MABAC مخفف Multi-Attributive Border Approximation area

Comparison به معنی تخمین مقایسه سطوح مبتنی بر بردار چند شاخصه می باشد. پاموکار

و سایر کویک^۱ به سال ۲۰۱۵ این روش را ارائه کردند.

گام اول ایجاد ماتریس تصمیم

ماتریس تصمیم در این روش به صورت معیار-گزینه است؛ یعنی یک ماتریس که ستون-های آن را معیارهای مسئله و سطرها را گزینه ها تشکیل می دهند و هر سلول نیز درواقع امتیاز هر گزینه نسبت به هر معیار است. ماتریس تصمیم در این پژوهش، ماتریس 36×31 است که ۳۶ معیار برای ۳۱ استان در آن مورد ارزیابی قرار می گیرد.

نرمال سازی ماتریس تصمیم

در این گام، باید ماتریس تصمیم مرحله دوم را نرمال کرد. نرمال سازی با استفاده از روابط زیر صورت می گیرد. چنانچه معیارها جنبه مثبت داشته باشند از رابطه اول و چنانچه معیارها جنبه منفی داشته باشند از رابطه دوم استفاده می شود.

$$n_{ij} = \frac{x_{ij} - x_i^+}{x_i^+ - x_i^-} \quad \text{رابطه (۱)}$$

$$n_{ij} = \frac{x_{ij} - x_i^+}{x_i^- - x_i^+} \quad \text{رابطه (۲)}$$

تشکیل ماتریس تصمیم موزون

در این گام، با استفاده از روش‌های مختلف نظیر روش آنترپی شانون، روش AHP و یا تکنیک‌های جدیدتر همانند روش BWM و یا روش SWARA وزن معیارها محاسبه می‌گردد که در این پژوهش از آنترپی شانون استفاده شده است. با در دست داشتن اوزان معیارها با رابطه زیر ماتریس تصمیم نرمال موزون را تشکیل می‌شود.

$$v_{ij} = w_j \times (n_{ij} + 1) \quad \text{رابطه (۳)}$$

که در آن n_{ij} عناصر ماتریس نرمال شده (N) را نشان می‌دهد، w_i ضرایب وزنی معیار را نشان می‌دهد.

$$V = \begin{pmatrix} v_{11} & v_{12} & \dots & v_{1n} \\ v_{21} & v_{22} & \dots & v_{2n} \\ \vdots & \vdots & & \vdots \\ v_{m1} & v_{m2} & \dots & v_{mn} \end{pmatrix}$$

ماتریس تصمیم موزون

تعیین مرز ناحیه شباهت ماتریس (g)

در این بخش با استفاده از رابطه زیر برای هر معیار یک مرز ناحیه شباهت مشخص می‌شود. در واقع باید از امتیازات هر معیار میانگین هندسی گرفته شود تا مرز ناحیه شباهت به دست آید.

$$g_i = \left(\prod_{j=1}^m v_{ij} \right)^{1/m} \quad \text{رابطه (۴)}$$

۴. محدوده مورد مطالعه

بر اساس آخرین تقسیمات کشور در سال ۱۳۹۳، ایران از ۳۱ استان تشکیل می‌شود. در سال ۱۳۱۶، با تصویب قانون جدید تقسیمات کشوری، ایران به ۱۰ استان و ۴۹ شهرستان

تقسیم شد. به مرور با ایجاد استان‌های جدید، استان‌های ایران افزایش یافت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران همچنان دارای ۲۴ استان بود. در سال ۱۳۷۲، به ترتیب استان‌های اردبیل، قم، قزوین، گلستان تشکیل شد و خراسان به سه استان خراسان جنوبی، خراسان شمالی و خراسان رضوی تقسیم شد. در سال ۱۳۸۹، البرز آخرین استانی بوده که تاکنون تأسیس شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴؛ نظم‌فر، عشقی و علوی، ۱۳۹۸، ص. ۱۵۶).

۵. مبانی نظری تحقیق

تعریف مناسب رقابت‌پذیری بسته به سطوح تحلیل آن (بنگاه‌ها، صنایع، مناطق، شهرها، نواحی فراملی و جهانی) متفاوت است؛ زیرا اهداف هریک از این موارد متفاوت است، برای مثال بنگاه‌ها عموماً با هدف افزایش سود و سهم بازار ایجاد می‌شوند، درحالی‌که مقامات محلی و مدیران شهری در مبحث رقابت‌پذیری، برای بهبود استانداردهای زندگی و رفاه شهروندانشان تلاش می‌کنند. درواقع هدف اصلی، ایجاد شرایط و چارچوبی است که در آن، هم بنگاه‌ها و هم جامعه بتوانند در یک‌زمان، رقابت‌پذیر باشند و به‌تبع آن، در جامعه رفاه کامیابی ایجاد کنند (بادی و پارکینسون، ۲۰۰۴؛ ب. ن. جمالی و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۱۹). از نظر پورتر، شهرها و مناطق با یکدیگر رقابت می‌کنند، ولی نه به همان طریقی که بنگاه‌های تجاری برای حداکثرسازی سود رقابت می‌کنند، شهرها و مناطق از روش‌های پیچیده‌تری برای اهداف پیچیده‌تری نظیر سرمایه‌گذاری، جمعیت، نخبگان، تأمین مالی برای زیرساخت‌های عمومی و غیره باهم رقابت می‌کنند (پورتر^۱، ۱۹۹۵، ص. ۵۶). رقابت‌پذیری شهری توانایی شهرها در حفظ مداوم محیط کسب‌وکار، زیرساخت‌های فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی برای جذب سرمایه و همچنین رشد بالای اقتصادی، نوآوری، نیروی کار خلاق و ماهر و درنتیجه دسترسی به نرخ بالای تولید و اشتغال و درآمد، تولید ناخالص داخلی بالا و سطح پایین اختلاف درآمد و محرومیت اجتماعی است (ران مارتین^۲، ۲۰۰۸، ص. ۳۳۷). در حال حاضر رقابت‌پذیری موضوعی محوری در سطح دنیاست و از آن به‌عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به

1. porter
2. Ron Martin

رشد اقتصادی مطلوب و توسعه پایدار یاد می‌شود (رفاح، محمدزاده، محسنی، هاشمی و قاسم‌زاده، ۱۳۹۸، ص. ۸۷) امروزه رقابت‌پذیری به‌عنوان یک استراتژی کلیدی در دستیابی به توسعه، امری اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌گردد. هر شهری که بتواند توان رقابت‌پذیری خود را در میان شهرهای دیگر افزایش دهد، موفقیت بیشتری در جذب سرمایه‌ها و در نتیجه افزایش کیفیت زندگی شهروندان خود به دست خواهد آورد (خضرای، کرکه‌آبادی و کامیابی، ۱۳۹۸، ص. ۱۱۴). از نظر مجمع جهانی اقتصاد (۲۰۱۳)، رقابت‌پذیری به‌عنوان مجموعه‌ای از نهادها، سیاست‌ها و عواملی است که سطح بهره‌وری ملی را تعریف می‌کند. سطح بهره‌وری ملی، سطح شکوفایی را که یک اقتصاد می‌تواند به آن دست یابد تعیین می‌کند. اقتصادی رقابتی‌تر است که احتمالاً رشد سریع‌تری در طول زمان دارد (کارگر سامانی، کرد، خداداد و موسوی، ۱۳۹۳، ص. ۱۲۹).

یک شهر و گسترده‌تر از آن (یک کشور یا منطقه) زمانی می‌تواند به‌عنوان رقابتی در نظر گرفته شود که فعالیت‌های تولیدی آن و سازمان‌های دولتی، اجتماعی و خصوصی به‌طور کلی مؤثر، کارآمد، سازنده و نوآور باشند (چانگ، چن، لین، و گاو، ۲۰۱۲، ص. ۹۰). پورتر برای نخستین بار در دهه ۱۹۹۰ میلادی نظریه مزایای رقابتی را که تا پیش از آن تنها در سطح اقتصاد خرد (واحد بنگاه‌ها) مطرح بود، در سطح مکان (مقیاس کشور و بعدها سایر مقیاس‌های جغرافیایی) مطرح کرد و باعث جلب توجه مجدد تصمیم‌سازان توسعه منطقه‌ای و جغرافی‌دانان اقتصادی به موضوع مکان شد. با وجود اینکه در ایجاد رقابت‌پذیری آنچه که درون بنگاه‌ها اتفاق می‌افتد حائز اهمیت است، لیکن محیط‌های کسب‌وکار بیرونی نیز به همان اندازه ایفاگر نقش هستند (پورتر، ۱۹۹۰، ص. ۷۳). مفهوم رقابت‌پذیری منطقه‌ای از دو دیدگاه مختلف مورد توجه قرار گرفته است، از یک‌سو گروهی از محققان چون مایکل پورتر، با مبنا قرار دادن رقابت بنگاهی و با نگاه جز به کل، مفهوم رقابت‌پذیری منطقه‌ای را به‌مثابه حاصل جمع رقابت‌پذیری خرد (یعنی حاصل جمع رقابت‌پذیری تک‌تک بنگاه‌ها) در نظر گرفته

است. از سوی دیگر کسانی چون گاردینر^۱ و استورپر^۲ با تأکید بر رقابت-پذیری ملی و نگاه کل به جزء، آن را زیرمجموعه‌ای کوچک‌تر از رقابت‌پذیری ملی به حساب آورده‌اند (داداش‌پور و احمدی، ۱۳۸۹، ص. ۵۴). مایکل استورپر (۱۹۹۷) رقابت-پذیری منطقه‌ای را تنها معادل افزایش بهره‌وری ندانسته، بلکه در گرو افزایش استانداردهای زندگی و توانایی نگهداشت برآمدهای برنده نیز می‌داند؛ یعنی ترکیبی از مزایای رقابتی پورتری و جذابیت محیط منطقه برای کسب‌وکار (شریف‌زادگان و ندایی، ۱۳۹۴، ص. ۸). رقابت‌پذیری منطقه‌ای رویکردی است بسیار کارآمد که می‌تواند با مطالعه عمیق جنبه‌های گوناگون سیستم منطقه‌ای، ضمن شناسایی عوامل ریشه‌ای تأثیرگذار در توسعه یک منطقه و برآورد میزان اثرگذاری آن‌ها، سمت‌وسوی راهبردهای توسعه منطقه‌ای را مشخص کرده و از این رهگذر سیاست‌گذاران منطقه‌ای را برای نیل به توسعه‌ای پایدار یاری رساند (لنیل^۳، ۲۰۰۷، ص. ۵۹۰). بنابراین، شناخت جایگاه مناطق در رقابت‌پذیری نواحی مختلف و نابرابری آن‌ها در برنامه‌ریزی ضروری است و این امر سبب رفع نابرابری و تبدیل وضع موجود به وضع مطلوب می‌شود. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های بررسی نابرابری‌ها و اهمیت آن در توسعه مناطق، بررسی شاخص‌های بهداشت و درمان در سطح مناطق است. بنابراین یکی از اهداف پروژه بهداشت و درمان سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، ارائه شواهد به دولت‌ها برای اثبات لزوم افزایش بهره‌وری سرمایه‌گذاری در بخش خدمات بهداشتی و درمانی و نیز تضمین دسترسی همگانی به این خدمات و بالا بردن کیفیت آن بوده است از یک‌سو، یکی از معیارهای مهم توسعه‌یافتگی کشورها، سلامت روح و جسم انسان‌ها بوده و میزان برخورداری یا دسترسی به خدمات بهداشتی و توزیع بهینه آن‌ها در سطح هر کشور از ارزش و اهمیت زیادی برخوردار است (تقوایی و شاه‌یوندی، ۱۳۸۹، ص. ۳۵). در پژوهش حاضر از شاخص نیروی انسانی شاغل در بخش بهداشت و درمان و شاخص نهادی یا زیرساخت‌های در این بخش استفاده شده است. شاخص‌های نهادی، شاخص‌هایی هستند که امکانات زیربنایی - بهداشتی یک محیط جغرافیایی را مورد ارزیابی قرار می‌دهند.

1. Gardiner

2. Storper

3. Lengyel

این امکانات از قبیل تعداد مراکز بهداشت و درمان، تعداد داروخانه، خانه بهداشت، تعداد تخت بیمارستانی و غیره است (بهرامی، ۱۳۹۴، ص. ۴۲).

۶. یافته‌های تحقیق

بنابراین اگر n معیار داشته باشید یک ماتریس $G_{1 \times n}$ به صورت زیر خواهیم داشت:

$$G = [g_1, g_2, \dots, g_n]$$

جدول ۲- ماتریس تصمیم، وزن معیارها و مرز ناحیه شباهت (g) هر معیار

مأخذ: مرکز آمار ایران و محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۹

ماتریس	X_1	X_2	X_3	X_4	X_5	X_6	X_7	X_8	X_9	X_{10}	X_{11}	X_{12}
آذربایجان شرقی	۲۴۷۷	۱۳۸۳۱	۸۳۳	۲۳۲	۱۲	۱۵۲	۷۴۶	۷۴	۶۱۸	۱۷۶	۵۳	۶۴
آذربایجان غربی	۱۵۲۶	۱۲۵۱۱	۶۲۹	۱۶۴	۱۱	۸۸	۴۸۴	۸۸	۳۷۲	۴۶۲	۳۲	۴۲
اردبیل	۶۲۲	۵۳۲۹	۳۳۶	۵۸	۳	۲۸	۱۷۶	۵۸	۱۱	۲۲۲	۲۳	۳۲
اصفهان	۳۲۲۶	۱۷۱۷۸	۱۲۶۶	۳۹۶	۳۴	۱۶۶	۱۱۶۷	۲۵۴	۸۷۸	۴۴۲	۸۴	۸۳
البرز	۱۲۲۸	۵۲۲۳	۳۲۳	۸۶	۶	۷۳	۴۱۲	۱۲۶	۴۴۲	۱۷۹	۲۹	۲۷
ایلام	۵۵۹	۳۳۱۶	۲۲۲	۷۲	۱۲	۱۴	۱۶۴	۱۵	۷۹	۳۹	۱۲	۲۸
یوشهر	۷۹۲	۴۲۹۲	۳۲۳	۹۲	۲	۲۶	۲۵۶	۵۲	۱۲۵	۵۶	۱۷	۳۵
تهران	۶۹۴۸	۲۵۴۲۹	۹۲۹	۶۴۶	۴۴	۳۸۶	۲۹۵۵	۹۵۲	۲۷۴۴	۱۲۲۶	۳۲	۴۵
چهارمحال و بختیاری	۸۲۵	۵۲۲۶	۳۴۷	۸۸	۹	۲۲	۲۱۱	۴۱	۹۹	۳۹	۱۷	۳۲
خراسان جنوبی	۶۵۲	۳۹۱۵	۱۹۷	۹۳	۲	۳۸	۲۴۶	۳۲	۸۸	۴۷	۱۸	۵۳
خراسان رضوی	۳۳۷۲	۲۲۲۷۱	۱۱۷۲	۳۴۸	۴۵	۱۶۵	۱۲۹۷	۲۱۴	۱۲۱۹	۳۵۳	۱۲۲	۱۲۳
خراسان شمالی	۵۹۳	۳۹۳۱	۲۱۲	۹۶	۵	۳۲	۱۸۳	۳۱	۹۸	۳۴	۱۳	۳۲
خوزستان	۲۸۷۵	۱۸۱۱۸	۱۲۶۱	۲۲۲	۲۴	۱۳۶	۱۲۴۲	۹۶	۶۶۶	۲۶۱	۶۳	۱۲۱
زنجان	۷۲۹	۴۴۶۵	۲۵۲	۱۱۱	۶	۳۲	۲۳۴	۴۲	۱۲۶	۱۴۵	۱۷	۳۴
سمنان	۶۳۲	۳۹۳۲	۱۹۱	۴۹	۱۲	۲۱	۲۶۶	۲۳	۷۶	۴۸	۱۲	۳۵

ماتریس	X_1	X_2	X_3	X_4	X_5	X_6	X_7	X_8	X_9	X_{10}	X_{11}	X_{12}
سیستان و بلوچستان	۱۵۴۲	۹۹۶۶	۵۸۴	۱۹۳	۹	۱۱۸	۴۱۳	۲۹	۲۲۶	۲۴۲	۳۳	۱۱۲
فارس	۳۳۵۵	۲۱۲۱۵	۱۱۳۵	۲۷۱	۱۷	۱۶۲	۱۱۸۹	۲۳۹	۷۳۵	۲۸۴	۶۶	۱۲۵
قزوین	۷۵۲	۴۴۲۸	۲۴۲	۱۱۴	۲	۲۸	۲۱۹	۵۱	۱۵۴	۵۹	۱۳	۲۶
قم	۵۳۵	۳۲۴۲	۱۳۱	۶۱	۲	۲۴	۱۹۹	۵۲	۱۶۸	۷۷	۲۱	۱۸
کردستان	۱۲۲۶	۶۶۷۱	۳۸۹	۱۲۲	۲	۳۶	۳۶۴	۳۵	۱۷۲	۵۶	۲۳	۳۳
کرمان	۲۱۹۵	۱۳۲۴۵	۷۴۶	۳۱۴	۱۴	۶۵	۶۵۸	۹۲	۳۳۷	۱۹۱	۴۷	۱۱۳
کرمانشاه	۱۳۴۷	۹۴۷۶	۵۲۵	۱۳۶	۲	۷۵	۳۷۵	۸۲	۲۷۴	۱۱۱	۲۹	۳۴
کهگیلویه و بویراحمد	۵۶۴	۳۳۳۵	۲۲۵	۶۷	۱۱	۳۲	۱۵۳	۳۲	۷۸	۸	۱۶	۲۷
گلستان	۱۴۵۵	۷۷۱۱	۵۵۸	۱۲۲	۹	۵۵	۶۱۲	۳۴	۲۵۶	۸۸	۲۳	۳۴
گیلان	۱۵۹۳	۹۸۲۸	۶۵۹	۲۳۱	۱۱	۷۲	۴۲۷	۹۳	۳۹۴	۸۸	۲۵	۳۷
لرستان	۹۳۶	۷۳۲۴	۳۵۲	۷۷	۵	۵۱	۲۹۷	۵۹	۲۱۱	۴۳	۲۸	۴۲
مازندران	۲۲۵۴	۱۵۸۲۶	۱۲۱۳	۲۷۹	۱۵	۱۲۵	۶۳۸	۱۷۲	۸۸	۱۸۵	۳۶	۶۶
مرکزی	۹۷۲	۵۱۴۷	۳۵۲	۱۲۲	۵	۵۹	۳۲۹	۵۳	۱۸۷	۵۸	۱۹	۳۴
هرمزگان	۱۲۵۷	۶۷۶۳	۴۹۶	۱۲۵	۹	۱۵	۲۸۲	۵۳	۱۲۵	۶۴	۲۴	۴۶
همدان	۱۲۶۲	۶۹۷۹	۴۲۴	۱۵۸	۱۲	۵۹	۳۸۲	۶۱	۲۲۳	۸۴	۲۲	۳۳
یزد	۱۲۸۱	۴۷۶۶	۳۳۲	۱۴۱	۲	۵۷	۳۵۶	۶۹	۲۲۶	۱۲۲	۲۲	۳۱
وزن با استفاده از مدل آنتروپی	۰/۰۱۳	۰/۰۱۲	۰/۰۱۲	۰/۰۱۵	۰/۰۲۸	۰/۰۳۱	۰/۰۱۶	۰/۰۱۸	۰/۰۲۰	۰/۰۱۵	۰/۰۳۴	۰/۰۱۵
Gi	۰/۰۱۴۶	۰/۰۱۴۸	۰/۰۱۵۷	۰/۰۱۷۵	۰/۰۳۳۷	۰/۰۳۵۹	۰/۰۱۷۹	۰/۰۱۹۲	۰/۰۲۲۶	۰/۰۲۹۹	۰/۰۴	۰/۰۱۹۴

محاسبه فاصله گزینه ها تا مرز ناحیه شباهت

در این بخش، با استفاده از رابطه زیر فاصله گزینه ها تا ناحیه g به دست می آید. در واقع باید ماتریس وزن دار را از ماتریس g کم کرد. پس از مشخص شدن ماتریس Q ، می توان با استفاده از حد بالایی مساحت ($+G$) و حد پایینی مساحت ($-G$) وضعیت هر گزینه را مشخص کرد. بر این اساس، گزینه A_i متعلق به اجتماع مجموعه مذکور است که در شکل زیر نمایش

داده شده است. بر این اساس، حد بالای مساحت (+G) ناحیه‌ای است که گزینه ایدئال مثبت در آن قرار دارد و حد پایین مساحت (-G) ناحیه‌ای است که گزینه ضد ایدئال در آن قرار دارد.

$$Q = V - G \quad \text{رابطه (۵)}$$

رتبه‌بندی نهایی گزینه‌ها

در این گام، با استفاده از رابطه زیر امتیاز نهایی هر گزینه را مشخص کرده و بر اساس آن گزینه‌ها رتبه‌بندی می‌شوند. محاسبه مقادیر توابع معیار توسط گزینه‌ها به‌عنوان مجموع فاصله-های جایگزین از مناطق تقریبی مرزی Q_i به دست می‌آید. با جمع کردن عناصر ماتریس Q در هر سطر، مقادیر نهایی تابع معیار گزینه‌ها به دست می‌آید (پاموکار و کیروویک، ۲۰۱۵، ص. ۳۰۱۶-۳۰۲۸).

$$S_{ij} = \sum_{i=1}^n q_{ij}, i = 1, 2, \dots, n., j = 1, 2, \dots, m.$$

که n تعداد معیارها و m تعداد گزینه‌های جایگزین است.

جدول ۳- رتبه استان‌ها در شاخص‌های مورد مطالعه

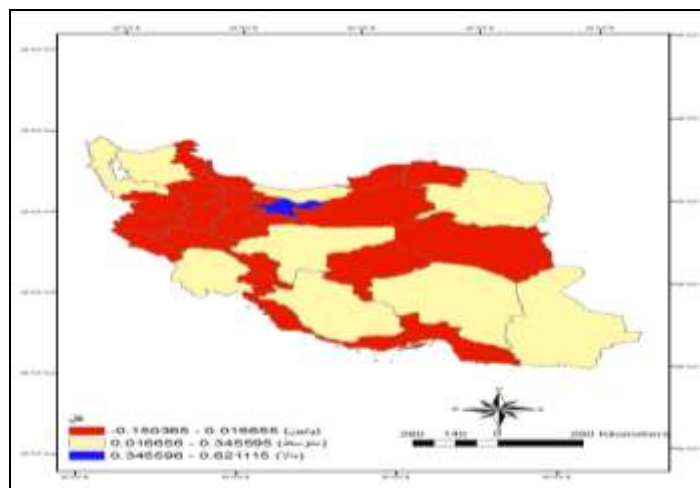
مأخذ: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۹

شاخص کل		زیرساخت‌ها		نیروی انسانی		استان
رتبه	Si	رتبه	Si	رتبه	Si	
۶	۰/۱۴۰	۷	۰/۰۷۷۱۱	۷	۰/۱۲۵۵۱۳	آذربایجان شرقی
۱۰	۰/۰۹۸	۱۰	۰/۰۳۴۶۴۲	۱۰	۰/۰۳۰۴۰۹	آذربایجان غربی
۱۹	-۰/۰۷۳	۲۱	-۰/۰۷۲۷۹	۲۵	-۰/۱۲۵۸۷	اردبیل
۵	۰/۲۰۲	۵	۰/۱۴۶۱۵۸	۴	۰/۳۰۷۱۳۴	اصفهان
۱۸	-۰/۰۶۸	۲۰	-۰/۰۶۸۹۵	۱۹	-۰/۰۸۸۲	البرز
۳۰	-۰/۱۴۰	۳۱	-۰/۱۱۳۷۵	۲۹	-۰/۱۴۰۱۵	ایلام
۲۷	-۰/۱۱۹	۲۲	-۰/۰۸۰۶۵	۲۲	-۰/۱۰۹۰۹	بوشهر
۱	۰/۶۲۱	۱	۰/۶۶۴۴۵	۱	۰/۷۲۵۵۳۷	تهران
۲۳	-۰/۱۰۶	۲۵	-۰/۰۹۶۲۴	۲۱	-۰/۱۰۸۷۲	چهارمحال و بختیاری

استان	نیروی انسانی		زیرساخت‌ها		شاخص کل	
	رتبه	Si	رتبه	Si	رتبه	Si
خراسان جنوبی	۳۰	-۰/۱۴۰۸۵	۲۶	-۰/۰۹۷۸۳	۲۸	-۰/۱۲۱
خراسان رضوی	۲	۰/۳۵۴۳۵۳	۳	۰/۲۳۰۸۴۶	۲	۰/۳۴۶
خراسان شمالی	۲۸	-۰/۱۳۸۷۹	۲۸	-۰/۱۰۰۷۷	۲۵	-۰/۱۱۳
خوزستان	۵	۰/۲۶۳۱۳۱	۴	۰/۱۸۴۸۷	۴	۰/۲۱۲
زنجان	۲۳	-۰/۱۱۶۳۳	۲۳	-۰/۰۸۳۲۳	۲۰	-۰/۰۸۴
سمنان	۲۷	-۰/۱۳۱۰۱	۲۹	-۰/۱۰۹۶۵	۲۹	-۰/۱۳۹
سیستان و بلوچستان	۹	۰/۰۵۴۲۴۷	۹	۰/۰۵۰۶۳۷	۸	۰/۱۱۳
فارس	۳	۰/۳۳۶۲۷۱	۲	۰/۲۶۰۸۵۱	۳	۰/۲۸۱
قزوین	۲۴	-۰/۱۲۴۸۵	۲۴	-۰/۰۹۲	۲۴	-۰/۱۱۰
قم	۳۱	-۰/۱۵۳۸۵	۳۰	-۰/۱۱۰۷۷	۳۱	-۰/۱۵۰
کردستان	۱۶	-۰/۰۶۶۶۵	۱۵	-۰/۰۳۸۱۲	۱۷	-۰/۰۵۸
کرمان	۸	۰/۱۲۱۱۶۵	۸	۰/۰۷۴۲۷۳	۹	۰/۱۰۴
کرمانشاه	۱۲	-۰/۰۱۴۵۴	۱۲	-۰/۰۲۰۰۳	۱۲	-۰/۰۲۳
کهگیلویه و بویراحمد	۲۶	-۰/۱۲۷۰۸	۲۷	-۰/۰۹۹۵۴	۲۶	-۰/۱۱۵
گلستان	۱۴	-۰/۰۵۲۱۳	۱۷	-۰/۰۵۳۷۴	۱۳	-۰/۰۲۹
گیلان	۱۱	۰/۰۲۹۰۳۳	۱۱	۰/۰۱۹۴۵۸	۱۱	۰/۰۱۷
لرستان	۱۷	-۰/۰۷۳۶۳	۱۳	-۰/۰۲۳۸۵	۱۶	-۰/۰۵۵
مازندران	۶	۰/۱۶۱۱۷۱	۶	۰/۱۱۵۵۹۹	۷	۰/۱۳۴
مرکزی	۲۰	-۰/۰۹۱۶۱	۱۸	-۰/۰۶۵۲۸	۲۱	-۰/۰۸۸
هرمزگان	۱۵	-۰/۰۵۷۹۷	۱۶	-۰/۰۳۹۸۶	۱۴	-۰/۰۳۴
همدان	۱۳	-۰/۰۲۱۴۶	۱۴	-۰/۰۲۵۳	۱۵	-۰/۰۳۶
یزد	۱۸	-۰/۰۸۵۵۶	۱۹	-۰/۰۶۸۱	۲۲	-۰/۰۹۸

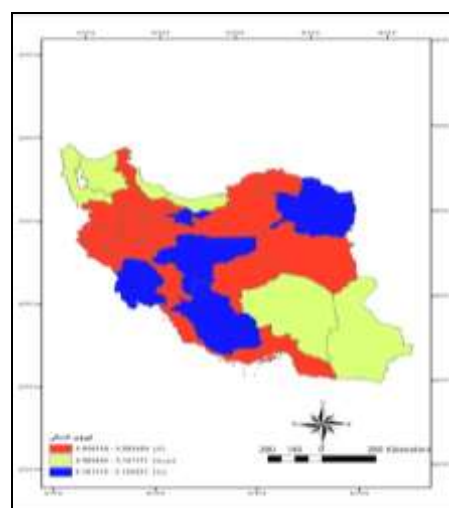
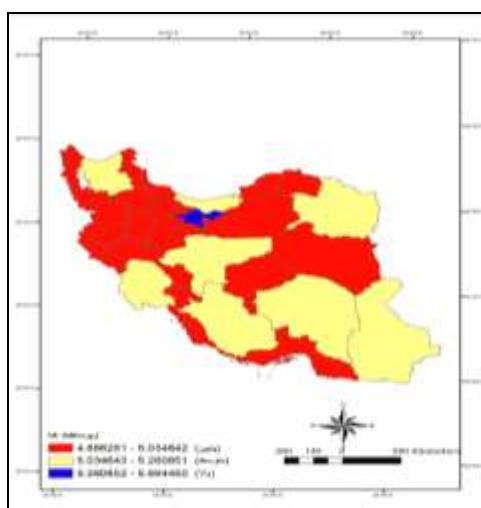
با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از جدول بالا می‌توان گفت که از نظر رقابت‌پذیری بهداشتی - درمانی، استان تهران با توجه به مرکزیت کشور و برخورداری از امکانات و زیرساخت‌های کلان با میزان امتیاز ماباک (۰/۶۲۱) و اختلاف فاحش با سایر استان‌ها در جایگاه اول و خراسان رضوی و فارس با امتیاز (۰/۳۴۶) و (۰/۲۸۱) در جایگاه‌های دوم و سوم قرار گرفتند. استان تهران هم به لحاظ دارا بودن کادر درمان و هم زیرساخت‌ها در رتبه اول قرار دارد، اما

استان خراسان رضوی در کادر درمان و استان فارس در بحث زیرساخت‌ها رتبه دوم را دارا هستند. استان قم با میزان امتیاز ماباک (۰/۱۵-) در جایگاه آخر قرار گرفته است که قبل از آن استان‌های ایلام و سمنان قرار گرفته‌اند.



شکل ۱- نقشه رقابت پذیری بهداشتی- درمانی استان‌های کشور

مأخذ: مطالعات نگارنده، ۱۳۹۹



شکل ۲- نقشه رقابت پذیری نیروی انسانی و زیرساخت‌های بهداشتی- درمانی در استان‌های

کشور

مأخذ: مطالعات نگارنده، ۱۳۹۹

سطح بندی استان های کشور در سه سطح دارای رقابت بالا، پایین و متوسط از منظر رقابت پذیری نشان می دهد که استان تهران در شاخص زیرساخت ها و شاخص تلفیقی دارای رقابت پذیری بالا و استان های تهران، خراسان رضوی، اصفهان، فارس و خوزستان در شاخص نیروی انسانی وضعیت بهتر و رقابت پذیری بالاتری نسبت به سایر استان ها دارند.

جدول ۴- رتبه بندی استان های کشور در زیرساخت ها، نیروی انسانی و کل شاخص های

بهداشتی - درمانی

مأخذ: مطالعات نگارنده، ۱۳۹۹

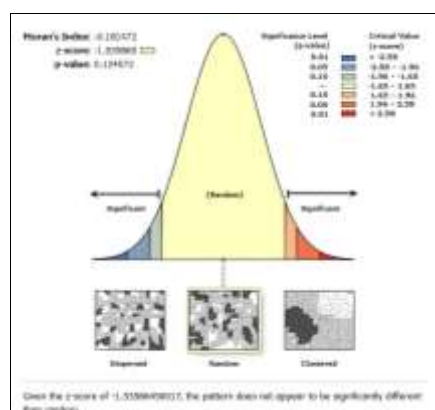
رقابت پذیری	زیرساخت ها	نیروی انسانی	کل
بالا	تهران	تهران - خراسان رضوی - اصفهان - فارس - خوزستان	تهران
متوسط	آذربایجان شرقی - مازندران - خراسان رضوی - اصفهان - فارس - خوزستان - کرمان - سیستان و بلوچستان	آذربایجان شرقی - آذربایجان غربی - گیلان - مازندران - کرمان - سیستان و بلوچستان	آذربایجان شرقی - آذربایجان غربی - مازندران - خراسان رضوی - اصفهان - فارس - خوزستان - کرمان - سیستان و بلوچستان
پایین	آذربایجان غربی - گیلان - اردبیل - البرز - ایلام - بوشهر - چهارمحال و بختیاری - خراسان جنوبی - خراسان شمالی - زنجان - سمنان - قزوین - قم - کردستان - کرمانشاه - کهگیلویه و بویراحمد - گلستان - لرستان - مرکزی - هرمزگان - همدان - یزد	اردبیل - البرز - ایلام - بوشهر - چهارمحال و بختیاری - خراسان جنوبی - خراسان شمالی - زنجان - سمنان - قزوین - قم - کردستان - کرمانشاه - کهگیلویه و بویراحمد - گلستان - لرستان - مرکزی - هرمزگان - همدان - یزد	گیلان - اردبیل - البرز - ایلام - بوشهر - چهارمحال و بختیاری - خراسان جنوبی - خراسان شمالی - زنجان - سمنان - قزوین - قم - کردستان - کرمانشاه - کهگیلویه و بویراحمد - گلستان - لرستان - مرکزی - هرمزگان - همدان - یزد

استان های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، مازندران، خراسان رضوی، اصفهان، فارس، خوزستان، کرمان و سیستان و بلوچستان، رقابت پذیری متوسطی دارند و بقیه استان های کشور رقابت پذیری پایینی دارند. استان هایی همچون آذربایجان غربی و گیلان در شاخص نیروی

انسانی، رقابت‌پذیری متوسط، ولی از نظر زیرساخت‌ها رقابت‌پذیری پایینی دارد، اما در شاخص تلفیقی استان آذربایجان غربی رتبه متوسط و استان گیلان رتبه پایینی دارد.

بررسی الگوی توزیع فضایی شاخص‌های رقابت‌پذیری اقتصادی در استان

برای شناسایی الگوهای توزیع شاخص‌های رقابت‌پذیری بهداشتی- درمانی کشور، از روش خودهمبستگی فضایی موران جهانی استفاده شده است. شاخص موران یکی از بهترین شاخص‌ها برای تشخیص خوشه‌بندی است. این شاخص تشخیص می‌دهد که آیا نواحی مجاور به‌طور کلی دارای ارزش مشابه یا غیرمشابه می‌باشند. ارزش موران بین ۱ و -۱ است. ارزش نزدیک به ۱ به معنای توزیع به‌صورت خوشه‌ای و ارزش نزدیک به -۱ نشانگر توزیع تصادفی عناصر هست نتایج حاصل از محاسبات به‌صورت اشکال شماره (۵-۳) و به شرح زیر است.

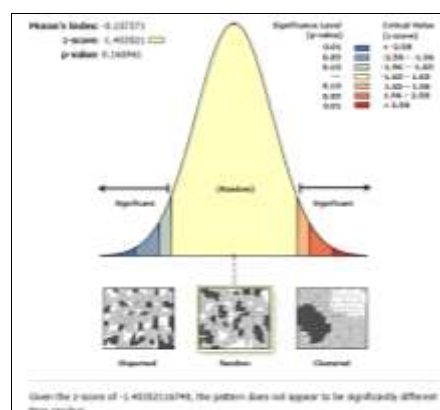


Global Moran's I Summary	
Moran's Index:	-0.181472
Expected Index:	-0.033333
Variance:	0.009303
z-score:	-1.535865
p-value:	0.124572

شکل ۴- آماره موران برای نیروی انسانی

شاغل در بخش بهداشت و درمان

مأخذ: مطالعات نگارنده، ۱۳۹۹

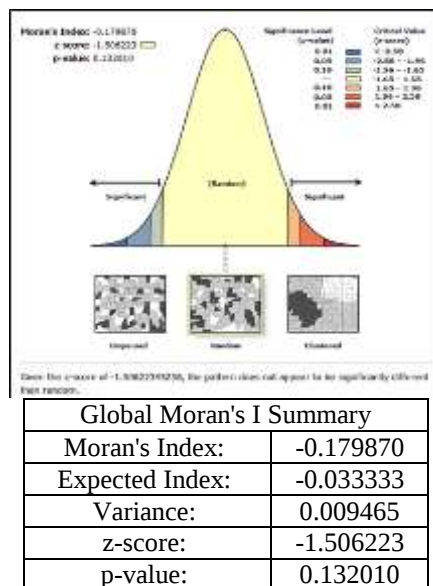


Global Moran's I Summary	
Moran's Index:	-0.157271
Expected Index:	-0.033333
Variance:	0.007798
z-score:	-1.403521
p-value:	0.160461

شکل ۳- آماره موران برای زیرساخت‌های بخش

بهداشت و درمان

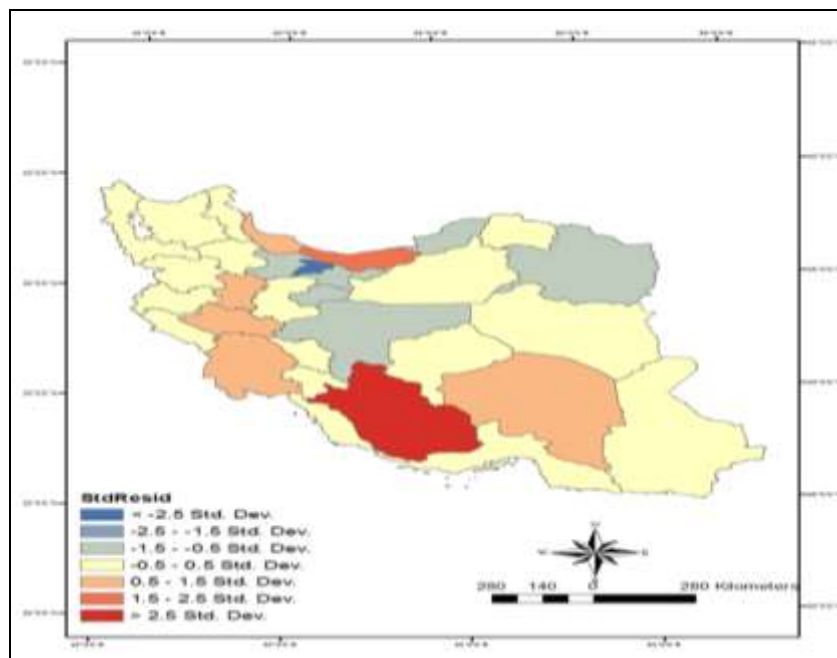
مأخذ: مطالعات نگارنده، ۱۳۹۹



شکل ۵- آماره موران برای شاخص تلفیقی بخش بهداشت و درمان

مأخذ: مطالعات نگارنده، ۱۳۹۹

ارزش موران برای کلیه شاخص ها (زیرساخت ها، نیروی انسانی و شاخص تلفیقی)، به ترتیب ۰/۱۸-، ۰/۱۵- و ۰/۱۷- است. منفی بودن ارزش موران نشان دهنده این است که الگوی توزیع شاخص های مورد مطالعه در کشور به صورت تصادفی بوده و توزیع فضایی شاخص ها بدون برنامه ریزی بوده است. برای شناخت رابطه بین توزیع شاخص ها و تراکم جمعیت از رگرسیون وزن جغرافیایی استفاده گردید. برای انجام تحلیل رگرسیون وزنی جغرافیایی از ArcGIS 10.3 استفاده شده است.

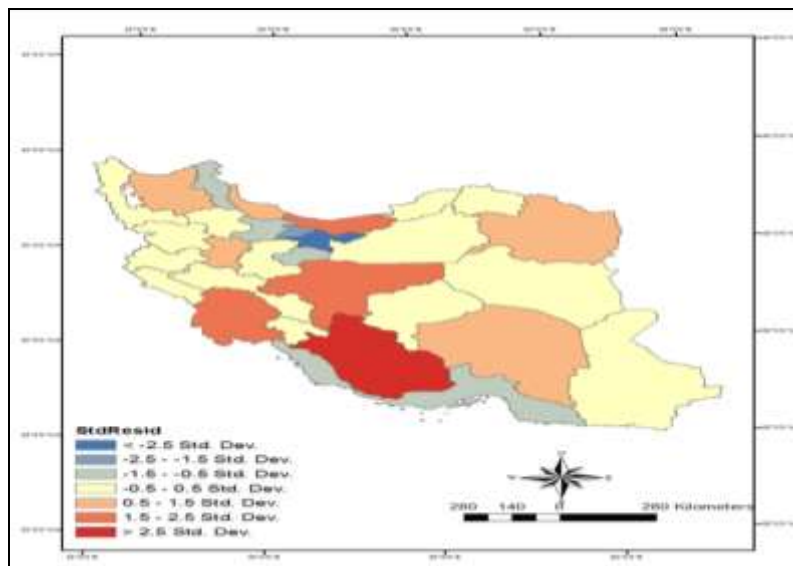


شکل ۶- تحلیل رگرسیون وزنی جغرافیایی باقیمانده استاندارد شده برای زیرساخت‌های بخش

بهداشت و درمان

مأخذ: مطالعات نگارنده، ۱۳۹۹

ضرایب رگرسیون محلی برای محلاتی که به رنگ قرمز هستند، نشان‌دهنده ضریب مثبت شاخص است. در نتیجه، با افزایش جمعیت، زیرساخت‌های بهداشتی- درمانی نیز در آن‌ها افزایش می‌یابد. در استان فارس بیشترین رابطه بین تعداد جمعیت و زیرساخت‌ها وجود دارد. در برخی نیز ضریب رگرسیون محلی منفی است که علیرغم جمعیت بالا، زیرساخت‌ها در آن‌ها کم می‌باشد. به عبارت دیگر، افزایش جمعیت بر افزایش زیرساخت‌ها تأثیری ندارد. در استان البرز چنین شرایطی حاکم است. علت آن می‌تواند نزدیکی به استان تهران و همچنین حوزه نفوذ کم این استان و تفکیک این استان از استان تهران در سال‌های اخیر باشد.



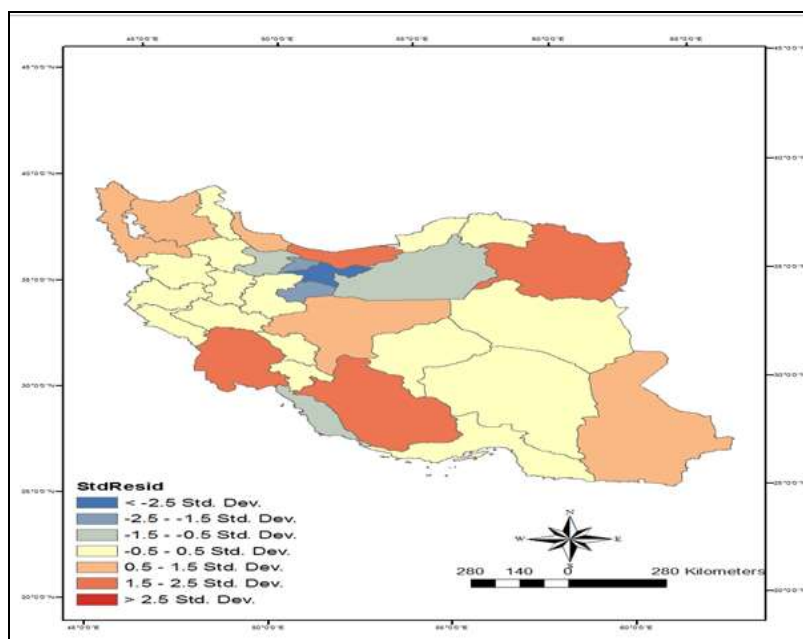
شکل ۷- تحلیل رگرسیون وزن جغرافیایی باقیمانده استاندارد شده برای نیروی انسانی بخش

بهداشت و درمان

مأخذ: مطالعات نگارنده، ۱۳۹۹

ضرایب رگرسیون محلی برای استان فارس بیشترین ارتباط را نشان می دهد و در استان های اصفهان و مازندران و خوزستان نیز بین جمعیت و نیروی انسانی رابطه مستقیم وجود دارد. در استان تهران، تمرکز نیروی انسانی و جمعیت ارتباط مؤثری ندارد و می توان گفت تأثیر جمعیت بر تمرکز نیروی انسانی در این استان تأثیری نداشته است. در تحلیل تأثیر جمعیت بر کل شاخص های بهداشتی و درمانی نیز با توجه به شکل ۸ می توان دریافت استان های فارس، خراسان رضوی، مازندران و خوزستان بیشترین تأثیرپذیری را از جمعیت داشته اند. به طوری که با افزایش جمعیت در این استان ها شاخص های بهداشتی - درمانی نیز در آنها افزایش می یابد، ولی ضریب تغییرات باقیمانده استاندارد برای استان تهران و در مرحله بعد برای استان های البرز و قم منفی بوده و رابطه تراکم جمعیت و میزان شاخص های بهداشتی - درمانی در آنها رابطه منفی است و یا عدم تأثیر را نشان می دهد. در ضمن مقدار معناداری (sig) برابر ۰/۰۴۳ است و می توان گفت آزمون معنادار بوده و مقدار R^2 برابر ۰/۹۵

است؛ یعنی در سطح اطمینان ۹۵ درصد به میزان ۹۵ درصد از شاخص‌های بهداشت و درمان را توجیه می‌کند.



شکل ۸- تحلیل رگرسیون وزن جغرافیایی باقیمانده استاندارد شده برای کل شاخص‌های بهداشت و درمان

مأخذ: مطالعات نگارنده، ۱۳۹۹

۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با وجود گذشت ۶ دهه از عمر برنامه‌ریزی فضایی و توسعه‌ای در ایران، شواهد نشان می‌دهد که توسعه نامتوازن در پهنه سرزمینی کشور تشدید شده است. سیاست قطب رشد برای توسعه نواحی کمتر توسعه‌یافته و پیرامونی توفیق چندانی برای توسعه پایدار نداشته است. گواه این مسئله تمرکز بیش از ۲۵ درصد جمعیت و بیش از ۳۳ درصد تولید ناخالص داخلی صرفاً در استان تهران است و مابقی کشور از نابرابری فرصت‌های توسعه رنج می‌برند. یکی از نقدهای جدی که به برنامه‌های توسعه فضایی همچون طرح آمایش ملی سرزمینی می‌توان

وارد کرد، کم‌توجهی به توسعه منطقه‌ای از منظر رقابت‌پذیری منطقه‌ای است. یکی از شاخص‌هایی که با تأکید بر آن می‌توان به سنجش رقابت‌پذیری بین استان‌ها اقدام نمود، شاخص‌های بهداشتی - درمانی است. ارتقای این شاخص‌ها در رشد اقتصادی و افزایش بهره‌وری بسیار تأثیرگذار باشد. هرچه بهره‌مندی استان‌ها از این شاخص‌ها بیشتر و دسترسی جامعه به آن بهتر باشد، می‌توان انتظار داشت با کنترل و درمان سریع بیماری‌ها، صرفه‌جویی - هایی در هزینه درمان (در صورت پیشرفت بیماری) به وجود آید. مرخصی‌های کاری به دلیل بیماری کاهش می‌یابد و با افزایش امید به زندگی و حس برخورداری از عدالت اجتماعی، تمایل به پس‌انداز و در نتیجه سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد و افزایش سرمایه‌گذاری در منطقه باعث رشد اقتصادی و در نهایت افزایش توان رقابت‌پذیری در سطح ملی می‌گردد. پس می‌توان اذعان داشت بین برخورداری از شاخص‌های بهداشتی و درمانی و ارتقا رقابت‌پذیری رابطه مثبت وجود دارد. پژوهش حاضر با استفاده از آمار و اطلاعات سال ۱۳۹۷ و بهره‌گیری از ۳۶ شاخص در دو بعد نیروی انسانی و شاخص نهادی (زیرساخت‌ها) با استفاده از تکنیک تصمیم‌گیری ماباک که یکی از جدیدترین تکنیک‌های تصمیم‌گیری است، به تحلیل رقابت‌پذیری استان‌ها پرداخته است. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که استان تهران در شاخص زیرساخت‌ها و استان‌های تهران، خراسان رضوی، اصفهان، فارس و خوزستان در شاخص نیروی انسانی، رقابت‌پذیری بالایی دارند. با بررسی شاخص تلفیقی مشخص می‌گردد که فقط استان تهران با مقدار ماباک (۰/۶۲۱) و با اختلاف تقریباً دو برابری از استان خراسان رضوی با امتیاز (۰/۳۴۶) قرار دارد که تنها استان با رقابت‌پذیری بالاست و ۳ درصد کل استان‌ها را شامل می‌شود. استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، مازندران، خراسان رضوی، اصفهان، فارس، خوزستان، کرمان و سیستان و بلوچستان، یعنی ۲۹ درصد از استان‌ها رقابت‌پذیری متوسط و بقیه استان‌ها (۶۸ درصد) از استان‌ها رقابت‌پذیری پایینی دارند. شاخص رقابت‌پذیری جهانی در سال ۲۰۱۹ برای ایران رقم ۶/۵ از ۷ را در شاخص سلامت نشان می‌دهد، درحالی‌که اکثریت استان‌های کشور رقابت‌پذیری پایینی دارند. بنابراین، عدم تعادل منطقه‌ای در توزیع شاخص‌های بهداشتی - درمانی نیز به چشم می‌خورد. شهر تهران در حوزه نفوذ خود به‌عنوان شهر انگلی عمل نموده به‌طوری‌که استان‌های نزدیک تهران از قبیل استان قم

(رتبه ۳۱)، سمنان (رتبه ۲۹)، البرز (رتبه ۱۸) و استان مرکزی (رتبه ۲۱) را دارند. اغلب استان‌های دارای رقابت‌پذیری متوسط نیز عموماً استان‌های مربوط به کلان‌شهرهای کشور بوده که تجمع و تمرکز خدمات و زیرساخت‌ها و عدم توزیع متعادل آن در سطح منطقه باعث افزایش سطح رقابت‌پذیری آن‌ها (البته نه به اندازه تهران) شده است. بررسی رابطه بین جمعیت و توزیع شاخص‌ها نشان می‌دهد استان‌های فارس، خراسان رضوی، مازندران و خوزستان بیشترین تأثیرپذیری را از جمعیت داشته‌اند. به‌طوری‌که با افزایش جمعیت در این استان‌ها شاخص‌های بهداشتی-درمانی نیز در آن‌ها افزایش می‌یابد، ولی ضریب تغییرات باقیمانده استاندارد برای استان تهران و در مرحله بعد برای استان‌های البرز و قم منفی بوده و رابطه تراکم جمعیت و میزان شاخص‌های بهداشتی-درمانی در آن‌ها عدم تأثیر را نشان می‌دهد. این عمل نشان‌دهنده این موضوع است که در توزیع شاخص‌ها در پایتخت و استان‌های نزدیک آن به جمعیت توجهی نشده و عوامل سیاسی با قدرت بیشتری عمل کرده است. توزیع شاخص‌ها با استفاده از آماره موران دلالت بر تصادفی بودن شاخص‌ها و عدم برنامه‌ریزی آن‌ها در سطح کشور است. با در نظر گرفتن نتایج توصیف‌شده لازم است دولت با استفاده از آمایش سرزمینی، نسبت به تخصیص عادلانه بودجه و امکانات بهداشتی - درمانی جهت ایجاد تعادل روانی و ایجاد بسترهای رقابتی در سطح استان‌ها و شهرستان‌های کشور باعث افزایش امنیت روانی و سلامت جامعه و در نتیجه امید به زندگی و افزایش سرمایه‌گذاری و توان رقابت‌پذیری اقتصادی متوازن در سطح مناطق و نواحی کشور گردد. نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش‌های ذکرشده در پیشینه تحقیق هم‌سو است و استان تهران در رتبه اول و کلان‌شهرها در رتبه‌های بعد قرار گرفته‌اند و عدم تعادل فضایی در توزیع عادلانه این شاخص‌ها در پژوهش‌های صورت گرفته نیز به چشم می‌خورد. متناسب با پژوهش صفایی (۲۰۰۷) و استفان، پوپا و اکتاویان (۲۰۱۶) سهم فرآیندهای مدیریتی و رشد اقتصادی بالاحص در کلان‌شهرها در عدم توزیع متناسب زیرساخت‌ها تأثیرگذار بوده است.

راهکارها

- ضرورت نگاهی عدالت‌محور در عرصه برنامه‌ریزی و توزیع خدمات به منظور ارائه خدمات با مطلوبیت بهتر.

- توجه به برنامه‌ریزی منطقه‌ای و ایجاد تعادل منطقه‌ای در کشور متناسب با جمعیت هر استان.
- محدودیت در ایجاد زیرساخت‌ها در کلان‌شهرها و استفاده از سیاست‌های تشویقی برای ایجاد و توسعه زیرساخت‌های بخش بهداشت و درمان.
- ترغیب نیروی انسانی شاغل در بخش بهداشت و درمان به خدمت در مناطق کمتر توسعه یافته و محروم با اعمال مبالغ متناسب در حقوق دریافتی و یا استفاده از امکانات رفاهی و مرخصی‌های کاری.

کتاب‌نامه

۱. ابراهیمی بوزانی، م.، مختاری ملک‌آبادی، ر.، و حیدری دستنایی، ر. (۱۳۹۸). تحلیلی بر توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان اصفهان از نظر شاخص‌های بهداشتی-درمانی با رویکرد توسعه پایدار. *مجله علوم پزشکی زانکو*، ۶۶(۲۰)، ۱۱-۲۴.
۲. امیرفخریان، م.، و رهنما، م. ر. (۱۳۹۷). برنامه‌ریزی دسترسی غیرفضایی به خدمات بهداشتی-درمانی در شهر مشهد. *جغرافیا و آمایش شهری منطقه‌ای*، ۲۶، ۱-۱۶.
۳. بهرامی، ر. (۱۳۹۴). تحلیلی بر میزان توسعه‌یافتگی بخش بهداشتی و درمانی شهرستان‌های استان کردستان با استفاده از روش تاپسیس خطی. *اطلاعات جغرافیایی (سپهر)*، ۹۶(۲۴)، ۳۹-۴۹.
۴. بهرامی، ر.، نوری، ک. (۱۳۹۶). تحلیل اداری از شاخص‌های توسعه خدمات بهداشتی-درمانی در استان کردستان. *اندیشه جغرافیایی*، ۱۷(۹)، ۱۳۷-۱۱۹.
۵. ترابی، ذ.، نجارزاده، م.، شکریانی، م.، و جلیلیان، پ. (۱۳۹۹). بررسی عدالت فضایی در شاخص‌های بهداشتی-درمانی در شهرستان‌های استان گلستان. *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۳۶(۱۰)، ۲۸۱-۲۶۰.
۶. تقوایی، م.، و شاهپوندی، ا. (۱۳۸۹). پراکنش خدمات بهداشتی و درمانی در شهرستان‌های ایران. *رفاه اجتماعی*، ۳۹(۱۰)، ۳۳-۵۴.
۷. جمالی، ف.، روستایی، ش.، و یاپنگ غراوی، م. (۱۳۹۷). ارزیابی الگوی علی معیارهای مؤثر بر رقابت‌پذیری شهری با رویکرد دیمتل فازی. *اقتصاد و مدیریت شهری*، ۲۳(۶)، ۳۳-۱۵.

۸. حاتمی‌نژاد، ح.، مهدیان بهمنیری، م.، و مهدی، ع. (۱۳۹۱). بررسی و تحلیل عدالت فضایی برخورداری از خدمات بهداشتی - درمانی با استفاده از مدل‌های Topsis, Morris و Taxonomy (مطالعه موردی: شهرستان‌های استان مازندران). *آمایش جغرافیایی فضا*، ۵(۲)، ۷۵-۹۷.
۹. خضرای شولای فر، م.، کرکه‌آبادی، ز.، و کامیابی، س. (۱۳۹۸). ارزیابی راهبردهای افزایش توان رقابت‌پذیری کلان‌شهرهای ایران با تکیه بر استراتژی Coopetition (مطالعه موردی: کلان‌شهرهای تهران، مشهد، تبریز، اهواز و زاهدان). *مجله علوم جغرافیایی*، ۳۰، ۱۱۹-۱۰۲.
۱۰. داداش پور، ه.، و احمدی، ف. (۱۳۸۹). رقابت‌پذیری منطقه‌ای به مثابه رویکردی نوین در توسعه منطقه‌ای. *راهبرد یاس*، ۲۲، ۸۰-۵۱.
۱۱. رفاح، آ.، محمدزاده، ی.، محسنی زنوزی، س. ج.، هاشمی برنج‌آبادی، ن.، و قاسم‌زاده، ن. (۱۳۹۸). تأثیر رقابت‌پذیری بر عملکرد اقتصادی در کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه‌یافته. *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۲۵(۷)، ۱۰۷-۸۶.
۱۲. سپهردوست، ح. (۱۳۸۹). نقش دولت در توزیع امکانات بهداشتی و درمانی در استان همدان. *رفاه اجتماعی*، ۳۷(۱۰)، ۳۲۶-۳۰۷.
۱۳. شجاعیان، ع.، و رحیم‌پور، ن. (۱۳۹۷). ارزیابی تناسب اراضی مراکز بهداشتی - درمانی با استفاده از تحلیل CF (موردشناسی: مناطق ۱ و ۸ شهر اهواز). *جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای*، ۲۸، ۱۱۱-۱۳۰.
۱۴. شریف‌زادگان، م. ح.، و ندایی طوسی، س. (۱۳۹۴). چارچوب توسعه فضایی رقابت‌پذیری منطقه‌ای در ایران، موردپژوهی: استان‌های ۳۰ گانه. *نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی*، ۳(۲۰)، ۲۰-۵.
۱۵. غضنفرپور، ح. (۱۳۹۲). سطح‌بندی و میزان توسعه‌یافتگی خدمات بهداشتی و درمانی شهرستان‌های استان کرمان با استفاده از شاخص‌های تمرکز. *برنامه‌ریزی فضایی*، ۱۱(۳)، ۱۸-۱.
۱۶. غضنفرپور، ح.، موسی زاده، ح.، و خداداد، م. (۱۳۹۹). سنجش و سطح‌بندی توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان همدان از لحاظ شاخص‌های بهداشت و درمانی با استفاده از تاپسیس فازی (FTOPSIS) و Arc GIS. *آمایش محیط*، ۱۳(۵۱)، ۲۰۲-۱۷۹.
۱۷. کارگر سامانی، ا.، کرد نایج، ا.، خداداد حسینی، س. ح.، و موسوی شفیعی، س. م. (۱۳۹۳). تأثیر رقابت‌پذیری شهری بر رقابت‌پذیری ملی. *مجله چشم‌انداز مدیریت بازرگانی*، ۲۰، ۱۳۹-۱۲۳.

۱۸. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۹). *سال‌نامه آماری کشور ۱۳۹۷*. تهران: دفتر ریاست، روابط عمومی و همکاری‌های بین‌الملل.

۱۹. نظم‌فر، ح.، عشقی چهاربرج، ع.، و علوی، س. (۱۳۹۸). پایش توزیع فضایی فقر در استان‌های کشور. *مجلس و راهبرد*، ۱۰۰ (۲۶)، ۱۷۵-۱۴۹.

۲۰. نظم‌فر، ح.، محمدی حمیدی، س.، و اکبری، م. (۱۳۹۷). بررسی نابرابری‌های توسعه در استان‌های کشور در راستای تحقق توسعه پایدار. *مجلس و راهبرد*، ۹۴ (۲۵)، ۳۴۰-۲۹۷.

21. Boddy, M., & Parkinson, M. (Eds.). (2004). *City matters: Competitiveness, cohesion and urban governance*. Bristol: Policy Press.
22. Chang, Y. C., Chen, M. H., Lin, Y. P., & Gao, Y. S. (2012). Measuring regional innovation and entrepreneurship capabilities. *Journal of the Knowledge Economy*, 3(2), 90-108.
23. Croes, R. R., Krabbe-Alkemade, Y. J. F. M., & Mikkers, M. C. (2018). Competition and quality indicators in the health care sector: empirical evidence from the Dutch hospital sector. *The European Journal of Health Economics*, 19, 5-19.
24. Ghosh, D., & Dinda, S. (2017). *Health infrastructure and economic development in India*. IGI Global, the United States of America. Retrieved from <https://www.igi-global.com/chapter/health-infrastructure-and-economic-development-in-india/178899>
25. Karakoça, O., Avni Esb, H., & Ümit Firata, S. (2019). Evaluation of the development level of provinces by grey cluster analysis. *Procedia Computer Science*, (158), 135-144.
26. Kreng, V. B., & Yang C.-T. (2011). the equality of resource allocation in health care under the national health insurance system in Taiwan, *Health Policy*, 100(2-3), 203-210.
27. Kwon, S., Kim, J., & Oh, D. S. (2012). Measurement of urban competitiveness based on innovation indicators in six metropolitan cities in Korea, *World Techno polis Association*, 1, 177-185.
28. Lengyel, I. (2007). Economic growth and competitiveness of Hungarian regions. *Second Central European Conference in Regional Science (CERS)*, Technical University of Košice.
29. Pamučar, D., & Čirović, G. (2015). The selection of transport and handling resources in logistics centers using Multi-Attributive Border Approximation area Comparison (MABAC). *Expert Systems with Applications*, 42(6), 3016-3028.
30. Perchinunnoa, P., Mongellib, L., & Rotond, F. (2020). A multidimensional approach for the identification of environmental and health wellness territories. *Ecological Indicators*, 110, 105911

31. Porter, M. (1995). The competitive advantage of the inner cities. *Harvard Business Review*, 73(3), 55-71.
32. Porter, M. E. (1990). The competitive advantage of nations. *Harvard Business Review*, 68(2), 74-91.
33. Porter, M. E. (1998). Clusters and the new economics of competition. *Harvard Business Review*, 76(6), 77-90.
34. Ron Martin, J. S. (2008). The theoretical bases of urban competitiveness: does proximity. *Économie Régionale & Urbaine*, 3, 331-353.
35. Safaei, J. (2007). Income and health inequality across Canadian provinces. *Health & Place*, 13(3), 629-638.
36. Sanfey, P., & Zeh, S. U. (2012). *Making sense of competitiveness indicators in southeastern Europe*. London: European Bank for Reconstruction and Development.
37. Stefan, S. C., Popa, I., & Octavian Dobrin, C. (2016). Towards a Model of Sustainable Competitiveness of Health Organizations. *Sustainability*, 464(8), 1-15.
38. The World Economic Forum. (2013). *The Global Competitiveness Report 2013-2014*. Geneva: World Economic Forum.
39. The World Economic Forum. (2019). *Global competitiveness report 2019*. Geneva: Klaus Schwab, World Economic Forum.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

doi : <https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2021.50954.0>

مقاله پژوهشی - مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال نوزدهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۳۶

تحلیل سناریوهای مؤثر بر تحقق‌پذیری مؤلفه‌های شهر شاد

(مطالعه موردی: شهر ارومیه)

حسن حکمت‌نیا (دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام‌نور، یزد، ایران)

ehsanhekmatnia@gmail.com

میر نجف موسوی (استاد گروه جغرافیا، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران، نویسنده مسئول)

m.mousavi@urmia.ac.ir

محمد رسولی (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران)

m626644@gmail.com

شراره سعیدپور (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران)

sh.saidpour@gmail.com

صص ۲۶۲ - ۲۳۵

چکیده

هدف پژوهش حاضر آینده‌نگاری شاخص‌های شهرشاد در شهر ارومیه است تا با مشخص‌سازی وضعیت‌های محتمل‌پیش‌روی شهر در قالب سناریو، آینده شهر درک شود و متناسب با آن برنامه و سیاست‌هایی در جهت تحقق شهر شاد اجرا شوند. روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی بوده است و جهت تبیین شهر شاد ارومیه از ۲۹ شاخص استفاده شده است که جهت سنجش نوع رابطه بین شاخص‌ها و استخراج عوامل کلیدی از Mentalmodel، برای سطح‌بندی مناطق از مدل کوپراس، برای وزن‌دهی از مدل فولر و برای نمایش بصری از سیستم اطلاعات جغرافیایی GIS استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان داده است که در بین ۲۹

شاخص مورد بررسی، ۸ شاخص (فضای سبز، طراحی فضای دلپذیر، استفاده منطقی از فضاهای شهری، حس آزادی، امنیت، پاکیزگی محیط، عناصر هویت‌بخش، فضاهای خاطره‌انگیز) به عنوان عوامل کلیدی در تحقق شهر شاد ارومیه مشخص شده‌اند. چگونگی توزیع این عوامل در سطح مناطق شهر ارومیه بیانگر بهترین وضعیت برای منطقه ۱ با امتیاز ۰,۳۰ درصد و بدترین آن برای منطقه ۲ با امتیاز ۰,۲۲ درصد بوده است. همچنین، یافته‌های حاصل از سناریو ویزارد بیانگر ۴ سناریو قوی، ۵۷۱ سناریو ضعیف و ۱۹ سناریو محتمل در راستای شهر شاد ارومیه بوده است. نتایج تحقیق نشان داده است که سناریوهای محتمل از مجموع ۱۵۲ حالت ممکن دارای ضریب ۳۸ درصد برای وضعیت مطلوب، ۳۵ درصد برای وضعیت ایستا و ۲۵ درصد برای وضعیت بحرانی بوده است که احتمال تحقق وضعیت مطلوب (با ویژگی‌های سرانه فضای سبز در شهر افزایش یافته است و در کنار آن حس مسئولیت‌پذیری شهروندان تقویت شده تا سطح پاکیزگی محیط‌زیست شهر بهبود یابد. همچنین، به مسئله امنیت و آسایش شهروندان در شهر بیشتر توجه شده است تا شهروندان آزادی بیشتری در فضای شهر احساس کنند و آرامش روحی - روانی مطلوب خود را به دست آورند و شهر به فضایی خاطره‌انگیز برای شهروندان تبدیل شود و احساس تعلق به مکانی در شهروندان تقویت گردد) بیش از دیگر وضعیت‌های محتمل بوده است که خود نشانگر تحقق شاخص‌های شهر شاد برای ارومیه در آینده، به شرط اجرایی شدن پیشنهادهای ارائه شده در تحقیق حاضر است.

کلیدواژه‌ها: شهرشاد، مدل فولر، مدل منتال، شهر ارومیه.

۱. مقدمه

انقلاب صنعتی و پیشرفت تکنولوژی ناشی از آن، به تغییرات بطنی و نامحسوس جمعیت سرعت بخشیده و افزایش جمعیت شهرها و برهم خوردن تعادل‌های اجتماعی و محیطی را موجب گردیده است. این روند شهرنشینی باعث افزایش جمعیت شهرهایی می‌شود که از قبل دارای منابع محدود بوده‌اند و کاربری اراضی، جمعیت، سطح مصرف و همچنین منابع و

محیط‌زیست، تحت فشار و چالش‌های شدیدی قرار گرفته (یانیز سوریا^۱، ۲۰۱۹، ص. ۲) و همین‌طور باعث افزایش میزان افسردگی، بی‌رمقی و یا عدم احساس شادابی و سرزندگی در میان شهروندان شده است (دویران و محمدی، ۱۳۹۴، ص. ۳؛ رسولی و هاشمی‌نسب، ۱۳۹۸، ص. ۲)، بنابراین امروزه شهرها باید به چیزی ورای طراحی ساختمان و شبکه رفت‌وآمد بیندیشند، فضاهایی که روحیه و احساس شهروندان را در ارتباط با مکان‌ها و فضاهای شهری جویا باشد (لیو^۲، ۲۰۱۳، ص. ۶۷)، اما متأسفانه توجه به این امر در همه طرح‌ها و برنامه‌های شهری به‌ویژه کشورهای درحال‌توسعه (مانند ایران) نادیده گرفته شده است. همان‌طور که نظرسنجی‌ها در بین کشورهای جهان نشان می‌دهد که وضعیت شادی در ایران رو به افول است، به‌عنوان مثال در طول سال‌های ۲۰۰۷-۱۹۷۷ ایران در میان ۹۷ کشور جهان رتبه ۵۶ را داشته (منکیو^۳، ۲۰۰۹، ص. ۱۶۳) در سال ۲۰۱۶ بین ۲۰۵ کشور رتبه ۱۵۷ و در سال ۲۰۱۸ بین ۱۵۶ کشور رتبه ۱۰۶ را داشته است. همچنین، براساس نظرسنجی‌های مؤسسه گالوپ در سال ۲۰۱۳ مردم ایران دومین مردم غمگین دنیا معرفی شده‌اند. این آمار گویای این مسئله است که با گذر زمان در ایران شادی کم‌رنگ می‌شود و نیازمند تجدیدنظر در بحث شادی و نشاط در اجتماع است. در این چارچوب برای برطرف‌سازی آن‌ها راه‌حل‌های مختلفی (چون شهر زیست‌پذیر، شهر سالم، پایداری و شهر شاد) جهت افزایش شادمانی مطرح شده‌اند (موسی‌زاده و محمدی، ۱۳۹۸، ص. ۳). شهر شاد مفهومی است که زیرساخت‌های عاطفی را به‌عنوان مهم‌ترین بستر در راستای رفاه، آسایش، تبدیل عقاید و افکار مطلوب قرار می‌دهد (جین^۴، ۲۰۱۹، ص. ۴) تا ساکنان احساس خوشبختی را تجربه کنند و بسیاری از جنبه‌های عاطفی، هویت شهری و نشاط را لمس و درک می‌کنند (مونتگومری^۵، ۲۰۱۳، ص. ۴). این ابتکار نه تنها یکپارچگی منابع جدید و افزایش سودمندی آن‌ها را فراهم می‌آورد، بلکه مقامات شهری و همین‌طور بازیگران محلی و ملی را در خصوص شناسایی پتانسیل‌هایی جهت تحقق شهر شاد توانمند می‌سازد، درحالی‌که نیاز به انتخاب بهترین و پایدارترین گزینه وجود دارد،

1. Yañez Soria

2. Liu

3. Mankiw

3. Jin

5. Montgomery

ابتکار شهر شاد می‌تواند نقش حیاتی در زمینه شکوفایی (استد^۱، ۲۰۱۵، ص. ۶۵) و پایداری و دسترسی عادلانه همه ایفا نماید (محتشمی، مهدوی نژاد و به مانیان، ۱۳۹۵، ص. ۲). در این چارچوب در وضعیت کنونی برای تحقق شهر شاد می‌تواند موانعی وجود داشته است؛ چراکه ورود به عصر تکنولوژی و عدم قطعیت‌ها باعث دو عملکرد مثبت و منفی در قبال بشر شده‌اند. آسودگی، راحتی، در دسترس بودن می‌تواند جنبه‌های مثبت آن باشند، ولی سردرگمی، قابل پیش‌بینی نبودن، و پیچیدگی نیز می‌تواند اثرات منفی عدم قطعیت در عصر حاضر باشد (رسولی و هاشمی نسب، ۱۳۹۸، ص. ۳) بدین منظور، برنامه‌ریزان با رویکرد ساختارشکنانه آینده‌نگاری سعی در شناسایی عدم قطعیت جهت تسهیل فرایند تصمیم‌گیری کرده‌اند. واقعیت امر این است که برنامه‌ریزی برای آینده براساس نیازهای فعلی و یا کمبودهای خدماتی فعلی، سرمایه ملی مناسبی جهت حضور موفق در جهان آینده نیست و برای ایفای نقش در آینده ضرورت دارد با اتکا به رویکردهای جدید برنامه‌ریزی، به‌طورجدی پیشران‌های توسعه و تحولات آینده براساس کلان‌روندها و روندهای ناپیوسته، سناریوسازی شده و متناسب با قابلیت‌ها و توانمندی‌های جامعه به واکاوی مسائل چالش‌برانگیز کنونی و آینده و برنامه‌ریزی برای حضور موفق در آینده اقدام شود. به مفهومی دیگر، امروزه ادبیات برنامه‌ریزی از مفاهیم پیش‌بینی، آینده‌نگری و کشف آینده عبور کرده و به حوزه آینده‌پژوهی (مقیم، ۱۳۹۵، ص. ۹۶؛ احدنژاد، حاضری، مشکینی، پیری، ۱۳۹۷، ص. ۱۶) در مقام یک دانش، پذیرش قطعی نبودن آینده و محتمل دانستن امکان وقوع حالت‌های گوناگونی از آینده به‌جای آینده‌ای خاص رسیده است (موسوی، قادری، تقی‌لو، کهکی، ۱۳۹۶، ص. ۶۷). بدین لحاظ تحقیق حاضر سعی بر این داشته است با رویکرد آینده‌نگاری شاخص‌های شهر شاد را در سطح مناطق ارومیه و وضعیت‌های محتمل پیش روی این شهر را در افق ۱۴۰۴ مشخص سازد تا نقشه راه پیش‌روی برنامه‌ریزان شهری جهت رسیدن به وضعیت مطلوب شهر شاد در ارومیه محقق گردد.

شهر ارومیه مرکز استان آذربایجان غربی و دومین شهر بزرگ استان است که در شمال غربی با توسعه بی‌رویه و متخلخل در نتیجه مهاجرت گسترده از شهرها و روستاهای اطراف و

1. Stead

ادغام برخی نواحی روستایی در شهر ارومیه، با مشکلاتی از قبیل ناکافی بودن تأسیسات و خدمات، پراکنش جمعیتی نامناسب با ظرفیت‌های نواحی، دسترسی یا عدم دسترسی به کاربری‌های خدماتی، فضاهاى سبز و گذران اوقات فراغت، افزایش بافت‌های ناکارآمد و فرسوده به میزان ۴۱۷ هکتار در بستر شهر (شهرداری ارومیه، ۱۳۹۹)، افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی و نبود گزینه‌های مختلف حمل‌ونقل مواجه بوده و کیفیت زندگی و شادی را در این شهر دستخوش تغییر قرار داده است. در این راستا تحقیق حاضر سعی دارد که به سؤالات ذیل پاسخ دهد:

- عوامل کلیدی شهر شاد ارومیه چه مواردی است؟
- وضعیت مناطق شهر ارومیه به لحاظ عوامل کلیدی شهر شاد چگونه است؟
- محتمل‌ترین سناریو در چارچوب شهر شاد ارومیه کدام است؟
- راهکارهای تحقق شهر شاد ارومیه چه مواردی است؟

۲. پیشینه تحقیق

ورود به عصر عدم قطعیت و درگیر شدن جامعه بشری با موضوعات درهم‌تنیده و پیچیده در شهرها باعث سلب یا کاهش میزان شادی شده و زندگی آمیخته با استرس، افسردگی، ناراحتی و مسائل روحی و روانی شده است، درک این مهم و عواقب آن باعث چاره‌اندیشی و اهتمام به موضوع تحقق شهر شاد شده است. برای این منظور نیز تحقیقاتی در سطح داخلی و خارجی انجام شده‌اند که در زیر به جدیدترین آن‌ها اشاره می‌گردد.

ژنگ^۱ و همکاران (۲۰۲۰)، مقاله‌ای با عنوان «مالکیت خانه و شادی در شهرهای چین» انجام داده‌اند، که نتایج نشان داده است که برنامه سیاست‌گذاران جهت ایجاد مالکیت خانه بر میزان شادی شهروندان اثر گذاشته است. جین^۲ (۲۰۱۹)، پژوهشی با عنوان «مفهوم شهر شاد و آینده شهرهای هوشمند» انجام داد. در این پژوهش نویسنده مفهوم شهر شاد را معرفی و به ویژگی‌هایی از جمله زیرساخت‌ها، حمل‌ونقل عمومی، کتابخانه‌ای، راه‌ها، ایمنی زنان و کودکان

1. Zheng

2. Jin

اشاره کرده که در نهایت یک مطالعه موردی در مورد شهر شاد انجام داده و اظهار داشته است که شهر شاد بهترین شهر برای فرداست. کرکل^۱ و همکاران (۲۰۱۶)، نیز پژوهشی با عنوان «تأثیر کاربری زمین شهری بر شادی» انجام دادند که نتایج نشان داد که دسترسی به مناطق سبز شهری مانند باغ‌ها و پارک‌ها ارتباط مثبتی با شادی دارند، در مقابل مناطق رهاشده مانند زمین‌های متروکه شده و زباله‌ها ارتباط منفی داشته‌اند. لازم به ذکر است این تأثیر در افراد مسن بیشتر بوده است. در سطح داخلی نیز می‌توان به مطالعات ذیل اشاره کرد؛ زنگی‌آبادی و میرزایی (۱۳۹۹)، پژوهشی با عنوان «تبیین عوامل مؤثر بر دستیابی به شهر شاد در کلان‌شهر شیراز» انجام دادند که نتایج نشان داد تقویت نقش مثبت نهادهای دولتی-خصوصی به عنوان عامل مهم و اصلی اثرگذار بر تحقق شهر شاد، باید در اولویت اول قرار گیرد. نوریان، قاضی و عبدالله‌پور (۱۳۹۸)، تحقیقی با عنوان «ابعاد و راهبردهای شهر شاد در محله‌های شهر مشهد» - مطالعه موردی: محله طبرسی و محله فارغ‌التحصیلان»، انجام دادند که نتایج نشان داد که محله فارغ‌التحصیلان دارای وضعیت بهتری از لحاظ شادی نسبت به محله طبرسی بوده و در محله فارغ‌التحصیلان نیز بعد کالبدی نسبت به دیگر ابعاد دارای شرایط مطلوب‌تری بوده است. موسی‌زاده و محمدی (۱۳۹۸)، نیز پژوهشی با عنوان «بازشناسی عوامل مؤثر بر ارتقاء کیفیت شادمانی در فضای شهری» با بهره‌گیری از اصول رویکرد شهر شاد انجام دادند. نتایج نشان داد که به منظور ایجاد فضای شهری شاد از دید کاربران، توأمان باید ابعاد عینی و ذهنی را مدنظر قرار داد تا سطوح متعالی شادی محقق شود و نویسندگان شاخص‌های عینی مؤثر بر افزایش شادی شهر را مواردی چون محدودیت دسترسی وسایل نقلیه، زیبایی، سرزندگی، مطلوبیت فضای سبز و پاکیزگی دانسته و در ابعاد ذهنی شاخص‌هایی چون احساس غرور، امنیت، خاطره‌انگیزی و احساس صمیمت را ذکر کردند.

۳. روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نوع کاربردی و به لحاظ روش، توصیفی-تحلیلی می‌باشد. در تحقیق حاضر با هدف تدوین سناریوهای مطلوب شهر شاد ارومیه، جهت تجزیه و تحلیل از نرم‌افزار

mental model برای تحلیل عملکرد شاخص‌ها و استخراج عوامل کلیدی استفاده شده است، سپس با استفاده از مدل فولر عوامل کلیدی وزن‌دار شده و با استفاده از مدل کوپراس وضعیت مناطق شهر ارومیه از لحاظ عوامل کلیدی مشخص‌سازی شده‌اند و در نهایت جهت بیان وضعیت‌های احتمالی شهر شاد در افق آینده در شهر ارومیه بر پایه سناریو از نرم‌افزار سناریو ویزارد استفاده شده است. در این راستا برای اندازه‌گیری داده‌ها از پرسش‌نامه به دو صورت خبره (برای سناریونویسی)، عمومی (تحلیل و بیان وضعیت عوامل کلیدی در سطح مناطق) استفاده شده است، بدین‌صورت که برای پرسش‌نامه خبرگان از ۱۵ متخصص در امور شهری استفاده شده است. لازم به ذکر است برای نمونه خبره‌محور بنابر یافته‌های محققان هیچ محدودی وجود ندارد (بابی^۱، ۲۰۱۳، ص. ۲۲۰) و فرمول و حد مطلوب خاصی نیز برای آن تعیین نشده است (ملیلو و پکیا^۲، ۲۰۱۶، ص. ۲۰). و برای پرسش‌نامه عمومی، براساس فرمول کوکران با مقدار خطای ۰/۰۵، ۳۸۴ شهروند به‌عنوان نمونه انتخاب شده است. لازم به ذکر است که برای اطمینان از روایی سنج، پرسش‌نامه برای ۵ تن از اساتید متخصص ارسال شده و پس از دریافت نظرات اصلاحی خبرگان، پرسش‌نامه تدوین شده است و جهت اطمینان از پایایی تحقیق به روش بازآزمایی ۱۰ فرم تکمیل شده و پس از ۱۰ روز به ۱۰ متخصص ارائه شده و در نهایت نتایج ارزیابی در دو فرم بررسی و مورد تأیید قرار گرفته‌اند. در نهایت باید اذعان داشت که در این تحقیق برای تحلیل از ۲۹ شاخص به شرح جدول (۴) استفاده شده است.

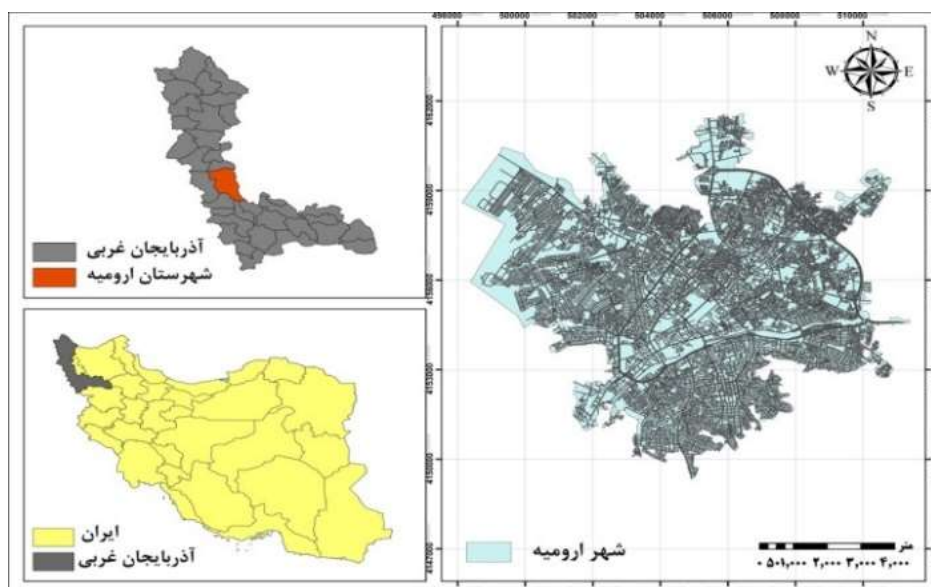
۳.۱. محدوده مورد مطالعه

شهر ارومیه، مرکز شهرستان ارومیه و مرکز استان آذربایجان غربی است که در فاصله ۱۸ کیلومتری دریاچه ارومیه، در داخل جلگه‌ای به طول ۷۰ کیلومتر و عرض ۳۰ کیلومتر قرار گرفته است و در سال ۱۳۹۵ حدود ۷۳۶۲۲۴ نفر جمعیت داشته است. این شهر با مساحت ۱۰۵۴۸ هکتار در ارتفاع ۱۳۳۲ دارای موقعیت استقرار مناسب بوده و تقریباً در میانه استان با

1. Baby

2. Melillo and Pecchia

تراکم جمعیت ۱۴۰۰۰ نفر در کیلومتر مربع واقع شده است (سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۵).



شکل ۱- موقعیت جغرافیایی شهر ارومیه

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

۴. مبانی نظری

۴.۱. شادی

شادی در واژه‌نامه آزاد به معنی نشاط و شادابی است و در لغت به معنی: شادمانی، خوشحالی، بهج، استبهاج، بشاشت، مسرت، نشاط، طرب، ارتیاح، وجد، انبساط، سرور، فرح و سراء آمده است (شهبازی، سرگزی، غنی‌زاده قاسم‌آبادی، ۱۳۹۹، ص. ۵۴) و در فرهنگ آکسفورد در چند معنا به کاربرده شده است. در معنای اول، شادی به دلیل اتفاقی خوب به وجود آمده است، اما معنی دوم آن خشنودی و لذت بخشی است که نتیجه آن رضایت از زندگی است. مفهوم شادی فراتر از رشد اقتصادی است و ابعاد فرهنگی، اجتماعی، زیست محیطی، اقتصادی، و دولتی را در برمی گیرد و بیانگر پیشرفت و توسعه است (شرودر^۱، ۲۰۱۸،

1. Schroeder

ص. ۲). افلاطون در تعریف شادی به سه عنصر وجود انسان اشاره می‌کند که عبارتند از: قوه عقل، امیال و احساسات، وی شادی را حالتی می‌داند که بین این عناصر تعادل ایجاد کند (- صفاری‌نیا، ۱۳۹۴، ص. ۱۳۱).

جدول ۱- نظریات مرتبط به شادمانی

مأخذ: شاد، ۱۳۹۵

دیدگاه	عوامل مؤثر بر شادی
کلاسیک	تأثیر فناوری، سطح شادمانی در کشورهای دارای علم و فناوری توسعه‌یافته‌تر و بالاتر است. نظریه‌پردازان گالاترنز، کنت، امیل دور کیم و
رویکرد اقتصادی	رشد درآمد و شرایط اقتصادی عواملی هستند که دارای آثار باثباتی بر شادمانی‌اند.
رویکرد روان‌شناختی	بر تأثیر فرایندهای ذهنی منجر به شادی یا ناشادی تأکید می‌شود.
نظام شخصیت چلبی	انسان مبتنی بر مفهوم چندبعدی است. انسان اقتصادی، اجتماعی، شناختی و سیاسی. اگر هرکدام از چهار نظام اصلی جامعه بتواند پاسخ‌گوی مؤثر علقه‌های فرد و جامعه شود، در این صورت هرکدام می‌توانند موجبات نوعی احساس مثبت که هرکدام زمینه‌ساز شادمانی افراد است را فراهم نمایند.
تبیین‌های فیزیولوژیک	ورزش به علت فعال‌سازی اندروفین باعث نشاط دوندگان می‌شود. احتمالاً به نظر می‌رسد که هیجانات ایجادشده به واسطه موفقیت یا موسیقی همان طوفان مغز را فعال می‌سازد که مستقیماً توسط دارو تحریک می‌شود.
مازلو ^۱	یکی از شیوه‌هایی که منجر به شادی عظیم در انسان می‌شود تجربه کردن لحظات اوج است، مانند گوش دادن به موسیقی کلاسیک.
مونته‌گومری	طراحی و برنامه‌ریزی در سطح شهر را عامل ایجاد شهر شاد عنوان می‌کند. شهر شاد در رابطه مستقیم با اصول رفاهی، اجتماع‌پذیری، لذت خوشایند، سلامتی، عدالت، حس تعلق و راحتی است.

۴.۲. عوامل ایجاد شادی و اهمیت آن

سازمان ملل متحد چندین عامل را در شادی شهر مهم ارزیابی کرده است که به شرح ذیل است: نبود فقر، سالم و تندرست بودن، برخورداری از آب سالم، مردم تحصیل‌کرده، کاهش نابرابری‌ها و وجود عدالت، انرژی پاک و مقرون‌به‌صرفه، رشد اقتصادی، روابط اجتماعی،

1. Maslow

مشارکت‌پذیری، تغییرات اقلیمی، تعادل عرضه و تقاضا و غیره. شادی و نشاط از عناصر مهم زندگی بوده به‌طوری‌که توسط ادیان مختلف تأیید و تأکید شده است (صفاری‌نیا، ۱۳۹۴، ص. ۱۳۲). زیستن در شهرهای شاد علاوه بر سلامتی، بر طول عمر و امید به زندگی ساکنان این شهرها بسیار تأثیرگذار بوده است. این نوع زندگی باعث دلبستگی بیشتر به محل و همسایگان می‌شود (شاد، ۱۳۹۵، ص. ۴۴).

۴.۳. شهر شاد

شهر شاد با ویژگی‌هایی چون فضاهای عمومی غنی، افزایش اوقات فراغت، فضاهای امن و دلنشین و آزاد (مونتگومری^۱، ۲۰۱۳، ص. ۳) که با اصول رفاهی ارتباط مستقیم دارد و مشتمل بر اجتماع‌پذیری، لذت و خوشایندی، سلامت، معناداری و حس تعلق است، تعریف می‌شود. مونتگومری در کتاب شهر شاد خود معتقد است که شهرها می‌توانند احساس و رفتار ما را تحت تأثیر قرار دهند. او تأکید کرده است که بیش از همه شهر باید ما را قادر سازد تا روابط خود با دوستان، خانواده و غریبه‌هایی که به زندگی ما معنی می‌دهند را ساخته و تقویت نماییم (مونتگومری، ۲۰۱۳، ص. ۵). ایده شهر شاد از سال ۲۰۰۷، زمانی که چارلز مونتگومری از خیابان پرهرج و مرجی در بوگاتا با دوچرخه عبور می‌کرد و ملاقات با شهرداری که اصرار داشت به منظور ایجاد شادی بیش‌تر، یک کلان‌شهر را دوباره پیکربندی نماید، آغاز شد. انریکو پنالوسا (شهردار) معتقد بود با تغییر شکل شهرهای خشن و فقیر می‌توان شهروندان را شادتر نمود (شاد، ۱۳۹۵، ص. ۴۹). همان‌طور که یان‌گل نشان داد که اگر مسیر جاده و خیابان بیشتری بسازید، ماشین‌های بیشتری جذب می‌کنید، اگر مسیر دوچرخه بیشتری بسازید، دوچرخه‌سواران بیشتر و اگر فضای بیشتری برای مردم طراحی کنید مردم بیشتر و البته زندگی عمومی بیشتری را جذب خواهید کرد. مونتگومری معتقد است در قرن جدید، تکنولوژی افراد را تنها کرده است و اجتماع مشترک بین افراد در حال تبدیل شدن به گروه افرادی است که از یک رسانه مشترک استفاده می‌کنند (مونتگومری، ۲۰۱۳، ص. ۷).

1. Montgomery

جدول ۲- اصول شادی در شهر از دیدگاه مونته‌گومری

مأخذ: مونته‌گومری، ۲۰۱۳

اصول	توضیحات
افزایش نشاط	یک شهر باید میزان خوشی و لذت ساکنان را به حداکثر رسانده و از سختی‌ها بکاهد.
سلامتی	شهر باید باعث ارتقای سلامتی شهروندان شود.
آزادی	شهر باید به ساکنان آزادی واقعی برای زندگی، حرکت و ساخت زندگی که آرزومندند را بدهد.
انعطاف‌پذیری	شهر باید در برابر حوادث اقتصادی و زیست‌محیطی انعطاف‌پذیر باشد.
برابری	شهر باید به گونه‌ای عادلانه باشد که به همه مردم امکان استفاده برابر از فضا، خدمات، پویایی، لذت، سختی و هزینه بدهد.
فرصت‌آفرین باشد	شهر باید افراد را در ساخت و تحکیم گروه‌های بین دوستان، خانواده و غریبه‌ها تشویق کند.
همکاری و هماهنگی	شهرها زمینه مشارکت و همکاری را برای همگان بگشایند.

۴. پیامدهای شهرشاد

با توجه به روان‌شناسانه بودن رویکرد شهرشاد، در وهله اول باید انتظار شهری آرام و آسوده از لحاظ روانی را برای انسان‌ها در نظر بگیریم.

جدول ۳- پیامدهای شهری شاد

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

پیامد	توضیحات
تأثیرات زیست‌محیطی	کاهش گازهای مضر و آلوده‌کننده حاصل از سوخت‌های فسیلی
کاهش اضطراب و افزایش شادی	مردم در مواجهه با ترافیک و احتمال دیر رسیدن به مکان دچار اضطراب شده و واکنش‌های خصومتی و تهاجمی بسیاری از خود نشان می‌دهند، سیستم حمل‌ونقل مناسب شهر شاد از این نوع اضطراب می‌کاهد.
پایداری	زیدان‌سک بیان می‌کند که همبستگی نسبتاً قوی بین شادامانی و پایداری وجود دارد، شهروندان شاد تمایل بیشتری به حمایت از توسعه پایدار دارند و در اینگونه تلاش‌ها کاراتر و مؤثرترند. ارتقای شادی برای پایداری سودمند می‌باشد و شادمانی می‌تواند نقش مهمی در تلاش‌های جهان برای کاهش انتظار گازها داشته باشد. از این‌رو شادکامی و پایداری باهم حرکت می‌کنند و به نظر می‌رسد که نیازی نیست که برای پایداری نسل‌های آتی شادمانی نسل حاضر را قربانی کنیم.

پیامد	توضیحات
کیفیت زندگی شهری	اهمیت شادی و پیشرفت به‌سوی کیفیت زندگی هم در حوزه سیاسی و هم در حوزه اجتماعی مورد تأیید قرار گرفته است. کیفیت زندگی و شادی اهدافی جهانی پذیرفته شده‌ای هستند که شهرها در تلاش به سمت آن‌ها هستند (سماواتی، ۱۳۹۴، ص. ۵۷)
کیفیت فضای شهری	شهرشاد تشویق‌کننده یک سری سیاست‌هایی است که بیانگر فرم فضایی خاصی در شهرها است. بدین‌گونه که تشویق‌کننده حمل‌ونقل عمومی، پیاده‌محوری با قابلیت دوچرخه‌سواری است (لندری ^۱ ، ۲۰۰۸).
بازآفرینی شهری	افزایش روابط اجتماعی، پیوستگی در نتیجه ایجاد فضاهای شاد شهری باعث پیشرفت شرایط زندگی و فرصت‌های تمرکز بر استفاده اجتماعی از منطقه می‌شود که باعث افزایش رضایت و خارج شدن بافت از انزو می‌شود (بلسی و ساکو ^۲ ، ۲۰۰۷؛ سماواتی، ۱۳۹۴، ص. ۶۵)
رقابت شهری	شهرها برای جلب بازار بیشتر در عرصه جهانی نیازمند بالا بردن کیفیت زندگی و شادابی هستند که به‌عنوان فاکتور اصلی در رقابت شناخته می‌شود (سماواتی، ۱۳۹۴، ص. ۵۸).

۵. یافته‌های تحقیق

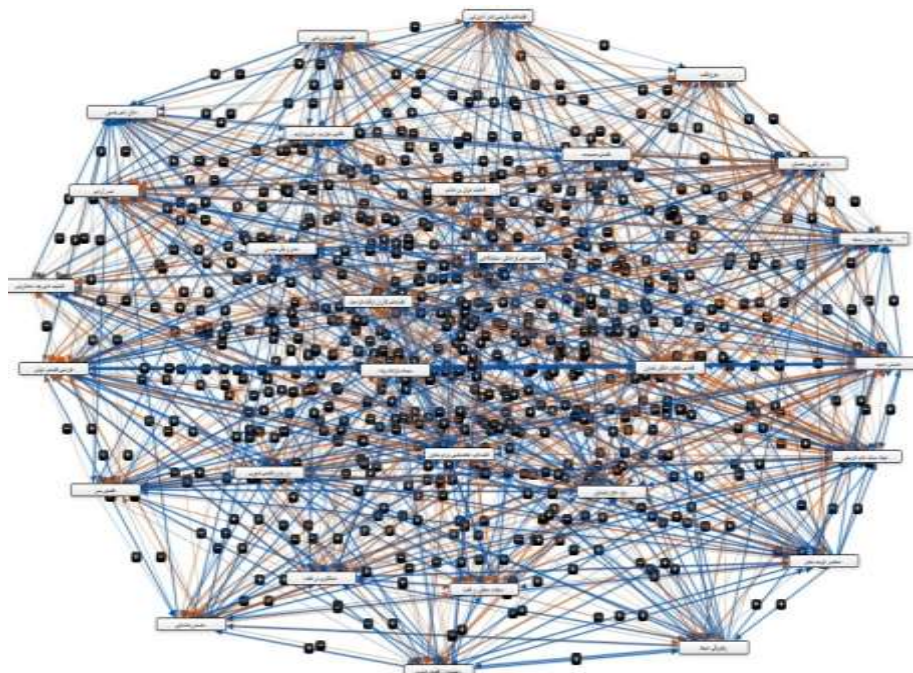
۵.۱. سنجش رابطه بین شاخص‌ها در محیط مدل متال

پس از استخراج شاخص‌ها براساس پیشینه مطالعات، مبانی نظری و روش میدانی، برای تبیین از نرم‌افزار متال مدل استفاده شده است. به این منظور، ماتریس اثرات شاخص‌ها بر همدیگر در راستای شهر شاد از نظر خبرگان مورد ارزیابی قرار گرفته و از آنان خواسته شده است تا اثرات عوامل بر همدیگر را با قراردادن اعداد بین ۱ و ۱- ارزش‌گذاری نمایند (شپرد، ۲۰۱۵، ص. ۱۱۴) که در آن عدد ۰ تا ۱ به معنی این است که یک عامل باعث افزایش عامل دیگری می‌شود و عدد ۱ بیانگر اثرگذاری شدید عامل در افزایش عامل متقابل است و اعداد بین ۰ تا ۱- به معنی این است که یک عامل باعث کاهش عامل متقابل می‌شود و عدد ۱- نشان‌دهنده اثر کاهنده شدید بر عامل متقابل است (ربانی، مشکینی، رکن‌الدین افتخاری، رفیعیان، ۱۳۹۸، ص. ۵۲). که پس از دریافت نظر ۱۵ نفر از خبرگان، ماتریس دریافتی در قالب مدل اثرات عوامل در نرم‌افزار مدل متال ترسیم شده و وضعیت‌های مختلف در مدل پیاده‌سازی شد تا عوامل کلیدی استخراج گردند. در تحقیق حاضر ۲۹ شاخص شهر شاد

1. Landry

2. Blessi and Sacco

موردسنجش قرار گرفته‌اند که دارای ۷۵۳ رابطه به‌صورت تأثیرگذار و تأثیرپذیری در سطوح ۱- تا ۱+ بوده است که میزان تراکم به میزان ۰/۹ درصد بوده است.



شکل ۲- نوع رابطه بین شاخص‌ها در محیط نرم‌افزار مدل متتال

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

جدول ۴- وضعیت شاخص‌های شهر شاد در محیط نرم‌افزار متتال مدل

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

نوع عملکرد	مرکزیت	تأثیرگذاری	تأثیرپذیری	
افزایشی	۸,۵	۴,۲۸	۴,۲۵	فضای صمیمیت
افزایشی	۸,۲۳	۴,۷۵	۳,۴۸	حس آزادی
افزایشی	۷,۵۸	۴,۱۴	۳,۴۴	فضای گذران اوقات فراغت
افزایشی	۸,۰۷	۴,۴۹	۳,۵۸	فضای بازی و ورزش
افزایشی	۸,۸	۴,۷	۴,۱۶	فضای خاطره‌انگیز
کاهشی	۹,۰۲	۴,۰۳	۴,۹	ایجاد حوزه ۲۴ ساعته
کاهشی	۹,۷	۴,۳۱	۵,۴۶	ایجاد سبک‌های تاریخی
کاهشی	۹,۸۷	۳,۵	۶,۳۳	تعلق خاطر

نوع عملکرد	مرکزیت	تأثیر گذاری	تأثیر پذیری	
کاهش	۹,۲۷	۳,۲۳	۵,۹	ماندگاری در فضا
افزایش	۷,۰۶	۳,۰۷	۳,۹	فضای تفریحی کنار آموزشی
افزایش	۸,۲۴	۴,۴۸	۳,۷۸	فعالیت مؤثر در شادابی
افزایش	۶,۱۵	۳,۳	۲,۸۵	فعالیت چند عملکردی
کاهش	۹,۱۳	۳,۷۸	۵,۳	فعالیت فرهنگی-نمایشی
افزایش	۹,۱۳	۳,۱۳	۲,۹۸	تنوع فضا
افزایش	۴,۱	۳,۳۶	۳,۴	حمل و نقل عمومی
افزایش	۷,۴۷	۳,۴۸	۳,۹۸	سیستم حرکت پیاده
کاهش	۸,۶۷	۳,۷۲	۴,۹۵	نقاشی دیواری و نورپردازی
کاهش	۱۰,۲۳	۴,۰۸	۶,۱۵	نبود تابلوی تبلیغاتی
افزایش	۷,۸۴	۵,۱۳	۲,۷۱	استفاده منطقی از فضا
کاهش	۹,۳۹	۴,۳۱	۵,۰۸	به کارگیری مصالح
کاهش	۹,۳۹	۴,۳۱	۵,۵۶	فضای اختصاصی
افزایش	۷,۹۹	۴,۵	۳,۴۹	فضای سبز
افزایش	۸,۹	۵,۱	۳,۸۳	پاکیزگی محیط
افزایش	۱۳,۶۶	۸,۷	۴,۹	احساس امنیت
افزایش	۱۱,۶۳	۷,۲۷	۴,۳۶	طراحی فضای دلپذیر
افزایش	۱۰,۹۱	۶,۳۳	۴,۵۸	عناصر هویت بخش
افزایش	۸,۲۶	۴,۴۹	۳,۷۷	رضایت از فضای شهری
افزایش	۸,۰۳	۴,۱۷	۳,۸۶	احساس شادمانی
کاهش	۷,۹۱	۲,۷	۵,۱۷	مکان‌های جمعی

براساس یافته‌های حاصل از چگونگی عملکرد شاخص‌ها در محیط متال مدل ۸ شاخص (فضای سبز، طراحی فضای دلپذیر، استفاده منطقی از فضای شهری، حس آزادی، امنیت، پاکیزگی محیط، عناصر هویت بخش، فضاهاى خاطره‌انگیز) به‌عنوان عوامل کلیدی منطبق بر جدول (۵) استخراج شده‌اند.

۲.۵. ارزش‌گذاری عوامل کلیدی

بعد از بررسی و اثرسنجی شاخص‌ها با یکدیگر در روند توسعه شهر شاد ارومیه، از روش فولر برای وزن‌دهی عوامل کلیدی استفاده شده است تا وضعیت اهمیت هریک از عوامل در راستای تحقق شهر شاد بیشتر مشخص گردد. براساس نتایج حاصل، احساس امنیت با وزن ۰/۲۴ رتبه اول و استفاده منطقی از فضا و حس‌آزادی با وزن‌های ۰/۰۵ رتبه آخر را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۵- وزن عوامل کلیدی با استفاده از روش فولر

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

عوامل کلیدی	$\bar{A}_i$	مقایسه زوجی	$\bar{A}_i$	$\bar{A}_j$	$\bar{A}_k$
فضای سبز	A_1	a_1/a_1 a_1/a_3 a_1/a_4 a_1/a_5 a_1/a_6 a_1/a_7 a_1/a_8	۳	۲	۰/۱۰
طراحی فضای دلبزیر	A_2	a_2/a_3 a_2/a_4 a_2/a_5 a_2/a_6 a_2/a_7 a_2/a_8	۶	۴	۰/۱۹
استفاده منطقی از فضای شهری	A_3	a_3/a_4 a_3/a_5 a_3/a_6 a_3/a_7 a_3/a_8	۱	۱	۰/۰۵
حس آزادی	A_4	a_4/a_5 a_4/a_6 a_4/a_7 a_4/a_8	۰	۱	۰/۰۵
امنیت	A_5	a_5/a_6 a_5/a_7 a_5/a_8	۷	۵	۰/۲۴
پاکیزگی محیط	A_6	a_6/a_7 a_6/a_8	۲	۲	۰/۱۰
عناصر هویت‌بخش	A_7	a_7/a_8	۵	۳	۰/۱۴
فضاهای خاطره‌انگیز	A_8		۴	۳	۰/۱۴

۳.۵. سطح‌بندی مناطق شهر ارومیه از لحاظ عوامل کلیدی شهر شاد

با مشخص‌سازی عوامل کلیدی و ارزش‌گذاری هرکدام از آن‌ها در تحقق شهر شاد، سعی شده است وضعیت مناطق ارومیه از لحاظ شادی مشخص گردند، برای این منظور نیز از مدل کوپراس استفاده شده است. مدل کوپراس یکی از روش‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه است که تأثیر عوامل منفی و مثبت را به‌صورت جداگانه می‌سنجد و در نهایت مطابق با فرمول امتیاز نهایی را محاسبه می‌کند. همان‌طور که در جدول شماره ۶ قابل مشاهده است. در اینجا $S_j -$ مقدار عملیاتی شده مقادیر شاخص‌های منفی و $S_j +$ مقادیر عملیاتی مقادیر شاخص‌های مثبت

بوده است که با توجه به اینکه تمام شاخص‌ها جنبه مثبت داشته‌اند (بدین‌منظور که افزایش مقادیر بیانگر جنبه مثبت بوده است)، بنابراین مقادیر ما در $-sj$ و $1/sj$ برابر با صفر محاسبه شده‌اند. نتایج ارزیابی مدل کوپراس در سطح مناطق پنج‌گانه شهر ارومیه بیانگر رتبه یک برای منطقه ۱ بوده است و بدترین منطقه نسبت به این شاخص‌ها منطقه ۲ با امتیاز ۰/۱ درصد بوده است.

جدول ۶- رتبه‌بندی عوامل کلیدی شهر شاد در سطح مناطق ارومیه

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

مناطق	$sj+$	$sj-$	$1/sj-$	امتیاز	رتبه
منطقه ۱	۰/۳۰۰۱۸۶	۰	۰	۰/۳۰۰۱۸۶	۱
منطقه ۲	۰/۱۱۷۶۵۳	۰	۰	۰/۱۱۷۶۵۳	۵
منطقه ۳	۰/۱۹۴۵۴۶	۰	۰	۰/۱۹۴۵۴۶	۳
منطقه ۴	۰/۱۷۶۸۸۶	۰	۰	۰/۱۷۶۸۸۶	۴
منطقه ۵	۰/۲۲۰۷۳	۰	۰	۰/۲۲۰۷۳	۲



شکل ۳- رتبه‌بندی مناطق ارومیه از لحاظ شاخص‌های شهرشاد

مأخذ: نگارندگان ۱۳۹۹

۵. ۴. تجزیه و تحلیل سناریوها

بعد از بررسی چگونگی عملکرد شاخص‌ها در وضعیت‌های اثرگذاری-اثرپذیری به صورت مستقیم و غیرمستقیم و شیوه پراکنش آن‌ها عوامل کلیدی استخراج شده‌اند، سپس جهت تحلیل و استخراج سناریوهای محتمل شهر شاد ارومیه، اقدام به بیان وضعیت‌های محتمل عوامل کلیدی شده تا جهت بررسی وارد نرم‌افزار سناریو ویزارد گردند.

جدول ۷- عوامل کلیدی شهر شاد در ارومیه

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

عوامل کلیدی	میزان مطلوبیت	وضعیت‌های محتمل
فضاهای خاطره‌انگیز	مطلوب بینابین و ایستا نامطلوب	توجه جدی به فضای خاطره‌انگیز در سطح شهر شده است. فضاهای خاطره‌انگیز شهر به فراموشی سپرده شده‌اند. فضاها با خاطره در سطح شهری تبدیل به بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری شده‌اند.
استفاده منطقی از فضاهای شهری	مطلوب بینابین و ایستا نامطلوب	رعایت اصل آرامش-راحتی و سازگاری در کاربری‌ها رشد ارگانیک شهری و فضاهای شهری بی‌توجهی به فضاها و سازگاری آن‌ها
فضای سبز	مطلوب بینابین و ایستا نامطلوب	بهبود میزان سرانه فضای سبز در سطح شهر کاهش میزان سرانه فضای سبز تبدیل فضای سبز شهری به کاربری‌های دیگر
طراحی فضاهای دلپذیر	مطلوب بینابین و ایستا نامطلوب	افزایش فضاهای دلپذیر در سطح شهر توجه به خواست و علایق مردمی افزایش فضاهای نامطبوع شهر
پاکیزگی محیط	مطلوب بینابین و ایستا نامطلوب	بهبود پاکیزگی در سطح شهر مدیریت ضعیف بافت‌های ناکارآمد و فاقد بهداشت در سطح شهر کاهش میزان پاکیزگی در سطح شهر
حس آزادی	مطلوب بینابین و ایستا نامطلوب	بهبود حس آزادی بهبود حس آزادی در فضاهای عمومی کاهش حس آزادی در فضاهای عمومی
احساس امنیت	مطلوب بینابین و ایستا	افزایش امنیت در سطح شهر افزایش فضاهای بی‌دفاع در سطح شهر

عوامل کلیدی	میزان مطلوبیت	وضعیت‌های محتمل
	نامطلوب	کاهش میزان امنیت در سطح شهر
عناصر هویت‌بخش	مطلوب بینابین و ایستا نامطلوب	افزایش هویت در سطح شهر بهبود روند تعلق‌خاطر به محل زندگی کاهش هویت در سطح شهری

بعد از طراحی وضعیت‌های احتمالی ماتریس متقاطع تهیه شد، که یک ماتریس $n \times n$ برای ۸ عامل کلیدی مذکور طراحی گردید که به صورت پرسش‌نامه‌ای به همراه راهنمای نحوه پاسخ‌گویی در اختیار متخصصان قرار گرفت. متخصصان با طرح این سؤال که «اگر هر یک از وضعیت‌های پیش روی عوامل کلیدی اتفاق بیفتد چه تأثیری بر وقوع یا عدم وقوع سایر وضعیت‌های پیش روی عوامل دیگر خواهد داشت؟» به تکمیل پرسش‌نامه بر اساس سه ویژگی توانمندساز، بی‌تأثیر و محدودیت‌ساز اقدام کردند و با درج ارقامی بین ۳- تا ۳+ میزان تأثیرگذاری هر کدام از وضعیت‌های پیش‌روی عوامل کلیدی را بر آینده شهرشاد ارومیه مشخص کردند. سپس با در نظر گرفتن میانگین ساده از آن‌ها، داده‌ها برای ورود به نرم‌افزار Scenario wizard آماده شدند. با جمع‌آوری داده‌ها از کارشناسان مربوطه، امکان استفاده از نرم‌افزار سناریو ویزارد فراهم گردید.

نرم‌افزار سناریو ویزارد به‌طور کلی سه دسته سناریو را برای محقق ارائه می‌دهد: سناریوهای با احتمال قوی، سناریوهای با احتمال ضعیف و سناریوهای با احتمال سازگاری و انطباق بالا. با توجه به وسعت ماتریس و ابعاد آن و بر اساس نظرات کارشناسان در نرم‌افزار سناریو ویزارد سناریوهای زیر به دست آمده است:

– سناریوهای قوی: ۴ سناریو

– سناریوهای باورکردنی یا سناریوهای با سازگاری بالا: ۱۹ سناریو

– سناریوهای ضعیف: ۵۷۱

منطقی است که بین سناریوهای محدود قوی و سناریوهای وسیع ضعیف، سناریوهای با سازگاری بالا را در نظر بگیریم که بر این اساس، تعداد ۱۹ سناریو معقول و منطقی برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در اختیار پژوهش قرار گرفت. بنابراین، سناریوهای استخراج شده

می‌توانند کاملاً مطلوب یا کاملاً بحرانی باشند. درواقع سناریوهای مذکور براساس منطق و الگوریتم تحلیل‌گر نرم‌افزار سناریو ویزارد طراحی می‌شوند.

۵.۵. سناریوهای محتمل با سازگاری بالا (سناریوهای باورکردنی)

درمجموع ۱۹ سناریوی باورکردنی پیش‌روی شهر شاد ارومیه وجود دارد. این سناریوها از هم‌کنشی بین وضعیت‌های هر یک از عوامل در ارتباط با وضعیت‌های هریک از عوامل دیگر استخراج می‌شوند و این ۱۹ سناریو محتمل، با سه سناریو با وضعیت‌های (مطلوب با رنگ سبز، ایستا به رنگ زرد، بحرانی با رنگ قرمز) در درجات احتمال تحقق متفاوت می‌باشد. همان‌طور که در جدول (۸) نیز مشاهده می‌شود.

جدول ۸- سناریوهای محتمل شهرشاد ارومیه

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

سناریو نوزدهم	سناریو هیجدهم	سناریو هفدهم	سناریو شانزدهم	سناریو پانزدهم	سناریو چهاردهم	سناریو سیزدهم	سناریو دوازدهم	سناریو یازدهم	سناریو دهم	سناریو نهم	سناریو هشتم	سناریو هفتم	سناریو ششم	سناریو پنجم	سناریو چهارم	سناریو سوم	سناریو دوم	سناریو اول	
نامطلوب	ایستا	نامطلوب	ایستا	نامطلوب	ایستا	مطلوب	مطلوب	مطلوب	مطلوب	مطلوب	مطلوب	ایستا	مطلوب	مطلوب	مطلوب	ایستا	نامطلوب	ایستا	فضاهای خطرناک‌گیر
نامطلوب	نامطلوب	ایستا	نامطلوب	نامطلوب	ایستا	مطلوب	مطلوب	مطلوب	مطلوب	مطلوب	مطلوب	مطلوب	مطلوب	ایستا	مطلوب	مطلوب	مطلوب	مطلوب	استفاده منطقی از فضاهای شهری
نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	ایستا	ایستا	مطلوب	مطلوب	نامطلوب	نامطلوب	مطلوب	مطلوب	مطلوب	نامطلوب	مطلوب	مطلوب	مطلوب	ایستا	ایستا	فضای سبز

طراحی فضاهای پذیر	پاکیزگی محیط	حسن آزادی	احساس امنیت	عناصر هویت بخش
ایستا	ایستا	ایستا	مطلوب	مطلوب
ایستا	ایستا	ایستا	مطلوب	مطلوب
ایستا	ایستا	ایستا	ایستا	مطلوب
مطلوب	مطلوب	مطلوب	مطلوب	ایستا
مطلوب	مطلوب	مطلوب	مطلوب	ایستا
ایستا	مطلوب	مطلوب	مطلوب	ایستا
مطلوب	ایستا	مطلوب	مطلوب	ایستا
مطلوب	ایستا	مطلوب	مطلوب	ایستا
مطلوب	مطلوب	ایستا	مطلوب	ایستا
ایستا	مطلوب	ایستا	مطلوب	ایستا
مطلوب	ایستا	ایستا	مطلوب	ایستا
مطلوب	مطلوب	ایستا	نامطلوب	ایستا
مطلوب	مطلوب	ایستا	نامطلوب	ایستا
نامطلوب	ایستا	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب
نامطلوب	ایستا	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب
نامطلوب	ایستا	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب
نامطلوب	ایستا	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب
نامطلوب	ایستا	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب
نامطلوب	ایستا	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب

از مجموع ۱۵۲ وضعیت موجود در سناریوهای محتمل، تعداد ۵۹ وضعیت مطلوب (۳۸/۸۲ درصد)، تعداد ۵۴ وضعیت ایستا (۳۵/۵۳ درصد) و تعداد ۳۹ وضعیت نامطلوب یا بحرانی (۲۵/۶۶ درصد) را نشان می‌دهد. نتایج حاکی از آن است که بیشترین فراوانی مربوط به وضعیت مطلوب و در مرتبه بعدی وضعیت ایستا بوده است و ضرایب تحقق هریک از آن‌ها نیز به شرح جدول (۹) بوده‌اند.

جدول ۹- ضرایب، تعداد و درصد هریک از وضعیت‌ها به تفکیک هر سناریو براساس طیف سه‌گانه
 مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

S	تعداد وضعیت‌ها به تفکیک			ضرایب وضعیت‌ها			وضعیت‌های مطلوب			وضعیت‌های بحرانی		
	مطلوبین	ایستا	بحرانی	۳	۱	-۳	توزان مطلوبین	امتیاز ایده‌آل	درصد مطلوبین	بحرانی	توزان بحرانی	درصد بحرانی
S _۱	۳	۵	۰	۹	۵	۰	۹	۲۴	۳۷/۵	۰	۰	-۲۴
S _۲	۳	۴	۱	۹	۴	-۳	۹	۲۴	۳۷/۵	-۳	-۳	-۱۲/۵
S _۳	۲	۶	۰	۶	۶	۰	۶	۲۴	۲۵	۰	۰	-۲۴
S _۴	۷	۱	۰	۲۱	۱	۰	۲۱	۲۴	۸۷/۵	۰	۰	-۲۴
S _۵	۶	۲	۰	۱۸	۲	۰	۱۸	۲۴	۷۵	۰	۰	-۲۴
S _۶	۶	۲	۰	۱۸	۲	۰	۱۸	۲۴	۷۵	۰	۰	-۲۴
S _۷	۴	۴	۰	۱۲	۴	۰	۱۲	۲۴	۵۰	۰	۰	-۲۴
S _۸	۵	۲	۱	۱۵	۲	-۳	۱۵	۲۴	۶۲/۵	-۳	-۳	-۱۲/۵
S _۹	۶	۲	۰	۱۸	۲	۰	۱۸	۲۴	۷۵	۰	۰	-۲۴
S _{۱۰}	۵	۳	۰	۱۵	۳	۰	۱۵	۲۴	۶۲/۵	۰	۰	-۲۴
S _{۱۱}	۴	۳	۱	۱۲	۲	-۳	۱۲	۲۴	۵۰	-۳	-۳	-۱۲/۵
S _{۱۲}	۵	۲	۱	۱۵	۲	-۳	۱۵	۲۴	۶۲/۵	-۳	-۳	-۱۲/۵
S _{۱۳}	۳	۴	۱	۹	۴	-۳	۹	۲۴	۳۷/۵	-۳	-۳	-۱۲/۵
S _{۱۴}	۰	۴	۴	۰	۴	-۱۲	۰	۲۴	۰	-۱۲	-۱۲	-۵۰
S _{۱۵}	۰	۲	۶	۰	۲	-۱۸	۰	۲۴	۰	-۱۸	-۱۸	-۷۵
S _{۱۶}	۰	۳	۵	۰	۳	-۱۵	۰	۲۴	۰	-۱۵	-۱۵	-۶۲/۵
S _{۱۷}	۰	۲	۶	۰	۲	-۱۸	۰	۲۴	۰	-۱۸	-۱۸	-۷۵
S _{۱۸}	۰	۲	۶	۰	۲	-۱۸	۰	۲۴	۰	-۱۸	-۱۸	-۷۵
S _{۱۹}	۰	۱	۷	۰	۱	-۲۱	۰	۲۴	۰	-۲۱	-۲۱	-۸۷/۵

براساس نتایج جدول (۹)، سناریو چهارم با کسب ۷ فرض مطلوب (۸۷/۵ درصد) مطلوب‌ترین و در مرتبه بعدی سناریوهای پنجم، ششم و نهم با ۶ وضعیت مطلوب (۷۵ درصد) قرار گرفته‌اند و در رابطه با سناریوهای ایستا، سناریو سوم با ۶ وضعیت، سناریو اول با ۵ وضعیت ایستا محتمل‌ترین بوده‌اند و اما وضعیت بحرانی شهر شاد ارومیه بیشتر در سناریوهای نوزدهم با ۷ وضعیت بحرانی (۸۷/۵- درصد) و در مرتبه بعدی در سناریوهای پانزدهم و هفدهم با ۶ وضعیت بحران (۷۵- درصد) قرار داشته‌اند.

۵.۶. گروه‌بندی و تحلیل سناریوهای محتمل با سازگاری بالا (سناریوهای باورکردنی)

سناریوهای محتمل با سازگاری بالا را با توجه به قرابت آن‌ها می‌توان به دو گروه تقسیم کرد که هریک از گروه‌ها شامل سناریوهایی با ویژگی‌های تقریباً مشترک و با اندکی تفاوت در یک یا چند فرض از میان ۸ عامل کلیدی هستند این گروه‌ها به شرح ذیل می‌باشند:

گروه اول: سناریو مطلوب (شامل سناریو: ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲)

گروه دوم: سناریوهای ایستا (شامل سناریوهای: ۱، ۲، ۳، ۱۳، ۱۴)

گروه سوم: سناریوهای بحرانی (شامل سناریوهای: ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹)

از میان ۱۹ سناریو محتمل، ۹ سناریو در حالت مطلوب قرار دارند و ۵ سناریو در حالت ایستا و ۵ سناریو در حالت بحرانی قرار دارند.

۵.۷. تحلیل و تفسیر پیامد و نتایج سناریو

سناریو گروه اول: شرایط مطلوب؛ وضعیت‌های محتمل شهر شاد برای ارومیه

سناریو مطلوب بیانگر بهترین وضعیت پیش‌روی شهرشاد در شهر ارومیه بوده است. در روش آینده‌پژوهی، هر سناریو، مسیری را نشان می‌دهد؛ مسیری که برای قدم گذاشتن و حرکت در آن ضرورت دارد. در زمینه شهر شاد موضوع تحقیق حاضر نیز پیش‌نیازهای ضروری است. در اینجا وضعیت مطلوب در ۹ سناریو از ضریب مطلوبیت ۸۷/۵ تا ۵۰ درصد قرار گرفته‌اند. مقایسه وضعیت‌های مطلوب شهر شاد ارومیه با وضعیت‌های ایستا و بحرانی بیانگر احتمال تحقق بالا برای این گروه بوده است.

در این گروه وضعیت بحرانی یا وجود نداشته یا در حد ناچیزی قرار داشته‌اند و وضعیت‌های ایستا این گروه نیز در ضرایب کمتر از ۴۰ درصد قرار داشته‌اند. در این گروه بیشترین تأکید بر عوامل سرانه فضای سبز در شهر افزایش یافته است و در کنار آن حس مسئولیت‌پذیری شهروندان تقویت شده تا سطح پاکیزگی محیط‌زیست شهر بهبود یابد. همچنین، به مسئله امنیت و آسایش شهروندان در شهر بیشتر توجه شده است تا شهروندان حس آزادی بیشتری در فضای شهر احساس کنند و آرامش روحی - روانی مطلوب خود را به دست آورند و شهر به فضای خاطره‌انگیز برای شهروندان تبدیل گردد تا احساس تعلق به مکانی در شهروندان تقویت گردد.

سناریوهای گروه دوم: روند تغییرات بسیار کند و آرام؛ حفظ وضع موجود

در این گروه، پنج سناریو مشاهده می‌شود که شامل سناریوهای یکم، دوم، سوم، سیزدهم و چهاردهم بوده است. در این گروه عوامل متمایزکننده تفاوت در میزان فرض‌های مطلوب و ایستا و بحران است. این گروه بیشتر شامل ویژگی‌های مدیریت بافت‌های فرسوده شهر ضعیف است و به خواست و علایق مردم از طرف مسئولین شهری کم‌توجهی می‌شود، به‌طوری‌که نیازهای بهداشتی-درمانی ساکنان در سطح کم برآورده شده و امنیت آن‌ها به‌طور صحیح تأمین نمی‌گردد، به‌طوری‌که هنوز فضاهای بی‌دفاع در شهر وجود دارند و حس آزادی و تعلق‌خاطر به مکان به مقدار مطلوب نرسیده است.

سناریوهای گروه سوم: شرایط بحرانی و نامطلوب؛ عدم امکان توسعه شهر شاد

سناریوهای بحرانی بیانگر بدترین شرایط پیش‌روی شهر شاد ارومیه است که در صورت تحقق این سناریوها شهر شاد در سطح نازلی قرار خواهد گرفت. این وضعیت در پنج سناریو نمود داشته است که دارای ویژگی‌های بافت‌های فرسوده و ناکارآمد در سطح شهر در حال افزایش هستند و نهادهای مدیریتی هیچ تلاشی در ساماندهی آن‌ها انجام نمی‌دهند، به‌طوری‌که فضاهای سبز موجود در این بخش‌ها در حال تبدیل‌شدن به سایر کاربری‌ها (مسکونی-تجاری) بوده و فضاهای خاطره‌انگیز در حال کم‌شدن هستند و به اصل سازگاری بی‌توجهی می‌شود، به‌طوری‌که فضاهای بی‌دفاع شهر افزایش یافته و ناامنی گسترش یافته است و هیچ احساس تعلق به مکان وجود ندارد.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

رشد شتابان شهرنشینی و متعاقب آن کاهش ظرفیت محدود شهرها جهت برآورده‌سازی نیازهای ساکنان خود، زمینه‌ساز بسیاری از چالش‌ها چون اضطراب، فشار، ناراحتی‌های روانی و استرس و کاهش شادی و نشاط شده است که این مسئله زمانی حاد می‌شود که به روند پیش‌بینی‌های جمعیت برای سال ۲۰۵۰ که حدود ۷۰ درصد تخمین زده شده است و منابع موجود شهرها هر روز در حال کاهش است، توجه گردد. در این تحقیق سعی شده است تا با بررسی شاخص‌های شهر شاد در افق ۱۴۰۴، وضعیت‌های محتمل ارومیه از لحاظ شادی

مشخص شود و با تعیین نقش و مأموریت‌های سازمانی بهترین سیاست جهت برآورد سناریوهای مطلوب در راستای شهر شاد در ارومیه اتخاذ شود، بدین منظور ۲۹ شاخص در محیط نرم‌افزار Mentalmodeler مورد سنجش قرار گرفته و بعد از سنجش نوع رابطه‌ها، ۸ شاخص (فضای سبز، طراحی فضای دلپذیر، استفاده منطقی از فضاهای شهری، حس آزادی، امنیت، پاکیزگی محیط، عناصر هویت‌بخش، فضاهای خاطره‌انگیز) به‌عنوان عوامل کلیدی شناخته شدند. سپس با استفاده از مدل فولر اقدام به وزن‌دار کردن عوامل شده است تا با استفاده از مدل کوپراس وضعیت آن‌ها در سطح شهر مشخص گردند. که نتایج نشان داده است منطقه ۱ بهترین وضعیت را از لحاظ این عوامل داشته و منطقه ۲ بدترین شرایط را به خود اختصاص داده است.

برای بررسی وضعیت‌های محتمل پیش‌روی ارومیه از لحاظ شهرشاد، عوامل کلیدی در قالب گمانه‌ها در سه وضعیت مطلوب، ایستا و بحرانی طبقه‌بندی شده که جهت تبیین وضعیت‌ها وارد محیط سناریو ویزارد شده و مورد ارزیابی کارشناسان متخصص در این زمینه قرار گرفتند. وضعیت‌های پیش‌روی شهر شاد ارومیه در قالب سه سناریوی قوی با چهار سناریو، سناریوهای ضعیف با ۵۷۱ سناریو و سناریو سازگار با ۱۹ سناریو مشخص شده‌اند. سناریوهای محتمل در سه وضعیت مطلوب، ایستا و بحرانی قرار گرفته‌اند که مجموع ۱۵۲ وضعیت را شامل شده‌اند، در این میان سناریوهای مطلوب با ۵۹ وضعیت، بیشترین فراوانی را داشته‌اند و بیشترین ضریب این گروه مربوط به سناریو ۴ با ۸۷٫۵ درصد بوده است. در این گروه ویژگی‌های سرانه فضای سبز در شهر افزایش یافته است و در کنار آن حس مسئولیت-پذیری شهروندان تقویت شده تا سطح پاکیزگی محیط زیست شهر بهبود یابد. همچنین، به مسئله امنیت و آسایش شهروندان در شهر بیشتر توجه شده است تا شهروندان حس آزادی بیشتری در فضای شهر احساس کنند و آرامش روحی - روانی مطلوب خود را به دست آوردند و شهر به فضایی خاطره‌انگیز برای شهروندان تبدیل گردد تا احساس تعلق به مکان در شهروندان تقویت گردد. بنابر نتایج، می‌توان وضعیت مطلوب را برای آینده ارومیه متصور شد، تحقیق حاضر با استفاده از روش تلفیقی آینده‌نگاری و مدل‌های تصمیم‌گیری سعی داشته است بستر تصمیم‌گیری صحیح و مناسب برای حصول به شهر شاد را در اختیار مسئولان قرار

دهد، در این راستا براساس یافته‌های حاصل از تحقیق پیشنهادهایی جهت حرکت هرچه بیشتر و مطلوب‌تر در مسیر شهر شاد شده‌اند.

- منطقه ۲ به دلیل ضعف عملکردی در زمینه عوامل کلیدی در اولویت اول توجه باید قرار گیرد.

- با توجه به ارزش بالای عوامل کلیدی (استفاده منطقی از فضای شهری، حس آزادی) در مرتبه اول و فضای سبز و پاکیزگی محیط در مرتبه دوم، لازم است در مناطق کم‌تر شاد چون منطقه دو و چهار بیشتر مورد توجه قرار گیرند.

- بازآفرینی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهر جهت بهبود حس تعلق مکانی مورد توجه و تأکید قرار گیرند.

- امنیت در سطح شهر تأمین گردد، برای این منظور نیز لازم است فضاهای بی‌دفاع شهری شناسایی شوند و اقدامات اصلاحی انجام گیرند.

کتاب‌نامه

۱. احدنژاد، م.، حاضری، ص.، مشکینی، آ.، و پیری، ع. (۱۳۹۷). شناسایی عوامل کلیدی مؤثر بر شکوفایی شهری با رویکرد آینده‌نگاری (مطالعه موردی: کلان‌شهر تبریز). نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۹(۳۲)، ۳۰-۱۵.
۲. دویران، ا.، و محمدی، ج. (۱۳۹۴). طراحی شهری با رویکرد ایجاد شادابی و نشاط شهری با توجه به فرهنگ شهری (محدوده مطالعاتی: شهر زنجان). اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری، مؤسسه معماری و شهرسازی سفیران راه مهرازی و تحت حمایت سیویلیکا، یزد.
۳. ربانی، ط.، مشکینی، آ.، رکن‌الدین افتخاری، ع.، و رفیعیان، م. (۱۳۹۸). تبیین مسائل حکمروایی شهری در سناریوهای آینده کلان‌شهر تهران مبتنی بر رویکرد تبدیل سناریوهای کیفی به کمی. فصل‌نامه شهر پایدار، ۲(۲)، ۶۲-۴۵.
۴. رسولی، م.، و هاشمی‌نسب، ظ. (۱۳۹۸). ارزیابی مدیریت یکپارچه شهر ارومیه با رویکرد آینده‌نگاری. دومین کنفرانس ملی عمران و معماری در مدیریت شهری قرن ۲۱، دانشگاه جامع

- علمی- کاربردی، سازمان همیاری شهرداری‌ها و مرکز توسعه خلاقیت و نوآوری علوم نوین و تحت حمایت سیویلیکا، تبریز.
۵. رسولی، م. و هاشمی‌نسب، ظ. (۱۳۹۸). امکان‌سنجی مدیریت یکپارچه محیط زیست شهری در شهرهای ایران (مطالعه موردی: شهر سقز). چهارمین کنگره بین‌المللی توسعه کشاورزی مناسب طبیعی، محیط‌زیست و گردشگری/ایران، دبیرخانه دائمی دانشگاه میعاد و با همکاری دانشگاه شیراز، دانشگاه یاسوج و دانشگاه مازندران و تحت حمایت سیویلیکا، تبریز.
۶. زنگی‌آبادی، ع. و میرزایی، س. (۱۳۹۹). تبیین عوامل موثر بر دستیابی به شهر شاد در کلان‌شهر شیراز. برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۲۴ (۳)، ۱۰۳-۶۵.
۷. سرشماری نفوس و مسکن. (۱۳۹۵). مرکز آمار ایران. بازیابی از <https://www.amar.org.ir>
۸. سماواتی، س. (۱۳۹۴). ارتقاء کیفیت شادی در پیاده‌راه‌های شهری تهران (نمونه موردی: محدوده پیاده مرکز تاریخی تهران) (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد طراحی شهری). دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
۹. شاد، م. (۱۳۹۵). طراحی مکان‌های سوم با تأکید بر اصول شهر شاد در انطباق با خرده‌فرهنگ‌های شهری (نمونه موردی: خیابان کوهسنگی مشهد) (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد طراحی شهری). دانشگاه بین‌المللی امام رضا، مشهد، ایران.
۱۰. شهبازی، ا. ح.، سرگزی، ز. و غنی‌زاده قاسم‌آبادی، ه. (۱۳۹۹). ارزیابی و تحلیل مؤلفه‌های شهر شاد در شهرهای دارای سابقه مصیبت عظیم (پژوهش موردی: شهر بم). فصل‌نامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۱ (۴۱)، ۶۴-۵۳.
۱۱. صفاری‌نیا، م. (۱۳۹۴). مقدمه‌ای بر روان‌شناسی شهری. معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران (جلد اول، چاپ اول). تهران: نشر تیسرا.
۱۲. محتشمی، ن.، مهدوی نژاد، م. و به‌مانیان، م. (۱۳۹۵). عوامل رشد و موانع بازدارنده شکوفایی شهری. دومین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهش در عمران، معماری و مدیریت شهری. کنفدراسیون بین‌المللی مخترعان جهان-دانشگاه جامع علمی کاربردی و تحت حمایت سیویلیکا، تهران.
۱۳. مقیمی، آ. (۱۳۹۵). معرفت‌شناسی آینده‌پژوهی در رویکردهای نظری به برنامه‌ریزی شهری. معماری و صنعت ساختمان. فصل‌نامه مدیریت شهری، ۳۸، ۷۵-۱۰۴.

۱۴. موسی‌زاده، ع.، و محمدی، م. (۱۳۹۸). بازشناسی عوامل مؤثر بر ارتقا کیفیت شادمانی در فضای شهری با بهره‌گیری از اصول رویکرد. *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۳۷، ۱-۲۵.
۱۵. نوریان، ف.، قاضی، ر.، و عبدالله‌پور، س. (۱۳۹۸). ابعاد و راهبردهای شهر شاد در محله‌های مشهد (مطالعه موردی: محله طبرسی و محله فارغ‌التحصیلان). *مطالعات شهری*، ۳۶، ۱۱۶-۱۰۱.

16. Baby, S. (2013). AHP modeling for multicriteria decision-making and to optimise strategies for protecting coastal landscape resources. *International Journal of Innovation, Management and Technology*, 4(2), 218-227
17. Blessi., G. T., & Sacco., P. L. (2007). *Urban regeneration, culture and happiness. bridging communities through cultural policies: A theoretical framework*. Policy for Happiness, Siena, 15-16.
18. Jin, T. (2019). Concept of happy city: The smart cities of the future. *SSRN Electronic Journal*, 1-7. doi: 10.2139/ssrn.3314531
19. Krekel, C., Kolbe, J., & Wüstemann, H. (2016). The greener, the happier? The effect of urban land use on residential well-being, *Ecological Economics*, (121), 117-127.
20. Landry, C. (2008). Can artists create great places? In E. Holding (Ed.), *Artists and places: Engaging creative minds in regeneration* (pp. 1-11). London: CABI/ Arts and Business.
21. Liu, K. (2013). Happiness and tourism. *International Journal of Business and Social Science*, 4(15), 67-70
22. Mankiw, N. G. (2014). *Principles of economics*. South-Western: Cengage Learning.
23. Melillo, P., & Pecchia, L. (2016). What is the appropriate sample size to run analytic hierarchy process in a survey-based research? *International Symposium on the Analytic Hierarchy Process*, doi: 10.13033/isahp.y2016.130
24. Montgomery, C. (2013). *Happy city: Transforming our lives through urban design*. New York: McMillian.
25. Schroeder, K. (2018). *Politics of gross national happiness: governance and development in Bhutan*. New York: Springer.
26. Shepard, S., Gray, S., & Cox, I. (2015). The use of participatory modeling to promote social learning and facilitate community disaster planning. *Environmental Science & Policy*, 45, 109-122.
27. Stead, D. (2015). What does the quality of governance imply for urban prosperity? *Habitat International*, 45, 64-69.
28. Yañez Soria, K., Ribeiro Palacios, M., & Morales Gomez, C. A. (2019). Governance and policy limitations for sustainable urban land planning: The case of Mexico. *Journal of Environmental Management*, 759, 1-9.

29. Zheng, X., Yuan, Z., & Zhang, X. (2020). Does happiness dwell in an owner-occupied house? Homeownership and subjective well-being in urban China. *Cities*, <https://doi.org/10.1016/j.cities.2019.102404>

خاصی برخوردار است. از آنجایی که مرزها و به‌خصوص مرزهای زمینی معبر اصلی ورود غیرقانونی مواد مخدر می‌باشند، اقدامات مرزی نقش پررنگی را در عرصه جلوگیری از قاچاق ایفا می‌کنند. این پژوهش که با هدف بررسی الگوی مناسب مرزی برای جلوگیری از قاچاق مواد مخدر از مرزهای استان سیستان و بلوچستان انجام گرفته است، به روش کیفی انجام شده و بر اساس ماهیت، توصیفی-تحلیلی است و بر اساس هدف، به دلیل استفاده از نتایج آن در برنامه‌ریزی‌های مورد نیاز سیاسی، فضایی، اقتصادی و اجتماعی و مطالعات استان‌های مرزی، کاربردی است. جامعه آماری این پژوهش شامل تعدادی از متخصصان حوزه امنیت مرزی اعم از مرزبانان نظامی و انتظامی، نیروهای شاغل در ستاد مبارزه با مواد مخدر، فرمانداری‌ها و استادان و صاحب‌نظران علوم جغرافیایی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که براساس یافته‌های این مقاله، الگوی مدیریتی گشت‌زنی و بازرسی که باید دولت‌های ایران، پاکستان و افغانستان با همکاری و همیاری یکدیگر آن را اجرا کنند، الگوی مناسبی برای حفاظت از مرزهای شرقی کشور است.

کلیدواژه‌ها: اقدامات مرزی، قاچاق مواد مخدر، استان سیستان و بلوچستان.

۱. مقدمه

وقتی سخن از قاچاق به میان می‌آید، ناخودآگاه ذهن شنونده بیش از هر چیز متوجه قاچاق مواد مخدر می‌شود که برای کشورها مشکل‌زاترین و برای قاچاقچیان پرسودترین نوع قاچاق را در سطح جهان تشکیل می‌دهد. قاچاق بین‌المللی مواد مخدر یک جرم سازمان‌یافته فراملی است که توسط باندها و گروه‌های سازمان‌یافته با سلسله‌مراتب نیرو، امکانات و تجهیزات، مرزهای کشورها را پشت سر گذاشته، صلاحیت سرزمینی دولت‌ها را نقض کرده و در مسیر حمل از مبدأ تا مقصد جرائم دیگری از قبیل هواپیماربایی، ترور و قتل، تخریب محیط‌زیست، قاچاق سلاح و مهمات و غیره را نیز همراه خواهد داشت. پدیده مواد مخدر و قاچاق آن، هم دارای ضررهای فردی و هم ضررهای اجتماعی است و ضررهای اجتماعی آن از ضررهای فردی نیز بیشتر است. وجوه کلان حاصل از قاچاق مواد مخدر موجب فساد، بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی جوامع می‌شود. خصیصه دیگری که در مشکل اعتیاد و قاچاق مواد

مخدر وجود دارد آن است که شاید حل هیچ مشکل دیگری در سطح جهان تا این حد نیازمند همکاری بین کشورها نباشد. (قهرمانی و علیزاده، ۱۳۹۴، ص. ۲۱).

مناطق مرزی به دلیل تماس با محیط‌های گوناگون داخلی و خارجی، از ویژگی‌های خاصی برخوردارند. وجود تماس‌ها، مبادلات و پیوندهای فضایی دو سوی مرز بین کشورهای مجاور از سویی و آسیب‌پذیری‌ها و وجود تهدیدات مختلف در این مناطق از سویی دیگر، باعث چالش‌های عمده‌ای در این نواحی شده است. بر این اساس، معضلاتی که توأمان از ناحیه مرزهای جنوب شرق (سیستان و بلوچستان) جمهوری اسلامی ایران، بر این کشور وارد می‌شود را اینگونه می‌توان برشمرد: بی‌ثباتی سیاسی همسایگان شرقی و شکل‌گیری دولت‌های ضعیف و ورشکسته، تقویت جریان افراطی سلفی‌گرایی و تروریسم، رواج انواع قاچاق مواد مخدر، سلاح و انسان، حضور نیروهای بیگانه در منطقه (اعظمی، دهمرده، جمال، ۱۳۹۱، ص. ۲).

تهدیدات مرزی با توجه به موقعیت کشورها و شرایط و فضای پیرامونی و داخلی متفاوت است و می‌تواند شامل موارد زیر باشد: تهدیدهای امنیتی، تهدیدهای سیاسی، تهدیدهای اقتصادی، تهدیدهای فرهنگی، تهدیدهای قاچاق (کالا، مواد مخدر، انسان، سوخت، دارو، سلاح و غیره) (همان: ص. ۳). امنیت مرزی، به معنی جلوگیری از انجام هرگونه اعمال خلاف قانون در طول مرزهای یک کشور و قانونی‌کردن تردد اشخاص و حمل‌ونقل کالا و حیوانات اهلی، با رعایت ضوابط قانونی از راه دروازه‌های مجاز مرزی است. پایدارترین و مهم‌ترین نقش مرز، کارکرد دفاعی - امنیتی آن، یعنی ایجاد مانع در برابر حرکت انسان، کالا و تفکرات است. در این میان، تلاش کشورها بر این است که تا جایی که ممکن باشد مرزهای آن‌ها جز در برخی گذرگاه‌های توافق‌شده و مجاز غیرقابل نفوذ باشد تا به این وسیله حاکمیت آن‌ها بر سرزمین خود دچار خدشه نشود و امنیت کشور در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی و نظامی آسیب نبیند. ایجاد امنیت در مناطق مرزی ایجاد امنیت برای کل کشور است؛ زیرا در صورت بروز ناامنی در این مناطق، این معضل می‌تواند به کل کشور سرایت کند. مرز از مهم‌ترین عناصر مرتبط با امنیت داخلی به شمار می‌آید، موضوعی که در کشورهای همسایه، یعنی افغانستان (و پاکستان) با بی‌ثباتی (نسبی) همراه بوده و این امر موجب بروز تهدیدات امنیتی و

بروز رخدادهای ضدامنیتی متعدد در داخل کشور شده است. انسداد مرزهای شرقی کشور با توجه به موضوعات مختلف امنیتی از اولویت‌های خاصی برخوردار است. بنابراین، انسداد مسیرهای تردد خودروها و وسایل نقلیه موتوری، نصب تجهیزات الکترونیکی، رادارها، دوربین‌ها، احداث خاک‌ریزها، کانال‌ها و برجک‌ها به منظور انسداد کامل مرز بر اساس فازبندی‌های مختلف در حال اجراست (آرشیو ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۹۱).

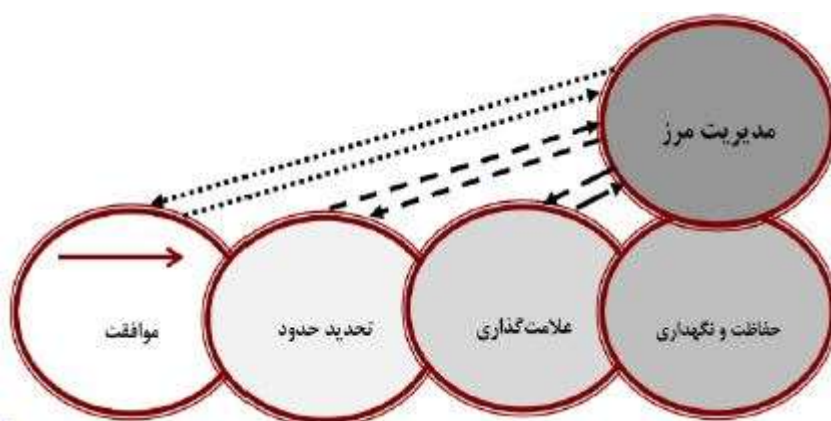
مرزهای شرقی ایران به دلیل ساختار ژئوپولیتیکی ناشی از همسایگی با کشورهای افغانستان و پاکستان، تهدیدات فراوانی را تجربه کرده است که عبارتند از: ۱. توسعه کشت خشکاش و افزایش قاچاق مواد مخدر و تداوم شرارت‌های مرتبط با آن در شرق کشور، ۲. تروریسم، ۳. بحران هیدروپولیتیک و مسئله هیرمند و آب سیستان، ۴. مسئله پشتونستان و بلوچستان بزرگ، ۵. افزایش بی‌اعتمادی قبایل پشتون نسبت به سیاست‌های اعمالی ایران، ۶. شکل‌گیری یک دولت لیبرال در افغانستان، ۷. حذف ایران از مسیر خط لوله نفت و گاز آسیای مرکزی (حافظ‌نیا، ۱۳۸۳، ص. ۲۳). از این رو، با توجه به مشکلات و مسائل مهمی که مسئله قاچاق مواد مخدر در حوزه‌های مختلف فضایی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی برای کشور ایجاد می‌کند محقق بر آن شد تا با تحلیل و بررسی نقش اقدامات مرزی، الگوی مناسب مرزی را برای جلوگیری از قاچاق مواد مخدر به داخل کشور از استان سیستان و بلوچستان ارائه نماید. بنابراین، مسئله اصلی این است که:

- پیامدهای سیاسی - فضایی انسداد فیزیکی مرزها در سیستان و بلوچستان چه می‌باشد؟
- پیامدهای اقتصادی انسداد فیزیکی مرزها در سیستان و بلوچستان چه مواردی است؟
- پیامدهای اجتماعی انسداد فیزیکی مرزها در سیستان و بلوچستان چیست؟
- نقش نیروهای بومی، مرزنشینان و بخش خصوصی در کاهش قاچاق مواد مخدر در سیستان و بلوچستان چگونه است؟

۲. مبانی نظری پژوهش

مرزها خطوطی هستند که حدود بیرونی قلمرو سرزمین تحت حاکمیت یک حکومت ملت-پایه را مشخص می کنند. مرز عامل تشخیص و عامل جدایی یک واحد متشکل سیاسی یا یک کشور از دیگر واحدهای مجاور آن است (حافظنیا، ۱۳۸۳، ص. ۶۹).

مرزهای زمینی بین المللی، «به عنوان نقطه تماس میان کشورهای همسایه، در شکل دهی مناسبات سیاسی و اقتصادی آن ها نقش برجسته ای به عهده دارند. مرزها به طور مکرر مسبب تنش هایی بین دولت ها بوده و قویاً کنش متقابل میان مردمانی که در مناطق مجاور هم به سر می برند را تحت تأثیر قرار داده اند. مرزهای [سرزمینی] بین کشورها هر چه عمیق تر در چشم انداز سیاسی و فرهنگی جای بگیرند، دوام آن ها بیشتر خواهند بود. مرزهای [سرزمینی] بین کشورها باید مراحل را طی کنند تا به درجه تکامل برسند، هرچند گفتنی است که باید توسط دو دولت ذی ربط به رسمیت شناخته شده باشند، علامت گذاری شده باشند و به طور کارآمدی اداره و نگاهداری شوند. جونز (۱۹۴۵) معتقد است که مرزها در راه تکامل خود باید از سه مرحله بگذرند: ۱. تفاهم بر سر مکان تقریبی مرز، ۲. تحدید حدود، ۳. علامت گذاری بر روی زمین» (درایسدل و بلیک، ۱۳۷۰، صص. ۱۳۸-۱۰۱).



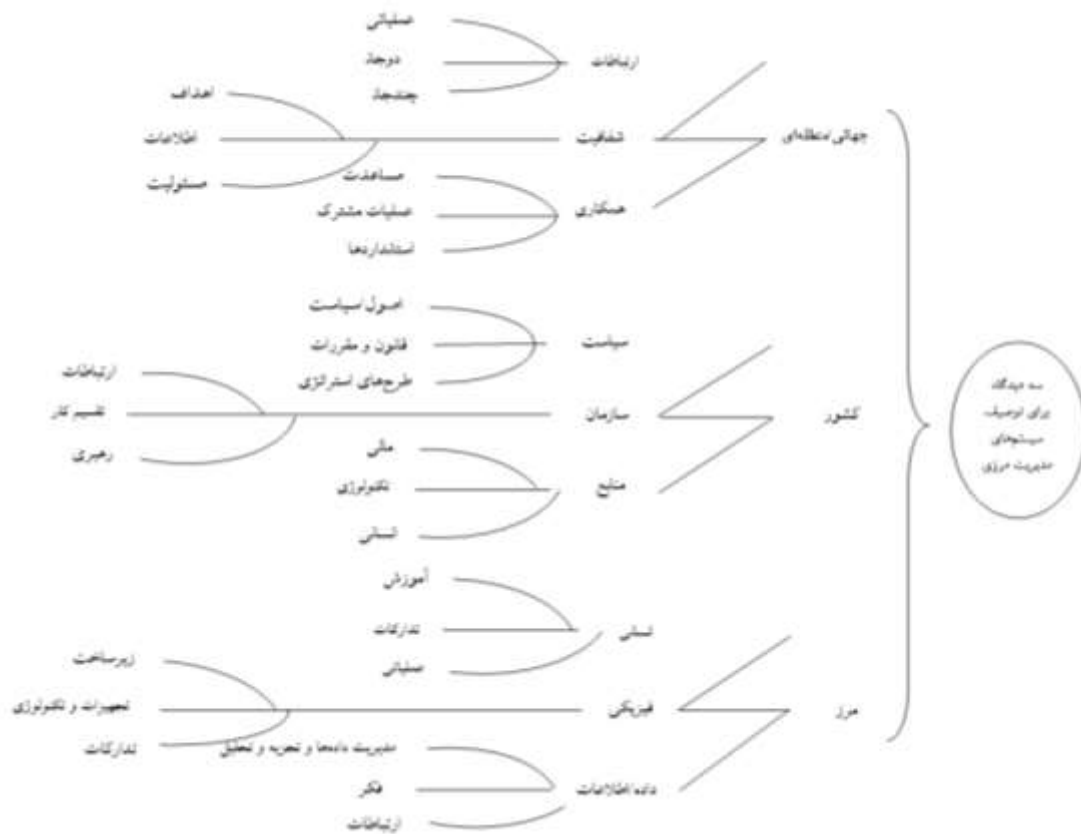
شکل ۱- مراحل تکامل خط مرزی

مأخذ: جان پرور، ۱۳۹۱

به این سه مرحله باید مرحله چهارمی نیز اضافه کرد؛ زیرا بعد از مرحله سوم که با علامت‌گذاری مرز بر روی زمین موافقت می‌شود باید بتوان آن را مدیریت کرد. بنابراین، مرحله چهارم، مدیریت مرزهای تفاهم‌شده است. «برای مدیریت مؤثر امنیت یا کنترل مرزهای خود، یک کشور باید فعالیت‌های مدیریت مرزی خود را به‌عنوان یک سیستم درک کند. دپارتمان آزمایشگاه امنیت ملی، آزمایشگاه‌های ملی سندیا^۱، با استفاده از سیستم‌های مهندسی و بنیادهای امنیتی، روشی را برای مدل‌سازی و تجزیه و تحلیل سیستم‌های مدیریت مرزی توسعه داده است. بر اساس پژوهش این آزمایشگاه، معماری مرجع شامل سه دیدگاه اساسی است که می‌تواند برای توصیف سیستم‌های مدیریت مرزی استفاده شود. [البته باید گفت که] مدیریت مرزی اغلب با چندین چالش مواجه است. اول، سیستم‌های مدیریت مرزی با حرکات قانونی افراد و کالاها روبرو هستند. حجم منحصربفرد این ترافیک می‌تواند بر طراحی و عملیات بندرهای ورودی تأثیر بگذارد. ترافیک غیرقانونی مربوط به افراد و کالاها نیز باید شناسایی شود. دوم، عوامل سیاسی و اقتصادی دیگری نیز وجود دارند که بر مدیریت مرزی تأثیر می‌گذارند. این چالش‌ها می‌توانند به‌طور گسترده‌ای به چالش‌های انسانی، کالایی، سیاسی و اقتصادی تقسیم شوند» (دوگان^۲، ۲۰۰۸، صص. ۵-۸).

1. Sandia National Laboratories

2. Duggan



شکل ۲- معماری مرجع سیستم‌های مدیریت مرزی

مأخذ: دوگان، ۲۰۰۸

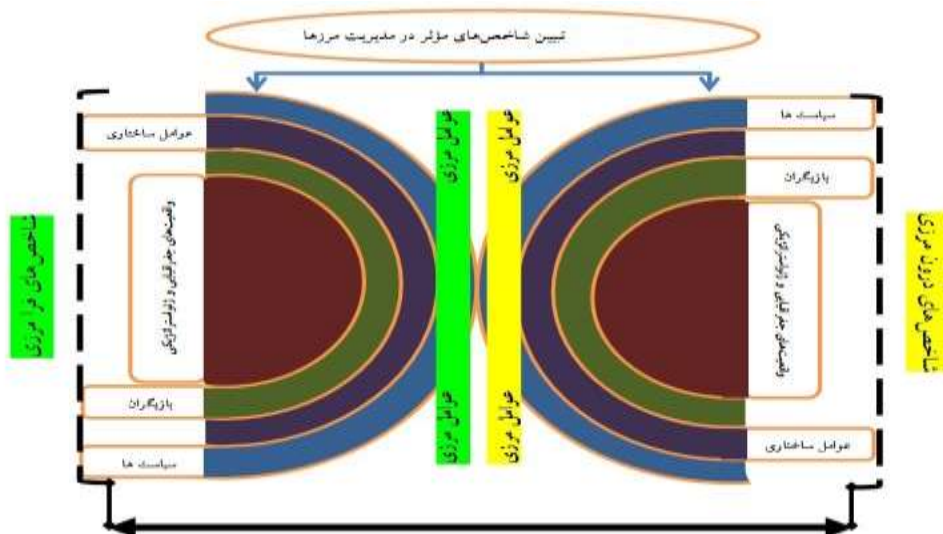
بلیک یکی از جغرافی‌دانان مطرحی است که در زمینه مسائل مرزهای زمینی نظریات مهمی را ارائه کرده است. در کتاب *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا* به طور مفصل به مسائل مرزی در این محدوده جغرافیایی پرداخته است. به علاوه در مقاله‌ای با عنوان «اهداف مدیریت مرزهای زمینی» شاخص‌های مؤثر در مدیریت مرزها را بیان کرده است. در جدول زیر این شاخص‌ها مطرح شده‌اند.

جدول ۱- شاخص‌های مؤثر و مشخصات آن‌ها در مدیریت مرز

مأخذ: افشردی و همکاران، ۱۳۹۳

شاخص‌ها	مشخصات
مدیریت خط مرزی	یکی از اهداف اصلی مدیریت مرز حمایت از علامت‌گذاری به صورت واضح و بدون ابهام خط مرزی است. در این راستا، برای مدیریت خوب خط مرزی باید بتوان چارچوب قانونی واضح و روشنی را که در آن به صورت واضح و روشن مسائلی که ممکن است مدیریت خط مرزی را دچار چالش و تغییر کند در همه زمان‌ها فراهم کرد، به عنوان مثال کشف منابع مشترک مرزی، تغییر مسیر رودخانه، و غیره.
مدیریت دسترسی	در برخی بخش‌های جهان، دستیابی و دسترسی به مرزهای بین‌المللی با دیدگاهی به عبور قانونی از مرز تقریباً برابری می‌کند. دسترسی به تدارک جاده‌ها یا خطوط راه‌آهن که ممکن است به مقدار زیاد یا محدود باشد یا وجود نداشته باشد، بستگی دارد. در برخی کشورها دسترسی به مناطق مرزی محدود و جاده‌ها مسدود شده و پلیس مرزها را کنترل می‌کند. هدف مدیریت این است که به شهروندان اجازه دهد که به طور آزادانه از مرزها مادامی که امنیت در سطح مورد نیاز در نظر گرفته شده است، عبور و مرور کنند. فعالیت‌ها بین کشورها متفاوت است، اما مدیریت ممکن است به وسیله وجود جاده‌های مناسب یا سیاست‌های امنیتی در یک طرف یا دیگر بخش‌ها محدود شود. در بیشتر کشورها تعداد زیادی از سازمان‌ها درگیر هستند (گمرک‌ها، کنترل گذرنامه، خدمات حمل‌ونقل، پلیس و ... میزان باز بودن) و از این‌رو سطح فعالیت به صورت مستقیم با سیاست دولت مرتبط می‌باشد. در حالت گسترده، مدیریت ممکن است به معنی بسته نگاه داشتن مرز برای عبور و مرور باشد. جنبه‌های عملی مدیریت دسترسی شامل قوانینی از نگهداشتن جاده‌های فرامرزی و نقاط عبور و مرور با رفاه مناسب برای مسافران می‌باشد.
مدیریت امنیت	فعالیت‌های امنیتی در مرزها وابسته به روابط خارجی، جغرافیا و فرصت‌های اقتصادی می‌باشد. درک شهروندان بیشتر کشورها از مرزها هنوز به عنوان تأمین‌کننده امنیت و جلوگیری از ورود: - تهاجم نظامی؛ - کالاهای غیرقانونی، دارو، سلاح، کالاهای قاچاق، محرکات جنسی، غذاهای آلوده و غیره؛ - مخاطرات سلامتی، مسافران آلوده، آلودگی هوا، غذا، بیماری‌های دهانی و غیره؛ - افراد غیرقانونی، مهاجران غیرقانونی، قاچاقچیان، خرابکاران، تروریست‌ها، فراریان، مجرمان و غیره .
مدیریت منابع فرامرزی	همان‌طوری که جمعیت در حال افزایش است و منابع محدود می‌گردد، منابع فرامرزی بیشتر مورد توجه کشورها و دولت‌ها قرار می‌گیرند. ذخایر گاز و نفت نزدیک مرز، منابع معدنی، آب- های زیرزمینی، تقسیم [حوضه] رودخانه، مناطق مرزی حفاظت شده، ماهی‌های موجود در دریاچه‌های مشترک و دهانه رودخانه‌های مرزی بزرگ، جنگل‌ها و مراتع و ... مکان‌های تاریخی

شاخص‌ها	مشخصات
	و فرهنگی در سرزمین‌های مرزی، نمونه‌هایی از منابع مهم در برخی مناطق می‌باشند. همکاری حول منابع فرامرزی ظرفیت قابل ملاحظه‌ای برای ایجاد آرامش بین کشورها را دارد.
مدیریت زیست‌محیطی	مدیریت خوب زیست‌محیطی نمی‌تواند در جهان مدرن بدون همکاری‌های فرامرزی ایجاد گردد. این فعالیت‌ها در قالب حفاظت از گونه‌های در حال انقراض، پژوهش‌های زیست‌محیطی، کنترل آتش‌سوزی و آلودگی، جلوگیری از شکار بی‌رویه حیات وحش، تشویق تورسم زیست‌محیطی، و ... می‌تواند صورت گیرد.
مدیریت بحران	از انواع سطوح مدیریت بحران می‌توان به سطح محلی و ملی اشاره کرد: در سطح محلی، روزه‌روز مسائل و مشکلات در امتداد مرزها افزایش می‌یابد، به عنوان مثال جانوران ولگرد، یا آلوده کردن رودخانه‌ها و غیره به صورت‌های مختلف زمینه شکل‌گیری بحران‌هایی را فراهم می‌آورند. در این راستا سازمان‌های رسمی برای مدیریت بهتر این بحران‌ها در منطقه مرزی همکاری‌هایی در زمینه اطلاعاتی و برنامه‌ریزی انجام می‌دهند. در سطح ملی، مدیریت بحران مرزی اجازه نمی‌دهد که حوادث اتفاق افتاده در امتداد مرز، به داخل به‌ویژه به مسائل سیاسی کشور وارد شود. یک کمیسیون مشترک در امتداد مرز می‌تواند این مسائل را بدون گسترش آن به داخل حل و فصل نماید.



شکل ۳- تبیین شاخص‌های مؤثر در مدیریت مرزها

مأخذ: افشردی و همکاران، ۱۳۹۳

۲. ۱. وضعیت استان سیستان و بلوچستان به عنوان استان مرزی

«دو پژوهشگر به نام‌های فیلیپ جونز و تریور وایلد^۱ با تکیه بر پایه‌های نظریه مکان مرکزی کریستالر و کارهای لوش^۲ ابراز کردند که توسعه نیافتگی مناطق مرزی مربوط به دو محور محدودیت‌های تجارت خارجی در نواحی مرزی و تهدیدهای نظامی و عوامل ناامنی است. آن‌ها بیان می‌کنند که شهرهای واقع در نواحی مرزی، در توسعه خود با محدودیت‌هایی روبه‌رو هستند. آنان همچنین به پیروی از روملی و مینچی (۱۹۹۱) معتقدند که نواحی مرزی، علاوه بر پدیده توسعه نیافتگی ناشی از موقعیت جغرافیایی خود همچون دور از مرکز، تأثیر مستقیم مرزها را در ساختار فضایی و کالبدی آن‌ها منتقل می‌کنند» (شاطریان، گنجی‌پور و اشنویی، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۲).

«نکته قابل تأمل این است که در استان‌های مرزی برخوردار از ضعف اقتصادی و فرهنگی، سطوح دغدغه‌های امنیتی نیز گسترده‌تر است. به همین منظور، شناسایی و مهار پارامترهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که قابلیت تبدیل به تهدید امنیتی را دارند، باید با توجه به مؤلفه‌های امنیتی مورد توجه قرار گیرند؛ زیرا در صورت بالا بودن ضریب رکود اقتصادی، بیکاری و فقر نمی‌توان نسبت به تحقق امنیت فراگیر در سطح [استان‌های مرزی] خوشبین بود» (سرور، محمدی‌حمیدی و ویسیان، ۱۳۹۳، صص. ۲۹-۲۷). «مطالعات در ایران و جهان حاکی از آن است که شرایط توسعه نیافتگی در مناطق مرزی، همواره مشکلات و چالش‌های گسترده و اساسی زیادی، چون انواع قانون‌شکنی‌ها و قانون‌گریزی‌ها را به دنبال خود داشته است. بر این اساس، ویژگی‌هایی که در مناطق مرزی به گسترش جرم و قانون‌گریزی منجر شده، توسعه ناموزون و ناعادلانه مناطق مرزی است که قاچاق کالا یکی از پیامدهای شوم توسعه ناموزون و ناعادلانه است» (شاطریان، گنجی‌پور و اشنویی، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۲).

«توسعه نیافتگی اقتصادی مناطق مرزی و رفاه نسبی در این مناطق، می‌تواند زمینه‌ساز کاهش برخی از مشکلات مرزی مانند قاچاق کالا، مواد مخدر، سرقت و غیره را فراهم کرده و از تخلیه جمعیت مناطق مرزی جلوگیری کند. وجود محرومیت‌های شدید اقتصادی و میزان بالای

1. Philip Jones & Trevor Wild

2. Losch

بیکاری در مناطق مرز، در افزایش عبور غیرمجاز افراد، قاچاق کالا و سایر اموری که با امنیت منافع ملی کشورها در تضاد است، در شکل‌گیری اقدامات توسعه‌ای، از جمله بازارچه‌های مرزی، مؤثر بوده است. بر اساس مطالعات انجام شده امنیت و توسعه در مناطق مرزی با ضریب همبستگی بالا، رابطه مستقیم و دوسویه‌ای با یکدیگر دارند؛ به گونه‌ای که هر اقدام در فرایند دستیابی به توسعه، تأثیرات مستقیمی بر فرایند تحقق امنیت می‌گذارد و برعکس. به این ترتیب مناطق دارای شاخص‌های بالای توسعه، از ضرایب امنیتی بالاتری نسبت به مناطق توسعه‌نیافته برخوردارند» (شاطریان، گنجی‌پور و اشنویی، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۳). وجود مبادلات و پیوندهای فضایی دو سوی مرز و آسیب‌پذیری و تهدیدات مختلف در این مناطق اهمیت ویژه‌ای را در فرایند برنامه‌ریزی، توسعه و آمایش سرزمین به مناطق مرزی داده است که در صورت غفلت از آن‌ها به طور جد شاهد چالش‌های عمده‌ای از جمله عدم ثبات جمعیتی مناطق مرزنشین خواهیم بود (محمدی و فخرفاطمی، ۱۳۸۴، ص. ۵۵). در جدول شماره ۳-۱ مؤلفه‌ها و مشخصات مناطق مرزی کشورها آورده شده است.

آنچه بیش از همه در رابطه با امنیت منطقه سیستان و بلوچستان و تأثیر آن بر امنیت ملی، باید مورد توجه قرار گیرد، میزان برخورداری از توسعه و منابع ملی و به طور کلی توسعه-یافتگی این استان در مقایسه با دیگر نواحی و به خصوص بخش مرکزی است. در تحقیقی که توسط اطاعت و موسوی انجام گرفته است، درجه توسعه‌یافتگی استان‌های کشور با استفاده از ۱۵ شاخص و بر اساس مدل تاکسونومی عددی مورد محاسبه قرار گرفته است. بر اساس نتایج حاصله، استان سیستان و بلوچستان در میان ۳۱ استان کشور در پایین‌ترین سطح توسعه-یافتگی قرار می‌گیرد. این عامل یعنی عقب‌ماندگی از دیگر استان‌ها در توسعه به همراه دیگر عوامل فوق، موجب شده‌اند که بلوچ‌ها خود را در سرنوشت ملی کمتر شریک بدانند و برخلاف دیگر اقوام ایرانی، در تحولات بزرگ درون جامعه ملی ایران، نقش قابل‌توجهی به عهده نگیرند (اطاعت و موسوی، ۱۳۹۰، ص. ۸۵). این در حالی است که «وجود محرومیت-های شدید اقتصادی و میزان بالای بیکاری در مناطق مرزی در افزایش عبور غیرمجاز افراد، قاچاق کالا و سایر اموری که با امنیت منافع ملی کشورها در تضاد است» ارتباط دارد (قادری-حاجت، عبدی، جلیلی و باقری سرنجیانه، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۱). به علاوه، تحولات سیاسی درون

کشورها و تحولات ژئوپولیتیکی بر مرزها و مناطق مرزی و عملکرد و نقش‌های مرز تأثیرگذارند، در جدول شماره ۳-۳ مهم‌ترین تحولات سیاسی و ژئوپولیتیکی هشتاد سال اخیر و تأثیرات آن‌ها بر مناطق مرزی و سکونتگاه‌های مرزی در شرق ایران لیست شده است (علمدار، راستی و زرقانی و ۱۳۹۷، ص. ۱۹۵).

جدول ۲- مؤلفه‌ها و مشخصات مناطق مرزی کشورها

مأخذ: آفتاب و هوشمند، ۱۳۹۷

مؤلفه	مشخصات
دوری از مرکز	بیانگر فاصله مکانی - جغرافیایی مناطق مرزی از سرزمین اصلی است.
انزوا و حاشیه‌ای بودن	مناطق مرزی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته، بیانگر تفاوت‌های عمیق عملکردی - ساختاری هستند.
ناپایداری الگوی اسکان و سکونت	به دلیل شرایط جغرافیایی مناطق مرزی که به طور معمول مناطق با طبیعت خشن و صعب‌العبور هستند.
نظام و الگوی مراودات و تبادلات	مناطق مرزی با توجه موقعیت مراوده‌های خود در مرز سیاسی بین دو کشور، از فرصت و ظرفیت لازم برای تقویت کنش‌های اقتصادی ویژه برخوردارند.
تفاوت‌های فرهنگی و قومی و نژادی	در بسیاری از کشورهایی که خطوط مرزی گسترده‌ای داشته و تنوع قومیت‌ها در آن شدید است، مسئله تفاوت‌های فرهنگی و قومی بین نواحی مرکزی و مرزی حالت شدیدتری به خود می‌گیرد.
تهدیدهای خارجی	مناطق مرزی به دلیل اتصال به کشورهای هم‌جوار، ممکن است با تعارض‌های سیاسی همراه باشند.
ساختار دوگانه و دوگانگی نظام‌مند	در نگرش نظام‌مند به عناصر سرزمین ملی مشاهده می‌شود که به طور معمول، مناطق مرزی از ساختاری دوگانه برخوردارند که این امر موجب تضعیف و بروز تعارض‌های توسعه‌ای در کشور می‌شود.

۳. روش پژوهش

این پژوهش به روش کیفی انجام شده و بر اساس ماهیت، توصیفی - تحلیلی است و بر اساس هدف، به دلیل استفاده از نتایج آن در برنامه‌ریزی‌های مورد نیاز سیاسی، فضایی، اقتصادی و اجتماعی و مطالعات استان‌های مرزی، کاربردی است. این تحقیق به روش کیفی انجام می‌گیرد؛ بنابراین چهارچوب تحقیق کیفی با کمی متفاوت است. مهم‌ترین تفاوت آن در

تعداد مراحل فرایند تحقیق و گزارش نویسی است. جامعه آماری پژوهش شامل عده‌ای از کارشناسان مواد مخدر و مرزبانان و فرماندهان یگان‌های نظامی و انتظامی مرزی و مبارزه با مواد مخدر و همچنین فرمانداران، بخش‌داران، سران طوایف و معتمدان محلی، طیفی از صاحب‌نظران و فعالان فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی استان سیستان و بلوچستان و استادان دانشگاه می‌باشند. حجم نمونه، تعداد ۴۰ نفر از جامعه آماری در نظر گرفته شده است، پس از توزیع پرسش‌نامه‌ها بین آن‌ها، تعداد ۳۰ نفر سؤالات پرسش‌نامه را جواب و تحویل دادند. نمونه مورد نظر در این رساله با روش تخمینی و در دسترس به دست آمده است.

در این پژوهش از شیوه‌های مطالعات کتابخانه‌ای، میدانی، مشاهده، مصاحبه و سایت‌های اینترنتی برای گردآوری اطلاعات تحقیق استفاده شده است. همچنین، از منابع اینترنتی، فیش‌برداری و مطالعه کتاب‌ها و چندین مقاله و پایان‌نامه مرتبط با موضوع تحقیق نیز استفاده شده است. همچنین، پرسش‌نامه محقق‌ساخته پژوهش شامل ۳۲ گویه بود که روایی آن با روش روایی محتوایی، مورد تأیید اساتید دانشگاه و خبرگان حیطه جغرافیای سیاسی قرار گرفته و از اعتبار لازم برخوردار بوده است. پایایی نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ برابر ۰,۹۳۹، محاسبه گردیده و مورد تأیید قرار گرفته است.

۴. یافته‌ها

در این بخش، تحلیل توصیفی گزینه‌های پژوهش ارائه می‌شود که به شرح جدول زیر است. در جدول (۳) گزینه‌های پژوهش و آمار توصیفی مربوط به هر یک از آن‌ها مانند میانگین، واریانس و انحراف معیار آمده است.

جدول ۳- آمار توصیفی گزینه‌های پژوهش

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

انحراف معیار	میانگین	گزینه‌های مورد مطالعه	
۳/۱۶۶	۷/۱۰۰	ساخت دیوارهای بتنی حائل مرزی	اهمیت گزینه- های شرایط مرزی استان سیستان و بلوچستان در مبارزه با قاچاق مواد مخدر
۲/۸۲۴	۵/۴۰۰	کشیدن سیم خاردار	
۳/۲۰۵	۷/۰۶۷	نبود مانع مرزی در قسمت‌های زیادی از مرز استان	
۲/۲۷۰	۸/۱۳۳	نیروهای نظامی مرزبانی ج.ا.ا.	
۲/۳۹۲	۸/۰۶۸	نظارت مؤثر مرزی توسط کشور ایران	
۳/۰۴۸	۶/۸۶۷	نیروهای نظامی مرزبانی کشور پاکستان و افغانستان	
۲/۹۷۶	۷/۲۰۰	نظارت مؤثر مرزی توسط کشور پاکستان و افغانستان	
۳/۰۲۵	۷/۲۳۳	انسداد کامل مرزی	
۲/۵۰۵	۸/۰۰۰	همکاری نیروهای مردمی و بومی مرزنشین	
۲/۲۲۴	۸/۵۳۳	تعامل بین کشورهای ایران، پاکستان و افغانستان	
۲/۹۳۲	۷/۵۶۷	اجرا نشدن کامل حائل مرزی به دلیل مشکلات بودجه‌ای ج.ا.ا.	
۱/۷۴۴	۸/۱۶۷	جغرافیای طبیعی استان سیستان و بلوچستان	زیر معیارهای مؤثر در انتخاب الگوی مناسب مرزی برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر
۱/۳۳۹	۹/۰۰۰	نقش محرومیت و ضعف اقتصادی استان سیستان و بلوچستان	
۲/۳۷۱	۶/۹۶۷	تفاوت‌های مذهبی اهل تسنن با حاکمیت مرزی	
۲/۷۱۳	۶/۴۶۷	نقش مذهب تسنن در همکاری مردم بومی با قاچاق م.م.	
۲/۰۷۴	۷/۹۰۰	قرابت قومیتی با بلوچستان پاکستان در امر قاچاق م.م.	
۱/۵۸۳	۸/۹۰۰	نقش اقدامات حاکمیت از منظر توسعه اقتصادی	
۱/۶۹۰	۸/۸۰۰	نقش اقدامات حاکمیت از منظر توسعه فرهنگی	
۱/۵۸۴	۸/۸۰۰	نقش اقدامات حاکمیت از منظر توسعه اجتماعی	
۱/۹۰۱	۸/۲۰۰	نقش نیروهای نظامی در بکارگیری مردم بومی در طرح امنیت پایدار	
۱/۸۱۰	۸/۰۳۳	سطح همکاری های مردم بومی با حاکمیت در امر مبارزه با قاچاق	
۱/۸۰۳	۶/۷۰۰	نقش انسداد مرزی در افزایش مشکلات اقتصادی استان سیستان و بلوچستان	
۱/۸۷۱	۶/۵۰۰	نقش انسداد مرزی در افزایش مشکلات اجتماعی استان سیستان و بلوچستان	
۲/۱۲۳	۶/۶۷	نقش انسداد مرزی در افزایش نارضایتی قومیتی در استان سیستان و بلوچستان	
۱/۷۲۵	۸/۳۰۰	اهمیت توسعه اقتصادی در بحث مبارزه با قاچاق م.م.	

انحراف معیار	میانگین	گزینه‌های مورد مطالعه
۱/۷۱۷	۷/۱۳۳	نقش امنیتی شدن فضای عمومی استان در اثر توسعه اقدامات نظامی مرزبانی
۱/۸۶۶	۷/۰۳۳	عوامل طبیعی در مرز به عنوان موانع قاچاق مواد مخدر
۲/۱۸۷	۷/۶۷	نقش استمرار نظارت‌های مرزی توسط مرزبانان کشور پاکستان و افغانستان
۲/۳۶۸	۶/۶۶۷	نقش برخورد قضایی در مبارزه با قاچاق مواد مخدر در استان سیستان و بلوچستان
۲/۲۵۱	۷/۰۳۳	نقش بکارگیری اهل تسنن در مشاغل مهم امنیتی و حاکمیتی استان
۲/۲۸۸	۷/۰۶۷	تأثیر مبارزه با قاچاق انسان (مهاجرت غیرقانونی) در مبارزه با قاچاق م.م
۲/۰۱۲	۷/۲۳۳	تأثیر مبارزه با قاچاق سوخت در مبارزه با قاچاق م.م

۱- کدام اقدامات مرزی و الگوی مناسب برای جلوگیری از قاچاق مواد مخدر به داخل کشور از مرزهای سیستان و بلوچستان تأثیرگذار است؟

برای پاسخ به این سؤال و اولویت‌بندی اهمیت اقدامات مرزی و الگوی مناسب تأثیرگذار برای جلوگیری از قاچاق مواد مخدر به داخل کشور از مرزهای سیستان و بلوچستان از آزمون فریدمن استفاده شد.

جدول ۴- اولویت‌بندی اقدامات مرزی و الگوی مناسب تأثیرگذار

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

میانگین رتبه‌ها	اقدامات مرزی و الگوی مناسب تأثیرگذار
۷/۳۸	تعامل بین کشورهای ایران، پاکستان و افغانستان
۷/۰۳	نیروهای نظامی مرزبانی جمهوری اسلامی ایران
۷/۰۳	نظارت مؤثر مرزی توسط کشور ایران
۶/۵۷	همکاری نیروهای مردمی و بومی مرزنشین
۶/۲۷	اجرا نشدن کامل حائل مرزی به دلیل مشکلات بودجه‌ای جمهوری اسلامی ایران
۶/۲۳	نظارت مؤثر مرزی توسط کشور پاکستان و افغانستان
۵/۹۷	انسداد کامل مرزی
۵/۶۳	نبود مانع مرزی در قسمت‌های زیادی از مرز استان
۵/۵۳	نیروهای نظامی مرزبانی کشور پاکستان و افغانستان

میانگین رتبه‌ها	اقدامات مرزی و الگوی مناسب تأثیرگذار
۵/۴۳	ساخت دیوارهای بتنی حائل مرزی
۲/۹۲	کشیدن سیم خاردار

با توجه به جدول (۴) تعامل بین کشورهای ایران، پاکستان و افغانستان اولویت اول و نیروهای نظامی مرزبانان جمهوری اسلامی ایران و نظارت مؤثر مرزی توسط کشور ایران دو اولویت بعدی خبرگان در زمینه اقدامات مرزی می‌باشد. با توجه به این جدول، ساخت دیوارهای بتنی حائل مرزی و کشیدن سیم خاردار اقداماتی هستند که از نظر خبرگان پاسخ-دهنده کمترین اهمیت را از میان اقدامات مرزی مناسب برای جلوگیری از قاچاق مواد مخدر به داخل کشور دارند. با توجه به اینکه از خبرگان خواسته شده بود اقدامات دیگری که در پرسش‌نامه نیامده است و به نظر شما جهت جلوگیری از قاچاق مواد مخدر به داخل کشور از مرزهای سیستان و بلوچستان لازم است انجام شود را بیان نمایید، در ادامه مضامین مستخرج از نظرات پاسخ‌گویان در این زمینه با روش تحلیل مضمون به صورت جدول مضامین آورده خواهد شد.

جدول ۵- آماره آزمون فریدمن

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

تعداد	آزمون کای-دو	درجه آزادی	سطح معناداری
۳۰	۴۹/۰۳۳	۱۰	۰/۰۰۱

با توجه به نتایج جدول (۵) و سطح معناداری آزمون فریدمن که کوچکتر از ۰/۰۱ می-باشد، بنابراین بین میانگین اولویت‌دهی به گزینه‌های اقدامات مرزی و الگوی مناسب تأثیرگذار از سوی خبرگان پاسخ‌دهنده تفاوت معنادار آماری وجود دارد.

جدول ۶- مضامین مستخرج از نظرات پاسخ‌گویان در زمینه اقدامات جهت جلوگیری از قاچاق مواد مخدر به داخل کشور از مرزهای سیستان و بلوچستان
 مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

کد افراد	جملات/ سطرها یا پاراگرافها	مضامین پایه (اصلی)	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
۵	کاهش نیاز به مواد مخدر در استان‌های مرزی	کاهش نیاز به مواد مخدر	فرهنگ‌سازی در برابر مواد مخدر	اقدامات جهت آماده‌سازی فرهنگی افراد جامعه در برابر مواد مخدر
۵	کاهش نیاز به مواد مخدر در سطح کشور			
۵	فرهنگ‌سازی و مقاوم‌سازی فرهنگی در برابر مواد مخدر	فرهنگ-سازی		
۸	فرهنگ‌سازی بین مردم			
۲۳	نوع نگاه مرزنشینان به پدیده قاچاق	نگاه مرزنشینان		
۲۳	قربان فرهنگی دو سوی مرز	فرهنگ مرزنشینان		
۶	کنترل دائمی پهبادی	کنترل مرزها با استفاده از پهبادها	کنترل هوایی مرزها	استفاده از فناوری‌های روز دنیا جهت برقراری امنیت در مرزها
۱۰	واگذاری ریز پرنده‌ها (کوآدکوپتر) به تعداد بالا به یگان-های مستقر در مرز جهت گشت‌زنی مستمر یا استقرار گروه‌های پهبادی در طول مرز بدین منظور			
۲۱	استفاده از پهبادها و ماهواره و دوربین‌ها برای کنترل مرزها			
۱۷	نظارت و گشت‌زنی هوایی و ماهواره‌ای	نظارت هوایی بر مرزها	استفاده از فناوری‌های پیشرفته در کنترل مرزها	
۳۰	اجرای مؤثر و مفید پایش از دور و نظارت هوایی			
۹	بهره‌گیری از فناوری‌های جدید در کنترل مرزها	نظارت مرزها با فناوری‌های جدید		
۲۲	استفاده از تکنولوژی و فناوری‌های جدید	سیستم‌های مراقبتی		
۱۹	بهره‌گیری از سیستم‌های مراقبتی در تقویت اقدام فیزیکی			
۹	بهره‌گیری از تجارب سایر کشورها در کنترل مرزها	همکاری با	همکاری با	اقدامات و

کد افراد	جملات / سطرها یا پاراگراف‌ها	مضامین پایه (اصلی)	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
۲۰	همکاری کشورهای همسایه نیز می‌تواند به این امر کمک کند.	کشورهای همسایه	کشورهای همسایه	همکاریهای منطقه‌ای
۱۰	نقش اقدامات اطلاعاتی و اشراف اطلاعاتی در مبارزه با قاچاق مواد مخدر	همکاری‌های اطلاعاتی		
۱۹	توسعه همکاری‌های اطلاعاتی در راستای بهینه نمودن عملیات‌های نظامی			
۱۰	احداث جاده‌های مرزی مناسب جهت سهولت گشت‌زنی مستمر نیروهای مرزی	افزایش جاده‌های مرزی	افزایش اقدامات امنیتی	
۱۱	افزایش تعداد رسمی گذرگاه‌های مرزی جهت جلوگیری از ورود غیر مجاز			
۱۰	پوشش خلأهای مرزی با احداث پاسگاه‌ها و برجک‌های لازم	افزایش تعداد پاسگاه‌های در مرز	جهت افزایش امنیت مرزها	
۱۵	افزایش تعداد پاسگاه‌های مرزی			
۱۴	حفر کانال و خندق	ساخت موانع فیزیکی برای حفاظت مرزها	افزایش اقدامات امنیتی	افزایش اقدامات امنیتی فیزیکی و ساختاری در مرزها
۲۷	نظر به این که انسداد به وسیله سیم خاردار و فنس عملاً کارایی ندارد، خوب است توسط دیوار بتونی آن دو دیوار با فاصله معقول انجام شود و نیروی مرزبانی (اعم از انتظامی یا سپاه و بسیج) آن را حفاظت و کنترل نمایند.			
۱۵	وجود گیت‌هایی برای نظارت جهت ورود و خروج از مرز	افزایش نظارت فیزیکی	افزایش حفاظت بیشتر از مرزها	
۱۵	مسلح کردن مرزهای بدون مانع			
۶	انسداد الکترونیکی مرزها			
۲۰	به نظر می‌رسد انسداد مرزها می‌تواند کمک مؤثری کند.	انسداد مرزها		
۲۱	استفاده از عملیات کنترل جمعیت در کنترل مرز	کنترل جمعیت در مرز	اقدامات امنیتی مناسب	
۱۹	تشکیل کارگروه فرماندهی مستقیم و متحد عناصر نظامی مستقر در منطقه	فرماندهی مستقیم و		

کد افراد	جملات / سطرها یا پاراگرافها	مضامین پایه (اصلی)	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
		متحد عناصر نظامی		
۸	توجه بیشتر به جوانان و مردم ساکن در نوار مرزی	توجه به مرز نشینان به خصوص جوانان	توجه به اشتغال و درآمد مرز نشینان	اقدامات جهت بهبود وضعیت اقتصادی مرز نشینان
۲۱	استفاده از مبادلات اقتصادی برای اشتغال زایی مردم دو طرف مرز و کمک به امنیت مرز	اشتغال زایی برای مرز نشینان		
۲۹	ایجاد اشتغال و بازارچه های مرزی			
۱۴	وضعیت اقتصادی منطقه سیستان و بلوچستان	توجه به وضعیت اقتصادی	وضعیت اقتصادی	
۲۳	وضعیت اقتصادی مرز نشینان			
۱۹	تعاملات اجتماعی و ارتقای سطح همکاری مردم و نظام	همکاری های مردمی	همکاری های مردمی	اقدامات در جهت جلب همکاری های مردمی
۱۹	توسعه و تحکیم و تقویت نیروهای نظامی مردمی در تقویت بنیه دفاعی (بسج مردمی).			

با توجه به جدول (۶)، شش مضمون (اقدامات جهت آماده سازی فرهنگی افراد جامعه در برابر مواد مخدر، استفاده از فناوری های روز دنیا جهت برقراری امنیت در مرزها، اقدامات و همکاری های منطقه ای، افزایش اقدامات امنیتی فیزیکی و ساختاری در مرزها، اقدامات جهت بهبود وضعیت اقتصادی مرز نشینان، اقدامات در جهت جلب همکاری های مردمی) به عنوان نظرات پاسخ گویان در جهت تکمیل اقدامات امنیتی جهت جلوگیری از قاچاق مواد مخدر به داخل کشور از مرزهای سیستان و بلوچستان مطرح گردیده است.

۲- کدام پیامدهای سیاسی - فضایی انسداد فیزیکی مرزها در سیستان و بلوچستان تأثیر بیشتری دارند؟

برای پاسخ به این سؤال و اولویت بندی اهمیت پیامدهای سیاسی - فضایی انسداد فیزیکی مرزها در سیستان و بلوچستان از آزمون فریدمن استفاده شد.

جدول ۷- اولویت‌بندی اهمیت پیامدهای سیاسی- فضایی انسداد فیزیکی مرزها در سیستان و بلوچستان

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

پیامدهای سیاسی- فضایی انسداد فیزیکی مرزها در سیستان و بلوچستان	میانگین رتبه‌ها
نقش نیروهای نظامی در بکارگیری مردم بومی در طرح امنیت پایدار	۵/۲۸
نقش استمرار نظارت‌های مرزی توسط مرزبانان کشور پاکستان و افغانستان	۴/۵۷
تاثیر مبارزه با قاچاق انسان (مهاجرت غیرقانونی) در مبارزه با قاچاق م.م	۳/۷۵
تاثیر مبارزه با قاچاق سوخت در مبارزه با قاچاق م.م	۳/۷۵
نقش امنیتی شدن فضای عمومی استان در اثر توسعه اقدامات نظامی مرزبانی	۳/۵۸
نقش بکارگیری اهل تسنن در مشاغل مهم امنیتی و حاکمیتی استان	۳/۵۷
نقش برخورد قضایی در مبارزه با قاچاق مواد مخدر در استان سیستان و بلوچستان	۳/۵۰

با توجه به جدول (۷)، تعامل نقش نیروهای نظامی در بکارگیری مردم بومی در طرح امنیت پایدار اولویت اول و نقش استمرار نظارت‌های مرزی توسط مرزبانان کشور پاکستان و افغانستان اولویت بعدی خبرگان در زمینه اولویت‌دهی به پیامدهای سیاسی- فضایی انسداد فیزیکی مرزها در سیستان و بلوچستان می‌باشد. با توجه به این جدول این پیامدها از نظر خبرگان پاسخ‌دهنده کمترین اهمیت را از میان پیامدهای سیاسی- فضایی انسداد فیزیکی مرزها در سیستان و بلوچستان دارند.

جدول ۸- آماره آزمون فریدمن

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

تعداد	آزمون کای-دو	درجه آزادی	سطح معناداری
۳۰	۲۰/۳۹۷	۶	۰/۰۰۲

با توجه به نتایج جدول (۸) و سطح معناداری آزمون فریدمن که کوچکتر از ۰/۰۱ می‌باشد، بین میانگین اولویت‌دهی به پیامدهای سیاسی- فضایی انسداد فیزیکی مرزها در سیستان و بلوچستان از سوی خبرگان پاسخ‌دهنده تفاوت معنادار آماری وجود دارد.

۳- کدام پیامدهای اقتصادی انسداد فیزیکی مرزها در سیستان و بلوچستان تأثیر بیشتری

دارند؟

برای پاسخ به این سؤال و اولویت‌بندی اهمیت پیامدهای اقتصادی انسداد فیزیکی مرزها در سیستان و بلوچستان از آزمون فریدمن استفاده شد.

جدول ۹- اولویت‌بندی پیامدهای اقتصادی انسداد فیزیکی مرزها در سیستان و بلوچستان

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

پیامدهای اقتصادی انسداد فیزیکی مرزها در سیستان و بلوچستان	میانگین رتبه‌ها
نقش محرومیت و ضعف اقتصادی استان سیستان و بلوچستان	۲/۹۸
نقش اقدامات حاکمیت از منظر توسعه اقتصادی	۲/۹۸
اهمیت توسعه اقتصادی در بحث مبارزه با قاچاق م.م	۲/۵۲
نقش انسداد مرزی در افزایش مشکلات اقتصادی استان س و ب	۱/۵۲

با توجه به جدول (۹)، نقش محرومیت و ضعف اقتصادی استان سیستان و بلوچستان اولویت اول و نقش اقدامات حاکمیت از منظر توسعه اقتصادی اولویت بعدی خبرگان در زمینه اولویت‌دهی به پیامدهای اقتصادی انسداد فیزیکی مرزها در سیستان و بلوچستان می‌باشد. با توجه به این جدول، نقش انسداد مرزی در افزایش مشکلات اقتصادی استان سیستان و بلوچستان از نظر خبرگان پاسخ‌دهنده کمترین اهمیت را از میان پیامدهای اقتصادی انسداد فیزیکی مرزها در سیستان و بلوچستان دارند.

جدول ۱۰- آماره آزمون فریدمن

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

تعداد	آزمون کای-دو	درجه آزادی	سطح معناداری
۳۰	۳۳/۲۴۵	۳	۰/۰۰۱

با توجه به نتایج جدول (۱۰) و سطح معناداری آزمون فریدمن که کوچکتر از ۰/۰۱ می‌باشد، بین میانگین اولویت‌دهی به پیامدهای اقتصادی انسداد فیزیکی مرزها در سیستان و بلوچستان از سوی خبرگان پاسخ‌دهنده تفاوت معنادار آماری وجود دارد.

۴- کدام پیامدهای اجتماعی انسداد فیزیکی مرزها در سیستان و بلوچستان تأثیر بیشتری

دارند؟

جدول ۱۱- جدول اولویت‌بندی پیامدهای اجتماعی انسداد فیزیکی مرزها در سیستان و بلوچستان

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

پیامدهای اجتماعی انسداد فیزیکی مرزها در سیستان و بلوچستان	میانگین رتبه‌ها
نقش اقدامات حاکمیت از منظر توسعه اجتماعی	۳/۱۵
نقش اقدامات حاکمیت از منظر توسعه فرهنگی	۳/۱۲
نقش انسداد مرزی در افزایش نارضایتی قومیتی در استان سیستان و بلوچستان	۱/۹۵
نقش انسداد مرزی در افزایش مشکلات اجتماعی استان سیستان و بلوچستان	۱/۷۸

با توجه به جدول (۱۱)، نقش اقدامات حاکمیت از منظر توسعه اجتماعی اولویت اول و نقش اقدامات حاکمیت از منظر توسعه فرهنگی اولویت بعدی خبرگان در زمینه اولویت‌دهی به پیامدهای اجتماعی انسداد فیزیکی مرزها در سیستان و بلوچستان می‌باشد. با توجه به این جدول نقش انسداد مرزی در افزایش مشکلات اجتماعی استان سیستان و بلوچستان از نظر خبرگان پاسخ‌دهنده کمترین اهمیت را از میان پیامدهای اجتماعی انسداد فیزیکی مرزها در سیستان و بلوچستان دارند.

جدول ۱۲- جدول آماره آزمون فریدمن

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

تعداد	آزمون کای-دو	درجه آزادی	سطح معناداری
۳۰	۳۷/۳۵۹	۳	۰/۰۰۱

با توجه به نتایج جدول (۱۲) و اینکه سطح معناداری آزمون فریدمن که کوچکتر از ۰/۰۱ می‌باشد، بنابراین بین میانگین اولویت‌دهی به پیامدهای اجتماعی انسداد فیزیکی مرزها در سیستان و بلوچستان از سوی خبرگان پاسخ‌دهنده تفاوت معنادار آماری وجود دارد.

۵- کدام نقش‌های نیروهای بومی، مرزنشینان و بخش خصوصی در کاهش قاچاق مواد مخدر در سیستان و بلوچستان نمود بهتری دارند؟

جدول ۱۳- جدول اولویت بندی نقش های نیروهای بومی، مرزنشینان و بخش خصوصی در کاهش قاچاق مواد مخدر در سیستان و بلوچستان
مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

میانگین رتبه ها	نقش های نیروهای بومی، مرزنشینان و بخش خصوصی در کاهش قاچاق مواد مخدر در سیستان و بلوچستان
۴/۰۲	جغرافیای طبیعی استان سیستان و بلوچستان
۴/۰۰	قرابت قومیتی با بلوچستان پاکستان در امر قاچاق مواد مخدر
۳/۹۲	سطح همکاری های مردم بومی با حاکمیت در امر مبارزه با قاچاق
۳/۱۵	تفاوت های مذهبی اهل تسنن با حاکمیت مرزی
۲/۹۸	نقش مذهب تسنن در همکاری مردم بومی با قاچاق مواد مخدر
۲/۹۳	عوامل طبیعی در مرز به عنوان موانع قاچاق مواد مخدر

با توجه به جدول (۱۳)، جغرافیای طبیعی استان سیستان و بلوچستان اولویت اول و قرابت قومیتی با بلوچستان پاکستان در امر قاچاق مواد مخدر اولویت بعدی خبرگان در زمینه نقش های نیروهای بومی، مرزنشینان و بخش خصوصی در کاهش قاچاق مواد مخدر در سیستان و بلوچستان می باشد. با توجه به این جدول، عوامل طبیعی در مرز به عنوان موانع قاچاق مواد مخدر از نظر خبرگان پاسخ دهنده کمترین اهمیت را از میان گزینه های نقش های نیروهای بومی، مرزنشینان و بخش خصوصی در کاهش قاچاق مواد مخدر در سیستان و بلوچستان دارند.

جدول ۱۴- آماره آزمون فریدمن

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

تعداد	آزمون کای-دو	درجه آزادی	سطح معناداری
۳۰	۱۴/۳۶۲	۵	۰/۰۱۳

با توجه به نتایج جدول (۱۴) و اینکه سطح معناداری آزمون فریدمن که کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد، بین میانگین اولویت دهی به گزینه های نقش های نیروهای بومی، مرزنشینان و بخش خصوصی در کاهش قاچاق مواد مخدر در سیستان و بلوچستان از سوی خبرگان پاسخ دهنده تفاوت معنادار آماری وجود دارد.

با توجه به اینکه از خبرگان خواسته شده بود زیرمعیار یا معیارهای دیگری که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته نشده و لازم است به آن توجه شود را بیان نمایید، در ادامه مضامین مستخرج از نظرات پاسخ‌گویان در این زمینه با روش تحلیل مضمون به صورت جدول مضامین آورده خواهد شد.

جدول ۱۵- مضامین مستخرج از نظرات پاسخ‌گویان در زمینه معیارهای مؤثر در انتخاب الگوی مناسب

مرزی برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹

کد افراد	جملات/ سطرها یا پاراگراف‌ها	مضامین پایه (اصلی)	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
۵	افزایش توان اقتصادی مرزنشینان	توجه به توسعه اقتصادی	بهبود وضعیت اقتصادی	توجه به بهبود وضعیت اقتصادی منطقه
۵	افزایش توان اقتصادی کشور			
۱۵	نقش بازارچه‌های مرزی در کمک به توسعه اقتصادی استان‌های مرزی			
۱۵	سیاست‌مداری اشتباه دولت در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی			
۲۹	مبارزه با محرومیت و ایجاد عدالت			
۲۱	ایجاد اشتغال در استان	توجه به اشتغال		
۳۰	عدم اشتغال‌زایی مناسب برای جمعیتی که بخاطر قاچاق سوخت زیاد شده			
۲۹	توجه به تنوع اقتصادی			
۱۹	توسعه و تقویت راهبرد اقتصاد مقاومتی با رویکرد استقلال اقتصادی منطقه	اقتصاد مقاومتی	اقتصاد مقاومتی	
۲۱	توجه به اقتصاد مقاومتی و آگاه‌سازی مردم نسبت به آن			
۲۰	میزان رفاه نظامیان مأمور به این استان	رفاه نظامیان	رفاه نظامیان	
۱۵	تأثیر قیمت منابع انرژی (بنزین و گازوئیل) و ...	تأثیر قاچاق سوخت و انرژی	قاچاق سوخت و انرژی	توجه به تأثیر قاچاق سوخت و انرژی
۳۰	رشد جمعیت به دلیل به صرفه بودن قاچاق سوخت در استان سیستان و بلوچستان			
۱۹	توسعه و تقویت تعامل و همکاری عناصر ملی مستقر در منطقه	همکاری نیروهای	همکاری و کارآمدی	توجه به نیروهای اجرایی توانمند

کد افراد	جملات/ سطرها یا پاراگرافها	مضامین پایه (اصلی)	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
		اجرایی	نیروهای	
۱۹	دقت در گزینش و انتصاب مدیران اجرایی منطقه	نیروی اجرایی	اجرایی	
۲۲	دانش، تجربه، اقتدار نیروی نظامی و قضایی و امنیتی	کارآمد		
۲۰	برخورد قاطع با مختل کنندگان و هرج و مرج کنندگان در کل استان	برخورد قاطع با ناامنی	حفظ امنیت و مبارزه با	توجه به حفظ امنیت و مبارزه با تروریست در منطقه
۲۱	توجه به نقش تروریست	نقش تروریست	تروریست در منطقه	
۳۰	وجود ناامنی عمومی در مرزها به دلیل وجود گروهکهای تروریستی			
۸	کنترل بیشتر سران طوایف و اشخاص با نفوذ	کنترل سران طوایف		
۱۰	نقش همکاری واقعی سران طوایف در مبارزه با قاچاق مواد مخدر	توجه به همکاری با سران طوایف	نقش سران طوایف	
۱۴	تأثیر نظر مولوی و سرطایفه‌ها			
۱۵	میزان ارتباط نیروهای نظامی با سران طوایف در کاهش قاچاق مواد مخدر			توجه به نقش فرهنگ قومیت‌ها و سران طوایف در منطقه
۱۹	توسعه فرهنگی ملی با رویکرد اسلامی- ایرانی	نقش زیرساخت‌های فرهنگی		
۲۱	توجه به نقش زیرساخت‌های استان			
۲۱	توجه به نقش آموزش در آگاه‌سازی مردم			
۲۱	تأکید بر اشتراک قومیتی و مذهبی و فرهنگی بین مردم		نقش فرهنگ قومیت‌ها در منطقه	
۲۱	دوری و عدم استفاده از افتراق بین مردم در حوزه مذهب و قومیت و فرهنگ	توجه به خرده فرهنگ‌ها		
۲۱	توجه به خرده فرهنگ‌های محلی و ارزش‌گذاری بر آنها			
۱۴	نگاه حاکمیتی مسئولین رده بالای کشور	نگاه عادلانه حکومت	آمایش سرزمینی	توجه به آمایش سرزمینی و منطقه-ای
۲۹	نگاه عادلانه به فضای سرزمین توسط حکومت مرکزی			
۲۲	آمایش سرزمینی	آمایش سرزمینی		
۲۹	توجه جدی به جایگاه سیستان و بلوچستان در آمایش سرزمینی			

کد افراد	جملات/ سطرها یا پاراگرافها	مضامین پایه (اصلی)	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
۲۵	به نظر می‌رسد اگر کشورهای ایران، افغانستان و پاکستان در یک توافق سه جانبه به اجرای آمایش منطقه‌ای مرزی روی بیاورند، می‌توانند توسعه انواع قاچاق به خصوص قاچاق مواد مخدر در منطقه سیستان و بلوچستان را کاهش دهند.	آمایش منطقه ای	آمایش منطقه ای	

با توجه به جدول (۱۵)، شش مضمون (توجه به بهبود وضعیت اقتصادی منطقه، توجه به تأثیر قاچاق سوخت و انرژی، توجه به نیروهای اجرایی توانمند، توجه به حفظ امنیت و مبارزه با تروریست در منطقه، توجه به نقش فرهنگ قومیت‌ها و سران طوایف در منطقه، توجه به آمایش سرزمینی و منطقه‌ای) به عنوان نظرات پاسخ‌گویان در جهت تکمیل معیارهای مؤثر در انتخاب الگوی مناسب مرزی برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر مطرح گردیده است.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مسائل و چالش‌های جهانی و منطقه‌ای برای کشورها، همواره در حال رشد هستند. یکی از این چالش‌ها که در این مقاله به آن پرداخته شده است، معضل تولید و قاچاق مواد مخدر می‌باشد. مواد مخدر به یکی از پرسودترین کالاهایی تبدیل شده است که حتی دولت‌ها حتی به بخشی از شبکه مافیایی آن تبدیل شده‌اند. هرچند دولت‌ها برای حد و حدود قلمرو سرزمینشان، مرزهایی را تعریف کرده‌اند، ولی به دلیل عدم مدیریت صحیح و در بعضی موارد به صورت تعمدی، در ورود و خروج مواد مخدر به داخل مرزهایشان و سپس ترانزیت آن به مکان و منطقه‌ای دیگر، همراه و همکار هستند. مواد مخدر در منطقه هلال طلایی آسیا و در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به یک پدیده بحران‌زا تبدیل شده است که از دلایل آن می‌توان به ورود دولت‌ها و سیاستمداران برای تجارت در این زمینه اشاره کرد. بحران‌زا شدن تولید و توزیع مواد مخدر و شکل‌گیری مافیای آن که گستره جهان از کلمبیا در قاره آمریکا تا جنوب شرق آسیا و مثلث طلایی آسیا را دربرمی‌گیرد، باعث شده تا اصطلاحی به نام نارکوتروریسم نیز وضع شود. مرگ سالانه افرادی که درگیر مواد مخدر می‌شوند؛ یعنی چه افرادی که استفاده

می‌کنند و چه نیروهای نظامی و مرزبانی که در درگیری‌ها با باندهای مافیایی کشته می‌شوند، از موضوعات مطرح هستند که باید به شکل اجماع جهانی به این مسئله توجه شود.

استان سیستان و بلوچستان محرومترین استان کشور است. چالش‌های اساسی در مبارزه با قاچاق مواد مخدر، مسائل و مشکلات اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و حتی سیاسی دارد. وضعیت ناامنی‌ها و بیکاری مردم این استان و گرایش برای قاچاق و همکاری با قاچاقچیان، به این دلیل است تا بتوانند امرار معاش کنند و این امر باعث شده است تا به همراه دیگر مشخصه‌ها مانند محیط طبیعی و سرزمینی منطقه، زمینه‌های تجارت مواد مخدر فراهم گردد. در ایران، پاکستان و افغانستان، قاچاق مواد مخدر در گستره وسیعی جریان دارد. راه‌ها و مواصلاتی که در این منطقه وجود دارد شرایط فعالیت قاچاقچیان را هموار کرده است. اقداماتی که از سوی دولت ایران در طی سال‌ها برای مبارزه با اشرار و قاچاقچیان انجام گرفته است، بعضی موارد یک‌طرفه و بدون همکاری دو کشور دیگر بوده است که باعث شده است تا وضعیت بغرنجی برای مردم استان و حتی کل کشور در زمینه مواد مخدر شکل بگیرد. سود سرشار از این ماده افیونی برای قاچاقچیان و حتی دولت‌های کشور افغانستان و پاکستان، از دلایل کم‌کاری و اهمال آن‌ها در همکاری با دولت ایران است. در یافته‌های کتابخانه‌ای مشاهده می‌شود که تأثیرات اقتصادی، اجتماعی و امنیتی قاچاق مواد مخدر وضعیت بحرانی را برای استان به همراه داشته است. براساس این یافته‌ها، قانون در ارتباط با قاچاق مواد مخدر در ایران دچار خلأ است و قانون‌گذار هنوز نتوانسته است قانون جامعی را وضع نماید.

نظر به اینکه در زمینه مدیریت مرزها، الگوها و مدل‌های گوناگونی مطرح شده است؛ با توجه به وضعیت منطقه هلال طلایی، مدل یکپارچه مرزی به نظر نویسندگان، کاربردی مناسبتری دارد. براساس یافته‌های این مقاله، الگوی مدیریتی گشت‌زنی و بازرسی که باید دولت‌های ایران، افغانستان و پاکستان، با همکاری و همیاری یکدیگر آن را اجرا کنند، الگوی مناسبی برای حفاظت از مرزهای شرقی کشور است.

کتاب‌نامه

۱. اطاعت، ج.، و موسوی، س. ز. (۱۳۹۰). رابطه متقابل امنیت ناحیه‌ای و توسعه‌یافتگی فضاهای سیاسی با تأکید بر سیستان و بلوچستان. فصل‌نامه ژئوپلیتیک، ۷(۱)، ۸۷-۷۰.
۲. افشردی، م. ح.، جان‌پرور، م.، احمدی‌پور، ز.، و قصری، م. (۱۳۹۳). تبیین شاخص‌های مؤثر در مدیریت مرزها. فصل‌نامه ژئوپلیتیک، ۱۰(۲)، ۳۵-۱.
۳. آفتاب، ا.، و هوشمند، ا. (۱۳۹۷). تدوین راهبردهای دفاعی و امنیتی در مناطق مرزی استان آذربایجان غربی با رویکرد آمایش سرزمین. فصل‌نامه راهبرد دفاعی، ۱۶(۶۳)، ۱۸۷-۱۵۴.
۴. اعظمی، ه.، دهمرده، م.، و جمال، س. (۱۳۹۱). بررسی و تحلیل عمده‌ترین چالش‌های امنیتی مرزهای استان سیستان و بلوچستان. همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت چالش‌ها و رهیافت‌ها. ۳۰ و ۳۱ فروردین ۱۳۹۱. دانشگاه سیستان و بلوچستان. صص. ۱۲۲-۱۱۰.
۵. حافظ‌نیا، م. ر. (۱۳۸۳). تحلیل کارکردی مرز بین‌المللی، مرز ایران و افغانستان. فصل‌نامه مدرس علوم/انسانی، ۸(۴)، ۷۸-۶۹.
۶. درایسدل، آ.، و بلیک، ج. (۱۳۷۰). جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا (د. میرحیدر، مترجم) (چاپ دوم). تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۷. ستاد مبارزه با مواد مخدر. (۱۳۹۱). کتاب سال ستاد مبارزه با مواد مخدر (چاپ اول). تهران: دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر.
۸. سرور، ر.، محمدی‌حمیدی، س.، و ویسیان، م. (۱۳۹۳). بررسی شاخص‌های توسعه در مناطق مرزی در راستای تحقق امنیت پایدار (مطالعه موردی: شهرستان‌های مرزی استان آذربایجان غربی). فصل‌نامه پژوهش‌های جغرافیای انتظامی، ۲(۷)، ۵۴-۲۵.
۹. شاطریان، م.، گنجی‌پور، م.، و اشنویی، ا. (۱۳۹۲). تأثیر وضعیت اجتماعی اقتصادی مرزنشینان بر قاچاق کالا (مطالعه موردی: استان‌های سیستان و بلوچستان، بوشهر و کردستان). فصل‌نامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۵(۲)، ۱۷۸-۱۵۷.
۱۰. علمدار، اس.، راستی، ع.، و زرقانی، س. ه. (۱۳۹۷). تحلیل پیامدهای استقرار مرز و اجرای طرح‌ها و سیاست‌های مرزی، نمونه موردی: روستاهای مرزی ایران و افغانستان (یزدان، کبوده و مزرعه نظر خان). فصل‌نامه آمایش سیاسی فضا، ۱(۴)، ۲۰۰-۱۸۹.

۱۱. قادری حاجت، م.، عبدی، ع.، جلیلی پروانه، ز.، و باقری سرنجیانه، ن. (۱۳۸۹). تبیین نقش بازارچه-های مرزی در امنیت و توسعه پایدار نواحی پیرامون، مطالعه موردی: بازارچه‌های مرزی استان خراسان جنوبی. فصل‌نامه ژئوپلیتیک، ۶ (۳)، ۱۵۱-۱۲۱.
۱۲. قهرمانی، ا.، و علیزاده، س. (۱۳۹۴). بررسی جرائم سازمان‌یافته با تأکید بر قاچاق مواد مخدر و راهکارهای پیشگیرانه آن. فصل‌نامه سلامت اجتماعی و اعتیاد، ۲ (۷)، ۱۵۰-۱۲۳.
۱۳. محمدی، ح. ر.، و فخرفاطمی، ع. ا. (۱۳۸۴). نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه فضایی مناطق مرزی (پژوهش موردی: بازارچه مرزی باجگیران). فصل‌نامه ژئوپلیتیک، ۱ (۱)، ۷۶-۵۵.

14. Duggan, R. A. (2008). A model for international border management systems: Sandia national laboratories. Retrieved from [https:// www.osti.gov/ servlets/ purl/ 941405](https://www.osti.gov/servlets/purl/941405)



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2021.69240.1023>

مقاله پژوهشی - مطالعه موردی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال نوزدهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۳۶

تحلیل نابرابری فضایی سکونتگاه‌های رسمی و غیررسمی محلات منطقه دو شهر تهران

احمد پوراحمد (استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

apoura@ut.ac.ir

حسین حاتمی‌نژاد (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

hataminejad@ut.ac.ir

شهرام چرخان (کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

shahramcharkhan@ut.ac.ir

صص ۲۹۳ - ۳۲۰

چکیده

دستیابی به توسعه، مستلزم برقراری تعادل در درون شهر می‌باشد که در قالب عدالت فضایی در شهر بروز می‌کند. برقراری عدالت اجتماعی و به تبع آن عدالت فضایی راه‌حل بسیاری از نارسایی‌ها و ناهنجاری‌ها در شهر است. در این فرایند اسکان غیر-رسمی و نابرابری فضایی کانون بی‌ثباتی و تعارض محسوب می‌شوند و به واسطه فرایندهای مشابه به یکدیگر مرتبط می‌گردند. هدف این مقاله، بررسی عوامل ساختاری موثر بر شاخص‌های عدالت فضایی سکونتگاه‌های غیررسمی منطقه دو تهران است که با استفاده از روش‌های تحلیل عاملی، آمار فضایی در محیط GIS، به مقایسه تطبیقی نابرابری فضایی محلات غیررسمی و تحلیل شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و رفاهی-کالبدی این محلات پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که محلات منطقه دو شهر تهران، به لحاظ برخورداری از شاخص‌های مورد بررسی در وضعیت مناسبی قرار ندارند. محلات شهرک غرب و پونک در بهترین وضعیت برخورداری و

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۴ تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۵/۰۳

محلات اسلام‌آباد و فرحزاد در بدترین وضعیت برخورداری از شاخص‌های مطرح شده، قرار دارند. در مجاورت محلات کم‌برخورداري مانند اسلام‌آباد و فرحزاد، در محلات برخوردار منافع عده‌ای محدود و مرفه شکل گرفته، انگاره‌ای که نشانگر مهندسی نسبتاً دقیق، علم، فن و معماری و ... می‌باشد (تولید فضای برآمده از رفاه). در مقابل، فضایی که تنها براساس رفع نیاز ساده توده فقیر شکل می‌گیرد و هر روز در یک سیر قهقرايي رو به زوال است (تولید فضای برآمده از فقر)، به نابرابری هرچه بیشتر محله اسلام‌آباد و فرحزاد و حتی کوهسار با محلات هم‌جوارشان دامن می‌زند. این مهم، نمایانگر این است که در محلات برخوردار همبودگی پول، سرمایه، قدرت، رانت و... بر فضا غالب شده و موجب شکل‌گیری فضای نابرابر در کل منطقه و پهنه‌های هم‌جوار در ساختار فضایی منطقه دو می‌شود.

کلیدواژه‌ها: اسکان غیررسمی، نابرابری فضایی، تولید فضا، بورژوازی مستغلات، منطقه دو.

۱. مقدمه

روند شهری شدن جوامع به سرعت رو به افزایش گذاشته و شهرنشینی از مشخصه‌های بارز عصر حاضر است. «تا سال ۲۰۵۰ میلادی، از هر ده نفر، هفت نفر در شهرها زندگی خواهند کرد. با این اوصاف سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های نامناسب، به توزیع فضایی نامطلوب مردم و فعالیت‌های آن‌ها منجر شده و در نتیجه گسترش محله‌های فقیرنشین، تراکم نامناسب، دسترسی ضعیف به خدمات پایه‌ای، تخریب محیط‌زیست و نابرابری اجتماعی و تبعیض را در پی خواهد داشت. شهرها به‌خصوص در ممالک کمتر توسعه‌یافته به واسطه رشد شتاب‌زده با چالش‌های گوناگونی روبه‌رو هستند. پیامدهایی از قبیل ناکافی بودن مسکن مناسب، روند رو به گسترش اسکان غیررسمی^۱، فقر شهری^۲ و نابرابری فضایی^۳ (برآمده از ناهمگونی توسعه کالبدی - فضایی با توزیع منابع، خدمات و تسهیلات و...) در سطح شهر

1. Informal settlement

2. Urban poverty

3. Spatial inequality

ازجمله چالش‌های پیش رو و حال حاضر شهرها است» (هیتت^۱، ۲۰۱۵، ص ۳۰). از آنجا که جهت‌گیری اساسی مطالعات جغرافیایی تعیین اختلاف در محتوای فضایی سطح زمین و تحلیل روابط فضایی در درون همان عالم است (جنسن، ۱۳۷۶، ص. ۱۸) و فضا در همه جای اندیشه مدرن هست، جامعه‌ای است بر تن نظریه (کرنک و ثریفت، ۱۳۹۴، ص. ۱۶). بر همین اساس، «مفاهیم فضایی عدالت اجتماعی برای تعدادی از سازمان‌های فعال و جنبش‌های اجتماعی شهری به صورت دغدغه‌ای مشترک درآمده است» (جودی گل لر، زمانیان، فتحی، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۸). مسئله عدالت از پیشینه‌ای تاریخی و مناقشه‌برانگیز در تمام اندیشه و مذاهب از ادوار دور تا به کنون برخوردار است، اما از دهه هفتاد میلادی با آثار جان رالز^۲ عدالت به مثابه انصاف^۳، دیوید هاروی^۴ عدالت اجتماعی و شهر^۵، هانری لِه فور^۶ حق به شهر^۷ پای به عرصه برنامه‌ریزی شهری می‌گذارد. «به سخن داداش‌پور مفهوم عدالت فضایی^۸، انتقادی از طرد، به حاشیه راندن، تسلط و سرکوب سیستماتیک است» (داداش‌پور، علیزاده، رستمی، ۱۳۹۴، ص. ۱). در واقع، نابرابری فضایی، تجلی مکانی نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شود. در این میان، دانشوران امور شهری رادیکال از جمله لِه فور، هاروی، مانوئل کاستلز^۹ در نظریه‌های شهری خود به نقد قدرت، نابرابری، بی‌عدالتی و فرصت‌جویی در شهرها می‌پردازند. بر همین سیاق، اگر بنا باشد در جامعه‌ای متکثر عادلانه زندگی کنیم باید نابرابری فضایی سکونتگاه‌ها را به حداقل برسانیم. «بنابراین مهم‌ترین رسالت برنامه‌ریزان و مدیران شهری در این زمینه تلاش برای دستیابی به آرمان «فرصت‌های برابر» در دسترسی گروه‌های مختلف جامعه شهری به خدمات شهری و از بین بردن تضاد در تأمین فرصت‌های آموزشی، بهداشتی، خدماتی و مانند آن است» (حاتمی نژاد، فرهودی، محمدپور، ۱۳۸۷، ص. ۷۲). «با وجود پیشرفت‌های صورت گرفته تا سال ۲۰۱۴، تعداد افرادی که در سکونتگاه‌های غیررسمی

1. Habitat

2. Rawls

3. Justice As Fairness

4. David W. Harvey

5. Social Justice & The City

6. Henri Lefebvre

7. Le droit à la ville

8. Spatial justice

9. Manuel Castells

زندگی می‌کنند از ۷۵۰ میلیون در سال ۱۹۹۶ به یک میلیارد در جهان رسیده و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰ سه برابر شود» (هیتیت، ۲۰۱۶، ص. ۵۹). در حالی که مطالعات انجام شده در کشورهای در حال توسعه، حاکی از گسترده‌ی روزافزون این پدیده است. «به‌طوری که صدها میلیون نفر از مردم جهان، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، در سکونتگاه‌های غیررسمی در شرایط بد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی زندگی می‌کنند» (زیاری و نوذری، ۱۳۸۸، ص. ۲۱). پدیده سکونتگاه غیررسمی و مسکن کم‌درآمدها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل و مشکلات جامعه شهری ایران به‌خصوص شهرهای بزرگ، ازجمله تهران رخ‌نمایی می‌کند. اهم این موضوعات که شرح آن رفت، با نگاهی به سرنوشت این اسناد و طرح‌های شهری و منطقه‌ای از چند دهه پیش که حاکی از ناتوانی این طرح‌ها و برنامه‌ها است، منجر به گسترش اسکان غیررسمی، عدم تعادل فضایی در کانون‌های جمعیتی، گسست فضایی، ناپایداری شهری و تحمیل هزینه‌های مضاعف به دولت و ملت در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست‌محیطی شده است که اهمیت و ضرورت پرداختن به مسئله اسکان غیررسمی و تعادل فضایی در شهر را بیش از پیش آشکار می‌سازد. هرچند کلان‌شهر تهران مرکز بهترین و متنوع‌ترین خدمات برای شهروندانش است، لکن محیطی مناسب جهت شکل‌گیری انواع آسیب‌ها و مسائل شهری نیز می‌باشد. در حال حاضر نیز یکی از مهم‌ترین مسائل آن که نیازمند توجه فراوان است، پیدایش و رشد گسترده پدیده اسکان غیررسمی است که معلول عوامل گوناگون مانند مهاجرت‌های مداوم داخلی از روستاها و شهرهای کوچک به پایتخت، تحریم‌ها، جنگ و ... می‌باشد.

بررسی آمار و اطلاعات مربوط به رشد محدوده اسلام‌آباد و فرح‌زاد از آغاز شکل‌گیری، تمام ویژگی‌های مربوط به چگونگی تولید یک سکونتگاه غیررسمی را نمایان می‌کند، ولی در عمل چندان توجهی به این مسئله نشده است به‌طوری که امروزه نه تنها ساکنان اسلام‌آباد بلکه سایر محلات اطراف آن نظیر سعادت‌آباد و شهرک مسکونی آتی‌ساز و ... نیز با مشکلات ناشی از وجود چنین سکونتگاه‌هایی روبه‌رو هستند. مشکلاتی که شاید بر اثر عدم توجه و رسیدگی برخی مسئولان چه در مرحله تشکیل شدن این سکونتگاه و چه در روند رشد آن به وجود آمده است. وجود معضلات و مشکلات عدیده اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، ایمنی، امنیتی و

به‌خصوص نابرابری‌های فضایی، بازتولید فقر و فقدان عدالت فضایی و اجتماعی، به‌طوری که هر لحظه می‌تواند منجر به بروز بحران در شهر شود، ضرورت و اهمیت این مهم را برای برنامه‌ریزان شهری و جامعه علمی و نهاد برنامه‌ریزی کشور مشخص می‌کند. این تحقیق نیز با تأکید بر عدالت فضایی به دنبال پاسخ به این سؤال است که وضعیت عدالت فضایی در سطح محلات منطقه دو شهر تهران و بالاخص سکونتگاه‌های غیررسمی آن چگونه است.

۲. پیشینه تحقیق

به‌طور کلی مطالعات علمی اندکی بر روی عدالت فضایی و بررسی آن در سکونتگاه‌های غیررسمی صورت گرفته است و مطالعات صورت گرفته نیز بیشتر بر یک نوع واحد از تسهیلات متمرکز شده‌اند. در جدول زیر مطالعات صورت گرفته در زمینه عدالت فضایی و اسکان غیررسمی از منابع خارجی و داخلی اشاره شده است.

جدول ۱- پیشینه تحقیق

مأخذ: مطالعات نگارندگان، ۱۳۹۶

ابعاد	نام محقق یا مؤسسه تحقیقاتی	سال	عنوان	نتیجه
عدالت فضایی	Mitchell	2003	The Right to the City: Social Justice and the Fight for Public Space	کتاب دن میچل تحت عنوان حق مشخص به شهر مشخص: عدالت اجتماعی و مبارزه برای فضای عمومی، به طرح پرسش‌های در خصوص ماهیت فضای عمومی و چگونگی استفاده از آن و همچنین پرداخته و با ترکیب تجزیه و تحلیل تاریخی و جغرافیایی در این کتاب به بررسی رابطه حیاتی بین مبارزات بر سر فضا عمومی و جنبش‌های عدالت اجتماعی در ایالات متحده می‌پردازد. میچل با تحلیل‌های خود به این نتیجه می‌رسد که حق مشخص به شهر مشخص برای گروه‌های بی‌خانمان و به حاشیه رانده شده به اهمیت ضرورت حق حیات است.
	Soja	2012	The City and Spatial Justice	این مقاله تحت عنوان «شهر و عدالت فضایی»، به بررسی مفهوم عدالت و نسبت آن با شهر می‌پردازد و تلاش دارد

ابعاد	نام محقق یا مؤسسه تحقیقاتی	سال	عنوان	نتیجه
				به چند سؤال اساسی در این خصوص جواب دهد. از جمله: منظور از عدالت فضایی در شهر چیست؟ چرا عدالت فضایی و چرا اکنون؟
	Setiano & Gamal	2021	Spatial justice in the distribution of public services	این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه مفهوم عدالت فضایی منتج از مفهوم عدالت اجتماعی است. این مطالعه همچنین رابطه بین ساختار اجتماعی- فضایی در توزیع نا عادلانه خدمات عمومی مانند شرایط زندگی اولیه مناسب، فضاهای عمومی و زیرساخت‌ها را مورد بحث قرار داده است.
	عمران زاده، بهزاد	۱۳۹۴	تبیین عدالت فضایی در شهر آرمانی اسلام (مطالعه موردی: کلان‌شهر تهران)	رساله ضمن پرداخت عام به موضوع شهر اسلامی و تصویرسازی نسبتاً روشن نسبت به چستی چنین شهری، به تدوین مبانی نظری شهر اسلامی در زمینه عدالت فضایی و استخراج اصول و معیارهای آن پرداخته است که نتایج به دست آمده حاکی از توان عظیم منابع اسلامی در زمینه نظریه‌پردازی علمی در حوزه‌های موضوعی متکی به مبانی معرفت‌شناختی می‌باشد. از نتایج قابل توجه رساله، دستیابی به مدل نظریه‌ای کلان با عنوان «مدل بنیادین عدالت اجتماعی- فضایی» و «مدل استراتژیک پیاده‌سازی عدالت اجتماعی و فضایی» و همچنین ارائه مدل کمی «شاخص عدالت فضایی (SJ) در زمینه سنجش میزان عدالت فضای در سطوح شهری و منطقه‌ای می‌باشد.
	رفیعیان و همکاران	۱۳۹۸	تحلیل گفتمان عدالت فضایی در سند سیاست‌گذاری مدیریت شهری تهران	یافته‌های پژوهش آن‌ها حاکی از آن است که در سند سیاست‌گذاری مدیریت شهری تهران به معیارهای نفی حاشیه‌ای شدن، همه شمولی، برابری فرصت‌ها و مشارکت توجه بیشتری نشان داده است. همچنین نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که در این سند، برخی زمینه‌ها و ابعاد عدالت فضایی مورد توجه قرار گرفته است و می‌توان آن را وجود نسبی عدالت حالت فضایی در مدیریت شهری تعبیر کرد.

ابعاد	نام محقق یا مؤسسه تحقیقاتی	سال	عنوان	نتیجه
	عقبیلی و همکاران	۱۴۰۰	تحلیل شاخص‌های عدالت فضایی در ساختمان‌های بلندمرتبه گرگان	نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که بین مؤلفه‌های عدالت فضایی و رضایتمندی شهروندان ساکن در ساختمان‌های بلندمرتبه رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج آن‌ها نشان داد که دسترسی نامناسب ساکنان ساختمان‌های بلندمرتبه و کاهش کیفیت خدمات، سطح رضایتمندی آن‌ها را کاهش داده است.
اسکان غیررسمی	Owen & Wong	۲۰۱۳	An approach to differentiate informal settlements using spectral, texture, geomorphology and road accessibility metrics	در مقاله «رویکرد متفاوت به سکونتگاه‌ها غیررسمی با استفاده طیف، بافت، ژئومورفولوژی، راه و معیارهای دسترسی» با تجزیه و تحلیل شکل (فرم)، ژئومورفولوژی زمین، بافت، شبکه‌های جاده با بررسی‌های میدانی و استفاده از عکس‌های هوایی با استفاده از بیست و چهار متغیر محیطی پرداخته که در نهایت با تجزیه و تحلیل مغیرها هفت متغیر اصلی در تشخیص و گونه‌شناسی سکونتگاه غیررسمی در شناسایی اسکان غیررسمی گواتمالا در کشورهای آمریکای لاتین و دیگر کشورهای کمتر توسعه‌یافته دست پیدا می‌کند.
	Ezebilo & Savadogo	۲۰۲۱	Preferences for Infrastructure and Determinants of Decision to Live in a Makeshift House in Informal Settlements	نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که همه ساکنان منطقه مورد بررسی از پروژه توانمندسازی حمایت کرده و هزینه‌های خدمات مرتبط با زیرساخت‌ها و خدمات ارائه شده توسط پروژه را می‌پردازند. همچنین نتایج آن‌ها نشان داد که تصمیم برای زندگی در یک خانه موقت تحت تأثیر عواملی مانند مالکیت خانه و زمین، فراوانی جرم در منطقه، اندازه خانوار، شغل، دسترسی به توالی و تعداد سال‌های زندگی در سکونتگاه غیررسمی بوده و محدود کردن ظهور سکونتگاه‌های غیررسمی جدید نیازمند ایجاد یک مکانیسم مؤثر می‌باشد.
	Aljafreh et al.	۲۰۲۱	The social role of open spaces in informal settlements in Jordan	نتایج آن‌ها نشان داد که مالکیت زمین بر فضاهای باز، جنسیت و سن تأثیر بسزایی بر روابط و تعامل اجتماعی افراد دارد. همچنین نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که علیرغم اینکه مورفولوژی غیررسمی مناطق مورد مطالعه تصادفی،

ابعاد	نام محقق یا مؤسسه تحقیقاتی	سال	عنوان	نتیجه
				برنامه‌ریزی نشده و آشفته است، اغلب یک منطق اساسی برای برآوردن نیازهای ساکنان وجود دارد.
	زالی و همکاران	۱۳۹۴	ارزیابی و نقدی بر طرح ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شیراز؛ مطالعه موردی محله مهدی آباد (کنس بس)	با تأکید بر مفاهیم و اصول توانمندسازی به بررسی میزان موفقیت طرح ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر شیراز، رأی به عدم موفقیت آن می‌دهد. نتیجه پژوهش حاکی از آن است که طرح توانمندسازی محله در مسیر دستیابی به اهداف خود تا به حال موفق نبوده و مهم‌ترین علل آن وجود نگرش آمرانه در مراحل تهیه، تصویب و اجرای طرح است که ناقض مهم‌ترین اصول توانمندسازی یعنی مشارکت محوری و نهادسازی و آگاه‌سازی است.
	نجفیکانی و همکاران	۱۳۹۹	تحلیلی بر تنگناها و راهبردهای توسعه کالبدی و فیزیکی سکونتگاه‌های غیررسمی (محله‌های حاشیه‌ای و پیرامونی بابل)	این پژوهش ضمن بررسی چالش‌های توسعه در منطقه مورد مطالعه، راهبردهای کلیدی را در راستای مسکن غیررسمی ارائه نموده است. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که عدم توسعه نواحی پیرامون شهر بابل ناشی از پایین بودن درآمد حاشیه‌نشینان، وجود بافت‌های آشفته که به تدریج شکل گرفته و یا روستاهای الحاقی به شهر و هزینه بودن عمران و آبادانی مناطق حاشیه‌نشین می‌باشد.
	ایمان‌پور	۱۴۰۰	تحلیل سناریوهای اسکان غیررسمی در شهرهای شمال شرق ایران (مورد مطالعه: شهر بجنورد)	نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که از مجموع ۲۶ عامل مورد بررسی، شش عامل رشد جمعیت، تداوم مهاجرت به شهرها، دسترسی به مراکز مهم، وجود مزیت‌های محله برای مهاجرین کم‌درآمد از قبیل ارزان بودن زمین، وجود جاده اصلی، بیکاری و ضعف مدیریت شهری به‌عنوان پیشران‌های کلیدی تأثیرگذار بر اسکان غیررسمی شهر بجنورد شناسایی شدند.

۳. روش تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع و اهداف تحقیق، رویکرد حاکم بر فضای تحقیق توصیفی-تحلیلی است. علاوه بر این با توجه به اینکه از روش‌های کتابخانه‌ای نیز در این تحقیق استفاده می‌شود، می‌توان آن را جزء تحقیقات اسنادی نیز محسوب داشت. جامعه آماری تحقیق، محلات منطقه دو شهر تهران است. بدین منظور، در این پژوهش ابتدا داده‌های مورد نیاز از طریق مراکز، سازمان‌های مربوطه و همچنین مشاهدات و مطالعات میدانی جمع‌آوری گردیده است. در بخش تحلیلی پژوهش، ابتدا با توجه به ذکر ابعاد و شاخص‌های مربوط به هر بعد و همچنین روش‌های استخراج شاخص‌ها و مدل‌های مورد استفاده، نتایج وزن‌دهی، رتبه‌بندی در منطقه مورد مطالعه و محدوده‌های هدف و همچنین تحلیل نتایج رتبه‌بندی با استفاده از آمار فضایی ارائه خواهد شد. برای وزن‌دهی به شاخص‌ها از روش تحلیل عاملی در نرم‌افزار SPSS استفاده شده است، در ادامه با در نظر گرفتن شاخص‌های متعدد در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و رفاهی/کالبدی به صورت یکپارچه به رتبه‌بندی محلات به لحاظ شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی - رفاهی پرداخته شده است. بدینگونه که متناسب با اهداف مقاله، ابتدا ابعاد مورد بررسی و شاخص‌های مؤثر بر نابرابری فضایی مشخص می‌گردد، در ادامه برای ابعاد مختلف، معیارها، زیر معیارها و شاخص‌های قابل سنجش اقتباس می‌شود.

جدول ۲- شاخص‌های مورد استفاده در پژوهش

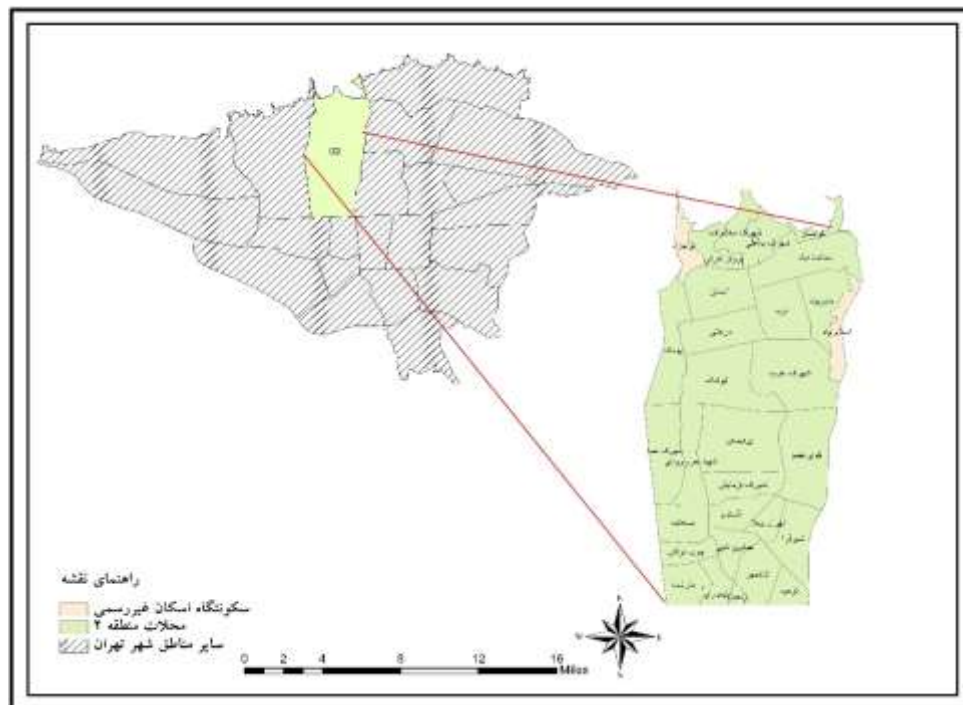
مأخذ: مطالعات نگارندگان، ۱۳۹۶

اجتماعی	اقتصادی	کالبدی
بعد خانوار و تراکم جمعیت در محلات	اشتغال و بیکاری	درصد واحدهای مسکونی برخوردار از کلیه امکانات آب لوله‌کشی، برق، گاز، تلفن و ...
سهم شاغلان برحسب گروه‌های اصلی شغلی	زیربنای واحد مسکونی	درصد خانوارهای برخوردار از رایانه
میزان سواد	مالکیت / اجاره‌نشینی	درصد خانوارهای برخوردار از تلفن ثابت در محله
سهم جمعیت باسواد هر محله از میزان تحصیلات عالی	کیفیت مسکن	درصد مالکیت خودرو در محلات

اجتماعی	اقتصادی	کالبدی
میزان مهاجرپذیری	جمعیت فعال	میزان دسترسی محله به خدمات آموزشی
درصد جمعیت بومی در هر محله	مشارکت اقتصادی مردان	میزان دسترسی محله به خدمات بهداشتی
تعداد اتاق در اختیار خانوار	مشارکت اقتصادی زنان	میزان دسترسی محله به فضاهای ورزشی
درصد خانوارهای دارای معلول	-----	میزان دسترسی محله به فضاهای فرهنگی
		میزان دسترسی محله به حمل و نقل عمومی
		میزان دسترسی محله به فضاهای سبز

۱.۳. منطقه مورد مطالعه

منطقه مورد مطالعه این پژوهش، محلات مناطق دو شهر تهران می‌باشد. در این پژوهش، نابرابری فضایی شهری در سطح بلوک‌های آماری در محلات این منطقه شهر تهران مورد ارزیابی قرار گرفته است. دلیل انتخاب این منطقه، تفاوت‌های محیطی و اقتصادی اجتماعی موجود در محلات و همچنین مجاورت و گسترش این مناطق در بخش‌های شمالی و مرکزی و همچنین اختلاف‌های اجتماعی-اقتصادی محسوس در برخی محلات آن می‌باشد. منطقه دو شهر تهران از شمال به محدوده قانونی شهر (تراز ۱۸۰۰ متر)، از جنوب به خیابان آزادی، از شرق به بزرگراه چمران و مسیل درکه و از به بزرگراه محمدعلی جناح، بلوار اشرفی اصفهانی و مسیل فرحزاد محدود می‌گردد. براساس آمار شهرداری منطقه دو در سال ۱۳۹۵، جمعیت منطقه دو بالغ بر ۶۴۰۳۴۱ نفر می‌باشد. (گزارش نهائی طرح جامع تهران، ۱۳۸۵، ص. ۴۲). بر اساس آخرین تقسیمات (۱۳۹۵)، این منطقه دارای ۹ ناحیه و ۲۱ محله می‌باشد. در این میان از مجموع محلات مورد پژوهش، دو محله اسلام‌آباد و فرحزاد محلات کم‌برخوردار و آسیب‌پذیر منطقه محسوب می‌شوند و تحت برچسب اسکان غیررسمی در نظام برنامه‌ریزی شهری شهر تهران شناخته می‌شوند. لاجرم با توجه به گستردگی محلات و نواحی منطقه به معرفی این دو محله، یعنی فرحزاد و اسلام‌آباد که هدف تحقیق محسوب می‌شوند، اکتفا کرده است.



شکل ۱- موقعیت محدوده مورد مطالعه

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶

۴. مبانی نظری

۴.۱. اسکان غیررسمی و عدالت فضایی

عدالت اجتماعی مفهومی مدرن است که به تحقق فرصت‌ها و زندگی و شانس برابر اشاره می‌کند. در حقوق بشر از عدالت اجتماعی به عنوان رقابت یاد می‌کنند (احدنژاد و نجفی، ۱۳۹۵، ص. ۳۶). پانتام^۱ عدالت اجتماعی را برابری تعهدات و مسئولیت‌های مدنی در میان جامعه و برابری گستردگی مشکلات در میان گروه‌های مختلف جامعه تعریف می‌کند (داداش-پور و رستمی، ۱۳۹۰، ص. ۶). در جهت رسیدن تمامی ساکنان شهرها به نیازهایشان به صورت یکسان، مبحث عدالت اجتماعی در فضای شهری به وجود می‌آید که بی‌توجهی به آن تبعات بسیار ناگواری، همچون حاشیه‌نشینی و تراکم بیش از حد یک منطقه، توسعه یک‌جانبه

1. Pantam

شهرها، خالی شدن برخی از محدوده‌های شهری، بورس بازی زمین و ده‌ها مسئله و مشکل دیگر را در پی خواهد داشت (خوش‌روی، ۱۳۸۵، ص. ۱۲). یکی از مهم‌ترین وجوهی که هر برنامه توسعه شهری باید به آن بپردازد مقوله عدالت است؛ زیرا نظریه‌های برنامه‌ریزی اساساً مشروعیت فرایندهای برنامه‌ریزی شهری را به موضوع ارتقای عدالت معطوف کرده‌اند، مثلاً فاینشتاین در مطالعه «نظریه‌های برنامه‌ریزی و شهر» برنامه‌ریزی را خلق آگاهانه شهر عادلانه می‌داند (فاینشتاین^۱، ۲۰۰۵، ص ۱۲۱). عدالت در شهر باید به دنبال تخصیص مناسب و متناسب امکانات و خدمات، استفاده از توان‌های بالقوه و بالفعل، از بین بردن شکاف بین فقیر و غنی و جلوگیری از به وجود آمدن زاغه‌های فقر در شهر باشد؛ در نتیجه هر گونه برنامه‌ریزی شهری مبتنی بر عدالت اجتماعی در شهر باید بتواند هم در توزیع نیازها، منافع عمومی و استحقاق و هم در تخصیص آن‌ها مؤثر باشد (هاروی، ۱۳۷۹، ص. ۱۲۰). در این راستا، کاربری‌ها و خدمات شهری از جمله عوامل مفیدند که با پاسخ‌گویی به نیاز جمعیتی، افزایش منفعت عمومی و با توجه به استحقاق و شایستگی افراد، می‌توانند با برقراری عادلانه‌تر، ابعاد عدالت فضایی، عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی را برقرار نمایند؛ بنابراین بر هم خوردن توازن جمعیتی که مهم‌ترین ریشه‌های آن، مهاجرت‌های درون شهری و برون شهری و تراکم بیش از حد کاربری‌ها در مناطق خاص هستند، می‌توانند فضاهای شهری را فضاهایی متناقض با عدالت از ابعاد اقتصادی و اجتماعی نمایند (یغفوری و کاشفی دوست، ۱۳۹۵، ص. ۱۲).

یکی از مهم‌ترین عواملی که باید در جهت اجرای عدالت اجتماعی-فضایی در برنامه‌ریزی برای شهرها رعایت کرد، توزیع مناسب خدمات شهری و استفاده صحیح از فضاهاست. در این خصوص، کاربری‌ها و خدمات شهری از عواملی هستند که با ارضای نیازهای جمعیتی، افزایش منافع عمومی و توجه به استحقاق و لیاقت افراد می‌توانند با برقراری عادلانه‌تر، عدالت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فضایی را در بن مناطق شهری برقرار نمایند (مبارکی، ۱۳۹۴، ص. ۱۱۱). در مقابل، عدم توزیع مناسب خدمات عمومی و عدم تحقق اهداف طرح‌های شهری که از عوامل تأثیرگذار در نابرابری نواحی شهری هستند، نه تنها می‌توانند در برهم زدن تعادل و توازن جمعیتی در شهرها بینجامد، بلکه دسترسی به امکانات و خدمات را نیز با

1. Fairstin

مشکل مواجه ساخته و ناپایداری‌هایی را در سطح شهر شکل می‌دهند (وارثی، زنگی‌آبادی، یغفوری، ۱۳۸۷، ص. ۱۴۵).

تاکنون ارزیابی‌های متعددی از سوی دیدگاه‌های مختلف در مورد عدالت صورت گرفته است. باری و ماتراورز تئوری‌های عدالت را به چهار دسته تقسیم می‌کنند:

الف-دیدگاه سنت‌گرا: دیدگاهی است که در آن عدالت با بررسی آداب و رسوم، نهادها، سنت‌ها و سیستم‌های قانونی مشخص می‌شود. در چنین مفهومی ممکن است برخی امور ناعادلانه تنها به این سبب که توسط جامعه پذیرفته شده و سنت آن را تأیید می‌کند پذیرفته شوند.

ب-دیدگاه غایت‌گرایانه: در تئوری‌های غایت‌گرایانه، عادلانه بودن مناسبات اجتماعی با ارجاع به برخی امور مطلوب سنجیده می‌شود. دیدگاه سودمندگرایی، تئوری حقوق طبیعی یا فلسفه آکوتیناس از جمله تئوری‌های غایت‌گرایانه هستند. در این تئوری‌ها امور عادلانه به دنبال توجیه یک امر مطلوب ایجاد می‌شوند؛ بنابراین توجیه عدالت به مسائل غیراجتماعی بستگی دارد. انتقاد اساسی نسبت به این دیدگاه این است که آن‌ها یک منبع خارجی مثل منفعت، حق طبیعی یا اقتدار را به‌عنوان هسته اصلی خود انتخاب کرده‌اند و توجیه عدالت در آن‌ها به تصور ایجاد یک خیر نهایی بستگی دارد. منتقدان معتقدند جوامع کثرت‌گرا، نتیجه گرفته‌اند که عدالت از تصور خیری که مورد پذیرش همگان نیست کار سختی است.

ج-عدالت به‌عنوان منافع متقابل: نوع سوم و چهارم تئوری عدالت در پذیرش این ایده لیبرالیسم سهم هستند که تصورات موجود از زندگی خوب در یک جامعه عادلانه متنوع است. این مکاتب پس از انتشار کتاب جان رالز در سال ۱۹۷۱ با نام *تئوری عدالت*، احیا شدند. رالز به سنت قرارداد اجتماعی بازگشت که در آن عدالت نتیجه منافع متقابل است. بر این اساس، زمانی که فرد منافع خود را پیگیری کند، در نهایت به سود همه جامعه است.

د-عدالت برابری طلب: براساس عدالت برابری طلب، باید با مردم به‌طور برابر برخورد کرد. تئوری عدالت رالز می‌تواند به‌عنوان یک تئوری برابری طلب مطرح باشد، اما دارای نتایج متفاوتی با تئوری رابرت نوزیک است. اگرچه هر چهار مکتب عدالت اجتماعی هنوز هم طرفدارانی دارند، اما تنها تئوری‌های لیبرال برابری لب با رهیافت عدالت رابطه مستقیمی

دارند. البته در میان این تئوری‌ها نیز تفاوت‌هایی وجود دارد و تنها ویژگی مشترک آن‌ها تمرکز قابل توجه (و نه ضرورتاً مطلق) آن‌ها بر خواست افراد برای تعیین طرح زندگی‌شان است (صالحی امیری، ۱۳۸۷، ص. ۲۷ نقل از تابعی، ۱۳۹۲، ص. ۵۰).

۵. یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر، ابتدا مؤلفه‌های تأثیرگذار بر نابرابری فضایی شاخص‌ها در سه بعد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی/رفاهی مطالعه شد که عوامل و معیارهای دخیل در مسئله پژوهش از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، مرور منابع و مصاحبه با خبرگان شناسایی و جمع‌آوری گردید.

جدول ۳- شاخص‌ها و زیر شاخص‌های ابعاد اجتماعی

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶

مؤلفه	شاخص	کد	زیر شاخص
اجتماعی (S)	ترکیب اجتماعی (S1)	C1	میانگین بعد خانوار در محلات
		C2	تراکم جمعیت در محلات
		C3	درصد شاغلان مشاغل عالی رتبه/متخصص/تکنسین به کل شاغلین
		C4	درصد کارگران نسبت به کل شاغلان
	سواد (S2)	C5	نرخ بی‌سوادی زنان
		C6	نرخ بی‌سوادی مردان
		C7	درصد بی‌سوادان کل
		C8	سهم تحصیلات عالی به کل تحصیلات در محله
	ثبات اجتماعی (S3)	C9	جمعیت مهاجران در هر ۱۰۰۰ نفر
		C10	درصد افرادی که محل تولد آن‌ها همین شهر است.
	مسکن (S4)	C11	درصد خانوارهایی که یک اتاق در اختیار دارند.
	سلامت (S5)	C12	درصد خانوارهای دارای معلول

جدول ۴- شاخص‌ها و زیر شاخص‌های ابعاد اقتصادی

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶

دسته اصلی	دسته فرعی	شاخص	کد	زیر شاخص
اقتصادی (E)	شغل	اشتغال و بیکاری	C13	نرخ اشتغال کل
			C14	نرخ اشتغال زنان
			C15	نرخ اشتغال مردان
	رفاه (E2)	زیربنای واحد مسکونی	C16	نرخ بیکاری
			C17	درصد واحدهای مسکونی با زیربنای ۵۰ مترمربع و کمتر
			C18	درصد واحدهای مسکونی با زیربنای بیش از ۲۰۰ مترمربع
	وابستگی اقتصادی (E3)	مالکیت / اجاره‌نشینی	C19	درصد مالکیت واحد مسکونی به کل واحدهای مسکونی
			C20	اجاره‌نشینی
		کیفیت مسکن	C21	درصد مسکن بادوام
		جمعیت فعال	C22	جمعیت فعال
			C23	درصد جمعیت فعال مرد
			C24	درصد جمعیت فعال زن
		مشارکت اقتصادی مردان	C25	جمعیت مردان فعال بالفعل / جمعیت مردان ۱۰ سال به بالا $100 \times$
		مشارکت اقتصادی زنان	C26	جمعیت زنان فعال بالفعل / جمعیت زنان ۱۰ سال به بالا $100 \times$

جدول ۵- شاخص‌های ابعاد کالبدی / رفاهی

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶

دسته اصلی	دسته فرعی	شاخص	کد
کالبدی / رفاهی (F)	زیرساخت‌ها	درصد واحدهای مسکونی برخوردار از کلیه امکانات آب لوله‌کشی، برق، گاز، تلفن و ...	C27
		درصد خانوارهای برخوردار از رایانه	C28
		درصد خانوارهای برخوردار از تلفن ثابت در محله	C29
		درصد مالکیت خودرو در محلات	C30

کد	شاخص	دسته فرعی	دسته اصلی
C31	میزان دسترسی محله به خدمات آموزشی	دسترسی به خدمات شهری	
C32	میزان دسترسی محله به خدمات بهداشتی		
C33	میزان دسترسی محله به فضاهای ورزشی		
C34	میزان دسترسی محله به فضاهای فرهنگی		
C35	میزان دسترسی محله به حمل و نقل عمومی		
C36	میزان دسترسی محله به فضاهای سبز		

برای وزن‌دهی به شاخص‌ها، از روش تحلیل عاملی و نرم‌افزار SPSS استفاده شد. برای تعیین ماهیت و ساختار داده‌ها از ضریب KMO^1 استفاده شد که میزان KMO بالاتر از ۰٫۸ می‌باشد.

جدول ۶- نتایج آزمون KMO

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.	.813
Bartlett's Test of Sphericity	9181.965
Approx. Chi-Square	595
df	.000
Sig.	

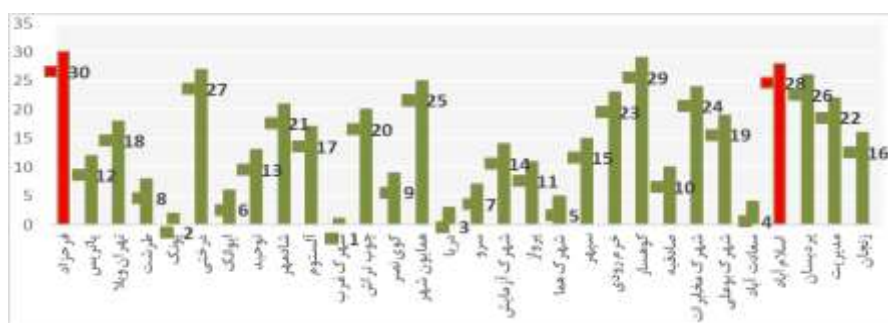
جدول ۷- آمار توصیفی داده‌ها

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶

کد متغیر	میانگین	انحراف معیار	کد متغیر	میانگین	انحراف معیار
C1	3.156366	.2388453	C19	43.145169	10.2359348
C2	150.805277	52.0520065	C20	42.472907	18.4903339
C3	22.559744	10.9249759	C21	84.805081	18.2201430
C4	4.683381	4.7340041	C22	6385.00	3794.184
C5	3.806165	2.1940197	C23	4363.87	2765.886
C6	2.787272	2.7157946	C24	1639.958750	1.2948697E3
C7	4.043418	3.6469511	C25	47.405267	12.5478497
C8	3.199704	1.2267261	C26	33.067377	30.0455001
C9	664.407834	543.3191823	C27	95.775529	9.1432895
C10	67.845764	14.5575545	C28	74.833890	12.5942224
C11	3.287879E5	1.8003915E6	C29	91.691941	9.5548602
C12	16.334917	30.2736338	C30	1403.686919	7.3509173E3
C13	80.395979	5.9451475	C31	10.43	8.724
C14	73.516360	17.0889116	C32	3.604867E4	4.1023871E4

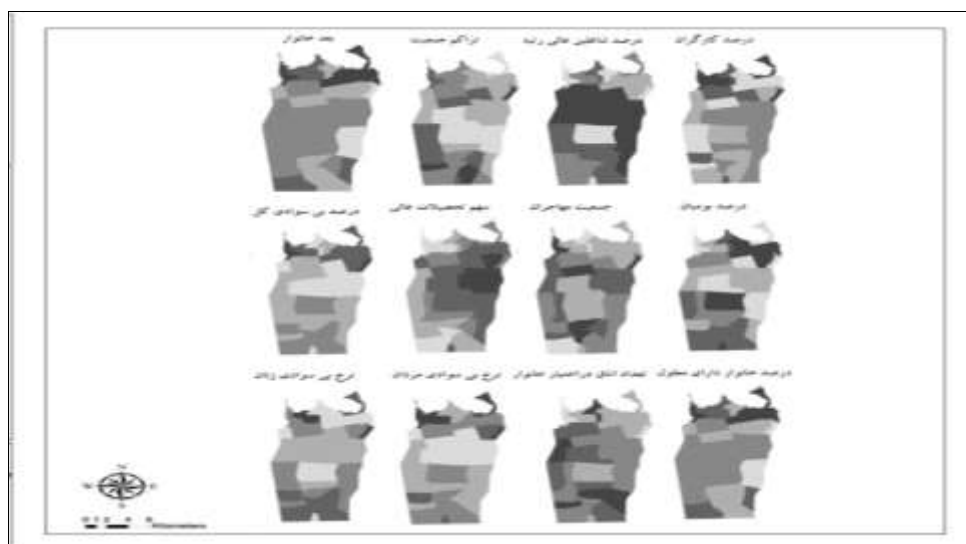
کد متغیر	میانگین	انحراف معیار	کد متغیر	میانگین	انحراف معیار
C15	73.998853	26.1323427	C33	2.00	2.150
C16	15.059805	5.8406805	C34	3.13	2.374
C17	7.871881	15.1969409	C35	15.43	15.078
C18	5117.141624	2.7976509E4	C36	18648.10	15636.893

سپس با استفاده از روش تاپسیس، رتبه‌بندی محلات بر اساس میزان نابرابری فضایی تعیین شد.



شکل ۲- نتایج رتبه‌بندی محلات منطقه دو

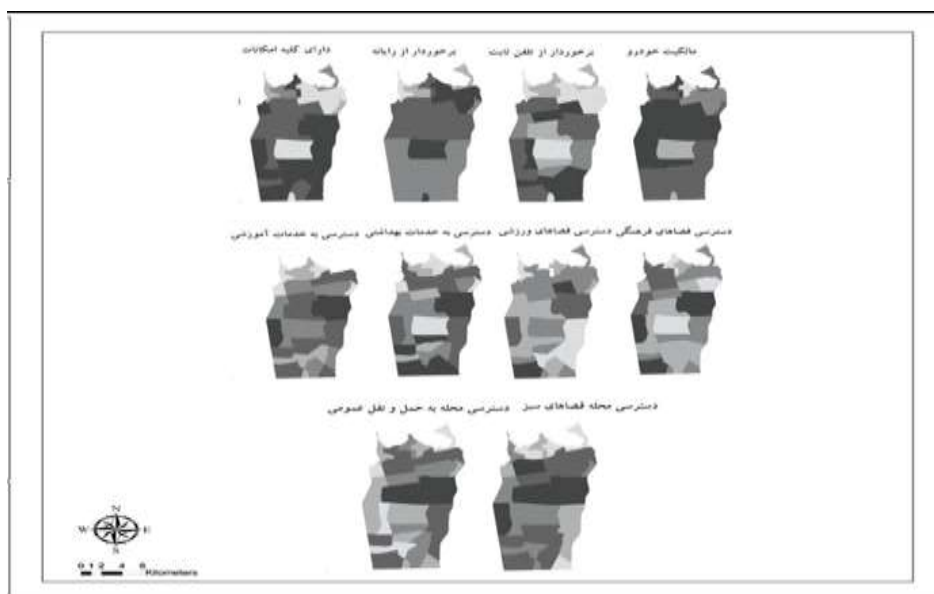
مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶



شکل ۳- نتایج رتبه‌بندی محلات بر اساس شاخص‌های اجتماعی

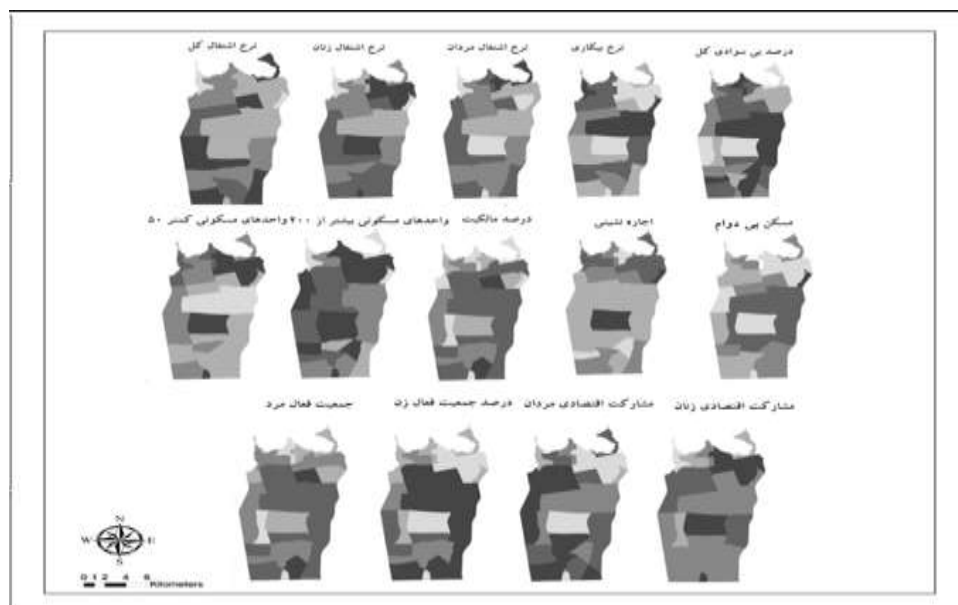
مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶

نتایج رتبه‌بندی برای محلات محدوده مورد مطالعه نشان داد که محلات اسلام‌آباد (رتبه ۲۸) و فرحزاد (رتبه ۳۰) نامناسب‌ترین وضعیت را در این منطقه از نظر برخورداری از شاخص‌های مورد نظر داشتند. این در حالی است که محله شهرک غرب و محله پونک بهترین رتبه‌ها را کسب کرده‌اند. همچنین وضعیت محلات مختلف در رابطه با شاخص‌های سه‌گانه به شکل نقشه‌های سه‌گانه ارائه شد. از دیگر سو، رابطه تمامی شاخص‌ها باهم و همچنین میزان چولگی آن‌ها ارائه شد. اغلب هیستوگرام‌های شاخص‌ها در محلات منطقه دو، دارای چولگی بودند و این نیز گویای آن است که بعضی محلات که تعداد آن‌ها کم است موجب این چولگی شده‌اند. بسیاری از شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی و کالبدی دارای چولگی هستند که مفهوم آن در ساده‌ترین حالت وجود نابرابری فضایی است.



شکل ۴- وضعیت محلات در رابطه با شاخص‌های خدماتی - رفاهی

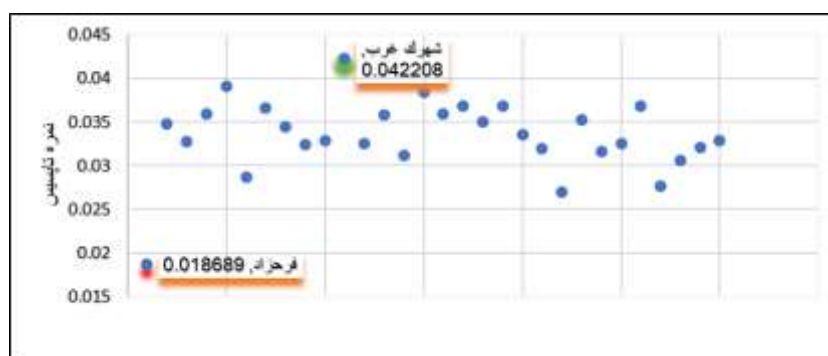
مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶



شکل ۵- وضعیت محلات در رابطه با شاخص‌های اقتصادی

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶

در نهایت با تکیه بر نتایج به دست آمده در روش تاپسیس برای محلات مختلف، محله شهرک غرب (با اختلاف نسبتاً کم به سایر محلات) در جایگاه اول و محله فرحزاد با اختلاف زیاد (نسبت به سایر محلات) در جایگاه آخر قرار گرفت. در شکل زیر میزان اختلاف برحسب میزان امتیاز به دست آمده در روش تاپسیس نشان داده شده است.



شکل ۶ - جایگاه محلات با رتبه بالا و پایین

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶

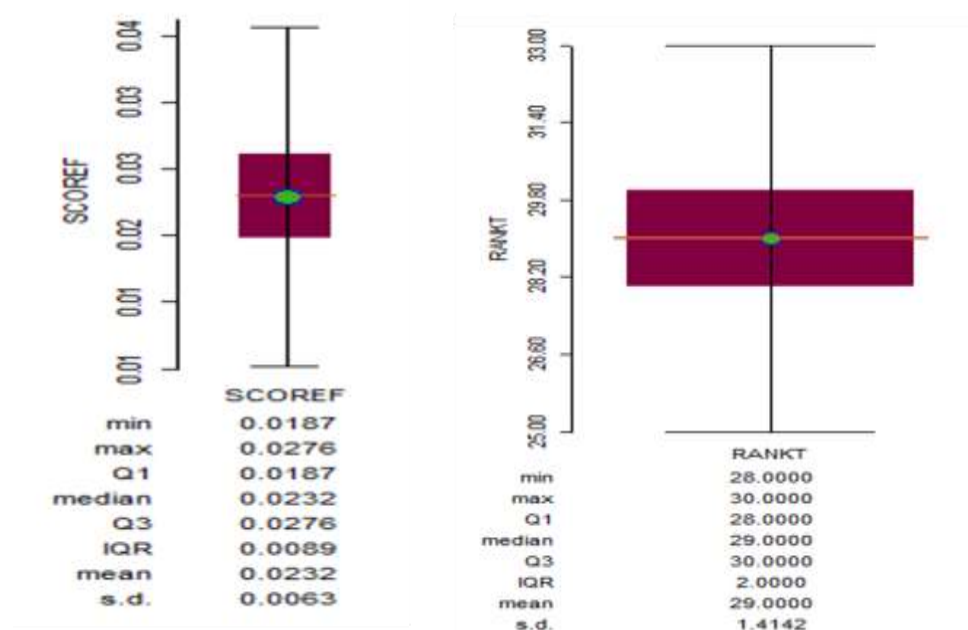
بعد از مشخص شدن رتبه محلات با روش تاپسیس، محدوده‌های اسکان غیررسمی در قالب یک داده مکانی واحد ایجاد و میزان نابرابری فضایی این محلات به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۸- رتبه‌بندی محدوده‌های هدف و سایر محلات منطقه

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶

تعداد محلات هدف	بهترین رتبه	بدترین رتبه	میانگین	انحراف معیار امتیازها
۲	۲۸	۳۰	۲۹	۱,۴۱

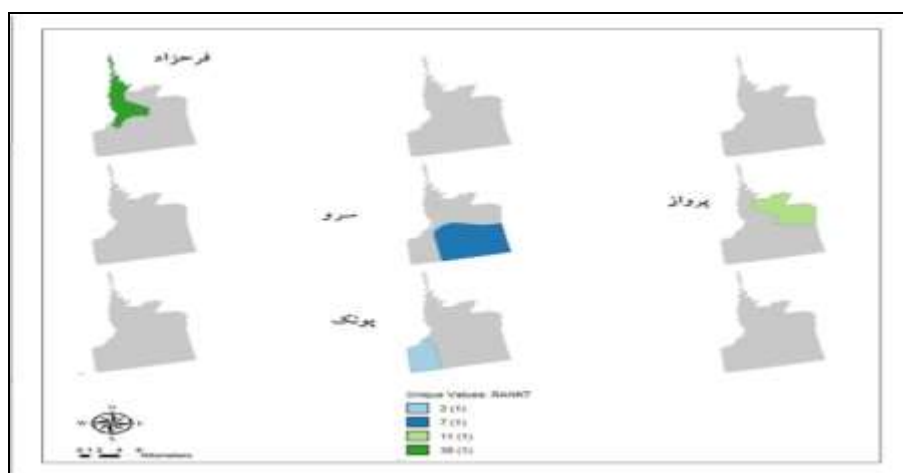
نتایج حاکی از آن است که وضعیت نابرابری فضایی محلات هدف، میانگین ۲۹ را نشان می‌دهد که نشان از وضعیت نابسامان در محلات هدف است. نمودار جعبه‌ای در شکل (۱۶) آماره‌های توصیفی مربوط به محلات هدف را به نمایش می‌گذارد.



شکل ۷- نمودار جعبه‌ای محدوده‌های هدف

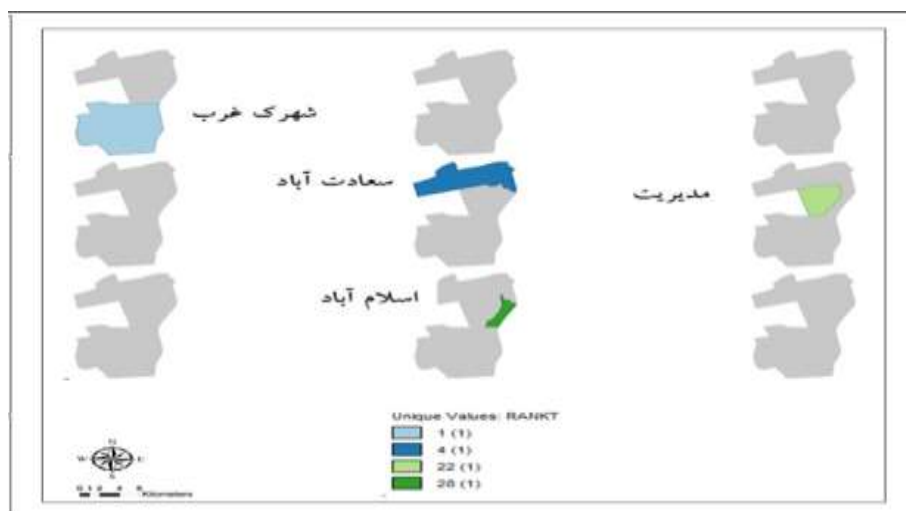
مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶

همچنین، به شکل گرافیکی و با چندین نقشه وضعیت رتبه‌های همسایگان محلات هدف نشان داده شد. در اطراف محله فرحزاد، سه محله سرو، پرواز و پونک به ترتیب رتبه‌های ۷، ۱۱ و ۲ را کسب کردند و در اطراف محله اسلام‌آباد، سه محله شهرک غرب، سعادت‌آباد و مدیریت به ترتیب رتبه‌های ۱، ۴ و ۲۲ را کسب کرده‌اند.



شکل ۸- مقایسه تطبیقی رتبه محله فرحزاد با همسایگانش

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶



شکل ۹- مقایسه تطبیقی رتبه محله اسلام‌آباد با همسایگانش

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶

۶. نتیجه‌گیری

منطقه دو، در ساختار فضایی شهر تهران و به لحاظ امکانات و منابع، جزء مناطق نیمه-برخوردار محسوب می‌شود، اما وجود چندین بافت روستایی همانند طرشت و وجود محلات کم‌برخوردار همچون کوهسار و در نهایت داشتن دو محله فقیر با بافت آسیب‌پذیر و سکونتگاه‌های غیررسمی این منطقه را از تعادل فضایی خارج کرده و شکاف عظیمی بین محلات آن مشاهده می‌شود که اگر چاره‌جویی نشود موجب ازهم‌گسیختگی بیشتر و زوال شهری می‌شود. در باب محله‌های هدف (فرحزاد و اسلام‌آباد) و مقایسه آن با سایر محلات هم‌جوار در وادی امر چنین به نظر می‌رسد که اجتماعات ساکن در این سکونتگاه‌ها در حال تضییع حق شهرنشینی دیگر شهروندان با اقدام به ساخت بناهای غیررسمی می‌باشند، ولی آن‌ها، یعنی باشندگان این فضاها، فقیر در واقع جامعه و سیاست و اقتصاد سیاسی فضا را با این عمل به چالش می‌کشند و یک مبارزه اجتماعی خاموش را به صورت غیرارادی و ناآگاهانه برای تولید فضا که حفظ بقای آن‌ها بدان وابسته است به راه می‌اندازند و تمام قوانین رسمی موجود را در مقابل حق ذاتی به مکان که نیاز اساسی آن‌هاست با اقدام اجتماعی خود در هم می‌شکنند. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که محلات اسلام‌آباد (رتبه ۲۸) و فرحزاد (رتبه ۳۰) نامناسب‌ترین وضعیت را در این منطقه از نظر برخورداری از شاخص‌های مورد نظر دارند. همچنین، محله شهرک غرب و محله پونک بهترین رتبه‌ها را کسب کرده‌اند. همچنین، بافت میانی منطقه به همراه محلات فرحزاد، اسلام‌آباد و کوهسار جزء محلات کم‌برخوردار و محلات قدیمی و جنوبی این منطقه همچون طرشت، الستوم، شریف، پل نصر و همسایگانش جزء محلات نیمه‌برخوردار منطقه محسوب می‌شوند. در نهایت، پونک، سعادت‌آباد، دریا، شهرک غرب، شهرک هما و صادقیه جز محلات برخوردار منطقه دو محسوب می‌شوند. معمولاً به لحاظ ماهیتی که خدمات شهری دارند، شهروندان به تنهایی نمی‌توانند از عهده تأمین آن برآیند؛ لذا تأمین آن برای افرادی که در شهر ساکن هستند نیازمند سازوکار و برنامه‌هایی است که باید از سوی مدیریت شهری سازماندهی شود. در منطقه دو با دو نوع تولید فضا مواجه هستیم که در ابتدا می‌توان بر آن‌ها نام تولید آگاهانه فضا و تولید غیرآگاهانه و خودجوش نهاد. فضایی که از منابع، امکانات، ثروت و قدرت بیرون آید؛ یعنی تولید فضایی

برآمده از رفاه، فضایی فن‌سالارانه و به‌گونه‌ای تحت تأثیر لوگوس دکارتی و مدرنیته یک نوع فضای سازمان‌یافته و برنامه‌ریزی‌شده و فن‌سالارانه است، همانند محله دریا، شهرک غرب و پونک که در ابتدای امر همان‌طور که از قطعه‌بندی این محله‌ها در قبل از انقلاب مشخص است، برای طبقه مرفه پیش‌بینی شده‌اند، اما در جبهه مخالف، عدم امکانات، کمبود منابع، جبری ساختاری که اقتصاد ناپایدار و نامولد و محیط بر او غالب کرده است فضایی برآمده از فقر ساخته است و در واقع، در یک چرخه غیرمنظم وابسته به نوسان اقتصادی و سایر عوامل ساختاری در پهنه‌های فقیرنشین و اسکان غیررسمی، بازتولید فضایی فقر است که با توجه به مطالعه صورت‌گرفته در سطح منطقه در نابرابری فضایی، گسستگی فضایی محلات منطقه دو خودنمایی می‌کند.

کتاب‌نامه

۱. احدنژاد، م. نجفی، س. (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی تفاوت‌های کیفیت زندگی در محلات برنامه‌ریزی‌شده و سکونتگاه‌های غیررسمی شهری (نمونه موردی: محلات کارمندان و اسلام‌آباد شهر زنجان). *نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی*، ۲۰ (۵۷)، ۴۷-۲۳.
۲. اطهاری، ک. (۱۳۸۱). *عدالت در فضا، نشریه شهرسازی و معماری هفت شهر*، ۳ (۹ و ۱۰)، ۳۲-۲۵.
۳. اطهاری، ک.، یزدانی، ف. (۱۳۸۷). بورژوازی مستغلات؛ کژ کارکردی جامعه، کژتابی شهر. *دوماه-نامه چشم‌انداز ایران*، ۴۸، ۵۰-۴۳.
۴. اطهاری، ک. (۱۳۹۵). گفت‌وگو با اقتصاد آنلاین. کد خبر ۱۵۵۱۱۲، تاریخ خبر ۱۳۹۵/۰۸/۱۰، بازیابی از www.Eghtesadonline.com
۵. افروغ، ع. (۱۳۷۷). *فضا و نابرابری اجتماعی، ارائه الگویی برای جدائی‌گزینی و پیامدهای آن*. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
۶. ایران‌دوست، ک. (۱۳۸۹). *سکونتگاه غیررسمی و اسطوره حاشیه‌نشینی* (چاپ دوم). تهران: انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات.
۷. ایران‌دوست، ک. (۱۳۹۱). *فقر سکونتگاه‌های غیررسمی و امنیت شهری*. فصل‌نامه *ره‌نامه سیاست‌گذاری سیاسی، دفاعی و امنیتی*، ۳ (۱)، ۱۸۱-۱۵۹.

۸. ایران دوست، ک.، و پاکزاد، ع. (۱۳۹۴). ارزیابی دگرگونی کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی در دهه گذشته (مطالعه موردی: دولت‌آباد کرمانشاه). *فصل‌نامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۱۵ (۵۷)، ۱۷۵-۱۴۹.
۹. ایمان‌پور، م.، شمس‌الدینی، ع.، و سرور، ر. (۱۴۰۰). تحلیل سناریوهای اسکان غیررسمی در شهرهای شمال شرق ایران (مورد مطالعه: شهر بجنورد). *فصل‌نامه مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی*، ۱ (۱)، ۷۷-۹۲.
۱۰. آسایش، ح.، مشیری، ر. (۱۳۸۷). *روشن‌شناسی و تکنیک‌های تحقیق علمی در علوم انسانی با تأکید بر جغرافیا*. تهران: نشر قومس.
۱۱. باندز، م. (۱۳۹۴). *نظریه‌های اجتماعی شهر (شهر، خود و جامعه)* (صدیق سروستانی، مترجم) (چاپ دوم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. بشیریه، ح. (۱۳۸۲). دیباچه‌ای بر فلسفه عدالت. *مجله ناقد*، ۱، ۵۶-۱۱.
۱۳. پورآقایی، ع. (۱۳۸۳). *بررسی و تحلیل اسکان غیررسمی در شهر رشت و راهکارهای مناسب برای بهبود روند آن* (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری). دانشگاه یزد، یزد، ایران.
۱۴. جنسن، ا. ه.، و هولت، ر. (۱۳۷۶). *جغرافیا (تاریخ و مفاهیم)* (تبریزی، ج. مترجم). تهران: انتشارات سیروسپاحت.
۱۵. جواهری‌پور، م.، و داورپناه، ب. (۱۳۸۱). سکونتگاه ناپایدار اقشار کم‌درآمد شهری (بازبینی سیاست‌گذاری‌های دروان اخیر در زمینه اسکان غیررسمی یا نابسامان). *نشریه شهرسازی و معماری هفت شهر*، ۱، ۸۲-۹۷.
۱۶. جودی‌گل‌لر، پ.، زمانیان، ر.، و فتحی، ح. (۱۳۹۴). ردیابی انگاشت عدالت در نظریه‌های شهر و شهرنشینی: نظریه شهری انتقادی و نظریه نظریه حق به شهر. *نشریه معماری و شهرسازی هفت شهر*، ۱ (۴۹-۵۰)، ۱۱۳-۱۰۱.
۱۷. حاتمی‌نژاد، ح. (۱۳۹۱). *جغرافیای رادیکال؛ رویکرد میان‌رشته‌ای در جغرافیای انسانی*. *فصل‌نامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۴ (۳)، ۳۱-۱۵.
۱۸. حاتمی‌نژاد، ح.، فرهودی، ر.، محمدپور، م. (۱۳۸۷). تحلیل نابرابری اجتماعی در برخورداری از کاربری‌های خدمات شهری (مورد مطالعه: شهر اسفراین). *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۴۰ (۶۵)، ۷۱-۸۵.

۱۹. حاج یوسفی، ع. (۱۳۸۱). حاشیه‌نشینی و روند تحول آن در ایران (قبل از انقلاب). نشریه شهرسازی و معماری هفت شهر، ۳(۸)، ۵-۱۶.
۲۰. حافظ‌نیا، م. ر.، حاجت، ق.، احمدی‌پور، م.، رکن‌الدین، ز.، گوهری، ع. ر. و گوهری، م. (۱۳۹۴). طراحی الگوی سنجش عدالت فضایی (مطالعه مطالعه موردی: ایران). فصل‌نامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۱۹(۱)، ۳۳-۵۲.
۲۱. خاتم، ا. و اطهاری، ک. (۱۳۸۶). حل مسئله مسکن کم‌درآمدها و اسکان غیررسمی. مجموعه شهری تهران، مدیریت یکپارچه و حل اسکان غیررسمی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۲۲. خوش‌روی، ق. (۱۳۸۵). عدالت اجتماعی و فضای شهر. اولین همایش عمران شهری، ۲۹ و ۳۰ آذر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، بازیابی از <https://civilica.com/doc/13178>
۲۳. داداش‌پور، ه.، علیزاده، ب.، و رستمی، ف. (۱۳۹۴). گفتمان عدالت فضایی در شهر. تهران: انتشارات آذرخش.
۲۴. داداش‌پور، ه. و علیزاده، ب. (۱۳۹۰). اسکان غیررسمی و امنیت تصرف زمین. تهران: انتشارات آذرخش.
۲۵. دولفوس، ا. (۱۳۷۴). فضای جغرافیایی (سهامی، س. مترجم) (چاپ دوم). مشهد: انتشارات نیکا.
۲۶. رفیع‌یان، م. قاسمی، ا. و نوذری، ک. (۱۳۹۸). تحلیل گفتمان عدالت فضایی در سند سیاست‌گذاری مدیریت شهری تهران. مجله جغرافیای اجتماعی شهر، ۶(۶)، ۷۱-۸۹.
۲۷. رئیس‌دانا، ف. (۱۳۸۰). بررسی‌های کاربردی توسعه و اقتصاد ایران، شناخت پایه‌ای (جلد یک). تهران: نشر چشمه.
۲۸. زالی، ن.، یوسف، ر. و نجمه، چ. (۱۳۹۴). ارزیابی و نقدی بر طرح ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شیراز؛ مطالعه موردی محله مهدی‌آباد (کتس بس). نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۲۳(۲۳)، ۱۱۵-۱۳۲.
۲۹. زاهد زاهدانی، س. (۱۳۶۹). حاشیه‌نشینی. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
۳۰. زاهدی، م. (۱۳۹۳). سوداگری در ۴۰ درصد از ارزش کل معاملات مسکن کشور. روزنامه جهان اقتصاد، امور زیربنایی. تاریخ خبر ۱۳۹۳/۱۲/۱۶، بازیابی از www.jahaneghtesad.com

۳۱. زیاری، ک. ا. و رفیعی‌مهر، ح. (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی ساکنان مناطق غیررسمی (مطالعه موردی: محله حصار همدان). پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۷(۱)، ۲۱-۳۲.
۳۲. سوندرز، پ. (۱۳۹۴). نظریه اجتماعی و مسئله شهری (شارع‌پور، م. مترجم) (چاپ سوم). تهران: انتشارات تپسا.
۳۳. شبلینگ، ژ. (۱۳۷۷). جغرافیا چیست؟ (س. سهامی، مترجم). مشهد: انتشارات محقق.
۳۴. شکویی، ح. (۱۳۹۱). دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری (جلد اول، چاپ پانزدهم). تهران: انتشارات سمت.
۳۵. صراف، م. (۱۳۸۱). مهاجرت داخلی و مدیریت شهری؛ با تأکید بر شرایط ایران. فصل‌نامه مدیریت شهری، ۳(۱۰)، ۱۵-۶.
۳۶. عقیلی، ک.، میرکتولی، ج. و قبادی، غ. (۱۴۰۰). تحلیل شاخص‌های عدالت فضایی در ساختمان‌های بلندمرتبه گرگان. آمایش جغرافیایی فضا، ۴۰(۴)، ۱۳۲-۱۱۹.
۳۷. عمران‌زاده، ب. (۱۳۹۴). تبیین عدالت فضایی در شهر آرمانی اسلامی (رساله دکتری منتشرنشده جغرافیا گرایش برنامه‌ریزی شهری). دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۳۸. قائدی، ع. (۱۳۹۳). دو پیش‌نیاز سیاست جدید مسکن. روزنامه دنیای اقتصاد. شماره ۳۴۰۸، کد خبر DEN- 857543، تاریخ خبر ۱۳۹۳/۱۱/۱۱ بازیابی از www.donya-e-eqtasad.com
۳۹. کرنگ، م.، و ثریفت، ن. (۱۳۹۴). اندیشیدن درباره فضا (م. عبدالله‌زاده، مترجم). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۴۰. گالبرایت، ج. (۱۳۶۶). ماهیت فقر عمومی (س. م. عادل، مترجم). تهران: انتشارات اطلاعات.
۴۱. لوفور، ه. (۱۳۹۴). درآمدی بر تولید فضا (آ. ترکمه، مترجم). تهران: انتشارات تپسا.
۴۲. موحدی، م. ج.، بینای مطلق، س. (۱۳۹۴). افلاطون و رالز: عدالت در فرد یا جامعه. پژوهش‌های فلسفی، ۹(۱۶)، ۲۱۳-۱۹۷.
۴۳. میره‌ای، م.، حاتمی‌نژاد، ح.، و خدائی، ز. (۱۳۹۱). اسکان غیررسمی در جهان و ایران. تهران: جهاد دانشگاهی واحد تربیت‌معلم.
۴۴. نجفیکانی، ع. ا. و حمیدی، خ. (۱۴۰۰). تحلیلی بر تنگناها و راهبردهای توسعه کالبدی و فیزیکی سکونتگاه‌های غیررسمی نمونه موردی: محله‌های حاشیه‌ای و پیرامونی بابل. مجله آمایش جغرافیایی فضا، ۳۸، ۲۳۸-۲۱۷.

۴۵. نظریان، ا. (۱۳۹۴). مهاجرت‌های قومی در شهرهای ایران، گذر از مناطق قومی به شهرهای اقوام. تهران: انتشارات مبتکران.
۴۶. نیوویرت، ر. (۱۳۸۹). شهرهای در سایه (میلیاردها محله محله حاشیه‌نشین در دنیای جدید شهری) (ا. پوراحمد، ا. مشکینی، ژ. سجادی، و ک. حبیبی، مترجمان). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴۷. وارثی، ح.، زنگی‌آبادی، ع.، و یغفوری، ح. (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی توزیع خدمات عمومی شهری از منظر عدالت اجتماعی: مورد زاهدان، مجله جغرافیا و توسعه، ۶(۱۱)، ۱۵۶-۱۳۹.
۴۸. هاروی، د. (۱۳۷۶). عدالت اجتماعی و شهر (ف. حسامیان، م. حائری، و ب. منادی‌زاده، مترجمان). تهران: انتشارات شرکت پردازش برنامه‌ریزی شهری.
۴۹. هیراسکار، ج. (۱۳۸۷). درآمدی بر برنامه‌ریزی شهری (م. سلیمانی، و ا. م. یکانی‌فرد، مترجمان) (چاپ دوم). تهران: جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم.

50. Abbott, J. (2002). A method-based planning frame work for informal settlement upgrading. *Habitat International*, 26(3), 317-333.
51. Aljafreh, A., Altal, R., & Ibrahim, A. (2021). The social role of open spaces in informal settlements in Jordan. *Open House International*, 47(1), 2-16.
52. Ezebilo, E., & Savadogo, P. (2021). Preferences for infrastructure and determinants of decision to live in a makeshift house in informal settlements. *Economics*, 9(4), 183.
53. Fainstin, S. (2005). Planning theory and the city. *Journal of Planning Education and Research*, 25, 1-10.
54. Gilbert, A. (2009). Extremist thinking about slums and slums: Cash. *SAIS Review*, 29(1), 35-48.
55. Mitchell, D. (2003). *The right to the city: Social justice and the fight for public space*. New York: Guilford Press.
56. Owen, K., & Wong, D. (2013). An approach to differentiate informal settlements using spectral, texture, geomorphology and road accessibility metrics. *Applied Geography*, 38, 107-118.
57. Roger, F., Gouveia, N., Mathee, A., Harpham, T., Cohn, A., Swart, A., & Coulson, N. (2004). Informal sub-division of residential and commercial buildings in Sao Paulo and Johannesburg: Living conditions and policy implications. *Habitat International*, 28(3), 427-442.
58. Setianto, M. A., & Gamal, A. (2021). Spatial justice in the distribution of public services. Paper presented at the 3rd International Conference on Smart City Innovation, 5-6 August, Sanur, Bali.
59. Soja, E. W. (2008). The city and spatial justice. Paper presented at the conference Spatial Justice, March 12-14, Nanterre, Paris.

- 60.UN-Habitat. (2015 a). *International guidelines on urban and territorial planning* Retrieved from <http://unhabitat.org/books/international-guidelines-on-urban-and-territorial-planning/>
- 61.UN-Habitat. (2015 b). *Habitat III-issue-pape- 20 – Housing*. Retrieved from http://unhabitat.org/wp-content/uploads/2015/04/Habitat-III-Issue-Paper-20_Housing-2.0.pdf
- 62.UN-Habitat. (2015 c). *Habitat- III- issue- paper-22_ informal-settlements*. Retrieved from http://unhabitat.org/wp-content/uploads/2015/04/Habitat-III-Issue-Paper-22_Informal-Settlements.pdf
- 63.UN-Habitat. (2016). *HIII thematic meeting on informal settlement Pretoria*. Retrieved from http://citiscope.org/sites/default/files/h3/HIII_Thematic_Meeting_on_Informal_Settlements_Pretoria_2016_Background.pdf.
- 64.United Nations. (2015 d). *The millennium development goals report*. Retrieved from <http://www.undp.org/content/undp/en/home/librarypage/mdg/the-millennium-development-goals-report-2015.html>
- 65.United Nations. (2015 e). *Transforming our world: the 2030 Agenda for sustainable development*. Retrieved from http://www.un.org/ga/search/view_doc.asp?symbol=A/RES/70/1&Lang=E



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2021.71331.1050>

مقاله پژوهشی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال نوزدهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۳۶

تدوین و تبیین الگوی گردشگری کارآفرینی در پاندمی کووید ۱۹ (مورد مطالعه: استان‌های آذربایجان شرقی و غربی)

مسلم سلیمان‌پور (دانشجوی دکتری رشته مدیریت بازرگانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

m.soleymanpor@pnu.ac.ir

محمدتقی امینی (استاد مدیریت بازرگانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)

m_amini@pnu.ac.ir

یزدان شیرمحمدی (دانشیار مدیریت بازرگانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)

y.shirmohammadi@pnu.ac.ir

علی شاه نظری (استادیار مدیریت بازرگانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)

shahnazari@pnu.ac.ir

صص ۳۵۰ - ۳۲۱

چکیده

هدف از پژوهش حاضر ارائه مدل گردشگری با رویکرد کارآفرینی در شرایط شیوع پاندمی است. روش تحقیق، ترکیبی (کیفی - کمی) است. در بخش کیفی با رویکرد داده‌بنیاد از مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته با ۱۸ تن از خبرگان و مدیران و فعالان صنعت گردشگری برای گردآوری داده‌ها استفاده گردید. در بخش کمی، جامعه آماری متشکل از صاحبان کسب‌وکارها و فعالان حوزه صنعت گردشگری در استان‌های آذربایجان شرقی و غربی بودند که برحسب جدول مورگان، ۳۸۴ نفر از شهروندان به صورت تصادفی در دسترس به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. گردآوری داده‌های کمی با استفاده از پرسش‌نامه محقق‌ساخته و تحلیل داده‌های کمی، با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (نرم‌افزار PLS software 2.0) انجام شد. مدل نهایی از مقوله شرایط علی (کاهش تقاضا برای خدمات -

محصولات گردشگری ناشی از شیوع بیماری، الزام به رعایت پروتکل‌های بهداشتی ناشی از همه‌گیری بیماری، کاهش قدرت خرید مردم و محدودیت‌های محیطی و قانونی، زمینه‌ای (زیرساخت‌های بنیادی توسعه خدمات گردشگری؛ فرهنگ و عزم عمومی جامعه در پیشگیری از کرونا و یکپارچگی زنجیره تأمین صنعت گردشگری، توان بالقوه و تاب‌آوری کسب‌وکارها در صنعت)، مداخله‌گر (شدت همه‌گیری و ریسک سرمایه‌گذاری در دوران شیوع بیماری) و الگوی راهبردی صنعت گردشگری با رویکرد کارآفرینی (بکارگیری و توسعه ابزارهای مبتنی بر فناوری اطلاعات جهت سفر هوشمند، مدیریت بحران در صنعت گردشگری، ترویج سفرهای داخلی با رعایت پروتکل‌های بهداشتی در راستای رونق گردشگری داخلی) تشکیل شده که بر پیامدهای آن در دوران بحران پاندمیک، اثرگذارند. نتایج حاکی از آن است که گردشگری با رویکرد کارآفرینی در صورت اتخاذ راهبردهایی چون توسعه گردشگری مجازی، مدیریت بحران در صنعت گردشگری، توسعه گردشگری داخلی با تأکید بر رعایت پروتکل‌های بهداشتی و تمرکز بر توسعه زیرساخت‌های گردشگری، منجر به تحقق پیامدهایی چون حفظ و رونق کسب‌وکارهای گردشگری، تقویت صنعت گردشگری و خلق بازار جدید گردشگری برای دوران پسا کرونا می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: مدل گردشگری، کارآفرینی، بحران‌های پاندمیک، گردشگری مجازی.

۱. مقدمه

امروزه، بحران‌ها و مدیریت آن‌ها مسئله‌ای مهم تلقی می‌شود که با گردشگری و فعالیت‌های آن نیز ارتباط دارد. هرچند بحران‌ها در گردشگری اتفاقاتی معمولی هستند، چنانکه بسیاری از مقاصد تحت تأثیر بحران‌های طبیعی و انسانی ساخته‌شده و طی سال‌ها تاکتیک‌ها و استراتژی‌های تاب‌آوری و کاهش آن‌ها را توسعه داده‌اند (ریچی و جیانگ^۱، ۲۰۱۹، ص. ۱۱). با این حال، هرگونه رخدادی که عملکرد طبیعی مقصد را تهدید کرده و انجام کسب‌وکار مرتبط با گردشگری را مختل نماید یا تهدیدی برای ایمنی گردشگران باشد

1. Ritchie & Jiang

نیازمند واکنش مناسب و کنترل شرایط است (یاوری گوهر، منصوری موید، ۱۳۹۶، ص. ۲۹). از آغاز سال ۲۰۲۰ میلادی، شیوع گسترده بیماری همه‌گیر کووید ۱۹ بر بسیاری از بخش‌های مختلف بنگاه‌های اقتصادی گردشگری تأثیر منفی گذاشته است. به دلیل ضرورت استفاده از مداخلات غیر دارویی نظیر استفاده از ماسک صورت و رعایت فاصله‌های اجتماعی، همچنین انتقال بدون علامت بیماری به‌طور ناخودآگاه (ناقل بودن فرد زمانی که خود از بیماری آگاهی ندارد) (گاسلینگ، اسکات، هال، ۲۰۲۰، ص. ۱۶) و به دلیل ماهیت پاندمیکی که ویروس کووید ۱۹ دارد و بنا به دلایلی چون ۱) کاهش شدید مسافرت، مهمان‌نوازی و گردشگری در سراسر جهان، ۲) سقوط چشم‌گیر اقتصاد جوامع، ۳) افزایش مداوم امکان ایجاد تغییرات اساسی ناشی از گسترش بیماری در جوامع و ۴) غیرقابل پیش‌بینی بودن پایان بحران، منحصربه‌فرد بوده و با انواع بحران‌های اپیدمیک پیش از خود متفاوت است (لورد کیپانیدز، بریزیت، بکمن^۲، ۲۰۰۵، ص. ۷۹۵). با توجه به اهمیت درآمد صنعت گردشگری، کشور ما ایران هم از این آسیب مصون نمانده و بخش مهمی از خدمات گردشگری داخلی و خارجی آن دچار رکود و افت شده و ضربه سنگینی به آن وارد گردیده است. ازاین‌رو، با توجه به جدید بودن موضوع و خلأ موجود، پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این سؤالات اساسی است که ۱) الگوی راهبردی گردشگری با رویکرد کارآفرینی در بحران کووید ۱۹ به چه شکل است؟ ۲) عوامل اثرگذار بر شکل‌گیری این الگو کدامند؟

۲. پیشینه پژوهش

آرونداتی روی (۲۰۲۰)، بر این عقیده است که «ازنظر تاریخی، بیماری‌های همه‌گیر انسان‌ها را مجبور به گسست از گذشته کرده و دنیای خود را از نو تصور می‌کنند» (روی، ۲۰۲۰، ص. ۳). وی بر این باور است که این همه‌گیری یک پورتال است، دروازه‌ای بین یک جهان و جهان دیگر؛ بدین ترتیب آن دسته از افرادی که موافق بودند که نحوه کار جهان قبل از بحران نامطلوب است، می‌توانند بحران را لحظه‌ای تحول‌آفرین بدانند و از آنجاکه مسلماً مسافرت و

1. Gössling, Scott and Hall

2. Lordkipanidze, Brezet and Backman

جهانگردی بیشترین آسیب را در جهان در بحران دیدند، تفکر تحول‌گرا به‌ویژه مورد توجه قرار گرفت (هایگین^۱، ۲۰۲۰، ص. ۷). نظرسنجی‌های اخیر در مورد نیازهای شهروندان و ارتباط آن‌ها با گردشگری، بیانگر نیاز آن‌ها به احساس آزادی، فضای باز، امنیت، سلامتی، عادی بودن، امید، شکنندگی و نیاز به داشتن چشم‌انداز جدیدی از جهان است و این دقیقاً همان جایی است که گردشگری ارزش‌ها و فرصت‌های پیشنهادی گسترده‌ای که هر شهروند تعیین می‌کند را برای وی به ارمغان می‌آورد (دل واله^۲، ۲۰۲۰، ص. ۳). نکته حائز اهمیت دیگر اینکه در شرایط انتشار گسترده پاندمی، ابزارهای ارتباطی سنتی و تجاری دیگر پاسخ‌گو نیستند و ارائه تجارب یا خدمات عالی با قیمت رقابتی به بازدیدکنندگان و مسافران دیگر کافی نیست (راتن^۳، ۲۰۲۰، ص. ۱۵). در چنین شرایطی، مدیریت مؤثر بحران برای کارآفرینان بسیار حیاتی است؛ زیرا فعالیت‌های تجاری آن‌ها به‌نوعی تعامل با جامعه نیاز دارد. بنابراین، بحران کووید ۱۹ باید به‌عنوان فرصتی برای بازنگری انتقادی در مسیر رشد گردشگری و زیر سؤال بردن منطق ورود بیشتر که حاوی مزایای بیشتری است، تلقی شود (گرتزل و همکاران، ۲۰۲۰^۴، ص. ۱۹۰).

سانتوس، مادرید، هاجی مان و راینولدی^۵، (۲۰۲۰، ص. ۸)، در مطالعه‌ای با عنوان «تغییرات رفتاری در گردشگری در زمان کووید ۱۹»، اذعان داشتند که طی تابستان و پاییز سال ۲۰۲۰ به دلایلی چون محدودیت سفر و تحرک، عوامل روانی و اقتصادی، تغییرات بالقوه‌ای در رفتار گردشگران رخ داده است. آن‌ها سه سناریو بالقوه برای ماه‌های ژوئن تا دسامبر سال ۲۰۲۰، در خصوص میزان ورود جهانگردان بر اساس چگونگی تکامل و گسترش ویروس ارائه دادند.

کراینر و رام^۶ (۲۰۲۰، ص. ۳)، در مطالعاتی با عنوان «استراتژی‌های ملی گردشگری در طول شیوع کووید ۱۹»، دریافتند همه‌گیری کووید ۱۹ تأثیر قدرتمند و متنوعی در صنعت

1. Higgins

2. Del Valle

3. Ratten

4. Gretzel & et al

5. Santos, Madrid, Haegeman and Rainoldi

6. Kreiner and ram

گردشگری داشته است و لازمه آمادگی جهت مقابله با تأثیرات آن انجام اقدامات ذیل است: (۱) ترسیم استراتژی‌های ملی جهت رهایی از پیامدهای کووید ۱۹ برای گردشگری، (۲) مقایسه و تجزیه و تحلیل استراتژی‌های فعلی، (ج) ارزیابی استراتژی‌های پیشنهادی سازمان جهان گردشگری که در کشورهای مختلف پذیرفته شده است که با هدف درک بهتر تأثیر همه‌گیر در اجرای سیاست صنعت گردشگری در سطح جهانی انجام می‌شود.

نیکفال مغانلو، منصوری (۱۳۹۹، ص. ۱)، در مطالعه‌ای با عنوان «تأثیر ویروس کرونا بر صنعت گردشگری» دریافتند که شیوع ویروس کرونا منجر به ایجاد موانع و مشکلاتی در جهت حضور مسافران در مراکز گردشگری و تعطیلی تمامی زنجیره خدمات گردشگری اعم از اقامت، غذا و نوشیدنی، تفریحی و سرگرمی، حمل و نقل و خدمات مسافرتی در سراسر جهان شده است. کسب و کارهای حوزه گردشگری که یکی از موتورهای اشتغال و رشد هستند و به عنوان صادرات نامرئی محسوب می‌شوند، در این وضعیت عملاً تعطیل شده و به عبارتی چرخ این صنعت اشتغال‌زا نیز متوقف شده است و واحدها و فعالیت‌های فراوانی در زنجیره وابسته به آن (از جمله اقامت، حمل و نقل، غذا و خوراک، مجتمع‌های تفریحی و سرگرمی و سایر واسطه‌های بالادستی و پایین‌دستی) آسیب‌دیده و کارکنان آنها ممکن است کار خود را از دست بدهند. این امر باعث ایجاد رکود و سیر قهقراپی صنعت در حال توسعه و بزرگ گردشگری در سطح جهان می‌گردد.

میرتقیان رودسری، فرخیان، نقوی (۱۳۹۹، ص. ۱۱۵)، در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی رفتار جامعه میزبان نسبت به گردشگران در دوران شیوع کووید-۱۹»، ابعاد جدیدی از تعامل میزبان-گردشگر در دوران کرونا مبتنی بر تلفیق نظریه‌های تبادل اجتماعی و تهدید یکپارچه را ارائه نمودند. آنچه به عنوان نتیجه می‌توان بیان نمود، این است که با وجود آنکه نگرش اغلب مردم رامسر به حضور گردشگران در این دوران منفی بوده، عده‌ای با تأکید بر وابستگی معیشت و اقتصاد شهر به گردشگری و تحت شروطی که در نتیجه‌گیری پژوهش به آنها اشاره شده، معتقد بودند سلامت مردم شهر در اولویت است.

دهقان، رشادت جو، طالبی، درگاهی (۱۳۹۹، ص. ۵۱۹)، در مطالعه‌ای با عنوان «تحلیل راهبردی صنعت گردشگری سلامت ایران در دوران کرونا»، دریافتند که استراتژی منتخب

شامل دو استراتژی تدافعی و رقابتی بود. این تحقیق بیانگر این است که نقاط قوت صنعت گردشگری سلامت بر نقاط ضعف غلبه دارد و فرصت‌های توسعه بیش از چالش‌های موجود است. همچنین، استراتژی حفظ و نگهداری بهترین راهبرد حمایت از گردشگری سلامت در شرایط موجود در ایران است.

کلابی و کریمی‌راد (۱۳۹۹، ص. ۳۰۱)، در پژوهشی با عنوان «نوسازی استراتژیک کارآفرینانه در دوران پساکرونا: شرکت‌های فعال در صنعت گردشگری»، چهار دسته عامل اصلی تمرکز بر نوآوری و خلاقیت، منابع انسانی، رهبری و قابلیت‌ها را به عنوان عوامل مؤثر بر رونق گردشگری پس از دوران کرونا شناسایی کردند.

آزادخانی، عبداللّهی‌پور (۱۳۹۷، ص. ۱۳۰)، در پژوهشی با عنوان «نقش فعالیت‌های کارآفرینانه در توسعه گردشگری»، دریافتند بین متغیرهای نوآور بودن، ریسک‌پذیری، استقلال عمل و رقابت تهاجمی و توسعه گردشگری ارتباط وجود دارد.

۳. روش بررسی

روش در نظر گرفته شده جهت انجام پژوهش حاضر، روش ترکیبی است. این روش مبتنی بر پارادایم اصالت عمل و با رویکرد استقرایی-قیاسی است. استراتژی بکار گرفته شده در مرحله کیفی مبتنی بر شیوه نظریه پردازی داده بنیاد و پارادایم تفسیری است. طرح استفاده شده در این بخش از پژوهش بر اساس طرح نظام‌مند استراوس و کوربین^۱ (۱۹۹۰) است.

۳.۱. محدوده مورد مطالعه

آذربایجان شرقی: در گوشه شمال غربی فلات ایران، با حدود ۴۵۴۹۰/۸۸ کیلومترمربع نام آذربایجان شرقی به خود گرفته است. استان آذربایجان شرقی از نظر تقسیمات استانی به ۱۹ شهرستان، ۴۲ بخش و ۱۴۲ دهستان تقسیم می‌شود (سبحانی، صفریان‌زنگیر، طباطبائی، ۱۳۹۹، ص. ۹۹). آذربایجان غربی: استان آذربایجان غربی بدون احتساب دریاچه ارومیه با وسعت ۳۷۴۱۲ کیلومترمربع بین ۴۴ درجه و ۳۰ دقیقه تا ۴۷ درجه و ۲۴ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۵ دقیقه تا ۳۹ درجه و ۴۶ دقیقه عرض شمالی، در شمال غرب ایران واقع شده است

1. Strauss and Corbin

نمونه‌گیری در پژوهش حاضر به صورت هدفمند و نظری انجام گردید. بعد از انجام ۱۴ مصاحبه نیمه ساختاریافته، تحلیل داده به اشباع نظری رسید، ولی جهت اطمینان و دستیابی به داده‌های معتبر تا مصاحبه ۱۸ ادامه دادیم. ملاک‌های انتخاب شرکت‌کنندگان متخصص بودن و سابقه فعالیت گردشگری آن‌ها بود. پژوهشگر پس از کسب اجازه از شهروندان شرکت‌کننده و با هماهنگی آن‌ها، زمان و مکان مصاحبه را مشخص نموده است. در این مرحله سعی شد تا نمونه‌گیری با حداکثر تنوع از زیرگروه‌های مختلف جمعیتی از نظر سن، جنسیت، تحصیلات، سابقه فعالیت گردشگری انجام شود که ویژگی‌های دموگرافی بخش کیفی و کمی در جدول (۱) آورده شده است.

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰

بخش کمی				بخش کیفی			
متغیرها	شاخص ها	نسبی فراوانی (درصد)	فراوانی مطلق (تعداد)	تعداد	متغیر		
جنسیت	زن	۵۴/۴	۲۰۸	۴	زن	جنسیت	
	مرد	۴۵/۸	۱۷۶	۱۴	مرد		
	فوق دیپلم	۱۳	۴/۴	۸	بین ۲۱ تا ۳۵ سال		
	لیسانس	۱۰/۷	۲۷/۹	۶	بین ۳۶ تا ۵۰ سال		
	فوق لیسانس	۲۳/۶	۶۱/۵	۴	بالای ۵۰ سال		
تحصیلات	دکتری	۲۸	۷/۳	۱۰	کارشناسی	سن	
	کمتر از ۵ سال	۱۰/۷	۲۷/۹	۸	کارشناسی ارشد و بالاتر		
	بین ۶ تا ۱۵ سال	۲۰/۱	۵۲/۳	۱	کمتر از ۱ سال		
	بین ۱۶ تا ۲۵ سال	۴۲	۱۰/۹	۹	بین ۱ تا ۳ سال		
	بیش از ۲۵ سال	۲۴	۸/۹	۸	بیشتر از ۳ سال		
سابقه فعالیت	مجرد	۱۲/۹	۳۲/۶	جمع کل			
	متاهل	۲۵۰	۶۶/۴				
	وضعیت تأهل						

جامعه آماری در بخش کمی، شامل صاحبان کسب‌وکارها و فعالان حوزه خدمات گردشگری است که با توجه به نامعلوم بودن حجم جامعه، با استفاده از جدول مورگان حجم نمونه برابر با ۳۸۴ نفر تعیین شد. جهت جمع‌آوری داده‌ها در بخش کیفی از مصاحبه نیمه عمیق با سوالات باز و در بخش کمی از پرسش‌نامه با سوالات بسته با طیف پنج گزینه‌ای

لیکرت استفاده شد. فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها در این شیوه طی سه مرحله کدگذار انجام می‌گردد:

کدگذاری باز: در این مرحله، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به دقت بررسی شده، مقوله‌های اصلی و مقوله‌های فرعی مربوط به آن‌ها، مشخص و خرده مقوله‌ها (زیر مقوله‌ها) تعیین شدند. کدگذاری محوری: در این مرحله، کدها و دسته‌های اولیه‌ای که در کدگذاری باز ایجاد شده‌اند، با یکدیگر مقایسه می‌شوند و ضمن ادغام کدهایی که از نظر مفهومی با یکدیگر مشابه هستند، دسته‌هایی که به یکدیگر مربوط می‌شوند، حول محور مشترکی قرار می‌گیرند. مقوله‌های موجود در مدل پارادایمی استراوس و کوربین در مرحله کدگذاری محوری عبارتند از:

- شرایط علی: مشتمل بر عوامل و شرایط پیدایش پدیده مورد مطالعه است؛
- شرایط زمینه‌ای: مشتمل بر مواردی است که با پدیده، محل وقوع حوادث مرتبط با پدیده یا محل کنش متقابل برای کنترل یا پاسخ به پدیده ارتباط دارند؛
- شرایط میانجی: به زمینه ساختاری وقوع پدیده یا مقوله و عوامل مؤثر بر چگونگی واکنش به آن یا به پیامدهای آن می‌پردازد؛
- راهبردها: برکنش‌ها و واکنش‌هایی برای کنترل، اداره و برخورد با پدیده موردنظر با هدف و دلیلی مشخص، مبتنی می‌باشند؛
- پیامدها: عبارتند از نتایج حاصل از اتخاذ راهبردها.
- کدگذاری انتخابی: مرحله اصلی نظریه‌پردازی است؛ زیرا مقوله محوری را به شکلی نظام‌مند به دیگر مقوله‌ها ربط داده و آن روابط را در چارچوب یک روایت ارائه می‌کنند. تحلیل داده‌های کمی برازش مدل و آزمون روابط بین متغیرهای تحقیق، با استفاده از شیوه‌ای از مدل‌یابی معادلات ساختاری با نرم‌افزار Smart PLS انجام شده است.

روایی این مطالعه در بخش کیفی بر مبنای سه معیار اعتبار (صرف زمان کافی و به‌کارگیری دو کدگذار جهت چند نمونه مصاحبه به‌منظور کسب اطمینان از یکسانی دیدگاه کدگذاران)، انتقال‌پذیری (مشورت با متخصصان در خصوص یافته‌های پژوهش) و اطمینان‌پذیری استفاده شد. همچنین، از شیوه بازآزمایی جهت ارزیابی پایایی پژوهش استفاده گردید. بر این اساس،

پایایی بین کدگذاران برای مصاحبه‌های انجام گرفته در این پژوهش برابر با ۰/۷۹ محاسبه گردید. در بخش کمی این مطالعه به منظور تعیین روایی همگرا و واگرایی سازه از تحلیل عاملی تأییدی و در راستای سنجش پایایی پرسش‌نامه از آلفای کرونباخ استفاده شده است. در این بخش با توجه به اینکه مقدار آلفای کرونباخ برای همه متغیرها بالاتر از ۰/۷ است، پرسش‌نامه از پایایی کافی برخوردار است.

۴. مبانی نظری پژوهش

از آنجاکه گردشگری جزء بخش‌های خدماتی است، درآمد آن بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد. از سوی دیگر، به سبب پیوندهای بسیاری که گردشگری با سایر بخش‌های اقتصادی دارد، در صورت توسعه این خدمات سایر بخش‌های اقتصادی نیز که به آن کالا یا خدمت ارائه می‌دهند یا محصول آن را مصرف می‌کنند، همراه با آن توسعه می‌یابند (یعقوبی منطری، آقامیری، ۱۳۹۷، ص. ۲۰). به منظور مطالعه عوامل مؤثر بر جذب گردشگران خارجی باید از نظریه مصرف‌کننده و برآورد تابع تقاضای خدمات گردشگری استفاده کرد (مروت، سالم، نعمت‌اللهی، ۱۳۹۷، ص. ۲۷۷). بنابراین، گردشگری شامل تمامی پدیده‌ها و روابط حاصل از تعامل گردشگران، عرضه‌کنندگان و فروشندگان محصولات جهانگردی، دولت‌ها و جوامع میزبان در فرایند جذب و پذیرایی از گردشگران است (آقارکاکلی، یحیی‌زاده‌فر، گندم‌فشان، اسمعیلی، ۱۳۹۸، ص. ۱۷۸). مهم‌ترین اثر گردشگری بر بهبود رشد اقتصادی یک کشور، افزایش تعداد شاغلان در این عرصه یا به عبارتی افزایش سطح اشتغال کشور به شکل مستقیم و غیرمستقیم است. یکی از آشکارترین منافع گردشگری در کشور میزبان، ایجاد مشاغل نظیر کار در هتل‌ها، رستوران‌ها، مغازه‌ها و بخش حمل‌ونقل است که به‌طور مستقیم با صنعت توریسم در ارتباط است (فروچی، ابونبی، ۱۳۹۸، ص. ۵). توسعه گردشگری با رویکرد کارآفرینانه می‌تواند منبع جدید درآمدزایی برای جامعه میزبان باشد و با تنوع‌سازی اقتصاد وابستگی به اقتصاد تک‌محصولی را کاهش دهد (لرنر، هانت، دیمو، ۲۰۱۸، ص. ۵۵). کارآفرینی به معنای داشتن یک اولویت در رفتار پیشگیرانه، آینده‌نگرانه و ابتکاری است. ایده کارآفرینی با گذشت زمان ادامه داشته است، اما راهی برای غلبه بر موانع شایع در زمان بحران

فراهم می‌کند (لانسبری، گلاین^۱، ۲۰۱۹، ص. ۱۵). بر این اساس کارآفرین، یک نوآور است که ترکیب جدیدی به وجود می‌آورد و این ترکیب می‌تواند ابداع یک محصول جدید، روش جدید برای تولید محصول موجود، ایجاد بازاری جدید و یا استفاده از منابع جدید باشد. بحران‌ها می‌توانند انواع مختلفی از بهداشتی، سیاسی، مالی، فناوری، سازمانی و طبیعی داشته باشد (میلیستین، ۲۰۱۶، ص. ۱۴۵). عدم اطمینان ذاتی یک بحران نمایانگر نیاز به اتخاذ به رویکردهای جدید است، در چنین شرایطی رویکردهای منطقی و عادی به دلیل مبهم بودن شرایط اعمال نمی‌شوند. از این رو، کارآفرینان باید به منابعی که در اختیار دارند بسنده نکنند (کراس و همکاران، ۲۰۲۰^۲، ص. ۱۰۶۸). بحران‌ها بر کارآفرینان به عنوان شهروندان یک جامعه و صاحبان مشاغل تأثیر می‌گذارد (لیو^۳، ۲۰۲۰، ص. ۱۲). بنابراین، واکنش سریع نسبت به یک شرایط بحرانی برای ذی‌نفعان تحت تأثیر آن بسیار مهم است؛ زیرا یک بحران بسته به نوع درک آن، نشان‌دهنده یک فرصت و تهدید است (دورن^۴، ۲۰۱۶، ص. ۳). بر این اساس، چنانچه یک بحران منجر به ایجاد دانش جدید، یادگیری شناسایی بازارهای جدید، نوآوری و خلق مزیت رقابتی شود، آنگاه می‌توان آن را به عنوان یک فرصت در نظر گرفت. همچنین، هرگاه یک بحران ساختارهای موجود را تغییر داده و مستلزم صرف منابع جدید باشد، آنگاه می‌توان آن را به مثابه یک تهدید مدنظر قرارداد (اگرس^۵، ۲۰۲۰، ص. ۲۰۱).

۵. یافته‌های پژوهش

۵.۱. یافته‌های بخش کیفی

تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی این پژوهش مبتنی بر طرح نظام‌مند استراوس و کوربن و بر مبنای سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی استوار است.

1. Lounsbury and Glynn
2. Krausi and et al
3. Liew
4. Doern
5. Eggers

۵. ۱. ۱. کدگذاری باز

در کدگذاری باز، متن مصاحبه بارها و بارها خوانده شد و بعد از نشانه‌گذاری و شکستن داده‌ها، هر مفهومی که به ذهن می‌رسید در نظر گرفته می‌شد. در این پژوهش پس از تحلیل کلیه مصاحبه‌ها و پالایش، ۶۶ مفهوم به ۱۴ مقوله تبدیل شدند.

۵. ۱. ۲. کدگذاری محوری

در کدگذاری محوری، مفاهیم بر اساس اشتراکات و یا هم‌معنایی در کنار هم قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، کدها و دسته‌های اولیه‌ای که در کدگذاری باز ایجاد شده‌اند، با یکدیگر مقایسه می‌شوند و ضمن ادغام کدهایی که از نظر مفهومی با یکدیگر مشابه هستند، دسته‌هایی که به یکدیگر مربوط می‌شوند، حول محور مشترکی قرار می‌گیرند. ابعاد پارادایم کدگذاری، تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها در جداول (۲)، (۳)، (۴)، (۵)، (۶)، (۷)، تبیین شده و در نهایت، نظریه (مدل کیفی پژوهش) بیان شده است.

شرایط علی: این شرایط باعث ایجاد و شکل‌گیری پدیده طبقه‌محوری می‌شود. نتایج حاکی از وجود چهار مقوله مرتبط با شرایط علی، شامل کاهش تقاضا برای خدمات و محصولات گردشگری ناشی از شیوع بیماری، الزام به رعایت پروتکل‌های بهداشتی ناشی از همه‌گیری بیماری، کاهش قدرت خرید مردم و محدودیت‌های محیطی و قانونی است.

جدول ۲- کدگذاری محوری شرایط علی

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰

ابعاد	مقوله‌ها	مفاهیم (کد نهایی) (کدگذاری باز)
تغییر سبک گردشگری گردشگران	کاهش تقاضا برای خدمات - محصولات گردشگری ناشی از شیوع بیماری	افزایش حساسیت گردشگران به ارزش پیشنهادی
		کم شدن میزان مرگومیر ناشی از عدم مسافرت به دلیل اعمال محدودیت
		دوره‌ای بودن برخی کسب‌وکارها در گردشگری
		ضرورت رعایت پروتکل‌های بهداشت و سلامت
الزام به رعایت پروتکل‌های بهداشتی ناشی از همه‌گیری بیماری	الزام به رعایت فاصله اجتماعی	مقابله با گسترش بیماری به دلیل اعمال محدودیت

ابعاد	مقوله‌ها	مفاهیم (کد نهایی) (کدگذاری باز)
	کاهش قدرت خرید مردم	نرخ تورم
		کاهش قدرت خرید مردم
		فضای کسب و کار
		رکود اقتصادی ناشی از اعمال محدودیت‌ها
	محدودیت‌های محیطی و قانونی	محدودیت‌های قانونی
		فشارهای خانواده ممنوعیت سفر به مناطق مختلف

شرایط زمینه‌ای: شرایط خاصی که در آن راهبردها برای اداره، کنترل و پاسخ به پدیده فراهم می‌کند. نتایج حاکی از وجود سه مقوله مرتبط با شرایط زمینه‌ای شامل زیرساخت‌های بنیادی توسعه خدمات گردشگری، فرهنگ و عزم عمومی جامعه در پیشگیری از کرونا، یکپارچگی زنجیره تأمین صنعت گردشگری و توان بالقوه و تاب‌آوری کسب و کارها است. این جدول شامل ۳ مقوله و ۱۵ کد نهایی استخراج شده از مصاحبه است.

جدول ۳- کدگذاری محوری شرایط زمینه‌ای

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰

ابعاد	مقوله‌ها	مفاهیم (کد نهایی) (کدگذاری باز)
شرایط زمینه‌ای	زیرساخت‌های بنیادی توسعه خدمات گردشگری	زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات
		زیرساخت‌های حمل و نقل گردشگری
		زیرساخت‌های بهداشتی
		زیرساخت‌های رفاهی گردشگری
	فرهنگ و عزم عمومی جامعه در پیشگیری از کرونا و یکپارچگی زنجیره تأمین صنعت گردشگری	رفتار محتاطانه گردشگران در انتخاب بسته گردشگری
		رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی
		هماهنگی و تعاملات بین سازمانی به موقع و صحیح نهادهای سازمانی
		اشتراک اطلاعات در زنجیره تأمین صنعت گردشگری
		هماهنگی و تعاملات بین سازمانی به موقع و صحیح نهادهای سازمانی
		مشارکت و همکاری بخش‌های مختلف خدمات گردشگری
		انطباق‌پذیری زنجیره تأمین در برابر اختلالات

ابعاد	مقوله‌ها	مفاهیم (کد نهایی) (کدگذاری باز)
	توان بالقوه و تاب‌آوری کسب‌وکارها در صنعت	انعطاف‌پذیری زنجیره تأمین در پاسخ‌گویی سریع به تغییرات
		افزونگی کسب‌وکارهای صنعت گردشگری
		چابکی در پاسخ‌گویی به نیازهای گردشگران
		پایداری کسب‌وکارها در شرایط بحرانی

شرایط مداخله‌گر: به جرح و تعدیل شرایط علی می‌پردازد و بر راهبردها و کنش‌های متقابل تأثیر می‌گذارد. نتایج حاکی از وجود دو مقوله شامل شدت همه‌گیری و ریسک سرمایه‌گذاری در دوران شیوع بیماری در طبقه عوامل مداخله‌گر است. این جدول شامل ۲ مقوله و ۷ کد نهایی استخراج‌شده از مصاحبه است.

جدول ۴- کدگذاری محوری شرایط مداخله‌گر

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰

ابعاد	مقوله‌ها	مفاهیم (کد نهایی) (کدگذاری باز)
شدت همه‌گیری ریسک سرمایه‌گذاری در دوران شیوع بیماری	شدت همه‌گیری	سرعت انتقال بیماری
		عدم کشف درمان قطعی برای بیماری
		اوج‌گیری و تغییر نوع بیماری
	ریسک سرمایه‌گذاری در دوران شیوع بیماری	ریسک عدم بازگشت سرمایه
		ابهام سرمایه‌گذاران از وضعیت آینده بیماری
		الزام به تعطیلی موقت اماکن و واحدهای صنفی
		فقدان قوانین و مقررات حمایتی

راهبردها: کنش‌ها یا تعاملاتی که از پدیده محوری منبعث می‌شود. سه مقوله به‌کارگیری و توسعه ابزارهای مبتنی بر فناوری اطلاعات جهت سفر هوشمند، مدیریت بحران در صنعت گردشگری و ترویج سفرهای داخلی با رعایت پروتکل‌های بهداشتی در راستای رونق گردشگری داخلی در طبقه راهبردها شناسایی شدند. این جدول شامل ۳ مقوله و ۱۷ کد نهایی استخراج‌شده از مصاحبه است.

جدول ۵- کدگذاری محوری راهبردها

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰

ابعاد	مقوله‌ها	مفاهیم (کد نهایی) (کدگذاری باز)
۳ ۳ ۳	بکارگیری و توسعه ابزارهای مبتنی بر فناوری اطلاعات جهت سفر هوشمند	برگزاری تورهای آشناسازی
		آموزش و فرهنگ‌سازی سفر هوشمند
		اجرای پروتکل‌های سفر هوشمند
		طراحی و ایجاد وب‌سایت و اپلیکیشن‌های گردشگری
		فراهم‌سازی امکان موقعیت‌یابی گردشگر و معرفی خدمات در محدوده شعاعی
		معرفی، بازاریابی و فروش دیجیتال سوغات و صنایع دستی
		تولید محتوا و ارائه محصولات و خدمات نوین در صنعت گردشگری
		ایجاد سیستم موزه‌داری دیجیتال و برگزاری تور مجازی موزه
		بازاریابی و تبلیغات تورهای گردشگری به صورت مجازی
		بهبود جایگاه وب‌سایت در موتورهای جست‌وجو
	مدیریت بحران در خدمات گردشگری	جبران آسیب و خسارت مشاغل گردشگری
		اجرای سیاست‌های حمایتی (تسهیلات، معافیت‌های مالیاتی و ...)
		تثبیت زنجیره تأمین گردشگری
		تدوین بسته‌های مشاوره‌ای و آموزشی به فعالان در زمینه گردشگری
		تسریع و تسهیل در ارائه خدمات به گردشگران از طریق شبکه‌های مجازی
		تصویب قوانین و تسهیل شرایط سرمایه‌گذاری
		حفظ سرمایه انسانی فعال در صنعت گردشگری
	ترویج سفرهای داخلی با رعایت پروتکل‌های بهداشتی در راستای رونق گردشگری داخلی	تشویق و ترویج سفرهای داخلی در شرایط بهداشتی
		راه‌اندازی استارت‌آپ‌های گردشگری با ارزش آفرینی در حوزه فناوری
		اطلاع‌رسانی، فروش و بازاریابی دیجیتال در گردشگری
		ارائه محصولات و خدمات با رعایت پروتکل‌های بهداشتی
		ارائه بسته‌های نوآورانه در بازه‌های زمانی کوتاه‌مدت به گردشگران

پیامدها: نتایج حاصل از اتخاذ راهبردهاست. نتایج، حاکی از وجود دو مقوله شامل حفظ و رونق کسب‌وکارهای گردشگری و بهبود اثربخشی در خدمات گردشگری و خلق بازارهای جدید گردشگری برای دوران پساکرونا است. این جدول شامل ۲ مقوله ۱۳ کد نهایی استخراج‌شده از مصاحبه است.

جدول ۶- کدگذاری محوری پیامدها

مأخذ: نگارندگان ۱۴۰۰

ابعاد	مقوله‌ها	مفاهیم (کد نهایی) (کدگذاری باز)
توسعه	حفظ و رونق کسب‌وکارهای گردشگری	کمک به رشد اقتصاد محلی و ملی
		انطباق‌پذیری کسب‌وکارها گردشگری با تغییرات ناگهانی
		افزایش رقابت‌پذیری محصولات و خدمات گردشگری
		رونق اقتصادی و اشتغال‌زایی
		و تسهیل فعالیت بخش خصوصی به منظور ایجاد بازار کار
	بهبود اثربخشی در خدمات گردشگری و خلق بازارهای جدید گردشگری برای دوران پسا کرونا خلق بازار جدید گردشگری برای دوران پسا کرونا	تأمین رضایت خاطر گردشگران
		انعطاف‌پذیری و پویایی در پاسخ به نیازهای متنوع بازار
		افزایش گرایش به سفرهای داخلی
		ارتقای سطح کارآفرینی در صنعت گردشگری
		بهبود زیرساخت‌های محلی خدمات رفاهی - اجتماعی
		شناسایی بازارهای جدید
		تحریک گردشگران مجازی برای بازدید واقعی از یک مقصد گردشگری
		آشناسازی و معرفی مجازی مقاصد مختلف گردشگری

گزاره‌های حکمی (قضایای) پژوهش

در پژوهش حاضر بر پایه مؤلفه‌های مرحله کدگذاری محوری، قضایای زیر بدست آمده‌اند:

قضیه ۱. کاهش تقاضا برای خدمات - محصولات گردشگری ناشی از شیوع بیماری، الزام به رعایت پروتکل‌های بهداشتی ناشی از همه‌گیری بیماری، کاهش قدرت خرید مردم و محدودیت‌های محیطی و قانونی به‌عنوان شرایط علی بر مدل کارآفرینی گردشگری در بحران‌های پاندمیک اثرگذارند.

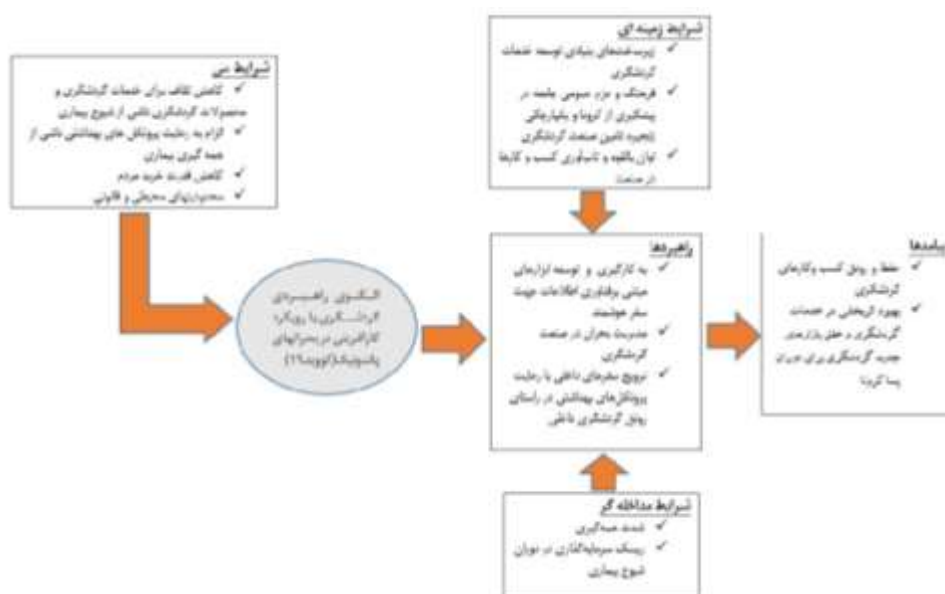
قضیه ۲. زیرساخت‌های بنیادی توسعه خدمات گردشگری، فرهنگ و عزم عمومی جامعه در پیشگیری از کرونا و یکپارچگی زنجیره تأمین صنعت گردشگری به‌عنوان شرایط زمینه‌ای بر مدل کارآفرینی گردشگری در بحران‌های پاندمیک تأثیری گذارد.

قضیه ۳. شدت همه‌گیری و ریسک سرمایه‌گذاری در دوران شیوع بیماری، به‌عنوان شرایط مداخله‌گر بر مدل کارآفرینی گردشگری در بحران‌های پاندمیک تأثیر می‌گذارند.

قضیه ۴. بکارگیری و توسعه ابزارهای مبتنی بر فناوری اطلاعات جهت سفر هوشمند، مدیریت بحران در صنعت گردشگری، ترویج سفرهای داخلی با رعایت پروتکل‌های بهداشتی در راستای رونق گردشگری داخلی راهبردهای اصلی بر مدل کارآفرینی گردشگری در بحران‌های پاندمیک هستند.

قضیه ۵. پیامدهای دستور کار مدل کارآفرینی گردشگری در بحران‌های پاندمیک، شامل حفظ و رونق کسب‌وکارهای گردشگری، تقویت صنعت گردشگری و خلق بازار جدید گردشگری برای دوران پسا کرونا خواهد بود.

درنهایت با توجه به نتایج کدگذاری مدل نهایی کارآفرینی گردشگری با رویکرد داده‌بنیاد در بحران‌های پاندمیک با تأکید بر همه‌گیری کووید ۱۹ به‌صورت شکل شماره (۲) ارائه می‌گردد.



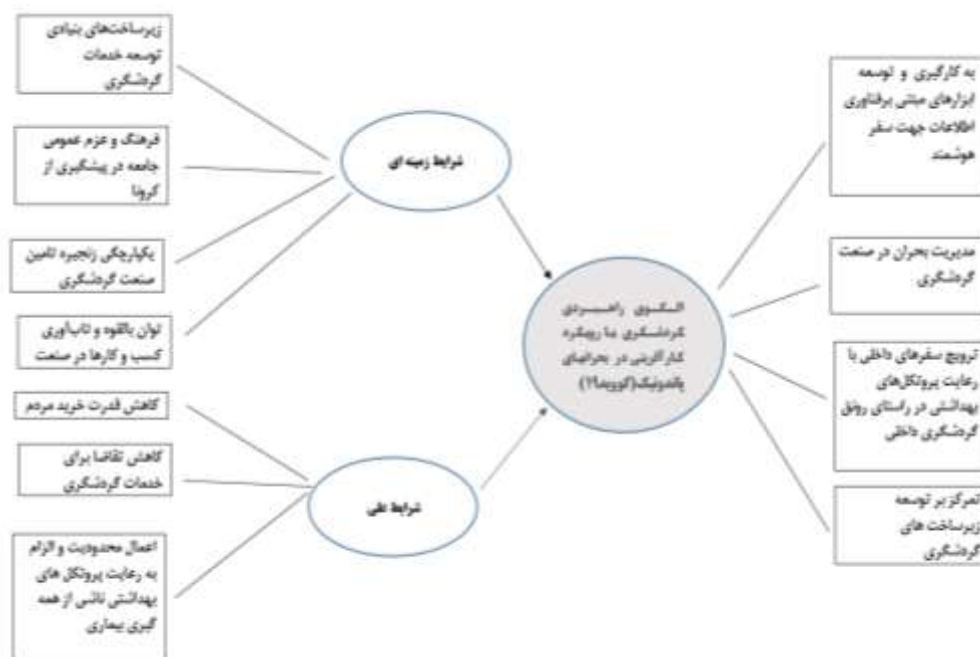
شکل ۲- الگوی گردشگری با رویکرد کارآفرینی در بحران پاندمی کووید ۱۹ بر مبنای نظریه داده

بنیاد

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰

ارزیابی الگوی ارائه‌شده

در این مرحله باهدف ارزیابی الگوی حاصله از بخش کیفی، شیوه مدل‌یابی معادلات ساختاری بکار گرفته شده است.



شکل ۳- مدل مفهومی پژوهش

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰

روش استفاده‌شده در این بخش مبتنی بر شیوه کمی و مبتنی بر پارادایم روش‌شناسی حاکم اثبات‌گرایی است. جهت جمع‌آوری داده‌های کمی از پرسش‌نامه با سؤالات بسته با طیف پنج گزینه‌ای لیکرت استفاده گردید. شایان ذکر است، به‌منظور تعیین روایی همگرا و واگرایی سازه از تحلیل عاملی تأییدی و در راستای سنجش پایایی پرسش‌نامه از آلفای کرونباخ استفاده شده است. تحلیل داده‌های کمی در این مطالعه، با استفاده از شیوه‌ای از مدل‌یابی معادلات ساختاری با نرم‌افزار Smart pls انجام شده است.

کشف و تأیید ساختار عاملی الگوی پیشنهادی

مدل مدنظر در این تحقیق بر اساس نظر متخصصان طراحی و مؤلفه‌های اصلی آن شناسایی گردید. سپس، پرسش‌نامه‌ای متشکل از ۸۷ سؤال برای اندازه‌گیری متغیرهای موردنظر تهیه و میان نمونه آماری توزیع گردید. در این بخش، به بررسی و تحلیل عاملی بین ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی پیشنهادی بر اساس نظر پاسخ‌دهندگان پرداخته می‌شود. در این تحلیل، ابتدا ساختار عاملی را کشف و پس از شناسایی عوامل به تأیید الگو پرداخته می‌شود. برای کشف ساختار از تحلیل عاملی اکتشافی در نرم‌افزار SPSS و برای تأیید ساختار عاملی از تحلیل عاملی تأییدی در نرم‌افزار Smart PLS استفاده شده است.

تحلیل عاملی اکتشافی

در ابتدا لازم است امکان انجام تحلیل عاملی بر نمونه تحقیق مورد بررسی قرار گیرد که برای این منظور از آزمون بارتلت، شاخص کفایت نمونه‌برداری KMO و ماتریس همبستگی ضد تصویر استفاده می‌شود. مقدار شاخص KMO در بازه صفر تا یک قرار دارد و مقدار بالاتر از ۰/۷ را برای این شاخص قابل قبول می‌دانند. هرچه مقدار شاخص نزدیک به یک باشد، داده‌های موردنظر (اندازه نمونه) برای تحلیل عاملی مناسب هستند وگرنه نتایج تحلیل عاملی برای داده‌های موردنظر چندان مناسب نیست. مقدار شاخص KMO برابر با ۰/۸۲ و مقدار آماره آزمون کرویت بارتلت با درجه آزادی ۱۰۵ برابر با ۳۱۶۷/۲۹ به دست آمده و در سطح خطای ۰/۰۵ کاملاً معنی دار است.

آزمون نرمال بودن متغیرهای تحقیق

یکی از پیش فرض‌های اصلی موردنیاز برای استفاده از آزمون‌های پارامتریک فرض نرمال بودن توزیع متغیرهای مورد بررسی است. از این رو، قبل از انجام آزمون‌های موردنظر و بررسی فرضیه‌های تحقیق، باید نرمال بودن توزیع متغیرها آزمون شود. در صورتی که متغیرهای تحقیق از توزیع نرمال پیروی نکنند لازم است از آزمون‌های ناپارامتریک برای بررسی فرضیه‌های تحقیق استفاده شود. در این تحقیق، برای بررسی نرمال بودن متغیرهای از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. نتایج آزمون در جدول (۷) گزارش شده است.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود تمام متغیرهای تحقیق در سطح خطای ۵ درصد معنی‌دار هستند.

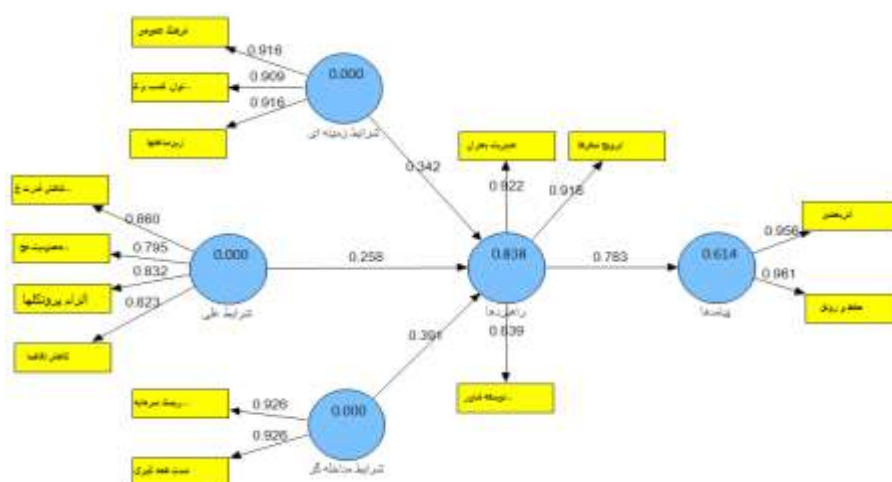
جدول ۷- نتایج آزمون نرمال بودن متغیرهای تحقیق

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰

متغیرهای تحقیق	مقدار آماره	سطح معنی‌داری (sig.)
شرایط عالی	۰/۰۵۱	۰/۰۲۰
شرایط زمینه‌ای	۰/۰۸۰	۰/۰۰۱
شرایط مداخله‌گر	۰/۰۵۴	۰/۰۱۰
راهبردها	۰/۰۶۸	۰/۰۰۱
پیامدها	۰/۱۱۵	۰/۰۰۱

تحلیل عاملی تأییدی

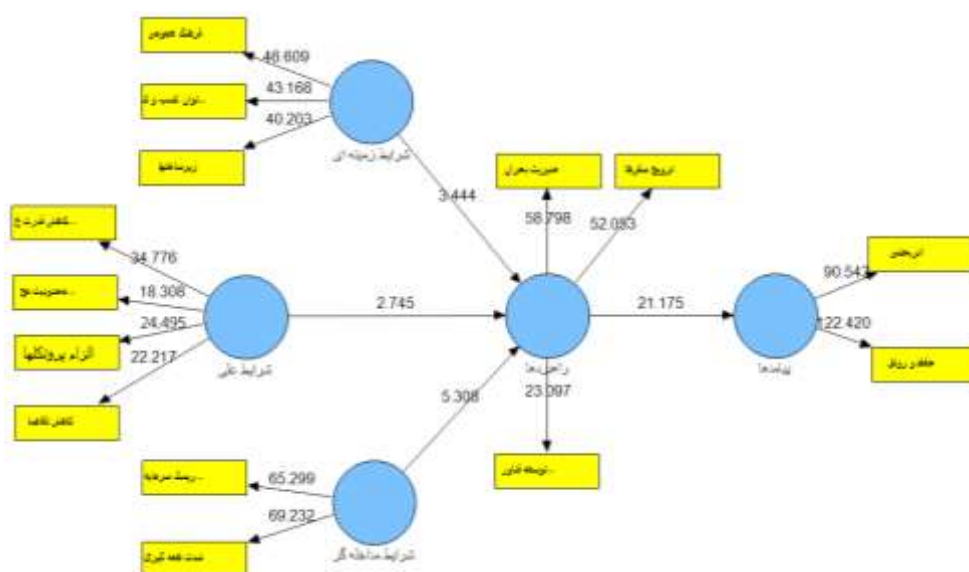
به منظور سنجش و تأیید مدل استخراج شده و آزمون فرضیه‌های تحقیق با توجه به نرمال نبودن توزیع تمام متغیرها از روش حداقل مربعات جزئی به کمک نرم‌افزار Smart PLS استفاده شد. ضرایب مسیر، واریانس تبیین شده متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و بار عاملی متغیرهای مشاهده شده در شکل ۴ مشخص شده‌اند.



شکل ۴- نمودار ضرایب مسیر و بار عاملی متغیرها

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰

معنی‌داری ضرایب مسیر و بارهای عاملی مربوط به هرکدام از متغیرهای پنهان با استفاده از روش خودگردان بررسی و در شکل (۵) به نمایش آمده است. در این شکل اعداد روی مسیر و نیز خطوط مربوط به بارهای عاملی مقادیر آماره t مربوطه هستند و همانند آزمون t تفسیر می‌شوند؛ یعنی برای تعداد نمونه‌های بالا مقادیر بیشتر از $\pm 1/96$ در سطح ۵ درصد معنی‌دار می‌باشند.



شکل ۵- مقدار آماره t برای بررسی معنی‌داری ضرایب مسیر و بارهای عاملی

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰

پایایی (همسانی درونی) گویه‌ها

جهت بررسی پایایی هرکدام از گویه‌ها، بار عاملی هر یک از متغیرهای مشاهده‌شده روی متغیرهای مکنون مربوطه در جدول (۸) گزارش شده است. معمولاً بارهای عاملی بالاتر از $0/4$ مورد قبول و در سطح $0/05$ معنی‌دار هستند. به صورتی که مشاهده می‌شود بار عاملی تمام گویه‌ها بالاتر از میزان مطلوب هستند.

جدول ۸- بار عاملی گویه‌ها

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰

پایامدها	راهبردها	شرایط مداخله‌گر	شرایط زمینه‌ای	شرایط علی	
				۰/۸۲۳	کاهش تقاضا برای خدمات
				۰/۸۳۲	الزام به رعایت پروتکل‌ها
				۰/۸۶۰	کاهش قدرت خرید مردم
				۰/۷۹۵	محدودیت‌های محیطی و قانونی
			۰/۹۱۶		فرهنگ عمومی جامعه در پیشگیری
			۰/۹۱۶		زیرساخت بنیادی توسعه خدمات
			۰/۹۰۹		توان و تاب‌آوری کسب‌وکارها
		۰/۹۲۶			شدت همه‌گیری
		۰/۹۲۶			ریسک سرمایه‌گذاری در دوران شیوع
	۰/۹۲۲				مدیریت بحران در صنعت گردشگری
	۰/۸۳۹				به‌کارگیری ابزارهای فناوری اطلاعات
	۰/۹۱۸				ترویج سفرهای داخلی
۰/۹۵۶					بهبود اثربخشی خدمات گردشگری
۰/۹۶۱					روتن کسب‌وکارهای گردشگری

نتایج معنی‌داری ضرایب مسیر نیز در جدول (۹) آورده شده‌اند. در این جدول مقدار ضریب مسیر، انحراف استاندارد، مقدار آماره t و سطح معنی‌داری مربوط به هر کدام از مسیرها نوشته شده است.

جدول ۹- مقدار ضرایب مسیر و آماره t

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰

مسیر	ضریب مسیر	انحراف استاندارد	مقدار آماره t	سطح معنی‌داری
از شرایط علی به راهبردها	۰/۲۵۸	۰/۰۹۴	۲/۷۴	۰/۰۰۲
از شرایط زمینه‌ای به راهبردها	۰/۳۴۲	۰/۰۹۹	۳/۴۴	۰/۰۰۱
از شرایط مداخله‌گر به راهبردها	۰/۳۹۱	۰/۰۷۴	۵/۳۱	۰/۰۰۱
از راهبردها به پیامدها	۰/۷۸۳	۰/۰۳۷	۲۱/۱۸	۰/۰۰۱

بر اساس نتایج جدول بالا، ضرایب مسیر از شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر به راهبردها مثبت و در سطح خطای ۰/۰۵ کاملاً معنی‌دار می‌باشند. همچنین، ضریب مسیر از راهبردها به پیامدها در سطح خطای ۰/۰۵ کاملاً معنی‌دار هست.

پایایی ترکیبی

برای بررسی روایی همگرا باید میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) و پایایی مرکب (CR) محاسبه شود. باگوزی و یای (۱۹۸۸) شاخص معیار برای میانگین واریانس استخراج‌شده را برابر ۰/۶ و برای پایایی مرکب را برابر ۰/۵ معرفی کرده‌اند و مقادیر بزرگتر از آن را مناسب در نظر گرفته‌اند (باگوزی، وای^۱، ۱۹۸۸، ص ۸۲). نتایج بررسی پایایی ترکیبی در جدول (۱۰) گزارش شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود تمامی اعداد بیشتر از ۰/۶ بوده و لذا پایایی ترکیبی سازه‌ها مورد قبول هستند.

واریانس استخراج‌شده

مقادیر واریانس استخراج‌شده مربوط به سازه‌ها نیز در جدول (۱۰) گزارش شده است. مقدار قابل قبول برای این معیار که بیانگر اعتبار مناسب ابزارهای اندازه‌گیری است، مقدار ۰/۵ هست. همان‌گونه که مشاهده می‌شود مقادیر واریانس استخراج‌شده برای تمام متغیرهای تحقیق بالاتر از ۰/۵ بوده و اعتبار ابزارهای اندازه‌گیری را تأیید می‌کند.

جدول ۱۰- پایایی ترکیبی و واریانس استخراج‌شده متغیرهای تحقیق

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰

متغیرهای تحقیق	پایایی ترکیبی	واریانس استخراج‌شده
شرایط علی	۰/۸۹۷	۰/۶۸۵
شرایط زمینه‌ای	۰/۹۳۸	۰/۸۳۵
شرایط مداخله‌گر	۰/۹۲۳	۰/۸۵۷
راهبردها	۰/۹۲۲	۰/۷۹۹
پیامدها	۰/۹۵۸	۰/۹۱۹

بررسی و آزمون مدل ساختاری

بر اساس نتایج، مقدار ضرایب تعیین چندگانه برای مدل تحقیق برابر ۰/۸۳۸ و ۰/۶۱۴ به دست آمده‌اند. این بدین معنی است که متغیرهای مستقل تحقیق (شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر) در مجموع توانسته‌اند ۸۳/۸ درصد تغییرات متغیر میانجی (راهبردها) را تبیین کنند و متغیر میانجی (راهبردها) نیز توانسته ۶۱/۴ درصد تغییرات متغیر وابسته (پیامدها) را تبیین کند که درصدهای بسیار بالایی هستند. برای بررسی برازش کلی مدل می‌توان از شاخص نیکویی برازش (GOF) به صورت زیر استفاده کرد

$$GOF = \sqrt{(Communality) * (R^2)}$$

که برابر مجذور ضرب دو مقدار متوسط مقادیر اشتراکی و متوسط ضرایب تعیین است. سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به ترتیب به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای این شاخص لحاظ می‌شود. برای مدل تحقیق حاضر مقدار این شاخص برابر است با

$$GOF = \sqrt{0.726 \times 0.819} = 0.771$$

به این ترتیب با توجه به نتایج پایایی ترکیبی، واریانس استخراج شده، ضریب تعیین مدل و شاخص نیکویی برازش می‌توان نتیجه گرفت که مدل ترسیم شده در حیطه تحلیل مسیر از فرضیات تجربی - نظری مناسبی برخوردار بوده و دارای برازش بسیار مناسبی است.

آزمون فرضیه‌ها

مطابق با الگوریتم تحلیل داده‌ها در نرم افزار PLS، پس از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری، با توجه به ضریب مسیر و آماره t و همچنین نمودارهای (ضرایب مسیر و بار عاملی متغیرها، معنی‌داری ضرایب مسیر و بارهای عاملی)، فرضیه‌های تحقیق آزموده می‌شوند. ضریب مسیر نشان‌دهنده اثر یک سازه بر روی سازه دیگر است. ضرایب مسیر مثبت نشان‌دهنده روابط مستقیم بین متغیرها و ضرایب مسیر منفی نشان‌دهنده رابطه معکوس بین متغیرها است. در صورتی که مقدار ضریب معناداری هریک از مسیرها بیش از ۱/۹۶ باشد، مسیر مربوطه در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار و فرضیه مرتبط با آن تأیید می‌شود. طبق یافته‌های تحقیق، براساس ضریب معناداری مسیرها، فرضیه‌های شرایط علی بر راهبردها با ضریب مسیر

۰/۲۵۸ و شرایط زمینه‌ای به راهبردها با ضریب مسیر ۰/۳۴۲ و شرایط مداخله‌گر بر راهبردها با ضریب مسیر ۰/۳۹۱ و راهبردها به پیامدها با ضریب مسیر ۰/۷۸۳ بر راهبردهای گردشگری با رویکرد کارآفرینی در بحران همه‌گیری کووید ۱۹ تأثیر معناداری دارند. همه این مسیرها در سطح ۰/۰۵ معنادار می‌باشند و ضریب مسیرها در شرایط مناسب قرار دارند. بر این اساس طبق یافته‌های تحقیق بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از بخش کمی، راهبردهای گردشگری با رویکرد کارآفرینی در بحران همه‌گیری (مورد مطالعه: پاندمی کووید ۱۹) مورد تأیید است. بر اساس نتایج پایایی ترکیبی، واریانس استخراج‌شده، ضریب تعیین مدل و شاخص نیکویی برازش به این نتیجه دست‌یافتیم که مدل ترسیم‌شده در حیطه تحلیل مسیر از مفروضات تجربی-نظری مناسبی برخوردار بوده و دارای برازش خیلی مناسبی هست. بنابراین، الگوی راهبردهای گردشگری با رویکرد کارآفرینی در بحران همه‌گیری کووید مورد تأیید است. نتایج حاصل از آزمون فرضیات در جدول (۱۱)، نشان داده شده است و مدل مفهومی طراحی شده را تأیید می‌کند.

جدول ۱۱- اثرات مستقیم، آماره t و نتیجه فرضیات پژوهش

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰

فرضیه‌ها	ضریب مسیر استاندارد شده β	آماره t	معنی داری	قبول یا رد فرضیه
کاهش تقاضا ← الگوی راهبردی گردشگری	-۰/۳۴۳	۵/۰۳۵	Sig<0.05	قبول
اعمال محدودیت ← الگوی راهبردی گردشگری	-۰/۶۹۲	۵/۱۹۷	Sig<0.05	قبول
عوامل اقتصادی ← الگوی راهبردی گردشگری	-۰/۲۰۹	۸/۱۵۵	Sig<0.05	قبول
زیرساخت‌های گردشگری ← الگوی راهبردی گردشگری	۰/۷۲۲	۶/۰۰۹	Sig<0.05	قبول
فرهنگ و عزم عمومی ← الگوی راهبردی گردشگری	۰/۰۲۶	۲/۴۱۷	Sig<0.05	قبول
یکپارچگی زنجیره تأمین ← الگوی راهبردی گردشگری	۰/۱۰۳	۸/۰۲۲	Sig<0.05	قبول
ریسک سرمایه‌گذاری ← الگوی راهبردی گردشگری	-۰/۰۳۱	۸/۲۹۰	Sig<0.05	قبول

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

صنعت گردشگری همواره تحت تأثیر اجتماع و مبتنی بر تعاملات بین مردم است. شیوع ویروس کرونا، بخش گردشگری جهان را با چالشی اساسی مواجه کرده است. این مطالعه با رویکرد روش‌شناسی ترکیبی، طی دو بخش کیفی و کمی انجام شد. در بخش نخست این پژوهش که مبتنی بر شیوه نظریه‌پردازی داده‌بنیاد است، پژوهشگر طی فرایندی رفت و برگشتی، به تجزیه و تحلیل داده‌ها طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی اقدام کرده و مدل راهبردی گردشگری با رویکرد کارآفرینی در بحران کووید ۱۹ را ارائه نموده است. سپس در گام دوم به برازش و اعتباریابی مدل ارائه‌شده پرداخته است. بر این اساس، مدل پیشنهادی پژوهش به شرح ذیل هست:

• شرایط علی: در این مطالعه سه مقوله (۱) کاهش تقاضا برای خدمات - محصولات گردشگری ناشی از شیوع بیماری، (۲) اعمال محدودیت و الزام به رعایت پروتکل‌های بهداشتی ناشی از همه‌گیری بیماری و (۳) عوامل اقتصادی به‌عنوان عوامل علی‌الگوی پیشنهادی شناسایی شدند. این یافته با نتایج تحقیقات گاسلینگ، اسکات، هال، (۲۰۲۰) و هایستد و کلر^۱ (۲۰۲۰)، هم‌خوانی دارد.

• شرایط زمینه‌ای: در این مطالعه چهار مقوله ذیل به‌عنوان بسترهای اثرگذار بر شکل‌گیری گردشگری با رویکرد کارآفرینی شناسایی شدند: (۱) زیرساخت‌های گردشگری، (۲) فرهنگ و عزم عمومی جامعه در پیشگیری از کرونا، (۳) یکپارچگی زنجیره تأمین صنعت گردشگری، (۴) توان بالقوه و تاب‌آوری کسب‌وکارها در صنعت در قالب شرایط زمینه‌ای. این یافته با حاصل مطالعات راتن (۲۰۲۰) مطابقت دارد.

• شرایط مداخله‌گر: در این پژوهش دو عامل (۱) شدت همه‌گیری و (۲) ریسک سرمایه‌گذاری در دوران شیوع بیماری کووید ۱۹، در طبق عوامل مداخله‌گر یعنی آن دسته از مقولاتی که به‌طور غیرمستقیم بر توسعه گردشگری با رویکرد کارآفرینی در بحران‌های پاندمیک (کووید ۱۹) اثرگذارند، شناسایی شدند. این نتایج با یافته‌های حاصل از پژوهش هایستد و کلر، (۲۰۲۰) و سازمان تجارت جهانی (۲۰۲۰)، هم‌خوانی دارد.

• راهبردها: این طبقه مشتمل برکنش‌ها و تعاملاتی است که اجرای موفقیت‌آمیز آن‌ها منجر به توسعه گردشگری با رویکرد کارآفرینی در دوران بحران پاندمی کووید ۱۹ خواهد شد. این راهبردها عبارتند از: (۱) توسعه گردشگری مجازی، (۲) مدیریت بحران در صنعت گردشگری، (۳) توسعه گردشگری داخلی با تأکید بر رعایت پروتکل‌های بهداشتی و (۴) تمرکز بر توسعه زیرساخت‌های گردشگری. این نتایج با یافته‌های مطالعات هایگین (۲۰۲۰)، کراینر و رام (۲۰۲۰) و کلابی و کریمی راد (۱۳۹۹) مطابقت دارد.

• در حالت کلی، بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده، کاهش تقاضا، اعمال محدودیت، عوامل اقتصادی و ریسک سرمایه‌گذاری بر الگوی راهبردی گردشگری دارای تأثیر منفی و معنی‌داری می‌باشند. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که زیرساخت‌های گردشگری، فرهنگ و عزم عمومی و یکپارچگی زنجیره تأمین بر الگوی راهبردی گردشگری دارای تأثیر مثبت و معنی‌دار می‌باشند، ضمن اینکه زیرساخت‌های گردشگری از بیشترین تأثیر بر الگوی راهبردی گردشگری برخوردار است.

• پیامدها: بر اساس یافته‌های این پژوهش اجرای صحیح راهبردهای پیشنهادی منجر به تحقق دو پیامد اصلی حفظ و رونق کسب‌وکارهای گردشگری و بهبود اثربخشی در خدمات گردشگری و خلق بازارهای جدید گردشگری برای دوران پساکرونا می‌گردد.

• در بخش کمی پژوهش، بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده، کاهش تقاضا، اعمال محدودیت، عوامل اقتصادی و ریسک سرمایه‌گذاری بر الگوی راهبردی گردشگری دارای تأثیر منفی و معنی‌داری می‌باشند. بر این اساس، می‌توان اذعان داشت با افزایش تأثیر این عوامل گردشگری با رویکرد کارآفرینی با چالش‌هایی مواجه می‌شود و کاهش در آن‌ها منجر به بهبود وضعیت گردشگری با رویکرد کارآفرینی در شرایط همه‌گیری کووید ۱۹ می‌گردد، ضمن اینکه زیرساخت‌های گردشگری از بیشترین تأثیر بر الگوی راهبردی گردشگری برخوردار است.

از نوآوری‌های این پژوهش می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: (۱) جدید بودن موضوع با توجه به رویکرد کارآفرینی و نگرش مثبت آن جهت حل چالش‌های ناشی از بحران، (۲) هم‌سو بودن موضوع در راستای کاهش پیامدهای ناشی از شیوع پاندمی‌هایی نظیر کووید ۱۹

بر کسب و کارهای گردشگری، ۳) خلق نظریه در زمینه صنعت گردشگری با رویکرد کارآفرینی در بحران‌های پاندمیک که بر اساس مطالعات صورت گرفته به نظر می‌رسد تاکنون در کشور پژوهشی با این عنوان انجام پذیرفته است.

کتاب‌نامه

۱. ایمان، م. (۱۳۸۹). *مبانی پارادایمی روش‌های کمی و کیفی تحقیق در علوم انسانی* (چاپ اول). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲. آذر، ع. و غلام زاده، ر. (۱۳۹۵). *مدل‌سازی معادلات ساختاری: کمترین مربعات جزئی (PLS - SEM)* (چاپ اول). تهران: انتشارات نگاه دانش.
۳. آزادخانی، پ. و عبداللهی پور، ز. (۱۳۹۷). نقش فعالیت‌های کارآفرینانه در توسعه گردشگری شهر ایلام. *فصل‌نامه علمی - ترویجی فرهنگ ایلام*، (۶۰ و ۶۱)، ۱۵۵-۱۳۰.
۴. آق ارکاکلی، آ.، یحیی‌زاده فر، م.، گندم فشان، د. و اسمعیلی‌خان‌به‌بین، ن. (۲۰۱۹). مطالعه عوامل مؤثر بر تقاضای گردشگری داخلی در استان گلستان. *برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*، (۳۰)، ۱۹۶-۱۷۷.
۵. دهقان، ر.، رشادت‌جو، ح.، طالبی، ک. و درگاهی، ح. (۱۳۹۹). تحلیل راهبردی صنعت گردشگری سلامت ایران در دوران کرونا. *مجله دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران*، ۱۴ (۶)، ۵۱۹-۵۳۴.
۶. سبحانی، ب.، صفریان‌زنگیر، و. و طباطبائی، ب. (۱۳۹۹). پهنه‌بندی اقلیمی چغندر قند بر اساس خصوصیات خاک و عوامل اقلیمی (مطالعه موردی: استان آذربایجان شرقی). *فصل‌نامه علوم و تکنولوژی محیط زیست*، ۲۲ (۴)، ۹۵-۱۰۷.
۷. علی اکبری، م.، عیسی‌زاده، ف. و آقاجان بگلو، س. (۱۳۹۸). پیامدهای روانی اجتماعی مبتلایان به بیماری کروناویروس جدید (کوید ۱۹): یک مطالعه کیفی. *مجله روانشناسی سلامت ایران*، ۲ (۲)، ۲۰-۹.
۸. فروحی، ش. و ابونبی، آ. (۱۳۹۸). *اثرات اقتصادی کرونا بر صنعت گردشگری*. بررسی مسائل روز اقتصادی. اتاق بازرگانی، بولتن اقتصادی شماره ۲، مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، ۵۳-۳۳.
۹. کرمی، م. (۱۳۹۶). *صنعت گردشگری بستر کار آفرینی*. ماه‌نامه کارایی، ۳۰، ۶۸-۱.

۱۰. کلابی، ا. و کریمی راد، س. (۱۳۹۹). نوسازی استراتژیک کارآفرینانه در دوران پساکرونا: شرکت‌های فعال در صنعت گردشگری. *فصل‌نامه مدیریت گردشگری*، ۱۵ (ویژه‌نامه همه‌گیری کووید ۱۹)، ۳۰۶-۲۸۵.
۱۱. مروت، ح.، سالم، ع. و خادم نعمت‌اللهی، م. (۱۳۹۷). شناسایی عوامل مؤثر بر تقاضای گردشگری خارجی. *پژوهش‌نامه اقتصادی*، ۱۸ (۶۹)، ۳۰۶-۲۷۵.
۱۲. موسوی، م.، جلالیان، الف. و کهکی، ف. (۱۳۹۶). تدوین سناریوهای عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری استان آذربایجان غربی با استفاده از سناریو ویزارد. *نشریه گردشگری شهری*، ۴ (۳)، ۶۲-۴۹.
۱۳. میرتقیان رودسری، س.، فرخیان، ف. و نقوی، م. (۱۳۹۹). بررسی رفتار جامعه میزبان نسبت به گردشگران در دوران شیوع کووید-۱۹. *مطالعات مدیریت گردشگری (مطالعات جهانگردی)*، ۱۵ (ویژه‌نامه)، ۱۴۳-۱۱۵.
۱۴. نیکفال مغانلو، س. و منصوری، م. (۱۳۹۹). تأثیر ویروس کرونا COVID-19 بر صنعت گردشگری. *هفتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم جغرافیا، معماری و شهرسازی ایران*، ۱۸ خرداد، تهران.
۱۵. یعقوبی‌منظری، پ. و آقامیری، س. (۱۳۹۷). بررسی پیوندهای پسین و پیشین صنعت هتلداری برای افزایش تولید و اشتغال در ایران. *گردشگری و توسعه*، ۷ (۴)، ۳۷-۱۸.

16. Bagozzi, R. P., & Yi, Y. (1988). On the evaluation of structural equation models. *Journal of the Academy of Marketing Science*, 16(1), 74-94.
17. Del Valle, A. S. (2020). The tourism industry and the impact of Covid-19, scenarios and proposals. *Global Journey Consulting Madrid*, Retrieved from https://worldshoppingtourism.com/downloads/GJC_THE_TOURISM_INDUSTRY_AND_THE_IMPACT_OF_COVID_19.pdf
18. Doern, R. (2016). Entrepreneurship and crisis management: The experiences of small businesses during the London 2011 riots. *International Small Business Journal*, 34(3), 276-302.
19. Eggers, F. (2020). Masters of disasters? Challenges and opportunities for SMEs in times of crisis. *Journal of Business Research*, 116, 199-208.
20. Gössling, S., Scott, D., & Hall, C. M. (2020). Pandemics, tourism and global change: a rapid assessment of COVID-19. *Journal of Sustainable Tourism*, 29(1), 1-20.
21. Gretzel, U., Fuchs, M., Baggio, R., Hoepken, W., Law, R., & Neidhardt, J. (2020). e-Tourism beyond COVID-19: A call for transformative research. *Information Technology & Tourism*, 22, 187-203.

22. Higgins-Desbiolles, F. (2020). The “war over tourism”: Challenges to sustainable tourism in the tourism academy after COVID-19. *Journal of Sustainable Tourism*, 29(4), 551-569.
23. Hystad, P. W., & Keller, P. C. (2008). Towards a destination tourism disaster management framework: Long-term lessons from a forest fire disaster. *Tourism Management*, 29(1), 151-162.
24. Keller, P. (2020). Corona pandemic as exogenous shock for international tourism: A context analysis. In F. Burini (Ed.), *Tourism facing a pandemic: From crisis to recovery* (pp. 15-24). Università degli Studi di Bergamo, Bergamo, Italy.
25. Kraus, S., Clauss, T., Breier, M., Gast, J., Zardini, A., & Tiberius, V. (2020). The economics of COVID-19: Initial empirical evidence on how family firms in five European countries cope with the corona crisis. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 26(5), 1067-1092.
26. Kreiner, N. C., & Ram, Y. (2020). National tourism strategies during the Covid-19 pandemic. *Annals of Tourism Research*, 10.1016/j.annals.2020.103076
27. Lerner, D. A., Hunt, R. A., & Dimov, D. (2018). Action! Moving beyond the intendedly-rational logics of entrepreneurship. *Journal of Business Venturing*, 33(1), 52-69.
28. Liew, V. K. S. (2020). The effect of novel coronavirus pandemic on tourism share prices. *Journal of Tourism Futures*. <https://doi.org/10.1108/JTF-03-2020-0045>
29. Lordkipanidze, M., Brezet, H., & Backman, M. (2005). The entrepreneurship factor in sustainable tourism development. *Journal of Cleaner Production*, 13(8), 787-798.
30. Lounsbury, M., & Glynn, M. A. (2019). Cultural entrepreneurship: A new agenda for the study of entrepreneurial processes and possibilities. Cambridge: Cambridge University Press.
31. Ratten, V. (2020). Coronavirus (Covid-19) and entrepreneurship: Cultural, lifestyle and societal changes. *Journal of Entrepreneurship in Emerging Economies*, 13(4), 747-761
32. Ritchie, B. W., & Jiang, Y. (2019). A review of research on tourism risk, crisis, and disaster management. *Annals of Tourism Research*, 79(1), 1-15.
33. Roy, A. (2020). The pandemic is a portal. *Financial Times*, 3(4), 45(2), 1-12
34. Santos, A., Madrid, C., Haegeman, K., & Rainoldi, A. (2020). *Behavioural changes in tourism in times of Covid-19*. Luxembourg: Publications Office of the European Union.
35. Strauss, A., & Corbin, J. (1994). Grounded theory methodology: An overview. In N. K. Denzin, & Y. S. Lincoln (Eds.), *Handbook of qualitative research* (pp. 273-285). Thousand Oaks, CA: SAGE.

Creating and Explaining Entrepreneurial Tourism Model during COVID-19 Pandemic (Case Study: East Azerbaijan and West Azerbaijan Provinces)

Moslem Soleymanpoor¹

PhD Candidate in Business Management, Payam-Noor University, Tehran, Iran

Mohammadtaghi Amini

Professor in Business Management, Payam-Noor University, Tehran, Iran

Yazdan Shirmohammadi

Associate Professor in Business Management, Payam-Noor University, Tehran, Iran

Ali Shahnazari

Assistant Professor in Business Management, Payam-Noor University, Tehran, Iran

Received: 6 July 2021

Accepted: 28 July 2021

Abstract

The study aimed at presenting a tourism model using an entrepreneurial approach in the pandemic outbreaks. It used a mixed method (qualitative and quantitative). For the qualitative part, using grounded theory, a semi-structured in-depth, 18 experts, managers and activists of tourism industry were interviewed. In quantitative part, the statistical population includes business owners and activists of tourism industry in East Azerbaijan and West Azerbaijan provinces. Applying Morgan's table, 384 citizens were randomly selected to form the sample. The quantitative data were collected using a researcher-made questionnaire and analyzed using Structural Equation Modeling (PLS software 2.0). The final model is made of some conditions that affects its consequences in the pandemic crisis: a). causal conditions, including the reduction of demand for services and products of tourism, which is the result of the outbreak of the disease, the obligation to comply with health protocols due to the pandemic, the reduction of people's purchasing power, and the environmental and legal limitations; b) contextual conditions, including the basic infrastructure required for tourism services development, the culture and determination of the whole society for controlling COVID19 and integration of the tourism industry supply chain, and the potential power and resilience of all businesses in the industry; c). interventionist conditions, including the intensity of pandemic and the risk of investing during the period; and d). strategic model of the tourism industry using the entrepreneurial approach, including the use and development of IT based tools for smart traveling, crisis management in the tourism industry, the extension of domestic tourism holding health protocols in line with boosting domestic tourism. The results showed that tourism that uses an entrepreneurial approach will achieve such consequences as maintaining and improving tourism businesses, strengthening tourism industry, and making a new tourism market for the post-COVID era if it takes such strategies as the cyberspace tourism development, crisis management in tourism industry, the development of domestic tourism while emphasizing following health protocols, and focusing on the development of tourism infrastructure.

Keywords: Tourism Model, Entrepreneurship, Pandemic Crises, Virtual Tourism

1. Corresponding author. Email: m.soleymanpor@pnu.ac.ir

Analysis of Spatial Inequality of Formal and Informal Settlements in Neighborhoods of Tehran's District Two

Ahmad Pourahmad ¹

Professor in Geography and Urban Planning, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

Hossein Hataminejad

Associate Professor in Geography and Urban Planning, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

Shahram Charkhan

MSc in Geography and Urban Planning, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 4 March 2021

Accepted: 25 July 2021

Abstract

Achieving development requires a balance in the city that manifests itself in the form of spatial justice in the city. Establishing social justice and spatial justice are the solution to many shortcomings and anomalies in the city. In this process, informal settlement and spatial inequality are considered as centers of instability and conflict which are related to each other through similar processes. This study aimed to investigate the structural factors affecting the spatial justice indicators of informal settlements in Tehran's District 2, through doing factor analysis, spatial statistics in the GIS environment, a comparative comparison of spatial inequality of informal neighborhoods, and analysis of social, economic and welfare-physical indicators of these neighborhoods. The results show that the neighborhoods of District 2 of Tehran are not in a good condition in terms of having the studied indicators. The neighborhoods of Shahr-e Gharb and Punak are in the best condition and Islamabad and Farahzad are in the worst condition of the mentioned indicators. In contrast to the low-income neighborhoods such as Islamabad and Farahzad, in high quality neighborhoods, some prosperous people use different interests, which shows relatively precise engineering, science, technology, architecture, etc. (production of a space resulted from welfare). In contrast, a space that is formed only on the basis of simple needs of the poor is declining in every day (producing a space resulted from poverty), contributes to the increasing inequality of Islamabad, Farahzad, and even Kuhsar neighborhoods. This indicates that in some neighborhoods, the simultaneous existence of money, capital, power, rent, etc., dominates the space and causes the formation of unequal space in the whole region and adjacent areas in the spatial structure of District Two.

Keywords: Informal Settlements, Spatial Inequality, Space Production, Real Estate Bourgeoisie, District Two

1. Corresponding author. Email : apoura@ut.ac.ir

Analyzing Border Measures and Presenting an Appropriate Model to Prevent the Smuggling of Drugs (Case Study: Sistan and Baluchestan Province)

Amin Honarjoo

PhD Student in Political Geography, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

Hojjat Mahkouei ¹

Department in Political Geography, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

Mehdi Momeni

Department in Geography, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

Amir Gandamkar

Department in Geography, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

Received: 28 January 2021

Accepted: 10 May 2021

Abstract

Global and regional issues and challenges of nations are constantly evolving. One of these challenges is the problem of drug production and trafficking. The issue of drug trafficking is a major social, political, economic, cultural and security problem. Borders have been a frequent source of tension between governments and have strongly influenced the interaction between people living in neighboring areas. Border is one of the most important elements related to internal security; an issue that has been associated with relative instability in some neighboring countries, namely Afghanistan and Pakistan. This has led to security threats and numerous security incidents inside Iran. Blocking the eastern borders of Iran has a special priority, due to the various security concerns. Since borders, especially land borders, are the main gateways for drug smuggling, border measures play an important role in preventing such traffic. This study, which aimed to investigate the appropriate border measures to prevent drug trafficking from the borders of Sistan and Baluchestan province, was conducted using the qualitative method and has a descriptive-analytical nature. This study, based on its goals, should prove to be practical through the use of its outcomes in the required Political, spatial, economic and social planning and studies of border provinces. The statistical population of this study are a number of experts in the field of border security, including military and law enforcement border guards, forces working in the anti-narcotics headquarters, governorates, and also professors and experts in geographical sciences. The findings show that the best way to secure the eastern borders of Iran is the implementation of a coordinated patrol and inspection management model by the governments of Iran, Pakistan and Afghanistan with the cooperation and assistance of the three countries.

Keywords: Border Measures, Drug Trafficking, Sistan and Baluchestan Province

1. Corresponding author. Email: hojat_59_m@yahoo.com

The Creation of Scenarios Affecting the Achievability of the Indicators of Happy City (Case Study: Urmia City)

Hassan Hekmatnia

Associate Professor in Department of Geography and urban planning, Payam Noor University, Yazd, Iran

Mirnajaf Mousavi ¹

Professor in Department of Geography, Urmia University, Urmia, Iran

Mohammad Rasooli

PhD in Geography and Urban Planning, Zanzan University, Zanzan, Iran

Sharareh Saeedpour

PhD student in Geography and Urban Planning, Tabriz University, Tabriz, Iran

Received: 11 January 2021

Accepted: 7 December 2021

Abstract

The research is a futures study of the indicators of a happy city in Urmia to understand the future of the city, identifying possible situations ahead in the form of a scenario. This can help to take appropriate plans and policies for making a happy city. The study used a descriptive-analytical method. Twenty nine indicators were used for explaining the happy city of Urmia. Mental model was used for assessing the relationship between indicators and identifying the main factors, COPRAS model was used for leveling regions, Fuller model was used for weighing, and GIS was used for visual representations. The results showed that from among the 29 indicators, 8 indicators were identified as critical factors for achieving the happy city of Urmia: green spaces, designing attractive spaces, using rationally from urban spaces, making the sense of freedom, security, the cleanliness of the environment, identity-making elements, and memorable spaces. Moreover, the results of the scenario wizard showed that 19 scenarios are possible for the happy city of Urmia. The results of the study showed that achieving the desired scenarios with the following characteristics are more possible than others: the per capita green space of the city has raised while the citizens' sense of responsibility has increased, and as a result, has improved the level of environmental cleanliness of the city; moreover, the attention to the citizens' security and comfort has increased such that they feel more freedom in the city and have regained their own desirable psychological and spiritual peace, and the city has been made a memorable space for citizens as they more feel that they belong to the city. All these indicate that all indicators of happy city is possible for Urmia providing the suggestions of the study are taken serious and implemented.

Keywords: Happy City, Fuller Model, Mental Model, Urmia

1. Corresponding author. Email: m.mousavi@urmia.ac.ir

An Analysis of Health Competitiveness Indicators in Iran Provinces Using MABAC Technique

Robab Hoseinzadeh ¹

Assistant Professor, Department of Geography and Urban Planning, Payame Noor University, Tehran, Iran

Received: 7 January 2021

Accepted: 22 June 2021

Abstract

The main purpose of this study is to assess the level of health and competitiveness in 31 provinces of the country. The research method used is of descriptive-analytical and applied type in terms of targeting. Thirty-six indicators in the form of two main components (work force and infrastructure) were collected using data from the Statistics Center of Iran in 2019. Generalized Shannon entropy models, MABAC analysis and Moran's Global spatial correlation (Moran's I), geographic weight regression in Arc GIS 10.3 software were used to analyze the data. As for health-competitiveness, the results of this study showed that Tehran Province is in the first place both in terms of manpower and infrastructure, gaining MABAC score (0.621) and that there was a huge difference with this province and the next provinces, including Khorasan Razavi and Fars with points (0.346) and (0.281), respectively. Tehran Province is in the first place in terms of work force and infrastructure, but Khorasan Razavi Province is in the second place in terms of work force and Fars Province is in the second place in terms of infrastructure. Qom Province is in the last place with MABAC score (-0.15). Moran's index in work force and institutional index is less than one, which is a sign of the dominant pattern of distribution of indicators randomly and without planning. While analyzing the effect of population on health indicators using geographical weight regression, it was found that the provinces of Fars, Khorasan Razavi, Mazandaran and Khuzestan were most affected by their population; however, this relationship was negative for Tehran Province and for the provinces of Alborz and Qom. Meanwhile, the relationship between population density and the amount of health indicators in them showed a negative relationship or no effect.

Keywords: Competitiveness, Health, MABAC analysis, Moran index, Iran provinces

1. Corresponding author. Email: r.hos@pnu.ac.ir

The Meta-Qualitative Analysis of the Methodology and the Research Findings on Border Markets in Iran

Mohsen Janparvar

Assistant Professor in Political Geography, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Sajed Bahrami Jaf ¹

PhD Candidate in Political Geography, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Reyhaneh Salehabadi

PhD in Political Geography, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Darya Mazandarani

PhD Candidate in Political Geography, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Received: 2 January 2021

Accepted: 18 July 2021

Abstract

Border regions have some characteristics such as geographic isolation, distance from the poles of economic, industrial growth, marginalization as well as underdeveloped social, political, economic and cultural dimensions compared to the central regions of countries. One of the ways to develop and regulate these areas is the construction of border markets by governments. Due to the contact of these areas with the external environment, border markets have caused spatial exchanges and links across borders and have reduced vulnerability and threats in these areas. Therefore, the attention to the cross-border market has been of great importance to scholars of various sciences. Extensive research has been done to investigate the characteristics and dimensions of these markets. This article is a meta-analysis approach to review articles and theses published in *Pesion* until 2018. Meta-analysis is used as a way to integrate the results of diffuse research into a new perspective for the development of human knowledge. Therefore, the findings of the study show that tourism, socio-economic development, economic-physical, political-security, regional sustainable development of the use of composite indicators are the strengths of the research, whereas lack of attention, the development of the areas, the increasing attention to the security aspects of the border areas, and the lack of reflective validity and reliability of the research method are the weaknesses of the research. As all research has only been theoretically concerned; therefore, no practical view has been put forward by experts to strengthen the national border market.

Keywords: Border Markets, Meta-Analysis, Persian Articles, Persian Theses

1. Corresponding author. Email: s.bahrami@um.ac.ir

Investigating the Effects of Social Empowerment on the Political Participation of Rural Women (Case Study: Tabriz County)

Vakil Haidari Sarban ¹

*Full Professor of Geography and Rural Planning, Department of Geography,
Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran*

Received: 20 December 2020

Accepted: 20 November 2021

Abstract

Political participation refers to voluntary activities undertaken by the mass public to influence public policy, either directly or by affecting the selection of individuals who make policies and factors, and this important interest is done with the help of women's empowerment. The empowerment of women is not a new phenomenon; it has been mentioned in all countries of the world for various reasons. What distinguishes the current approach of women's empowerment from the traditional one is the shift from a focus on developing and promoting women's social welfare to a focus on empowering them to improve political participation from a political, economic, social and cultural perspective in the present age. The purpose of this paper is to study the effects of social empowerment on political participation of rural women in Tabriz County. The research method was a descriptive/correlational design of survey type. The statistical population in the study includes all rural women over 15 years of age in rural region of Tabriz County (N=31204). Then, 380 people using the Cochran's formula and simple random sampling method as the statistical samples were selected. The content and face validity of the instrument was specified after several reviews and correction by the faculty members at university and also several experts at administrative offices. The reliability analysis was conducted and Cronbach's alpha values for the various sections of the instrument were estimated to be between 0.79 and 0.89. The results of this study showed that except for two variables of social cooperation and social interaction, there is a significant relationship between the improvement of rural women's political participation and all variables of social empowerment (social participation, social trust, social cohesion, social satisfaction, social responsibility, and social value). Rural women's political participation can be enhanced by applying the results of the study and improving different elements of social trust, social participation, social cohesion, satisfaction, and responsibility. Through this, they can recognize their own agency and individual authority in deciding their own social destiny and try to keep it.

Keywords: Participation, Political Participation, Social Empowerment, Social Development, Rural Development, Tabriz County

1. Corresponding author. Email: vheidari56@gmail.com

An analysis of Factors Affecting Economic Diversity in Border Villages of Western Iran (Case Study: Marivan City)

Seyed Hadi Tayebnia ¹

Assistance Professor in Geography and Rural Planning, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran

Reza Khosrobigi Bozcheloei

Associate Professor in Geography and Rural Planning, University of Hakim Sabzevari, Sabzevar, Iran

Received: 18 November 2020

Accepted: 25 September 2021

Abstract

Today, the results of studies indicate that most of the projects and activities of the World Bank, which has carried out to diversify the economy in rural areas of Third World countries, have been aimed at diversifying non-agricultural incomes. Due to the limited agricultural expansion and the vulnerability of the natural environment in case it is under pressure and the incompatibility of such conditions with the principles of sustainable development, agricultural activities do not have much potential for diversification. The purpose of this study is to investigate the factors affecting the diversification of economic activities in border villages. The border villages of Marivan have been selected as a case study. This research uses an applied and descriptive-analytical method in terms of its purpose. In this research, the statistical population is the villages of Marivan. The villages located 10 km from the international border of Iraq were considered as the sample of this study due to their high impact from the border. According to $n \propto$ formula, 18 villages were selected as the sample through stratified sampling. To determine the number of sample households, Cochran's formula was used; accordingly, 334 questionnaires were distributed among the households in the selected villages. Descriptive graphs and Friedman Student's t-tests were also used to analyze the data. The factors affecting the diversification of economic activities were classified into four categories: economic, social, natural and border location. The average ranks for the above factors were 2.11, 2.07, 3.03 and 2.79, respectively. Social and economic factors, environmental capabilities and border position had effects on the diversification of economic activities in this region. Of all these factors, environmental capabilities and border position were found to play a role in diversifying the rural economy of the region more than other factors (i.e. economic and social factors).

Keywords: Sustainable Rural Development, Rural Economy, Diversity, Border, Marivan

1. Corresponding author. Email: tayebnia@gep.usb.ac.ir

Immigrants' Adaptation and Place Identity: Relationships and Moderators (Case Study: Immigrants Resided in Isfahan City)

Raana Shaykh-Baygloo¹

Assistant Professor in Geography and Urban Planning, Shiraz University, Shiraz, Iran

Zahra Soltani

Assistant Professor in Geography and Rural Planning, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Received: 8 November 2020

Accepted: 15 March 2021

Abstract

Migration, with whatever intention and goal, is a process which requires certain steps, one important of which is the adaptation to the destination environment and community. In the adaptation process, immigrants' behavioral patterns change, and some main aspects of their personal identity are affected. Explaining the extent and type of immigrants' adaptation to the conditions of the new environment can be effective in clarifying many phenomena related to the migration. With this in mind, the paper investigates the effect of different dimensions of adaptation on place identity using a sample of 385 immigrants from other urban and rural settlements living in Isfahan and examines the moderating role of some variables. The analysis of the data was carried out using various statistical tests, applying SPSS software and process extension. The results of one-sample t-test showed that the mean value of three variables of immigrants' adaptation including psychological, social and environmental adaptation was above average level ($p\text{-value} < 0.001$). The results of regression analysis showed that adaptation would positively and significantly influence place identity, in such a way that 52 percent of the variance of immigrants' place identity would be explained by psychological, environmental and social adaptation. Based on the findings, the variables of education and length of residence play a moderating role regarding the relationship between environmental adaptation and immigrants' place identity. However, the moderating role of the variables of gender, age and provincial origin of migration in the relationship between different dimensions of adaptation and spatial identity of migrants was not confirmed.

Keywords: Migration, Adaptation, Place identity, Isfahan Metropolis

1. Corresponding Author. Email: r_shaykh@shirazu.ac.ir

Identifying the Factors Affecting the Urban Livability with Structural-Interpretative Modeling Approach (Case Study: Ilam City)

Fateme Piri ¹

PhD Candidate in Geography and Urban Planning, Shaid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Saeed Maleki

Professor Department of Geography and Urban Planning, Shaid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Zahra Abedi

Master of Geography and Rural Planning, Birjand University, Birjand, Iran

Received: 12 October 2020

Accepted: 27 April 2021

Abstract

The rapid growth of cities has brought about fundamental changes in the lives of residents. The problems in the cities show the lack of sustainability indicators in them. Therefore, the livability indexes are very important to study them. The main purpose of this paper is to identify and classify the factors affecting the livability of Ilam City using interpretive structural modeling technique. The present study is a descriptive survey in terms of applied purpose and the data collection tool is a questionnaire. By reviewing the literature and content analysis and Delphi technique, 16 indicators affecting the livability of Ilam City were identified, and then the internal relationships between them were examined using the ISM method. Then, the type of variables was determined according to the impact on other variables. The results showed that the city of Ilam is classified into six levels based on the factors affecting the livability and the five factors such as fair distribution of infrastructure facilities and services, adequate housing, having a suitable job and income, the amount of goods and services, proper quality of roads and streets with respectively are considered to be the most influential variables of livability in Ilam City. As a result, each plan or action to start and improve the livability of Ilam City must pay attention to the key and basic role of these factors. Accordingly, the first general dimensions affecting the livability of Ilam City include economic dimensions and in the later stages, environmental dimensions and social dimensions. Furthermore, none of the enablers were in the autonomous group according to MICMAC analysis, which would show the importance of all enablers in the livability of Ilam City.

Keywords: Urban Livability, Interpretive Structural Modeling, Quality of Life, Ilam

1. Corresponding Author. Email: fatemepiri607@yahoo.com

Factors Affecting the Improvement of Public Spaces of Villages of Lorestan Province

Zahra Sharifinia ¹

Department of Geography and Tourism Planning, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran

Somayeh Hagh Nazari

MSc in Rural Development, Birjand University, Birjand, Iran

Received: 2 January 2020

Accepted: 16 December 2020

Abstract

Public space includes all areas that are open and accessible to members of the public in a community. The main function of public spaces is to pave the way for the presence of people. Therefore, strengthening desirable public spaces in rural areas has an effective role on participation, welfare, and comfort of the people, environmental protection and sustainable development. The study aimed at exploring the factors affecting the improvement of public spaces in the villages of Lorestan province. It sought to know that what factors have played the greatest role in improving public spaces. This applied study used a descriptive-analytical method. Documents and field studies were used to collect the data and for analyzing the data descriptive statistics, including mean, standard deviation and variance, and inferential statistics, including factor analysis and analysis of variance were used. The results of factor analysis showed that seven factors, having a total of 55.274% of the variance, explain the relationships between the indicators. The highest portion belongs to the first factor with 10.531% and the lowest portion is the seventh factor with 6.178%. Moreover, the analysis of variance test showed that there was a significant difference between the factors at the alpha level of less than 0.05. The results of the study showed that the diversity of attractions, visual qualities, interaction and communication, socio and cultural issues, educational and health factors, equipment, economic issues, and recreational issues are the most important factors, respectively. So, paying attention to public spaces can strengthen human societies and provide the grounds for improving the activities, vitality, and civic life of rural communities.

Keywords: Public Spaces, Effective Factors, Villages of Lorestan Province

1. Corresponding author. Email: sharifinia@iausari.ac.ir

An Analysis of the Vulnerability of Cultural-Historical Contexts in the Traditional Bazaars in Iranian Islamic Cities (Case Study: Isfahan Bazaar)

Ali Zangiabadi ¹

Associate Professor in Geography and Urban Planning, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Sara Mirzaei

PhD Candidate in Geography and Urban Planning, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Received: 4 March 2018

Accepted: 11 December 2018

Abstract

The Isfahan Bazaar, the most important center of trade and commerce in Isfahan and even in Iran, is located in the center of the old texture of the city. Today, the ever-increasing population and urban development, together with the old texture of bazaar as well as its intertwined and narrow paths, have all increased the vulnerability of the bazaar. This situation gets even more complex and complicated if some hazards such as fire, water pipe explosion, gas line explosion, earthquakes or human disasters including social crises happen. The main purpose of this study is to review and analyze the vulnerability of the buildings of Isfahan's traditional bazaar. The research method is of descriptive-analytic and survey type. This study was done in the area of commercial and service units of the Isfahan Bazaar from Hassan-Abad bazaar in the southeast of Imam Square to Jame' Mosque in the northwest of this part of the city. Data were collected through field survey of the commercial units. By applying these elements into the base maps of Isfahan's municipalities and using 6 indicators (exhaustion, age, population density, building density, number of floors and compressed texture), the vulnerability status of bazaar was then analyzed within the Arc GIS area by spatial analyst technique. The results of the study showed that the Isfahan Bazaar and its surrounding areas have high vulnerability of the buildings (70 %), and the bazaar is more than 30 years old. Network access in this area is not efficient enough at crisis times. Based on the findings of the present study, the most important factors in increasing vulnerability include the quality and the age of the building and its inefficient access to the network.

Keywords: Isfahan, Vulnerability, Traditional bazaars, Cultural- historical contexts, Crisis Management

1. Corresponding author. Email: a.zangiabadi@geo.ui.ac.ir

Contents

Page

- **An Analysis of the Vulnerability of Cultural-Historical Contexts in the Traditional Bazaars in Iranian Islamic Cities (Case Study: Isfahan Bazaar)** 1
Ali Zangiabadi, Sara Mirzaei
- **Factors Affecting the Improvement of Public Spaces of Villages of Lorestan Province.....** 2
Zahra Sharifinia, Somayeh Hagh Nazari
- **Identifying the Factors Affecting the Urban Livability with Structural-Interpretative Modeling Approach (Case Study: Ilam City).....** 3
Fateme Piri, Saeed Maleki, Zahra Abedi
- **Immigrants' Adaptation and Place Identity: Relationships and Moderators (Case Study: Immigrants Resided in Isfahan City).....** 4
Raana Shaykh-Baygloo, Zahra Soltani
- **An analysis of Factors Affecting Economic Diversity in Border Villages of Western Iran (Case Study: Marivan City).....** 5
Seyed Hadi Tayebnia, Reza Khosrobigi Bozcheloei
- **Investigating the Effects of Social Empowerment on the Political Participation of Rural Women (Case Study: Tabriz County).....** 6
Vakil Haidari Sarban
- **The Meta-Qualitative Analysis of the Methodology and the Research Findings on Border Markets in Iran.** 7
Mohsen Janparvar, Sajed Bahrami Jaf, Reyhaneh Salehabadi, Darya Mazandarani
- **An Analysis of Health Competitiveness Indicators in Iran Provinces Using MABAC Technique** 8
Robab Hoseinzadeh
- **The Creation of Scenarios Affecting the Achievability of the Indicators of Happy City (Case Study: Urmia City).....** 9
Hassan Hekmatnia, Mimajaf Mousavi, Mohammad Rasooli, Sharareh Saeedpour
- **Analyzing Border Measures and Presenting an Appropriate Model to Prevent the Smuggling of Drugs (Case Study: Sistan and Baluchestan Province)** 10
Amin Honarjoo, Hojjat Mahkouei, Mehdi Momeni, Amir Gandamkar
- **Analysis of Spatial Inequality of Formal and Informal Settlements in Neighborhoods of Tehran's District Two** 11
Ahmad Pourahmad, Hossein Hataminejad, Shahram Charkhan
- **Creating and Explaining Entrepreneurial Tourism Model during COVID-19 Pandemic (Case Study: East Azerbaijan an West Azerbaijan Provinces).....** 12
Moslem Soleymanpoor, Mohammadtaghi Amini, Yazdan Shirmohammadi, Ali Shahnazari

ABSTRACTS

In the Name of Allah



Ferdowsi University of Mashhad

**Journal of Geography and Regional
Development**

**Vol 19, No. 1, Spring & Summer 2021,
Serial Number 36**

License Holder
Ferdowsi University of Mashhad

General Director
Dr. M. R. Rahnama

Editor-in-Chief
Dr. H. Shayan

Editorial Board

Dr. A. Roknoddin Eftekhari
Tarbiat Modarres University, Tehran

Dr. M. Ahmadiyan
Islamic Azad University Mashhad
Branch

Dr. K. Hoseinzade Dalir
University of Tabriz, Tabriz

Dr. S. R. Hoseinzadeh
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. M. R. Rahnama
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. M. J. Zomorodiyan
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. H. Shayan
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. H. Kamran
University of Tehran, Tehran

Dr. S. H. Motiee Langroodi
University of Tehran, Tehran

Dr. E. Mafi
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. S. Velayati
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Internal Editor:
Dr. R. Doostan
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

English Language Editor:
A. Nowruzy

Editing References:
Dr. S. M. Fazaeli

Persian Editing of Articles:
F. Seyedi Farkhad

Excutive Manager:
Z. Baniasad

Typesetting:
E. Tajvidy

Publisher:
Ferdowsi University of Mashhad Press

Circulation: 30
Price: 20000 Rials
Subscription:
25 US\$ (USA)
20 \$ (other)

Address:
Faculty of Letters & Humanities
Ferdowsi University Campus
Azadi Sq. Mashhad-Iran
Postal Code:
9177948883
Tel: (+98 513) 8806724
Fax: (+98 513) 8807060
E-mail:
jrd@ferdowsi.um.ac.ir
Website:
<http://jgrd.um.ac.ir/>



Ferdowsi University of Mashhad

Journal of Geography and Regional Development

(Peer-reviewed Journal)

Vol 19, No. 1, Spring & Summer 2021, Serial Number 36

- An Analysis of the Vulnerability of Cultural-Historical Contexts in the Traditional Bazaars in Iranian Islamic Cities (Case Study: Isfahan Bazaar) 1
Ali Zangiabadi, Sara Mirzaei
- Factors Affecting the Improvement of Public Spaces of Villages of Lorestan Province 2
Zahra Sharifinia, Somayeh Hagh Nazari
- Identifying the Factors Affecting the Urban Livability with Structural-Interpretative Modeling Approach (Case Study: Ilam City) 3
Faterme Piri, Saeed Maleki, Zahra Abedi
- Immigrants' Adaptation and Place Identity: Relationships and Moderators (Case Study: Immigrants Resided in Isfahan City) 4
Raana Shaykh-Baygloo, Zahra Soltani
- An analysis of Factors Affecting Economic Diversity in Border Villages of Western Iran (Case Study: Marivan City) 5
Seyed Hadi Tayebnia, Reza Khosrobigi Bozcheloei
- Investigating the Effects of Social Empowerment on the Political Participation of Rural Women (Case Study: Tabriz County) 6
Vakil Haidari Sarban
- The Meta-Qualitative Analysis of the Methodology and the Research Findings on Border Markets in Iran 7
Mohsen Janparvar, Sajed Bahrami Jaf, Reyhaneh Salehabadi, Darya Mazandarani
- An Analysis of Health Competitiveness Indicators in Iran Provinces Using MABAC Technique 8
Robab Hoseinzadeh
- The Creation of Scenarios Affecting the Achievability of the Indicators of Happy City (Case Study: Urmia City) 9
Hassan Hekmatnia, Mirnajaf Mousavi, Mohammad Rasooli, Sharareh Saeedpour
- Analyzing Border Measures and Presenting an Appropriate Model to Prevent the Smuggling of Drugs (Case Study: Sistan and Baluchestan Province) 10
Amin Honarjoo, Hojjat Mahkouei, Mehdi Momeni, Amir Gandamkar
- Analysis of Spatial Inequality of Formal and Informal Settlements in Neighborhoods of Tehran's District Two 11
Ahmad Pourahmad, Hossein Hataminejad, Shahram Charkhan
- Creating and Explaining Entrepreneurial Tourism Model during COVID-19 Pandemic (Case Study: East Azerbaijan and West Azerbaijan Provinces) 12
Moslem Soleymannpoor, Mohammadtaghi Amini, Yazdan Shirmohammadi, Ali Shahnazari

ISSN: 2008-1391